دوستی

در قرآن و حدیث

محمد محمدی ری شهری

دوستی در قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : المحبه فی الکتاب و السنه. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور : دوستی در قرآن و حدیث/ محمدی ری شهری؛ همکار محمد تقدیری؛ ترجمه حسن اسلامی.

وضعیت ویراست : [ویراست 2].

مشخصات نشر : قم : دارالحدیث ، 1383.

مشخصات ظاهری : 784 ص.

فروست : مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ 19.

شابک : 35000 ریال 964-5985-28-5 : ؛ 50000 ریال : چاپ سوم: 978-964-5958-28-0

یادداشت : چاپ سوم: 1386.

یادداشت : کتابنامه: ص. [759] - 770؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : دوستی -- احادیث

موضوع : احادیث اهل سنت

موضوع : احادیث شیعه

شناسه افزوده : تقدیری، محمد، 1343 -

شناسه افزوده : اسلامی، سیدحسن، 1339 -، مترجم

رده بندی کنگره : BP141/5 /د9 م 38041 1383

رده بندی دیویی : 297/218

شماره کتابشناسی ملی : م 84-33008

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

پیش گفتار چاپ دوم

اشاره

پیش گفتار چاپ دومالحمد للّه رب العالمین والصلاه والسلام علی عبده المصطفی محمّد وآله الطاهرین و خیار صحابته أجمعین. امروز ، جهان ، بیش از هر وقت دیگر ، تشنه دوستی و الفت و مهر و محبّت است. در دنیای امروز که بدبینی ، کینه توزی ، خشونت و ترور بر جهان حکومت می کند ، جامعه بشری بیش از هر زمانی احساسِ نیاز به کیمیای محبّت دارد. کیمیای محبّت ، اصلی ترین عامل تنش زدایی در سطح بین الملل و تنها راه رسیدن به صلح همه جانبه و فراگیر است. امّا باید توجّه داشت که تنها با سخن و شعار و گفتگو ، نمی توان به این کیمیا دست یافت . راه اصلی دست یابی به این کیمیا ، خودسازی و اصلاح فرهنگ عمومی است و نخستین گام در این راه ، مبارزه با عوامل کینه و نفرت ، و گام دوم ، ایجاد و تقویتِ بنیادهای مهر و محبّت است .

.

بهترین آموزگار محبّت

بهترین آموزگار محبّتحرکت در این راه ، نیاز به تربیت ، آموزش و آموزگار دارد و بهترین و بزرگ ترین آموزگارِ مهر و محبّت ، همان مهربان ترین مهربانان و آفریدگار جهان است . او که سخن خود را با انسان در قرآن با نام «رحیم» و «رحمان» آغاز می کند (اشاره به این که او نه تنها «مهربان» است و به اهلِ ایمان و انسان های شایسته ، سخت مهر می ورزد ، بلکه «بخشنده» نیز هست) . او همه را دوست دارد و خوب و بد ، از رحمت و محبّت عامّ او بهره می گیرند که : «وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ» . (1) ادیم زمین ، سفره عام اوستچه دشمن بر این خوان یغما ، چه دوست (2) امیر مؤمنان علیه السلام با الهام از این سنّت خدای مهربان ، در منشور حکومت مصر به مالک اشتر می نویسد : وَأشعِر قَلبَکَ الرَّحمَةَ لِلرَّعِیَّهِ ، وَالمَحَبَّةَ لَهُم ، وَاللُّطفَ بِهِم ، وَلا تَکونَنَّ عَلَیهِم سَبُعا زارِیا تَغتَنِمُ أکلَهُم ، فَإِنَّهُم صِنفانِ : إمّا أخٌ لَکَ فِی الدّینِ ، وَإمّا نَظیرٌ لَکَ فِی الخَلقِ؛ (3) احساس رحمت ، محبّت و لطفِ به شهروندان را بر دلت بپوشان و بر آنان ، درنده ای آسیب رسان مباش که خوردن شکارش را غنیمت داند ؛ چرا که آنان ، دو دسته اند : دسته ای برادرِ دینی تو اند ، و دسته ای دیگر ، در آفرینش ، همانندِ تو.

.

1- .سوره اعراف ، آیه 156 .
2- .بوستان سعدی : دیباچه .
3- .نهج البلاغه ، نامه 53 .

و نیز می فرماید : أَبلَغُ ما تَستَدَرُّ بِهِ الرَّحمَةَ أن تُضمِرَ لِجَمیعِ النّاسِ الرَّحمَةَ . (1) بهترین راه جذب رحمت [و مهربانیِ]الهی این است که [در دل ،]نیّتِ رحمت [و مهربانی]به همه مردم داشته باشی. باری ، آفریدگار مهربان ، نه تنها بزرگ ترین آموزگار دوستی است ، بلکه همه مهرورزی ها ریشه در رحمت و محبّت او دارند و بدون پیوند با او ، هیچ محبّتی نمی پاید و هیچ کینه و دشمنی ای از جهان رخت برنخواهد بست و آرزوی فراگیر شدن مهر و دوستی در جامعه بشری و حاکمیّت صلح همه جانبه هرگز تحقّق نخواهد یافت . کتاب دوستی در قرآن و حدیث ، شرح این اجمال است . انتشار نسخه اصلی (عربی) این کتاب ، مورد استقبال فرهیختگان جهان اسلام قرار گرفت تا آن جا که برخی از چهره های علمی جهان اسلام ، ضمن تأکید بر نیاز همه مسلمانان به این نوشتار ، پیشنهاد انتشار آن را در سطح گسترده در جوامع اسلامی ارائه کردند . به دنبال این پیشنهاد ، از سویی کتاب دوستی مورد تلخیص قرار گرفت و در نتیجه آنچه مربوط به مهرورزی انسان به خداوند منّان می شد ، با عنوان : کیمیای عشق ، و آنچه مربوط به مهرورزیِ انسان ها نسبت به یکدیگر می شد ، با عنوان : راهنمای محبّت ، منتشر گردید ، و از سوی دیگر ، با عنایت به استقبال از متن اصلی کتاب و ترجمه فارسیِ آن و پیشنهاد برخی اصلاحات ، در چاپ دوم با نگاهی دقیق تر، متن و ترجمه آن بازبینی شد و اصلاحاتی در آن به عمل آمد و در

.

1- .غرر الحکم : 3353 .

رؤیایی شگفت!

مواردی پانوشت هایی به متن و ترجمه افزوده گردید . این اقدام سودمند به وسیله جناب آقای عبدالهادی مسعودی که مسئولیت گروه «موسوعه نگاری» مرکز تحقیقات دار الحدیث را به عهده دارند ، انجام پذیرفت که بر خود فرض می دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از ایشان ابراز دارم . به امید روزی که با بهره گیری از رهنمودهای سازنده اسلام ، قلب مردم جهان ، مالامال از محبّت و عشق به خدای سبحان شود ، طبعا چنین عشقی ، الفت و سازگاری مردم با یکدیگر را نیز در کامل ترین شکل آن در پی خواهد داشت.

رؤیایی شگفت!در پایان ، جالب است به رؤیایی شگفت انگیز درباره ترجمه این کتاب به زبان اردو ، اشاره کنم : ترجمه کتاب دوستی به زبان اردو ، اخیرا به وسیله «مؤسسّه امام المنتظر» و با همّت حجه الاسلام جناب آقای سیّد نیاز نقوی منتشر شد . ایشان نقل کرد که کارِ تایپ و تنظیم ترجمه کتاب به زبان اردو ، به عهده دامادش آقای سیّد محمّد رضا نقوی بود که مدّتی پیش در سنّ 27 سالگی به رحمت ایزدی پیوست ؛ رضوان اللّه تعالی علیه! دو روز پس از وفات وی ، یکی از دوستانش آقای سیّد ظهیر الحسنین شیرازی که از نقش مرحوم سیّد محمّد رضا در تنظیم ترجمه کتاب دوستی به زبان اردو بی اطّلاع بوده ، به وی (آقای سیّد نیاز نقوی پدر خانم آن مرحوم) مراجعه می کند و می پرسد : جریان کتاب محبّت چیست؟ چون من او را در عالم رؤیا دیدم و گفت : «مشکل من (در عالم برزخ) به خاطر مفاتیح الجنان و کتاب محبّت حل

.

شد» ... . با توجّه به این که بیننده خواب ، از جریان کارِ آن مرحوم در مورد این کتاب بی اطّلاع بوده ، می توان اطمینان یافت که این رؤیا از رؤیاهای صادقه است . لذا از آقای نقوی خواستم که آقای سیّد ظهیر ، عین آنچه را در رؤیا دیده ، برایم بنویسد . ایشان نوشت : بنده چند سالی با مرحوم آقای سیّد محمّد رضا نقوی اعلی اللّه مقامه آشنایی و رفاقت داشتم . او دو روز بعد از وفاتش به خواب من آمد (شب چهارشنبه نزدیک اذان صبح) و به من گفت : «حالم بسیار خوش است . زیاد به فکر من نباشید . فقط در دعاها مرا فراموش نکنید . بعضی ها به من می گفتند : همیشه مشغول کار تایپ و تنظیم کتاب ها هستی و داری وقتت را ضایع می کنی ؛ [امّا]تایپ و تنظیم کتاب مفاتیح الجنان و المحبّه فی الکتاب والسنه (به اردو) ، خیلی به دردم خورد و باعث نجاتم شد! آری ، آنچه بیش از هر چیز دیگر ، برای انسان در این جهان و جهانِ پس از مرگ ، کارساز است ، کیمیای محبّت است : یک جو ثمر نمی برد از خرمنِ کمالدر دل ، هر آن که تخم محبّت نکِشته استإلهی! لم یکن لی حول فأنتقل به عن معصیتک إلاّ فی وقت أیقظتنی لمحبّتک ، فانهج لی إلی محبّتک سبیلاً سهله أکمل لی بها خیر الدنیا والآخره . محمّد محمّدی ری شهری 10 / 9 / 1382 6 / 10 / 1424

.

ص: 12

..

ص: 13

پیش گفتار چاپ اوّل

اشاره

پیش گفتار چاپ اوّلالحمد للّه رب العالمین والصّلاه والسّلام علی عبده المصطفی محمّد وآله الطّاهرین وخیار صحابته أجمعین . کتابی که در برابر شماست ، ششمین کتاب مستقل از مجموعه آثار حدیثی موضوعی مرکز تحقیقات دارالحدیث و حاصل سال ها تتبّع و تحقیق در این مرکز ، در باره اصلی ترین مسئله تربیتی در اسلام ، یعنی «محبّت» است . این کتاب، برای نخستین بار در تاریخ حدیث ، مجموعه متون دینی اسلام را در موضوع محبّت ، با نظامی نو ، آسان یاب و کاملاً ابتکاری در اختیار پژوهشگران مسائل اسلامی قرار می دهد . امیدواریم انتشار این کتاب ، گامی باشد در جهت کاهش تنش ها در کشورهای اسلامی ، نزدیک کردن دولت ها و ملّت های مسلمان به یکدیگر ، بازگرداندن مجد و اقتدار و عزّت و عظمت امّت اسلام ، و ساختن امّتی نمونه بر اساس محبّت و برادری .

.

روش تحقیق

روش تحقیقروش ما در گزینش ، ثبت و نشانی دهی در این مجموعه ، از این قرار است : 1 . تلاش شده تمامی روایات مربوط به یک موضوع ، از مصادر روایی شیعه و اهل سنّت ، پس از یادداشت برداریِ مستقیم ، با کمک گرفتن از نرم افزارهای رایانه ای گرد آیند ، و سپس جامع ترین ، استوارترین و کهن ترین مصدر ، گزینش شود . 2 . از تکرار روایات ، پرهیز شده ، مگر در موارد ذیل : الف متن ها کاملاً متفاوت و مَرویٌّ عنه ، متعدد باشد ؛ ب نکته مهمی در تفاوت الفاظ ، نهفته باشد ؛ ج تفاوت لفظی در متون شیعی و سنّی وجود داشته باشد ؛ د متن روایت ، کمتر از یک سطر و مربوط به دو باب باشد ؛ 3 . متن های واحدی ، هم از پیامبر صلی الله علیه و آله و هم از یکی از معصومان علیهم السلامنقل شده باشد،که حدیث پیامبر اکرم در متن می آید و روایت سایر معصومان علیهم السلامدر پاورقی. 4 . پس از ذکر آیات در هر موضوع ، روایات به ترتیب معصومان علیهم السلاماز پیامبر اسلام تا امام دوازدهم ، نقل می گردد ، مگر آن که روایتی در تفسیر آیه وارد شده باشد که بر تمامی روایات، مقدّم می شود . 5 . گاه ، هماهنگی چند روایت ، موجب می شود که ترتیب مذکور در بند چهار ، رعایت نشود . 6 . در ابتدای روایات ، فقط نام پیامبر صلی الله علیه و آله و معصوم علیه السلام ذکر می شود ، مگر آن که راوی ، نقل کننده فعل معصوم باشد ، یا سؤال و جوابی در میان باشد ، و یا آن که راوی ، لفظی را در متن آورده باشد که سخن مروی عنه نیست . 7 . با توجه به تعدّد اسامی معصومان علیهم السلام ، نام واحدی برای آنها انتخاب شده که در ابتدای روایت ، ذکر می شود . 8 . مصادر روایات، در پاورقی وبه ترتیب معتبرترین مصدر، تنظیم شده است.

.

9 . در غیر مسائل اصولی ، به ارائه مصدر در پاورقی اکتفا می شود . 10 . در صورتی که دسترس به مصادر اوّلیه ممکن باشد ، حدیث از مصادر اوّلیه نقل می گردد ، بجز نشانی بحارالأنوار در احادیث شیعه و کنزالعمّال در احادیث اهل سنّت که در پایان نشانی ها خواهد آمد . 11 . پس از ذکر مصادر ، گاه با تعبیر «ر . ک : (رجوع کنید :)» ، ارجاعاتی به برخی از منابع داده شده است . در چنین مواردی ، متن ارجاعی تفاوت زیادی با متن نقل شده داشته است . 12 . گاه ، ارجاعات ، به ابواب دیگر همان کتاب است که تناسب محتوایی میان پاره ای از روایات آنها وجود داشته است . 13 . در «درآمد» کتاب و نیز در توضیحات و جمع بندی هایی در پایان برخی فصول و ابواب آمده اند، چشم انداز کلّی روایات کتاب و باب و گاه ، حل پاره ای از دشواری های موجود در احادیث را نشان می دهد . 14 . و مهم ترین نکته ، این که تلاش شده است تا در حدّ امکان ، از طریق تأیید مضمون احادیث باب به وسیله قرائن عقلی و نقلی ، تحصیل وثوق نوعی به صدور مجموعه آنها امکان پذیر باشد . در پایان ، لازم می دانم از همه برادران عزیز «مرکز تحقیقات دارالحدیث» که در تألیف این مجموعه ارزشمند، به گونه ای مرا یاری رساندند ، بویژه از فاضل گرامی جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای محمّد تقدیری که بیشترین تلاش ها را در این زمینه داشتند ، سپاس بگزارم . جزاهُم اللّه ُ عَن أهل بیتِ نبیِّه خیر الجزاء فی الدّارین. محمّد محمّدی ری شهری 19 صفر 1420 14 خرداد 1378

.

ص: 16

..

ص: 17

درآمد

نام های محبّت

درآمدنام های محبّتمحبّت ، عبارت است از احساس میل نسبت به چیزی که برای انسان ، لذّت بخش است . برای تفهیم این معنا در لغت عرب ، نام های بسیاری وضع شده است که در هر یک ، نکته خاصّی مورد توجّه است . ابن قیّم درباره راز کثرت نام های «محبّت» می گوید : از آن جا که فهم این مسمّا شدیدتر و به دل هایشان پیوسته بود،نام هایش نیز نزدشان فراوان تر بود . این عادت عرب است که آنچه دریافتش شدیدتر ، یا اهمّیتش نزدشان بیشتر است ، از سرِ بزرگداشت و یا اهتمامِ به آن و یا محبّت بدان ، نام های بیشتری بر آن می گذارند . مثال مورد نخَست ، اَسَد و سیف و مثال مورد دوم ، داهیه و مثال مورد سوم ، خَمر است که برای این معانی ، نام های فراوانی گذاشته شده است . این دلایل و معانی سه گانه ، در محبّت گرد آمده است . لذا با نزدیک به شصت نام ، (1) آن را نامیده و وصف کرده اند که عبارت اند از : محبّه، علاقه ، هوی ، صبوه ، صبامه ، شغف ،

.

1- .گفتنی است که مؤلف ، بیش از پنجاه نام را ذکر نمی کند .

مقه ، وجد ، کَلف ، تَقَیُّم ، عِشق ، جَوی ، دَنَف ، شجو ، شوق ، خلابه ، بلابل ، تباریح ، سدَم ، غمرات ، وَهَل ، شجَن ، لاعِج ، اکتِئاب ، وَصَب ، حُزن ، کمد ، لذْع ، حُرَق ، سُهد ، أرَق ، لَهْف ، حنین ، استکانه ، تباله ، لَوعه ، فُتون ، جنون ، لمَم ، خَبْل ، رَسیس ، داء المُخامِر ، ودّ ، خلّه ، خِلّم ، فَرام ، هُیام ، تذْلِیه ، وَلَه و تعبّد» . نام های دیگری نیز برای محبّت برشمرده اند که در حقیقت نام های آن نیست ، بلکه از عوامل و احکام به شمار می رود و ما از ذکر آنها خودداری می کنیم . (1) بسیاری از آنچه در کلام ابن قیّم به عنوان اسامی محبّت آمده ، در واقع از مبادی یا احکام محبّت است ، گو این که او خود در تفسیر و تبیین این اسامی ، بدان تصریح می کند . در باره ریشه این اسامی و تعریف هر یک ، سخن بسیار است (2) که نیازی به طرح آن در این مجموعه نیست . آنچه در این جا بحث درباره آن اهمّیت دارد ، تبیین دیدگاه اسلام درباره محبّت است ، در نگاهی عمیق به آنچه این آیین الهی در مورد این خصلت ارزشمند آورده است ، تا مدخل و مقدمه ای باشد برای دقّت و تأمّل لازم در آیات و احادیثی که در ابواب مختلف کتاب ، خواهد آمد .

محبّت از دیدگاه اسلاماز نظر اسلام ، محبّت ، بیشترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی انسانی دارد . ملاحظه متون دینی (نصوص) گردآمده در این کتاب ، به روشنی اثبات

.

1- .روضه المحبین : 31 .
2- .ابن قیّم در کتاب روضه المحبین ، نزدیک به چهل صفحه در این باره بحث کرده است .

دین محبّت

می کند که جامعه مطلوب انسانی در اسلام ، جامعه ای است که بر اساس محبّت مردم نسبت به یکدیگر شکل بگیرد . اسلام می خواهد جامعه ای بسازد که همه مردم ، خود را برادر یکدیگر بدانند و تا سرحدّ ایثار نسبت به هم عشق بورزند ، و این بدان جهت است که هیچ چیز مانند محبّت در ساماندهی جامعه دلخواه انسانی ، کارساز نیست . محبّت ، مؤثّرترین عنصر پرورش انسان های شایسته و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی است . به گفته حضرت سلیمان علیه السلام ، هیچ چیز مانند محبّت ، شیرین نیست . (1) محبّت به قدری شیرین است که همه تلخی های زندگی را با کمک آن می توان شیرین کرد ، و بسیاری از ضعف ها و نابسامانی ها و مشکلات فردی و اجتماعی را می توان به وسیله آن ، جبران نمود و به تعبیر لطیف پیغمبر اسلام : ما ضاقَ مجلسٌ بمتحابَّین . (2) هیچ جایی برای نشستن دو دوست ، تنگ نیست .

دین محبّتاسلام ، برنامه تکامل انسان است . اصلی ترین عناصر این برنامه ، محبّت (مهرورزی) است . عنصر محبّت ، تا آن جا در تحقّق برنامه هایی که اسلام برای پیشرفت جامعه انسانی پیش بینی کرده مؤثر است که امام باقر علیه السلام ، دین اسلام را چیزی جز محبّت نمی داند و می فرماید : هَلِ الدّینُ إلاَّ الحُبُّ ؟ (3)

.

1- .ر . ک : ص 38 (ح 38) .
2- .ر . ک : ص 52 (ح 86) .
3- .ر . ک : ص 351 (ح 864) .

خطر عداوت

آیا دین ، جز محبّت است ؟ خدایی که قرآن به مردم معرفی می کند ، خدایی است مهربان و دوستدار مردم . (1) او آیین اسلام را که دین همه انبیای الهی است ، برپایه های محبّت خود ، استوار کرده است (2) و پایگاه اصلی حکومت اسلامی را عشق و مودّت مردم نسبت به پیشوایان دینی و رهبران سیاسی امّت اسلام قرار داده است . (3)پیشوایان بزرگ اسلام ، برای این که مردم با شیرینی محبّت ، زندگی را شیرین کنند و از برکات این نعمت بزرگ الهی بهره مند شوند ، با جملاتی زیبا و رسا و در ذهن ماندنی ، مانند «رأس العقل» ، (4) «أوّل العقل» (5) و «نصف العقل» ، 6 آن را توصیف کرده اند و مردم را به دوستی و محبّت و الفت نسبت به یکدیگر و افزایش «خویشاوندان محبّتی» تشویق کرده اند ؛ چرا که آنان از اقوام نَسَبی و سببی ، کارسازترند . 7

خطر عداوتدر مقابل محبّت ، عداوت است که هیچ چیز مانند آن برای جامعه ، خطرناک نیست . عداوت ، تلخ ترینِ تلخی هاست . تلخیِ عداوت ، همه شیرینی های زندگی را در کام انسانْ تلخ می کند ، همه نعمت های الهی را به نقمت تبدیل می نماید و همه پیروزی ها را به شکست ، مبدّل می سازد .

.

1- .سوره هود ، آیه 90 ؛ و سوره بروج ، آیه 14 .
2- .ر . ک : ص 407 (ح 954) ؛ ص 431 (تحقیقی در بنیاد محبّت خدا) .
3- .ر . ک : ص 243 (آنان که دوستی شان واجب است) .
4- .ر. ک : ص 31 (ارزش دوستی) .
5- .ر . ک : ص 35 (نزدیک ترین خویشاوندی) و ص 35 (نزدیک ترین خویشاوندی ها) و ص 39 (فضیلت دوست و افزودن دوستان) .

برنامه های اسلام برای ایجاد الفت و محبّت

عداوت ، نه تنها مانع پیشرفت جامعه در زمینه های گوناگون است؛ بلکه در بهره برداری از امکانات موجود نیز اِخلال می نماید و از این رو ، جامعه ای که گرفتار این آفت خطرناک شود ، راهی جز انحطاط و سقوط در پیش ندارد . بر این اساس ، دینی که خود را بر پایه محبّتْ استوار می داند ، عداوت را ضدّ دین (1) معرّفی می کند ، چنان که پیامبر اکرم ، فرموده اند : إنَّ شرّ النّاس مَن یُبغِضُ النّاسَ ویُبغِضونَهُ . 2 بدترینِ مردم ، کسانی هستند که دشمن مردم اند و مردم ، دشمن آنها.

برنامه های اسلام برای ایجاد الفت و محبّتاسلام ، برای آن که جامعه از شیرینی و برکات نعمت محبّت بهره برداری کند و از خطرها و آفات عداوت ، مصون بماند ، به موعظه و توصیه های اخلاقی اکتفا نکرده ، بلکه برای ایجاد الفت و محبّت و پیشگیری از کینه و محبّت ، برنامه و قانون دارد . در اسلام، آنچه موجب دوستیِ مردم با یکدیگر می شود، به عنوان تکلیف و وظیفه وجوبی یا استحبابی شناخته شده ، و آنچه به بغض و عداوت مردم نسبت به یکدیگر می انجامد ، به صورت حکم تحریمی و یا تنزیهی ، ممنوع گردیده است . آنچه در بخش اوّل این کتاب درباره اسباب محبّت و آداب و حقوق آن آمده است ، در واقع ، برنامه های اسلام برای ایجاد پیوند دوستی میان مردم و تحکیم و تقویت آن ، و آنچه درباره موانع محبّت و عوامل بغض مطرح شده ، برنامه های عملی اسلام در جهت پیشگیری از خطرهای عداوت است .

.

1- .ر . ک : فصل دوم از بخش اول (دشمنی با یکدیگر) و ص 61 (ح 103 و 104) .

حق انتخاب دوست

منطق عقل و فطرت در دوستی

حق انتخاب دوستاشکالی که در زمینه ساماندهی جامعه مبتنی بر محبّت قابل طرح است ، این است که آیا اسلام ، اجازه می دهد انسان با هرکس که خواست ، دوست شود ؟ آیا در اسلام ، انسان حق دارد با کسانی که به انحرافات اعتقادی ، اخلاقی و عملی مبتلا هستند ، پیوند محبّت برقرار کند ؟ و اگر حق ندارد ، چگونه می توان ادّعا کرد که اسلام ، دین محبّت است و جامعه آرمانیِ آن ، جامعه ای مبتنی بر محبّت است ؟

منطق عقل و فطرت در دوستیپاسخ این است که منطق اسلام در دوستی و دشمنی ، مانند سایر امور ، منطق عقل و فطرت است . عقل و فطرت انسان ، زیبایی را دوست می دارد و زشتی را دشمن . اسلام نیز در باب دوستی و دشمنی ، چیزی جز این نمی گوید . به همان میزان که دوست داشتن زیبایی ها برای انسان و جامعه انسانی ، سازنده و تکامل آفرین است ، علاقه به زشتی ها و پلیدی ها ، ویرانگر و خطرناک است . از این رو ، خدایی که اسلام به جامعه انسانی معرّفی می کند ، زیباست و زیبایی را دوست دارد و زشتی و پلیدی را دشمن می دارد. در منطق خداپرستان راستین که همان منطق عقل و فطرت است ، انسان باید دوست زیبایی ها و دشمن زشتی ها باشد . بی تردید ، دوستی با کسانی که به بیماری های اعتقادی ، اخلاقی و عملی مبتلا هستند ، موجب سرایت بیماری می گردد و هیچ منطقی نمی تواند آن را تجویز کند و از این رو ، مبتنی بودن جامعه آرمانی در اسلام بر محبّت ، بدین معنا نیست که اسلام ، بر خلاف منطق عقل و فطرت ، اجازه می دهد زشتی ها و بیماری های فرهنگی و اجتماعی ، فراگیر شود؛ بلکه درست به عکس ، اسلام می خواهد با مبارزه با این بیماری ها جامعه ای بسازد که چیزی جز محبّت ، بر آن حاکم نباشد ،

.

و تا چنین جامعه ای تحقّق نیافته است ، انسان راهی جز انتخاب ندارد .

نقش محبّت در سرنوشت انساناز نظر اسلام ، محبّت ، سرنوشت همیشگی انسان را رقم می زند . (1) عشق به زیبایی های راستین ، انسان را به قلّه تکامل ، سیر می دهد و عشق به زیبایی های دروغین ، او را کور و کر می کند ، (2) تا آن جا که حقّ انتخاب را از انسان سلب می نماید (3) و او را تا اسفل السافلین ، پایین می برد . از این رو انتخاب دوست ، بر اساس شناخت دوستان راستین و دروغین ، برای رسیدن به جامعه آرمانی انسانی و اسلامی ، ضروری است و پیشوایان بزرگ اسلام ، رهنمودهای بسیار ارزنده ای در این زمینه دارند که در فصل پنجم ، هفتم و نهم از بخش اوّل ، ملاحظه خواهید کرد .

.

1- .ر . ک : ص 23 (نقش محبّت در سرنوشت انسان) .
2- .ر . ک : ص 359 (ح 880) .
3- .ر . ک : ص 355 (فصل دهم : عشق) .

ص: 24

..

ص: 25

بخش اوّل : دوستی مردم

اشاره

بخش اوّل : دوستی مردمفصل اوّل : دوست داشتن یکدیگرفصل دوم : دشمنی با یکدیگرفصل سوم : عوامل دوستیفصل چهارم : موانع دوستیفصل پنجم : گزینش دوستفصل ششم : آداب دوستیفصل هفتم : احکام دوستیفصل هشتم : حقوق دوستیفصل نهم : آثار دوستیفصل دهم : عشق

.

الفصل الأوّل: التّوادّ1 / 1الإيمانُ وَالاُلفَهالكتاب«وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَ نًا وَكُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَهٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَ لِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» . (1)

«هُوَ الَّذِى أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ * وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِى الأَرْضِ جَمِيعًا مَّآ أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُو عَزِيزٌ حَكِيمٌ» . (2)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَهٌ فَأَصْلِحُواْ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» . (3)

«فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلَوهَ وَ ءَاتَوُاْ الزَّكَوهَ فَإِخْوَ نُكُمْ فِى الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الأَيَتِ لِقَوْم يَعْلَمُونَ» . (4)

.

1- .آل عمران : 103 .
2- .الأنفال : 62 و 63 .
3- .الحجرات : 10 .
4- .التوبه : 11 ، وراجع الأحزاب : 5 .

فصل یکم : دوست داشتن یکدیگر

1 / 1 ایمان و الفت

فصل اوّل : دوست داشتن یکدیگر1 / 1ایمان و الفتقرآن(و همگان ، دست در ریسمان خدا بزنید و پراکنده مشوید ، و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است ، یاد کنید ؛ آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دل هایتان را به هم الفت داد، پس بر اثر نعمت او برادر شدید،و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید که شما را از آن رهانید.خدا آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند؛شاید هدایت شوید).

(اوست که تو را به یاری خود و یاری مؤمنان ، تأیید کرد؛ و دل هایشان را به هم الفت داد . اگر همه آنچه را که در زمین است ، انفاق می کردی ، دل هایشان را به یکدیگر الفت نمی دادی؛ ولی خدا دل هایشان را به یکدیگر الفت داد که او عزیز و حکیم است) .

(مؤمنان ، برادرند. پس میان برادرانتان ، اصلاح کنید و از خدا بترسید؛ شاید که مورد رحمتْ واقع شوید) .

(پس اگر توبه کردند و نماز برپای داشتند و زکات پرداختند ، در این صورت ، برادران دینی شما هستند ، و آیات خود را برای قومی که می دانند ، تفصیل می دهیم) .

.

الحديث رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله : لا تَزالُ اُمَّتى بِخَيرٍ ما تَحابّوا وتَهادَوا وأدَّوُا الأَمانَةَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آلِه : لا يَجتَمِعُ أربَعَةٌ فِى المُؤمِنِ إلاّ أوجَبَ اللّهُ لَهُ بِهِنَّ الجَنَّةَ : الصِّدقُ فِى اللِّسانِ ، وَالسَّخاءُ فِى المالِ ، وَالمَوَدَّةُ فِى القَلبِ ، وَالنَّصيحَةُ فِى المَشهَدِ وَالمَغيبِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما تَحابَّا الرَّجُلانِ إلاّ كانَ أفضَلُهُما أشَدَّهُما حُبّا لِصاحِبِهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّه َ عز و جل جَعَلَ الإسلامَ صِراطا مُنيرَ الأعلامِ ، مُشرِقَ المَنارِ ، فيهِ تَأتَلِفُ القُلوبُ ، وعَلَيهِ تَأخّى الإخوانُ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام: اِعلَم أنَّ الإلفَ مِنَ اللّهِ وَالفِركَ مِنَ الشَّيطانِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ روحَ الإيمانِ واحِدَةٌ ، خَرَجَت مِن عِندِ واحِدٍ ، وتَتَفَرَّقُ فى أبدانٍ شَتّى ، فَعَلَيهِ ائتَلَفَت ، وبِهِ تَحابَّت . (6)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 29 / 25 ، صحيفه الرضا عليه السلام : 43 / 12 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : 377 / 1052 عن الإمام الرضا عن الإمام علىّ عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آلهوليس فيهما «تهادوا» ، مشكاه الأنوار : 52 عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 400 / 43 .
2- .كنز العمّال : 15 / 876 / 43482 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن ابن عمر .
3- .الأدب المفرد: 166/544، المستدرک على الصحيحين: 4/189/7323، مسند أبى يعلى : 3 / 377/3406 ، تاريخ بغداد: 9/440 وفيها «تحابّ رجلان فى اللّه» بدل «تحابّا الرجلان» ، المعجم الأوسط : 3 / 192 /

2899 نحوه ، كنز العمّال : 9 / 18 / 24717 نقلاً عن أبى الشيخ وفيه «توادّ» بدل «تحابّا» وكلّها عن أنس .
4- .الكافى : 5 / 371 / 3 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام .
5- .الكافى : 3 / 481 / 1 و ج 5 / 500 / 1 ، تهذيب الأحكام : 7 / 410 / 1636 كلّها عن أبى بصير .
6- .الاختصاص : 249 عن أبان بن تغلب الكندى، بحار الأنوار: 69 / 193 / 9 .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : امّت من تا هنگامی که یکدیگر را دوست بدارند ، به یکدیگر هدیه دهند و امانتداری کنند ، سعادتمند خواهند بود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنْ هرگاه دارای چهار صفت گردد ، خداوند بدانها بهشت را بر او واجب می گرداند : راستی در زبان ، بخشش در مال ، دوستی در دل ، و خیرخواهی در نهان و آشکار .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو تن یکدیگر را دوست بدارند ، آن که دیگری را بیشتر دوست می دارد ، از دوستش برتر است .

امام علی علیه السلام : خداوند عز و جل ، اسلام را راهی با نشانه های روشنگر و نشانیِ درخشان قرار داد که در آن ، دل ها با یکدیگر خو می گیرند و بر اساس آن ، برادری برادرانْ شکل می گیرد .

امام باقر علیه السلام : بدان که اُنس گرفتن [با مردم] ، کاری خدایی و دشمنی ، کاری شیطانی است .

امام صادق علیه السلام : روح ایمان ، یکی است که از نزد [خدای] یگانه فرود آمده و در پیکرهای گوناگونی جای گرفته است. پس بر اساس آن ، خو گرفته می شود و بدان ، دوستی ها پدید می آید .

.

عنه علیه السلام : المُؤمِنونَ یَألَفونَ ویُؤلَفونَ ویُغشی رَحلُهُم . (1)

عنه علیه السلام : مَا التَقی مُؤمِنانِ قَطُّ إلاّ کانَ أفضَلُهُما أشَدَّهُما حُبّا لِأَخیهِ . (2)

مسائل علیّ بن جعفر عن علیّ بن جعفر : قُلتُ لِأَبِی الحَسَنِ علیه السلام : أیُّنا أشَدُّ حُبّا لِدینِهِ ؟ قالَ : أشَدُّکُم حُبّا لِصاحِبِهِ . (3)

1 / 2قیمَهُ المَوَدَّهِأ عَلامَهُ قُوَّهِ العَقلِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإِیمانِ التَّوَدُّدُ إلَی النّاسِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإِیمانِ بِاللّهِ عز و جل التَّحَبُّبُ إلَی النّاسِ . (5)

.

1- .تاریخ الیعقوبی : 2 / 382 .
2- .الکافی : 2 / 127 / 15 ، المؤمن : 31 / 60 ، المحاسن : 1 / 411 / 937 کلّها عن صفوان الجمّال ، تنبیه الخواطر : 2 / 191 عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : 69 / 250 / 26 و ج 74 / 398 / 32 .
3- .مسائل علیّبن جعفر : 341 / 840 ، الخرائج والجرائح : 1/411/15 ، بحار الأنوار : 50/152/38 .
4- .السنن الکبری : 10 / 187 / 20306 ، شُعب الإیمان : 6 / 500 / 9054 کلاهما عن سعید بن المسیّب و ص 255 / 8061 عن أنس و ص 501 / 9055 ، المعجم الأوسط : 6 / 156 / 6070 کلاهما عن أبی هریره ، کنز العمّال: 9/7/24662 ؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام : 2 / 35 / 77 عن أحمدبن عامر بن سلیمان الطائی وأحمد بن عبداللّه الهروی الشیبانی وداود بن سلیمان الفرّاء عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، صحیفه الرضا علیه السلام : 52 / 53 عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلامعنه صلی الله علیه و آله وفیه «الدین» بدل «الإیمان»، عوالی اللآلی: 1 / 291 / 156 ، بحار الأنوار : 74/392/12.

5- .الخصال: 15/55 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مشكاه الأنوار : 249 ، روضه الواعظين: 7، بحار الأنوار : 74/158/6؛ المعجم الأوسط: 5/120/4847 ، المعجم الصغير: 1/251 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 3 / 9 / 5172 .

1 / 2 ارزش دوستی

الف نشانِ نیرومندی عقل

امام صادق علیه السلام : مؤمنان ، با یکدیگر اُنس می گیرند و با آنان ، اُنس گرفته می شود و خانه شان محلّ رفت و آمد دوستان است .

امام صادق علیه السلام : هرگاه دو شخص مؤمن یکدیگر را ببینند ، برترین آن دو ، کسی است که برادرش را بیشتر دوست می دارد .

مسائل علی بن جعفر به نقل از علی بن جعفر : به امام موسی کاظم علیه السلامگفتم : کدام یک از ما بیشتر دینش را دوست می دارد؟ فرمود : «آن که رفیق خود را بیشتر دوست می دارد».

1 / 2ارزش دوستیالف نشانِ نیرومندی عقل رسول خدا صلی الله علیه و آله : اساس عقل ، پس از ایمان ، دوستی با مردم است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اساس عقل ، پس از ایمان به خدای عز و جل ، دوستی با مردم است .

.

عنه صلى الله عليه و آله : التَّوَدُّدُ نِصفُ العَقلِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : التَّوَدُّدُ إلَى النّاسِ نِصفُ العَقلِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : رَأسُ العَقلِ التَّوَدُّدُ إلَى النّاسِ . (3)

عنه عليه السلام : أوَّلُ العَقلِ التَّوَدُّدُ . (4)

ب نِصفُ الدّينِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : التَّوَدُّدُ نِصفُ الدّينِ . (5)

ج قَرابَهٌ مُستَفادَهٌ الإمام علىّ عليه السلام : المَوَدَّهُ قَرابَهٌ مُستَفادَهٌ . (6)

.

1- .الفردوس : 2 / 75 / 2421 عن الإمام علىّ عليه السلام ، حليه الأولياء : 3 / 195 عن الأصمعى عن الإمام الصادق عليه السلام ، كنز العمّال: 3/49/5435؛ كتاب من لا يحضره الفقيه: 4/416/5904 عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام، نهج البلاغه: الحكمه 142، خصائص الأئمّه عليهم السلام: 104، تحف العقول: 221 والثلاثه الأخيره عن الإمام علىّ عليه السلام، بحار الأنوار: 74/168/35.
2- .الكافى : 2 / 643 / 4 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام و ح 5 عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم عليه السلام، السرائر: 3/550 عن موسى عن الإمام الكاظم عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول : 443 عن الإمام الرضا عليه السلاموص403 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، منيه المريد : 258 ، بحار الأنوار : 71 / 349 / 19 ؛ المعجم الأوسط: 7/25/6744، مسند الشهاب : 1 / 55 / 33 كلاهما عن ابن عمر، كنز العمّال :3/49/5434 .
3- .غرر الحكم : 5246 و 1345 .
4- .غرر الحكم : 2923 .
5- .تحف العقول : 60 ، بحار الأنوار : 74 / 392 / 11 ؛ شُعب الإيمان : 2 / 74 / 1197 عن خالد بن الزبير عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 15 / 907 / 43566 .

6- .الكافى : 8 / 23 / 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 389 / 5834 ، نهج البلاغه : الحكمه 211 ، تحف العقول: 97، كنز الفوائد: 1/93، أعلام الدين : 178 ، بحار الأنوار : 74/178/19.

ص: 33

ب نیمی از دین

ج خویشاوندی

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی [با مردم] ، نیمی از عقل است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی با مردم ، نیمی از عقل است .

امام علی علیه السلام : اساس عقل ، دوستی با مردم است .

امام علی علیه السلام : سرآغاز عقل ، دوستی [با مردم]است .

ب نیمی از دین رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی [با مردم] ، نیمی از دین است .

ج خویشاوندی امام علی علیه السلام : دوستی ، [نوعی]خویشاوندی است .

.

عنه علیه السلام : المَوَدَّهُ نَسَبٌ . (1)

عنه علیه السلام : المَوَدَّهُ نَسَبٌ مُستَفادٌ . (2)

عنه علیه السلام : المَوَدَّهُ إحدَی القَرابَتَینِ . (3)

عنه علیه السلام : الوَفاءُ کَرَمٌ ، المَوَدَّهُ رَحِمٌ . (4)

د أقرَبُ نَسَبٍ الإمام علیّ علیه السلام : المَوَدَّهُ أقرَبُ نَسَبٍ . (5)

عنه علیه السلام : المَوَدَّهُ أقرَبُ رَحِمٍ . (6)

عنه علیه السلام : المَوَدَّهُ أشبَکُ الأَنسابِ ، وَالعِلمُ أشرَفُ الأَحسابِ . (7)

ه أقرَبُ القُربِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : القَریبُ مَن قَرَّبَتهُ المَوَدَّهُ وإن بَعُدَ نَسَبُهُ . وَالبَعیدُ مَن باعَدَتهُ المَوَدَّهُ وإن قَرُبَ نَسَبُهُ . (8)

الإمام علیّ علیه السلام : أقرَبُ القُربِ مَوَدّاتُ القُلوبِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 81 .
2- .غرر الحکم : 647 .
3- .غرر الحکم : 1627 .
4- .غرر الحکم : 10 .
5- .غرر الحکم : 285 .
6- .غرر الحکم : 649 .
7- .الإرشاد : 1 / 298 ، کنز الفوائد : 1 / 319 ، بحار الأنوار : 77 / 419 / 40 .
8- .تاریخ اصبهان: 1/136/79 عن زید الأصم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، کنز العمّال: 16/122/44143؛ الکافی : 2/643/7 عن سلیمان بن زیاد التمیمی عن الإمام الصادق عن الإمام الحسن علیهماالسلام، تحف العقول : 234 عن الإمام الحسن علیه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 106 / 5 .

9- .غرر الحكم : 3029 .

د نزدیک ترین خویشاوندی

ه نزدیک ترین خویشاوندی ها

امام علی علیه السلام : دوستی ، خویشاوندی است .

امام علی علیه السلام : دوستی ، خویشیِ اکتسابی است .

امام علی علیه السلام : دوستی ، یکی از دو خویشاوندیِ [سببی و نَسَبی] است .

امام علی علیه السلام : وفاداری ، بزرگواری است ، و دوستی ، [گونه ای]خویشاوندی .

ر . ک : ص 217 (ح 530 و 531) .

د نزدیک ترین خویشاوندی امام علی علیه السلام : دوستی ، نزدیک ترین خویشاوندی است .

امام علی علیه السلام : دوستی ، نزدیک ترین خویشی است .

امام علی علیه السلام : دوستی ، به هم پیوسته ترین خویشاوندی است و دانش ، شریف ترینْ تبار است .

ر . ک : ص 679 (ح 1441 ، 1442 و 1443) .

ه نزدیک ترین خویشاوندی ها رسول خدا صلی الله علیه و آله : خویشاوند ، آن است که دوستیْ نزدیکش ساخته است ، گر چه [نسبت]خویشاوندی اش دور باشد و بیگانه ، آن است که دوستیْ دورش ساخته است ، گرچه [نسبت]خویشاوندی اش نزدیک باشد .

امام علی علیه السلام : نزدیک ترین خویشاوندی ها، دوستی دل هاست .

.

عنه علیه السلام : الأَخُ المُکتَسَبُ فِی اللّه ِ أقرَبُ الأَقرِباءِ ، وأحَمُّ مِنَ الأُمَّهاتِ وَالآباءِ . (1)

عنه علیه السلام : رُبَّ قَریبٍ أبعَدُ مِن بَعیدٍ . ورُبَّ بَعیدٍ . أقرَبُ مِن قَریبٍ . (2)

عنه علیه السلام : الصَّدیقُ أقرَبُ الأَقارِبِ . (3)

و أصلُ القَرابَهِ الإمام علیّ علیه السلام : کُلُّ قَرابَهٍ تَحتاجُ إلی مَوَدَّهٍ . (4)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : تَحتاجُ القَرابَهُ إلی مَوَدَّهٍ ، ولا تَحتاجُ المَوَدَّهُ إلی قَرابَهٍ . (5)

عنه علیه السلام : مَوَدَّهُ الآباءِ قَرابَهٌ بَینَ الأَبناءِ ، وَالقَرابَهُ إلَی المَوَدَّهِ أحوَجُ مِنَ المَوَدَّهِ إلَی القَرابَهِ . (6)

عنه علیه السلام : رُبَّ عَشیرٍ غَیرُ حَبیبٍ . (7)

عنه علیه السلام : رُبَّ أخٍ لَم تَلِدهُ اُمُّکَ . (8)

عنه علیه السلام : صَدیقُکَ أخوکَ لِأَبیکَ واُمِّکَ . ولَیسَ کُلُّ أخٍ لَکَ مِن أبیکَ واُمِّک صَدیقَکَ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 1845 وفی طبعه النجف «أرحم» بدل «أحمّ» .
2- .نهج البلاغه : الکتاب 31 ، تحف العقول : 84 ، الکافی : 8 / 24 / 4 عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر عنه علیهماالسلامولیس فیه صدره ، بحار الأنوار : 74 / 165 / 28 ؛ ربیع الأبرار : 3 / 538 ، کنز العمّال : 16 / 181 / 44215 عن وکیع والعسکریّ فی المواعظ .
3- .غرر الحکم : 674 .
4- .مطالب السؤول : 50 ؛ بحار الأنوار : 78 / 7 / 59 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 305 / 489 .

6- .نهج البلاغه : الحكمه 308 ، غرر الحكم : 9805 وفيه «نسب بين الأبناء» وليس فيه ذيله ؛ مطالب السؤول : 57 نحوه.
7- .غرر الحكم : 5335 .
8- .غرر الحكم : 5351.
9- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 390 / 5834 .

و اصل خویشاوندی

امام علی علیه السلام : برادر به دست آمده در راه خدا ، نزدیک ترین خویشاوند و [حتی]نزدیک تر (1) از پدر و مادر است .

امام علی علیه السلام : بسا خویشاوندی که از بیگانه دورتر است و بسا بیگانه ای که از خویشاوند ، نزدیک تر .

امام علی علیه السلام : دوست ، نزدیک ترینِ خویشاوندان است .

و اصل خویشاوندی امام علی علیه السلام : هر خویشاوندی ای ، نیازمند دوستی است .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : خویشاوندی ، نیازمند دوستی است ، حال آن که دوستی ، نیازمند خویشاوندی نیست .

امام علی علیه السلام : دوستی پدران ، [باعث]خویشاوندی فرزندان است؛ و خویشاوندی به دوستی ، نیازمندتر از دوستی به خویشی است .

امام علی علیه السلام : بسا خویشاوندی که دوست نیست .

امام علی علیه السلام : بسا برادری که مادرت او را نزاده است .

امام علی علیه السلام : دوستت ، برادر تنی توست ، حال آن که هر برادرِ تنی تو ، دوستت نیست .

.

1- .در نسخه چاپ نجف : مهربان تر .

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : الصَّدیقُ نَسیبُ الرّوحِ ، وَالأَخُ نَسیبُ الجِسمِ . (1)

ز أنفَعُ الکُنوزِ الإمام علیّ علیه السلام : أنفَعُ الکُنوزِ مَحَبَّهُ القُلوبِ . (2)

ح أحلَی الأَشیاءِ جامع الأحادیث للقمّی عن إبراهیم بن شعیب المزنیّ : أَنَّهُ سَمِعَ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ علیه السلامیَقولُ : سَأَلَ داودُ النَّبِیُّ سُلَیمانَ علیه السلام وأرادَ عِلْمَ ما بَلَغَ مِنَ الحِکمَهِ قالَ: . . . أیُّ شَیءٍ أحلی ؟ قالَ : المَحَبَّهُ ، هِیَ رَوحُ اللّه ِ بَینَ عِبادِهِ ، حَتّی إنَّ الفَرَسَ لَیَرفَعُ حافِرَهُ عَن وَلَدِهِ. قالَ : فَضَحِکَ داودُ عِندَ إجابَهِ سُلَیمانَ علیه السلام . (3)

1 / 3فَضلُ الصَّدیقِ وَالاِستِکثارِ مِنهُ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : اِستَکثِروا مِنَ الإِخوانِ ؛ فَإِنَّ لِکُلِّ مُؤمِنٍ شَفاعَهً یَوم القِیامَهِ . (4)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 300 / 429 .
2- .غرر الحکم : 2973 ؛ دستور معالم الحکم : 23 .
3- .جامع الأحادیث للقمّی : 193 .
4- .الجامع الصغیر : 1 / 152 / 1001 ، کنز العمّال : 9 / 4 / 24642 کلاهما نقلاً عن ابن النجّار فی تاریخه عن أنس ؛ مصادقه الإخوان : 150 / 1 عن أحمد بن محمّد عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق علیه السلامولیس فیه «یوم القیامه» .

ز سودمندترینِ گنج ها

ح شیرین ترینِ چیزها

1 / 3 فضیلت دوست و افزودن دوستان

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : دوست ، خویشاوند روح است و برادر ، خویشاوند تن .

ز سودمندترینِ گنج ها امام علی علیه السلام : سودمندترینِ گنج ها، دوستی دل هاست .

ح شیرین ترینِ چیزها جامع الأحادیث به نقل از ابراهیم بن شعیب المُزنی ، از امام صادق علیه السلام : داوود پیامبر علیه السلام، برای این که بداند سلیمان علیه السلام به چه حد از حکمت رسیده است ، از او پرسید : «... چه چیز شیرین تر است؟». سلیمان پاسخ داد: «دوستی ، همان آرامش [فروفرستاده] خدا میان بندگانش است ، تا آن جا که اسب ، سم خود را برای کره اش برمی دارد» . آن گاه ، داوود از پاسخگویی سلیمان ، شاد شد .

1 / 3فضیلت دوست و افزودن دوستان رسول خدا صلی الله علیه و آله : بر [شمار]برادران خود بیفزایید ؛ زیرا هر مؤمنی را در روز قیامت ، شفاعتی است .

.

عنه صلى الله عليه و آله : أكثِروا مِنَ الإخوانِ ؛ فَإِنَّ رَبَّكُم حَيِىٌّ كَريمٌ يَستَحيى أن يُعَذِّبَ عَبدَهُ بَينَ إخوانِهِ يَومَ القِيامَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المَرءُ كَثيرٌ بِأَخيهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : المَرءُ يَكثُرُ بِإِخوانِهِ المُسلِمينَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : عَلَيكَ بِإِخوانِ الصِّدقِ تَعِش فى أكنافِهِم ؛ فَإِنَّهُم زينَهٌ فِى الرَّخاءِ ، وعُدَّهٌ فِى البَلاءِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : الصَّديقُ إنسانٌ ، هُوَ أنتَ إلاّ أَنَّهُ غَيرُكَ . (5)

عنه عليه السلام : الأَصدِقاءُ نَفسٌ واحِدَهٌ فى جُسومٍ مُتَفَرِّقَهٍ . (6)

عنه عليه السلام : مِنَ النِّعَمِ الصَّديقُ الصَّدوقُ . (7)

.

1- .ربيع الأبرار : 1 / 428 .
2- .تاريخ بغداد : 7 / 57 عن الحسن ، مسند الشهاب : 1 / 141 / 186 عن أنس ، الإخوان : 109 / 24 عن سهل بن سعد الساعدى ، دلائل النبوّه للبيهقى : 4 / 371 ، تاريخ دمشق : 27 / 257 كلاهما عن عبداللّه بن جعفر وفيهما «بأخيه وابن عمّه» ، كنز العمّال : 9 / 11 / 24683 ؛ تحف العقول : 368 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارِ الأنوار : 21 / 57 / 8 .
3- .كنز العمّال : 9 / 38 / 24823 نقلاً عن العسكرىّ فى الأمثال وابن عساكر عن سهل بن سعد .
4- .كنز العمّال : 9 / 38 / 24823 نقلاً عن العسكرىّ فى الأمثال وابن عساكر عن سهل بن سعد ؛ إرشاد القلوب : 20 عن نوف البكالى عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه وليس فيه ذيله .
5- .غرر الحكم : 1856 .
6- .غرر الحكم : 2059 .
7- .غرر الحكم : 9247 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بر [شمار]برادران خود بیفزایید؛ زیرا که پروردگارتان ، آزرمگین و بزرگوار است و شرم دارد که بنده اش را در روز قیامت ، میان برادرانش عذاب کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : انسان به وسیله برادرش [نیرومند و]افزون است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : انسان با برادران مسلمانش نیرو و فزونی می گیرد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : برادرانِ راستین به دست آر ، تا در پناهشان زندگی کنی که در آسایش ، زیورند و در سختی ، ساز و برگ [و یاور] .

امام علی علیه السلام : دوست ، انسانی است که همان خودت است ، جز آن که [کالبدش]غیر از توست .

امام علی علیه السلام : دوستان ، یک جان اند در کالبدهای پراکنده .

امام علی علیه السلام : دوستِ راستین ، از نعمت هاست .

.

عنه علیه السلام : الإِخوانُ زینَهٌ فِی الرَّخاءِ ، وعُدَّهٌ فِی البَلاءِ . (1)

عنه علیه السلام : عَلَیکَ بِإِخوانِ الصَّفا ؛ فَإِنَّهُم زینَهٌ فِی الرَّخاءِ ، وعَونٌ فِی البَلاءِ . (2)

عنه علیه السلام : إخوانُ الصِّدقِ زینَهٌ فِی السَّرّاءِ ، وعُدَّهٌ فِی الضَّرّاءِ . (3)

عنه علیه السلام : عَلَیکَ بِإِخوانِ الصِّدقِ فَأَکثِر مِنِ اکتِسابِهِم ؛ فَإِنَّهُم عُدَّهٌ عِندَ الرَّخاءِ ، وجُنَّهٌ عِندَ البَلاءِ . (4)

عنه علیه السلام : إخوانُ الصِّدقِ فِی النّاسِ خَیرٌ مِنَ المالِ یَأکُلُهُ ویُوَرِّثُهُ . لا یَزدادَنَّ أحَدُکُم فی أخیهِ زُهدا ، ولا یَجعَل مِنهُ بَدیلاً إذا لَم یَرَ مِنهُ مَرفَقا أو یَکونُ مَقفورا مِنَ المالِ . لا یَغفُلَنَّ أحَدُکُم عَنِ القَرابَهِ یَری بِهِ الخَصاصَهَ أن یَسُدَّها مِمّا لا یَضُرُّهُ إن أنفَقَهُ ولا یَنفَعُهُ إن أمسَکَهُ . (5)

عنه علیه السلام : أعجَزُ النّاسِ مَن عَجَزَ عَنِ اکتِسابِ الإِخوانِ ، وأعجَزُ مِنهُ مَن ضَیَّعَ مَن ظَفِرَ بِهِ مِنهُم . (6)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : أعجَزُ النّاسِ مَن قَصَّرَ فی طَلَبِ الصَّدیقِ ، وأعجَزُ مِنهُ مَن وَجَدَهُ فَضَیَّعَهُ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 1527 .
2- .غرر الحکم : 6128 .
3- .غرر الحکم : 1805 .
4- .الأمالی للصدوق : 380 / 483 عن أبی الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه علیهم السلام ، الاختصاص : 226 عن أبی الجارود رفعه وفیه «جندا» بدل «جُنّه» ، تحف العقول : 368 عن الإمام الصادق علیه السلامولیس فیه «فأکثر من اکتسابهم» ، بحار الأنوار : 74 / 187 / 7 .
5- .الزهد للحسین بن سعید : 37 / 98 عن یحیی بن اُمّ الطویل ، بحار الأنوار : 74 / 101 / 53 .
6- .نهج البلاغه : الحکمه 12 ، بحار الأنوار : 74 / 278 / 12 .
7- .شرح نهج البلاغه : 20 / 297 / 394 .

امام علی علیه السلام : برادران ، در آسایش، زیورند و در سختی، ساز و برگ [و یاور] .

امام علی علیه السلام : برادرانِ یکرنگ به دست آر که در آسایش ، زیورند و در سختی ، یاور .

امام علی علیه السلام : برادرانِ راستین ، در خوشی ، زیورند و در ناخوشی ، ساز و برگ [و یاور] .

امام علی علیه السلام : برادرانِ راستین به دست آر و بر شمارشان بیفزای که به هنگام آسایش ، ساز و برگ اند و به هنگام سختی ، سپر .

امام علی علیه السلام : برادرانِ راستین در میان مردم ، از ثروتی که شخص از آن برخوردار شود و به ارث گذارد ، بهترند . مبادا کسی از شما نسبت به برادرش زیاده بی رغبتی کند ، و اگر از او منفعتی ندید و یا او را بی چیز دید ، مبادا کسی را جایگزین او نماید . مبادا کسی از شما از نیاز خویشاوندش که اگر آن را برآورد ، به او زیانی نمی زند و اگر آن را باز دارد ، سودی به او نمی رساند ، غفلت کند .

امام علی علیه السلام : ناتوان ترین مردم ، کسی است که از به دست آوردن برادران ، ناتوان باشد و ناتوان تر از او ، کسی است که برادری را که به دست آورده است ، از دست بدهد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : ناتوان ترین مردم ، کسی است که در دوستیابی کوتاهی کند ، و ناتوان تر از او کسی است که دوستی به دست آورد و سپس او را از دست بدهد .

.

عنه علیه السلام أیضا : لِیَکُن أصدِقاؤُکَ کَثیرا ، وَاجعَل سِرَّکَ مِنهُم إلی واحِدٍ . (1)

عنه علیه السلام : مَن لا صَدیقَ لَهُ لا ذُخرَ لَهُ . (2)

عنه علیه السلام : الصَّدیقُ أفضَلُ الذُّخرَینِ . (3)

عنه علیه السلام : مَن لا أخا لَهُ لا خَیرَ فیهِ . (4)

عنه علیه السلام : مَن لا إخوانَ لَهُ لا أهلَ لَهُ . (5)

عنه علیه السلام : الإِخوانُ جَلاءُ الهُمومِ وَالأَحزانِ . (6)

عنه علیه السلام : الإِخوانُ أفضَلُ العُدَدِ . (7)

عنه علیه السلام : إخوانُ (8) الصِّدقِ أفضَلُ عُدَّةٍ . (9)

عنه علیه السلام : أفضَلُ العُدَدِ أخٌ وَفِیٌّ ، وشَقیقٌ زَکِیٌّ . (10)

عنه علیه السلام : الصَّدیقُ أفضَلُ العُدَّتَینِ . (11)

عنه علیه السلام : أفضَلُ العُدَدِ ثِقاتُ الإِخوانِ . (12)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 324 / 718 .
2- .غرر الحکم : 8760 .
3- .غرر الحکم : 1669 .
4- .غرر الحکم : 8087 .
5- .غرر الحکم : 8759 .
6- .غرر الحکم : 2119 .
7- .غرر الحکم : 1045 .
8- .فی الطبعه المعتمده «الصدق أفضل عدّه» وأثبتناه ما نقلناه من طبعه مصر .

9- غرر الحكم : 1361 .
10- غرر الحكم : 3161 .
11- غرر الحكم : 1691 .
12- غرر الحكم : 3024 .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : دوستانت بسیار باشند ؛ امّا رازت را تنها با یکی از آنان [که بیش از دیگران مورد اعتماد است] در میان بگذار .

امام علی علیه السلام : هر که دوستی ندارد ، اندوخته ای ندارد .

امام علی علیه السلام : دوست ، برترینِ دو اندوخته است (از اندوخته مالی برتر است) .

امام علی علیه السلام : هر که برادری (1) ندارد ، خیری در او نیست .

امام علی علیه السلام : هر که برادرانی ندارد ، خانواده ای ندارد .

امام علی علیه السلام : برادران ، زداینده غم و اندوه اند .

امام علی علیه السلام : برادران ، برترین ساز و برگ هایند .

امام علی علیه السلام : برادرانِ راستین ، برترین ساز و برگ اند .

امام علی علیه السلام : برترینِ ساز و برگ ها ، برادری وفادار است و همگِنی پاک .

امام علی علیه السلام : دوست ، برترینِ ساز و برگ است (با هر ساز و برگی سنجیده شود ، از آن برتر است) .

امام علی علیه السلام : برترین ساز و برگ ها ، برادرانِ قابل اعتمادند .

.

1- .مقصود از «برادر» در این گونه احادیث ، برادر دینی است ، نه برادر تنی .

عنه عليه السلام : عَلَيكُم بِالإِخوانِ ؛ فَإِنَّهُم عُدَّهٌ لِلدُّنيا ، وعُدَّهٌ لِلآخِرَهِ ؛ ألا تَسمَعُ إلى قَولِ أهلِ النّارِ : «فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ * وَ لاَ صَدِيقٍ حَمِيمٍ » (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: أكثِروا مِنَ الأَصدِقاءِ فِى الدُّنيا ؛ فَإِنَّهُم يَنفَعونَ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، أمَّا الدُّنيا فَحَوائِجُ يَقومونَ بِها ، وأمَّا الآخِرَهُ فَإِنَّ أهلَ جَهَنَّمَ قالوا : «فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ * وَ لاَ صَدِيقٍ حَمِيمٍ » . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام : لا تُعادِيَنَّ أحَدا وإن ظَنَنتَ أنَّهُ لا يَضُرُّكَ ، ولا تَزهَدَنَّ فى صَداقَهِ أحَدٍ وإن ظَنَنتَ أنَّهُ لا يَنفَعُكَ ؛ فَإِنَّكَ لا تَدرى مَتى تَرجو صَديقَكَ ، ولا تَدرى مَتى تَخافُ عَدُوَّكَ . ولا يَعتَذِرُ إلَيكَ أحَدٌ إلاّ قَبِلتَ عُذرَهُ وإن عَلِمتَ أنَّهُ كاذِبٌ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : اِستَكثِروا مِنَ الإِخوانِ ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤمِنٍ دَعوَهً مُستَجابَهً . (5)

عنه عليه السلام : مَن لَم يَرغَب فِى الاِستِكثارِ مِنَ الإِخوانِ ابتُلِىَ بِالخُسرانِ . (6)

عنه عليه السلام : أكثِروا مُؤاخاهَ المُؤمِنينَ ؛ فَإِنَّ لَهُم عِندَ اللّهِ تَعالى يَدا يُكافِئُهُم بِها يَومَ القِيامَهِ . (7)

الكافى عن سَعيدٍ عَن غَيرِ واحِدٍ : إنَّ أبَا الحَسَنِ عليه السلام سُئِلَ عَن فَضلِ عَيشِ الدُّنيا ، قالَ : سَعَهُ المَنزِلِ ، وكَثرَهُ المُحِبّينَ . (8)

.

1- .الشعراء : 100 ، 101.
2- .مشكاه الأنوار : 187 ، المحجّه البيضاء : 3 / 289 ، مستدرک الوسائل : 8 / 323 / 9559 نقلاً عن لبّ اللباب .
3- .مصادقه الإخوان : 149 / 1 عن جعفر بن إبراهيم .
4- .الدرّه الباهره : 26 ، أعلام الدين : 299 نحوه وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : 74 / 180 / 28.
5- .مصادقه الإخوان : 150 / 1 عن أحمد بن محمّد عن بعض أصحابه .

6- .تحف العقول : 319 ، بحار الأنوار : 78 / 232 / 32 .
7- .مصادقه الإخوان : 150 / 1 عن أحمد بن محمّد عن بعض أصحابه .
8- .الكافى : 6 / 526 / 5 ، المحاسن : 2 / 450 / 2551 ، مكارم الأخلاق : 1 / 272 / 826 وفيهما «أفضل» بدل«فضل»، بحار الأنوار: 74/177/16 نقلاً عنالزهد للحسين بن سعيد .

امام علی علیه السلام : برادرانی به دست آورید که ساز و برگ دنیا و ساز و برگ آخرت هستند . آیا سخن دوزخیان را نشنیده ای : «پس ما را نه شفیعانی است و نه دوستی نزدیک» . (1)

امام صادق علیه السلام : در دنیا بر شمار دوستان بیفزایید که در دنیا و آخرت ، سود می رسانند . امّا در دنیا نیازهایی برمی آورند ، و امّا در آخرت ، دوزخیان می گویند : «پس ما را نه شفیعانی است و نه دوستی نزدیک» .

امام سجاد علیه السلام : با هیچ کس دشمنی مکن ، گرچه گمان کنی به تو زیانی نمی رساند و نسبت به دوستی هیچ کس ، بی رغبتی نشان مده ، گرچه گمان کنی به تو سودی نمی رساند؛ زیرا تو نمی دانی که کِی به دوستت نیازمندی و کِی از دشمنت هراسان . هرگاه کسی از تو عذرخواهی کرد ، عذرش را بپذیر ، گرچه بدانی که دروغ می گوید .

امام صادق علیه السلام : بر شمار برادران بیفزایید که هر مؤمنی را دعایی اجابت شده است .

امام صادق علیه السلام : هر کس به افزایش شمار برادرانْ رغبت نشان ندهد ، دچار زیان می شود .

امام صادق علیه السلام : بر برادری [و دوستی] با مؤمنان بیفزایید که آنان را نزد خدا دست توانی است که روز قیامت ، بدان پاداششان می دهد .

الکافی به نقل از سعید، از تعدادی از راویان : از حضرت ابوالحسن علیه السلامپرسیده شد: مایه فزونی عیش دنیا چیست؟ حضرت فرمود : «خانه وسیع و دوستداران بسیار» .

.

1- .اشاره به گفتگوی دوزخیان است که قرآن کریم در سوره شعرا ، آیات 95 101 ، آن را نقل می کند .

الإمام الرضا علیه السلام : الاِستِکثارُ مِنَ الأَصدِقاءِ فِی الحَیاهِ یُکثِرُ الباکینَ بَعدَ الوَفاهِ . (1)

لقمان علیه السلام لِابنِهِ : یا بُنَیَّ اتَّخِذ ألفَ صَدیقٍ ، وَالأَلفُ قَلیلٌ . ولا تَتَّخِذ عَدُوّا واحِدا ، وَالواحِدُ کَثیرٌ . (2)

عنه علیه السلام أیضا : یا بُنَیَّ استَکثِر مِنَ الأَصدِقاءِ ، ولا تَأمَن مِنَ الأَعداءِ ؛ فَإِنَّ الغِلَّ فی صُدورِهِم مِثلُ الماءِ تَحتَ الرَّمادِ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام : تَکَثَّر مِنَ الإِخوانِ مَااستَطَعتَ إِنَّهُمعِمادٌ إذا مَا استُنجِدوا وظُهورُ ولَیسَ کَثیرا ألفُ خِلٍ وصاحِبٍوإِنَّ عَدُوّا واحِدا لَکَثیرُ (4)

1 / 4فَراقُ الأَحِبَّهِ الإمام علیّ علیه السلام : لا عَیشَ لِمَن فارَقَ أَحِبَّتَهُ . (5)

عنه علیه السلام : ثَلاثٌ هُنَّ المُحرِقاتُ الموبِقاتُ : فَقرٌ بَعدَ غِنیً ، وذُلٌّ بَعدَ عِزٍّ ، وفَقدُ الأَحِبَّهِ . (6)

.

1- .أعلام الدین : 308 ، بحار الأنوار : 78 / 358 / 12 .
2- .الأمالی للصدوق : 766 / 1032 عن محمّد بن الحسن الصفّار ، بحار الأنوار : 13 / 414 / 4 .
3- .الاختصاص : 338 عن الاوزاعیّ ، بحار الأنوار : 13 / 428 / 23 .
4- .الأمالی للصدوق : 766 / 1032 عن محمّد بن الحسن الصفّار ، کنز الفوائد : 1 / 98 ولیس فیه البیت الأوّل ، الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 207 وفیه «علیک بإخوان الصّفاء فإنّهم» ، بحار الأنوار : 13 / 414 / 4 .
5- .غرر الحکم : 10661 .
6- .غرر الحکم : 4682 .

امام رضا علیه السلام : افزودن بر شمار دوستان در زندگی ، گریه کنندگان پس از مرگ را افزایش می دهد .

لقمان به پسرش : پسرکم ! هزار دوست بگیر ، حال آن که هزار [دوست]نیز اندک است ، و یک دشمن هم مگیر که یکی نیز بسیار است .

لقمان به پسرش : پسرکم ! بر شمار دوستان بیفزا و از دشمنان ایمن مباش که کینه در سینه هایشان ، چون آب زیر خاکستر ، [پنهان]است .

امام علی علیه السلام : تا آن جا که می توانی بر شمار برادران بیفزا که/ هرگاه از آنان یاری خواسته شود ، تکیه گاه و پشتیبان هستند . هزار دوست و یاور ، بسیار نیست/ حال آن که یک دشمن نیز بسیار است .

ر . ک : ص 163 (گزینش دوست)؛ ص 205 (آداب دوستی)؛ ص 243 (احکام دوستی) .

1 / 4فراق دوستان امام علی علیه السلام : کسی که از دوستانش جدا شده باشد ، زندگی ندارد .

امام علی علیه السلام : سه چیز ، سوزنده و کُشنده است : فقرِ پس از دولتمندی ، خواری پس از عزّت و از دست دادن دوستان .

.

عنه علیه السلام : ثَلاثٌ یَهدُدنَ القُوی : فَقدُ الأَحِبَّهِ ، وَالفَقرُ فِی الغُربَهِ ، ودَوامُ الشِّدَّهِ . (1)

عنه علیه السلام : فَقدُ الأَحِبَّهِ غُربَهٌ . (2)

عنه علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِلإمامِ الحَسَنِ علیه السلام : الغَریبُ مَن لَم یَکُن لَهُ حَبیبٌ . (3)

عنه علیه السلام : مَن فَقَدَ أخا فِی اللّهِ فَکَأَنَّما فَقَدَ أشرَفَ أعضائِهِ . (4)

عنه علیه السلام : الفَقدُ المُمرِضُ فَقدُ الأَحبابِ . (5)

الإمام الصادق علیه السلام : خَمسَهٌ لا یَنامونَ : الهامُّ بِدَمٍ یَسفِکُهُ ، وذُو المالِ الکَثیرِ لا أمینَ لَهُ ، وَالقائِلُ فِی النّاسِ الزّورَ وَالبُهتانَ عَن عَرَضٍ مِنَ الدُّنیا یَنالُهُ ، وَالمَأخوذُ بِالمالِ الکَثیرِ ولا مالَ لَهُ ، وَالمُحِبُّ حَبیبا یَتَوَقَّعُ فِراقَهُ . (6)

الإمام علیّ علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : الأَشرافُ یُعاقَبونَ بِالهِجرانِ لا بِالحِرمانِ . (7)

عنه علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : اُحِبُّ لَیالِیَ الهَجرِ لا فَرَحا (8) بِها عَسَی الدَّهرُ یَأتی بَعدَها بِوِصالِ وأکرَهُ أیّامَ الوِصالِ لِأَنَّنیأری کُلَّ شَیءٍ مولِعا بِزَوالِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 4683 .
2- .نهج البلاغه : الحکمه 65 ، کشف الغمّه : 2 / 314 عن الإمام زین العابدین علیه السلام ، غرر الحکم : 6532 ، بحار الأنوار : 74 / 178 / 19 ؛ البدایه والنهایه : 9 / 113 عن إبراهیم العلویّ عن الإمام الصادق عن أبیه عن الإمام زین العابدین علیهم السلام .
3- .نهج البلاغه : الکتاب 31 ، تحف العقول : 84 ، کشف المحجّه : 233 عن عمر بن أبی المقدام عن الإمام الباقر عنه علیهماالسلام ، بحار الأنوار :

74/165/28 ؛ ربيع الأبرار : 3 / 538 ، كنز العمّال : 16 / 181 / 44215 نقلاً عن وكيع والعسكريّ فى المواعظ .
4- .غرر الحكم : 9227 .
5- .غرر الحكم : 1158 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 503 / 1446 ، الخصال : 296 / 64 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 70 / 15 / 5 .
7- .شرح نهج البلاغه : 20 / 335 / 843 .
8- .فى الطبعه المعتمده «فرجا» والصحيح ما أثبتناه كما فى الطبعه المحقّقه من قبل الدكتور أبوالقاسم إمامى : 450 .
9- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 346 .

امام علی علیه السلام : سه چیز توان فرساست : از دست دادن دوستان ، فقر در غربت و ادامه یافتن سختی .

امام علی علیه السلام : از دست دادن دوستان ، غربت است .

امام علی علیه السلام در وصیّت خویش به امام حسن علیه السلام : غریب ، کسی است که دوستی ندارد .

امام علی علیه السلام : هر کس برادری خدایی را از دست بدهد ، گویی شریف ترین عضو خود را از دست داده است .

امام علی علیه السلام : از دست دادنی که موجب بیماری می شود ، از دست دادنِ دوستان است .

امام صادق علیه السلام : پنج تن خواب ندارند : آن که در پی ریختن خونی است؛ شخص بسیار دولتمندی که امینی ندارد ؛ آن که برای به چنگ آوردن متاع دنیا ، میان مردم به باطل و بهتان سخن می گوید ؛ آن که ناگزیر از پرداخت مالی فراوان است و هیچ مالی ندارد ؛ و دوستداری که در آستانه جدایی دوست خود است.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : افراد شریف را با هجران ، کیفر می دهند ، نه با حرمان [از عطا] .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : شب های هجران را دوست دارم ، نه این که بدانها شادمان باشم/ بلکه به آرزوی آن که روزگار ، پس از آن ، [ایّامِ]وصال را برساند . ایّام وصال را ناخوش می دارم ؛ زیرا/ می بینم که همه چیز ، در آستانه زوال است .

.

1 / 5النَّوادِر رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما ضاقَ مَجلِسٌ بِمُتَحابَّينِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : التَّوَدُّدُ يُمنٌ . (2)

عنه عليه السلام : الرَّفيقُ فى دُنياهُ كَالرَّفيقِ فى دينِهِ . (3)

عنه عليه السلام : أوَّلُ المُروءَهِ طَلاقَهُ الوَجهِ ، وآخِرُهَا التَّوَدُّدُ إلَى النّاسِ . (4)

عنه عليه السلام : أفضَلُ النّاسِ مِنَّهً مَن بَدَأَ بِالمَوَدَّهِ . (5)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : ألزِم نَفسَكَ التَّوَدُّدُ ، وصَبِّر عَلى مَؤوناتِ النّاسِ نَفسَكَ ، وَابذِل لِصَديقِكَ نَفسَكَ ومالَكَ ، ولِمَعرِفَتِكَ رِفدَكَ ومَحضَرَكَ ، ولِلعامَّهِ بِشرَكَ ومَحَبَّتَكَ ، ولِعَدُوِّكَ عَدلَكَ وإنصافَكَ ، وَاضنَن بِدينِكَ وعِرضِكَ عَن كُلِّ أحَدٍ ؛ فَإِنَّهُ أسلَمُ لِدينِكَ ودُنياكَ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام : لا يَنبَغى لِمَن لَم يَكُن عالِما أن يُعَدَّ سَعيدا ، ولا لِمَن لَم يَكُن وَدودا أن يُعَدَّ حَميدا . (7)

.

1- .تاريخ بغداد : 3 / 226 عن أنس ، كنز العمّال : 9 / 9 / 24674 .
2- .غرر الحكم : 59 .
3- .غرر الحكم : 1816 .
4- .غرر الحكم : 3290 .
5- .غرر الحكم : 3111 .
6- .الخصال : 147 / 178 عن حمّاد بن عيسى عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 175 / 6 .
7- .تحف العقول : 364 ، بحار الأنوار : 78 / 246 / 70 .

1 / 5گوناگون رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مجلسی بر دو دوستدار ، تنگ نمی شود .

امام علی علیه السلام : اظهار دوستی [با مردم ، مایه]برکت است .

امام علی علیه السلام : رفیق دنیای شخص ، همچون رفیق دین اوست .

امام علی علیه السلام : آغاز مروّت ، گشاده رویی و نهایتش اظهار دوستی با مردم است .

امام علی علیه السلام : بیشترین منّت را کسی دارد که دوستی را می آغازد .

امام علی علیه السلام در وصیّت خویش به پسرش محمّد بن حنفیه : خود را به اظهار دوستی با مردم پایبند کن ؛ جان خود را بر دشواری های مردم ، صبوری ده ؛ جان و مالت را بر دوستت ، عطا و حضورت را بر آشنایانت ، گشاده رویی و دوستی ات را بر عموم مردم ، و عدالت و انصافت را بر دشمنت ، نثار کن ، و دین و آبروی خود را از هر کس دریغ دار ، که این کار ، برای دین و دنیایت ایمنی بخش تر است .

امام صادق علیه السلام : سزاوار نیست آن کس که دانا نیست ، نیک بخت ، و آن کس که پُر محبّت نیست ، ستوده به شمار آیند .

.

عنه علیه السلام : رَحِمَ اللّهُ عَبدا اِجتَرَّ مَوَدَّهَ النّاسِ إلی نَفسِهِ ؛ حَدِّثوهُم بِما یَعرِفونَ ، وَاستُروا عَنهُم ما یُنکِرونَ . (1)

.

1- .الکافی : 2 / 223 / 5 ، الغیبه للنعمانی : 35 / 3 نحوه وفیه «إلی نفسه وإلینا» ، مختصر بصائر الدرجات : 101 وفیه «إلیَّ وإلی نفسه» کلّها عن عبدالأعلی ، الخصال : 25 / 89 عن مدرک بن الهزهاز ، روضه الواعظین : 404 وفیهما «وترک» بدل «واستروا عنهم» ، دعائم الإسلام : 1 / 61 ، شرح الأخبار : 3 / 507 / 1456 وفیهما «إلینا وإلی نفسه» ، بحار الأنوار : 75 / 74 / 22 .

امام صادق علیه السلام : خداوند رحمت کند بنده ای را که دوستی مردم را به سوی خود جلب کند . با آنان (مخالفان) ، از آنچه نیک می شمارند ، سخن بگویید و آنچه را برای آنان خوشایند نیست نهان دارید .

.

الفصل الثّانى :التَّباغض2 / 1التَّحذيرُ مِنَ التَّباغُضِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وسوءَ ذاتِ البَينِ ؛ فَإِنَّهَا الحالِقَةُ . (1)

سنن أبى داود عن أبى الدرداء : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُكُم بِأفضَلَ مِن دَرَجَهِ الصِّيامِ وَالصَّلاهِ وَالصَّدَقَهِ ؟ قالوا : بَلى . قالَ : إصلاحُ ذاتِ البَينِ . وفَسادُ ذاتِ البَينِ الحالِقَهُ . (2)

الزهد لابن المبارک عن سعيد بن المسيّب : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُكُم بِخَيرٍ مِن كَثيرٍ مِن صَلاهٍ وصَدَقَهٍ ؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : صَلاحُ ذاتِ البَينِ . وإيّاكُم وَالبِغضَهَ ؛ فَإِنَّها هِيَ الحالِقَهُ . (3)

.

1- .سنن الترمذى : 4 / 663 / 2508 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 3 / 58 / 5481 .
2- .سنن أبى داود : 4 / 280 / 4919 ، سنن الترمذى : 4 / 663 / 2509 ، مسند ابن حنبل : 10 / 422 / 27578 كلّها عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : 3 / 58 / 5480 .
3- .الزهد لابن المبارک : 256 / 738 عن سعيد بن المسيّب ، كنز العمّال : 3 / 59 / 5485 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد عن أبى الدرداء نحوه .

2 / 1 زینهار از دشمنی با یکدیگر

فصل دوم : دشمنی با یکدیگر2 / 1زینهار از دشمنی با یکدیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله : از اختلاف میان خود بپرهیزید ، که زداینده (1)] ایمان] است .

سُنن أبی داوود به نقل از ابو دردا : پیامبر خدا فرمود : «هان ! شما را از آنچه [ثوابش]از درجه روزه ، نماز و صدقه برتر است ، خبر دهم ؟» . گفتند : آری . فرمود : آن ، آشتی میان افراد است ؛ چرا که اختلاف ، زداینده [ایمان]است» .

الزهد ابن مبارک به نقل از سعید بن مُسیَّب : پیامبر خدا فرمود : «هان ! شما را از چیزی که بهتر از نماز و روزه بسیار است ، خبر دهم ؟» . گفتند : آری ! ای پیامبر خدا . فرمود : «آشتی میان افراد . از دشمنی بپرهیزید ، که زداینده [ایمان]است .

.

1- .در متن حدیث ، «حالقه» آمده است ؛ یعنی آنچه می زداید و نابود و محو می کند و از ریشه می کَنَد ، آن گونه که تیغ ، مو را می زداید .

عنه صلى الله عليه و آله : ألا إنَّ فِى التَّباغُضِ الحالِقَةَ ، لا أعنى حالِقَةَ الشَّعرِ ولكِن حالِقَةَ الدّينِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : دَبَّ إلَيكُم داءُ الاُمَمِ ؛ الحَسَدُ وَالبَغضاءُ هِىَ الحالِقَةُ ، لا أقولُ تَحلِقُ الشَّعرَ ، ولكِن تَحلِقُ الدّينَ . (2)

المستدرک على الصحيحين عن أبى هريره : سَمعِتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : سَيُصيبُ اُمَّتى داءُ الاُمَمِ . فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، وما داءُ الاُمَمِ ؟ قالَ : الأَشَرُ وَالبَطَرُ ، وَالتَّكاثُرُ وَالتَّناجُشُ فِى الدُّنيا ، وَالتَّباغُضُ وَالتَّحاسُدُ حَتّى يَكونَ البَغىُ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وَالبِغضَةَ لِذَوى أرحامِكُمُ المُؤمِنينَ ؛ فَإِنَّهَا الحالِقَةُ لِلدّينِ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 346 / 1 عن مسمع بن عبدالملک ، الأمالى للمفيد : 181 / 2 عن ابن سنان وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 132 / 101 .
2- .سنن الترمذى : 4 / 664 / 2510 ، مسند ابن حنبل : 1/352/1430 ، السنن الكبرى : 10/ 393/ 21065 نحوه ، مسند أبى يعلى : 1 / 321 / 665 كلّها عن الزبير بن العوّام ، كنز العمّال : 3 / 462 / 7443 ؛ منيه المريد : 324 ، تنبيه الخواطر : 1 / 127 كلاهما نحوه .
3- .المستدرک على الصحيحين: 4/186/7311، المعجم الأوسط: 9/23/9016 ، كنز العمّال: 11/249/31411 نقلاً عن ابن أبى الدنيا وابن النجّار كلاهما نحوه .
4- .دعائم الإسلام : 2 / 352 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هان ! دشمنی با یکدیگر ، زداینده است . مقصودم زداینده مو نیست ، که زداینده دین است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیماری امّت ها به سوی شما خزیده است ؛ حسادت و دشمنی ای که زداینده است . نمی گویم مو را می زداید ؛ بلکه دین را می زداید .

المُستدرَک علی الصحیحَین به نقل از ابو هریره : از پیامبر خدا شنیدم می فرمود : «امّت من به زودی به بیماری امّت ها دچار می شوند» . پرسیدند : ای پیامبر خدا ! بیماری امّت ها چیست ؟ فرمود : «سرمستی ، ناسپاسی ، نازیدن به بسیاری مال و فرزند ، فزونی جویی بر یکدیگر در دنیا، و دشمنی و حسادت به یکدیگر، تا آن که به سرکشی می انجامد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از دشمنی با خویشاوندان مؤمن خود بپرهیزید، که دین زداست.

.

عنه صلى الله عليه و آله : كونوا عِبادَ اللّهِ إخوانا ؛ لا تَعادَوا ولا تَباغَضوا ، سَدِّدوا وقارِبوا وأبشِروا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : لا تَقاطَعوا ، ولا تَدابَروا ، ولا تَباغَضوا ، ولا تَحاسَدوا ، وكونوا إخوانا . (2)

المعجم الكبير عن ابن عبّاس : قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله عَلَى المِنبَرِ : ألا اُنَبِّئُكُم بِشِرارِكُم ؟ قالوا : بَلى ، إن شِئتَ يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : فَإنَّ شِرارَكُمُ الَّذى يَنزِلُ وَحدَهُ ، ويَجلِدُ عَبدَهُ ، ويَمنَعُ رِفدَهُ . قالَ : أفَلا اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن ذلِكُم ؟ قالوا : بَلى ، إن شِئتَ يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : مَن يُبغِضُ النّاسَ ويُبغِضونَهُ . (3)

تحف العقول : مِن كَلامِهِ صلى الله عليه و آله ... قالَ : ألا اُنَبِّئُكُم بِشِرارِ النّاسِ ؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : مَن نَزَلَ وَحدَهُ ، ومَنَعَ رِفدَهُ ، وجَلَدَ عَبدَهُ . ألا اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن ذلِكَ ؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : مَن لا يُقيلُ عَثرَةً ، ولا يَقبَلُ مَعذِرَةً . ثُمَّ قالَ : ألا اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن ذلِكَ ؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : مَن لا يُرجى خَيرُهُ ، ولا يُؤمَنُ شَرُّهُ . ثُمَّ قالَ : ألا اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن ذلِكَ ؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : مَن يُبغِضُ النّاسَ ويُبغِضونَهُ . (4)

.

1- .مسند ابن حنبل : 3 / 455 / 9770 عن أبى هريره .
2- .صحيح مسلم : 4 / 1986 / 30 ، السنن الكبرى : 10 / 391 / 21060 ، مسند ابن حنبل : 3 / 524 / 10223 كلّها عن أبى هريره و ج 4 / 220 / 12074 ، سنن الترمذى : 4 / 329 / 1935 ، الأدب المفرد : 126 / 398 كلّها عن أنس نحوه .
3- .المعجم الكبير : 10 / 318 / 10775 ، كنز العمّال : 16 / 93 / 44046 .
4- .تحف العقول : 27 ، بحار الأنوار : 77 / 128 / 34 ، وراجع جامع الأحاديث للقمّى : 220 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای بندگان خدا! برادر باشید و با یکدیگر دشمنی و کینه توزی مکنید . در پیِ درستی و استواری باشید و در کارها میانه روی کنید و [در این صورت] ، بر شما مژده باد !

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از یکدیگر مَبُرید و به یکدیگر پشت مکنید و با یکدیگر دشمنی و حسادت مورزید و با هم برادر باشید .

المُعجم الکبیر به نقل از ابن عباس : پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر فرمود : «هان ! شما را از شریرانتان خبر دهم؟» . گفتند : آری ، ای پیامبر خدا ، اگر بخواهی . فرمود : «شریرترین شما کسی است که تنها فرود می آید [و با دیگران نمی آمیزد] ، بنده اش را تازیانه می زند و عطای خود را از دیگران بازمی دارد» . سپس فرمود : «آیا شما را از بدتر از چنین کسی خبر دهم ؟ » . گفتند : آری ، ای پیامبر خدا ، اگر شما بخواهید . فرمود : «آن که با مردم دشمنی می کند و آنان با او دشمنی می کنند» .

تحف العقول : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هان! شما را از شریرترین مردم خبر دهم؟» گفتند : آری ، ای پیامبر خدا . فرمود : «آن که تنها فرود می آید [و با دیگران نمی آمیزد]، عطای خود را باز می دارد و بنده اش را با تازیانه می زند. هان! شما را از بدتر از آن خبر دهم ؟» . گفتند : آری ، ای پیامبر خدا . فرمود : «آن که از هیچ لغزشی نمی گذرد و هیچ عذری را نمی پذیرد». سپس فرمود: «هان ! شما را از بدتر از آن خبر دهم ؟» گفتند : آری ، ای پیامبر خدا . فرمود : «آن که به خیرش امید و از شرّش ایمنی نیست» . سپس فرمود : «هان ! شما را از بدتر از آن خبر دهم ؟» . گفتند : آری ، ای پیامبر خدا . فرمود : «آن که با مردم دشمنی می کند و آنان با او دشمنی می کنند» .

.

الإمام علىّ عليه السلام : لا تَباغَضوا ؛ فَإِنَّها الحالِقَهُ . (1)

عنه عليه السلام : ضاقَتِ الدُّنيا عَلَى المُتَباغِضينَ . (2)

2 / 2النَّهيُ عَنِ القَطيعَهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن هَجَرَ أخاهُ سَنَهً فَهُوَ كَسَفكِ دَمِهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : لا تَقطَع صَديقا وإن كَفَرَ . (4)

عنه عليه السلام لَمّا حَضَرَتهُ الوَفاهُ : عَلَيكُم يا بَنِىَّ بِالتَّواصُلِ وَالتَّباذُلِ وَالتَّبارِّ ، وإيّاكُم وَالتَّقاطُعَ وَالتَّدابُرَ وَالتَّفَرُّقَ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 86 ، تحف العقول : 152 ، بحار الأنوار : 77 / 292 / 2 .
2- .المواعظ العدديّه : 58 .
3- .سنن أبى داود : 4 / 279 / 4915 ، مسند ابن حنبل : 6 / 276 / 17957 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 180 / 7292 ، الطبقات الكبرى : 7 / 500 ، أُسد الغابه : 6 / 82 / 5844 كلّها عن أبى خراش السلمى و ج 1 / 701 / 1104 عن حدرد الأسلمى ، الأدب المفرد : 127 / 404 عن أبى خراش الأسلمى ، الفردوس : 4 / 346 / 7002 عن أبى حدرد نحوه ، كنز العمّال : 9 / 32 / 24788 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : 131 .
4- .غرر الحكم : 10196 .
5- .الكافى : 7 / 52 / 7 ، تهذيب الأحكام : 9 / 178 / 714 عن سليم بن قيس الهلالى وفيه «وإيّاكم والنفاق و ...»، تحف العقول : 199 وفيه «والتبادر» بدل «والتبارّ» ، نهج البلاغه : الكتاب 47 نحوه ، بحار الأنوار: 42/249/51 ؛ مقاتل الطالبيّين : 53 وفيه «بالتواضع» بدل «بالتواصل» ، المعجم الكبير: 1 / 102 / 168 عن إسماعيل بن راشد نحوه ، المناقب للخوارزمى : 386 / 401 وليس فيه «التبار» .

امام علی علیه السلام : با یکدیگر دشمنی مکنید ، که زداینده [ایمان]است .

امام علی علیه السلام : دنیا ، بر دشمنانِ یکدیگر، تنگ است .

ر . ک : ص 159 (کلیات آفات دوستی) .

2 / 2نهی از جدایی رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر کس یک سال از برادرش دوری کند ، مانند آن است که خونش را بریزد .

امام علی علیه السلام : از هیچ دوستی مَبُر ، گر چه کافر شود .

امام علی علیه السلام به هنگام رحلتش : فرزندانم ! پایبند پیوند با یکدیگر ، بخشش به یکدیگر و نیکی در حقّ یکدیگر باشید و از گسستن از یکدیگر ، رویگردانی از یکدیگر و جدایی بپرهیزید .

.

عنه عليه السلام : عَلَيكُم بِالتَّواصُلِ وَالمُوافَقَهِ ، وإيّاكُم وَالمُقاطَعَهَ وَالمُهاجَرَهَ . (1)

عنه عليه السلام : لا تَصرِم أخاکَ عَلَى ارتِيابٍ ، ولا تَقطَعهُ دونَ استِعتابٍ . (2)

عنه عليه السلام : لا خَيرَ فيمَن يَهجُرُ أخاهُ مِن غَيرِ جُرمٍ . (3)

عنه عليه السلام : إذا أبغَضتَ فَلا تَهجُر . (4)

عنه عليه السلام : ما أقبَحَ القَطيعَهَ بَعدَ الصِّلَهِ ! وَالجَفاءَ بَعدَ الإخاءِ ! وَالعَداوَهَ بَعدَ الصَّفاءِ ! وزَوالَ الألفَهِ بَعدَ استِحكامِها ! (5)

عنه عليه السلام فى كِتابٍ لَهُ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام : اِحمِل نَفسَکَ مِن أخيکَ عِندَ صَرمِهِ عَلَى الصِّلَهِ ، وعِندَ صُدودِهِ عَلَى اللُّطفِ وَالمُقارَبَهِ ، وعِندَ جُمودِهِ عَلَى البَذلِ ، وعِندَ تَباعُدِهِ عَلَى الدُّنُوِّ ، وعِندَ شِدَّتِهِ عَلَى اللِّينِ ، وعِندَ جُرمِهِ عَلَى العُذرِ ، حَتّى كَأَنَّکَ لَهُ عَبدٌ وكَأَنَّهُ ذو نِعمَهٍ عَلَيکَ . وإيّاکَ أن تَضَعَ ذلِکَ فى غَيرِ مَوضِعِهِ ، أو أن تَفعَلَهُ بِغَيرِ أهلِهِ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 6152 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 391 / 5834 ، تحف العقول : 205 ، غرر الحكم : 10268 نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 42 / 30 .
3- .غرر الحكم : 10741 .
4- .غرر الحكم : 3980 .
5- .غرر الحكم : 9857 ، كشف المحجّه : 218 ، وفيه «المودّه» بدل «الصفاء» ، بحار الأنوار: 77 / 210 .
6- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : 81 وفيه «والمسأله» بدل «والمقاربه» ، كشف المحجّه : 232 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عليه السلامعنه عليه السلام ، غرر الحكم : 2452 نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 168 / 35 ؛ وراجع كنز العمّال : 16 / 178 / 44215 .

امام علی علیه السلام : پایبند پیوند با یکدیگر و موافقت با هم باشید و از گسستن از یکدیگر و هجران یکدیگر بپرهیزید .

امام علی علیه السلام : از برادرت تنها به سبب گمان ، مَبُر و پیش از پی جویی و بازخواست [در مورد علّت رفتاری که تو را رنجانده است] ، از او جدا مشو . (1)

امام علی علیه السلام : خیری در آن که بی هیچ جرمی از برادرش دوری می کند ، نیست .

امام علی علیه السلام : هرگاه [با کسی] دشمنی کردی ، [از او]مَبُر [و راهی برای بازگشت بگذار] .

امام علی علیه السلام : چه زشت است بریدن [از کسی]پس از پیوند ، بی مهری پس از برادری ، دشمنی پس از صفا[ی دوستی] و از میان رفتن الفت پس از استواری آن .

امام علی علیه السلام در نامه ای به فرزندش امام حسن علیه السلام : چون برادرت از تو بِبُرد ، خود را به پیوند با او وادار و چون از تو روی گردانَد ، خود را به او نزدیک کن و چون بُخل ورزد ، به او بخشش کن و چون دوری کند ، به او نزدیک شو و چون درشتی کند ، نرمی کن و چون جُرمی کند ، برایش عذری بیاور ، تا آن جا که گویی تو بنده او هستی و گویا او بر تو نعمتی دارد ؛ امّا مبادا که این کار را نابجا انجام دهی و یا در مورد نااهلش به کار بری .

.

1- .یعنی فقط به خاطر بدگمانی به دوستی و صمیمیت دوستت و یا گنهکاری او ، از او مَبُر و چون خلافی از او به تو رسید از او بپرس که چرا چنین کاری را کرده و یا آن سخن را گفته است ؛ زیرا ممکن است عُذرش را به تو بگوید و تو را قانع کند . پس پیش از این پرس و جو ، از او مَبُر .

عنه عليه السلام : اِحمِل نَفسَکَ عِندَ شِدَّهِ أخیکَ عَلَی اللّینَ ، وعِندَ قَطیعَتِهِ عَلَی الوَصلِ ، وعِندَ جُمودِهِ عَلَی البَذلِ ، وکُن لِلَّذی یَبدو مِنهُ حَمولاً ، ولَهُ وَصولاً . (1)

عنه عليه السلام فی کِتابِهِ لابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِیَّهِ : لا یَکونَنَّ أخوکَ عَلی قَطیعَتِکَ أقوی مِنکَ عَلی صِلَتِهِ ، ولا عَلَی الإِساءَهِ إلَیکَ أقوی مِنکَ عَلَی الإِحسانِ إلَیهِ . (2)

عنه عليه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : لا تَقطَع أخاکَ إلاّ بَعدَ عَجزِ الحیلَهِ عَنِ استِصلاحِهِ ، ولا تُتبِعهُ بَعدَ القَطیعَهِ وَقیعَهً فیهِ فَتَسُدَّ طَریقَهُ عَنِ الرُّجوعِ إلَیکَ ، ولَعَلَّ التَّجارِبَ أن تَرُدَّهُ عَلَیکَ وتُصلِحَهُ لَکَ . (3)

عنه عليه السلام : إن أرَدتَ قَطیعَهَ أخیکَ فَاستَبقِ لَهُ مِن نَفسِکَ بَقِیَّهً یَرجِعُ إلَیها إن بَدا لَهُ ذلِکَ یَوما ما . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : لا یَزالُ إبلیسُ فَرِحا مَا اهتَجَرَ المُسلِمانِ ، فَإِذَا التَقَیَا اصطَکَّت رُکبَتاهُ ، وتَخَلَّعَت أوصالُهُ ، ونادی : یا وَیلَهُ ، ما لَقِیَ مِنَ الثُّبورِ؟ ! (5)

عنه عليه السلام : قامَ رَجُلٌ یُقالُ لَهُ هَمّامٌ وکانَ عابِدا ناسِکا مُجتَهِدا إلی أمیرِ المُؤمِنینَ عِلیه السلاموهُوَ یَخطُبُ ، فَقالَ : یا أمیرَ المُؤمِنینَ ، صِف لَنا صِفَهَ المُؤمِنِ کَأَنَّنا نَنظُرُ إلَیهِ . فَقالَ : یا هَمّامُ ، المُؤمنُ . . . لا یَهجُرُ أخاهُ ، ولا یَغتابُهُ ، ولا یَمکُرُ بِهِ . (6)

.

1- .غرر الحکم : 2450 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 4 / 392 / 5834 ، نهج البلاغه : الکتاب 31 نحوه ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : 117 ، تحف العقول : 82 ، کشف المحجّه : 232 عن عمر بن أبی المقدام عن الإمام الباقر علیه السلام عنه علیه السلاموفیها «فی کتابه لابنه الحسن علیه السلام» ، الدرّه الباهره : 20 ، بحار الأنوار : 74 / 168 / 35 ، وراجع مشکاه الأنوار : 106 .

3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 327 / 748 ؛ أعلام الدين : 292 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه وليس فيه «لا تقطع . . . عن استصلاحه» ، بحار الأنوار : 74 / 166 / 31 .
4- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، كشف المحجّه : 232 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عليه السلام عنه عليه السلام ، غرر الحكم : 3720 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 117 ، تحف العقول : 82 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 168 / 35 .
5- .الكافى : 2 / 346 / 7 ، منيه المريد : 326 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 75 / 187 / 7 .
6- .الكافى : 2 / 226 / 1 عن عبداللّه بن يونس .

امام علی علیه السلام : به هنگام درشتی برادرت ، خود را به نرمی وادار و چون جدایی پیشه کند ، به پیوند بپرداز و چون بخل ورزد ، بخشش کن و آنچه را از او سر می زند ، تحمّل کن و با او بپیوند .

امام علی علیه السلام در نامه ای به فرزندش محمّد بن حنفیه : مبادا که برادرت در بریدن از تو ، قوی تر از پیوستنت به او ، و در بدی کردن به تو ، قوی تر از نیکی ات به او باشد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : از برادرت مَبُر ، مگر پس از آن که از به صلاح آوردنش عاجز گشتی ، و پس از بریدن ، از او بدگویی مکن ، مبادا که راه بازگشتش را به سویت ببندی؛ باشد که تجربه ها او را به سویت بازگرداند و برایت اصلاحش کند .

امام علی علیه السلام : اگر خواستی از برادرت ببُری ، از خودت چیزی (زمینه دوستی ای) برایش بگذار که اگر روزی نظرش بر آن قرار گرفت ، بازگردد .

امام صادق علیه السلام : تا هنگامی که دو مسلمان از یکدیگر بریده اند ، شیطان ، همواره شادمان است و چون آن دو یکدیگر را دیدار کنند ، زانوانش [از ترس]به یکدیگر می خورد و [گویا] اعضایش از یکدیگر جدا می شود و بانگ می زند : وای بر من ، چه سان هلاک شدم؟ !

امام صادق علیه السلام : در حالی که امیر مؤمنان خطبه می خواند ، مردی عبادت پیشه ، پرهیزگار و کوشا[در راه خدا] به نام همّام ، برخاست و گفت : ای «امیر مؤمنان! شخص مؤمن را چنان برای ما وصف کن که گویی او را می بینیم» . حضرت فرمود : «ای همّام ! مؤمن . . . از برادرش نمی بُرد ، غیبتش را نمی کند و به او نیرنگ نمی زند» .

.

الكافى عن مرازم بن حكيم : كانَ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام رَجُلٌ مِن أصحابِنا يُلَقَّبُ شَلقانَ ، وكانَ قَد صَيَّرَهُ فِى نَفَقَتِهِ ، وكانَ سَيِّئَ الخُلُقِ ، فَهَجَرَهُ . فَقالَ لى يَوما : يا مُرازِمُ ، (و) تُكَلِّمُ عيسى ؟ فَقُلتُ : نَعَم . فَقالَ : أصَبتَ ، لا خَيرَ فِى المُهاجَرَهِ . (1)

الكافى عن المفضّل : سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام يَقولُ : لا يَفتَرِقُ رَجُلانِ عَلَى الهِجرانِ إلاّ استَوجَبَ أحَدُهُمَا البَراءَهَ وَاللَّعنَهَ ، ورُبَّمَا استَحَقَّ ذلِكَ كِلاهُما . فَقالَ لَهُ مُعَتِّبٌ : جَعَلَنِى اللّهُ فِداكَ ، هذَا الظّالِمُ ، فَما بالُ المَظلومِ ؟ قالَ : لِأَنَّهُ لا يَدعو أخاهُ إلى صِلَتِهِ ، ولا يَتَغامَسُ لَهُ عَن كَلامِهِ ؛ سَمِعتُ أبى يَقولُ : إذا تَنازَعَ اثنانِ فَعازٌّ أحَدُهُمَا الآخَرَ فَليَرجِعِ المَظلومُ إلى صاحِبِهِ حَتّى يَقولَ لِصاحِبِهِ : أى أخى ، أنَا الظّالِمُ ؛ حَتّى يَقطَعَ الهِجرانَ بَينَهُ وبَينَ صاحِبِهِ ، فَإِنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى حَكَمٌ عَدلٌ يَأخُذُ لِلمَظلومِ مِنَ الظّالِمِ . (2)

.

1- .الكافى : 2 / 344 / 4 ، بحار الأنوار : 75 / 185 / 4 .
2- .الكافى : 2 / 344 / 1 ، منيه المريد : 326 ، مشكاه الأنوار : 209 ، تنبيه الخواطر : 2 / 207 وفيهما «يتعامس» بدل «يتغامس» وفى الأخير «فعاب» بدل «فعازّ» ، تحف العقول : 514 نحوه ، إرشاد القلوب : 178 وفيه صدره إلى «استحقّ ذلک كلاهما» ، بحار الأنوار : 75 / 184 / 1 وراجع الخصال : 183 / 251 .

الکافی به نقل از مُرازِم بن حکیم : یکی از یاران ما (عیسی بن ابی منصور) که شَلقان (1) لقب داشت ، نزد امام صادق علیه السلاممی زیست و کارهای مالی و تهیه ما یحتاج امام علیه السلام را به عهده داشت . او به سبب تندخویی اش از امام برید. پس امام، روزی به من فرمود : «ای مُرازِم ! آیا با عیسی سخن خواهی گفت (واسطه صلح خواهی شد)؟». گفتم: آری . فرمود: «بسیار خوب ! خیری در هجران نیست».

الکافی به نقل از مُفَضَّل : شنیدم که امام صادق علیه السلاممی فرمود : «هرگاه دو تَن از یکدیگر بِبُرند ، یکی از آن دو ، مستوجب دوری [از رحمت خدا] و لعنت می شود و چه بسا که هر دویِ آنان مستحقّ لعنت شوند» . مُعتِّب به ایشان گفت : خدا مرا قربانت کند ! این یک [که از برادرش بریده است]، ستمکار است. اما ستمدیده چه گناهی دارد ؟ فرمود : «زیرا برادرش را به پیوند فرا نمی خواند و سخن [ناخوشایند]او را نشنیده نمی گیرد . شنیدم پدرم می گفت : هرگاه دو تن نزاع کنند و یکی دیگری را مغلوب اقتدار خود سازد ، [لازم است] آن ستمدیده به سوی دوستش بازگردد ، و تا آن جا [کوتاه بیاید] که به او بگوید : "ای برادر! من ستمکارم" ، تا آن که هجران میان خود و دوستش را برطرف سازد که خداوند متعال ، داوری عادل است و حقّ ستمدیده را از ستمکار می گیرد» .

.

1- .شَلْقان ، شُهرت عیسی بن منصور است و مقصود از نزد ایشان بودن ، نه حضور همیشگی در محضر ایشان ، بلکه به معنای بر عهده داشتن کارهای منزل آن حضرت بود (مرآه العقول : 10 / 361) .

2 / 3النَّهىُ عَنِ الهِجرانِ فَوقَ ثَلاثَهِ أيّام4.باز به سندى ديگر، از عمرو بن شعيب، از جد خودش روا تاريخ بغداد عنَ أنس : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا هِجرَهَ بَينَ المُسلِمينَ فَوقَ ثَلاثَهِ أيّام . أو قالَ : ثَلاثِ لَيالٍ . (1)5.احمد بن ابى عبداللّه محمّد بن خالد برقى گوفى (م 2 رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا هِجرَهَ فَوقَ ثَلاثٍ . (2)6.صدوق (م328ق) در كتاب التوحيد نقل مى كند: عنه صلى الله عليه و آله : لا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ أن يَهجُرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثَهِ أيّام ، وَالسّابِقُ يَسبِقُ إلَى الجَنَّهِ . (3)7.صدوق در كتاب معانى الاخبار نيز روايتى قريب به مضم عنه صلى الله عليه و آله : لا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ أن يَهجُرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثٍ ، فَمَن هَجَرَ فَوقَ ثَلاثٍ فَماتَ دَخَلَ النّارَ . (4) 8.در رساله محكم و متشابه، منسوب به سيد مرتضى، به نق عنه صلى الله عليه و آله : مَن هَجَرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثٍ فَهُوَ فِى النّارِ ، إلاّ أن يَتَدارَكَهُ اللّهُ بِكَرَمِهِ . (5) .

1- .تاريخ بغداد : 3 / 312 ، العزله : 10 / 4 ، مساوئ الأخلاق : 198 / 557 وليس فيه «ثلاث ليال» ، كنز العمّال : 9 / 47 / 14870 .
2- .الكافى : 2 / 344 / 2 عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 209 ، بحار الأنوار : 75 / 185 / 2 ؛ صحيح مسلم : 4 / 1984 / 27 ، مسند ابن حنبل : 3 / 319 / 8928 كلاهما عن أبى هريره وفيهما «بعد» بدل «فوق» ، كنز العمّال : 9 / 33 / 24791 .
3- .الأمالى للطوسى : 391 / 860 عن أبى هريره ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 380 / 5809 ، عوالى اللآلى : 1 / 162 / 158 وفيهما «للمؤمن» بدل «لمسلم» ، الخصال : 183 / 250 عن أنس بن مالک ، روضه الواعظين : 424 كلّها ليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : 75 / 189 / 12 ؛ صحيح مسلم : 4 / 1984 / 26 عن عبداللّه بن عمر وفيه «للمؤمن» بدل «لمسلم» ، مسند ابن حنبل : 1 / 372 / 1519 عن سعد بن أبى وقّاص و ص 388 / 1589 عن سعد بن مالک ، مسند أبى يعلى : 4 / 315 / 4550 عن عائشه وكلّها ليس فيه ذيله ، كنز العمّال : 9 / 48 / 24874 نقلاً عن ابن النجّار عن أبى هريره .
4- .سنن أبى داود : 4 / 279 / 4914 ، مسند ابن حنبل : 3 / 346 / 9103 ، تاريخ بغداد : 2 / 226 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى هريره، كنز العمّال : 9/33/24795 ؛ وراجع جامع الأحاديث للقمّى: 121 .
5- .المعجم الكبير : 18 / 315 / 815 عن فضاله بن عبيد .

2 / 3نهی از جدایی بیش از سه روز10.در تفسیر العیاشی نیز این روایت، از عمر بن سلیمان، تاریخ بغداد به نقل از انس : پیامبر خدا فرمود : جدایی میان مسلمانان نباید بیش از سه روز یا فرمود سه شب بپاید .1.علل الشرائع عن الربیع صاحب المنصور: رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ جدایی ای نباید بیش از سه [روز یا شب]بپاید .2.عن الامام علی علیه السلام ، و سئل فقیل: رسول خدا صلی الله علیه و آله : برای هیچ مسلمانی روا نیست که بیش از سه روز ، برادرش را ترک گوید و هر کس [برای آشتی]پیش دستی کند ، به سوی بهشت ، پیش دستی کرده است .3.وروی السید فی کتاب النجوم، عن رساله أبی إسحاق الط رسول خدا صلی الله علیه و آله : برای هیچ مسلمانی روا نیست که بیش از سه [روز یا شب] از برادرش بِبُرَد و هر کس بیش از سه روز [از برادرش] برید و از دنیا رفت ، به دوزخ می رود .4.الدعوات، قال الاصبغ بن نباته: رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بیش از سه [روز] از برادرش ببُرد ، در آتش است ، مگر آن که خداوند با کرم خود ، او را دریابد .

.

قال مولانا الصادق صلوات اللّه عليه : عنه صلى الله عليه و آله : لا يَحِلُّ لِرَجُلٍ أن يَهجُرَ مُؤمِنا فَوقَ ثَلاثَهِ أيّامٍ . فَإِذا مَرَّت ثَلاثَهُ أيّامٍ فَليَلقَهُ فَليُسَلِّم عَلَيهِ ، فَإِن رَدَّ عَليهِ السَّلامَ فَقَدِ اشتَرَكا فِى الأجرِ ، وإن لَم يَرُدَّ عَلَيهِ فَقَد بَرِئَ المُسَلِّمُ مِنَ الهِجرَهِ . (1) عنه صلى الله علَيه و آله : أيُّما مُسلِمَينِ تَهاجَرا فَمَكَثا ثَلاثا لا يَصطَلِحانِ إلاّ كانا خارِجَينِ مِنَ الإِسلامِ ، ولَم يَكُن بَينَهُما وِلايَهٌ ، فَأيُّهُما سَبَقَ إلى كَلامِ أخيهِ كانَ السّابِقَ إلَى الجَنَّهِ يَومَ الحِسابِ . (2) عنه صلى الله عليه و آله : لا تَباغَضوا ، ولا تَحاسَدوا ، ولا تَدابَروا ، وكونوا عِبادَ اللّهِ إخوانا . ولا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ أن يَهجُرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثَهِ أيّامٍ . (3) مسند ابن حنبل عن ابن عمر : إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله . . . نَهى عَن هِجرَهِ المُسلِمِ أخاهُ فَوقَ ثَلاثٍ . (4) عن إبراهيم بن عبد الرحمان ، عن إسحاق بن حسان ، عن الإمام علىّ عليه السلام : نَهى [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] عَنِ الهِجرانِ . فَمَنِ كانَ لابُدَّ فاعِلاً فَلا يَهجُر أخاهُ أكثَرَ مِن ثَلاثَهِ أيّامٍ ؛ فَمَن كانَ مُهاجِراً لِأخيهِ أكثَرَ مِن ذلِكَ كانَتِ النّار أولى بِهِ . (5) .

1- .الأدب المفرد : 130 / 414 ، سنن أبى داود : 4 / 279 / 4912 وفيه «فقد باء بالإثم» بدل «فقد برئ . . .» ، السنن الكبرى : 10 / 108 / 20028 وزاد فيه «وصارت على صاحبه» ، التاريخ الكبير : 1 / 257 / 820 نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 9 / 32 / 24790 ، وراجع تاريخ بغداد : 14 / 296 .

2- .الكافى : 2 / 345 / 5 ، مصادقه الإخوان : 153 / 1 ، منيه المريد : 325 كلّها عن داود بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، إرشاد القلوب : 178 نحوه ، بحار الأنوار : 75 / 186 / 5 .

3- .صحيح البخارى: 5/2253/5718، صحيح مسلم : 4/1983/23، سنن أبى داود: 4/278/4910، الأدب المفرد : 126 / 398 ، السنن الكبرى : 10 / 392 / 21061 ، سنن الترمذى : 4 / 329 / 1935 ، مسند ابن حنبل : 4 / 220 / 12074 وفيهما زياده «ولا تقاطعوا»، حليه الأولياء: 3/374 وفيه «لا تقاطعوا» بدل «لا تباغضوا»، كنز العمّال: 9/175/25575 نقلاً عن ابن النجّار وكلّها عن أنس .

4- .مسند ابن حنبل : 2 / 348 / 5357 .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 10 / 4968 ، الأمالى للصدوق : 512 / 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ،

مكارم الأخلاق : 2 / 379 / 2661 ، مشكاه الأنوار : 209 كلاهما عن أبى ذرّ عن النبىّ صلى الله عليه و آلهنحوه ، بحار الأنوار : 76 / 331 / 1 .

و عنه [جعفر بن محمّد] علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله : برای هیچ کس روا نیست که بیش از سه روز از مؤمنی ببرد . پس اگر سه روز گذشت ، باید به دیدارش برود و بر او سلام کند . اگر آن یک پاسخ سلامش را داد ، هر دو در پاداش ، شریک هستند و اگر پاسخ او را نداد ، شخص سلام کننده از [کیفر]هجران ، ایمن است .فقال أبوالحسن علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو مسلمان از یکدیگر ببُرند و تا سه روز با یکدیگر آشتی نکنند ، از [دین] اسلام بیرون اند و میان آنان ، ولایتی [دینی] (1) نخواهد بود . پس هر یک از آن دو به سخن گفتن با دوستش پیش دستی کند ، در روز حسابرسی ، به سوی بهشت ، پیش دستی خواهد کرد . رسول خدا صلی الله علیه و آله : با یکدیگر دشمنی مکنید ، بر یکدیگر حسد مورزید و از یکدیگر رویگردان مشوید . بندگان خدا و برادر هم باشید . برای هیچ مسلمانی روا نیست که بیش از سه روز از برادرش ببُرد .1.در روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از پدر مسند ابن حنبل به نقل از ابن عمر : پیامبر صلی الله علیه و آله از این که مسلمانی بیش از سه روز از برادرش ببُرد ، نهی کرد . امام علی علیه السلام : [پیامبر خدا]از هجران نهی کرد . پس اگر کسی ناچار از آن شد ، بیش از سه روز از برادرش نَبُرد که هر کس بیش از آن از برادرش بِبُرد ، آتش به او سزاوارتر است . .

1- .اشاره است به آیه 71 از سوره توبه : «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ...» که می گوید : مردان و زنان با ایمان بر یکدیگر ولایت دارند .

2.در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام ، باز آن حِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا تَهجُروا ، فَإن کُنتُم مُهتَجِرینَ لا مَحالَهَ فَلا تَهتَجِروا فَوقَ ثَلاثَهِ أیّام . وأیُّما مُسلِمَین ماتا وهُما مُهتَجِرانِ لا یَجتَمِعانِ فِی الجَنَّهِ . (1)رسولِ خدا صلی الله علَیه و آله وسلم فرمود: عنه صلی الله علیه و آله : لا یَحِلّ لِرَجُلٍ أن یَهجُرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثِ لَیالٍ ، یَلتَقِیانِ فَیُعرِضُ هذا ویُعرِضُ هذا . وخَیرُهُمَا الَّذی یَبدَأُ بِالسَّلامِ . (2)2 / 4مَضارَّ القَطیعَهِ4.در روایت دیگری که در منابع فریقین آمده، به خواب ق رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ثَلاثَهٌ لا تَرتَفِعُ صَلاتُهُم فَوقَ رُؤوسِهِم شِبرا : رَجُلٌ أمَّ قَوما وهُم لَهُ کارِهونَ ، وَامرَأهٌ باتَت وزَوجُها عَلَیها ساخِطٌ ، وأخَوانِ مُتَصارِمانِ . (3)1.عبدالعزیز بن المهتدي والحسن بن علی بن یقطین جمیعا عنه صلی الله علیه و آله فی وَصِیَّتِهِ لِأبی ذَرٍّ : یا أبا ذَرٍّ ، إیّاکَ وَالهِجرانَ لِأخیکَ المُؤمِنِ ؛ فَإنَّ العَمَلَ لا یُتَقَبَّلُ مَعَ الهِجرانِ . (4) .

1- .تنبیه الغافلین : 519 / 823 عن الحسن البصریّ .
2- .صحیح البخاری : 5/2256/5727 وص 2302/5883 نحوه ، صحیح مسلم : 4 / 1984 / 2560 ، سنن أبی داود : 4 / 278 / 4911 ، الأدب المفرد : 291 / 985 ، سنن الترمذی : 4 / 327 / 1932 ، مسند ابن حنبل : 9 / 137 / 23587 ، السنن الکبری : 10 / 108 / 20027 کلّها عن أبی أیّوب الأنصاری وص 392 / 21061 عن أنس بن مالک وفی الأربعه الأخیره «یصدّ» بدل «یعرض» فی کلا الموضعین، کنز العمّال : 9/33/24794؛ درر الأحادیث النبویّه: 41، عوالی اللآلی: 1/266/64 نحوه.
3- .سنن ابن ماجه: 1/311/971، صحیح ابن حبّان: 5/53/1757، المعجم الکبیر: 11/355/12275 وفیهما «ثلاثه لا یقبل اللّه لهم صلاه» وکلّها عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : 16 / 30 / 43798 .
4- .الأمالی للطوسی : 538 / 1162 ، مکارم الأخلاق : 2 / 379 / 2661 کلاهما عن أبی ذرّ ، مشکاه الأنوار : 209 وفیهما «إیّاک وهجران أخیک» ، بحار الأنوار : 77 / 89 / 3 .

2.الفضل بن شاذان، عن عبد العزیز بن المهتدی وکان خ رسول خدا صلی الله علیه و آله : از یکدیگر نبُرید . پس اگر ناچار از بریدن از یکدیگر شدید ، بیش از سه روز نپاید که هرگاه دو مسلمان ، در حالی که از یکدیگر بُریده اند ، بمیرند ، در بهشتْ گرد نخواهند آمد .3.یونس بن یعقوب: کنّا عند أبیعبداللّه علیه السلام ف رسول خدا صلی الله علیه و آله : برای هیچ کس روا نیست که بیش از سه شب از برادرش ببُرد؛ و چون همدیگر را ببینند ، این یک روی بگرداند و آن یک روی بگرداند . بهترین آن دو ، کسی است که آغازگرِ «سلام» باشد .2 / 4زیان های جدایی2.شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله : نمازهای سه تن ، یک وجب نیز فراتر از سرهایشان نمی رود! [و پذیرفته نمی گردد]! : کسی که پیشوای مردمی گردد ، حال آن که او را ناخوش می دارند ؛ زنی که شوهرش از او خشمگین باشد ؛ و دو برادر [دینی]که از یکدیگر بریده اند . رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیّت خود به ابوذر : ای ابوذر! از ترک کردن برادر مؤمنت بپرهیز که با هجران و دوری ، عملِ [صالح] پذیرفته نمی شود .

.

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ أن يَهجُرَ مُسلِما فَوقَ ثَلاثِ لَيالٍ ؛ فَإنَّهُما ناكِبانِ عَن الحَقِّ ما داما عَلى صُرامِهِما . وأوَّلُهُما فَيئا يَكونُ سَبقُهُ بِالفَيءِ كَفّارَةً لَهُ ، وإن سَلَّمَ فَلَم يَقبَل ورَدَّ عَلَيهِ سَلامَهُ رَدَّت عَلَيهِ المَلائِكَهُ ، ورَدَّ عَلَى الآخَرِ الشَّيطانُ . وإن ماتا عَلى صُرامِهِما ، لَم يَدخُلاَ الجَنَّهَ جَميعا أبَدا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ رَجُلَينِ دَخَلا فِى الإسلامِ فَاهتَجَرا ، كانَ أحَدُهُما خارِجا مِنَ الإسلامِ حَتّى يَرجِعَ الظّالِمُ . (2)

المستدرک على الصحيحين عن ابن عبّاس : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لا تَحِلُّ الهِجرَهُ فَوقَ ثَلاثَهِ أيّامٍ . فَإنِ التَقَيا فَسَلَّمَ أحَدُهُما عَلَى الآخَرِ فَرَدَّ عَلَيهِ الآخَرُ السَّلامَ اشتَرَکا فِى الأجرِ ، وإن أبَى الآخَرُ أن يَرُدَّ السَّلامَ بَرِئَ هذا مِنَ الإثمِ ، وباءَ بِهِ الآخَرُ . وأحسِبُهُ قالَ : وإن ماتا وهُما مُتَهاجِرانِ ، لا يَجتَمِعانِ فِى الجَنَّهِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تُعرَضُ الأعمالُ يَومَ الاِثنَينِ وَالخَميسِ ؛ فَمِن مُستَغفِرٍ فَيُغفَرُ لَهُ ، ومِن تائِبٍ فَيُتابُ عَلَيهِ ، ويُرَدُّ أهلُ الضَّغائِنِ لِضَغائِنِهِم حَتّى يَتوبوا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : يا أبا ذَرٍّ ، تُعرَضُ أعمالُ أهلِ الدُّنيا عَلَى اللّهِ مِنَ الجُمُعَهِ إلَى الجُمُعَهِ فى يَومِ الاِثنَينِ وَالخَميسِ ، فَيُغفَرُ لِكُلِّ عَبدٍ مُؤمِنٍ إلاّ عَبدا كانَت بَينَهُ وبَينَ أخيه شَحناءُ ، فَيُقالُ : اُترُکوا عَمَلَ هذَينِ حَتّى يَصطَلِحا . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : 5/487/16258 ، الأدب المفرد : 127/402 ، المعجم الكبير : 22 / 175 / 454 ، مسند أبى يعلى : 2 / 220 / 1554 ، شُعب الإيمان : 5 / 269 / 6620 كلّها عن هشام بن عامر نحوه ، كنز العمّال : 9 / 48 / 24873 .

2- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 72 / 55 ، حليه الأولياء : 4 / 173 كلاهما عن عبداللّه ، كنز العمّال : 9 / 48 / 24876 .

3- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 180 / 7291 .

4- .المعجم الأوسط : 7 / 251 / 7419 عن جابر .
5- .مكارم الأخلاق : 2 / 379 / 2661 ، الأمالي للطوسى : 537 / 1162 كلاهما عن أبى ذرّ ، كنز الفوائد : 1/307 عن أبى هريره نحوه وليس فيه «يا أبا ذرّ» ، بحار الأنوار : 77 / 89 / 3 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : برای مسلمان روا نیست که بیش از سه شب از مسلمانی ببُرد و این دو تا هنگامی که از یکدیگر بریده اند ، از حق کناره گرفته اند ، و آن کسی که زودتر [برای آشتی]بازگردد ، همین پیش دستیِ او برای بازگشت، کفّاره اش خواهد بود ، و اگر هم سلام کرد و دیگری نپذیرفت ، ملائکه پاسخ سلام او را خواهند داد و شیطان ، پاسخ دیگری خواهد داد ، و اگر این دو در حال بریدن از یکدیگر بمیرند ، هرگز هیچ یک از آنان وارد بهشت نخواهد شد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه دو تن که داخل در [آیین]اسلام هستند ، از یکدیگر ببُرند ، یکی از آن دو [که ظالم است] ، خارج از اسلام خواهد بود ، تا آن که شخص ستمگر [به سوی دیگری]باز گردد .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا فرمود : «جدایی بیش از سه روز ، روا نیست . پس اگر آن دو [که از هم بریده اند] ، یکدیگر را دیدند و یکی بر دیگری سلام کرد و آن دیگری پاسخ سلام او را داد ، هر دو در پاداش ، شریک هستند و اگر آن دیگری از پاسخ دادن سلامْ خودداری کرد ، این یک از گناه پاک شده و آن دیگری به گناه دچار شده است» . نیز گمان می کنم فرمود : «و اگر در حالت جدایی بمیرند ، در بهشت ، گرد نخواهند آمد» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : روزهای دوشنبه و پنج شنبه ، اعمال ، عرضه [و بررسی]می شود . پس [در این میان] ، آمرزش خواهانی هستند که آمرزیده می شوند و توبه کارانی که توبه آنان پذیرفته می شود ؛ امّا کینه توزان به خاطر کینه هایشان بازگردانده می شوند ، تا توبه کنند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای ابوذر ! اعمال هر هفته اهل دنیا در روزهای دوشنبه و پنج شنبه بر خداوند عرضه می شود . پس هر مؤمنی آمرزیده می شود ، مگر آن که میان او و برادرش کینه ای باشد که در این صورت ، گفته می شود : عمل این دو را رها کنید ، تا با یکدیگر آشتی کنند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : تُفتَحُ أبوابُ الجَنَّهِ يَومَ الاِثنَينِ ويَومَ الخَميسِ ، فَيُغفَرُ لِكُلِّ عَبدٍ لا يُشرِكُ بِاللّهِ شَيئا إلاّ رَجُلاً كانَت بَينَهُ وبَينَ أخيهِ شَحناءُ ، فَيُقالُ : أنظِروا هذَينِ حَتّى يَصطَلِحا ، أنظِروا هذَينِ حَتّى يَصطَلِحا ، أنظِروا هذَينِ حَتّى يَصطَلِحا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ لَيَطَّلِعُ فى لَيلَهِ النِّصفِ مِن شَعبانَ ، فَيَغفِرُ لِجَميعِ خَلقِهِ إلاّ لِمُشرِكٍ أو مُشاحِنٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : فى أوَّلِ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ تُغَلُّ المَرَدَهُ مِنَ الشَّياطينِ ، ويُغفَرُ فى كُلِّ لَيلَهٍ سَبعينَ ألفا ، فَإذا كانَ فى لَيلَهِ القَدرِ غَفَرَ اللّهُ بِمِثلِ ما غَفَرَ فى رَجَبٍ وشَعبانَ وشَهرِ رَمَضانَ إلى ذلِكَ اليَومِ إلاّ رَجُلٌ بَينَهُ وبَينَ أخيهِ شَحناءُ، فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : أنظِروا هؤُلاءِ حَتّى يَصطَلِحوا . (3)

شُعب الإيمان عن عبداللّه بن عبّاس أنَّهُ سَمِعَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : ... إذا كانَت لَيلَهُ القَدرِ يَأمُرُ اللّهُ عز و جل جِبريلَ عليه السلام فَيَهبِطُ فى كَبكَبَهٍ مِنَ المَلائِكَهِ ... فَإذا طَلَعَ الفَجرُ يُنادى جَبريلُ : مَعاشِرَ المَلائِكَهِ الرَّحيلَ الرَّحيلَ. فَيَقولونَ : يا جِبريلُ فَما صَنَعَ اللّهُ فى حَوائِجِ المُومِنينَ مِن اُمَّهِ أحمَدَ صلى الله عليه و آله ؟ فَيَقولُ جِبريلُ : نَظَرَ اللّهُ إلَيهِم فى هذِهِ اللَّيلَهِ فَعَفا عَنهُم وغَفَرَ لَهُم إلاّ أربَعَهً . فَقُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، مَن هُم ؟ قالَ : رَجُلٌ مُدمِنُ خَمرٍ ، وعاقٌّ لِوالِدَيهِ ، وقاطِعُ رَحِمٍ ، ومُشاحِنٌ . قُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، مَا المُشاحِنُ ؟ قالَ : هُوَ المُصارِمُ . (4)

.

1- .صحيح مسلم : 4/1987/2565 ، سنن أبى داود : 4 / 279 / 4916 نحوه ، الموطّأ : 2 / 908 / 17 ، مسند ابن حنبل : 3 / 363 / 9210 ، الأدب المفرد : 129 / 411 ، السنن الكبرى : 3 / 483 / 6396 ، سنن الترمذى : 4 / 373 / 2023 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى هريره وفيها «أنظروا هذين حتّى يصطلحا» مرّه واحده ، كنز العمّال : 3 / 464 / 7454 .

2- .سنن ابن ماجه : 1 / 445 / 1390 عن أبى موسى الأشعرى ، مسند ابن حنبل : 2 / 589 / 6653 نحوه عن عبداللّه بن عمرو ، المعجم الكبير :

20 / 109 / 215 ، المعجم الأوسط : 7 / 36 / 6776 ، شُعب الإيمان : 3 / 382 / 3833 و ج 5 / 272 / 6628 ، حليه الأولياء : 5 / 191 كلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 3 / 467 / 7464 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 71 / 331 عن دارم بن قبيصه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 97 / 36 / 16 .
4- .شُعب الإيمان : 3/336/3695 ، كنز العمّال : 8 / 587 / 24281 نقلاً عن ابن عساكر ؛ روضه الواعظين : 380 عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : روزهای دوشنبه و پنج شنبه ، درهای بهشت باز می شود و [گناهان]هر بنده ای که به خداوند شرک نورزیده باشد ، آمرزیده می شود ، مگر آن که میان کسی و برادرش کینه ای باشد که در این صورت ، گفته می شود : [آمرزش] این دو را عقب بیندازید ، تا آشتی کنند . [آمرزش] این دو را عقب بیندازید ، تا آشتی کنند . [آمرزش]این دو را عقب بیندازید ، تا آشتی کنند. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند در شب نیمه شعبان ، اعمال بندگانش را ملاحظه می کند و همه خلقش را می آمرزد ، جز شخص مشرک یا کینه توز .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : شب اوّل ماه رمضان ، شیطان های سرکش به بند کشیده می شوند و هر شب ، هفتاد هزار تن آمرزیده می گردند ، و چون شب قدر فرا رسد ، خداوند به اندازه آنچه در ماه رجب و شعبان و رمضان تا آن روز آمرزیده است ، [بندگان] را می آمرزد ، مگر آن که میان کسی و برادرش کینه ای باشد که در این صورت ، خداوند عز و جلمی فرماید : [آمرزش] اینان را عقب بیندازید ، تا آشتی کنند .

شعب الإیمان به نقل از عبداللّه بن عباس : از پیامبرخدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : «چون شب قدر شود، خداوند عز و جلبه جبرئیل علیه السلامفرمان می دهد و او همراه جمعی از ملائکه به زمین فرو می آیند .. . پس چون سپیده بدمد ، جبرئیل ندا می دهد : "ای گروه ملائکه! برویم ، برویم" . آنان می گویند : "ای جبرئیل! خداوند با حاجت های مؤمنان امّت احمد صلی الله علیه و آلهچه کرد ؟" . جبرئیل می گوید : "خداوند در این شب به آنان نظر کرد و از خطاهایشان درگذشت و آنان را بخشود ، جز چهار تن" . گفتیم : ای پیامبر خدا! آنان کیان اند ؟ فرمود : «شخص شرابخواره ، آزارنده پدر و مادر خود ، گسلنده پیوند خویشاوندی و مُشاحِن» . گفتیم : ای پیامبر خدا! مشاحن کیست؟ فرمود: «آن که از برادرش می بُرد و با او دشمنی می کند».

.

1- .در کنزالعمّال ، این جمله تنها یک بار آمده است .

2 / 5عَوامِلُ البَغضاءِالكتاب(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَنِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (1)

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَنُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِى الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَوةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ) . (2)

(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَى أَن يَكُونُواْ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَ لاَ نِسَآءٌ مِّن نِّسَآء عَسَى أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَ لاَ تَلْمِزُواْ أَنفُسَكُمْ وَ لاَ تَنَابَزُواْ بِالْأَلْقَبِ بِئْسَ الاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الاءِيمَنِ وَ مَن لَّمْ يَتُبْ فَأُوْلَئکَ هُمُ الظَّلِمُونَ). (3)

.

1- .المائده : 90 .
2- .المائده : 91 .
3- .الحجرات : 11 .

2 / 5عوامل دشمنیقرآن(ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازلام (= نوعی بخت آزمایی) ، پلید و از عمل شیطان است . از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!»

(شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد . آیا بس می کنید؟)

(ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند . شاید آنها از اینها بهتر باشند! و نه زنانی زنان دیگر را . شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید . بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان ، نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند ، ظالم و ستمگرند!) .

.

(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لاَ تَجَسَّسُواْ وَ لاَ يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ). (1)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ الشَّيطانَ قَد أيِسَ أن يَعبُدَهُ المُصَلّونَ فى جَزيرَةِ العَرَبِ ، ولكِن فِى التَّحريشِ بَينَهُم . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ الشَّيطانَ يُغرى بَينَ المُؤمِنينَ ما لَم يَرجِع أحَدُهُم عَن دينِهِ ، فَإذا فَعَلوا ذلِكَ استَلقى عَلى قَفاهُ وتَمَدَّدَ ، ثُمَّ قالَ : فُزتُ . فَرَحِمَ اللّهُ امرَأً أَلَّفَ بَينَ وَلِيَّينِ لَنا ، يا مَعشَرَ المُؤمِنينَ ، تَأَلَّفوا وتَعاطَفوا . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا تُفتَحُ الدُّنيا عَلى أحَدٍ إلاّ ألقَى اللّهُ عز و جل بَينَهُمُ العَداوَةَ وَالبَغضاءَ إلى يَومِ القِيامَهِ . (4)

حليه الأولياء : الحسن قال : جاءَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلى أهلِ الصُّفَّهِ فَقالَ : كَيفَ أصبَحتُم ؟ قالوا : بِخَيرٍ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أنتُمُ اليَومَ خَيرٌ ، وإذا غُدِىَ عَلى أحَدِكُم بِجَفنَهٍ وريحَ بِأُخرى، وسَتَرَ أحَدُكُم بَيتَهُ كَما تُستَرُ الكَعبَهُ . فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، نُصيبُ ذلِكَ ونَحنُ عَلى دينِنا ؟ قالَ : نَعَم. قالوا : فَنَحنُ يَومَئِذٍ خَيرٌ ؛ نَتَصَدَّقُ ونُعتِقُ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا ، بَل أنتُمُ اليَومَ خَيرٌ ؛ إنَّكُم إذا أصَبتُموها تَحاسَدتُم وتَقاطَعتُم وتَباغَضتُم . (5)

.

1- .الحجرات : 12 .
2- .صحيح مسلم: 4/2166/2812، سنن الترمذى: 4/330/1937، مسند أبى يعلى: 2/413/2091، مسند ابن حنبل : 5 / 50 / 14373 و ص 153 / 14945 كلّها عن جابر وليس فيها «فى جزيره العرب» ، كنز العمّال : 12 / 305 / 35137 نقلاً عن ابن خزيمه وابن حبّان .
3- .الكافى : 2 / 345 / 6 ، منيه المريد : 326 كلاهما عن زراره ، عوالى اللآلى : 2 / 115 / 316 وفيه «قررت» بدل «فزت» ، بحار الأنوار : 75 / 187 / 6 .

4- .مسند ابن حنبل : 1 / 45 / 93 ، مسند البزّار : 1 / 440 / 311 وفيه «تدخل» بدل «تفتح» وكلاهما عن عمر ، كنز العمّال : 3 / 237 / 6327 .
5- .حليه الأولياء : 1 / 340 ، كنز العمّال : 3 / 216 / 6227 .

(ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید ؛ چرا که بعضی از گمان ها گناه است؛ و هرگز [در کار دیگران]تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند . آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! [به یقین]همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند ، توبه پذیر و مهربان است!)

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : شیطان از این که نمازگزاران در جزیره العرب او را بپرستند ، نومید شده است ؛ لیکن به دشمنی افکندن میانشان [همچنان امید دارد] . (1)

امام باقر علیه السلام : شیطان ، همچنان به ایجاد دشمنی میان مؤمنان می پردازد تا آن که یکی از آنان از دین خود بازگردد و چون [افسونش کارگر گشت و]چنین کردند ، به پشت می افتد و دراز می کشد و سپس می گوید : «پیروز شدم». پس خداوند ، رحمت کند کسی را که میان دو تن از دوستان ما الفت برقرار کند . ای گروه مؤمنان ! با یکدیگر الفت بگیرید و به هم مهربانی کنید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در دنیا [خواهی] بر مردمی گشوده نمی شود ، مگر آن که خدای عز و جل تا روز قیامت ، میانشان کینه و دشمنی می افکند .

حلیه الأولیاء : حسن : پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهنزد اهل صُفّه رفت و فرمود : «شب را چگونه به روز آوردید ؟» . گفتند : به خوبی . پیامبر خدا فرمود : «شما امروز بهترید و یا آن گاه که برای یکی از شما صبح گاهان کاسه بزرگی [لبریز از غذا]بیاورند و شامگاهان کاسه ای دیگر ، و خانه هایتان را آن چنان که کعبه را می پوشانند بپوشانید ؟» . گفتند : ای پیامبر خدا ! آیا در حالی که بر دین خود هستیم ، به آن [نعمت ها]دست خواهیم یافت ؟ فرمود : «آری» . گفتند : پس آن روز برای ما بهتر است . صدقه می دهیم و بنده آزاد می کنیم . پیامبر خدا فرمود : «نه ؛ بلکه امروز وضعتان بهتر است ؛ زیرا اگر به آن [نعمت ها]برسید ، به یکدیگر حسادت خواهید کرد ، از یکدیگر خواهید برید و کینه یکدیگر را در دل خواهید پرورید» .

.

1- .یعنی با افکندن دشمنی ها و کینه ها و درگیری ها و فتنه ها در میان دینداران ، سعی در به جان هم انداختن آنان دارد .

الإمام علىّ علیه السلام : لا تُكثِرَنَّ العِتابَ ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغينَةَ ، ويَجُرُّ إلَى البَغيضَهِ ، وكَثرَتُهُ مِن سوءِ الأَدَبِ . (1)

عنه علیه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام : المِزاحُ يورِثُ الضَّغائِنَ . (2)

عنه علیه السلام : أوَّلُ القَطيعَهِ السَّجا . (3)

عنه علیه السلام : التَّجَنّى رَسولُ القَطيعَهِ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام : ثَلاثَهٌ مَكسَبَهٌ لِلبَغضاءِ : النِّفاقُ ، وَالظُّلمُ ، وَالعُجبُ . (5)

.

1- .كنز الفوائد : 1 / 93 ، تحف العقول : 84 وفيه «واستعتب من رجوت اعتابه» بدل «وكثرته من سوء الأدب» ، أعلام الدين : 179 ، بحار الأنوار : 74 / 166 / 29 ؛ كنز العمّال : 16 / 181 / 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ وفيه «المغضبه» بدل «البغيضه» .
2- .تحف العقول : 86 ، بحار الأنوار : 77 / 213 / 1 ؛ دستور معالم الحكم : 20 ، كنز العمّال : 16 / 182 / 44215 وفيه «العداوه» بدل «الضغائن» .
3- .تحف العقول : 214 ، بحار الأنوار : 78 / 52 / 85 .
4- .غرر الحكم: 532 و 511 وفيه «أوّل» بدل «رسول» ، شرح نهج البلاغه : 20 / 302 / 456 وفيه «وافد» بدل «رسول» .
5- .تحف العقول : 316 ، بحار الأنوار : 78 / 229 / 6 .

امام علی علیه السلام : بسیار سرزنش مکن ؛ زیرا کینه به بار می آورد و به دشمنی می انجامد و زیادی آن ، از بی ادبی است .

امام علی علیه السلام در وصیّت خود به فرزندش حسن علیه السلام : شوخی ، کینه به بار می آورد .

امام علی علیه السلام : جفا ، سرآغاز جدایی است .

امام علی علیه السلام : نسبتِ ناروا دادن [به دوست] ، پیک جدایی است .

امام صادق علیه السلام : سه چیز ، دشمنی به بار می آورد : نفاق ، ستمگری و خودپسندی .

.

الفصل الثالث: أسباب المحبّه3 / 1الإلهامالكتاب(وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً) . (1)

(وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْکَ مَحَبَّةً مِّنِّی وَ لِتُصْنَعَ عَلَی عَيْنِی) . (2)

الحديث الدرّ المنثور عن ابن عبّاس فی قَولِهِ تَعالی : «وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْکَ مَحَبَّةً مِّنِّی» : كانَ كُلُّ مَن رَآهُ اُلقِيَت عَلَيهِ مِنهُ مَحَبَّةٌ . (3)

الدرّ المنثور عن سلمه بن كهيل فی قَولِهِ تَعالی : «وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْکَ مَحَبَّةً مِّنِّی» : حَبَّبتُکَ إلی عِبادی . (4)

.

1- .الرّوم : 21 .
2- .طه : 39 .
3- .تفسير الدرّ المنثور : 5 / 567 .
4- .تفسير الدرّ المنثور : 5 / 567 .

فصل سوم : عوامل دوستی3 / 1الهامقرآن(و [خداوند متعال]میان شما ، دوستی و مهربانی نهاد) .

(و محبّتی از خود بر تو افکندم تا زیر نظر من پرورش یابی) .

حدیث الدرّ المنثور به نقل از ابن عباس در تفسیر گفتار خداوند که : «و محبّتی از خود بر تو افکندم» : هر کسی موسی علیه السلام را می دید ، محبّتش را به دل می گرفت .

الدرّ المنثور به نقل از سَلَمه بن کُهَیل در تفسیر گفتار خداوند که: «ومحبّتی از خود بر تو افکندم» : تو را محبوب بندگانم ساختم .

.

الإمام علىٌّ عليه السلام لِيَهودِيٍّ قالَ لَهُ : فَلَقَد ألقَى اللّه ُ عز و جل عَلى موسَى بنِ عِمرانَ مَحَبَّةً مِنهُ : لَقَد كانَ كَذلِکَ ، ولَقَد اُعطِىَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله ما هُوَ أفضَلُ مِن هذا ، لَقَد ألقَى اللّه ُ عز و جل عَلَيهِ مَحَبَّةً مِنهُ ، فَمَن هذَا الَّذى يُشرِكُهُ فى هذَا الاسمِ إذ تَمَّ مِنَ اللّه ِ عز و جلبِهِ الشَّهادَةُ ، فَلا تَتِمُّ الشَّهادَةُ إلاّ أن يُقالَ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّه ُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا رَسولُ اللّه ِ» ! ؟ يُنادى بِهِ عَلَى المَنابِرِ ، فَلا يُرفَعُ صَوتٌ بِذِكرِ اللّه ِ إلاّ رُفِعَ بِذِكرِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مَعَهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى حديث يذكر فيه فضل العباده فى السّرّ مع الإمام المستتر فى دوله الباطل : أما تُحِبّونَ أن يُظهِرَ اللّه ُ تَبارَکَ وتَعالَى الحَقَّ وَالعَدلَ فِى البِلادِ ، ويَجمَعَ اللّه ُ الكَلِمَةَ ، ويُؤَلِّفَ اللّه ُ بَينَ قُلوبٍ مُختَلِفَهٍ ؟ ! (2)

3 / 2تَناسُبُ الأَرواحِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الأَرواحُ جُنودٌ مُجَنَّدَهٌ ، فَما تَعارَفَ مِنهَا ائتَلَفَ ، وما تَناكَرَ مِنهَا اختَلَفَ . (3)

.

1- .الاحتجاج : 1 / 320 .
2- .الكافى : 1 / 334 / 2 ، كمال الدين : 647 / 7 كلاهما عن عمّار الساباطى ، بحار الأنوار: 52 / 128 / 20 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه: 4/380/5818 ، الاعتقادات: 48، جامع الأخبار : 488/1359، عوالى اللآلى: 1/288/142، مصباح الشريعه : 330 عن الإمام علىّ عليه السلام ، علل الشرايع : 84 / 1 عن الإمام الصادق عليه السلاموليس فيه «الأرواح جنود مجنّده»، بحار الأنوار : 77/ 165/2 ؛ صحيح البخارى : 3/1213/3158 عن عائشه ، صحيح مسلم: 4/2031/2638، سنن أبيداود: 4/260/4834،مسندابن حنبل: 3/151/7940 وص621/10826 كلّها عن أبيهريره ، المستدرک على الصحيحين: 4/467/8296، تاريخ دمشق : 11 / 458 / 2869 كلاهما عن سلمان الفارسىّ ، المعجم الكبير : 10 / 230 / 10557 عن عبداللّه بن مسعود ، كنز العمّال : 9 / 22 / 24739 .

امام علی علیه السلام به یهودی ای که به ایشان گفته بود : خداوند ، محبّتی از خود بر موسی بن عمران علیه السلام افکند : آری! چنین بود ؛ لیکن به محمد صلی الله علیه و آله برتر از این عطا شد . خدای عز و جل ، محبّتی از خود بر او افکند . پس این کیست که در این نام ، شریک اوست ؟ زیرا از سوی خدای عز و جل]کلمه [شهادت با نام او تمام می گردد . پس شهادتْ کامل نمی گردد ، جز آن که گفته شود : «شهادت می دهم که جز اللّه ، خدایی نیست و شهادت می دهم که محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست» . به این شهادت ، بر منبرها ندا می دهند و هیچ صدایی به یاد خدا بلند نمی شود ، مگر آن که همراه آن به یاد محمد صلی الله علیه و آلهبلند می گردد .

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره به ارزش عبادتِ پنهانی با امام پنهان در دولت باطل : آیا دوست ندارید که خداوند متعال ، حق و عدالت را بر بسیط زمین ، آشکار]و پیروز [کند و وحدت کلمه ایجاد کند و میان دل های پراکنده ، الفت برقرار سازد ؟!

3 / 2سازگاری جان ها رسول خدا صلی الله علیه و آله : جان ها (روح ها) ،]همچون[سپاهیانی فراهم آمده هستند که هر کدام که یکدیگر را شناختند ، با یکدیگر الفت می گیرند و هر یک که دیگری را نشناختند ، با یکدیگر اختلاف خواهند یافت .

.

الإمام علىّ عليه السلام : النُّفوسُ أشكالٌ ، فَما تَشاكَلَ مِنهَا ائتَلَفَ ، وَالنّاسُ إلى أشكالِهِم أميَلُ . (1)

عنه عليه السلام : إنَّ النُّفوسَ إذا تَناسَبَتِ ايتَلَفَت . (2)

عنه عليه السلام : إنَّ طِباعَكَ تَدعوكَ إلى ما أَلِفتَهُ . (3)

عنه عليه السلام : المَوَدَّةُ تَعاطُفُ القُلوبِ فِى ايتِلافِ الأَرواحِ . (4)

عنه عليه السلام : كُلُّ امرِىءٍيَميلُ إلى مِثلِهِ . (5)

عنه عليه السلام : كُلُّ شَىءٍ يَميلُ إلى جِنسِهِ . (6)

عنه عليه السلام : كُلُّ طَيرٍ يَأوى إلى شَكلِهِ . (7)

عنه عليه السلام : العاقِلُ يَألَفُ مِثلَهُ . (8)

عنه عليه السلام : اللَّئيمُ لا يَتَّبِعُ إلاّ شَكلَهُ ، ولا يَميلُ إلاّ إلى مِثلِهِ . (9)

عنه عليه السلام : لا يُوادُّ الأَشرارَ إلاّ أشباهُهُم . (10)

عنه عليه السلام : إزالَهُ الرَّواسى أسهَلُ مِن تَأليفِ القُلوبِ المُتَنافِرَهِ . (11)

.

1- .كنز الفوائد : 2 / 32 ، بحار الأنوار : 78 / 92 / 100.
2- .غرر الحكم : 3393 .
3- .غرر الحكم : 3420 .
4- .غرر الحكم : 2057 .
5- .غرر الحكم : 6865 .
6- .غرر الحكم : 6863 .
7- .غرر الحكم : 6866 .
8- .غرر الحكم : 326 .
9- .غرر الحكم : 1920 .

10- .غرر الحكم : 10602 .
11- .مطالب السؤول : 56 ؛ نثر الدرّ : 1 / 322 وليس فيه «المتنافره» ، بحار الأنوار : 78 / 11 / 70 .

امام علی علیه السلام : جان ها را شکل هایی است . پس آنان که هم شکل یکدیگرند ، با هم موافقت خواهند کرد و مردم ، به هم شکلان خود ، گرایش بیشتری دارند .

امام علی علیه السلام : جان ها چون با یکدیگر سازگار باشند ، الفت خواهند گرفت .

امام علی علیه السلام : خصلت هایت ، تو را بدانچه با آن الفت گرفته ای ، فرا می خوانَد .

امام علی علیه السلام : دوستی، میل دل ها به یکدیگر است، به سبب الفت یافتن جان ها.

امام علی علیه السلام : هر کس ، به همانند خودش گرایش دارد .

امام علی علیه السلام : هر چیز به هم جنس خود گرایش دارد .

امام علی علیه السلام : هر پرنده ای ، کنار همانند خود فرود می آید .

امام علی علیه السلام : عاقل ، با همانند خود الفت می گیرد .

امام علی علیه السلام : آدم پست ، تنها از همانند خود پیروی می کند و تنها به همانند خودش می گراید .

امام علی علیه السلام : بدکاران ، جز با همانندان خود ، دوستی نمی کنند .

امام علی علیه السلام : از جا کندن کوه های استوار ، آسان تر از الفت دادن دل های رمیده از یکدیگر است .

.

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِبَنيهِ : يا بَنِىَّ ، إنَّ القُلوبَ جُنودٌ مُجَنَّدَهٌ ، تَتَلاحَظُ بِالمَوَدَّهِ وتَتَناجى بِها ، وكَذلِکَ هِىَ فِى البُغضِ ؛ فَإذا أحبَبتُمُ الرَّجُلَ مِن غَيرِ سَبقٍ مِنهُ إلَيكُم فَارجوهُ ، وإذا أبغَضتُمُ الرَّجُلَ مِن غَيرِ سوءٍ سَبَقَ مِنهُ إلَيكُم فَاحذَروهُ . (1)

الاختصاص عن الأصبغ بن نباته : كُنتُ مَعَ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام فَأَتاهُ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّي وَاللّه ِ لاُحِبُّکَ فِى اللّه ِ ، واُحِبُّکَ فِى السِّرِّ كَما اُحِبُّکَ فِى العَلانِيَهِ، وأدينُ اللّه َ بِوِلايَتِکَ فِى السِّرِّ كَما أدينُ بِها فِى العَلانِيَهِ . وبِيَدِ أميرِ المُؤمِنينَ عودٌ ، طَأطَأَ رَأسَهُ ، ثُمَّ نَكَتَ بِالعودِ ساعَهً فِى الأَرضِ ، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ إلَيهِ فَقالَ : إنَّ رَسولَ اللّه ِ صلى الله عليه و آله حَدَّثَنى بِألفِ حَديثٍ ، لِكُلِّ حَديثٍ ألفُ بابٍ ، وإنَّ أرواحَ المُؤمِنينَ تَلتَقى فِى الهَواءِ فَتَشَمُّ (2) وتَتَعارفُ ، فَما تَعارَفَ مِنهَا ائتَلَفَ ، وما تَناكَرَ مِنهَا اختَلَفَ ، وبِحَقِّ اللّه ِ لَقَد كَذِبتَ ؛ فَما أعرِفُ وَجهَکَ فِى الوُجوهِ ، ولاَ اسمَکَ فِى الأَسماءِ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : ألا وإنَّ الأَرواحَ جُنودٌ مُجَنَّدَهٌ ، فَما تَعارَفَ مِنهَا ائتَلَفَ ، وما تَناكَرَ مِنهَا اختَلَفَ . فَإذا كانَتِ الرّوحُ فِى السَّماءِ تَعارَفَت وتَباغَضَت ، فَإذا تَعارَفَت فِى السَّماءِ تَعارَفَت فِى الأَرضِ ، وإذا تَباغَضَت فِى السَّماءِ تَباغَضَت فِى الأَرضِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ الأَرواحَ جُنودٌ مُجَنَّدَهٌ ، فَما تَعارَفَ مِنها فِى الميثاقِ ائتَلَف هاهُنا ، وما تَناكَرَ مِنها فِى الميثاقِ (اختَلَفَ هاهُنا) (5) . (6)

.

1- .الأمالى للطوسى : 595 / 1232 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 163 / 26 .
2- .كذا فى المصدر ، والأصحّ «فتشامّ» كما فى بصائر الدرجات.
3- .الاختصاص : 311 ، بصائر الدرجات : 391 / 2 ، بحار الأنوار : 61 / 134 / 7 ؛ و راجع كنز العمّال : 9 / 172 / 25560.
4- .الأمالى للصدوق : 209 / 232 عن معاويه بن عمّار ، روضه الواعظين : 540 ، بحار الأنوار : 61 / 31 / 4 .
5- .مابين القوسين أثبتناه من بحار الأنوار نقلاً عن علل الشرايع .

6- .علل الشرايع :426 / 7 عن عبداللّه بن أبى يعفور ، بحار الأنوار : 99 / 220 / 9 .

امام علی علیه السلام در وصیّت خود به فرزندانش : فرزندانم! دل ها سپاهیانی فراهم آمده هستند که با دوستی به یکدیگر می نگرند و بدین گونه با یکدیگر رازگویی می کنند . در باب دشمنی نیز چنین است . پس اگر کسی را بی آن که خود به سوی شما پیش دستی کرده باشد ، دوست داشتید ، بدو امیدوار باشید و هرگاه کسی را بی آن که بدی ای از او به شما رسیده باشد ، دشمن داشتید ، از او بپرهیزید .

الاختصاص به نقل از اَصبغ بن نُباتَه : همراه امیر مؤمنان بودم که مردی نزدش آمد و به ایشان سلام کرد و سپس گفت : ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند ، من تو را در راه خدا دوست دارم و تو را در نهان ، چنان دوست دارم که آشکارا دوست دارم ، و چنان در نهان به ولایت تو در راه خدا پایبندم که آشکارا بدان پایبندم . امیر مؤمنان ، سر خود را زیر انداخت و نوک شاخه ای را که در دست داشت ، مدّتی بر زمین زد . سپس سر خود را بلند کرد و فرمود پیامبر : «خدا برایم هزار حدیث گفت که برای هر حدیثی ، هزار در است . جان های مؤمنان ، در هوا یکدیگر را می بینند و یکدیگر را می بویند و شناسایی می کنند . پس هر یک که دیگری را شناخت ، با آن الفت می گیرد ، و هر یک نشناخت ، با آن دیگری اختلاف می یابد . به حقّ خداوند قسم که دروغ می گویی و من ، نه چهره ات را در میان چهره ها[ی دوستدارانم]می شناسم و نه نامت را در میان نام های آنها» .

امام باقر علیه السلام : هان ! جان ها [همچون]سپاهیانی فراهم آمده اند . پس آنها که یکدیگر را بشناسند ، با یکدیگر الفت خواهند گرفت و آنها که یکدیگر را نشناسند ، با یکدیگر اختلاف خواهند یافت . چون جان در همان آسمان ، دوستی و دشمنی می کند . پس اگر در آسمان دوستی کرد ، در زمین نیز دوستی می کند و اگر در آسمان دشمنی کرد ، در زمین نیز دشمنی می کند .

امام صادق علیه السلام : جان ها [همچون]سپاهیانی فراهم آمده اند . پس آنها که در [عالم]میثاق ، (1) یکدیگر را بشناسند ، در این جا با یکدیگر الفت می گیرند وآنها که [در عالم میثاق ،]یکدیگر را نشناسند ، در این جا اختلاف خواهند کرد .

.

1- .اشاره به عالمی است که در آن ، خداوند از فرزندان آدم علیه السلامپیمان بر ربوبیت خود گرفت (ر . ک : به تفاسیر ، ذیل آیه 172 از سوره اعراف) .

عنه عليه السلام : الأَرواحُ جُنودٌ مُجَنَّدَهٌ ، تَلتَقى فَتَتَشامُّ كَما تَتَشامُّ الخَيلُ ، فَما تَعارَفَ مِنهَا ائتَلَفَ ، وما تَناكَرَ مِنها اختَلَفَ ، ولَو أنَّ مُؤمِنا جاءَ إلى مَسجِدٍ فيهِ أُناسٌ كَثيرٌ لَيسَ فيهِم إلاَّ مُؤمِنٌ واحِدٌ لَمالَت روحُهُ إلى ذلِكَ المُؤمِنِ حَتّى يَجلِسَ إلَيهِ . (1)

الأمالى للطوسى عن سدير : قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : إنّى لَأَلقَى الرَّجُلَ لَم أرَهُ ولَم يَرَنى فيما مَضى قَبلَ يَومِهِ ذلِكَ فَأُحِبُّهُ حُبّا شَديدا ، فَإِذا كَلَّمتُهُ وَجَدتُهُ لى عَلى مِثلِ ما أنَا عَلَيهِ لَهُ ، ويُخبِرُنى أنَّهُ يَجِدُ لى مِثلَ الَّذى أجِدُ لَهُ ! فَقالَ : صَدَقتَ يا سَديرُ ، إنَّ ائتِلافَ (2) قُلوبِ الأبرارِ إذَا التَقَوا وإن لَم يُظهِرُوا التَّوَدُّدَ بِألسِنَتِهِم كَسُرعَهِ اختِلاطِ قَطرِ السَّماءِ عَلى مِياهِ الأنهارِ ، وإنَّ بُعدَ ائتِلافِ قُلوبِ الفُجّارِ إذَا التَقَوا وإن أظهَرُوا التَّوَدُّدَ بِألسِنَتِهِم كَبُعدِ البَهائِمِ مِنَ التَّعاطُفِ وإن طالَ اعتِلافُها عَلى مِذوَدٍ واحِدٍ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام لِعُمَرَ بنِ يَزيد : لِكُلِّ شَىءٍ شَىءٌ يَستَريحُ إلَيهِ ، وإنَّ المُؤمِنَ يَستَريحُ إلى أخيهِ المُؤمِنِ كَما يَستَريحُ الطّائِرُ إلى شَكلِهِ ، أوَما رَأيتَ ذاكَ؟ (4)

.

1- .المؤمن : 39 / 89 ، بحار الأنوار : 74 / 273 / 16 .
2- .فى تحف العقول ومشكاه الأنوار «سرعه ائتلاف».
3- .الأمالى للطوسى : 411 / 924 ، تحف العقول : 373 ، مشكاه الأنوار : 201 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 281 / 1 .
4- .الاختصاص : 30 عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : 74 / 355 / 33 .

امام صادق علیه السلام : جان ها [همچون]سپاهیانی فراهم آمده اند که یکدیگر را می بینند و چنان که اسبان یکدیگر را می بویند ، یکدیگر را می بویند . پس آنها که یکدیگر را شناختند ، با یکدیگر الفت می گیرند و آنها که یکدیگر را نشناختند ، با هم اختلاف خواهند کرد ، [تا آن جا که] اگر مؤمنی به مسجد بیاید که در آن ، مردمان بسیاری هستند و جز یک مؤمن در میان آنان نیست ، جان او به سوی آن مؤمن ، میل پیدا می کند ، تا کنارش بنشیند .

الأمالی طوسی به نقل از سَدیر : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : گاه کسی را می بینم که پیش از آن روز ، نه من او را دیده ام و نه او مرا . با این حال به شدّت دوستش می دارم و چون با او سخن می گویم ، می بینم که نظر او در مورد من ، همچون نظر من درباره اوست و به من می گوید که نظر من درباره او همچون نظر خودش درباره من است (همان احساس محبّت بی سابقه را نسبت به من دارد) . حضرت فرمود : «ای سَدیر ! راست می گویی . الفت گرفتن دل های پاکان ، هنگام دیدار یکدیگر ، هرچند اظهار دوستیِ زبانی نکنند ، به سرعتِ در آمیختن قطره های باران با آب رودهاست . دیرپیوندی دل های بدکاران ، هرگاه که یکدیگر را ببینند ، گر چه به زبان اظهار دوستی کنند ، همچون دوری چارپایان در مهربانی ورزیدن به یکدیگر است ، گرچه مدّت های بسیار بر سرِ یک آخور باشند .

امام صادق علیه السلام به عمر بن یزید : هر چیز ، به چیزی آرام می گیرد ، مؤمن نیز به برادر مؤمنش آرام می گیرد ، همان گونه که پرنده به همانند خود آرام می گیرد . آیا این [حالت]را تجربه نکرده ای ؟

.

3 / 3الإيمانُ وَالعَمَلُ الصّالِحُالكتاب(إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) . (1)

الحديث المعجم الأوسط عن ثوبان عَن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ العَبدَ يَلتَمِسُ مَرضاةَ اللّهِ عز و جل ، فَلا يَزالُ كَذلِكَ ، فَيَقولُ اللّهُ : يا جِبريلُ ، إنَّ عَبدى فُلانا يَلتَمِسُ أن يُرضِيَنى ، فَرِضائى عَلَيهِ . فَيَقولُ جِبريلُ عليه السلام : «رَحِمَهُ اللّهِ عَلى فُلانٍ» وتَقولُ حَمَلَةُ العَرشِ ، ويَقولُ الَّذينَ يَلونَهُم ، حَتّى يَقولَهُ أهلُ السَّماواتِ السَّبعِ . ثُمَّ يَهبِطُ إلَى الأرضِ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وهِىَ الآيَةُ الَّتى أنزَلَ اللّهُ عَلَيكُم فى كِتابِهِ : «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » . وإنَّ العَبدَ لَيَلتَمِسُ سَخَطَ اللّهِ ، فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : يا جِبريلُ ، إنَّ فُلانا يُسخِطُنى ، أَلا وإنَّ غَضَبى عَلَيهِ . فَيَقولُ جِبريلُ : غَضِبَ اللّهُ عَلى فُلانٍ ، ويَقولُ حَمَلَةُ العَرشِ ، ويَقولُ مَن دونَهُم ، حَتّى يَقولَهُ أهلُ السَّماواتِ السَّبعِ . ثُمَّ يَهبِطُ إلَى الأرضِ . (2)

سنن الترمذى عن أبى هريره : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قال : إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا نادى جِبريلَ : إنّى قَد أحبَبتُ فُلانا فَأَحِبَّهُ . قالَ : فَيُنادى فِى السَّماءِ ، ثُمَّ تَنزِلُ لَه المَحَبَّةُ فى أهلِ الأرضِ ، فَذلِكَ قَولُ اللّهِ : «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » . وإذا أبغَضَ اللّهُ عَبدا نادى جِبريلَ : إنّى أبغَضتُ فُلانا . فَيُنادى فِى السَّماءِ ، ثُمَّ تَنزِلُ لَهُ البَغضاءُ فِى الأرضِ . (3)

.

1- .مريم : 96 .
2- .المعجم الأوسط : 2/57/1240 ، تفسير الدرّ المنثور: 5/545 نقلاً عن ابن مردويه نحوه وكلاهما عن ثوبان .
3- .سنن الترمذى: 5/317/3161، الأسماءوالصفات: 1/522/446 كلاهما عن أبى هريره، كنزالعمّال: 2/8/2912.

3 / 3ایمان و کار شایستهقرآن(آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، به زودی [خداوند]مهربان ، برای آنان محبّتی [در دل ها]قرار می دهد) .

حدیث المعجم الأوسط به نقل از ثوبان ، از پیامبر صلی الله علیه و آله : بنده ، در پی کسب خشنودی خداوند برمی آید و همواره بر آن است ، تا آن که خداوند می فرماید : «ای جبرئیل ! فلان بنده ام در پی آن است که مرا خشنود کند . پس خشنودی من شاملش باد !» . پس جبرئیل می گوید : «رحمت خدا بر فلانی باد !» . حاملان عرش نیز چنین می گویند وآن گاه، فرشتگانی که به آنان نزدیک هستند و همه ساکنان آسمان های هفتگانه چنین می گویند وسپس، این سخن به زمین فرود می آید. پس پیامبر خدا فرمود : این ، همان آیه است که خداوند بر شما در کتابش نازل ساخته است: «آنان که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند، [خدای]رحمان به زودی برایشان [در دل ها]محبّتی قرار می دهد» . گاه نیز بنده در پیِ خشم خدا برمی آید . پس خدای عز و جلمی فرماید : «ای جبرئیل ! فلانی مرا خشمگین ساخته است . هان ! خشم من بر او باد !» . پس از آن جبرئیل می گوید : «خشم خدا بر فلانی باد !» . حاملان عرش نیز چنین می گویند و فرشتگان فروتر از ایشان نیز چنین می گویند ، تا آن که ساکنان آسمان های هفتگانه این سخن را می گویند و سپس [این سخن]به زمین فرود می آید .

سنن الترمذی به نقل از ابوهُرَیره ، از پیامبر صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، به جبرئیل ندا می کند : «من فلانی را دوست دارم . پس او را دوست بدار» . [حضرت] فرمود : پس در آسمان ندا می کند . سپس محبّت او در [دل]زمینیان فرود می آید ، و این است [معنای]سخن خداوند: «آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، به زودی [خدای]رحمان برایشان محبّتی قرار خواهد داد» . هرگاه نیز خداوندبابنده ای دشمنی کند، به جبرئیل ندا می کند: «من با فلانی دشمنی می کنم». پس از آن، جبرئیل در آسمان ندا می کند . سپس دشمنی او [در دل]زمینیان فرود می آید .

.

الإمام علىّ عليه السلام : قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ أخبِرنى عَن قَولِ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالى : « سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » ؟ قالَ : يا عَلِىُّ ، المَحَبَّةُ عِندَ اللّهِ وَالمَلائِکَهِ وفى قُلوبِ المُؤمِنينَ . يا عَلِىُّ ، إنَّ اللّه َ تَبارَکَ وتَعالى أعطَى المُؤمِنينَ ثَلاثَةً : المِقَةَ ، وَالمَحَبَّةَ ، وَالمَهابَةَ فى صُدورِ المُؤمِنينَ . (1)

عنه عليه السلام : سَأَلتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَن قَولِهِ تَعالى : « سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » ما هُوَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : المَحَبَّةُ يا عَلِىُّ فى صُدورِ المُؤمِنينَ وَالمَلائِکَهِ المُقَرَّبينَ . يا عَلِىُّ ، إنَّ اللّه َ تَعالى أعطَى المُؤمِنَ ثَلاثا : المِقَةَ . والمَحَبَّةَ ، وَالمَلاحَةَ ، وَالمَهابَةَ فى صُدورِ الصّالِحينَ . فَمَنِ اصطَنَعَهُ لِنَفسِهِ قَبِلَ نَفسَهُ ؛ فَوُجِدَ لَهُ حَلاوَهٌ ومَلاحَهٌ . ومَن دَعاهُ فَأَجابَهُ وصَدَقَهُ فِى الإِجابَهِ قَرَّبَهُ ، فَقَبِلَ قَلبَهُ ، فَوُجِدَ لَهُ فِى القُلوبِ وُدُّهُ وهُوَ المَحَبَّهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: كانَ سَبَبُ نُزولِ هذِهِ الآيَهِ أنَّ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام كانَ جالِسا بَينَ يَدَى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ لَهُ : «قُل يا عَلِىُّ : اللّهُمَّ اجعَل لى فى قُلوبِ المُؤمِنينَ وُدّا» ، فَأنزَلَ اللّهُ : « إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » . (3)

.

1- .الجعفريّات : 177 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .
2- .نوادر الأُصول : 1 / 426 .
3- .تفسير القمّى : 2 / 56 ، الفضائل : 106 عن ابن عبّاس ، تفسير فرات الكوفى : 250 / 338 عن الإمام الباقر عليه السلامو ص 252 / 342 عن البراء بن عازب عنه صلى الله عليه و آله كلّها نحوه وليس فيها صدره ، بحار الأنوار : 35 / 354 / 4 وراجع تفسير العيّاشى : 2 / 142 / 11 ؛ تفسير الدرّ المنثور : 5 / 544 .

امام علی علیه السلام : گفتم : ای پیامبر خدا ! از این سخن خدای متعال خبرم ده : «به زودی [خدای]رحمان برایشان محبّتی قرار می دهد» . فرمود : «ای علی! محبّت ، نزد خداوند و ملائکه و در دل های مؤمنان است . ای علی ! خداوند متعال به مؤمنان سه چیز داده است : مهر ، محبّت و شُکوه در سینه های مؤمنان» .

امام علی علیه السلام : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره گفتار خداوند : «به زودی [خدای]رحمان برایشان محبّتی قرار خواهد داد» ، پرسیدم که چیست ؟ فرمود: «ای علی ! محبّت است که در سینه های مؤمنان و ملائکه مقرّب است . ای علی ! خداوند متعال ، به مؤمن سه چیز داده است : مهر و محبّت ، نمکین بودن ، و شکوه در سینه های صالحان. پس کسی که خداوند ، او را برای خود برگزیند ، جانش پذیرای آن می گردد و شیرینی و نمکی در او پدید می آید و کسی که خداوند ، بخوانَدَش و او اجابت کند و در این اجابت ، راستی نشان دهد ، او را مقرّب می سازد . پس قلبش آن را می پذیرد و در دل ها دوستی او که همان محبّت است [که در آیه بدان اشاره شده] پدیدار می شود .

امام صادق علیه السلام : سبب نزول این آیه (1) آن بود که امیر مؤمنان ، مقابل پیامبر خدا نشسته بود که حضرت به او فرمود : «ای علی ! بگو : پروردگارا ! برایم در دل های مؤمنان محبّتی قرار ده» . پس از آن ، خداوند این آیه را فرود آورد : «آنان که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند ، [خدای]رحمان به زودی برایشان محبّتی قرار می دهد» .

.

1- .سوره مریم ، آیه 96 .

الدرّ المنثور عن كعب : أجِدُ فِی التَّوراهِ : إنَّهُ لَم تَکُن مَحَبَّهٌ لِأَحَدٍ مِن أهلِ الأَرضِ حَتّی تَکونَ بَدؤُها مِنَ اللّه ِ تَعالی یُنزِلُها عَلی أهلِ الأَرضِ . ثُمَّ قَرَأتُ القُرآنَ فَوَجَدتُ فیهِ : « إِنَّ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » . (1)

سنن ابن ماجه عن أبی ذرّ عَن رَسولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : قُلتُ لَهُ : الرَّجُلُ یَعمَلُ العَمَلَ للّه ِ فَیُحِبُّهُ النّاسُ عَلَیهِ ؟ ! قالَ : ذلِکَ عاجِلُ بُشرَی المُؤمِنِ . (2)

3 / 4أخلاقٌ تورِثُ المَحَبَّهَأ حُسنُ النِّیَّهِ الإمام علیّ علیه السلام : مَن حَسُنَت نِیَّتُهُ کَثُرَت مَثوبَتُهُ ، وطابَت عیشَتُهُ ، وَوَجَبَت مَوَدَّتُهُ . (3)

ب حُسنُ الظَّنِّ الإمام علیّ علیه السلام : مَن حَسُنَ ظَنُّهُ بِالنّاسِ حازَ مِنهُمُ المَحَبَّهَ . (4)

.

1- .تفسیر الدرّ المنثور : 5 / 545 نقلاً عن عبد بن حمید .
2- .سنن ابن ماجه : 2 / 1412 / 4225 ، مسند ابن حنبل : 8 / 91 / 21457 و ص 111 / 21533 ، مسند أبی داود الطیالسی : 61 / 455 وفیهما «لنفسه» بدل «للّه» ، عیون الأخبار لابن قتیبه : 3 / 158 ولیس فیه «للّه» ؛ معانی الأخبار : 322 / 1 ، الأمالی للصدوق : 297 / 332 وفیهما «یعمل لنفسه» بدل «یعمل العمل للّه» ، بحار الأنوار : 71 / 370 / 1 .
3- .غرر الحکم : 9094 .
4- .غرر الحکم : 8842 .

3 / 4 خوی های پدیدآورنده دوستی

الف خوش نیّتی

ب خوش گمانی

الدرّ المنثور به نقل از کعب : در تورات می دیدم که نوشته است : در میان زمینیان ، هیچ محبّتی نیست ، مگر آن که آغازش از خداوند متعال است که آن را بر زمینیان فرود می آورد . سپس قرآن را خواندم و دیدم که در آن این آیه است : «آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، [خدای]رحمان ، به زودی برایشان محبّتی قرار می دهد» .

سنن ابن ماجه به نقل از ابو ذر : به پیامبر خدا گفتم : [چرا] انسان کاری می کند و مردم بر اثر آن ، او را دوست می دارند ؟ فرمود : «این ، مژدگانی دنیایی مؤمن است» .

ر . ک : ص 603 (محبوب شدن در میان دوستان خدا) ، ص 605 (منفور شدن در میان دوستان خدا)

3 / 4خوی های پدیدآورنده دوستیالف خوش نیّتی امام علی علیه السلام : هر که خوش نیّت گردد ، پاداشش فراوان می شود ، زندگی اش خوش می گردد و دوستی اش [بر دیگران] لازم می شود .

ب خوش گمانی امام علی علیه السلام : هر که به مردم خوش گمان گردد ، دوستی آنان را به دست می آورد .

.

ج حُسنُ الخُلُقِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : حُسنُ الخُلُقِ يُثبِتُ المَوَدَّةَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : حُسنُ الأخلاقِ يُدِرُّ الأَرزاقَ ويونِسُ الرِّفاقَ . (2)

عنه عليه السلام : حُسنُ الخُلُقِ يورِثُ المَحَبَّةَ ، ويُؤَكِّدُ المَوَدَّةَ . (3)

عنه عليه السلام : عَلَيکَ بِحُسنِ الخُلُقِ ؛ فَإِنَّهُ يَکسِبُکَ المَحَبَّةَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : طَلَبتُ صُحبَةَ النّاسِ فَوَجَدتُها فى حُسنِ الخُلُقِ . (5)

عنه عليه السلام : حُسنُ الخُلُقِ مَجلَبَةٌ لِلمَوَدَّهِ . (6)

د حُسنُ العِشرَهِ الإمام علىّ عليه السلام : بِحُسنِ العِشرَهِ تَأنَسُ الرِّفاقُ . (7)

عنه عليه السلام : فى حُسنِ المُصاحَبَهِ يَرغَبُ الرِّفاقُ . (8)

عنه عليه السلام : بِحُسنِ الصُّحبَهِ تَکثُرُ الرِّفاقُ . (9)

عنه عليه السلام : حُسنُ الصُّحبَهِ يَزيدُ فى مَحَبَّهِ القُلوبِ . (10)

.

1- .تحف العقول: 45 ، مشكاه الأنوار : 70 عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 77/148/71.
2- .غرر الحكم : 4856 .
3- .غرر الحكم : 4864 .
4- .غرر الحكم : 6100 .
5- .مستدرک الوسائل : 12 / 174 / 13810 نقلاً عن مجموعه الشهيد .
6- .الكافى : 1 / 27 / 29 عن مفضّل بن عمر ، تحف العقول : 356 ، بحار الأنوار : 78 / 269 / 109 .
7- .غرر الحكم : 4233 .

8- غرر الحكم : 6514 .
9- غرر الحكم : 4282 .
10- غرر الحكم : 4812 .

ج خوش خویی

د خوش رفتاری

ج خوش خویی رسول خدا صلی الله علیه و آله : خوش خویی ، دوستی را استوار می کند .

امام علی علیه السلام : خوش خویی ، روزی را فراوان می کند و دوستان را [با انسانْ]مأنوس می نماید .

امام علی علیه السلام : خوش خویی ، محبّت به بار می آورد و دوستی را استوار می کند .

امام علی علیه السلام : پایبند خوش خویی باش که دوستی [مردم] را نصیبت می کند .

امام صادق علیه السلام : خواستار همراهی مردم شدم ، پس [ریشه] آن را در خوش خویی یافتم .

امام صادق علیه السلام : خوش خویی ، جلب کننده دوستی است .

د خوش رفتاری امام علی علیه السلام : با خوش رفتاری ، رفیقان ، انس می گیرند .

امام علی علیه السلام : با خوش رفتاری ، رفیقان [به دوستی با انسانْ] تمایل پیدا می کنند .

امام علی علیه السلام : با خوش رفتاری ، رفیقانْ فراوان می شوند .

امام علی علیه السلام : خوش رفتاری ، بر محبّت دل ها می افزاید .

.

عنه علیه السلام : مَن حَسُنَت عِشرَتُهُ کَثُرَ إخوانُهُ . (1)

عنه علیه السلام : مَن أحسَنَ المُصاحَبَهَ کَثُرَ أصحابُهُ . (2)

ه إخلاصُ المَوَدَّهِ الإمام علیّ علیه السلام : دارِ عَدُوَّکَ ، وأخلِص لِوَدودِکَ ؛ تَحفَظِ الأُخُوَّهَ ، وتُحرِزِ المُروءَهَ . (3)

عنه علیه السلام : لا یَحولُ الصَّدیقُ الصَّدوقُ عَنِ المَوَدَّهِ وإن جُفِیَ . (4)

و البَشاشَه الإمام علیّ علیه السلام : البَشاشَهُ حِبالَهُ المَوَدَّهِ . (5)

عنه علیه السلام : البِشرُ یونِسُ الرِّفاقَ . (6)

عنه علیه السلام : سَبَبُ المَحَبَّهِ البِشرُ . (7)

عنه علیه السلام : البَشاشَهُ فَخُّ المَوَدَّهِ . (8)

الکافی عن فضیل : قالَ : صَنائِعُ المَعروفِ وحُسنُ البِشرِ یَکسِبانِ المَحَبَّهَ ، ویُدخِلانِ الجَنَّهَ . وَالبُخلُ وعَبوسُ الوَجهِ یُبعِدانِ مِنَ اللّهِ ، ویُدخِلانِ النّارَ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 8392 .
2- .غرر الحکم : 8341 .
3- .غرر الحکم : 5130 .
4- .غرر الحکم : 10824 .
5- .نهج البلاغه : الحکمه 6 ، مشکاه الأنوار : 223 ، روضه الواعظین : 413 ، غرر الحکم : 1075 و 6101 وفیه «علیک بالبشاشه» ، بحار الأنوار : 74 / 167 / 35 .
6- .غرر الحکم : 736 .
7- .غرر الحکم : 736 ، 5546 .
8- .تحف العقول : 202 ، کنز الفوائد : 1 / 93 ، أعلام الدین : 178 ، بحار الأنوار : 78 / 39 / 13 .

9- .الكافى : 2 / 103 / 5 ، بحار الأنوار : 74 / 172 / 40 .

ه خالص سازی دوستی

و گشاده رویی

امام علی علیه السلام : هر که خوش رفتار باشد ، برادرانش فراوان می گردند .

امام علی علیه السلام : هر که خوش رفتاری پیشه کند ، دوستانش فراوان می شوند .

ه خالص سازی دوستی امام علی علیه السلام : با دشمنت مدارا کن و برای دوستت خالص شو ، تا [حقّ]برادری را حفظ کرده ، مروّت را به دست آورده باشی .

امام علی علیه السلام : دوستِ راستین ، از دوستی اش بر نمی گردد ، گرچه در حقش جفا شود .

و گشاده رویی امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، دامی برای دوستی است .

امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، رفیقان را [با انسانْ] مأنوس می کند .

امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، عامل دوستی است .

امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، وسیله شکار کردنِ دوستی است .

الکافی به نقل از فُضَیل : [امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام]فرمود : نیکوکاری در حقّ دیگران و گشاده رویی ، دوستی را نصیب [انسان] می کنند و او را به بهشتْ می برند . بُخل و تُرشرویی ، [انسان را] از خدا دور می کنند و به دوزخ وارد می کنند .

.

ز الأَدَب الإمام الكاظم عليه السلام : لا تُذهِبِ الحِشمَةَ بَينَکَ وبَينَ أخيکَ ، أبقِ مِنها ؛ فَإِنَّ ذَهابَها ذَهابُ الحَياءِ ، وبَقاءُ الحِشمَهِ بَقاءُ المَوَدَّهِ . (1)

ح التَّوَدُّد الإمام علىّ عليه السلام : بِالتَّوَدُّدِ تَكونُ المَحَبَّهُ . (2)

عنه عليه السلام : بِالتَّوَدُّدِ تَتَأَكَّدُ المَحَبَّهُ . (3)

عنه عليه السلام : مَن تَأَ لَّفَ النّاسَ أحَبّوهُ ، مَن عانَدَ النّاسَ مَقَتوهُ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ أعرابِيًّا مِن بَنى تَميم أتَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَقالَ لَهُ : أوصِنى . فَكانَ مِمّا أوصاهُ : تَحَبَّبَ إلَى النّاسِ يُحِبّوکَ . (5)

ط التَّواضُع الإمام علىّ عليه السلام : ثَمَرَهُ التَّواضُعِ المَحَبَّهُ . (6)

ى الوَفاء الإمام علىّ عليه السلام : سَبَبُ الاِيتِلافِ الوَفاءُ . (7)

.

1- .تحف العقول : 409 و ص 370 ، الكافى : 2 / 672 / 5 عن الإمام الكاظم عليه السلامو ليس فيه «وبقاء الحشمه» ، مشكاه الأنوار : 220 و ص 105 عن خالد بن نجيح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 320 / 14 .
2- .غرر الحكم : 4194 .
3- .غرر الحكم : 4341 .
4- .غرر الحكم : 7895 و 7896 .
5- .الكافى : 2 / 642 / 1 عن أبى بصير ، مشكاه الأنوار : 177 و ص 75 عن أبى بصير نحوه .
6- .غرر الحكم : 4613 ، شرح نهج البلاغه : 20 / 296 / 389 .
7- .غرر الحكم : 5511 .

ز ادب

ح اظهار دوستی

ط فروتنی

ی وفاداری

ز ادب امام کاظم علیه السلام : احترام میان خود و برادرت را از بین مَبَر و چیزی از آن بگذار ؛ زیرا از میان رفتن آن ، از میان رفتن شرم است و بر جای بودن احترام ، [عامل]بر جای بودن دوستی است .

ح اظهار دوستی امام علی علیه السلام : با اظهار دوستی ، دوستی پدید می آید .

امام علی علیه السلام : با اظهار دوستی ، دوستی استوار می شود .

امام علی علیه السلام : هرکه با مردم الفت گیرد ، دوستش خواهند داشت و هرکه با مردم دشمنی کند ، با او دشمنی خواهند کرد .

امام باقر علیه السلام : یکی از اعراب قبیله بنی تمیم ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان گفت : مرا سفارشی کن . از جمله سفارش های حضرت به او این بود : «با مردم ، اظهار دوستی کن ، تا دوستت بدارند» .

ط فروتنی امام علی علیه السلام : دوستی ، میوه فروتنی است .

ر . ک : ص 115 (فراموش کردن بدی ها) .

ی وفاداری امام علی علیه السلام : وفاداری ، عامل الفت گرفتن [مردم با شخص]است .

.

عنه علیه السلام : مَن کانَ ذا حِفاظٍ ووَفاءٍ لَم یَعدَم حُسنَ الإخاءِ . (1)

ک الإنصاف الإمام علیّ علیه السلام : الإنصافُ یُؤَلِّفُ (2) القُلوبَ . (3)

عنه علیه السلام : الإنصافُ یَرفَعُ الخِلافَ ، ویوجِبُ الإیتِلافَ . (4)

عنه علیه السلام : الإنصافُ یَستَدیمُ المَحَبَّهَ . (5)

عنه علیه السلام : عَلَی الإنصافِ تَرسَخُ المَوَدَّهُ . (6)

عنه علیه السلام : مَعَ الإنصافِ تَدومُ الاُخُوَّهُ . (7)

عنه علیه السلام : المُنصِفُ کَثیرُ الأَولِیاءِ وَالأَوِدّاءِ . (8)

الإمام الجواد علیه السلام : ثَلاثُ خِصالٍ تُجتَلبُ بِهِنَّ المَحَبَّهُ : الإنصافُ فِی المُعاشَرَهِ، وَالمُؤاساهُ فِی الشِّدَّهِ وَالاِنطِواعِ ، وَالرُّجوعُ إلی قَلبٍ سَلیمٍ . (9)

ل الصِّدق الإمام علیّ علیه السلام : یَکتَسِبُ الصّادِقُ بِصِدقِهِ ثَلاثا : حُسنَ الثِّقَهِ بِهِ ، وَالمَحَبَّهَ لَهُ ، وَالمَهابَهَ عَنهُ . (10)

.

1- .غرر الحکم : 8726 .
2- .المتن کما فی طبعه طهران وهو الأصحّ ، وفی الطبعه المعتمده «یألف» ، کما أنّه فی بعض الطبعات «یتألّف» .
3- .غرر الحکم : 1130 .
4- .غرر الحکم : 1702 .
5- .غرر الحکم : 1076 .
6- .غرر الحکم : 6190 .
7- .غرر الحکم : 9736 .
8- .غرر الحکم : 2116 .
9- .کشف الغمّه : 3 / 139 ، بحار الأنوار : 78 / 82 / 77 .
10- .غرر الحکم : 11038 ، وفی بعض الطبعات «منه» بدل «عنه» .

ک انصاف

ل راستگویی

امام علی علیه السلام : هرکه باوفا و مرزْ نگهدار باشد ، برادریِ نیکو را از دست نمی دهد .

ک انصاف امام علی علیه السلام : انصاف ، دل ها را به یکدیگر می پیوندد .

امام علی علیه السلام : انصاف ، اختلاف را می زداید و الفتْ پدید می آورد .

امام علی علیه السلام : انصاف ، دوستی را پایدار می کند .

امام علی علیه السلام : برپایه انصاف ، دوستی استوار می شود .

امام علی علیه السلام : با انصاف ، برادری ادامه می یابد .

امام علی علیه السلام : شخص با انصاف ، یاران و دوستان بسیاری دارد .

امام جواد علیه السلام : با سه خصلت ، دوستی را به دست می آورند : انصاف در معاشرت ، همدردی [با دیگران]در خوشی و ناخوشی ، و داشتن قلبی پاک [از گناهان].

ل راستگویی امام علی علیه السلام : شخص راستگو با راستگویی خود ، سه چیز را به دست می آورد : اعتماد ، دوستی و شُکوه [در دل ها] .

.

م الرِّفق الإمام علىّ عليه السلام : رِفقُ المَرءِ وسَخاؤُهُ يُحَبِّبُهُ إلى أعدائِهِ . (1)

عنه عليه السلام : مَن لانَت عَريكَتُهُ وَجَبَت مَحَبَّتُهُ . (2)

عنه عليه السلام : مَن يُلِن حاشِيَتَهُ يَعرِفَ صَديقُهُ مِنهُ المَوَدَّةَ . (3)

ن الكَرَم الإمام علىّ عليه السلام : الكَريمُ عِندَ اللّه ِ مَحبورٌ مُثابٌ،وعِندَ النّاسِ مَحبوبٌ مُهابٌ . (4)

س الصَّمت الإمام الرضا عليه السلام : مِن عَلاماتِ الفِقهِ الحِلمُ ، وَالعِلمُ ، وَالصَّمتُ . إنَّ الصَّمتَ بابٌ مِن أبوابِ الحِكمَةِ . إنَ الصَّمتَ يَكسبُ المَحَبَّةَ . إنَّهُ دَليلٌ عَلى كُلِّ خَيرٍ . (5)

ع السَّخاء الإمام علىّ عليه السلام : السَّخاءُ يَكسِبُ المَحَبَّةَ ، ويُزَيِّنُ الأَخلاقَ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 5429 .
2- .غرر الحكم : 8152 .
3- .الكافى : 2 / 154 / 19 عن يحيى عن الإمام الصادق عليه السلام .
4- .غرر الحكم : 2146 .
5- .الكافى : 2 / 113 / 1 ، الخصال : 158 / 202 ، قرب الإسناد : 369 / 1321 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 258 / 14 وفيه «الفقيه» بدل «الفقه» كلّها عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر ، تحف العقول : 445 وفيه «الحلم والعلم ، والصمت بابٌ . . .» و ص 442 ، الاختصاص : 232 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 71 / 276 / 8 ، وراجع مشكاه الأنوار : 175 .
6- .غرر الحكم : 1600 .

م نرمی

ن کرم

س خاموشی

ع بخشندگی

م نرمی امام علی علیه السلام : نرمی و بخشندگی انسان ، او را محبوبِ دشمنانش می کند .

امام علی علیه السلام : هر که نرمخو گردد ، دوستی اش [در دل ها]جایگیر می شود .

امام علی علیه السلام : هر که نرمخو گردد ، دوستش [آثار]دوستی را از او خواهد شناخت .

ن کرم امام علی علیه السلام : شخص بزرگوار ، نزد خداوند ، خرّم و باپاداش است و نزد مردم ، محبوب و با شُکوه .

س خاموشی امام رضا علیه السلام : بردباری ، دانش و خاموشی ، از نشانه های فهم است . خاموشی ، دری از درهای حکمت است . خاموشی ، دوستی را نصیب [انسان] می کند و راهنمایی به سوی هر نیکی است .

ع بخشندگی امام علی علیه السلام : بخشندگی ، دوستی را نصیب [انسان]می کند و اخلاق را زینت می بخشد .

.

عنه علیه السلام : سَبَبُ المَحَبَّهِ السَّخاءُ . (1)

عنه علیه السلام : السَّخاءُ یَزرَعُ المَحَبَّهَ . (2)

عنه علیه السلام : عَلَیکُم بِالسَّخاءِ وحُسنِ الخُلُقِ ؛ فَإِنَّهُما یَزیدانِ الرِّزقَ ، ویوجِبانِ المَحَبَّهَ . (3)

عنه علیه السلام : جودُ الرَّجُلِ یُحَبِّبُهُ إلی أضدادِهِ ، وبُخلُهُ یُبَغِّضُهُ إلی أولادِهِ . (4)

عنه علیه السلام : الجَوادُ مَحبوبٌ مَحمودٌ وإن لَم یَصِل مِن جودِهِ إلی مادِحِهِ شَیءٌ ، وَالبَخیلُ ضِدُّ ذلِکَ . (5)

عنه علیه السلام : السَّیِّدُ مَحسودٌ ، وَالجَوادُ مَحبوبٌ مَودودٌ . (6)

ف کَراهَهُ الشَّرِّ الإمام الصادق علیه السلام : مَن کَرَّهَ اللّهُ إلَیهِ الشَّرَّ . . . رَزَقَهُ اللّهُ مَوَدَّهَ النّاسِ ومُجامَلَتَهُم ، وتَرَکَ مُقاطَعَهَ النّاسِ وَالخُصوماتِ ، ولَم یَکُن مِنها ولا مِن أهلِها فی شَیءٍ . (7)

ص تَرکُ الحَسَدِ الإمام علیّ علیه السلام : مَن تَرَکَ الحَسَدَ کانَت لَهُ المَحَبَّهُ عِندَ النّاسِ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 5510 ، وراجع بحار الأنوار : 15/ 31/ 48 .
2- .غرر الحکم : 306 .
3- .غرر الحکم : 6161 .
4- .غرر الحکم : 4729 .
5- .غرر الحکم : 1909 .
6- .غرر الحکم : 1763 .
7- .الکافی : 8 / 12 / 1 عن إسماعیل بن مخلّد السراج وإسماعیل بن جابر وحفص المؤذّن ، تحف العقول : 314 ، بحار الأنوار : 78 / 222 / 93 .
8- .تحف العقول : 89 وص 99 ، بحار الأنوار : 77 / 237 / 1 .

ف بیزاری از بدی

ص رها کردن حسادت

امام علی علیه السلام : بخشندگی ، عامل دوستی است .

امام علی علیه السلام : بخشندگی ، [بذر] دوستی را [در دل ها] می کارد .

امام علی علیه السلام : پایبند بخشندگی و خوش خویی باشید؛ زیرا این دو ، روزی را افزایش می دهند و باعث دوستی می شوند .

امام علی علیه السلام : بخشندگیِ انسان ، او را محبوب مخالفانش می کند و بُخلش او را منفور فرزندانش می سازد .

امام علی علیه السلام : آدم بخشنده ، محبوب و ستوده است ، گرچه از بخشش او چیزی به ستایشگرش نرسد ، برعکسِ شخص بخیل .

امام علی علیه السلام : انسان بزرگ ، مورد حسادت است و انسان بخشنده ، محبوب و دوست داشتنی است .

ف بیزاری از بدی امام صادق علیه السلام : هرکه خداوند ، بدی را منفورش ساخته باشد ، . . . دوستی و سازگاری با مردم را روزی او ساخته است . چنین کسی ، از گسستن از مردم و دشمنی ها به دور است و هیچ نسبتی با این خصلت ها و صاحبان آنها ندارد .

ص رها کردن حسادت امام علی علیه السلام : هرکه حسادت را رها کند ، محبوب مردم می شود .

.

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ صاحِبَ الدّينِ . . . اِطَّرَحَ الحَسَدَ فَظَهَرَتِ المَحَبَّةُ . (1)

ق تَناسِى المَساوِئِ الإمام علىّ عليه السلام : تَناسَ مَساوِئَ الإِخوانِ تَستَدِم وُدَّهُم . (2)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مِمّا تَكتَسِبُ بِهِ المَحَبَّةَ أن تَكونَ عالِما كَجاهِلٍ ، وواعِظا كَمَوعوظٍ . (3)

3 / 5أعمالٌ تورِثُ المَحَبَّهَأ الإقبالُ بِالقَلبِ عَلَى اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تَفَرَّغوا مِن هُمومِ الدُّنيا مَا استَطَعتُم ؛ فَإِنَّهُ مَن أقبَلَ إلَى اللّهِ بِقَلبِهِ جَعَلَ اللّهُ ُقُلوبَ العِبادِ مُنقادَةً إلَيهِ بِالمَوَدَّهِ وَالرَّحمَهِ،وكانَ اللّهُ ُ بِكُلِّ خَيرٍ يُسرِعُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أقبَلَ عَبدٌ بِقَلبِهِ إلَى اللّهِ إلاّ جَعَلَ اللّهُ ُ قُلوبَ المُؤمِنينَ تَفِدُ إلَيهِ بِالوُدِّ وَالرَّحمَهِ ، وكانَ اللّهُ ُ بِكُلِّ خَيرٍ إلَيهِ أسرَعَ . (5)

ب الإقبالُ بِالقَلبِ فِى الصَّلاهِ الإمام الصادق عليه السلام : لا تَجتَمِعُ الرَّغبَهُ وَالرَّهبَهُ فى قَلبٍ إلاّ وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ ، فَإذا صَلَّيتَ فَأَقبِل بِقَلبِکَ عَلَى اللّهِ عز و جل ؛ فَإِنَّهُ لَيسَ مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ يُقبِلُ بَقَلبِهِ عَلَى اللّهِ عز و جل فى صَلاتِهِ ودُعائِهِ إلاّ أقبَلَ اللّهُ ُ عز و جل عَلَيهِ بَقُلوبِ المُؤمِنينَ إلَيهِ ، وأيَّدَهُ مَعَ مَوَدَّتِهِم إيّاهُ بِالجَنَّهِ . (6)

.

1- .الأمالى للمفيد : 52 / 14 عن محمّد بن نضر بن قرواش ، بحار الأنوار : 69 / 277 / 12 .
2- .غرر الحكم : 4584 .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 330 / 788 .
4- .الدرّه الباهره: 17 وفى هامشه «كذا ، وفى بعض النسخ : كان اللّه إليه بكلّ خير أسرع، وهذا هو الصحيح»، بحار الأنوار : 77/166/3.
5- .المعجم الأوسط : 5/186/5025 ، حليه الأولياء : 1/227 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : 3/185/6077 .

6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 209 / 632 ، بحار الأنوار : 84 / 260 / 59 نقلاً عن أسرار الصلاه .

ص: 115

ق فراموش کردن بدی ها

3 / 5 کارهای پدید آورنده دوستی

الف با دل به خدا روی آوردن

ب دل به نماز سپردن

امام صادق علیه السلام : شخص دیندار ، . . . حسادت را رها کرده است . در نتیجه ، دوستی پدیدار شده است .

ق فراموش کردن بدی ها امام علی علیه السلام : بدی های برادران را فراموش کن ، تا دوستی شان را پایدار کنی .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : یکی از عوامل به دست آوردن دوستی ، آن است که دانا باشی [امّا با ظاهری] چون نادان ، و پند دهنده باشی ، [با ظاهری] چون پند گیرنده .

3 / 5کارهای پدید آورنده دوستیالف با دل به خدا روی آوردن رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر چه می توانید ، از اندوه های دنیا فارغ شوید؛ زیرا هر که با دل خود به خدا روی بیاورد ، خدا دل های بندگان را به دوستی و مهربانی ، رام او خواهد ساخت و خدا به هر خیری [برایش]می شتابد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بنده ای با دل خود به خدا روی بیاورد ، خدا دل های مؤمنان را بر آن می دارد تا با دوستی و مهربانی به او روی آورند ، و خدا برایش به هر خیری شتابان تر است .

ب دل به نماز سپردن امام صادق علیه السلام : هرگاه بیم و امید در دلی جمع شود ، بهشت برایش واجب می گردد. پس هرگاه به نماز ایستادی، با دل خود به خداوند عز و جل روی بیاور؛ زیرا هیچ بنده مؤمنی در نمازش با دل خود به خداوند روی نمی آورد و او را به دعا نمی خواند ، مگر آن که خداوند عز و جل ، دل های مؤمنان را متوجّه او می سازد و افزون بر دوستی آنان نسبت به او ، با بهشت [نیز]تأییدش می کند .

.

عنه عليه السلام : إنّى لاُحِبُّ لِلرَّجُلِ المُؤمِنِ مِنكُم إذا قامَ فى صَلاتِهِ أن يُقبِلَ بِقَلبِهِ إلَى اللّه ِ تَعالى ، ولا يَشغَلَهُ بِأمرِ الدُّنيا ؛ فَلَيسَ مِن مُؤمِنٍ يُقبِلُ بِقَلبِهِ فى صَلاتِهِ إلَى اللّه ِ إلاّ أقبَلَ اللّه ُ إلَيهِ بِوَجهِهِ ، وأقبَلَ بِقُلوبِ المُؤمِنينَ إلَيهِ بِالمَحَبَّهِ لَهُ بَعدَ حُبِّ اللّه ِ إيّاهُ . (1)

ج الإحسانُ إلَى النّاسِالكتاب(وَ لاَ تَسْتَوِى الْحَسَنَهُ وَ لاَ السَّيِّئَهُ ادْفَعْ بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِى بَيْنَکَ وَ بَيْنَهُو عَدَ وَهٌ كَأَنَّهُو وَلِىٌّ حَمِيمٌ) . (2)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ المَخلوقونَ فَأحسِن إلَيهِم ، وَارفُض ما فى أيديهِم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : جُبِلَتِ القُلوبُ عَلى حُبِّ مَن أحسَنَ إلَيها ، وبُغضِ مَن أساءَ إلَيها . (4)

.

1- .الأمالى للمفيد: 150/7، ثواب الأعمال: 163/1 نحوه كلاهما عن إبراهيم الكرخىّ، بحار الأنوار: 84/240/24.
2- .فصّلت : 34 .
3- .أعلام الدين : 268 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 85 / 164 / 12 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 381 / 5826 و ص 419 / 5917 عن الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول : 37 ، نثر الدرّ : 1 / 264 ، بحار الأنوار : 77 / 140 / 18 ؛ شُعب الإيمان : 6 / 481 / 8984 ، تاريخ بغداد : 7 / 346 ، حليه الأولياء : 4 / 121 كلّها عن عبداللّه بن مسعود ، كنز العمّال : 16 / 115 / 44102 .

ج نیکی کردن به مردم

امام صادق علیه السلام : دوست دارم که مؤمن شما هرگاه به نماز ایستاد ، با دل خود به خدای متعال ، روی بیاورد و دلش او را به امور دنیا مشغول نکند ؛ چون هیچ مؤمنی در نماز با همه قلبش به خدا روی نمی آورد ، مگر آن که خداوندْ با وجه [کریم]خود ، به او روی خواهد آورد و پس از آن که خداوندْ او را دوست داشت ، دل های مؤمنان را نیز متوجّه او خواهد ساخت .

ج نیکی کردن به مردمقرآن(خوبی و بدی برابر نیستند . [بدی را]به آنچه بهتر است ، پاسخ ده . پس آن گاه ، آن که میان تو و او دشمنی است ، گویی دوستی یک دل می گردد) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خواستی که آفریدگان دوستت بدارند ، به آنان نیکی کن و آنچه را در دست دارند ، رها کن (طمع در اموال آنان مدار) .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دل ها بر دوستی آن که به آنها نیکی کند و دشمنی آن که بدان ها بدی کند ، سرشته شده اند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : ومَن بَسَطَ كَفَّهُ لَهُم بِالمَعروفِ رُزِقَ المَحَبَّةَ مِنهُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ لا تَجعَل لِفاجِرٍ عَلَيَّ يَدا ؛ فَيُحِبَّهُ قَلبى . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : الإِحسانُ مَحَبَّهٌ . (3)

عنه عليه السلام : سَبَبُ المَحَبَّهِ الإِحسانُ . (4)

عنه عليه السلام : مَن كَثُرَ إحسانُهُ أحَبَّهُ إخوانُهُ . (5)

الإمام العسكرىّ عليه السلام : أولَى النّاسِ بِالمَحَبَّهِ مِنهُم مَن أمَّلوهُ . (6)

د بَذلُ النَّوالِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن طَلَبَ مَحَبَّهَ النّاسِ فَليَبذِل مالَهُ . (7)

عيسى عليه السلام : كَيفَ يَستَكمِلُ حُبَّ خَليلِهِ مَن لا يَبذِلُ لَهُ بَعضَ ما عِندَهُ ؟! (8)

الإمام علىّ عليه السلام : العَطاءُ مَحَبَّهٌ . (9)

عنه عليه السلام : مَن بَذَلَ مَعروفَهُ كَثُرَ الرّاغِبُ إلَيهِ . (10)

عنه عليه السلام : مَن بَذَلَ النَّوالَ قَبلَ السُّؤالِ فَهُوَ الكَريمُ المَحبوبُ . (11)

.

1- .كنز الفوائد : 1 / 135 ، أعلام الدين : 315 ، بحار الأنوار: 75 / 359 / 74 و ح 75 .
2- .المحجّه البيضاء: 8 / 11 عن مسند الفردوس .
3- .غرر الحكم : 109 .
4- .غرر الحكم : 5518 .
5- .غرر الحكم : 8473 .
6- .أعلام الدين : 313 ، بحار الأنوار : 78 / 379 / 4 .

7- .فردوس الأخبار : 4 / 77 / 5726 عن أنس بن مالک ، کنز العمّال : 6 / 391 / 16205 .
8- .تحف العقول : 506 ، بحار الأنوار : 14 / 309 / 17 .
9- .مطالب السؤول : 56 .
10- .غرر الحکم : 8492 .
11- .غرر الحکم : 8643 .

د بخشش

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه دستش را برای نیکی به مردم بگشاید ، دوستی آنان روزی اش خواهد شد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : پروردگارا ! مرا مدیون لطف و نعمت هیچ بدکاری قرار مده ، مبادا که قلبم او را دوست بدارد .

امام علی علیه السلام : نیکوکاری [به مردم ، عامل]دوستی است .

امام علی علیه السلام : عامل دوستی ، نیکوکاری است .

امام علی علیه السلام : هرکه بسیار نیکی کند ، برادرانش دوستش خواهند داشت .

امام عسکری علیه السلام : مردم ، کسی را بیشتر دوست دارند که به او امید [بیشتری]دارند .

د بخشش رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه خواستار دوستی مردم است ، از دارایی خود ببخشد .

عیسی علیه السلام : چگونه کسی که پاره ای از آنچه را دارد ، نمی بخشد ، محبّت کاملِ دوستش را می خواهد ؟

امام علی علیه السلام : بخشش ، [عامل] دوستی است .

امام علی علیه السلام : هرکه نیکی [و دارایی] خود را ببخشد ، راغبان به او فراوان می گردند .

امام علی علیه السلام : هرکه پیش از آن که از او بخواهند ، ببخشد و عطا کند ، بزرگوار و محبوب است .

.

الأمالى للطوسى عن صفوان الجمّال : دَخَلَ المُعَلَّى بنُ خُنَيسٍ عَلى أبى عَبدِاللّه ِ عليه السلاميُوَدِّعُهُ وقَد أرادَ سَفَرا . فَلَمّا وَدَّعَهُ قالَ : يا مُعَلّى ، اِعزِز بِاللّه ِ يُعزِزكَ . قالَ : بِماذا يَابنَ رَسولِ اللّه ِ؟ قالَ : يا مُعَلّى ، خَفِ اللّهَ تَعالى يَخَف مِنكَ كُلَّ شَىءٍ . يا مُعَلّى ، تَحَبَّب إلى إخوانِكَ بِصِلَتِهِم ؛ فَإِنَّ اللّهَ جَعَلَ العَطاءَ مَحَبَّةً وَالمَنعَ مَبغَضَةً ، فَأَنتُم وَاللّه ِ إن تَسألونى وأُعطِيَكُم فَتُحِبّونى أحَبُّ إلَيَّ مِن ألاّ تَسألونى فَلا أُعطِيَكُم فَتُبغِضونى . ومَهما أجرَى اللّهُ عز و جل لَكُم مِن شَىءٍ عَلى يَدى فَالمَحمودُ اللّهُ تَعالى ، ولا تَبعُدونَ مِن شُكرِ ما أجرَى اللّهُ لَكُم عَلى يَدى . (1)

ه الزُّهدُ فى ما فى أيدِى النّاسِ الإمام علىّ عليه السلام : تَحَبَّب إلَى النّاسِ بِالزُّهدِ فى ما أيديهِم تَفُز بِالمَحَبَّهِ مِنهُم . (2)

عنه عليه السلام : تَحَلَّ بِاليَأسِ مِمّا فى أيدِى النّاسِ تَسلَم مِن غَوائِلِهِم ، وتُحرِزِ المَوَدَّةَ مِنهُم . (3)

سنن ابن ماجه عن سهل بن سعد الساعدىّ : أتَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ فَقالَ : يا رَسولَ اللّه ِ دُلَّنى عَلى عَمَلٍ إذا أنَا عَمِلتُهُ أحَبَّنِىَ اللّهُ وأحَبَّنِىَ النّاسُ . فَقالَ رَسولُ اللّه ِ صلى الله عليه و آله : اِزهَد فِى الدُّنيا يُحِبَّكَ اللّهُ ، وَازهَد فى ما فى أيدِى النّاسِ يُحِبّوكَ . (4)

.

1- .الأماليللطوسى: 304/608، بحار الأنوار: 74/394/19 . راجع السخاء: آثارالسخاء: حبّ الناس .
2- .غرر الحكم : 4506 فى طبعه بيروت ص 312 / 46 و ط طهران ص 349 / 46 : بين أيديهم .
3- .غرر الحكم : 4507 .
4- .سنن ابن ماجه: 2/1373/4102، المستدرک على الصحيحين: 4/348/7873، المعجم الكبير : 6/193/5972 ، شُعب الإيمان : 7 / 344 / 10523 و ح 10522 ، حليه الأولياء : 7 / 136 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 3/723 / 8577 نقلاً عن ابن عساكر؛ الأمالى للطوسى: 140/228 عن محمّد بن عيسى الكندى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه.

الأمالی طوسی به نقل از صفوان جمّال : مُعَلّی بن خُنَیس می خواست به سفری برود . برای خداحافظی نزد امام صادق علیه السلامآمد . حضرت ، هنگام خداحافظی به او فرمود : «ای مُعلّی ! به خدا عزّت جو ، تا خداوند به تو عزّت بخشد» . گفت : ای پسر پیامبر خدا ! چگونه ؟ فرمود : «ای مُعلّی ! از خداوند متعال بترس ، تا همه چیز از تو بترسد . ای مُعلّی ! با صله دادن به برادرانت ، با آنان دوستی بورز ؛ زیرا خداوند ، بخشش را [وسیله]دوستی ، و نبخشیدن و منع را [مایه]دشمنی قرار داده است . به خدا سوگند ، اگر از من بخواهید و من به شما عطا کنم و مرا دوست بدارید ، برایم بهتر است از این که از من چیزی نخواهید و من نیز به شما نبخشم و در نتیجه ، مرا دشمن بدارید . هرچه خداوند بر دست من به شما برساند ، [در حقیقتْ] باز هم همان خداوند است که ستوده است و شما از سپاسگزاری آنچه خداوند بر دست من به شما رسانده است ، دور نمی شوید» .

ه بی رغبتی به داشته های مردم امام علی علیه السلام : با بی رغبتی به آنچه در دست مردم است ، با آنان دوستی بورز ، تا دوستی شان را به دست آوری .

امام علی علیه السلام : با طمع نداشتن به آنچه در دست مردم است ، خود را بیارای ، تا از کینه هایشان ایمن گردی و دوستی شان را به دست آوری .

سنن ابن ماجه به نقل از سهل بن سعد ساعدی : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهآمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به کاری راهنمایی ام کن که اگر انجامش دهم ، خدا دوستم خواهد داشت و مردم نیز دوستم خواهند داشت . پیامبر خدا فرمود : «به دنیا بی رغبتی کن ، تا خدا دوستت بدارد و به آنچه در دست مردم است ، بی رغبتی کن ، تا مردم دوستت بدارند» .

.

تاريخ بغداد عن ربعيّ بن خراش : جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله وقالَ : يا رَسولَ اللّه ِ دُلَّنى عَلى عَمَلٍ يُحِبُّنِيَ اللّهُ عَلَيهِ ويُحِبُّنِيَ النّاسُ . فَقالَ صلى الله عليه و آله : إذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ اللّهُ فَأبغِضِ الدُّنيا ، وإذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ النّاسُ فَما كانَ عِندَکَ مِن فُضولِها فَانبِذهُ إلَيهِم . (1)

و العَمَلُ بِالحَقِّ الإمام علىّ عليه السلام : مَن عَمِلَ بِالحَقِّ مالَ إلَيهِ الخَلقُ . (2)

ز حُسنُ الكِفايَهِ الإمام علىّ عليه السلام : مَن حَسُنَت كِفايَتُهُ أحَبَّهُ سُلطانُهُ . (3)

ح الزِّيارَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الزِّيارَهُ تُنبِتُ المَوَدَّهَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : يا أهلَ القَرابَهِ تَزاوَروا ، ولا تَجاوَروا، وتَهادَوا ؛ فَإنَّ الهَدِيَّهَ تَسُل السَّخيمَهَ، وَالزِّيارَهَ تُثبِتُ المَوَدَّهَ . (5)

.

1- .تاريخ بغداد : 7 / 270 ، البدايه والنهايه : 10 / 137 ، كنز العمّال : 3 / 182 / 6067 .
2- .غرر الحكم : 8646 .
3- .غرر الحكم : 8474 .
4- .جامع الأحاديث للقمّى : 84 ، الجعفريّات : 153 عن موسى بن إسماعيل عن أبيه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله وفيه «تثبت» بدل «تنبت»، مستدرک الوسائل : 10 / 374 / 12210 ، بحار الأنوار : 74 / 355 /36 .
5- .مستدرک الوسائل : 13 / 203 / 15109 موسى [بن اسماعيل] عن أبيه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمّى : 66 وليس فيه «يا أهل القرابه» و «والزياره...» .

و رفتار بر اساس حق

ز کاردانی

ح دید و بازدید

تاریخ بغداد به نقل از رِبعی بن حِراش : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به کاری راهنمایی ام کن که خدا و مردم ، بدان سبب ، دوستم بدارند . حضرت فرمود : «هرگاه خواستی خداوندْ دوستت بدارد ، با دنیا دشمنی کن و هرگاه خواستی مردمْ دوستت بدارند ، افزون بر آنچه را که نیاز داری ، به آنان ببخش» .

ر . ک : ص 471 (بی رغبتی به دنیا) .

و رفتار بر اساس حق امام علی علیه السلام : هرکه بر اساس حق رفتار کند، خلق به سوی او روی خواهند آورد .

ز کاردانی امام علی علیه السلام : هرکه کاردان باشد ، فرمانروایش او را دوست خواهد داشت .

ح دید و بازدید رسول خدا صلی الله علیه و آله : دید و بازدید ، دوستی را استوار می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای خویشاوندان ! به دیدار یکدیگر بروید وهمسایگی مکنید (1) و به یکدیگر هدیه دهید ؛ زیرا هدیه دادن ، کینه را ریشه کن می کند و دید و بازدید ، دوستی را استوار می سازد .

.

1- .اشاره به مَثَل معروفِ «دوری و دوستی !» و نهی از چنین باوری است .

عنه صلى الله عليه و آله : يا أهلَ القَرابَهِ تَزاوَروا ، ولا تَتَجاوَروا، وتَهادَوا ؛ فَإِنَّ الزِّيارَهَ تَزيدُ فِى المَوَدَّهِ، وَالتَّجاوُرَ يُحدِثُ القَطيعَهَ، وَالهَدِيَّهَ تَسُلُّ الشَّحناءَ . (1)

ط صِلَهُ الرَّحِمِ الإمام علىّ عليه السلام : صِلَهُ الرَّحِمِ توجِبُ المَحَبَّهَ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : صِلَهُ الأَرحامِ تُزَكِّى الأَعمالَ . . . وتُحَبِّبُ فى أهلِ بَيتِهِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : صِلَهُ القَرابَهِ مَحَبَّهٌ فِى الأَهلِ ، ومَثراهٌ فِى المالِ ، ومَنسَأَهٌ فِى الأَجَلِ . (4)

ى إفشاءُ السَّلامِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا تَدخُلونَ الجَنَّهَ حَتّى تُؤمِنوا ، ولا تُؤمِنوا حَتّى تَحابّوا . أوَلا أدُلُّكُم عَلى شَىءٍ إذا فَعَلتُموهُ تَحابَبتُم ؟ أفشُوا السَّلامَ بَينَكُم . (5)

.

1- .مستدرک الوسائل: 13 / 205 / 15118، دعائم الإسلام: 2 / 326 / 1233.
2- .غرر الحكم: 5852 .
3- .الكافى : 2 / 152 / 13 عن أبى حمزه ، بحار الأنوار: 74 / 118 / 81 .
4- .عوالى اللآلى : 1 / 255 / 19 ؛ المعجم الأوسط : 8 / 14 / 7810 عن عمرو بن سهل نحوه ، كنز العمّال : 3 / 358 / 6925 .
5- .صحيح مسلم : 1 / 74 / 93 ، سنن أبى داود : 4 / 350 / 5193 ، سنن الترمذى : 5 / 52 / 2688 ، سنن ابن ماجه : 1 / 26 / 68 و ج 2/ 1217 / 3692 ، مسند ابن حنبل : 3 / 447 / 9715 و ص 556 / 10436 ، الأدب المفرد : 290 / 980 ، السنن الكبرى : 10 / 393 / 21064 ، مسند إسحاق بن راهويه : 1 / 459 / 534 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : 3 / 462 / 7443 ؛ مشكاه الأنوار : 84 ، تنبيه الخواطر : 1 / 127 ، روضه الواعظين : 458 ، مسند زيد : 390 عن زيد بن عليّعن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه .

ط صله رحم

ی سلام دادن به همه

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای خویشاوندان ! به دیدار یکدیگر بروید و همسایگی مکنید (1) و به یکدیگر هدیه بدهید ؛ زیرا دید و بازدید ، بر دوستی می افزاید و همسایگی ، جدایی به بار می آورد و هدیه دادن ، کینه را ریشه کن می کند .

ط صله رحم امام علی علیه السلام : صله رحم ، سبب دوستی می شود .

امام باقر علیه السلام : صله رحم ، کارها[ی انسان] را بارور می کند . . . و [شخص را]محبوب خاندانش می سازد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دیدار خویشان ، [مایه] دوستی در خاندان ، افزایش دارایی و به تأخیر افتادن مرگ است .

ی سلام دادن به همه رسول خدا صلی الله علیه و آله : وارد بهشت نخواهید شد ، مگر آن که ایمان بیاورید ؛ و ایمان نخواهید آورد ، مگر آن که یکدیگر را دوست بدارید . آیا شما را به چیزی راهنمایی بکنم که اگر انجامش دهید ، محبوب یکدیگر خواهید گشت ؟ سلام کردن را میان خود رواج دهید .

.

1- .اشاره به مَثَل معروفِ «دوری و دوستی ! و نهی از چنین باوری است» .

المستدرک علی الصحیحین عن أبی موسی الأشعری : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آلهقال : لَن تُؤمِنوا حَتّی تَحابّوا . أفَلا أدُلُّکُم عَلی ما تَحابّوا عَلَیهِ ؟ قالوا : بَلی یا رَسولَ اللّهِ . قالَ : أفشُوا السَّلامَ بَینَکُم تَحابّوا ،وَالَّذی نَفسی بِیَدِهِ ، لا تَدخُلُوا الجَنَّهَ حَتّی تَراحَموا . قالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، کُلُّنا رَحیمٌ . قالَ : إنَّهُ لَیسَ بِرَحمَهِ أحَدِکُم ، ولکِن رَحمَهِ العامَّهِ ، رحمَهِ العامَّهِ ! (1)

ک لینُ الکَلامِ الإمام علیّ علیه السلام : مَن لانَت کَلِمَتُهُ وَجَبَت مَحَبَّتُهُ . (2)

عنه علیه السلام : عَوِّد لِسانَکَ لینَ الکَلامِ وبَذلَ السَّلامِ یَکثُر مُحِبّوکَ ، ویَقِلُّ مُبغِضوکَ . (3)

عنه علیه السلام : مَن عَذُبَ لِسانُهُ کَثُرَ إخوانُهُ . (4)

الإمام زین العابدین علیه السلام : القَولُ الحَسَنُ یُثری المالَ ، ویُنمِی الرِّزقَ ، ویُنسِئُ فِی الأجَلِ ، ویُحَبِّبُ إلَی الأهلِ ، ویُدخِلُ الجَنَّهَ . (5)

.

1- .المستدرک علی الصحیحین : 4 / 185 / 7310 ، کنز العمّال : 9 / 118 / 25268 نقلاً عن المعجم الکبیر وکلاهما عن أبی موسی الأشعری .
2- .تحف العقول : 91 ، غرر الحکم : 7941 ، بحار الأنوار : 71 / 396 / 79 ؛ المناقب للخوارزمی : 368 / 385 وفیه «مودّته» بدل «محبّته» .
3- .غرر الحکم : 6231 .
4- .مائه کلمه : 24 / 8 ، المناقب للخوارزمی : 375 / 395 عن الجاحظ .
5- .الخصال : 317 / 100 ، الأمالی للصدوق : 49 / 1 کلاهما عن أبی حمزه الثمالی ، روضه الواعظین : 404 ، بحار الأنوار: 71 / 310 / 1 .

ک نرمی سخن

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو موسی اشعری : پیامبر خدا فرمود : «هرگز ایمان نخواهید آورد ، مگر آن که یکدیگر را دوست بدارید . آیا شما را به چیزی که بر اساس آن یکدیگر را دوست بدارید ، راهنمایی کنم ؟» . گفتند : آری ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «میان خودتان سلام کردن را رواج دهید ، تا یکدیگر را دوست بدارید . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، وارد بهشت نخواهید شد ، تا به یکدیگر مهربانی کنید» . گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما مهربان هستیم . فرمود: «مقصود، مهربانی شخص شما [به کسانی خاص] نیست ؛ بلکه مهربانی به همگان است ، مهربانی به همگان !» .

ک نرمی سخن امام علی علیه السلام : هرکه سخنش نرم شود ، دوستی اش [بر دیگران] لازم می گردد .

امام علی علیه السلام : زبانت را به نرم گویی و سلام دادن [به همه] ، عادت بده ، تا دوستانت فراوان شوند و دشمنانت اندک گردند .

امام علی علیه السلام : هرکه زبانش شیرین شود ، برادرانش فراوان می گردند .

امام سجاد علیه السلام : گفتار نیک ، دارایی را افزون می کند ، روزی را فراوان می سازد ، مرگ را به تأخیر می اندازد ، [انسان را] محبوب خانواده می کند و [او را]به بهشت ، وارد می سازد .

.

ل الهَدِيَّه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الهَدِيَّهُ تورِثُ المَوَدَّهَ ، وتُجَدِّدُ الاُخُوَّهَ ، وتُذهِبُ الضَّغينَهَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : تَهادَوا تَحابّوا ، تَهادَوا ؛ فَإِنَّها تَذهَبُ بِالصَّغائِنِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : تَهادَوا ؛ فَإِنَّ الهَدِيَّهَ تُضَعِّفُ الحُبَّ ، وتَذهَبُ بِغَوائِلِ الصَّدرِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : تَهادَوا بِالنَّبِقِ تُحيِى المَوَدَّهَ وَالمُوالاهَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : الهَدِيَّهُ تَجلِبُ المَحَبَّهَ . (5)

م المُصافَحَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مِن تَمامِ المَحَبَّهِ المُصافَحَهُ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : تَصافَحوا وتَهادَوا؛ فَإِنَ المُصافَحَهَ تَزيدُ فِيالمَوَدَّهِ، وَالهَدِيَّهَ تُذهِبُ الغِلَّ. (7)

عنه صلى الله عليه و آله : تَصافَحوا يَذهَبِ الغِلُّ مِن قُلوبِكُم . (8)

.

1- .عوالى اللآلى : 1 / 294 / 183 ، بحار الأنوار : 77 / 166 / 2 .
2- .الكافى : 5 / 144 / 14 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لايحضره الفقيه : 3 / 299 / 4067 وليس فيه ذيله ، الخصال : 27 / 98 عن السكونى ، وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 75 / 44 / 1 ؛ الموطّأ : 2 / 908 / 16 عن عطاء بن أبى مسلم وفيه «وتذهب الشحناء» بدل «تهادوا فانّها ...» ، السنن الكبرى : 6 / 280 / 11946 ، مسندأبييعلى : 5 / 424 / 6122 كلاهما عن أبى هريره وليس فيهما ذيله ، كنزالعمّال : 6 / 110 / 15055 .
3- .المعجم الكبير : 25/163/393 عن اُمّ حكيم بنت وداع الخزاعيّه ، مجمع الزوائد : 4 / 260 / 6719.

4- .الكافى : 5 / 144 / 13 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام .
5- .غرر الحكم : 316 .
6- .جامع الأحاديث للقمّى : 122 .
7- .دعائم الإسلام : 2 / 326 / 1232 ، الجعفريات : 153 عن إسماعيل بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عن على عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه «والهديه تذهب الغلّ» ، مستدرک الوسائل : 9 / 57 / 10196 .
8- .الفردوس : 2 / 47 / 2273 عن أنس ، الموطّأ : 2 / 908 / 16 عن عطاء بن أبى مسلم عبداللّه الخراسانى وليس فيه «من قلوبكم» ، الجامع الصغير : 1 / 507 / 3302 نقلاً عن ابن عدى فى الكامل عن ابن عمر ، كنز العمّال : 9/ 130 / 25344 ؛ عوالى اللآلى : 1 / 294 / 182 وليس فيه «من قلوبكم» .

ل هديه دادن

م دست دادن

ل هديه دادن رسول خدا صلى الله عليه و آله : هديه دادن ، دوستى به بار مى آورد ، برادرى را تازه مى سازد و كينه را مى زداید .

رسول خدا صلى الله عليه و آله : به يكديگر هديه دهيد ، تا محبوب يكديگر شويد . به يكديگر هديه بدهيد؛ زيرا كينه ها را مى زداید .

رسول خدا صلى الله عليه و آله : به يكديگر هديه بدهيد؛ زيرا هديه ، دوستى را دو برابر مى كند و كينه هاى درون سينه ها را مى زداید .

رسول خدا صلى الله عليه و آله : به يكديگر كُنار (1) هديه دهيد . اين كار ، دوستى و يارى را زنده مى سازد .

امام على عليه السلام : هديه دادن ، دوستى را به دنبال مى آورد .

م دست دادن رسول خدا صلى الله عليه و آله : دست دادن ، يكى از نشانه هاى كمالِ دوستى است .

رسول خدا صلى الله عليه و آله : با يكديگر دست بدهيد و به يكديگر هديه دهيد ؛ چرا كه دست دادن ، بر دوستى مى افزايد و هديه دادن ، كينه را مى زداید .

رسول خدا صلى الله عليه و آله : با يكديگر دست بدهيد ، تا كينه از دل هايتان برود .

.

1- .ميوه درخت سدر . اشاره به اين كه هديه ، هر قدر هم كم ارزش باشد ، موجب محبّت است .

ن النَّصيحَه الإمام علىّ عليه السلام : النَّصيحَهُ تُثمِرُ الوُدَّ . (1)

عنه عليه السلام : النُّصحُ يُثمِرُ المَحَبَّهَ . (2)

س طاعَهُ النّاصِحِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : . . . طاعَهُ النّاصِحِ ، فَيَتَشَعَّبُ مِنهَا : الزِّيادَهُ فِى العَقلِ ، وكَمالُ اللُّبِّ ، ومَحمِدَهُ العَواقِبِ ، وَالنَّجاهُ مِنَ اللَّومِ ، وَالقَبولُ ، وَالمَوَدَّهُ . (3)

ع عِتابُ العاقِلِ الإمام علىّ عليه السلام : العِتابُ حَياهُ المَوَدَّهِ . (4)

عنه عليه السلام : لا تُعاتِبِ الجاهِلَ فَيَمقُتَکَ ، وعاتِبِ العاقِلَ يُحبِبکَ . (5)

ف السُّجودُ بَينَ الأَذانِ وَالإِقامَهِ الإمام الصادق عليه السلام : كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام يَقولُ لِأَصحابِهِ : مَن سَجَدَ بَينَ الأَذانِ وَالإِقامَهِ فَقالَ فى سُجودِهِ : «رَبِّ لَکَ سَجَدتُ خاضِعا خاشِعا ذَليلاً» ، يَقولُ اللّهُ تَعالى : مَلائِکَتى ، وعِزَّتى وجَلالى لَأَجعَلَنَّ مَحَبَّتَهُ فى قُلوبِ عِبادِىَ المُؤمِنينَ ، وهَيبَتَهُ فى قُلوبِ المُنافِقينَ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 844 .
2- .غرر الحكم : 614 .
3- .تحف العقول : 18 ، بحار الأنوار : 1 / 119 / 11 .
4- .غرر الحكم : 315 .
5- .غرر الحكم : 10215 .
6- .فلاح السائل : 152 عن بكر بن محمّد الأزدى ، بحار الأنوار : 84 / 152 / 48 .

ن خیرخواهی

س پیروی از نصیحتگر

ع انتقاد از عاقل

ف سجده کردن میان اذان و اِقامه

ن خیرخواهی امام علی علیه السلام : خیرخواهی ، دوستی به بار می آورد .

امام علی علیه السلام : خیرخواهی و یکرنگی ، محبّت به بار می آورد .

س پیروی از نصیحتگر رسول خدا صلی الله علیه و آله : . . . پیروی از نصحیتگر ، افزایش خرَد ، کمال عقل ، خوش فرجامی ، رهایی از نکوهش ، پذیرش و دوستی را در پی دارد .

ع انتقاد از عاقل امام علی علیه السلام : انتقاد ، [عامل] حیاتِ دوستی است .

امام علی علیه السلام : از جاهل انتقاد مکن ، که دشمنت می دارد و از عاقل انتقاد کن ، که دوستت می دارد .

ف سجده کردن میان اذان و اِقامه امام صادق علیه السلام : امیر مؤمنان ، علی علیه السلام ، به یارانش می فرمود : هر کس میان اذان و اقامه، سجده کند و بگوید: «پروردگارا! از سرِ خواری، افتادگی و فرمانبرداری برایت سجده کردم» ، خداوند متعال می گوید : «ای ملائکه من ! به عزّت و جلالم سوگند که محبّت او را در دل های مؤمنان ، و شکوه او را در دل های منافقان ، خواهم نهاد» .

.

ص الاِستِعانَهُ مِنَ اللّه ِ الإمام زين العابدين عليه السلام : اللّهُمَّ اقذِف فى قُلوبِ عِبادِکَ مَحَبَّتى . . . ولا تَجعَلنى مِنَ الغافِلينَ ، أحِبَّنى وحَبِّبنى ، وحَبِّب إلَىَّ ما تُحِبُّ مِنَ القَولِ وَالعَمَلِ ؛ حَتّى أدخُلَ فيهِ بِلَذَّهِ . (1)

عنه عليه السلام عِندَما زارَ قَبرَ جَدِّهِ أميرِ المؤمِنينَ عليه السلام : اللّهُمَّ فَاجعَل نَفسى مُطمَئِنَّهً بِقَدَرِکَ ، راضِيَهً بِقَضائِکَ ، مولَعَهً بِذِکرِکَ ودُعائِکَ ، مُحِبَّهً لِصَفوَهِ أولِيائِکَ ، مَحبوبَهً فى أرضِکَ وسَمائِکَ ، صابِرَهً عَلى نُزولِ بَلائِکَ . (2)

کتاب من لا يحضره الفقيه : کانَ فى وَصِيَّهِ رَسولِ اللّه ِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إذا أرَدتَ مَدينَهً أو قَريَهً فَقُل حينَ تُعايِنُها : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها ، اللّهُمَّ حَبِّبنا إلى أهلِها ، وحَبِّب صالِحى أهلِها إلَينا . (3)

3 / 6ما يوجِبُ بَقاءَ المَوَدَّهِالكتاب(الْأَخِلاَّءُ يَوْمَئذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِينَ) . (4)

.

1- .بحار الأنوار: 95 / 298 / 17نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى.
2- .كامل الزيارات : 92 / 93 عن أبى علىّ مهدى بن صدقه الرقّى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، مصباح المتهجّد : 738 / 829 ، فرحه الغرى : 40 كلاهما عن جابر الجعفى عن الإمام الباقرعنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 100 / 328 / 28 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى نحوه .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 298 / 2509 ، مكارم الأخلاق : 1 / 553 / 1908 ، المحاسن : 2 / 123 / 1344 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 76 / 254 / 48 .
4- .الزخرف : 67 .

ص: 133

ص یاری جستن از خدا

3 / 6 آنچه دوستی را پایدار می کند

ص یاری جستن از خدا امام سجاد علیه السلام : بارالها ! دوستی مرا در دل های بندگانت بیفکن ... و مرا از غافلان قرار مده . دوستم بدار و محبوبم کن و هر گفتار و کرداری را که خود دوست داری ، محبوبم ساز ، تا با لذّت بدان بپردازم .

امام سجاد علیه السلام چون آرامگاه جدّش امیر مؤمنان را زیارت کرد : بارالها ! جانم را مطمئن و پذیرای سرنوشت ، خشنود به قضایت ، شیفته یاد و دعایت ، دوستدار دوستان برگزیده ات ، محبوب در زمین و آسمانت ، و صبور به هنگام فرود آمدن بلایت ، قرار ده .

کتاب من لا یحضره الفقیه : از جمله سفارش های پیامبر خدا به علی علیه السلام این بود : «ای علی! هرگاه خواستار [ورود به]شهری یا روستایی شدی، به هنگام دیدنش بگو : بارالها ! من از تو خیر آن را می خواهم و از شرّش به تو پناه می برم . بارالها ! ما را محبوب اهل آن کن و اهالی درستکار آن را محبوب ما ساز» .

ر . ک : ص 483 (ح 1058 و 1060) .

3 / 6آنچه دوستی را پایدار می کندقرآن(در آن روز ، دوستان ، جز پرهیزگاران ، دشمن یکدیگرند) .

.

الحديث الإمام علىّ عليه السلام : لِلأَخِلاّءِ نَدامَهٌ إلاَّ المُتَّقينَ . (1)

عنه عليه السلام : الإِخوانُ فِى اللّهِ تَعالى تَدومُ مَوَدَّتُهُم ؛ لِدَوامِ سَبَبِها . (2)

عنه عليه السلام : مَوَدَّهُ ذَوِى الدّينِ بَطيئَهُ الاِنقِطاعِ ، دائِمَهُ الثَّباتِ وَالبَقاءِ . (3)

عنه عليه السلام : إخوانُ الدّينِ أبقى مَوَدَّهً . (4)

عنه عليه السلام : وُدُّ أبناءِ الدُّنيا يَنقَطِعُ ؛ لاِنقِطاعِ أسبابِهِ . وُدُّ أبناءِ الآخِرَهِ يَدومُ ؛ لِدَوامِ سَبَبِهِ . (5)

عنه عليه السلام : بِحُسنِ العِشرَهِ تَدومُ المَوَدَّهُ . (6)

عنه عليه السلام : حُسنُ العِشرَهِ يَستَديمُ المَوَدَّهَ . (7)

عنه عليه السلام : مَن أحسَنَ مُصاحَبَهَ الإِخوانِ استَدامَ مِنهُمُ الوُصلَهَ . (8)

عنه عليه السلام : مَن أحسَنَ إلَى النّاسِ استَدامَ مِنهُمُ المَحَبَّهَ . (9)

عنه عليه السلام : بِحُسنِ المُوافَقَهِ تَدومُ الصُّحبَهُ . (10)

عنه عليه السلام : مُوافَقَهُ الأَصحابِ تُديمُ الاِصطِحابَ . وَالرِّفقُ فِى المَطالِبِ يُسَهِّل الأَسبابَ . (11)

.

1- .تفسير القمّى : 2 / 287 ، بحار الأنوار : 69 / 237 / 4 .
2- .غرر الحكم : 1795 .
3- .غرر الحكم : 9806 .
4- .غرر الحكم : 1360.
5- .غرر الحكم : 10117 و 10118 .
6- .غرر الحكم : 4200 .
7- .غرر الحكم : 4811 .

8- غرر الحكم : 8714 .
9- غرر الحكم : 8715 .
10- غرر الحكم : 4183 .
11- غرر الحكم : 9873 .

حدیث امام علی علیه السلام : دوستان را پشیمانی است ، جز پرهیزگاران .

امام علی علیه السلام : برادری کنندگان در راه خدای متعال ، دوستی شان می پاید ؛ زیرا سبب آن ، پاینده است .

امام علی علیه السلام : دوستی دینداران، دیر گُسَل است و ثبات و بقای آن، همیشگی .

امام علی علیه السلام : دوستی برادران دینی ، پایدارتر است .

امام علی علیه السلام : دوستی فرزندان دنیا ، بر اثر گسستن سبب آن ، می گسلد و دوستی فرزندان آخرت ، بر اثر پایایی سبب آن ، می پاید .

امام علی علیه السلام : با خوش رفتاری ، دوستی می پاید .

امام علی علیه السلام : خوش رفتاری ، دوستی را پایدار می کند .

امام علی علیه السلام : هرکه با برادرانْ خوش رفتاری کند ، پیوندش را با آنان پایدار می سازد.

امام علی علیه السلام : هرکه به مردم نیکی کند ، دوستی اش را با آنان پایدار می سازد .

امام علی علیه السلام : با سازگاری نیکو ، دوستی می پاید .

امام علی علیه السلام : سازگاری یاران ، دوستی را پایدار می کند . ملایمت در پیگیری خواسته ها، اسباب [برآوردن آنها]را آسان می سازد .

.

عنه عليه السلام : بِالرِّفقِ تَدومُ الصُّحبَهُ . (1)

عنه عليه السلام : أَلِن كَنَفَکَ ؛ فَإِنَّ مَن يُلِن كَنَفَهُ يَستَدِم مِن قَومِهِ المَحَبَّهَ . (2)

عنه عليه السلام : مَن تَلِن حاشِيَتُهُ يَستَدِم مِن قَومِهِ المَوَدَّهَ . (3)

عنه عليه السلام : تَحتاجُ الإِخوَهُ فيما بَينَهُم إلى ثَلاثَهِ أشياءَ ، فَإِنِ استَعمَلوها وإلاّ تَبايَنوا وتَباغَضوا ، وهِيَ : التَّناصُفُ ، وَالتَّراحُمُ ، ونَفيُ الحَسَدِ . (4)

3 / 7ما يوجِبُ صَفاءَ المَوَدَّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ تُخلِصُ المَوَدَّهَ : إهداءُ العَيبِ ، وحِفظُ الغَيبِ ، وَالمَعونَهُ فِى الشِّدَّهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ يُصفينَ لَکَ وُدَّ أخيکَ : تُسَلِّمُ عَلَيهِ إذا لَقيتَهُ ، وتُوَسِّعُ لَهُ فِى المَجلِسِ ، وتَدعوهُ بِأَحَبِّ أسمائِهِ إلَيهِ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 4342 .
2- .غرر الحكم : 2376.
3- .نهج البلاغه : الخطبه 23 ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 48 ، غرر الحكم : 8583 وفيه «المحبّه» بدل «المودّه» ، بحار الأنوار : 74 / 104 / 66 .
4- .تحف العقول : 322 ، بحار الأنوار : 78 / 236 / 68 .
5- .تنبيه الخواطر : 2 / 121 .
6- .المستدرک على الصحيحين : 3 / 485 / 5815 ، التاريخ الكبير : 7 / 352 / 1520 ، المعجم الأوسط : 8 / 192 / 8369 ، شُعب الإيمان : 6 / 430 / 8772 ، تاريخ دمشق : 13 / 387 / 3324 كلّها عن عثمان بن طلحه الحجبى ، كنز العمّال : 9 / 32 / 24787 .

3 / 7 آنچه دوستی را خالص می کند

امام علی علیه السلام : با ملایمت ، دوستی پایدار می گردد .

امام علی علیه السلام : ملایم باش ؛ زیرا هرکه ملایم باشد ، همواره از دوستی کسانش برخوردار می شود .

امام علی علیه السلام : هرکه ملایمت پیشه کند ، همواره از دوستی کسانش برخوردار می شود .

امام علی علیه السلام : برادران در میان خود به سه چیز نیازمندند که اگر آنها را به کار گیرند [دوستی شان پایدار می شود]وگرنه از یکدیگر جدا می شوند و با یکدیگر دشمنی می کنند . این سه عبارت است از : انصاف ، مهربانی به یکدیگر و کنار گذاشتن حسادت.

نکتهموجبات بقای دوستی ، منحصر به آنچه در این باب آمده نیست ؛ بلکه همه اموری که تحت عنوان «اسباب دوستی» قبلاً ذکر شد و همه مواردی که در عناوین 3 / 7 و 3 / 8 از این فصل خواهد آمد ، نیز اسباب بقای دوستی هستند . به سخن دیگر ، علل پیدایش دوستی ، علل دوام آن نیز هستند . بنابراین ، مواردی که در این باب به عنوان موجبات بقای دوستی مورد تأکید قرار گرفته اند ، مهم ترین علل بقای دوستی محسوب می شوند .

ر . ک : ص 209 (اعلام دوستی)؛ ص 701 (بقای دوستی تا روز قیامت) .

3 / 7آنچه دوستی را خالص می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، دوستی را خالص می سازد : هدیه کردن عیب های یکدیگر [و بیان آنها، برای حل مشکل] ؛ در غیبت دوست ، پاس خاطرِ او را داشتن و بدگویی نکردن ؛ و یاری رساندن در سختی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، دوستی برادرت را برایت خالص و یکرنگ می کند : هرگاه او را ببینی ، به او سلام کنی ؛ در مجلس ، جا برایش بگشایی ؛ و او را با محبوب ترینْ نام هایش بخوانی .

.

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ يُصفينَ لَکَ وُدَّ أخيکَ : تُوَسِّعُ لَهُ فِی المَجلِسِ ، وتَدعوهُ بِأَحَبِّ الأَسماءِ إلَيهِ ، وتَعودُهُ إذا مَرِضَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ يُصفينَ وُدَّ المَرءِ لِأَخيهِ المُسلِمِ : يَلقاهُ بِالبِشرِ إذا لَقِيَهُ ، ويُوَسِّعُ لَهُ فِی المَجلِسِ إذا جَلَسَ إلَيهِ ، ويَدعوهُ بِأَحَبِّ الأَسماءِ إلَيهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما يُصفی لَکَ وُدَّ أخيکَ المُسلِمِ أن تَکونَ لَهُ فی غَيبَتِهِ أفضَلَ مِمّا تَکونُ لَهُ فی مَحضَرِهِ . (3)

الإمام علیّ عليه السلام : لا تَصفُو الخُلَّةُ مَعَ غَيرِ أديبٍ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إن أرَدتَ أن يَصفُوَ لَکَ وُدُّ أخيکَ فَلا تُمازِحَنَّهُ ، ولا تُمارِيَنَّهُ ، ولا تُباهِيَنَّهُ ، ولا تُشارَنَّهُ . (5)

3 / 8جَوامِعُ أسبابِ المَحَبَّةِ الإمام علیّ عليه السلام : إنَّ أحسَنَ ما يَألَفُ بِهِ النّاسُ قُلوبَ أوِدّائِهِم ونَفَوا بِهِ الضِّغنَ عَن قُلوبِ أعدائِهِم حُسنُ البِشرِ عِندَ لِقائِهِم ، وَالتَّفَقُّدُ فی غَيبَتِهِم ، وَالبَشاشَةُ بِهِم عِندَ حُضورِهِم . (6)

عنه عليه السلام : العَقلُ غِطاءٌ سَتيرٌ ، وَالفَضلُ جَمالٌ ظاهِرٌ ، فَاستُر خَلَلَ خُلقِکَ بِفَضلِکَ ، وقاتِل هَواکَ بِعَقلِکَ ، تَسلَم لَکَ المَوَدَّةُ ، وتَظهَر لَکَ المَحَبَّةُ . (7)

.

1- .المستدرک علی الصحيحين : 3 / 485 / 5815 ، المعجم الأوسط : 4/16/3496 عن شيبه الحجبی عن عمّه .
2- .الكافی : 2 / 643 / 3 عن السكونی عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 204 .
3- .فردوس الأخبار : 4 / 389 / 6658 عن ابن عمر ، تنزيه الشريعه المرفوعه : 2 / 189 وفيه «مما يصفی» .
4- .غرر الحكم : 10599 .
5- .تحف العقول : 312 ، بحار الأنوار : 78 / 291 / 2 .
6- .تحف العقول : 218 ، بحار الأنوار : 78 / 57 / 124 .

7- .الكافى : 1 / 20 / 13 عن سهل بن زياد رفعه .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، دوستی برادرت را برایت خالص و یکرنگ می سازد : در مجلس ، برایش جا بگشایی ؛ او را با محبوب ترین نام هایش بخوانی ؛ و هرگاه بیمار شد ، به عیادتش بروی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، دوستی انسان را برای برادر مسلمانش خالص و یکرنگ می سازد : هرگاه او را دید ، با گشاده رویی با او دیدار کند ؛ هرگاه در مجلسی کنارش نشست ، برایش جا بگشاید ؛ و او را با محبوب ترینِ نام هایش بخواند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : آنچه دوستیِ برادر مسلمانت را برایت خالص و یکرنگ می سازد ، آن است که در نبودش بیشتر پاس خاطر او را داشته باشی تا در حضورش .

امام علی علیه السلام : دوستی ، جز با شخص با ادب ، خالص نمی شود .

امام صادق علیه السلام : اگر می خواهی دوستی برادرت برایت خالص شود ، با او [زیاد]شوخی مکن ، بگو مگو منما ، بر او فخر مفروش و با او دشمنی مَوَرز .

3 / 8کلّیات موجبات دوستی امام علی علیه السلام : بهترین چیزهایی که مردم با آنها ، دل های دوستانشان را به دست می آورند و کینه ها را از دل های دشمنانشان می زدایند ، خوش رویی به هنگام دیدارشان است ، و پرسش حال آنها در هنگام نبودشان و گشاده رویی در حضورشان .

امام علی علیه السلام : عقل ، پرده پوش [کاستی ها]است و کمال ، زیبایی آشکار . پس کاستی های خوی خود را با کمالت بپوشان و با عقل خویش ، هوایت را از پای در آور ، تا دوستی تسلیمت گردد و محبّت ، برایت آشکار شود .

.

عنه علیه السلام : طَلاقَةُ الوَجهِ بِالبِشرِ ، وَالعَطِیَّهِ ، وفِعلِ البِرِّ ، وبَذلِ التَّحِیَّهِ ، داعٍ إلی مَحَبَّهِ البَرِیَّهِ . (1)

عنه علیه السلام : مَا استُجلِبَتِ المَحَبَّهُ بِمِثلِ السَّخاءِ ، وَالرِّفقِ ، وحُسنِ الخُلُقِ . (2)

عنه علیه السلام : ثَلاثٌ یوجِبنَ المَحَبَّهَ : حُسنُ الخُلُقِ ، وحُسنُ الرِّفقِ ، وَالتَّواضُعُ . (3)

الإمام الباقر علیه السلام: دَخَلَ مُحَمَّدُ بنُ شِهابٍ الزُّهرِیُّ عَلی عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ زَینِ العابِدینَ علیه السلامو هُوَ کَئیبٌ حَزینٌ ، فَقالَ لَهُ زَینُ العابِدینَ علیه السلام : ما بالُکَ مَغموما مَهموما ؟ قالَ : یَابنَ رَسولِ اللّهِ ، غُمومٌ وهُمومٌ تَتَوالی عَلَیَّ ؛ لِمَا امتُحِنتُ بِهِ مِن حُسّادِ نِعَمی وَ الطّامِعینَ فِیَّ و مِمَّن أرجوهُ ومِمَّن أحسَنتُ إلَیهِ ، فَتَخَلَّفَ ظَنّی . فَقالَ لَهُ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام : اِحفَظ عَلَیکَ لِسانَکَ ؛ تَملِک بِهِ إخوانَکَ . قالَ الزُّهرِیُّ : یَابنَ رَسولِ اللّهِ ، إنّی اُحسِنُ إلَیهِم بِما یُبذَرُ مِن کَلامی . قالَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام : هَیهاتَ ، إیّاکَ أن تُعجَبَ مِن نَفسِکَ بِذلِکَ، و إیّاکَ أن تَتَکَلَّمَ بِما یَسبِقُ إلَی القُلوبِ إنکارُهُ و إن کانَ عِندَکَ اعتِذارُهُ ؛ فَلَیسَ کُلُّ مَن تُسمِعُهُ نُکرا یُمکِنُکَ أن توسِعَهُ عُذرا . ثُمَّ قالَ : یا زُهرِیُّ ، مَن لَم یَکُن عَقلُهُ مِن أکمَلِ ما فیهِ کانَ هَلاکُهُ مِن أیسَرِ ما فیهِ . ثُمَّ قالَ : یا زُهرِیُّ ، أما عَلَیکَ أن تَجعَلَ المُسلِمینَ مِنکَ بِمَنزِلَهِ أهلِ بَیتِکَ ؛ فَتَجعَلَ کَبیرَهُم بِمَنزِلَهِ والِدِکَ ، و تَجعَلَ صَغیرَهُم بِمَنزِلَهِ وَلَدِکَ ، و تَجعَلَ تِربَکَ مِنهُم بِمَنزِلَهِ أخیکَ ! فَأیُّ هؤُلاءِ تُحِبُّ أن تَظلِمَ ؟ ! وأیُّ هؤُلاءِ تُحِبُّ أن تَدعُوَ عَلَیهِ ؟ ! وأیُّ هؤُلاءِ تُحِبُّ أن تَهتِکَ سِترَهُ ؟ ! فَإن عَرَضَ لَکَ إبلیسُ لَعَنَهُ اللّهُ بِأنَّ لَکَ فَضلاً عَلی أحَدٍ مِن أهلِ القِبلَهِ ، فَانظُر ؛ إن کانَ أکبَرَ مِنکَ فَقُل : قَد سَبَقَنی إلَی الإیمانِ وَ العَمَلِ الصّالِحِ فَهُوَ خَیرٌ مِنّی ، و إن کانَ أصغَرَ مِنکَ فَقُل : سَبَقتُهُ إلَی المَعاصی وَ الذُّنوبِ فَهُوَ خَیرٌ مِنّی ، و إن کانَ تِربَکَ فَقُل : أنَا عَلی یَقینٍ مِن ذَنبی و فی شَکٍّ مِن أمرِهِ فَما لی أدَعُ یَقینی لِشَکّی، وإن رَأیتَ المُسلِمینَ یُعَظِّمونَکَ و یُوَقِّرونَکَ و یُبَجِّلونَکَ فَقُل: هذا فَضلٌ أخَذوا بِهِ ، و إن رَأیتَ مِنهُم جَفاءً وَانقِباضا عَنکَ فَقُل : هذا ذَنبٌ أحدَثتُهُ ؛ فَإنَّکَ إذا فَعَلتَ ذلِکَ سَهُلَ عَلَیکَ عَیشُکَ ، و کَثُرَ أصدِقاؤُکَ ، و قَلَّ أعداؤُکَ ، و فَرِحتَ بِما یَکونُ مِن بِرِّهِم، و لَم تَأسَف علی ما یَکونُ مِن جَفائِهِم . وَ اعلَم أنَّ أکرَمَ النّاسِ عَلَی النّاسِ مَن کانَ خَیرُهُ عَلَیهِم فائِضا ، و کانَ عَنهُم مُستَغنِیا مُتَعَفِّفا . و أکرَمَ النّاسِ بَعدَهُ

عَلَيهِم مَن كانَ مُتَعَفِّفا و إن كانَ إلَيهِم مُحتاجا ؛ فَإِنَّما أهلُ الدُّنيا يَتَعَقَّبونَ الأَموالَ ، فَمَن لَم يَزدَحِمهُم فيما يَتَعَقَّبونَهُ كَرُمَ عَلَيهِم ، و مَن لَم يَزدَحِمهُم فيها و مَكَّنَهُم مِن بَعضِها كانَ أعَزَّ و أكرَمَ . (4)

.

1- .غرر الحكم : 6032 .
2- .غرر الحكم : 9561 .
3- .غرر الحكم : 4684 .
4- .تنبيه الخواطر: 2 / 93 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام : 25 / 8 ، بحار الأنوار: 71 / 229 / 6 .

امام علی علیه السلام : گشاده رویی و خوش رویی ، بخشش کردن ، نیکوکاری و سلام دادن [به همه] ، دوستی مردم را فراچنگ می آورد .

امام علی علیه السلام : دوستیْ با هیچ چیز همچون بخشندگی ، نرمی و خوش خویی به دست نمی آید .

امام علی علیه السلام : سه چیز عامل دوستی است : خوش خویی ، ملایمت نیکو و فروتنی .

امام باقر علیه السلام : محمّد بن شهاب زُهْری ، افسرده و اندوهگین بر امام سجاد (زین العابدین) علیه السلاموارد شد . حضرت به او فرمود : «چرا غمناک و اندوهگینی ؟» . گفت : ای پسر پیامبر خدا ! به محنت حسودان بر نعمت هایم و آزمندانِ به موقعیّتم گرفتار آمده ام و نیز این [محنت] که به کسی خوبی کرده و به خیرش امیدوار بودم و پندارم خطا بود ، و از این همه ، غم و اندوه پیاپی به سراغم می آید . حضرت سجّاد علیه السلام فرمود : «زبانت را از زیان زدن به خودت نگه دار تا مالک برادرانت شوی» . زُهْری گفت : ای پسر پیامبر خدا ! من با سخنانی که می پراکَنم ، به آنان خوبی می کنم [و بر دانش آنان می افزایم] . امام سجاد علیه السلامفرمود : «هیهات ! مبادا برای این کار ، دچار خودبینی شوی . مبادا چیزی بر زبان آوری که نادرستیِ آن زودتر بر دل ها نشیند ، گرچه عذر (توجیه) آن را داشته باشی ؛ زیرا هر آن کس که سخن نادُرستی را به او می شنوانی ، چنین نیست که بتوانی عذرت را نیز به او بقبولانی» . سپس فرمود : «ای زهری ! هرکه عقلش کامل ترین صفتش نباشد ، تباه شدنش آسان ترین ویژگی اش خواهد بود» . سپس فرمود : «ای زهری ! چه اشکالی دارد که مسلمانان را چون خانواده ات بشماری و بزرگشان را به منزلت پدر بدانی و کوچکشان را به منزلت فرزندت و همسالت را به منزلت برادرت ؟ حال به کدام یک از اینان دوست داری ستم کنی ؟ کدام یک از اینان را دوست داری نفرین کنی ؟ آبروی کدام یک از اینان را دوست داری بریزی ؟ اگر هم ابلیس که نفرین خدا بر او باد در تو این پندار را پدید آورد که تو بر یکی از اهل قبله برتری داری ، [اندکی درنگ کن و] بنگر . اگر آن شخص ، بزرگ تر از تو بود، [با خودت]بگو : پیش از من ایمان آورده و به عمل صالح پرداخته است . پس بهتر از من است`` . اگر کوچک تر از تو بود ، بگو : من پیش از او به گناهان و معصیت ها روی

آوردم . پس او بهتر از من است`` و اگر همسالت بود ، بگو : من نسبت به گناه خود ، یقین دارم و درباره او تنها شک دارم . پس چرا یقینم را بر اثر شک خود ، رها کنم ؟`` . اگر دیدی مسلمانان به تو حرمت می نهند ، بزرگت می شمارند و گرامی ات می دارند ، بگو : این فضیلتی است که آنان به چنگ آورده اند`` و اگر از آنان درشتی و رویگردانی از خودت را دیدی ، بگو : این به سبب گناهی است که از من سر زده است`` . در واقع ، اگر تو چنین کنی ، زندگی ات آسان می شود ، دوستانت فراوان می گردند ، دشمنانت اندک می شوند و از نیکی مردم ، شادمان می گردی و از درشتی و جفایشان اندوهگین نمی شوی . این را بدان که گرامی ترینِ مردم نزد آنان ، کسی است که خیرش به آنان برسد و خود از آنان بی نیاز باشد و از درخواست چیزی خودداری کند . پس از او ، گرامی ترینِ مردم نزدشان ، کسی است که از درخواست کردن خودداری کند ، گرچه بدانها نیازمند باشد . در حقیقت ، اهل دنیا اموال خود را به شدّت حفظ می کنند و هرکه مزاحم آنچه نگهش می دارند ، نشود ، نزدشان گرامی است و اگر مزاحم اموالشان نشود و حتّی بدانان چیزی از اموالش ببخشد ، عزیزتر و گرامی تر خواهد بود» .

.

ص: 142

. .

ص: 143

. .

الإمام الصادق عليه السلام : ثَلاثَهٌ تورِثُ المَحَبَّهَ : الدّينُ ، وَالتَّواضُعُ ، وَالبَذلُ . (1)

الإمام العسكرىّ عليه السلام : مَن كانَ الوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَالكَرَمُ طَبيعَتَهُ وَالحِلمُ خَلَّتَهُ ، كَثُرَ صَديقُهُ وَالثَّناءُ عَلَيهِ ، وَانتَصَرَ مِن أعدائِهِ بِحُسنِ الثَّناءِ عَلَيهِ . (2)

.

1- .تحف العقول : 316 ، غرر الحكم : 4678 وفيه «السخاء» بدل «البذل» ، بحار الأنوار : 78 / 229 / 4 .
2- .أعلام الدين : 314 ، بحار الأنوار : 78 / 379 / 4 .

امام صادق علیه السلام : سه چیز ، دوستی به بار می آورد : دینداری ، فروتنی و بخشش.

امام عسکری علیه السلام : هرکه پارسایئ خوی او ، کرمْ سرشت او و بردبارئ صفتش باشد ، دوستش زیاد و ستایشش بسیار گردد و در برابر دشمنانش ، ستایش نیکوی دیگران یاری اش می دهد .

.

الفصل الرابع: موانع المحبَّه4 / 1آفاتُ المَحَبَّهِأ خُبثُ السَّريرَهِ الإمام علىّ عليه السلام : إنَّما أنتُم إخوانٌ عَلى دينِ اللّهِ ، ما فَرَّقَ بَينَكُم إلاّ خُبثُ السَّرائِرِ وسوءُ الضَّمائِرِ ، فَلا تَوازَرونَ ، ولا تَناصَحونَ ، ولا تَباذَلونَ ، ولا تَوادّونَ . (1)

ب سوءُ الخُلُقِ الإمام علىّ عليه السلام : مَن ساءَ خُلُقُهُ قَلاهُ مُصاحِبُهُ و رَفيقُهُ . (2)

عنه عليه السلام : مَن ساءَ خُلُقُهُ أعوَزَهُ الصَّديقُ وَ الرَّفيقُ . (3)

عنه عليه السلام : مَن خَشُنَت عَريكَتُهُ أقفَرَت حاشِيَتُهُ . (4)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 113 .
2- .غرر الحكم : 8773 .
3- .غرر الحكم : 9187 .
4- .غرر الحكم : 8581 .

فصل چهارم : موانع دوستی

4 / 1 آفات دوستی

الف سرشت پلید

ب بدخویی

فصل چهارم : موانع دوستی4 / 1آفات دوستیالف سرشت پلید امام علی علیه السلام : شما در حقیقت ، برادران دینی یکدیگرید و جز سرشت های پلید و نهادهای بد ، میان شما جدایی نیفکنده است . در نتیجه ، نه یکدیگر را یاری می کنید ، و نه خیرخواه یکدیگرید ، و نه به یکدیگر چیزی می بخشید ، و نه با یکدیگر دوستی می کنید .

ب بدخویی امام علی علیه السلام : هرکه بدخو شود ، همنشین و رفیقش دشمنش می گردند .

امام علی علیه السلام : هرکه بدخو شود ، دوست و رفیقش نایاب می گردند .

امام علی علیه السلام : هرکه درشت خویی کند ، پیرامونش [از دوستان] تهی می گردد .

.

ج تَتَبُّعُ العُيوبِ الإمام علىّ عليه السلام : مَن تَتَبَّعَ خَفِيّاتِ العُيوبِ حَرَمَهُ اللّهُ مَوَدّاتِ القُلوبِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : لا تُفَتِّشِ النّاسَ ؛ فَتَبقى بِلا صَديقٍ . (2)

عنه عليه السلام لِأَبى بَصيرٍ : يا أبا مُحَمَّدٍ لا تُفَتِّشِ النّاسَ عَن أديانِهِم ؛ فَتَبقى بِلا صَديقٍ . (3)

عنه عليه السلام : مَن لَم يُؤاخِ إلاّ مَن لا عَيبَ فيهِ قَلَّ صَديقُهُ . (4)

عنه عليه السلام : لا تَطلُب مِنَ الدُّنيا أربَعَةً ؛ فَإِنَّکَ لا تَجِدُها و أنتَ لابُدَّ لَکَ مِنها : عالِما يَستَعمِلُ عِلمَهُ ؛ فَتَبقى بِلا عالِمٍ ، و عَمَلاً بِغَيرِ رِياءٍ ؛ فَتَبقى بِلا عَمَلٍ ، و طَعاما بِلا شُبهَةٍ ؛ فَتَبقى بِلا طَعامٍ ، و صَديقا بِلا عَيبٍ ؛ فَتَبقى بِلا صَديقٍ . (5)

د المُناقَشَه الإمام علىّ عليه السلام : مَن ناقَشَ الإِخوانَ قَلَّ صَديقُهُ . (6)

عنه عليه السلام : مَنِ استَقصى عَلى صَديقِهِ انقَطَعَت مَوَدَّتُهُ . (7)

عنه عليه السلام : مَن جانَبَ الإِخوانَ عَلى كُلِّ ذَنبٍ قَلَّ أصدِقاؤُهُ . (8)

.

1- .غرر الحكم : 8800 .
2- .الكافى : 2 / 651 / 2 عن أبى بصير .
3- .تحف العقول : 369 ، بحار الأنوار : 78 / 253 / 109 .
4- .أعلام الدين : 304 ، بحار الأنوار : 78 / 278 / 113 .
5- .جامع الأخبار : 510 / 1423 ، المواعظ العدديّه : 230 .
6- .غرر الحكم : 8772 .
7- .غرر الحكم : 8582 .
8- .غرر الحكم : 8166 .

ج عیبجویی

د خرده گیری

ج عیبجویی امام علی علیه السلام : هرکه عیب های نهانی را بکاود ، خداوند از دوستی دل ها محرومش می کند .

امام صادق علیه السلام : نهان مردم را مکاو ، که بی دوست می مانی .

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر : ای ابو محمّد! از دینِ مردمان بازجویی مکن ، که بی دوست می مانی .

امام صادق علیه السلام : هرکه تنها با افراد بی عیب برادری کند ، دوستانش اندک شوند .

امام صادق علیه السلام : در دنیا جویای چهار چیز مباش که آنها را نخواهی یافت ، حال آن که به آنها نیازمندی : عالمی که علم خود را به کار بندد ، پس بی عالم می مانی ؛ عملی پاک از ریاکاری ، که در این صورت ، بی عمل می مانی ؛ غذایی دور از شبهه [حُرمت] ، که بی غذا می مانی ؛ و دوستی بی عیب ، که بی دوست می مانی .

د خرده گیری امام علی علیه السلام : هرکه در کار برادرانش خرده گیری کند ، دوستانش کم می شوند.

امام علی علیه السلام : هرکه بر دوستش خرده گیری کند [و بخواهد مو را از ماست بکشد]، دوستی اش گسسته می شود .

امام علی علیه السلام : آن که بر اثر هر گناهی از برادرانش کناره گیری کند ، دوستانش کم می شوند .

.

ه المِراء الإمام علىّ عليه السلام : لا مَحَبَّةَ مَعَ مِراءٍ . (1)

عنه عليه السلام : لا مَحَبَّةَ مَعَ كَثرَهِ مِراءٍ . (2)

و السَّفَه الإمام علىّ عليه السلام : إيّاكَ وَ السَّفَهَ ؛ فَإِنَّهُ يوحِشُ الرِّفاقَ . (3)

ز الاِحتِشام الإمام علىّ عليه السلام : إذَا احتَشَمَ المُؤمِنُ أخاهُ فَقَدَ فارَقَهُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنِ احتَشَمَ أخاهُ حَرُمَت وُ صلَتُهُ ، و مَنِ اغتَمَّهُ سَقَطَت حُرمَتُهُ . (5)

عنه عليه السلام : إذا قالَ الرَّجُلُ لِأَخيهِ المُؤمِنِ : اُفٍّ، خَرَجَ مِن وِلايَتِهِ . (6)

ح الشُّحّ الإمام علىّ عليه السلام : زِيادَهُ الشُّحِّ تَشينُ الفُتُوَّهَ ، و تُفسِدُ الأُخُوَّهَ . (7)

عنه عليه السلام : لَيسَ لِشَحيحٍ رَفيقٌ . (8)

.

1- .المناقب للخوارزمى : 375 / 395 ، مائه كلمه : 36 / 20 ، الإعجاز والإيجاز للثعالبى : 37 .
2- .غرر الحكم : 10532 .
3- .غرر الحكم : 2655 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 480 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 126 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 251 / 488 .
5- .تحف العقول : 370 ، بحار الأنوار : 78 / 254 / 118.
6- .الكافى : 2 / 361 / 8 و ج 8 / 365 / 556 ، المؤمن : 72 / 198 ، المحاسن : 1 / 184 / 297 ، مشكاه الأنوار: 103 عن الإمام الباقر عليه السلام وكلّها عن أبى حمزه الثمالى، بحار الأنوار: 75 / 146 / 16 و ص 166 / 38 .
7- .غرر الحكم : 5508 .
8- .غرر الحكم : 7465 .

ه ستیزه گری

و سبکسری

ز خجالت دادن

ح تنگ چشمی

ه ستیزه گری امام علی علیه السلام : با ستیزه گری ، دوستی ای در کار نیست .

امام علی علیه السلام : با ستیزه گریِ بسیار ، دوستی ای در کار نیست .

و سبکسری امام علی علیه السلام : از سبکسری بپرهیز که دوستان را می رماند .

ز خجالت دادن امام علی علیه السلام : هرگاه شخص مؤمن ، برادرش را خجالت دهد (1) ، از او جدا شده است.

امام صادق علیه السلام : هرکه برادرش را خجالت دهد ، پیوند با او نارواست و هرکه غمگینش سازد ، حرمتش شکسته است .

امام صادق علیه السلام : هرگاه شخص [از سر تنگ دلی و درد] به برادر مؤمنش اُف بگوید ، از [حریم]دوستی اش بیرون می رود .

ح تنگ چشمی امام علی علیه السلام : تنگ چشمیِ بسیار ، جوان مردی را زشت و برادری را تباه می کند .

امام علی علیه السلام : شخص تنگ چشم ، دوستی ندارد .

.

1- .در متن روایت واژه «احتشام» به کار رفته ، این واژه در لغت به معنای خجالت دادن و نیز عصبانی کردن آمده است که مترجم ، معنای اوّل را انتخاب کرده است .

عنه عليه السلام : لَيسَ لِبَخيلٍ حَبيبٌ . (1)

ط العُسر الإمام علىّ عليه السلام : العُسرُ يَشينُ الأَخلاقَ ، و يوحِشُ الرِّفاقَ . (2)

ى المَلَل الإمام علىّ عليه السلام : المَلَلُ يُفسِدُ الاُخُوَّةَ . (3)

عنه عليه السلام : لا اُخُوَّةَ لِمَلولٍ . (4)

عنه عليه السلام : لا خُلَّةَ لِمَلولٍ . (5)

عنه عليه السلام كانَ يَقولُ : لا راحَةَ لِحَسودٍ ، و لا مَوَدَّةَ لِمَلولٍ . (6)

عنه عليه السلام : قَلَّما تَنجَحُ حيلَةُ العَجولِ ، أو تَدومُ مَوَدَّةُ المَلولِ . (7)

الإمام الصادق عليه السلام : لا تُشاوِر أحمَقَ ، و لا تَستَعِن بِكَذّابٍ ، و لا تَثِق بِمَوَدَّةِ مَلولٍ ؛ فَإِنَّ . . . المَلولَ أوثَقَ ما كُنتَ بِهِ خَذَلَكَ ، و أوصَلَ ما كُنتَ لَهُ قَطَعَكَ . (8)

ک الكِبر الإمام علىّ عليه السلام : لَيسَ لِمُتَكَبِّرٍ صَديقٌ . (9)

.

1- .غرر الحكم : 7473 .
2- .غرر الحكم : 1599 .
3- .غرر الحكم : 1108 .
4- .غرر الحكم : 10437 .
5- .غرر الحكم : 10443 .
6- .الإرشاد : 1 / 303 ، تحف العقول : 215 وفيه «لا عيش» بدل «لا راحه» ، كنز الفوائد : 1 / 137 .
7- .غرر الحكم : 6741 .
8- .تحف العقول : 316 .
9- .غرر الحكم : 7464 .

ط پریشانی

ی افسردگی

ک تکبّر

امام علی علیه السلام : شخص تنگ چشم ، یاری ندارد .

ر . ک : ص 223 (بُخل) .

ط پریشانی امام علی علیه السلام : پریشانی ، خوی ها را زشت می کند و دوستان را می پراکند .

ی افسردگی امام علی علیه السلام : افسردگی ، برادری را تباه می کند .

امام علی علیه السلام : شخص افسرده ، هیچ برادری ندارد .

امام علی علیه السلام : شخص افسرده ، هیچ دوستی ندارد .

امام علی علیه السلام پیوسته می فرمود : هیچ حسودی ، آرامش و هیچ افسرده دلی ، دوستی ندارد .

امام علی علیه السلام : کمتر می شود که چاره گریِ شخص شتابزده ، به نتیجه رسد ، یا دوستیِ افسرده دل ، بپاید .

امام صادق علیه السلام : با هیچ احمقی مشورت مکن ، از هیچ دروغگویی یاری مخواه و به دوستی هیچ افسرده دلی ، اعتماد مکن ؛ زیرا ... افسرده دل ، زمانی که بیشترین اتکا را به او داشته باشی ، تو را وامی گذارد و هنگامی که بیشترین پیوند را با او داری ، از تو می بُرَد .

ک تکبّر امام علی علیه السلام : هیچ متکبّری ، دوستی ندارد .

.

عنه علیه السلام : مَنِ استَطالَ عَلی الإِخوانِ لَم یَخلُص لَهُ إنسانٌ . (1)

ل الجَفاء الإمام علیّ علیه السلام : الجَفاءُ یُفسِدُ الإِخاءَ . (2)

عنه علیه السلام : إیّاکَ وَ الجَفاءَ ؛ فَإِنَّهُ یُفسِدُ الإِخاءَ ، و یُمَقِّتُ إلَی اللّه ِ وَ النّاسِ . (3)

عنه علیه السلام : لا تَطلُبَنَّ الإِخاءَ عِندَ أهلِ الجَفاءِ ، وَ اطلُبهُ عِندَ أهلِ الحِفاظِ وَالوَفاءِ . (4)

م الحِقد الإمام علیّ علیه السلام : لا مَوَدَّهَ لِحَقودٍ . (5)

عنه علیه السلام : لَیسَ لِحَقودٍ أُخُوَّهٌ . (6)

ن الحَسَد الإمام علیّ علیه السلام : الحَسودُ لا خُلَّهُ لَهُ . (7)

عنه علیه السلام : حَسَدُ الصَّدیقِ مِن سُقمِ المَوَدَّهِ . (8)

س الغَدر الإمام علیّ علیه السلام : لا تَدومُ مَعَ الغَدرِ صُحبَهُ خَلیلٍ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 8393 .
2- .غرر الحکم : 562 .
3- .غرر الحکم : 2662 .
4- .غرر الحکم : 10421 .
5- .غرر الحکم : 10436 .
6- .غرر الحکم : 7483 .
7- .غرر الحکم : 886 .
8- .نهج البلاغه : الحکمه 218 ، غرر الحکم : 4928 ، بحار الأنوار : 74 / 163 / 28 .
9- .غرر الحکم : 10601 .

ل جفاکاری

م کینه توزی

ن حسادت

س نیرنگبازی

امام علی علیه السلام : هرکه بر برادرانْ بزرگی فروشد ، هیچ انسانی با او صمیمی نخواهد شد .

ل جفاکاری امام علی علیه السلام : جفاکاری ، برادری را تباه می کند .

امام علی علیه السلام : از جفاکاری بپرهیز ، که برادری را تباه می کند و [جفاکار را]منفور خدا و مردم می سازد .

امام علی علیه السلام : برادری را نزد جفاکاران مجوی . آن را نزد پایبندان (جوان مردان) و وفاداران بجوی .

م کینه توزی امام علی علیه السلام : هیچ کینه توزی را دوستی نیست .

امام علی علیه السلام : هیچ کینه توزی را برادری نیست .

ن حسادت امام علی علیه السلام : حسود را دوستی نیست .

امام علی علیه السلام : حسادتِ دوست ، ناشی از نادرستی دوستی است .

س نیرنگبازی امام علی علیه السلام : با نیرنگبازی ، دوستیِ هیچ دوستی نمی پاید .

ر . ک : ص 223 (فریفتن) .

.

ع الاِستِهزاء الإمام الصادق عليه السلام : لا يَطمَعَنَّ ذُو الكِبرِ فِى الثَّناءِ الحَسَنِ . . . و لاَ المُستَهزِئُ بِالنّاسِ فى صِدقِ المَوَدَّهِ . (1)

ف الذَّنب رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَ الَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ، ما تَوادَّ اثنانِ فَفُرِّقَ بَينَهُما إلاّ بِذَنبٍ يُحدِثُهُ أَحَدُهُما . (2)

ص طاعَهُ الواشى الإمام علىّ عليه السلام : مَن أطاعَ الواشِىَ ضَيَّعَ الصَّديقَ . (3)

ق كَثرَهُ التَّقريعِ الإمام علىّ عليه السلام : كَثرَهُ التَّقريعِ توغِرُ القُلوبَ ، و توحِشُ الأَصحابَ . (4)

ر تَركُ التَّعاهُدِ الإمام علىّ عليه السلام : تَركُ التَّعاهُدِ لِلصَّديقِ داعِيَهُ القَطيعَهِ . (5)

عنه عليه السلام : مَن لَم يَتَعاهَد مُوادِدَهُ فَقَد ضَيَّعَ الصَّديقَ . (6)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : الفَضلُ مِن كَرَمِ الطَّبيعَهِ وَالمَنُّ مَفسَدَهُ الصَّنيعَه تَركُ التَّعاهُدِ لِلصَّديق يَكونُ داعِيَهَ القطَيعَه (7)

ش عَدَمُ الإِنصافِ .

1- .الخصال : 434 / 20 عن يحيى بن عمران الحلبى ، بحار الأنوار : 72 / 190 / 1 .
2- .مسند ابن حنبل : 2 / 348 / 5357 عن ابن عمر ، الأدب المفرد : 126 / 401 عن أنس ، الزهد لابن المبارک : 251 / 719 عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : 9 / 5 / 24652 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 239 ، بحار الأنوار : 73 / 160 / 7 .
4- .غرر الحكم : 7112 .
5- .الإرشاد : 1 / 303 ، بحار الأنوار : 77 / 421 / 40 .
6- .غرر الحكم : 8550 .
7- .الديوان المنسوب إلى الإمام على عليه السلام : 256 ، تاريخ دمشق : 42 / 529 عن محمّد بن علىّ بن عبيداللّه وفيه «الصبر» بدل «الفضل» مع زياده بيتين .

ع دست انداختن

ف گناه

ص پیروی از سخن چین

ق سرزنش بسیار

ر جویا نشدن حال

ع دست انداختن امام صادق علیه السلام : شخص متکبّر ، نباید امید نیک ستایی را از دیگران داشته باشد ... ؛ همچنین کسی که مردم را دست می اندازد ، نباید انتظار دوستی راستین داشته باشد .

ف گناه رسول خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، هرگز دو دوست از یکدیگر جدا نشده اند ، مگر بر اثر گناهی که از یکی از آنان سر زده است .

ص پیروی از سخن چین امام علی علیه السلام : هرکه از سخن چین پیروی کند ، دوست را از دست می دهد .

ق سرزنش بسیار امام علی علیه السلام : سرزنش بسیار ، دل ها را کینه ور می کند و یاران را می پراکند .

ر جویا نشدن حال امام علی علیه السلام : جویا نشدن حال دوست ، به جدایی می انجامد .

امام علی علیه السلام : هرکه جویای حال دوستش نشود ، دوستش را از دست داده است.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : فضل و کمال ، از بزرگواری سرشت است / و منّت گذاشتن ، نیکوکاری را تباه می کند . جویا نشدن حال دوست / به جدایی فرا می خواند .

.

الإمام علىّ عليه السلام : مَن عُدِمَ إنصافُهُ لَم يُصحَب . (1)

ت مَنعُ الخَيرِ الإمام علىّ عليه السلام : مَنعُ خَيرِكَ يَدعو إلى صُحبَهِ غَيرِكَ . (2)

4 / 2جَوامِعُ آفاتِ المَحَبَّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وَ الظَّنَّ ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أكذَبُ الحَديثِ ، و لا تَحَسَّسوا ، و لا تَجَسَّسوا ، و لا تَناجَشوا ، و لا تَحاسَدوا ، و لا تَباغَضوا ، و لا تَدابَروا ، و كونوا عِبادَ اللّهِ إخوانا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وَ الظَّنَّ ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أكذَبُ الكَذِبِ ، و كونوا إخوانا فِى اللّهِ كَما أمَرَكُمُ اللّهُ ؛ لا تَتَنافَروا ، و لا تَجَسَّسوا ، و لا تَتَفاحَشوا ، و لا يَغتَب بَعضُكُم بَعضا ، و لا تَتَنازَعوا ، و لا تَتَباغَضوا ، و لا تَتَدابَروا ، و لا تَتَحاسَدوا ؛ فَإِنَّ الحَسَدَ يَأكُلُ الإِيمانَ كَما تَأكُلُ النّارُ الحَطَبَ اليابِسَ . (4)

.

1- .غرر الحكم : 8114 .
2- .غرر الحكم : 9783 .
3- .صحيح البخارى: 5/2254/5719 وص1976/4849وص2253/5717 ، صحيح مسلم:4/1985/2563، مسند ابن حنبل : 3 / 600 / 10706 و ص 504 / 10084 ، مسند الطيالسى : 330 / 2533 ، السنن الكبرى : 6 / 140 / 11457 كلّها عن أبى هريره نحوه ، وراجع سنن الترمذى : 4 / 329 / 1935 و ص 356 / 1988 ، سنن أبى داود : 4 / 280 / 4917 .
4- .قرب الإسناد : 29 / 94 عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 75 / 252 / 28 .

ص: 159

ش بی انصافی

ت خیر نرساندن

4 / 2 کلیاتِ آفات دوستی

ش بی انصافی امام علی علیه السلام : هرکه بی انصافی کند ، کسی با او دوست نمی شود .

ت خیر نرساندن امام علی علیه السلام : نرسیدن خیرت [به دوستان] ، به دوستی [آنان] با دیگران می انجامد .

4 / 2کلیاتِ آفات دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله : از گمان بپرهیزید ، که گمان ، دروغ ترین سخن است . خبرگیری و تجسّس مکنید، بر یکدیگر فزونی مجویید،بر یکدیگر حسد مورزید،با یکدیگر دشمنی و ستیزه مکنید و از یکدیگر مبُرید . بندگان خدا و برادر باشید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از گمان بپرهیزید ، که گمان ، دروغ ترین دروغ است و همان گونه که خدا به شما فرمان داده است ، برادران خدایی باشید . از یکدیگر دوری مجویید ، [در کار دیگران] تجسّس مکنید ، به همدیگر بدی مکنید ، از یکدیگر غیبت مکنید ، با یکدیگر نزاع مکنید ، با یکدیگر دشمنی مکنید ، از یکدیگر مبُرید و به یکدیگر حسادت مورزید که حسادت ، همان گونه که آتش ، چوب خشک را می سوزاند ، ایمان را می سوزاند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحبَبتَ رَجُلاً فَلا تُمارِهِ ، و لا تُجارِهِ ، و لا تُشارِهِ ، و لا تَسأَل عَنهُ ؛ فَعَسى أن تُوافِقَ لَهُ عَدُوّا فَيُخبِرَکَ بِما لَيسَ فيهِ ، فَيُفَرِّقَ ما بَينَکَ و بَينَهُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : إيّاکَ وَ العُجبَ و سوءَ الخُلُقِ و قِلَّةَ الصَّبرِ ؛ فَإِنَّهُ لا يَستَقيمُ لَکَ عَلى هذِهِ الخِصالِ الثَّلاثِ صاحِبٌ ، و لا يَزالُ لَکَ عَلَيها مِنَ النّاسِ مُجانِبٌ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : إذا قالَ الرَّجُلُ لِأَخيهِ : اُفٍّ ، اِنقَطَعَ ما بَينَهُما مِنَ الوِلايَهِ ، و إذا قالَ : أنتَ عَدُوّى ، کَفَرَ أَحَدُهُما ، فَإِذَا اتَّهَمَهُ انماثَ الإِيمانُ فى قَلبِهِ کَما يَنماثُ المِلحُ فِى الماءِ . (3)

.

1- .حليه الأولياء : 5 / 136 ، عمل اليوم والليله لابن السنّى : 75 / 200 ، الفردوس : 1 / 279 / 1090 وفيه «لا تحادّه ولا تشادّه» بدل «لا تجاره ولا تشارّه» وكلّها عن معاذ بن جبل .
2- .الخصال : 147 / 178 عن حمّاد بن عيسى عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 72 / 315 / 16 و 74 / 175 / 6 .
3- .الكافى : 2 / 170 / 5 عن إبراهيم بن عمر اليمانى ، الخصال : 623 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «كافر» بدل «عدوّى» ، المؤمن : 67 / 175 ، تحف العقول : 114 عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيها «من الولايه» ، الاختصاص : 28 نحوه ، مشكاه الأنوار : 105 وليس فيه «وإذا قال أنت عدوّى كفر أحدهما» وفيه «اهنته» بدل «اتهمه» و ص 319 وفيه ذيله فقط.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه با کسی دوست شدی ، با او نزاع ، رقابت و خصومت مکن (1) و درباره اش [از دیگران]پرسش منما . چه بسا که در این راه ، با دشمن او برخورد کردی و او درباره اش چیزی برایت گفت که در او نیست و بدین ترتیب ، میان شما جدایی افکند .

امام علی علیه السلام : از خودپسندی ، بدخویی و کم صبری بپرهیز ؛ زیرا با این خصلت های سه گانه ، هیچ دوستی ای برایت راست نمی آید و همواره ، مردم از تو کناره می گیرند .

إمام صادق علیه السلام : هرگاه کسی به برادرش [از سر دل تنگی و درد] اُف بگوید ، دوستی میان آنها گسسته می شود و اگر بگوید :« تو دشمن منی» ، یکی از آن دو کافر شده است ، و هر گاه به او تهمتی بزند ، (2) ایمان در دلش چنان آب می شود که نمک در آب ، ذوب می شود .

.

1- .در نسخه ای : با او لجاجت و سختگیری مکن .
2- .در نسخه ای : به او اهانتی کند .

الفصل الخامس : اختيار الحبيب5 / 1أهَميّةُ اِنتِخابِ الخَليل رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المَرءُ عَلى دينِ خَليلِهِ و قَرينِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : الرَّجُلُ على دينِ خَليلِهِ ، فَليَنظُر أحَدُكُم مَن يُخالِلُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : اِعتَبِرُوا الأَرضَ بِأَسمائِها ، وَ اعتَبِرُوا الصَّاحِبَ بِالصّاحِبِ . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 375 / 3 و ص 642 / 10 كلاهما عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 201 / 40 ؛ مسند الشهاب : 1 / 141 / 127 وليس فيه «قرينه» .
2- .سنن أبى داود: 4/259/4833 ، سنن الترمذى: 4/589/2378 ، مسند ابن حنبل : 3/233/8425 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 188 / 7319 ، مسند إسحاق بن راهويه : 1 / 352 / 351 ، تاريخ بغداد : 4 / 115 / 1777 ، الفردوس : 4 / 218 / 6660 وفيه «المؤمن» بدل «الرجل» ، العلل المتناهيه : 2 / 236 / 1207 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 9 / 21 / 24732 و ص 30 / 24777 ؛ الأمالى للطوسى : 518 / 1135 عن المجاشعى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأحاديث للقمّى : 78 نحوه وفيه «دين المرء . . . فليتق المرء ولينظر . . .» ، بحار الأنوار : 74 / 192 / 12 .
3- .الجامع الصغير : 1 / 172 / 1136 نقلاً عن ابن عدى فى الكامل عن ابن مسعود والبيهقى فى شُعب الإيمان عنه موقوفا ، كنز العمّال : 11 / 89 / 30734 .

فصل پنجم : گزینش دوست

5 / 1 اهمیّت گزینش دوست

فصل پنجم : گزینش دوست5 / 1اهمیّت گزینش دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله : انسان ، به دینِ دوست و همنشین خویش است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : انسان ، به دین دوستش است . پس هریک از شما باید بنگرد که با چه کسی دوستی می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سرزمین را به نام هایش بسنجید ، و دوست را به دوست .

.

عنه صلى الله عليه و آله : اِختَبِرُوا النّاسَ بِأَخدانِهِم ؛ فَإِنَّما يُخادِنُ الرَّجُلَ مَن يُعجِبُهُ نَحوُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : اِختَبِرُوا النّاسَ ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ يُجاذِبُ مَن يُعجِبُهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : مُجالَسَةُ الأَشرارِ تورِثُ سوءَ الظَّنِّ بِالأَخيارِ ، و مُجالَسَةُ الأَخيارِ تُلحِقُ الأَشرارَ بِالأَخيارِ ، و مُجالَسَةُ الفُجّارِ لِلأَبرارِ تُلحِقُ الفُجّارَ بِالأَبرارِ ، فَمَنِ اشتَبَهَ عَلَيكُم أمرُهُ و لَم تَعرِفوا دينَهُ فَانظُروا إلى خُلَطائِهِ ؛ فَإن كانوا أهلَ دينِ اللّهِ فَهُوَ عَلى دينِ اللّهِ ، و إن كانوا عَلى غَيرِ دينِ اللّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِن دينِ اللّهِ . (3)

عنه عليه السلام : قَرينُ المَرءِ دَليلُ دينِهِ . (4)

عنه عليه السلام : رَفيقُ المَرءِ دَليلُ عَقلِهِ . (5)

عنه عليه السلام : خَليلُ المَرءِ دَليلُ عَقلِهِ . (6)

كنزالفوائد : رُوِىَ أنَّ سُلَيمانَ عليه السلام قالَ : لا تَحكُموا عَلى رَجُلٍ بِشَىءٍ حَتّى تَنظُروا مَن يُصاحِبُ ؛ فَإِنَّما يُعرَفُ الرَّجُلُ بِأَشكالِهِ و أقرانِهِ ، و يُنسَبُ إلى أصحابِهِ وإخوانِهِ . (7)

.

1- .تنبيه الخواطر : 2 / 249 .
2- .الاختصاص : 366 .
3- .صفات الشيعه : 84 / 9 عن محمّد بن قيس عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 74 / 197 /31 .
4- .المواعظ العدديّه : 60 .
5- .المواعظ العدديّه : 56 .
6- .المواعظ العدديّه : 55 .
7- .كنز الفوائد : 1 / 98 ، بحار الأنوار : 74 / 188 / 17 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مردم را با دوستانشان بیازمایید ؛ زیرا که انسان [از نظر اخلاقی و عملی] ، مجذوب کسی می شود که از او خوشش می آید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مردم را بیازمایید ؛ زیرا انسان [از نظر اخلاقی و عملی] ، مجذوب کسی می شود که از او خوشش می آید .

امام علی علیه السلام : همنشینی با بدکاران ، بدبینی به نیکان را پدید می آورد و همنشینی با نیکان ، بدکاران را به نیکان می پیوندد . لذا هرگاه موقعیّت کسی بر شما مبهم گشت و دین او را نشناختید ، به معاشرانش بنگرید . اگر اهل دین خدا بودند ، او نیز پیرو دین خداست و اگر پیرو دین خدا نبودند ، او را نیز از دین خدا بهره ای نیست .

امام علی علیه السلام : همنشین انسان ، نشانه دین اوست .

امام علی علیه السلام : رفیقِ انسان ، نشانه عقل اوست .

امام علی علیه السلام : دوستِ انسان ، نشانه عقل اوست .

کنزالفوائد : نقل می کنند که سلیمان علیه السلامفرمود : درباره هیچ کس داوری مکنید ، تا آن که ببینید با چه کسانی مصاحبت می کند ؛ زیرا انسان به وسیله یاران و همالانش (اقرانش) شناخته می گردد و به دوستان و برادرانش نسبت داده می شود .

.

5 / 2اِختِبارُ الأَحِبّاءِ الإمام علىّ عليه السلام : لا تَرغَبَنَّ فى مَوَدَّهِ مَن لَم تَكشِفهُ . (1)

عنه عليه السلام : لا تَثِق بِالصَّديقِ قَبلَ الخُبرَهِ . (2)

عنه عليه السلام : قَدِّمِ الاِختِبارَ فِى اتِّخاذِ الإِخوانِ ؛ فَإِنَّ الاِختِبارَ مِعيارٌ يَفرُقُ بَينَ الأَخيارِ وَ الأَشرارِ . (3)

عنه عليه السلام : مَنِ اتَّخَذَ أخا بَعدَ حُسنِ الاِختِبارِ دامَت صُحبَتُهُ ، و تَأَكَّدَت مَوَدَّتُهُ . (4)

عنه عليه السلام : مَن لَم يُقَدِّم فِى اتِّخاذِ الإِخوانِ الاِعتِبارَ دَفَعَهُ الاِغتِرارُ إلى صُحبَهِ الفُجّارِ . (5)

عنه عليه السلام : مَنِ اتَّخَذَ أخا مِن غَيرِ اختِبارٍ ألجَأَهُ الاِضطِرارُ إلى مُرافَقَهِ الأَشرارِ . (6)

عنه عليه السلام : قَدِّمِ الاِختِبارَ ، وأجِدِ الاِستِظهارَ فِى اختِيارِ الإِخوانِ ، و إلاّ ألجَأكَ الاِضطِرارُ إلى مُقارَنَهِ الأشرارِ . (7)

عنه عليه السلام : مَن قَلَّبَ الإِخوانَ عَرَفَ جَواهِرَ الرِّجالِ . (8)

.

1- .غرر الحكم : 10167 .
2- .غرر الحكم : 10257 .
3- .غرر الحكم : 6810 .
4- .غرر الحكم : 8921 .
5- .غرر الحكم : 8922 .
6- .غرر الحكم : 8923 .
7- .غرر الحكم : 6811 .
8- .كنز الفوائد : 1 / 93 .

5 / 2آزمودن دوستان امام علی علیه السلام : در دوستی کسی که به درونش پی نبرده ای ، رغبت مکن .

امام علی علیه السلام : پیش از آزمون ، به دوست ، اعتماد مکن .

امام علی علیه السلام : در برادر [و دوست] گرفتن ، آزمودن را مقدّم دار ؛ زیرا آزمودن ، معیار جدا سازِ میان نیکان و بدان است .

امام علی علیه السلام : هر کس پس از نیک آزمودن ، برادری برگیرد ، مصاحبتش می پاید و دوستی اش استوار می گردد .

امام علی علیه السلام : هر کس در انتخاب برادران ، ارزیابی را مقدّم ندارد ، فریب خوردگی ، او را به مصاحبت با بدکاران می کشاند .

امام علی علیه السلام : هرکه بی آزمودن ، برادری برگیرد ، بیچارگی او را به رفاقت با بدان ، ناگزیر می کند .

امام علی علیه السلام : در گزینش برادران ، آزمودن را مقدّم دار و نیک احتیاط کن ، و گرنه بیچارگی ، تو را به همراهی با بدان ، ناگزیر می کند .

امام علی علیه السلام : هرکه برادران را [در آزمودن]زیر و رو کند ، گوهر کسان را خواهد شناخت .

.

عنه علیه السلام : لا تَأمَن صَدیقَکَ حَتّی تَختَبِرَهُ ، و کُن مِن عَدُوِّکَ عَلی أشَدِّ الحَذَرِ . (1)

عنه علیه السلام : مَنِ اطمَأَنَّ قَبلَ الاِختِبارِ نَدِمَ . (2)

عنه علیه السلام : الطُّمَأنینَهُ إلی کُلِّ أحَدٍ قَبلَ الاِختِبارِ لَهُ عَجزٌ . (3)

الإمام الجواد علیه السلام : مَنِ انقادَ إلَی الطُمَأنینَهِ قَبلَ الخُبرَهِ فَقَد عَرَّضَ نَفسَهُ لِلهَلَکَهِ ، ولِلعاقِبَهِ المُتعِبَهِ . (4)

5 / 3ما یُختَبَرُ بِهِ الأَصدِقاءُ الإمام علیٌّ علیه السلام : لا یُعرَفُ النّاسُ إلاّ بِالاِختِبارِ ، فَاختَبِر أهلَکَ ووُلدَکَ فی غَیبَتِکَ ، وصَدیقَکَ فی مُصیبَتِکَ ، وذَا القَرابَهِ عِندَ فاقَتِکَ ، وذَا التَّوَدُّدِ وَالمَلَقِ عِندَ عُطلَتِکَ ؛ لِتَعلَمَ بِذلِکَ مَنزِلَتَکَ مِنهُم . (5)

عنه علیه السلام : عِندَ زَوالِ القُدرَهِ یَتَبَیَّنُ الصَّدیقُ مِنَ العَدُوِّ . (6)

عنه علیه السلام : فِی الشِّدَّهِ یُختَبَرُ الصَّدیقُ . (7)

عنه علیه السلام : کَفی بِالصُّحبَهِ اختِبارا . (8)

.

1- .غرر الحکم : 10301 .
2- .غرر الحکم : 9178 .
3- .نهج البلاغه : الحکمه 384 ، تنبیه الخواطر : 2 / 297 ، بحار الأنوار : 71 / 190 / 56 .
4- .الدرّه الباهره : 39 ، أعلام الدین : 309 ، بحار الأنوار : 71 / 340 / 13 .
5- .مطالب السؤول : 56 ؛ بحار الأنوار : 78 / 10 / 67 .
6- .غرر الحکم : 6214 .
7- .غرر الحکم : 6472 .
8- .غرر الحکم : 7034 .

امام علی علیه السلام : از دوستت ایمن مباش ، تا آن که او را بیازمایی ، و از دشمن خود ، سخت بپرهیز .

امام علی علیه السلام : هر که پیش از آزمودنِ [کسی ، به او] اطمینان کند ، پشیمان می شود .

امام علی علیه السلام : اطمینان به هرکس ، پیش از آزمودنش [نشانه]درماندگی است .

امام جواد علیه السلام : هرکه پیش از آزمودنِ [کسی] تسلیم اطمینان شود ، خود را در معرض هلاکت و عاقبت رنج آلود ، قرار داده است .

5 / 3آنچه دوستان را بدان آزمایند امام علی علیه السلام : مردم ، جز با آزمودن ، شناخته نمی شوند . پس خانواده و فرزندانت را هنگام نبودت ، دوستت را هنگام مصیبتت ، خویشانت را به هنگام ناداری ات ، و دوستان و مدّعیان دوستی را به هنگام بیکاری ات ، بیازمای تا با آن ، منزلت خود را نزد آنان بدانی .

امام علی علیه السلام : به وقت از دست رفتن توانایی ، دوست از دشمنْ پدیدار می شود .

امام علی علیه السلام : دوست ، در سختی ، آزموده می شود .

امام علی علیه السلام : برای آزمودن [دوستان] ، همین بس که همراه شوی .

.

عنه علیه السلام : اِصحَب تَختَبِر . (1)

عنه علیه السلام : سِتَّهٌ تُختَبَرُ بِها عُقولُ الرِّجالِ : المُصاحَبَهُ ، وَ المُعامَلَهُ ، وَ الوِلایَهُ ، وَ العَزلُ ، وَ الغِنی ، وَ الفَقرُ . (2)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : إذا أرَدتَ أن تُصادِقَ رَجُلاً فَانظُر مَن عُدُوُّه . (3)

عنه علیه السلام أیضا : إذا أرَدتَ أن تُصادِقَ رَجُلاً فَأَغضِبهُ ، فَإِن أنصَفَکَ فی غَضَبِهِ ، و إلاّ فَدَعهُ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام : لا تَعتَدَّ بِمَوَدَّهِ أحَدٍ حَتّی تُغضِبَهُ ثَلاثَ مَرّاتٍ . (5)

عنه علیه السلام : لا تَسِم الرَّجُلَ صَدیقا سِمَهَ مَعرِفَهٍ حَتّی تَختَبِرَهُ بِثَلاثٍ : تُغضِبَهُ فَتَنظُرَ غَضَبُهُ یُخرِجُهُ مِنَ الحَقِّ إلَی الباطِلِ ، و عِندَ الدّینارِ و الدِّرهَمِ ، و حَتّی تُسافِرَ مَعَهُ . (6)

عنه علیه السلام : مَن غَضِبَ عَلَیکَ ثَلاثَ مَرّاتٍ فَلَم یَقُل فیکَ سوءا فَاتَّخِذهُ لَکَ خِلاًّ . (7)

عنه علیه السلام : إذا کانَ لَکَ صَدیقٌ فَوُلِّیَ وِلایَهً فَأَصَبتَهُ عَلَی العُشرِ مِمّا کانَ لَکَ عَلَیه قَبلَ وِلایَتِهِ فَلَیسَ بِصَدیقِ سوءٍ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 2238 .
2- .غرر الحکم : 5600 .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 286 / 271 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20/325/725 ، تفسیر الدرّ المنثور : 6/520 عن الحنظلی عن لقمان علیه السلام نحوه .
5- .تحف العقول : 357 ، بحار الأنوار : 78 / 239 / 5 .
6- .الأمالی للطوسی : 646 / 1339 عن علیّ بن عقبه ، مصادقه الإخوان : 178 / 1 نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 180 / 28 .

7- .تاريخ اليعقوبى : 2 / 383 ، الأمالى للصدوق : 767 / 1034 ، روضه الواعظين : 425 ، تنبيه الخواطر : 2 / 118 كلّها نحوه .
8- .الأمالى للطوسى : 279 / 533 ، بحار الأنوار : 74 / 176 / 10 و ج 75 / 341 / 25 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 295 / 372 عن الإمام على عليه السلام نحوه .

امام علی علیه السلام : مصاحبت کن ، تا [افراد را]بیازمایی .

امام علی علیه السلام : به شش چیز ، خردهای مردم سنجیده می شود : مصاحبت ، داد و ستد ، حکمرانی ، برکنار کردن ، دارایی و نداری .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه خواستی با کسی دوستی کنی ، ببین دشمنش کیست .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه خواستی با کسی دوستی کنی ، او را خشمگین کن . پس اگر در حال خشم نیز با انصاف با تو رفتار کرد ، [با او دوستی کن] و گرنه رهایش ساز .

امام صادق علیه السلام : به دوستی کسی اعتماد مکن ، تا آن که او را سه بار به خشم آوری.

امام صادق علیه السلام : بر کسی از سرِ شناخت ، عنوان دوست مگذار ، تا آن که او را به سه چیز بیازمایی: او را به خشم آوری و ببینی که آیا این خشم، او را از حق به سوی باطل می برد [یا نه]؛ و به نزد درهم و دینار (در امور مالی) ؛ و تا آن که با او همسفر شوی.

امام صادق علیه السلام : هرکس سه بار بر تو خشمگین شد و درباره ات سخنی ناروا نگفت ، او را به دوستی بگیر .

امام صادق علیه السلام : هرگاه دوستی داشتی و بعدها مقامی دولتی یافت و دیدی که حتّی یک دهمِ دوستی پیش از کسب مقام خود را حفظ کرده است، پس دوست بدی نیست!

.

عنه علیه السلام : یُمتَحَنُ الصَّدیقُ بِثَلاثِ خِصالٍ ، فَإِن کانَ مُؤاتِیا فیها فَهُوَ الصَّدیقُ المُصافی ، و إلاّ کانَ صَدیقَ رَخاءٍ لا صَدیقَ شِدَّهٍ : تَبتَغی مِنهُ مالاً ، أو تَأمَنُهُ عَلی مالٍ ، أو تُشارِکُهُ فِی مَکروهٍ . (1)

4 / 5قِلَّهُ الصَّدیقِ الصَّدوقِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أقَلُّ ما یَکونُ فی آخِرِ الزَّمانِ أخٌ یوثَقُ بِهِ ، أو دِرهَمٌ مِن حَلالٍ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله : قَلَّما یوجَدُ فی آخِرِ اُمَّتی دِرهَمٌ مِن حَلالٍ ، أو أخٌ یوثَقُ بِهِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله : سَیَأتی عَلَیکُم زَمانٌ لا یَکونُ فیهِ شَیءٌ أعَزُّ مِن ثَلاثٍ : دِرهَمٍ حَلالٍ ، أو أخٍ یُستَأنَسُ بِهِ ، أو سُنَّهٍ یُعمَلُ بِها . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : یَکونُ فی آخِرِ الزَّمانِ أقوامٌ إخوانُ العَلانِیَهِ أعداءُ السَّریرَهِ . فَقیلَ : یا رَسولَ اللّه ِ ، فَکَیفَ یَکونُ ذلِکَ ؟ ! قالَ : ذلِکَ بِرَغبَهِ بَعضِهِم إلی بَعضٍ ، ورَهبَهِ بَعضِهِم إلی بَعضٍ . (5)

.

1- .تحف العقول : 321 ، بحار الأنوار : 78 / 235 / 60 .
2- .تحف العقول : 54 ، بحار الأنوار : 77 / 157 / 141 .
3- .تاریخ بغداد : 12 / 385 ، حلیه الأولیاء : 4 / 94 ، البدایه والنهایه : 9 / 319 وفیهما «آخر الزمان» بدل «آخر اُمّتی» ، کنز العمّال : 4 / 13 / 9254 نقلاً عن ابن عساکر وکلّها عن ابن عمر .
4- .المعجم الأوسط : 1 / 35 / 88 ، حلیه الأولیاء : 4 / 370 و ج 7 / 127 کلاهما عن حذیفه ، کنز العمّال : 11 / 126 / 30886 .
5- .مسند ابن حنبل : 8 / 244 / 22116 ، المعجم الأوسط : 1 / 138 / 434 ، کنز العمّال : 9 / 45 / 24856 .

امام صادق علیه السلام : دوست ، به سه خصلتْ سنجیده می شود. پس اگر از آنها سرافراز بیرون آمد ، دوستی است یکرنگ و باصفا ، و گرنه دوست دوران آسایش است ، نه سختی : این که از او مالی بخواهی، یا او را بر مالی امین گردانی ، و یا او را در کاری ناخوشایند ، شریک سازی.

نکته :حدیث 400 و 401 یکی از طُرُق آزمایش دوستان را مصاحبت می دانند . از سوی دیگر ، روایات باب 5 / 2 تأکید می کردند که نباید انسان ، کسی را قبل از آزمایش به عنوان دوست انتخاب کند . آیا این ، دور نیست ؟ و اگر هست ، راه حل چیست ؟ در پاسخ می گوییم : روایات این باب ، ناظر به مصاحبت موقّت و آزمایشی است و روایات باب 5 / 2 ناظر به مصاحبت دائم و واقعی . لذا تأکید می کنند که قبل از آزمایش ، نباید انسان به دوست خود اعتماد کند .

ر . ک : ص 331 (نشانه های دوستی راستین) .

5 / 4کمیِ دوست راستین رسول خدا صلی الله علیه و آله : کم ترین چیزی که در آخرالزمان یافت می شود ، برادر قابل اعتماد است ، یا دِرهمی از حلال .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در [روزگار] آخر امّت من ، کمتر چیزی که یافت می شود ، دِرهمی از حلال است یا برادری قابل اعتماد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : روزگاری به شما روی خواهد آورد که در آن ، چیزی کمیاب تر از این سه نیست : دِرهمی از حلال ، یا برادری که با او انس گیرند ، یا سُنَّتی که بدان عمل کنند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : «در آخرالزمان ، کسانی خواهند بود که در ظاهر ، برادر و در نهان ، دشمن هستند» . گفتند : «ای پیامبر خدا ! چگونه چنین چیزی ممکن است ؟» . فرمود : «این [دوگانگی] ، به سبب امید برخی به برخی کسان است و بیم برخی از برخی دیگر» .

.

الإمام علىّ عليه السلام : ما أقَلَّ الثِّقَةَ المُؤتَمَنَ ، وأكثَرَ الخَوّانَ ! (1)

عنه عليه السلام : مَن طَلَبَ صَديقَ صِدقٍ وَفِيّا طَلَبَ ما لا يوجَدُ . (2)

عنه عليه السلام : ما أكثَرَ الإِخوانَ عِندَ الجِفانِ ، وأقَلَّهُم عِندَ حادِثاتِ الزَّمانِ ! (3)

عنه عليه السلام : أبعَدُ النّاسِ سَفَرا مَن كانَ سَفَرُهُ فِى ابتِغاءِ أخٍ صالِحٍ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : أبعَدُ النّاسِ سَفَرا مَن كانَ فى طَلَبِ صَديقٍ يَرضاهُ . (5)

عنه عليه السلام : ثَلاثَهُ أشياءَ فى كُلِّ زَمانٍ عَزيزَهٌ ، وهِىَ : الإِخاءُ فِى اللّهِ ، وَالزَّوجَهُ الصّالِحَهُ الأَليفَهُ فى دينِ اللّهِ ، وَالوَلَدُ الرَّشيدُ . ومَن أصابَ إحدَى الثَّلاثَهِ فَقَد أصابَ خَيرَ الدّارَينِ ، وَالحَظَّ الأَوفَرَ مِنَ الدُّنيا . (6)

الإمام الصادقِ عليه السلام : يَأتى عَلَى النّاسِ زَمانٌ لَيسَ فيهِ شَىءٌ أعَزُّ مِن أخٍ أنيسٍ ، وكَسبِ دِرهَمٍ حَلالٍ . (7)

الأمان عن محمّد بن هارون الجلاّب عَنِ الإِمامِ الهادى عليه السلام : قُلتُ لَهُ : رُوّينا عَن آبائِکَ أنَّهُ : يَأتى عَلَى النّاسِ زَمانٌ لا يَكونُ شَىءٌ أعَزُّ مِن أخٍ أنيسٍ ، أو كَسبِ دِرهَمٍ مِن حَلالٍ . فَقالَ لَى : يا أبا مُحَمَّدٍ ، إنَّ العَزيزَ مَوجودٌ ، ولكِنَّکَ فى زَمانٍ لَيسَ شَىءٌ أعسَرَ مِن دِرهَمٍ حَلالٍ ، وأخٍ فِى اللّهِ عز و جل . (8)

.

1- .غرر الحكم : 9656 .
2- .غرر الحكم : 9085 .
3- .غرر الحكم : 9657 .
4- .غرر الحكم : 3288 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 302 / 451 .
6- .مصباح الشريعه : 307 ، بحار الأنوار : 74 / 282 / 3 .

7- .تحف العقول : 368 ، بحار الأنوار : 78 / 251 / 102 .
8- .الأمان : 58 ، بحار الأنوار : 103 / 10 / 43 .

امام علی علیه السلام : امینِ قابلِ اعتماد ، چه کم است و خیانتکار ، چه بسیار !

امام علی علیه السلام : هرکس جوینده دوست راستینِ وفادار باشد ، نایافتنی را می جوید .

امام علی علیه السلام : برادران ، در کنار ظرف های بزرگ [غذا] ، چه بسیارند و به هنگام حوادث روزگار ، چه کم !

امام علی علیه السلام : طولانی ترین سفر ، سفر کسی است که در جستجوی برادری صالح است .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : طولانی ترین سفر ، از آنِ کسی است که در جستجوی دوستی است که او را بپسندد .

امام علی علیه السلام : سه چیز در هر روزگاری کمیاب است : برادری خدایی ، زن صالح و دمسازِ همسو با دین خدا ، و فرزند هدایت یافته . هرکس یکی از این سه تا را به دست آورد ، خیر دو سرا و بهره برتر دنیا را به دست آورده است .

امام صادق علیه السلام : روزگاری بر مردم خواهد آمد که در آن ، چیزی کمیاب تر از برادری دمساز و به دست آوردن دِرهمی حلال نیست .

الأمان به نقل محمّد بن هارون جُلاّب : به امام هادی علیه السلام گفتم : از پدرانت برایمان روایت کرده اند که «روزگاری بر مردم خواهد آمد که در آن، چیزی کمیاب تر از برادری دمساز و به دست آوردن دِرهمی حلال نیست» . حضرت فرمود : «ای ابومحمّد ! چیز کمیاب ، باز وجود دارد ؛ لیکن تو در روزگاری هستی که در آن ، چیزی دشوارتر از دِرهمی حلال و برادری در راه خدای عز و جلنیست» .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : عِلمى غَزيرٌ وأخلاقى مُهَذَّبَهْومَن تَهَذَّبَ يُشقى فى مُهَذَّبِهِ لَو رُمتُ أَلفَ عَدُوٍّ كُنتُ واجِدَهُمولَو طَلَبتُ صَديقا ما ظَفِرتُ بِهِ (1)

عنه عليه السلام أيضا : كُلُّ خَليلٍ لِىَ خالَلتُهُلا تَرَكَ اللّه ُ لَهُ واضِحَه فَكُلُّهُم أروَغُ مِن ثَعلَبِما أشبَهَ اللَّيلَةَ بِالبارِحَه ! (2)

عنه عليه السلام أيضا : تَغَرَّبتُ أسأَلُ مَن عَنَّ ليمِنَ النّاسِ هَل مِن صَديقٍ صَدوق ؟ فَقالوا : عَزيزانِ لا يوجَدانِصَديقٌ صَدوقٌ وبَيضُ الأنوق (3)

عنه عليه السلام أيضا : هُمومُ رِجالٍ فى اُمورٍ كَثيرَهٍوهَمّى مِنَ الدُّنيا صَديقٌ مُساعِدُ يَكونُ كَروحٍ بَينَ جِسمَينِ قُسِّمَتفَجِسمُهُما جِسمانِ وَالرّوحُ واحِدُ (4)

5 / 5أصنافُ الأَصدِقاءِ الإمام علىّ عليه السلام : أصدِقاؤُكَ ثَلاثَهٌ ، وأعداؤُكَ ثَلاثَهٌ ؛ فَأَصدِقاؤُكَ : صَديقُكَ ، وصَديقُ صَديقِكَ ، وعَدُوُّ عَدُوِّكَ . وأعداؤُكَ عَدُوُّكَ ، وعَدُوُّ صَديقِكَ ، وصَديقُ عَدُوِّكَ . (5)

.

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 72 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 129 .
3- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 298 .
4- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 146 .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 295 ، إرشاد القلوب : 194 ، بحار الأنوار : 74 / 164 / 28 .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : دانشم فراوان و اخلاقم پیراسته است/ [امّا]هرکس پیراسته شود ، در عین پیراستگی شوربخت می گردد . اگر در جستجوی هزار دشمن برآیم ، آنان را خواهم یافت ؛/ ولی اگر خواستار یک دوست باشم ، او را به دست نخواهم آورد .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : هر دوستی که با او دوستی کردم/ خداوند ، هیچ دندان پیشینی برایش مگذارد . همگی آنان از روباه ، نیرنگبازترند/ امشب چه قدر مانند دیشب است (حال روزگار ، همواره یکسان است).

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : از وطنم دور شدم و از مردمی که برابرم پدیدار می شدند ، پرسیدم : / «آیا دوستِ راستینی یافت می شود ؟» . امّا آنان گفتند که دو چیز کمیاب است و یافت نمی شود/دوست راستین وتخم عقاب(چون آشیانه عقاب بر قلّه کوه های صعب العبور است).

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : مردم در اندیشه های فراوانی هستند / حال آن که من ، تنها اندیشه ام در دنیا ، دوستی کمک کار است ، که چون روحی در دو پیکر ، تقسیم شده باشد / و در نتیجه ، دو پیکر باشند ، امّا روحشان یکی باشد .

ر . ک : ص 331 (نشانه های دوستیِ راستین) .

5 / 5انواع دوستان امام علی علیه السلام : دوستانت سه گونه اند و دشمنانت [نیز] سه گونه . امّا دوستانت [عبارت اند از] : دوستت ، دوستِ دوستت و دشمنِ دشمنت . دشمنانت [نیز عبارت اند از] : دشمنت ، دشمنِ دوستت و دوستِ دشمنت .

.

تحف العقول : قالَ [الإمامُ الحُسَينُ] عليه السلام : الإخوانُ أربَعَةٌ : فَأَخٌ لَکَ ولَهُ ، وأخٌ لَکَ ، وأخٌ عَلَيکَ ، وأخٌ لا لَکَ ولا لَهُ . فَسُئِلَ عَن مَعنى ذلِکَ فَقالَ عليه السلام : الأَخُ الَّذى هُوَ لَکَ ولَهُ : فَهُوَ الأَخُ الَّذى يَطلُبُ بِإخائِهِ بَقاءَ الإخاءِ ، ولا يَطلُبُ بِإخائِهِ مَوتَ الإخاءِ ، فَهذا لَکَ ولَهُ ؛ لِأَنَّهُ إذا تَمَّ الإخاءُ طابَت حَياتُهُما جَميعا ، وإذا دَخَلَ الإخاءُ فى حالِ التَّناقُضِ بَطَلَ جَميعا . وَالأَخُ الَّذى هُوَ لَکَ : فَهُوَ الأَخُ الَّذى قَد خَرَجَ بِنَفسِهِ عَن حالِ الطَّمَعِ إلى حالِ الرَّغبَةِ ، فَلَم يَطمَع فِى الدُّنيا إذا رَغِبَ فِى الإخاءِ ، فَهذا موفِرٌ عَلَيکَ بِکُلِّيَّتِهِ . وَالأَخُ الَّذى هُوَ عَلَيکَ : فَهُوَ الأَخُ الَّذى يَتَرَبَّصُ بِکَ الدَّوائِرَ ، ويُغشِى السَّرائِرَ ، ويَکذِبُ عَلَيکَ بَينَ العَشائِرِ ، ويَنظُرُ فى وَجهِکَ نَظَرَ الحاسِدِ ، فَعَلَيهِ لَعنَةُ الواحِدِ . وَالأَخُ الَّذى لا لَکَ ولا لَهُ : فَهُوَ الَّذى قَد مَلَأَهُ اللّهُ حُمقا فَأبعَدَهُ سُحقا ، فَتَراهُ يُؤثِرُ نَفسَهُ عَلَيکَ ، ويَطلُبُ شُحّا ما لَدَيکَ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام : قامَ رَجُلٌ بِالبَصرَهِ إلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أخبِرنا عَنِ الإخوانِ ؟ فَقالَ : الإخوانُ صِنفانِ : إخوانُ الثِّقَهِ ، وإخوانُ المُکاشَرَهِ . فَأَمّا إخوانُ الثِّقَهِ فَهُمُ الکَفُّ ، وَالجَناحُ ، وَالأَهلُ ، وَالمالُ . فَإذا کُنتَ مِن أخيکَ عَلى حَدِّ الثِّقَهِ فَابذِل لَهُ مالَکَ وبَدَنَکَ ، وصافِ مَن صافاهُ ، وعادِ مَن عاداهُ ، وَاکتُم سِرَّهُ وعَيبَهُ ، وأظهِر مِنهُ الحُسنَ . وَاعلَم أيُّهَا السّائِلُ أنَّهُم أقَلُّ مِنَ الکِبريتِ الأَحمَرِ . وأمّا إخوانُ المُکاشَرَهِ فَإنَّکَ تُصيبُ لَذَّتَکَ مِنهُم ، فَلا تَقطَعَنَّ ذلِکَ مِنهُم ، ولا تَطلُبَنَّ ما وَراءَ ذلِکَ مِن ضَميرِهِم ، وَابذِل لَهُم ما بَذَلوا لَکَ مِن طَلاقَهِ الوَجهِ وحَلاوَهِ اللِّسانِ . (2)

.

1- .تحف العقول : 247 ، بحار الأنوار : 78 / 119 / 13 .
2- .الکافى : 2 / 248 / 3 ، الاختصاص : 251 وفيه «کالکف» بدل «الکف» کلاهما عن أبى مريم الأنصارى ، الخصال : 49 / 56 عن جابر ، مصادقه الإخوان : 131 / 1 عن يونس بن عبد الرحمن عن أبى جعفر الثانى عليه السلاموفيه «کالکفّ ... سرّه وأعنه» بدل «الکفّ ... سرّه وعيبه» ، تحف العقول : 204 من دون نقل عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 67 / 193 / 3 و ج 74 / 281 / 2 .

تحف العقول : [امام حسین علیه السلام]فرمود : «برادران ، چهار گونه اند : برادری که [دوستی اش]به سود تو و اوست ؛ و برادری که به سود توست ؛ و برادری که به زیان توست ؛ و برادری که نه به سود توست و نه به سود خودش» . معنای این سخن را از ایشان پرسیدند . حضرت فرمود : «برادری که به سود تو و خودش است ، آن برادری است که با برادری خود ، خواستار ماندگاری برادری است و مقصودش از برادریِ خود ، میراندن برادری نیست . این کس به سود تو و به سود خودش می کوشد ؛ زیرا اگر برادری کامل شود ، زندگیِ هر دو شیرین می گردد و اگر برادری کاستی گیرد ، [خوشی هر دو]تباه می گردد . امّا برادری که به سود توست ، آن برادری است که خود را از حالت طمع به حالت رغبت در آورده است و چون به برادری راغب است ، در [امور]دنیا طمع نمی ورزد . پس با همه وجودش به تو سود می رساند . امّا برادری که به زیان توست ، آن برادری است که چشم انتظارِ گرفتاری های توست و با تو یکدل نیست و میان مردم بر ضدّت دروغ می بافد و حسودانه به چهره ات می نگرد . پس لعنت [خدای]یگانه بر او باد ! امّا برادری که نه به سود توست و نه به سود خودش ، همان است که خداوند او را سرشار از حماقت کرده و از رحمت خویش دور ساخته است . پس او را می بینی که خودش را بر تو مقدّم می دارد و آنچه را داری ، آزمندانه برای خود می خواهد» .

امام باقر علیه السلام : در بصره مردی بر پا خاست و گفت : ای امیر مؤمنان ! ما را از [حال]برادران خبر ده . حضرت فرمود : «برادران ، دو گونه اند : برادرانِ قابل اعتماد و برادرانِ [مفیدِ تنها برای] شوخی و شادمانی . امّا برادران قابل اعتماد ، دست و بال و خانواده و دارایی [شخص] هستند . پس اگر نسبت به برادرت اعتماد داشتی ، مال و تنت را بدو ببخش و با دوستش دوستی و با دشمنش دشمنی کن و رازش را پنهان دار و خوبی اش را آشکار ساز . ای پرسشگر ! بدان که این گونه برادران ، کمیاب تر از گوگرد سرخ (1) هستند . امّا برادرانِ شوخی و شادمانی ، پس [بدان که]تو از آنان لذّت خود را می بری . پس آن را از آنان مبُر و... بیش از آن ، از درونشان مخواه و به همان میزان که روی گشاده و زبان شیرین خود را به تو ارزانی می دارند ، تو نیز چنین کن» .

.

1- .گوگرد سرخ ، به غایتْ کمیاب است (ر . ک : لغتنامه دهخدا ، واژه «کبریت اَحمر») .

الإمام الصادق عليه السلام : الإِخوانُ ثَلاثَةٌ : فَواحِدٌ كَالغِذاءِ الَّذى يُحتاجُ إلَيهِ كُلَّ وَقتٍ فَهُوَ العاقِلُ ، وَالثّانى فى مَعنَى الدّاءِ وهُوَ الأَحمَقُ ، وَالثّالِثُ فى مَعنَى الدَّواءِ فَهُوَ اللَّبيبُ . (1)

عنه عليه السلام : الإِخوانُ ثَلاثَةٌ : مُواسٍ بِنَفسِهِ ، وآخَرُ مُواسٍ بِمالِهِ وهُمَا الصّادِقانِ فِى الإِخاءِ وآخَرُ يَأخُذُ مِنكَ البُلغَةَ، ويُريدُكَ لِبَعضِ اللَّذّةِ ، فَلا تَعُدَّهُ مِن أهلِ الثِّقَهِ . (2)

عنه عليه السلام : إنَّ الَّذينَ تَراهُم لَكَ أصدِقاءَ إذا بَلَوتَهُم وَجَدتَهُم عَلى طَبَقاتٍ شَتّى ؛ فَمِنهُم كَالأَسَدِ فى عِظَمِ الأَكلِ وشِدَّهِ الصَّولَهِ ، ومِنهُم كَالذِّئبِ فِى المَضَرَّهِ ، ومِنهُم كَالكَلبِ فِى البَصبَصَهِ ، ومِنهُم كَالثَّعلَبِ فِى الرَّوَغانِ وَالسَّرِقَهِ ، صُوَرُهُم مُختَلِفَهٌ وَالحِرفَهُ واحِدَهٌ . ما تَصنَعُ غَدا إذا تُرِكتَ فَردا وَحيدا لا أهلَ لَكَ ولا وَلَدَ إلاَّ اللّهَ رَبَّ العالَمينَ ؟! (3)

.

1- .تحف العقول : 323 ، بحار الأنوار : 78 / 238 / 75 .
2- .تحف العقول : 324 ، بحار الأنوار : 78 / 239 / 86 .
3- .الاختصاص : 252 ، بحار الأنوار : 74 / 179 / 22 .

امام صادق علیه السلام : برادران ، سه گونه اند : یکی چون غذاست که در همه وقت به آن نیاز است و او شخص عاقل است . دوم به معنایِ درد است ، و او شخص احمق است . سوم به معنایِ دَواست و او شخص خردمند است .

امام صادق علیه السلام : برادران ، سه گونه اند : آن که [در راه دوست] از جان خود می گذرد . دیگری آن که از مال خود می گذرد و این دو در برادری خود صادق هستند . دیگری آنچه را که نیاز دارد ، از تو می گیرد و تو را برای پاره ای لذّت ها[ی خود]می خواهد . پس او را از افراد قابل اعتماد مشمار .

امام صادق علیه السلام : کسانی را که دوستان خود می بینی ، اگر آنان را بیازمایی، آنان را گونه های متفاوتی خواهی یافت : برخی در پرخوری و پرخاشگری ، همچون شیر (درنده) هستند. برخی در زیان زدن ، چون گرگ هستند . برخی در چاپلوسی چون سگ هستند. برخی در نیرنگبازی و دزدی ، چون روباه هستند. چهره هایشان گوناگون است ؛ امّا پیشه یکی است . فردا که تنها و بی خانواده و فرزند ، رها خواهی شد و جز پروردگار عالمیان را نخواهی داشت ، چه خواهی کرد ؟

.

5 / 6التَّحذيرُ مِن قَرين السَّوءِالكتاب(قَالَ قَآئلٌ مِّنْهُمْ إِنِّى كَانَ لِى قَرِينٌ * يَقُولُ أَءِنَّکَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ * أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَ عِظَمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ * قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ * فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِالْجَحِيمِ) . (1)

(وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِى اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً * يَوَيْلَتَى لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخِذْ فُلاَنًا خَلِيلاً * لَّقَدْ أَضَلَّنِى عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَآءَنِى وَ كَانَ الشَّيْطَنُ لِلاْءِنسَنِ خَذُولاً) . (2)

(وَ مَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُو شَيْطَنًا فَهُوَ لَهُو قَرِينٌ * وَ إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ * حَتَّى إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِى وَ بَيْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ) . (3)

(وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ * قَالُواْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ * قَالُواْ بَل لَّمْ تَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ * وَ مَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَنِ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَغِينَ * فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَآ إِنَّا لَذَآئقُونَ * فَأَغْوَيْنَكُمْ إِنَّا كُنَّا غَوِينَ) . (4)

(وَ قَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُواْ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِى أُمَمٍ قَدْ خَلَت مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَ الاْءِنسِ إِنَّهُمْ كَانُواْ خَسِرِينَ) . (5)

.

1- .الصافّات : 5155.
2- .الفرقان : 27 29 .
3- .الزخرف : 36 38 .
4- .الصافّات : 27 32 .
5- .فصّلت : 25 .

5 / 6برحذر داشتن از همنشین بدقرآن(یکی از آنان (اهل بهشت) گوید: مرا همنشینی بود که می گفت: «آیا تو از آنها هستی که تصدیق می کنند که چون مردیم و خاک و استخوان شدیم ، کیفرمان می دهند ؟» . گوید : «آیا می توانید بنگرید ؟» . پس می نگرد و او را در میان آتش دوزخ می بیند» .

(یادآورْ روزی را که ستمکار ، دستان خود را به دندان می گزد و می گوید : «ای کاش با پیامبر ، راهی برمی گرفتم . وای بر من ! کاش فلانی (فلان دوست بد) را دوست نگرفته بودم ! او مرا به گمراهی کشید با آن که قرآن برای من نازل شده بود» و شیطان ، همواره خوار کننده انسان بوده است» .

(هر کس از یاد [خدای]رحمانْ روی بگرداند ، شیطانی بر او می گماریم که همنشین او خواهد بود . آن شیطان ها ، از راه خدا بازشان می دارند ؛ ولی می پندارند که هدایت یافتگان اند . تا آن گاه که نزد ما آید ، [به شیطان]گوید : «ای کاش میان من و تو فاصله میان مشرق و مغرب بود ، و تو چه همنشین بدی بودی !»)

(و [دوزخیانْ]برخی به برخی روی آورده، بپرسند . گویند : «شما [گمراه کنندگان ما]بودید که [برای فریفتن ما]از راه خیرخواهی می آمدید» . [آنها در جواب]می گویند : «نه ! شما خودتان اهل ایمان نبودید . ما را بر شما هیچ تسلّطی نبود . شما خود ، مردمی نافرمان بودید . پس گفته پروردگارمان بر ما قطعی شد و ما همگی از عذاب می چشیم . ما شما را گم راه کردیم ، همان گونه که خود گم راه بودیم) .

(بر آنان ، همنشینانی برانگیختیم که برایشان آنچه را فارویشان بود و آنچه پشت سرشان بود ، بیاراستند ، و بر آنها نیز همانند پیشینیانشان از جِن و اِنس ، عذابْ قطعی شد ؛ زیرا زیانکار بودند) .

.

الحديث موسى عليه السلام : مَن قَطَعَ قَرينَ السَّوءِ فَكَأَنَّما عَمِلَ بِالتَّوراهِ . (1)

الكافى عن علىّ بن أسباط عَنهُم عليهم السلام : فيما وَعَظَ اللّه ُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : يا عيسى ، اِعلَم أنَّ صاحِبَ السَّوءِ يُعدى ، وقَرينَ السَّوءِ يُردى ، وَاعلَم مَن تُقارِنُ ، وَاختَر لِنَفسِكَ إخوانا مِنَ المُؤمِنينَ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أوحَشُ الوَحشَهِ قَرينُ السَّوءِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إيّاكَ وقَرينَ السَّوءِ ؛ فَإِنَّكَ بِهِ تُعرَفُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إيّاكَ وصاحِبَ السَّوءِ ؛ فَإِنَّهُ قِطعَهٌ مِنَ النّارِ ، لا يَنفَعُكَ وُدُّهُ ، ولا يَفى لَكَ بِعَهدِهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن صاحِبِ غَفلَهٍ ، وقَرينِ سَوءٍ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : الوَحدَهُ خَيرٌ مَن جَليسِ السَّوءِ ، وَالجَليسُ الصّالِحُ خَيرٌ مِنَ الوَحدَهِ . (7)

.

1- .جامع الأخبار : 508 / 1413 .
2- .الكافى : 8/134/103 وج 2/640/4 عن عليّبن أسباط عن بعض أصحابه عن أبى الحسن عليه السلامنحوه، الأمالى للصدوق: 609/841 عن أبيبصيرعن الإمام الصادق عليه السلاموفيه«يغوى»بدل«يعدى»،بحارالأنوار:14/292/14.
3- .جامع الأحاديث للقمّى : 83 ، بحار الأنوار : 74 / 167 / 32 نقلاً عن كتاب الإمامه والتبصره عن اسماعيل بن موسى بن جعفر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله .
4- .تاريخ دمشق : 14 / 46 عن أنس ، كنز العمّال : 9 / 43 / 24844 .
5- .الفردوس : 1 / 389 / 1569 عن أنس ، كنز العمّال : 9 / 45 / 24855 .
6- .الزهد لابن المبارک : 303 / 875 .

7- .المستدرک على الصحيحين: 3/387/5466، شُعب الإيمان: 4/256/4993، مسند الشهاب: 2/237/1266 كلّها عن أبيذرّ، كنز العمّال: 9/43/24846؛ الأماليللطوسى: 535/1162 ، مكارم الأخلاق:2/373/2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، أعلام الدين : 293 ، جامع الأحاديث للقمّى : 129 و ص 70.

حدیث موسی علیه السلام : هرکه از همنشین بد بِبُرد ، گویی به تورات عمل کرده است!

الکافی به نقل از علی بن اَسباط، از یکی از معصومان علیهم السلام : از جمله سفارش های خداوند به عیسی علیه السلامآن بود : «ای عیسی ! بدان که یار بد ، [انسان را]دچار خصلت های بدِ خود می کند و همنشین بد ، [انسان را] به هلاکت می رساند . بِدانْ که با که دوستی می کنی ، و برای خودت برادرانی از مؤمنان برگزین .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : تنهاترین تنهایی ، همنشین بد است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از همنشین بد بپرهیز ؛ چرا که تو را با او می شناسند [و می سنجند] .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از همنشین بد بپرهیز ، زیرا پاره آتش است ؛ نه دوستی اش به تو سود می رساند و نه پیمانت را نگه می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آلهمی فرمود : بارالها ! از یار غافل و همنشین بد ، به تو پناه می آورم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : تنهایی بهتر از همنشین بد است . همنشین درستکار ، بهتر از تنهایی است .

.

الإمام علىّ عليه السلام : كُن بِالوَحدَهِ آنَسُ مِنکَ بِقُرَناءِ السَّوءِ . (1)

عنه عليه السلام : صاحِبُ السَّوءِ قِطعَهٌ مِنَ النّارِ . (2)

عنه عليه السلام : اِحذَر مُجالَسَهَ قَرينِ السَّوءِ ؛ فَإِنَّهُ يُهلِکُ مُقارِنَهُ ، ويُردى مُصاحِبَهُ . (3)

عنه عليه السلام : ما سَعِدَ مَن شَقِىَ إخوانُهُ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : الوَحدَهُ خَيرٌ مِن رَفيقِ السَّوءِ . (5)

عنه عليه السلام أيضا : إيّاکَ وصاحِبَ السَّوءِ ؛ فَإِنَّهُ کَالسَّيفِ المَسلولِ يَروقُ مَنظَرُهُ ، ويَقبُحُ أثَرُهُ . (6)

عنه عليه السلام أيضا : تَوَحَّشتُ فِى القَفرِ البَلقَعِ ، فَلَم أرَ وَحشَهً أشَدَّ مِن قَرينِ السَّوءِ ! (7)

عنه عليه السلام أيضا : إخوانُ السَّوءِ کَشَجَرَهِ النّارِ يُحرِقُ بَعضُها بَعضا . (8)

الخصال عن سفيان الثورى : لَقيتُ الصّادِقَ ابنَ الصّادِقِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليهماالسلامفَقُلتُ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ أوصِنى . فَقالَ لى : ... يا سُفيانُ ، أمَرَنى والِدى عليه السلامبِثَلاثٍ ، ونَهانى عَن ثَلاثٍ. فَکانَ فيما قالَ لى : يا بُنَىَّ ، مَن يَصحَب صاحِبَ السَّوءِ لا يَسلَم . (9)

.

1- .غرر الحكم : 7152 .
2- .غرر الحكم : 5824 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 338 / 875 وفيه «الرفيق» بدل «صاحب» .
3- .غرر الحكم : 2599 .
4- .غرر الحكم : 9485 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 334 / 828 ؛ الاختصاص : 337 عن لقمان وفيه «صاحب» بدل «رفيق» ، غرر الحكم : 10136 نحوه .

6- .شرح نهج البلاغه : 20 / 273 / 157 .
7- .شرح نهج البلاغه : 20 / 293 / 355 .
8- .شرح نهج البلاغه : 20 / 343 / 945 .
9- .الخصال : 169 / 222 ، تحف العقول : 376 نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 192 / 6 .

امام علی علیه السلام : با تنهایی مأنوس تر باش تا بودن با همنشینان بد .

امام علی علیه السلام : یارِ بد ، پاره ای از آتش است .

امام علی علیه السلام : از همنشینی با همنشین بد بپرهیز ؛ زیرا او همنشین خود را هلاک می کند و یار خود را تباه می سازد .

امام علی علیه السلام : آن که برادرانش شوربخت اند ، نیک بخت نمی شود .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : تنهایی ، بهتر از رفیق بد است .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : از یار بد بپرهیز ، که چون شمشیر برهنه است . جلوه اش زیبا و زخمش زشت است .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : در بیابان خشک و بی آب و علف ، تنها شدم ؛ امّا تنهای ای سخت تر از همنشین بد ندیدم .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : برادران بد ، همچون درخت آتش هستند که پاره ای از آن ، پاره دیگرش را می سوزاند .

الخصال به نقل از سُفیان ثَوری : راستگو فرزند راستگو ، جعفر بن محمّد علیه السلام ، را دیدم و به ایشان گفتم : «ای پسر پیامبر خدا ! به من سفارشی کن . به من فرمود : « . . . ای سفیان ! پدرم مرا به سه چیزْ فرمان داد و از سه چیز بازداشت . از جمله به من فرمود : پسرکم ! هرکه با یارِ بد ، مصاحبت کند ، ایمن نمی ماند» .

.

الكافى عن لقمان الحكيم لِابنِهِ : مَن يُقارِن قَرينَ السَّوءِ لا يَسلَم . (1)

عنه عليه السلام لِابنِهِ : يا بُنَيَّ ! . . . مَن يَدخُل مَداخِلَ السَّوءِ يُتَّهَم ، ومَن يَصحَب صاحِبَ السَّوءِ لا يَسلَم ، ومَن يَصحَبِ الصّاحِبَ الصّالِحَ يَغنَم . (2)

5 / 7شَرُّ الإِخوانِ الإمام علىّ عليه السلام : شَرُّ الإِخوانِ مَن تُكُلِّفَ لَهُ . (3)

عنه عليه السلام : شَرُّ الإِخوانِ الخاذِلُ . (4)

عنه عليه السلام : شَرُّ الإِخوانِ المُواصِلُ عِندَ الرَّخاءِ وَالمُفاصِلُ عِندَ البَلاءِ . (5)

عنه عليه السلام : شَرُّ إخوانِکَ الغاشُّ المُداهِنُ . (6)

عنه عليه السلام : شَرُّ إخوانِکَ مَن أرضاکَ بِالباطِلِ . (7)

عنه عليه السلام : شَرُّ إخوانِکَ مَن يَبتَغى لَکَ شَرَّ يَومِهِ . (8)

.

1- .الكافى : 2 / 642 / 9 عن إبراهيم بن أبى البلاد عمّن ذكره ، قصص الأنبياء : 194 / 240 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلامعنه عليه السلام، الاختصاص: 337 عن الأوزاعيّوفيه «يصحب» بدل«يقارن»، بحار الأنوار: 13 / 426 / 20 .
2- .الزهد لابن المبارک : 373 / 1059 عن عبداللّه بن عبيده .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 479 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 125 ، بحار الأنوار : 74 / 165 / 28 .
4- .غرر الحكم : 5708 .
5- .غرر الحكم : 5714 .
6- .غرر الحكم : 5730 .
7- .غرر الحكم : 5690 .
8- .غرر الحكم : 5704 .

لقمان علیه السلام به فرزندش : هرکه با همنشینِ بد ، دوستی کند ، ایمن نمی ماند .

لقمان علیه السلام به فرزندش : پسرکم! ... هرکه به جایگاه های بدنام درآید ، متّهم گردد و هرکه با یارِ بد مصاحبت کند ، ایمن نمی ماند و هرکه با یار درستکار مصاحبت کند ، سود می برد .

ر . ک : ص 273 (آنان که دوستی شان حرام است)؛ ص 281 (آنان که دوستی شان کراهت دارد) .

5 / 7بدترینِ برادران (1) امام علی علیه السلام : بدترینِ برادران ، کسی است که برآیش به رنج افتند .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادران ، فرو گذارنده [دوست خود به هنگام نیاز]است .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادران ، کسی است که به هنگام آسایش ، [با دوست خود]رفت و آمد می کند و به هنگام سختی و بلا ، [از او] می بُرد .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت ، شخص فریبکار چاپلوس است .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت ، کسی است که تو را از طریق باطل ، خشنود سازد .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت ، کسی است که تلخی (بدیِ) روزش را برای تو می جوید .

.

1- .در قرآن و حدیث ، واژه «برادری» ، علاوه بر پیوند نَسَبی و رضاعی ، در مورد : پیوند دینی ، پیوند دوستی ، پیوند قبیله ای ، پیوند مصاحبت ،

پیوند مشابهت ، پیوند متابعت و پیوند هماهنگی نیز استعمال می شود (ر . ک : موسوعه میزان الحکمه ، ج 1 ، ص 337 ، مدخل واژه «الإخاء» .

عنه علیه السلام : شَرُّ إخوانِکَ مَن أحوَجَکَ إلی مُداراهٍ ، وألجَأَکَ إلَی اعتِذارٍ . (1)

عنه علیه السلام : شَرُّ إخوانِکَ مَن أغراکَ بِهَویً ، ووَلَّهَکَ بِالدُّنیا . (2)

عنه علیه السلام : شَرُّ إخوانِکَ مَن تَثَبَّطَ عَنِ الخَیرِ وثَبَّطَکَ مَعَهُ . (3)

عنه علیه السلام : شَرُّ إخوانِکَ وأغَشُّهُم لَکَ مَن أغراکَ بِالعاجِلَهِ ، وألهاکَ عَنِ الآجِلَهِ . (4)

5 / 8خَیرُ الإخوانِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : خَیرُ الإخوانِ المُساعِدُ عَلی أعمالِ الآخِرَهِ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله : خَیرُ إخوانِکَ مَن أعانَکَ عَلی طاعَهِ اللّهِ ، وصَدَّکَ عَن مَعاصیهِ ، وأمَرَکَ بِرِضاهُ . (6)

الإمام علیّ علیه السلام : خَیرُ الإخوانِ مَن کانَت فِی اللّهِ مَوَدَّتُهُ . (7)

عنه علیه السلام : خَیرُ الإخوانِ مَن لَم تَکُن عَلَی الدُّنیا أُخُوَّتُهُ . (8)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن عَنَّفَکَ فی طاعَهِ اللّهِ سُبحانَهُ . (9)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : خَیرُ الإخوانِ مَن إذَا استَغنَیتَ عَنهُ لَم یَزِدکَ فِی المَوَدَّهِ ، وإنِ احتَجتَ إلَیهِ لَم یَنقُصکَ مِنها . (10)

.

1- .غرر الحکم : 5699 .
2- .غرر الحکم : 5715 .
3- .غرر الحکم : 5733 .
4- .غرر الحکم : 5738 .
5- .تنبیه الخواطر : 2 / 123 .
6- .تنبیه الخواطر : 2 / 123 .
7- .غرر الحکم : 5017 .

8- .غرر الحكم : 5016 .
9- .غرر الحكم : 4986 .
10- .شرح نهج البلاغه : 20 / 330 / 790 .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت ، کسی است که تو را به مدارا نیازمند کند و به عذرخواهی ناچارت سازد .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت ، کسی است که تو را به هوا[ی نفس]برانگیزد و به دنیا شیفته ات کند .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت ، کسی است که از خیر [رساندن]باز ایستد و تو را نیز با خود ، باز دارد .

امام علی علیه السلام : بدترینِ برادرانت و فریبکارترینشان در حقّ تو ، کسی است که تو را به سوی دنیا برانگیزد و از آخرت ، باز دارد .

5 / 8بهترینِ برادران رسول خدا صلی الله علیه و آله : بهترینِ برادران ، یاور در انجام دادن کارهای آخرتی است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بهترینِ برادرانت ، کسی است که تو را به پیروی از خدا یاری کند ، از نافرمانی او بازدارد و به خشنود ساختن او فرمان دهد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران ، کسی است که دوستی اش در راه خدا باشد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران ، کسی است که برادری اش برای دنیا نباشد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که بر تو در راه پیروی از خدای سبحان ، سخت گیرد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : بهترینِ برادرانت ، کسی است که هرگاه از او بی نیاز شدی ، بر دوستی خود نسبت به تو نیفزاید و اگر به او نیازمند شدی ، از دوستی خود نسبت به تو نکاهد .

.

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ أقَلُّهُم مُصانَعَةً فِی النَّصیحَهِ . (1)

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ أنصَحُهُم . وشَرُّهُم أغَشُّهُم . (2)

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ مَن إذا فَقَدتَهُ لَم تُحِبَّ البَقاءَ بَعدَهُ . (3)

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ مَن لَم یَکُن عَلی إخوانِهِ مُستَقصِیا . (4)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن دَلَّکَ عَلی هُدیً ، وأکسَبَکَ تُقیً ، وصَدَّکَ عَنِ اتِّباعِ هَویً . (5)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن کَثُرَ إغضابُهُ لَکَ فِی الحَقِّ . (6)

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ مَن لا یُحوِجُ إخوانَهُ إلی سِواهُ . (7)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن واساکَ بِخَیرِهِ ، وخَیرٌ مِنهُ مَن أغناکَ عَن غَیرِهِ . (8)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن واساکَ، وخَیرٌ مِنهُ مَن کَفاکَ، وإنِ احتاجَ إلَیکَ أعفاکَ . (9)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن دَعاکَ إلی صِدقِ المَقالِ بِصِدقِ مَقالِهِ ، ونَدَبَکَ إلی أفضَلِ الأَعمالِ بِحُسنِ أعمالِهِ . (10)

.

1- .غرر الحکم : 4978 .
2- .غرر الحکم : 5014 .
3- .غرر الحکم : 5018 .
4- .غرر الحکم : 4997 .
5- .غرر الحکم : 5029 ، وفی بعض النسخ «ألبَسَکَ» بدل «أکسَبَکَ» .
6- .غرر الحکم : 5009 .
7- .غرر الحکم : 4985 .
8- .غرر الحکم : 5013 .

9- .غرر الحكم : 4988 ، بحار الأنوار : 78 / 12 / 70 ؛ مطالب السؤول : 56 وليس فيه ذيله .
10- .غرر الحكم : 5022 .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که در نیکخواهی تو ، کمترین چرب زبانی را به کار گیرد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران، نیک خواه ترینشان است و بدترین آنان، فریبکارترینشان .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران ، کسی است که هرگاه او را از دست بدهی ، پس از او ، زندگی را دوست نداشته باشی .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران ، کسی است که نسبت به برادرانش پُر توقّع نباشد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که تو را به هدایتی رهنمون شود ، تقوایی نصیبت کند و از پیروی هوای نفسی بازت دارد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که در راه حق ، بر تو بسیار خشم گیرد .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران ، کسی است که برادرانش را به دیگری جز خود ، نیازمند نکند .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که از مالش به تو ببخشد و بهتر از او کسی است که تو را از دیگری جز خود ، بی نیاز کند .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که از اموال خود به تو ببخشد و بهتر از او کسی است که تو را بی نیاز سازد و اگر خود به تو نیازمند گشت ، تو را معاف دارد [و از تو چیزی نخواهد] .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که با راستگویی اش تو را به راستگویی بخواند و با اعمال نیک خود ، تو را به برترینِ اعمال برانگیزد .

.

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ أعوَنُهُم عَلَی الخَیرِ ، وأعمَلُهُم بِالبِرِّ ، وأرفَقُهُم بِالمُصاحِبِ . (1)

عنه علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن سارَعَ إلَی الخَیرِ وجَذَبَکَ إلَیهِ ، وأمَرَکَ بِالبِرِّ وأعانَکَ عَلَیهِ . (2)

الإمام العسکریّ علیه السلام : خَیرُ إخوانِکَ مَن نَسِیَ ذَنبَکَ ، وذَکَرَ إحسانَکَ إلَیهِ . (3)

5 / 9أصدَقُ الإِخوانِ الإمام علیّ علیه السلام : لا یَکونُ الصَّدیقُ صَدیقا حَتّی یَحفَظَ أخاهُ فی ثَلاثٍ : فی نَکبَتِهِ ، وغَیبَتِهِ ، ووَفاتِهِ . (4)

عنه علیه السلام : الصَّدیقُ مِن صَدَقَ غَیبُهُ . (5)

عنه علیه السلام : حَسبُ المَرءِ ... مِن صَداقَتِه ، کَثرَهُ مُوافَقَتِهِ . (6)

عنه علیه السلام : مَن دَعاکَ إلَی الدّارِ الباقِیَهِ وأعانَکَ عَلَی العَمَلِ لَها فَهُوَ الصَّدیقُ الشَّفیقُ . (7)

عنه علیه السلام : الصَّدیقُ الصَّدوقُ مَن نَصَحَکَ فی عَیبِکَ ، وحَفِظَکَ فی غَیبِکَ ، وآثَرَکَ عَلی نَفسِهِ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 5095 .
2- .غرر الحکم : 5021 .
3- .أعلام الدین : 313 ، بحار الأنوار : 78 / 379 / 4 .
4- .نهج البلاغه : الحکمه 134 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : 103 ، نثر الدرّ : 1 / 305 نحوه ، إرشاد القلوب : 193 ، غرر الحکم : 10821 ، بحار الأنوار : 74 / 163 / 28 .
5- .نهج البلاغه : الکتاب 31 ، تحف العقول : 83 ، غرر الحکم : 1151 ، بحار الأنوار : 74 / 165 / 28 ؛ کنز العمّال : 16 / 180 / 44215 عن وکیع والعسکری فی المواعظ .

6- .أعلام الدين : 127 ، كشف الغمّه : 3 / 138 ، بحار الأنوار : 78 / 80 / 66 .
7- .غرر الحكم : 8775 .
8- .غرر الحكم : 1904 .

5 / 9 صادق ترینِ برادران

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادران ، کسی است که در به جای آوردن خیر ، برترین یاور ، و در نیکی عامل ترین ، و با مصاحبان ، ملایم ترین است .

امام علی علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که به سوی خیر بشتابد و تو را بدان جذب کند ؛ تو را به نیکی فراخواند و در انجام دادن آن به تو کمک برساند .

امام عسکری علیه السلام : بهترینِ برادرانت ، کسی است که خطایت را فراموش کند و از نیکوکاری ات در حقّ خودش یاد کند .

5 / 9صادق ترینِ برادران امام علی علیه السلام : دوست ، دوست نخواهد بود ، مگر آن که برادرش را در سه حال نگه دارد : در سختی اش ، در غیبت او و پس از مرگش .

امام علی علیه السلام : دوست ، آن است که در نهان ، به دوستی پایبند است.

امام علی علیه السلام : در صداقت دوست ، همین بس که همراهی اش ، فراوان باشد .

امام علی علیه السلام : دوستِ مهربان ، آن کسی است که تو را به سرای آخرت فرا بخواند و در عمل کردن برای آن ، تو را یاری کند .

امام علی علیه السلام : دوستِ راستین ، کسی است که نیکخواهانه عیبت را به تو بگوید ، در نبودنت حافظ [آبرو و راز] تو باشد و تو را بر خود ، مقدّم بدارد .

.

عنه عليه السلام : لا يَحولُ الصَّديقُ الصَّدوقُ عَنِ المَوَدَّهِ وإن جُفِىَ . (1)

عنه عليه السلام : مَن بَصَّرَکَ عَيبَکَ وحَفِظَکَ فى غَيبِکَ فَهُوَ الصَّديقُ ، فَاحفَظهُ . (2)

عنه عليه السلام : الصَّديقُ مَن كانَ ناهِيا عَنِ الظُّلمِ وَالعُدوانِ، مُعينا عَلَى البِرِّ وَالإِحسانِ . (3)

عنه عليه السلام : أخوکَ الصَّديقُ مَن وَقاکَ بِنَفسِهِ ، وآثَرَکَ عَلى مالِهِ ووَلَدِهِ وعِرسِهِ . (4)

عنه عليه السلام : صَديقُکَ مَن نَهاکَ ، وعَدُوُّکَ مَن أغراکَ . (5)

عنه عليه السلام : مَنِ اهتَمَّ بِکَ فَهُوَ صَديقُکَ . (6)

عنه عليه السلام : إنَّ أخاکَ حَقّا مَن غَفَرَ زَلَّتَکَ ، وسَدَّ خَلَّتَکَ ، وقَبِلَ عُذرَکَ ، وسَتَرَ عَورَتَکَ ، ونَفى وَجَلَکَ ، وحَقَّقَ أمَلَکَ . (7)

عنه عليه السلام : أخوکَ الَّذى إن أحرَضَتکَ مُلِمَّهٌمِنَ الدَّهرِ لَم يَبرَح لِبَثِّکَ واجِما ولَيسَ أخوکَ بِالَّذى إن تَمَنَّعتَعَلَيکَ اُمورٌ ظَلَّ يَلحاکَ لائِما (8)

.

1- .غرر الحكم : 10824 .
2- .غرر الحكم : 8746 .
3- .غرر الحكم : 2078 .
4- .غرر الحكم : 2014 .
5- .غرر الحكم : 5857 .
6- .غرر الحكم : 8263 .
7- .غرر الحكم : 3645 .
8- .وقعه صفّين : 532 ، الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 406 نحوه، بحار الأنوار : 32/554/462 ؛ تاريخ الطبرىّ : 5 / 63 نحوه .

امام علی علیه السلام : دوستِ راستین ، از دوستی اش بازنمی گردد ، اگر چه به او جفا شود .

امام علی علیه السلام : هرکه تو را به عیبت بینا گردانَد و در نبودنت حافظ [آبرو و راز]تو باشد ، او همان دوست [حقیقی]است ، پس او را نگه دار .

امام علی علیه السلام : دوست ، کسی است که از ستم و تجاوزگری بازدارد و بر انجام دادن خوبی و نیکویی یاری کند .

امام علی علیه السلام : برادرِ راستینت ، کسی است که با جان خود ، تو را حفظ کند و تو را بر مال ، فرزند و همسر خود ، مقدّم دارد .

امام علی علیه السلام : دوستت ، کسی است که تو را [از بدی ها]بازدارد و دشمنت ، آن کسی است که تو را [به سوی بدی ها]برانگیزد .

امام علی علیه السلام : هرکه به [نیازهای] تو توجّه کند ، دوست توست .

امام علی علیه السلام : برادر حقیقی تو کسی است که لغزشت را ببخشد، نیازت را برطرف سازد ، عذرت را بپذیرد ، زشتی ات را بپوشاند ، ترست را بزداید و آرزویت را برآورد .

امام علی علیه السلام در شعر منسوب به ایشان : برادرت، کسی است که چون گرفتاری روزگارْ رنجورت ساخت/ در برابر درد دل هایت خاموش نمی ماند [و به یاری ات می شتابد] . کسی که چون دچار مشکلات شدی/ همواره سرزنشگرانه توبیخت می کند ، برادرت نیست .

.

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : إنَّ أخاكَ الصِّدقَ مَن يَسعى مَعَكومَن يَضُرُّ نَفسَهُ لِيَنفَعَکَ ومَن إذا عايَنَ أمرا قَطَّعَکشَتَّتَ فيهِ شَملَهُ لِيَجمَعَکَ (1)

كنزالفوائد : رُوِىَ أنَّ الصّادِقَ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ عليهماالسلام كانَ يَتَمَثَّلُ كَثيرا بِهذَينِ البَيتَينِ : أخوكَ الَّذى لَو جِئتَ بِالسَّيفِ عامِدالِتَضرِبَهُ لَم يَستَغِشَّکَ فِى الوُدِّ ولَو جِئتَهُ تَدعوهُ لِلمَوتِ لَم يَكُنيَرُدُّکَ إبقاءً عَلَيکَ مِنَ الوُدِّ (2)

5 / 10أكمَلُ الإخوانِ الإمام علىّ عليه السلام : كانَ لى فيما مَضى أخٌ فِى اللّهِ ، وكانَ يُعظِمُهُ فى عَينى صِغَرُ الدُّنيا فى عَينِهِ. وكانَ خارِجا مِن سُلطانِ بَطنِهِ؛فَلا يَشتَهى ما لا يَجِدُ ، ولا يُكثِرُ إذا وَجَدَ.وكانَ أكثَرَ دَهرِهِ صامِتا،فَإن قالَ بَذَّ القائِلينَ،ونَقَعَ غَليلَ السّائِلينَ. وكانَ ضَعيفا مُستَضعَفا ، فَإن جاءَ الجِدُّ فَهُوَ لَيثُ غابٍ ، وصِلُّ (3) وادٍ ، لا يُدلى بِحُجَّةٍ حَتّى يَأتِىَ قاضِيا . وكانَ لا يَلومُ أحَدا عَلى ما يَجِدُ العُذرَ فى مِثلِهِ حَتّى يَسمَعَ اعتِذارَهُ . وكانَ لا يَشكو وَجَعا إلاّ عِندَ بُرئِهِ . وكانَ يَقولُ ما يَفعَلُ ، ولا يَقولُ ما لا يَفعَلُ . وكانَ إذا غُلِبَ عَلَى الكَلامِ لَم يُغلَب عَلَى السُّكوتِ . وكانَ عَلى ما يَسمَعُ أحرَصَ مِنهُ عَلى أن يَتَكَلَّمَ . وكانَ إذا بَدَهَهُ أمرانِ يَنظُرُ أيُّهُما أقرَبُ إلَى الهَوى ؛ فَيُخالِفُهُ . فَعَلَيكُم بِهذِهِ الخَلائِقِ فَالزَموها ، وتَنافَسوا فيها ، فَإن لَم تَستَطيعوها فَاعلَموا أنَّ أخذَ القَليلِ خَيرٌ مِن تَركِ الكَثيرِ . (4)

.

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 253 و ص 256 .
2- .كنز الفوائد : 1 / 94 ، بحار الأنوار : 74 / 166 / 30 .
3- .الصِلّ : الحيّه من أخبث الحيّات (المعجم الوسيط : 1 / 521) .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 289 ، بحار الأنوار : 67 / 314 / 49 .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : برادر راستین تو کسی است که در کنار تو می کوشد/ و به خود ، زیان می زند تا به تو سودی رساند . و چون دید که مسئله ای تو را از هم گسیخته است/ خود را پراکنده خاطر می کند ، تا تو را جمعیّت خاطر ببخشد .

کنزالفوائد : نقل شده که امام صادق علیه السلام این دو بیت را بارها برای مَثَل زدن می خواند : برادرت کسی است که چون به عمد با شمشیر به سراغ او بروی/ تا او را از پای در آوری ، بازْ در دوستی خود ، کوتاهی نمی کند و فریبت نمی دهد. و چون او را به مرگ فرا بخوانی/ از سرِ دوستی و برای حفظ تو ، جواب رد به تو ندهد.

5 / 10کامل ترینِ برادران امام علی علیه السلام : در گذشته مرا برادری خدایی بود که کوچکی دنیا در چشمش، او را در چشم من بزرگ می داشت . مغلوب شکمش نبود. پس آنچه را نمی یافت ، آرزو نمی کرد و اگر می یافت ، از حد نمی گذراند . بیشتر روزگارش را خاموش بود؛ لیکن اگر سخن می گفت ، بر گویندگان پیشی می گرفت و تشنگی پرسندگان را فرو می نشاند . به ظاهر ، ناتوان می نمود ؛ لیکن به هنگام کوشش ، چون شیر بیشه و مار زهرآگینِ بیابان بود. جز در حضور قاضی، حجّت آوری نمی کرد و کسی را به سبب کاری که در مثل آن ، پوزش می آورند ، سرزنش نمی کرد تا عذرش را بشنود . از هیچ دردی شِکوه نمی کرد ، مگر پس از بهبودش. آنچه را می گفت، انجام می داد و آنچه را انجام نمی داد ، نمی گفت . اگر در گفتارْ مغلوب می شد ، در خاموشی مغلوب نمی گشت . بر شنیدن ، حریص تر از گفتن بود. (1) اگر با دو مسئله رویاروی می شد ، می نگریست که کدام یک به هوای نفسْ ، نزدیک تر است و با آن ، مخالفت می کرد . پس این خوی ها را به چنگ آورید و پایبند آنها باشید و در کسب آنها با یکدیگر رقابت کنید . اگر هم نتوانستید همه آنها را کسب کنید ، بدانید که به دست آوردن اندک ، بهتر از رها کردن بسیار است .

.

1- .در تحف العقول : 234 ، همین سخن به امام حسن علیه السلامنسبت داده شده است ، امّا با این تعبیر : «هرگاه در محضر عالمان قرار می گرفت ، بر شنیدن ، حریص تر از گفتن بود» .

الكافى عن أحمد بن محمّد بن خالد عَن بَعض أصحابِهِ مِنَ العِراقِيِّينَ رَفَعَهُ ، قالَ : خَطَبَ النّاسَ الحَسَنُ بنُ عَلِيٍّ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما فَقالَ : أيُّهَا النّاسُ ، أنَا أُخبِرُكُم عَن أخٍ لي كانَ مِن أعظَمِ النّاسِ فى عَينى ، وكانَ رَأسُ ما عَظَّمَ بِهِ فى عَينى صِغَرَ الدُّنيا فى عَينِهِ . كانَ خارِجا مِن سُلطانِ بَطنِهِ ؛ فَلا يَشتَهى ما لا يَجِدُ ، ولا يُكثِرُ إذا وَجَدَ . كانَ خارِجا مِن سُلطانِ فَرجِهِ ؛ فَلا يَستَخِفُّ لَهُ عَقلَهُ ولا رَأيَهُ . كانَ خارِجا مِن سُلطانِ الجَهالَهِ ؛ فَلا يَمُدُّ يَدَهُ إلاّ عَلى ثِقَهٍ لِمَنفَعَهٍ . كانَ لا يَتَشَهّى ، ولا يَتَسَخَّطُ ، ولا يَتَبَرَّمُ . كانَ أكثَرَ دَهرِهِ صَمّاتا ، فَإذا قالَ بَذَّ القائِلينَ ، كانَ لا يَدخُلُ فى مِراءٍ ، ولا يُشارِكُ فى دَعوى ، ولا يُدلى بِحُجَّهٍ حَتّى يَرى قاضِيا . وكانَ لا يَغفُلُ عَن إخوانِهِ ، ولا يَخُصُّ نَفسَهُ بِشَىءٍ دونَهُم . كانَ ضَعيفا مُستَضعَفا ، فَإذا جاءَ الجِدُّ كانَ لَيثا عادِيا . كانَ لا يَلومُ أحَدا فيما يَقَعُ العُذرُ فى مِثلِهِ حَتّى يَرَى اعتِذارا . كانَ يَفعَلُ ما يَقولُ ، ويَفعَلُ ما لا يَقولُ . كانَ إذَا ابتَزَّهُ أمرانِ لا يَدرى أيُّهُما أفضَلُ نَظَرَ إلى أقرَبِهِما إلَى الهَوى فَخالَفَهُ . كانَ لا يَشكو وَجَعا إلاّ عِندَ مَن يَرجو عِندَهُ البُرءَ ، ولا يَستَشيرُ إلاّ مَن يَرجو عِندَهُ النَّصيحَهَ . كانَ لا يَتَبَرَّمُ ، ولا يَتَسَخَّطُ ، ولا يَتَشَكّى ، ولا يَتَشَهّى ، ولا يَنتَقِمُ ، ولا يَغفُلُ عَن العَدُوِّ ، فَعَلَيكُم بِمِثلِ هذِهِ الأخلاقِ الكَريمَهِ إن أطَقتُموها ، فَإن لَم تُطيقوها كُلَّها فَأخذُ القَليلِ خَيرٌ مِن تَركِ الكَثيرِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّه . (1)

.

1- .الكافى : 2 / 237 / 26 ، مشكاه الأنوار : 240 وفيه «ولا يقول ما لا يفعل» بدل «ويفعل ما لا يقول» ، بحار الأنوار : 69 / 294 / 24 ؛ البدايه والنهايه : 8 / 39 عن محمّد بن كيسان الأصمّ نحوه.

الکافی به نقل از احمد بن محمّد بن خالد، از پاره ای از یارانش که این حدیث را به امام حسن علیه السلاممی رسانند : امام حسن علیه السلام برای مردم ، خطبه خواند و فرمود : «ای مردم ! من شما را از برادری خبر می دهم که در چشمم از بزرگ ترینِ مردم بود . علّت اصلی بزرگ جلوه نمودنش در چشمم، کوچکی دنیا در چشم او بود . او مغلوب شکمش نبود . پس آنچه را نمی یافت ، آرزو نمی کرد و اگر می یافت ، از حد نمی گذراند . او مغلوب شهوتش نبود. پس برای آن ، نه عقل خود را سبک می کرد و نه رأیش را . مغلوب نادانی نبود. پس دستش را جز به سوی شخص مورد اطمینان برای سودی دراز نمی کرد . نه هوسران بود ، نه خشمگین می شد و نه افسرده می گشت . بیشتر روزگارش را خاموش بود ؛ اما چون سخن می گفت، بر گویندگان پیشی می گرفت و در هیچ جدالی وارد نمی شد و در هیچ دعوایی شرکت نمی جست و تا قاضی ای (1)] برای شنیدن سخنانش [نمی یافت ، حجّت آوری نمی کرد . از برادرانش غافل نمی گشت و چیزی را از آنان بازنمی داشت و ویژه خود نمی ساخت . به ظاهر ، ناتوان می نمود ؛ اما به هنگام کوشش ، شیری شَرزه بود . هیچ کس را به سبب کاری که در مثل آن ، پوزش می آورند ، سرزنش نمی کرد ، تا عذرش را بداند . آنچه می گفت ، انجام می داد و آنچه نمی گفت ، نیز انجام می داد. (2) هرگاه با دو مسئله رویاروی می شد و نمی دانست کدام یک از آنها برترند ، می نگریست که کدام یک به هوای نفس ، نزدیک تر است . پس با آن مخالفت می کرد . از هیچ دردی شِکوه نمی کرد ، مگر نزد کسی که امید بهبود خود را از او داشت ، و جز با کسی که از او امید نیکخواهی داشت ، مشورت نمی کرد . افسرده و خشمگین نمی شد و پُر شکایت و هوسران نبود . از کسی انتقام نمی گرفت و در عین حال ، از دشمن ، غافل نمی گشت . پس اگر توانش را داشتید ، چنین خوی های بزرگوارانه ای به دست آورید و پایبند آنها باشید و اگر طاقت همه اش را نداشتید ،]بدانید که [به دست آوردن اندک ، بهتر از واگذاشتن بسیار است ، و دگرگونی و توانی جز به وسیله خدا نیست» .

.

1- .شیوه او این نبود که وقتی کسی به او ستمی روا می داشت در پیش مردم گله کند ؛ همان گونه که روش بیشتر مردم چنین است . بلکه شکیبایی می ورزید تا قاضی بیاید که او میان ظالم و وی داوری کند . این

در حقیقت ، به خودداری از سخن گفتن بیجا و پرهیز از سخن زیادی (مرآه العقول : 9 / 262) .
2- .اشاره به این که کردارش بیش از گفتارش بود . در نسخه ای چنین است : «و آنچه نمی کرد ، نمی گفت» و اگر متن ، چنین باشد ، مقصودْ آن است که کردارش کمتر از گفتارش نبود .

الإمام الباقر علیه السلام : كانَ لی أخٌ فی عَینی عَظیمٌ ، وكانَ الَّذی عَظَّمَهُ فی عَینی صِغَرَ الدُّنیا فی عَینِهِ . (1)

الإمام الرضا علیه السلام فی صِفَهِ الإمام : الإمامُ الأَنیسُ الرَّفیقُ ، وَالوالِدُ الشَّفیقُ ، وَالأَخُ الشَّقیقُ ، وَالاُمُّ البَرَّهُ بِالَوَلَدِ الصَّغیرِ . (2)

.

1- .حلیه الأولیاء : 3 / 186 عن أحمد بن محمّد ، تذكره الخواصّ : 339 عن أحمد بن یحیی ، البدایه والنهایه : 9 / 311 عن عبداللّه بن عطاء .
2- .الكافی : 1 / 200 / 1 ، الغیبه للنعمانی : 219 / 6 ، تحف العقول : 439 نحوه وفیه «الولد» بدل «الوالد» ، كمال الدین : 678 / 31 ، معانی الأخبار : 98 / 2 ، الأمالی للصدوق : 776 / 1049 والثلاثه الأخیره نحوه إلی «الشقیق» وكلّها عن عبد العزیز بن مسلم ، بحار الأنوار : 25 / 123 / 4 .

امام باقر علیه السلام : مرا برادری بود که در چشمم بزرگ می نمود . آنچه او را در چشمم بزرگ می کرد ، کوچکی دنیا در چشم او بود .

امام رضا علیه السلام در تعریف «امام» : امام ، همدم و رفیق است و پدر مهربان ؛ و برادرِ همسان است و مادر نیکوکار به فرزند کوچکش .

.

الفصل السادس: آداب المحبَّه6 / 1ما يَنبَغى فى مُعاشَرَهِ الإِخوانِأ مَعرِفَهُ المُواصَفاتِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا آخَى الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَليَسأَلهُ عَنِ اسمِهِ وَ اسمِ أبيهِ و مِمَّن هُوَ ؛ فَإِنَّهُ أوصَلُ لِلمَوَدَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم أخاهُ المُسلِمَ فَليَسأَلهُ عَنِ اسمِهِ وَ اسمِ أبيهِ وَ اسمِ قَبيلَتِهِ و عَشيرَتِهِ ؛ فَإِنَّ مِن حَقِّهِ الواجِبِ و صِدقِ الإِخاءِ أن يَسأَلَهُ عَن ذلِكَ ، و إلاّ فَإِنَّها مَعرِفَهُ حُمقٍ . (2)

.

1- .سنن الترمذى : 4 / 599 / 2392 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 6 / 257 / 216 ، الطبقات الكبرى : 6 / 65 ، حليه الأولياء: 6/181، المطالب العاليه: 3/8/2726 وفيه «أقبل» بدل «أوصل» كلّها عن يزيد بن نعامه الضبى ، كنز العمّال : 9 / 24 / 24743 ؛ مشكاه الأنوار : 193 وفيه «إذا جاء الرجل فاسأله...» ، كنز الفوائد : 1 / 98 .
2- .الكافى : 2 / 671 / 3 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصادقه الإخوان : 179 / 1 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، الجعفريّات : 194 ، نوادر الراوندى : 11 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله، مشكاه الأنوار: 324 عن السكونى عنه صلى الله عليه و آلهوكلّها نحوه ، بحار الأنوار: 74/179/23 .

فصل ششم : آداب دوستی

6 / 1 شایسته های معاشرت با برادران

الف شناخت ویژگی ها

فصل ششم : آداب دوستی6 / 1شایسته های معاشرت با برادرانالف شناخت ویژگی ها رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه کسی با کسی دوستی می کند ، نامش ، نام پدرش و خاستگاهش را بپرسد ، که این کار ، پیوند دوستی را استوارتر می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه کسی از شما با برادر مسلمانش دوست شد ، نامش ، نام پدرش و نام قبیله و تیره اش را بپرسد ؛ زیرا پرسش از این چیزها ، از حقوق واجبِ دوستی و نشانه برادری راستین است ، وگرنه آن ، شناختی (آشنایی ای) احمقانه است .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا آخى أحَدُكُم رَجُلاً فَليَسأَلهُ عَنِ اسمِهِ وَاسمِ أبيهِ وقَبيلَتِهِ ومَنزِلِهِ ؛ فَإِنَّهُ مِن و اجِبِ الحَقِّ و صافِى الإِخاءِ ، و إلاّ فَهُوَ مَوَدَّةٌ حَمقاءُ . (1)

شعب الإيمان عن ابن عمر : رَآنِى النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله و أنَا أَلتَفِتُ ، فَقالَ : ما لَكَ تَلتَفِتُ ؟ قُلتُ : آخَيتُ رَجُلاً . قالَ : إذا أحبَبتَ رَجُلاً فَاسأَلهُ عَنِ اسمِهِ وَ اسمِ أبيهِ ، فَإِن كانَ غائِبا حَفِظتَهُ ، و إن كانَ مَريضا فَعُدتَهُ (2) ، و إن ماتَ شَهِدتَهُ . (3)

حليه الأولياء عن سالم عن أبيه : كُنتُ عِندَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذ مَرَّ عَلَيهِ رَجُلٌ فَقالَ رَجُلٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى لأُحِبُّ هذا فِى اللّهِ عز و جل . فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : هَل تَدرِى مَا اسمُهُ ؟ قالَ : لا . فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : فَاسأَلهُ عَنِ اسمِهِ . فَسَأَلهُ و أعلَمَهُ ذلِكَ . فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ : أحَبَّكَ اللّهُ الَّذى أحبَبتَنى فيهِ . فَرَجَعَ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَأخبَرَهُ بِالَّذى قالَ لَهُ وَ الَّذى رَدَّ عَلَيهِ . فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وَجَبَت . (4)

.

1- .مشكاه الأنوار : 98 .
2- .كذا فى المصدر وفى بقيه المصادر «عُدته».
3- .شُعب الإيمان : 6 / 492 / 9023 ، الجامع الصغير : 1 / 54 / 333 ، كشف الخفاء : 1 / 74 / 177 كلاهما عن ابن عمر وفيهما من «إذا أحببت» وفيهما «آخيت» بدل «أحببت» ، كنز العمّال : 9 / 24 / 24744 .
4- .حليه الأولياء : 2 / 197 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما با کسی دوستی کرد ، نامش ، نام پدر و قبیله اش را بپرسد و از منزلش خبر گیرد ؛ زیرا این کار از حقوق واجب و صفای برادری است ، و گرنه ، دوستیِ احمقانه است .

شُعَب الإیمان به نقل از ابن عمر : پیامبر صلی الله علیه و آله مرا دید که به چپ و راست می نگرم . پس فرمود : «چرا به این سو و آن سو می نگری ؟». گفتم : با مردی دوستی کردم]و اینک به دنبالش می گردم[. فرمود : «هرگاه با کسی دوستی کردی ، نام او را و نام پدرش را بپرس تا در نبودش ، او را حفظ کنی ، اگر بیمار گشت ، به عیادتش بروی و اگر مُرد ، در تشییع جنازه اش حاضر شوی» .

حلیه الأولیاء به نقل از سالم، از پدرش : نزد پیامبر خدا بودم که مردی بر ایشان گذشت . مرد دیگری گفت : «ای رسول خدا ! من این [مرد]را در راه خدای عز و جل دوست می دارم . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «آیا نامش را می دانی ؟» . گفت : نه . پیامبر صلی الله علیه و آلهفرمود : «پس نامش را بپرس» . او نیز نامش را پرسید و آن مرد ، پاسخش را داد و سپس افزود : «خداوندی که مرا در راه او دوست داشتی ، دوستت بدارد» . پس آن مرد [پرسنده] به سوی رسول خدا بازگشت و حضرت را از آنچه به آن مرد گفته بود و آنچه از او شنیده بود، باخبر کرد . آن گاه پیامبر خدا فرمود : «[اینک حقیقت دوستی] تحقّق یافت» .

.

ب إعلامُ المَحَبَّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم صاحِبَهُ أو أخاهُ فَليُعلِمهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ الرَّجُلُ أخاهُ فَليُخبِرهُ أنَّهُ يُحِبُّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم أخاهُ فَليُعلِمهُ ؛ فَإِنَّهُ أصلَحُ لِذاتِ البَينِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم أخاهُ فَليُعلِمهُ ؛ فَإِنَّهُ يَجِدُ لَهُ مِثلَ الَّذى عِندَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم أخاهُ فَليُعلِمهُ ذلِکَ ، ثُمَّ لِيَزُرهُ ، و لا يَكون أوَّلَ قاطِعٍ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم أخاهُ فَليُخبِرهُ ؛ لِيَقُل : إنّى اُحِبُّکَ فِى اللّهِ ، إنّى أوَدُّکَ فِى اللّهِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : أبدِ المَوَدَّهَ لِمَن وادَّکَ تَكُن أثبَتَ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم أخاهُ فِى اللّهِ فَليُعلِمهُ ؛ فَإِنَّهُ أبقى فِى الاُلفَهِ ، و أثبَتُ فِى المَوَدَّهِ . (8)

.

1- .المحاسن : 1/415/953 عن عبداللّه بن القاسم الجعفرىّ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار: 74 / 182 / 3 ؛ المستدرک على الصحيحين : 4 / 189 / 7322 ، تاريخ بغداد : 4 / 59 كلاهما عن المقدام بن معدى كرب وليس فيهما «صاحبه» ، كنز العمّال : 9 / 24 / 24745 .
2- .سنن أبى داود : 4 / 332 / 5124 ، الإخوان : 135 / 65 ، مسند ابن حنبل : 6 / 91 / 17171 ، الأدب المفرد : 165 / 542 كلّها عن المقدام بن معدى كرب.
3- .نوادر الراوندى : 12 ، الجعفريّات : 195 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

4- .شُعب الإيمان : 6 / 489 / 9010 ، الإخوان : 141 / 74 وفيه «يجد له» بدل «عنده» وكلاهما عن عبداللّه بن عمر ، كنز العمّال : 9 / 25 / 24749 .
5- .الفردوس : 1 / 303 / 1197 عن أبى سعيد .
6- .الإخوان : 137 / 68 عن مجاهد ، كنز العمّال : 9 / 35 / 24805 .
7- .الإخوان : 136/66 ، الفردوس : 1/434/1766 نحوه ، كنز العمّال : 9/34/24797 نقلاً عن المعجم الكبير و كلّها عن أبى حميد الساعدى .
8- .الإخوان : 138 / 69 عن مجاهد ، كنز العمّال : 9 / 25 / 24747 .

ب اعلام دوستی

ب اعلام دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما یار یا برادرش را دوست داشت ، او را [از این دوستی] باخبر کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه مردی ، برادرش را دوست داشت ، باخبرش کند که دوستش می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت ، او را [از این دوستی]باخبر کند ؛ چرا که این کار ، افراد را بیشتر به هم می پیوندد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت ، او را [از این دوستی]باخبر کند ؛ زیرا که همانند حالت خودش را نزد او خواهد یافت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت ، او را [از این دوستی]باخبر کند و به دیدارش برود و نخستین کسی نباشد که قطع رابطه می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت ، او را [از این دوستی]باخبر کند و [به او سخنانی از این دست]بگوید : من تو را در راه خدا دوست می دارم. من به تو در راه خدا علاقه دارم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی خودت را نسبت به آن که تو را دوست دارد ، آشکار کن تا [در دوستی ات]استوارتر باشی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما برادرش را در راه خدا دوست داشت ، او را [از این دوستی] باخبر کند ، که این کار ، الفت را پایدارتر می سازد و دوستی را استوارتر می کند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ فى قَلبِهِ مَوَدَّهٌ لِأَخيهِ ثُمَّ لَم يُطلِعهُ عَلَيهِ فَقَد خانَهُ . (1)

سنن أبى داود عن أنس : إنَّ رَجُلاً كانَ عِندَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَمَرَّ بِهِ رَجُلٌ ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى لأُحِبُّ هذا . فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أعلَمتَهُ ؟ قالَ : لا . قالَ : أعلِمهُ . قالَ : فَلَحِقَهُ فَقالَ : إنّى أُحِبُّکَ فِى اللّهِ . فَقالَ : أحَبَّکَ الَّذى أحبَبتَنى لَهُ . (2)

المحاسن عن مجاهد : لَقِيَنى رَجُلٌ مِن أصحابِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَأَخَذَ بِمَنكِبِى مِن وَرائى ، قالَ : أما إنّى أُحِبُّکَ . قالَ : أحَبَّکَ الَّذى أحبَبتَنى لَهُ . فَقالَ : لَولا أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهقالَ : «إذا أحَبَّ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَليُخبِرهُ أنَّهُ أحَبَّهُ» ما أخبَرتُکَ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ أحَدُكُم صاحِبَهُ ، فَليَأتِهِ فى مَنزِلِهِ فَليُخبِرهُ أنَّهُ يُحِبُّهُ للّهِ . (4)

المحاسن عن أبى البلاد : مَرَّ رَجُلٌ فِى المَسجِدِ وأبو جَعفَرٍ عليه السلام جالِسٌ وأبو عَبدِاللّهِ عليه السلام ، فَقالَ لَهُ بَعضُ جُلَسائِهِ : وَ اللّهِ ، إنّى لأُحِبُّ هذَا الرَّجُلَ . قالَ لَهُ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : ألا فَأَعلِمهُ ؛ فَإِنَّهُ أبقى لِلمَوَدَّهِ ، وخَيرٌ فِى الاُلفَهِ . (5)

.

1- .الإخوان : 140 / 72 عن مكحول ، كنز العمّال : 9 / 25 / 24748 .
2- .سنن أبى داود : 4 / 333 / 5125 ، مسند ابن حنبل : 4 / 282 / 12433 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 189 / 7321 ، صحيح ابن حبّان : 2 / 331 / 571 ، المصنّف لعبدالرزّاق : 11 / 200 / 20319 كلّها عن أنس ، المعجم الكبير : 22/ 138 / 366 عن وحشى بن حرب عن أبيه عن جدّه ، الإخوان : 138 / 70 عن حبيب بن ضبيعه الضبعى ، كنز العمّال : 9/175/25578 نقلاً عن تاريخ دمشق عن أنس و ص 177 / 25581 نقلاً عن أبى نعيم عن الحارث و كلّها نحوه .
3- .الأدب المفرد : 165 / 543 ، وراجع المعجم الكبير : 12 / 280 / 13361 .

4- .مسند ابن حنبل : 8 / 66 / 21352 ، الزهد لابن المبارک : 248 / 712 كلاهما عن أبی ذرّ ، كنز العمّال : 9 / 25 / 24746 .
5- .المحاسن : 1 / 415 / 951 ، بحار الأنوار : 74 / 181 / 1 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه در دلش نسبت به برادرش محبّتی داشته باشد و او را از آن باخبر نکند ، به او خیانت کرده است .

سنن أبی داوود به نقل از اَنَس : مردی نزد پیامبر خدا بود که مردی دیگر بر ایشان گذشت . آن مرد گفت : ای پیامبر خدا ! من این مرد را [که گذشت ،]دوست می دارم . پیامبر صلی الله علیه و آلهبه او فرمود : «آیا با خبرش کرده ای ؟» . گفت : نه . فرمود : «او را باخبر کن» . پس ، خود را به آن مرد رساند و گفت : من تو را در راه خدا دوست می دارم . آن مرد گفت : آن که مرا برای او دوست می داری ، نیز دوستت بدارد .

المحاسن به نقل از مجاهد : مردی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آلهمرا دید و از پشت ، شانه ام را گرفت و گفت : هان ! من تو را دوست دارم . پاسخ داد[م] : آن که مرا برای او دوست می داری ، دوستت بدارد ! . آن مرد گفت : اگر نبود که پیامبر خدا فرمود : «هرگاه کسی ، کسی را دوست داشت ، باخبرش کند که دوستش می دارد» ، تو را [از محبّتم]باخبر نمی کردم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما مصاحبش را دوست می داشت ، به خانه اش برود و باخبرش کند که او را برای خدا دوست می دارد .

المحاسن به نقل از ابو البلاد : امام باقر و امام صادق علیهماالسلام در مسجد نشسته بودند که مردی گذشت. یکی از همنشینان ایشان گفت : به خدا سوگند ، من این مرد را دوست می دارم . امام باقر علیه السلامفرمود : «هان ! باخبرش کن ، که [این کار ،]دوستی را پایدارتر می کند و برای انس گرفتن ، بهتر است» .

.

الإمام الصادق علیه السلام : إذا أحبَبتَ رَجُلاً فَأَخبِرهُ بِذلِکَ ؛ فَإِنَّهُ أثبَتُ لِلمَوَدَّهِ بَینَکُما . (1)

عنه علیه السلام : إذا أحبَبتَ أحَدا مِن إخوانِکَ فَأَعلِمهُ ذلِکَ ؛ فَإِنَّ إبراهیمَ علیه السلامقالَ : «رَبِّ أَرِنی کَیْفَ تُحْیِ الْمَوْتَی قَالَ أَوَ لَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَی وَلَکِن لِّیَطْمَئِنَّ قَلْبِی» (2) . (3)

ج حِفظُ الوُدِّ القَدیمِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالی یُحِبُّ حِفظَ الوُدِّ القَدیمِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل یُحِبُّ المُلازَمَهَ عَلَی الإِخاءِ القَدیمَهِ ، فَداوِموا عَلَیها . (5)

داود علیه السلام لِابنِهِ سُلَیمانَ علیه السلام : یا بُنَیَّ ، لا تَستَبدِلَنَّ بِأَخٍ قَدیمٍ أخا مُستَفادا مَا استَقامَ لَکَ ، و لا تَستَقِلَّنَّ أن یَکونَ لَکَ عَدُوٌّ واحِدٌ ، و لاَ تَستَکثِرَنَّ أن یَکونَ لَکَ أَلفُ صَدیقٍ . (6)

سلیمان علیه السلام لِابنِهِ : یا بُنَیَّ ، عَلَیکَ بِالحَبیبِ الأَوَّلِ ؛ فَإِنَّ الحَبیبَ الأَخیرَ لا یَعدِلُهُ . (7)

.

1- .الکافی : 2 / 644 / 2 ، المحاسن : 1 / 415 / 952 وفیه صدره وکلاهما عن هشام بن سالم ؛ کنز العمّال : 9 / 35 / 24806 و ح 24807 .
2- .البقره : 260 .
3- .الکافی : 2 / 644 / 1 عن نصر بن قابوس .
4- .جامع الأحادیث للسیوطی : 1 / 306 / 5592 ، کنز العمّال : 9 / 27 / 24760 نقلاً عن الکامل لابن عدی و کلاهما عن عائشه .
5- .فردوس الأخبار : 1 / 194 / 566 عن جابر ، کنز العمّال : 9 / 27 / 24759 .
6- .عیون الأخبار لابن قتیبه : 3 / 1 عن یحیی بن کثیر ؛ کنز الفوائد : 1 / 98 ولیس فیه «قدیم» ، بحار الأنوار : 74 / 264 / 3 .

7- .شُعب الإيمان: 6/332/8393 ، حليه الأولياء: 3/71 وفيه «فإنّ الآخر» بدل «فإنّ الحبيب الأخير» و كلاهما عن يحيى بن أبى كثير.

امام صادق علیه السلام : هرگاه کسی را دوست داشتی ، از آن [محبّت] باخبرش ساز ، که این کار ، دوستی میان شما را پایدارتر می کند .

امام صادق علیه السلام : هرگاه یکی از برادرانت را دوست داشتی ، از آن [محبّت] ، باخبرش کن ؛ زیرا ابراهیم علیه السلامنیز گفت : «پروردگارا ! به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی ؟`` . گفت : آیا ایمان نیاورده ای ؟`` . گفت : چرا ؛ ولی می خواهم دلم آرامش یابد``» .

ج حفظ دوستی کهن رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، حفظ دوستیِ دیرین را دوست می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جلپایبندی به برادریِ دیرین را دوست می دارد . پس بر آن ، مداومت کنید .

داوود علیه السلام به فرزندش سلیمان علیه السلام : پسرکم ! برادر کهن را تا آن جا که با تو صادق است ، با برادریِ [تازه]به دست آمده ، عوض مکن . حتّی اگر یک دشمن داشته باشی ، آن را کم مشمار و اگر هزار دوست داشته باشی ، آن را بسیار مشمار .

سلیمان علیه السلام به فرزندش : پسرکم ! دوست دیرین را نگه دار ، که دوست تازه با او برابر نیست .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : لا تَستَبدِلَنَّ بِأَخٍ لَکَ قَديمٍ أخا مُستَفادا مَا استَقامَ لَکَ ؛ فَإِنَّکَ إن فَعَلتَ فَقَد غَيَّرتَ ، و إن غَيَّرتَ تَغَيَّرَت نِعَمُ اللّهِ عَلَيکَ . (1)

عنه عليه السلام : اِختَر مِن کُلِّ شَىءٍ جَديدَهُ ، ومِنَ الإِخوانِ أقدَمَهُم . (2)

عنه عليه السلام : خَيرُ کُلِّ شَىءٍ جَديدُهُ ، و خَيرُ الإِخوانِ أقدَمُهُم . (3)

عنه عليه السلام : مِن کَرَمِ المَرءِ بُکاؤُهُ عَلى ما مَضى مِن زَمانِهِ ، و حَنينُهُ إلى أوطانِهِ ، وحِفظُهُ قَديمَ إخوانِهِ . (4)

عنه عليه السلام : إذا طالَتِ الصُّحبَهُ تَأَکَّدَتِ الحُرمَهُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : عَلَيکَ بِالتِّلادِ ، و إيّاکَ و کُلَّ مُحدَثٍ لا عَهدَ لَهُ و لا أمانَهَ و لا ذِمَّهَ و لا ميثاقَ ، و کُن عَلى حَذَرٍ مِن أوثَقِ النّاسِ فى نَفسِکَ ؛ فَإِنَّ النّاسَ أعداءُ النِّعَمِ . (6)

عنه عليه السلام : مَوَدَّهُ يَومٍ صِلَهٌ ، و مَوَدَّهُ شَهرٍ قَرابَهٌ ، و مَوَدَّهُ سَنَهٍ رَحِمٌ ثابِتَهٌ ، مَن قَطَعَها قَطَعَهُ اللّهُ . (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 324 / 713 .
2- .غرر الحكم : 2461 .
3- .غرر الحكم : 5089 .
4- .كنز الفوائد : 1 / 94 ، بحار الأنوار : 74 / 264 / 3 .
5- .غرر الحكم : 4017 ، 7206 .
6- .الكافى : 8 / 249 / 350 و ج 2 / 639 / 4 و ليس فيه «فإنّ الناس ...» و كلاهما عن ابن مسكان عن رجل من أهل الجبل.
7- .إحقاق الحقّ : 19 / 531 نقلاً عن الأنوار القدسيّه و ج 12/264 نقلاً عن آداب العشره وذكر الصحبه والأُخوه.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : برادر کهن را تا هنگامی که با تو صادق است ، با برادریِ [تازه] به دست آمده ، عوض مکن ؛ زیرا اگر چنین کنی ، تغییر داده ای و اگر تغییر بدهی ، نعمت های خدا نیز بر ضدّ تو تغییر می کنند . (1)

امام علی علیه السلام : از هر چیز ، نُوَش را برگزین ؛ امّا از برادران ، قدیمی ترینشان را .

امام علی علیه السلام : بهترینِ هر چیزی ، نوِ آن است ؛ امّا بهترینِ برادران ، قدیمی ترینشان است .

امام علی علیه السلام : نشانه بزرگواریِ آدمی ، گریستن او بر روزگار از دست رفته ، اشتیاق به وطن و حفظ برادران دیرین است .

امام علی علیه السلام : هرگاه مصاحبتْ طولانی شود ، حرمت [دوستی] استوارتر می گردد .

امام صادق علیه السلام : دوست کُهَن و آزموده ات (2) را نگه دار و از هر دوست نو یافته که پاسِ هیچ عهد و پیمان و امانتی را نگه نمی دارد ، بپرهیز و درباره خودت ، از مورد اعتمادترینِ مردمان نیز بهوش باش ؛ زیرا مردم ، دشمن نعمت اند .

امام صادق علیه السلام : دوستی یک روزه ، رابطه است . دوستی یک ماهه ، خویشی است و دوستی یک ساله ، خویشاوندی پایداری است که هرکس آن را بِبُرد ، خداوند ، [رشته عمر] او را به سر می آورد .

.

1- .واژه «تغییر» ، در زبان قرآن و روایات ، بیشتر به معنای «دگرگونی ناپسند و بدفرجام» به کار می رود .
2- .«تلاد» مال کهن ریشه داری است که در نزد تو پدید آمده است ؛ بر خلاف «طارف» . ظاهرا مراد این است که دوست قدیمی را که آزموده ای و میان تو و او پیمانها و پیوندهایی به وجود آمده ، حفظ کن و از دوستی با هر همراه جدیدی که پیمانی هم با تو دارد ، امّا از امانت داریش اطلاعی

نداری و هنوز میان تو و او عهد و پیمانی برقرار نشده ، دوری کن (مرآه العقول : 26 / 224) .

عنه علیه السلام : صُحبَهُ عِشرینَ سَنَهً قَرابَهٌ . (1)

د الاِنبِساطُ فِی اللِّقاءِ الإمام الباقر علیه السلام : أتی رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلٌ فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، أوصِنی . فَکانَ فیما أوصاهُ أن قالَ : اِلقَ أخاکَ بِوَجهٍ مُنبَسِطٍ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا تُحَقِّرَنَّ مِنَ المَعروفِ شَیئا و لَو أن تَلقی أخاکَ بِوَجهٍ طَلِقٍ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله : کُلُّ مَعروفٍ صَدَقَهٌ ، و مِنَ المَعروفِ أن تَلقی أخاکَ بِوَجهٍ طَلِقٍ ، و أن تُفرِغَ مِن دَلوِکَ فی إنائِهِ . (4)

الإمام الباقر علیه السلام : تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فی وَجهِ أخیهِ حَسَنَهٌ ، و صَرفُ القَذی عَنهُ حَسَنَهٌ . وما عُبِدَ اللّهُ بِشَیءٍ أحَبَّ إلَی اللّهِ مِن إدخالِ السُّرورِ عَلَی المُؤمِنِ . (5)

الإمام الصادق علیه السلام : مَن تَبَسَّمَ فی وَجهِ أخیهِ کانَت لَهُ حَسَنَهٌ . (6)

الإمام الرضا علیه السلام : مَن تَبَسَّمَ فی وَجهِ أخیهِ المُؤمِنِ کَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَهً ، و مَن کَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَهً لَم یُعَذِّبهُ . (7)

.

1- .الکافی : 6 / 199 / 5 ، قرب الإسناد : 51 / 164 کلاهما عن الحسین بن علوان ، تحف العقول : 293 عن الإمام الباقر علیه السلام و ص 358 عن الإمام الصادق علیه السلام ، نثر الدرّ : 1 / 352 وفیه «یوما» بدل «سنه» ، بحار الأنوار : 78/210/92؛ الفردوس: 4 / 155 / 6480 عن الإمام علیّ علیه السلاموفیه : «معرفه عشره» بدل «صحبه عشرین».
2- .الکافی : 2 / 103 / 3 عن أبی بصیر ، تحف العقول : 41 من دون إسناد إلی الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 171 / 38 .
3- .صحیح مسلم : 4 / 2026 / 2626 ، مسند ابن حنبل : 8 / 122 / 21575 کلاهما عن أبی ذرّ ، المعجم الکبیر : 7 / 64 / 6385 نحوه عن جابر بن سلیم ، کنز العمّال : 6 / 418 / 16341 .

4- .مسند ابن حنبل : 5 / 111 / 14715 ، سنن الترمذى : 4 / 347 / 1970 كلاهما عن جابر بن عبداللّه .
5- .الكافى : 2 / 188 / 2 ، مصادقه الإخوان : 158 / 2 كلاهما عن جابر بن يزيد وفيه : «المؤمن» بدل «الرجل» ، وراجع مشكاه الأنوار : 180.
6- .الكافى : 2 / 205 / 1 عن سعدان بن مسلم ، مصادقه الإخوان : 158 / 3 .
7- .مصادقه الإخوان : 157 / 1 .

د گشاده رویی به هنگام دیدار

امام صادق علیه السلام : دوستی بیست ساله ، [نوعی]خویشاوندی است .

د گشاده رویی به هنگام دیدار امام باقر علیه السلام : مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! مرا سفارشی کن» . از جمله سفارش های حضرت به او این بود که : «با روی گشاده ، با برادرت دیدار کن» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از کارهای نیک را حقیر مشمار ؛ گرچه [آن کار نیک ، در این حد باشد که]برادرت را با روی گشاده دیدار کنی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر کار نیکی ، صدقه است . از جمله کارهای نیک ، آن است که برادرت را با روی گشاده دیدار کنی و از آب دَلوِ خود در ظرف او بریزی .

امام باقر علیه السلام : لبخند انسان به روی چهره برادرش ، نیکی است و برطرف ساختن خاشاک از سر راهش نیکی است . خداوند به چیزی بالاتر از شاد ساختن مؤمنان ، پرستیده نشده است .

امام صادق علیه السلام : هرکه به روی برادرش لبخند بزند ، برایش ثوابی (پاداشی) خواهد بود .

امام رضا علیه السلام : هرکه به روی برادر مؤمن خود لبخند بزند ، خداوند برایش ثوابی خواهد نوشت و هرکه خداوند برایش ثوابی بنویسد ، او را عذاب نخواهد داد .

.

الكافي عن ابن محبوب عَن بَعضِ أصحابِهِ عَن أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام : قُلتُ لَهُ : ما حَدُّ حُسنِ الخُلُقِ ؟ قالَ : تُلینُ جَناحَکَ ، و تُطیبُ کَلامَکَ ، و تَلقی أخاکَ بِبِشرٍ حَسَنٍ . (1)

ه المُداراهِ الإمام الرضا علیهِ السلام حینَ سُئِلَ مَا العَقلُ : التَّجَرُّعُ لِلغُصَّهِ ، و مُداهَنَهُ الأَعداءِ ، و مُداراهُ الأَصدِقاءِ . (2)

6 / 2ما لا یَنبَغی فی مُعاشَرَهِ الإِخوانِأ التَّصَنُّع رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ثَلاثَهٌ لا یَنظُرُ اللّهُ إلَیهِم یَومَ القِیامَهِ و لا یُزَکّیهِم و لَهُم عَذابٌ أَلیمٌ : المُرخی ذَیلَهُ مِنَ العَظَمَهِ ، وَ المُزَکّی سِلعَتَهُ بِالکَذِبِ ، و رَجُلٌ اِستَقبَلَکَ بِوُدِّ صَدرِهِ فَیُواری (وقَلبُهُ) مُمتَلِئٌ غِشّا . (3)

عنه صلی الله علیه و آله : إذا ظَهَرَ العِلمُ وَ احتُرِزَ العَمَلُ ، وَ ائتَلَفَتِ الأَلسُنُ وَ اختَلَفَتِ القُلوبُ ، وتَقاطَعَتِ الأَرحامُ ، هُنالِکَ « لَعَنَهُمُ اللّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمَی أَبْصَرَهُمْ » (4) . (5)

.

1- .الکافی : 2 / 103 / 4 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 4 / 412 / 5897 وفیه «سُئل الصادق علیه السلام» ، معانی الأخبار : 253 / 1 وفیهما : «جانبک» بدل «جناحک» .
2- .الأمالیللصدوق : 358/441 عن الحسین بن خالد، روضه الواعظین: 8 ، بحار الأنوار : 75/393/3 .
3- .تفسیر العیّاشی : 1 / 179 / 69 عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام ، بحار الأنوار : 75 / 211 / 6 .
4- .محمّد : 23 .
5- .ثواب الأعمال : 289 / 1 عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : 74/96/27 ؛ المعجم الکبیر : 6 / 263 / 6170 ، تاریخ دمشق : 13 / 100 / 3066 ، حلیه الأولیاء : 3 / 109 کلّها عن سلمان الفارسی نحوه ، کنز العمّال : 16 / 44 / 43857 .

ه مدارا

6 / 2 ناشایسته های معاشرت با برادران

الف ظاهرسازی

الکافی به نقل از ابن محبوب، از یکی از یاران امام صادق علیه السلام : به ایشان (امام صادق) گفتم : «حدّ خوش خویی چیست ؟» فرمود : «در رفتارت افتادگی کنی ، سخنت را شیرین نمایی و برادرت را با روی گشاده دیدار کنی .

ه مدارا امام رضا علیه السلام چون از ایشان پرسیدند که عقل چیست ، فرمود : اندک اندک فرو خوردن غصه ، مسالمت با دشمنان و مدارای با دوستان .

6 / 2ناشایسته های معاشرت با برادرانالف ظاهرسازی رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند در روز قیامت ، به سه کس نمی نگرد ، آنان را پاک نمی سازد و برایشان عذابی دردناک خواهد بود : کسی که از سر تکبّر ، دنباله جامه اش را بلند می کند [تا بر زمین کشیده شود] ؛ کسی که به دروغ ، کالای خود را پاک و بی عیب معرّفی می کند ؛ و کسی که دوستانه با تو رویاروی می شود ، حال آن که قلبش لبریز از فریب است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دانشْ آشکار و عملْ بازداشته شود و زبان ها با یکدیگر سازگار و دل ها ناسازگار شوند و پیوندهای خویشی گسسته گردد ، آن جاست که «خداوند آنان را لعنت نمود . آنان را کر و چشمانشان را کور ساخته است» . (1)

.

1- .سوره محمّد، آیه 23 .

عنه صلى الله عليه و آله : إذا تَعَلَّمَ النّاسُ العِلمَ و تَرَكُوا العَمَلَ ، و تَحابّوا بِالأَلسُنِ و تَباغَضوا بِالقُلوبِ ، و تَقاطَعوا فِى الأَرحامِ ، لَعَنَهُمُ اللّهُ عِندَ ذلِکَ ؛ فَأَصَمَّهُم و أعمى أبصارَهُم . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَعالى أوحى إلى داودَ عليه السلام : إنَّ العِبادَ تَحابّوا بِالأَلسُنِ وتَباغَضوا بِالقُلوبِ ، و أظهَرُوا العَمَلَ لِلدُّنيا و أبطَنُوا الغِشَّ وَ الدَّغَلَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : رُبَّ مُتَوَدِّدٍ مُتَصَنِّعٍ . (3)

عنه عليه السلام فى فِتنَةِ بَنى اُمَيَّةَ : كانَ أهلُ ذلِکَ الزَّمانِ ذِئابا ، و سَلاطينُهُ سِباعا ، وأوساطُهُ اُكّالاً ، و فُقَراؤُهُ أمواتا ، و غارَ الصِّدقُ ، و فاضَ الكَذِبُ ، وَ استُعمِلَتِ المَوَدَّةُ بِاللِّسانِ ، و تَشاجَرَ النّاسُ بِالقُلوبِ . (4)

عنه عليه السلام فى فِتنَةِ بَنى اُمَيَّةَ : هَدَرَ فَنيقُ الباطِلِ بَعدَ كُظومٍ ، و تَواخَى النّاسُ عَلَى الفُجورِ ، و تَهاجَروا عَلَى الدّينِ ، و تَحابّوا عَلَى الكَذِبِ ، و تَباغَضوا عَلَى الصِّدقِ . (5)

ب سوءُ الظَّنِّ الإمام علىّ عليه السلام : لا يُفسِدُکَ الظَّنُّ عَلى صَديقٍ أصلَحَهُ لَکَ اليَقينُ . (6)

.

1- .منيه المريد : 334 ، مشكاه الأنوار : 123 ، روضه الواعظين : 458 كلاهما نحوه ؛ إحياء علوم الدين : 1 / 70 ، تفسير الدرّ المنثور : 7 / 501 نقلاً عن ابن أبى الدنيا فى كتاب العلم عن الحسن .
2- .قصص الأنبياء : 199 / 255 عن يونس بن ظبيان ، بحار الأنوار : 14 / 37 / 14 .
3- .غرر الحكم : 5277 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 108 ، غرر الحكم : 6438 : وفيه ذيله .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 108 .
6- .كنز الفوائد: 1 / 93 ؛ شرح نهج البلاغه: 20 / 345 / 963 وفيه : «يفسدک الظنّ على صديق قد أصلحک اليقين له» .

ب بدگمانی

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه مردم ، دانش بیاموزند و عمل را واگذارند و به زبان ، دوستی کنند و به دل ، دشمنی ورزند و پیوندهای خویشی را بگسلند ، آن گاه است که خداوند ، لعنتشان می کند . پس کرشان ساخته ، چشمانشان را کور می کند .

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود : بندگان به زبان ، دوستی می کنند و به دل ، دشمنی می ورزند و عمل برای دنیا را آشکار کرده اند و فریب و نیرنگ را نهان ساخته اند .

امام علی علیه السلام : چه بسا ابراز کننده دوستی که ظاهرسازی می کند .

امام علی علیه السلام درباره فتنه بنی امیّه : مردم آن روزگار ، [همچون]گرگ هایند و حاکمانش درندگان ، و مردم میانه حال آن ، پرخوران و فقیرانش مردگان . راستی ناپدید می گردد و دروغ ، سرریز می گردد و دوستیِ زبانی به کار بسته می شود و مردم ، به دل با یکدیگر دشمنی می کنند .

امام علی علیه السلام درباره فتنه بنی امیّه : شتر نرِ باطل، پس از خاموشی، بانگ می زند و مردم در بدکاری با یکدیگر برادرِ می شوند و در دین ، جدایی می پذیرند ؛ بر دروغ با یکدیگر دوستی می کنند و بر راستی با یکدیگر دشمنی می ورزند .

ب بدگمانی امام علی علیه السلام : دوستی که به صالح بودنِ او مطمئن هستی ، مبادا که بدگمانی ، [نظر]تو را نسبت به او تباه سازد .

.

عنه عليه السلام : لا يَغلِبَنَّ عَلَيکَ سوءُ الظَّنِّ ؛ فَإِنَّهُ لا يَدَعُ بَينَکَ و بَينَ خَليلٍ صُلحا . (1)

ج الغِشّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ، و لا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ باعَ مِن أخيهِ بَيعا فيهِ عَيبٌ إلاّ بَيَّنَهُ لَهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : غِشُّ الصَّديقِ وَ الغَدرُ بِالمَواثيقِ مِن خِيانَهِ العَهدِ . (3)

عنه عليه السلام : مِن عَلامَهِ الشَّقاءِ غِشُّ الصَّديقِ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : إذا غَشَّکَ صَديقُکَ فَاجعَلهُ مَعَ عَدُوِّکَ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : قالَ سَلمانُ فى خُطبَتِهِ : أيُّهَا النّاسُ ، لا تَکِلَّ أظفارُکُم عَن عَدُوِّکُم ، و لا تَستَغِشّوا صَديقَکُم ؛ فَيَستَحوِذَ الشَّيطانُ عَلَيکُم . (6)

عنه عليه السلام : لا تُغَشِّشِ النّاسَ فَتَبقى بِغَيرِ صَديقٍ . (7)

عنه عليه السلام : لا يَطمَعَنَّ ذُو الكِبرِ فِى الثَّناءِ الحَسَنِ ، و لاَ الخَبُّ فى كَثرَهِ الصَّديقِ . (8)

د البُخل رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وَ البُخلَ ؛ فَإنَّ البُخلَ دَعا أقواما فَمَنَعوا زَكاتَهُم ، و دَعاهُم فَقَطَعوا أرحامَهُم ، و دَعاهُم فَسَفَكوا دِماءَهُم . (9)

.

1- .تحف العقول : 79 ، بحار الأنوار : 77 / 227 / 2 .
2- .سنن ابن ماجه: 2/755/2246، المستدرک على الصحيحين: 2/10/2152، السنن الكبرى: 5/523/10734 كلّها عن عقبه بن عامر ، كنز العمّال : 4 / 59 / 9502 .
3- .غرر الحكم : 6417 .

4- .غرر الحكم : 9297 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 321 / 683 .
6- .رجال الكشّى : 1 / 92 عن عبداللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 22 / 389 / 28 .
7- .مشكاه الأنوار : 104 عن أبى بصير و ص 186 ، بحار الأنوار : 74 / 286 / 13 .
8- .الخصال : 434 / 20 عن يحيى بن عمران الحلبى ، بحار الأنوار : 73 / 304 / 18 .
9- .كنز العمّال : 3 / 452 / 7404 نقلاً عن ابن جرير عن أبى هريره .

ج فریفتن

د بُخل

امام علی علیه السلام : مبادا که بدگمانی بر تو چیره شود ، که [در این صورت ،] میان تو و هیچ دوستی ، رابطه دوستانه ای برجای نمی گذارد .

ج فریفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله : مسلمان ، برادر مسلمان است و برای هیچ مسلمانی روا نیست که چیزی عیبناک به برادرش بفروشد ؛ مگر آن که او را از آن [عیب ،] باخبر سازد.

امام علی علیه السلام : فریفتن دوست و زیر پا نهادن پیمان ها ، از [موارد]خیانت به عهد [خداوند]است .

امام علی علیه السلام : از نشانه های شوربختی ، فریفتنِ دوست است .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه دوستت تو را فریفت ، او را همسنگ دشمنت بشمار .

امام صادق علیه السلام : سلمان [فارسی]در خطبه اش گفت : ای مردم ! ناخن هایتان از [جنگ با]دشمنتان ، کُند نشود و دوستتان را فریب مدهید که [در این صورت] ، شیطان بر شما چیره می گردد .

امام صادق علیه السلام : مردم را فریب مده ، که بی دوست می مانی .

امام صادق علیه السلام : نه شخص متکبّر ، امید ستوده شدن به نیکی را داشته باشد، و نه شخص فریبکار ، امید دوستانِ فراوان را .

د بُخل رسول خدا صلی الله علیه و آله : از بُخل بپرهیزید که همین بخل ، مردمی را بر آن داشت تا زکات خود را نپرداختند و آنان را بر آن داشت تا از خویشان خود بریدند و آنان را بر آن داشت تا خون های یکدیگر را ریختند .

.

الإمام علىّ عليه السلام : لا خَيرَ فى صَديقٍ ضَنينٍ . (1)

عنه عليه السلام : البُخلُ يوجِبُ البَغضاءَ . (2)

عنه عليه السلام : إيّاكَ وَ التَّحَلِّىَ بِالبُخلِ ؛ فَإِنَّهُ يُزرى بِكَ عِندَ القَريبِ ، و يُمَقِّتُكَ إلَى النَّسيبِ . (3)

عنه عليه السلام : البُخلُ يُذِلُّ مُصاحِبَهُ ، و يُعِزُّ مُجانِبَهُ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : صَديقُ البَخيلِ مَن لَم يُجَرِّبهُ . (5)

عنه عليه السلام : إيّاكُم وَ البُخلَ ؛ فَإِنَّ البَخيلَ يَمقُتُهُ الغَريبُ ، و يَنفُرُ مِنهُ القَريبُ . (6)

ه الاِستِرسال الإمام الصادق عليه السلام : لا تَثِق بِأَخيكَ كُلَّ الثِّقَهِ ؛ فَإِنَّ صِرعَهَ الاِستِرسالِ لَن تُستَقالَ . (7)

و الإيذاء كنز العمّال عن أنس : كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ يَقرَأُ ، زَمزَمَ فى قِراءَتِهِ . فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، لِمَ لا تَرفَعُ صَوتَكَ بِالقُرآنِ ؟ قالَ : أكرَهُ أن أُوذِىَ رَفيقى و أهلَ بَيتى . (8)

.

1- .غرر الحكم : 10711 .
2- .غرر الحكم : 780 .
3- .غرر الحكم : 2651 .
4- .غرر الحكم : 1409 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 292 / 346 .
6- .غرر الحكم : 2748 .
7- .الكافى: 2/672/6، مصادقه الإخوان: 188/3 وفيه«سرعه» بدل «صرعه» وكلاهما عن عبداللّه بن سنان، تحف العقول:357، الأمالى للصدوق:767/1035، مشكاه الأنوار:212،روضه الواعظين:425،بحارالأنوار:74/173/3.

8- .كنز العمّال : 2 / 319 / 4123 نقلاً عن ابن النجّار .

ه اعتماد مطلق

و آزردن

امام علی علیه السلام : در دوستِ بخیل ، خیری نیست .

امام علی علیه السلام : بخل ، دشمنی به بار می آورد .

امام علی علیه السلام : از آراستگی به بُخل بپرهیز ؛ زیرا تو را نزد آشنا و نزدیک ، خوار و نزد خویشان دشمن می سازد .

امام علی علیه السلام : بُخل ، همنشین خود را خوار می کند و دوری جوینده از خود را ارجمند می سازد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : کسی دوست شخص بخیل است که او را نیازموده است .

امام علی علیه السلام : از بخل بپرهیزید ؛ زیرا بیگانهٔ بخیل را دشمن می دارد و خویشاوند از او می گریزد .

ر . ک : ص 151 (تنگ چشمی) .

ه اعتماد مطلق امام صادق علیه السلام : به برادرت اعتماد مطلق (1) نداشته باش ؛ زیرا زمین خوردن بر اثر اعتماد [به همه گفته ها و کرده های دوست] ، قابل جبران نیست .

و آزردن کنز العمّال به نقل از اَنَس : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه شبانه برای قرائت [قرآن]برمی خاست ، آیات را بسیار آهسته تلاوت می کرد . پرسیدند : ای پیامبر خدا! صدایت را به قرآن خواندن ، بلند نمی کنی ؟ فرمود : «خوش ندارم رفیقم و خانواده ام را بیازارم» .

.

1- .یعنی آسیب و بدی که از دلشادی فراوان پدید می آید ، بی درمان است .

ز التَّحقيرِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : كونوا عِبادَ اللّه ِ إخوانا ، المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَظلِمُهُ ، و لا يَخذُلُهُ ، ولا يُحَقِّرُهُ . (1)

ح الإفراطُ فِى المَحَبَّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أحبِب وقالَ بَعضُهُم : حِبَّ حَبيبَکَ هَونا ما عَسى أن يَكونَ بَغيضَکَ يَوما ما ، و أبغِض بَغيضَکَ هَونا ما عَسى أن يَكونَ حَبيبَکَ يَوما ما . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ قَوما أحَبّوا قَوما حَتّى هَلَكوا فى مَحَبَّتِهِم ، فَلا تَكونوا كَهُم . و إنَّ قَوما أبغَضوا قَوما حَتّى هَلَكوا فى بُغضِهِم ، فَلا تَكونوا كَهُم . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : لا يَكُن حُبُّکَ كَلَفا ، و لا بُغضُکَ تَلَفا ؛ أحبِب حَبيبَکَ هَونا ما ، وأبغِض بَغيَضکَ هَونا ما . (4)

.

1- .صحيح مسلم : 4 / 1986 / 32 ، مسند ابن حنبل : 3 / 112 / 7731 و ص 283 / 8730 و ص 184/8109 ، السنن الكبرى : 6 / 153 / 11496 و ج 8 / 435 / 17129 كلّها عن أبى هريره .
2- .الأمالى للطوسى : 622 / 1285 عن حميد بن عبد الرحمن الحميرى عن الإمام علىّ عليه السلامو ص 364 / 767، نهج البلاغه : الحكمه 268 ، تحف العقول : 201 وفيه «يعصيک» بدل «يكون بغيضک» ، الجعفريّات : 233 عن إسماعيل بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وكلّها عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 177 / 14 ؛ سنن الترمذى : 4 / 360 / 1997 عن أبى هريره ، الأدب المفرد : 382 / 1321 عن عبيد الكندى ، الفردوس : 1 / 435 / 1771 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : 9 / 24 / 24742 .
3- .فردوس الأخبار : 1 / 291 / 919 عن عبداللّه بن جعفر ، كنز العمّال : 9 / 45 / 24857 .
4- .الأمالى للطوسى : 703 /1505 عن زيد بن علىّ عن أبيه الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: 74/178/18 .

ز تحقیر کردن

ح زیاده روی در دوستی

ز تحقیر کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای بندگان خدا ! برادر باشید . مسلمان ، برادر مسلمان است ، به او ستم نمی کند ، او را وا نمی گذارد و او را تحقیر نمی کند .

ح زیاده روی در دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله : با دوستت چنان دوستی کن که شاید روزی دشمنت گردد و با دشمنت چنان دشمنی کن که شاید روزی دوستت گردد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مردمی ، مردمی دیگر را چنان دوست داشتند که بر اثر دوستی شان هلاک شدند . پس شما چون آنان مباشید . و مردمی ، چنان با مردمی دیگر دشمنی ورزیدند که بر اثر این دشمنی شان هلاک شدند . پس مانند آنان نیز مباشید .

امام علی علیه السلام : دوستی ات ، [در حدّ] شیدایی و دشمنی ات [مایه]هلاکت نباشد . دوستت را به اندازهٔ دوست بدار و دشمنت را به اندازهٔ دشمن بدار .

.

ط الإثمُ لِأَجلِ الصَّديقِ الإمام علىّ عليه السلام : المُؤمِنُ لا يَحيفُ عَلى مَن يُبغِضُ ، و لا يَأثَمُ فيمَن يُحِبُّ . (1)

ى إفشاءُ كُلِّ سِرٍّ الإمام علىّ عليه السلام : إنِ استَنَمتَ إلى وَدودِكَ فَأَحرِز لَهُ مِن أمرِكَ وَ استَبقِ لَهُ مِن سِرِّكَ ما لَعَلَّكَ أن تَندَمَ عَلَيهِ وَقتا ما . (2)

عنه عليه السلام : اِبذِل لِصَديقِكَ كُلَّ المَوَدَّهِ ، و لا تَبذِل لَهُ كُلَّ الطُّمَأنينَهِ ، و أعطِهِ كُلَّ المُؤاساهِ ، ولا تُفضِ إلَيهِ بِكُلِّ الأَسرارِ ؛ توفِى الحِكمَهَ حَقَّها ، وَالصَّديقَ واجِبَهُ . (3)

ک بَذلُ المَحَبَّهِ فى غَيرِ مَوضِعِها الإمام علىّ عليه السلام : لا تَبذِلَنَّ وُدَّکَ إذا لَم تَجِد مَوضِعا . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : مَن وَضَعَ حُبَّهُ فى غَيرِ مَوضِعِهِ فَقَد تَعَرَّضَ لِلقَطيعَهِ . (5)

ل مُطالَبَهُ الإنصافِ الإمام الصادق عليه السلام : لَيسَ مِنَ الإنصافِ مُطالَبَهُ الإخوانِ بِالإنصافِ . (6)

.

1- .الأمالى للطوسى : 580/1199، نهج البلاغه: الخطبه 193، تحف العقول: 161، بحار الأنوار: 67/311/45 .
2- .غرر الحكم : 3721 .
3- .كنز الفوائد : 1 / 93 ، أعلام الدين : 178 ، غرر الحكم : 2463 ، بحار الأنوار : 74 / 165 / 29 .
4- .غرر الحكم : 10275 .
5- .المحاسن : 1/415/950 عن عبداللّه بن القاسم الجعفرىّ، مشكاه الأنوار : 122، بحار الأنوار: 74/187/11 .
6- .الأمالى للطوسى : 280 / 537 عن أبى عاصم الضحّاک بن مخلّد النبيل ، مشكاه الأنوار : 188 ، بحار الأنوار: 75 / 27 / 14 .

ط گناه کردن برای دوست

ی آشکار کردن هر راز

ک نثار کردن نا به جای دوستی

ل انصاف خواهی

ط گناه کردن برای دوست امام علی علیه السلام : مؤمن ، بر آن که با او دشمنی می ورزد ، ستم نمی کند و به خاطرِ آن که دوستش دارد ، دست به گناه نمی زند .

ی آشکار کردن هر راز امام علی علیه السلام : اگر به دوستت اعتماد کردی ، پاره ای از مسائل خود را از او نگه دار و از رازت چیزی را همچنان نزد خود حفظ کن . شاید که روزگاری به خاطر آن (آشکار کردن همه رازهایت) پشیمان شوی .

امام علی علیه السلام : همه دوستی را نثار دوستت کن ؛ امّا همه اعتمادت را نثارش مکن . از جان و مالت در راهش بگذر و با او همدردی کن ؛ امّا همه رازهایت را با او در میان مگذار. بدین ترتیب ، هم حقّ حکمت را به تمامی ادا کرده ای و هم حقوق دوستی را به جا آورده ای .

ک نثار کردن نا به جای دوستی امام علی علیه السلام : دوستی ات را ، اگر جایگاهی [برایش]نیافتی ، نثار مکن .

امام صادق علیه السلام : هرکه دوستی اش را نا به جا به کار گیرد ، خود را در معرض جدایی قرار داده است .

ل انصاف خواهی امام صادق علیه السلام : انصاف خواهی از برادران ، از انصافْ به دور است .

.

6 / 3جَوامِعُ آدابِ المُعاشَرَهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا عَلِيُّ ، يَنبَغى أن يَكونَ فِى المُؤمِنِ ثَمانُ خِصالٍ : وَقارٌ عِندَ الهَزاهِزِ ، وصَبرٌ عِندَ البَلاءِ ، و شُكرٌ عِندَ الرَّخاءِ ، و قُنوعٌ بِما رَزَقَهُ اللّهُ عز و جل ، لا يَظلِمُ الأعداءَ ، ولا يَتَحامَلُ عَلَى الأصدِقاءِ ، بَدَنُهُ مِنهُ فى تَعَبٍ ، وَ النّاسُ مِنهُ فى راحَهٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى ذِكرِ صِفاتِ المُؤمِنِ : لا يَقبَلُ الباطِلَ مِن صَديقِهِ ، و لا يَرُدُّ الحَقَّ مِن عَدُوِّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا آخى أحَدُكُم أخا فِى اللّهِ فَلا يُخادَّهُ ، ولا يُدارَّهُ ، ولا يُمازَّهُ ؛ يَعنى لا يُخالِفهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : لا تُمارِ أخاكَ ، ولا تُمازِحهُ ، ولا تَعِدهُ مَوعِدَهً فَتُخلِفَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَخونُهُ ، و لا يَخذُلُهُ ، و لا يَعيبُهُ ، و لا يَحرِمُهُ ، ولا يَغتابُهُ . (5)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 354 / 5762 ، السرائر : 3 / 616 كلاهما عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه ، الخصال : 406 / 2 عن حمّاد بن عمرو و كلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام، الكافى: 2/47/1 عن عبدالملک بن غالب وص230/2 عن عبداللّه بن غالب ، تحف العقول : 361 ، مشكاه الأنوار : 77 ، التمحيص : 66 / 154 كلّها عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 67 / 294 / 17 .
2- .التمحيص : 74 / 171 ، بحار الأنوار : 67 / 310 / 45 .
3- .الجعفريّات : 198 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
4- .سنن الترمذى : 4 / 359 / 1995 ، الأدب المفرد : 124 / 394 ، حليه الأولياء : 3 / 344 كلّها عن ابن عبّاس ؛ تحف العقول : 49 .
5- .المؤمن : 43 / 98 عن الإمام الصادق عليه السلام .

6 / 3کلیات آداب معاشرت رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای علی ! سزاوار است که مؤمن ، هشت صفت داشته باشد : آرامش به هنگام لرزش ها [ی زندگی] ؛ شکیبایی به هنگام بلا ؛ سپاسگزاری به هنگام آسایش ؛ خرسندی بدانچه خداوند عز و جلروزی اش داده است ؛ به دشمنان ستم نمی کند ؛ دوستانش را به سختی نمی اندازد ؛ بدنش از او رنجه است و مردم از [گزند] او راحت هستند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام یاد کردن صفات مؤمن : باطل را از دوستش نمی پذیرد و حق را از دشمنش رد نمی کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما با برادری در راه خدا برادری کرد ، با او معارضه نکند ، او را خشمگین نکند و با او مخالفت ننماید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : با برادرت ، جدال مکن ، شوخی مکن و به او وعده ای مده که آن را به جا نیاوری .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مسلمان ، برادرِ مسلمان است ؛ به او خیانت نمی کند ، او را وا نمی گذارد ، بر او خرده نمی گیرد ، او را محروم نمی سازد و غیبتش را نمی کند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ حَرامٌ عَلَى المُؤمِنِ أن يَظلِمَهُ ، أو يَخذُلَهُ ، أو يَغتابَهُ ، أو يَدفَعَهُ دَفعَةً . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَظلِمُهُ ، و لا يُسلِمُهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : السَّيِّدُ مَن تَحَمَّلَ أثقالَ إخوانِهِ ، وأحسَنَ مُجاوَرَةَ جيرانِهِ . (3)

عنه عليه السلام : اِرفَق بِإخوانِکَ، وَاکفِهِم غَربَ لِسانِکَ، وأجرِ عَلَيهِم سَيبَ إحسانِکَ . (4)

عنه عليه السلام : لا تُنابِذ عَدُوَّکَ ، و لا تُقَرِّع صَديقَکَ ، وَ اقبَلِ العُذرَ و إن كانَ كِذبا ، ودَعِ الجَوابَ عَن قُدرَةٍ و إن كانَ لَکَ . (5)

عنه عليه السلام : إنَّ المُسلِمَ أخُو المُسلِمِ ؛ فَلا تَنابَزوا ، و لا تَخاذَلوا ؛ فَإنَّ شَرائِعَ الدّينِ واحِدَةٌ ، وسُبُلَهُ قاصِدَةٌ، مَن أخَذَ بِها لَحِقَ، ومَن تَرَكَها مَرَقَ، ومَن فارَقَها مَحَقَ . (6)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ المُؤمِنَ أخُو المُؤمِنِ ؛ لا يَشتِمُهُ ، و لا يَحرِمُهُ ، و لا يُسىءُ بِهِ الظَّنَّ . (7)

.

1- .الكافى : 2 / 235 / 19 و ص 233 / 12 نحوه وكلاهما عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلاموفى الأخير من دون إسناد اليه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 67 / 358 / 62 ؛ المعجم الكبير : 3 / 294 / 3444 عن أبى مالک الأشعرى نحوه .
2- .صحيح البخارى : 2 / 862 / 2310 و ج 6 / 2550 / 6551 ، مسند ابن حنبل : 2 / 400 / 5650 ، السنن الكبرى : 6 / 157 / 11512 و ج 8 / 573 / 17604 كلّها عن عبداللّه بن عمر ، صحيح مسلم : 4 / 1996 / 58 ، سنن أبى داود : 4 / 273 / 4893 ، سنن الترمذى : 4 / 34 / 1426 كلّها عن سالم عن أبيه .
3- .غرر الحكم : 2002 .

4- .غرر الحكم : 2381 .
5- .غرر الحكم : 10358 .
6- .الأمالى للمفيد : 234 / 5 ، الأمالى للطوسى : 11 / 13 ، كلاهما عن الأصبغ بن نباته ، تحف العقول : 203 ، وقعه صفّين : 224 عن أبى سنان الأسلمى وفيه «تنابذوا» بدل «تنابزوا» ، بحار الأنوار : 32 / 595 / 474 .
7- .تحف العقول : 296 ، بحار الأنوار : 78 / 176 / 35 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بر مؤمن ، حرام است که به مؤمنی دیگر ستم کند ، یا او را واگذارد ، یا غیبتِ او را بکند و یا او را یکسره براند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مسلمان ، برادرِ مسلمان است ؛ نه به او ستم می کند و نه او را تسلیم [مشکلات]می نماید .

امام علی علیه السلام : بزرگ ، کسی است که سنگینی [مشکلات زندگیِ] برادرانش را بر دوش کشد و با همسایگانش نیک همسایه داری کند .

امام علی علیه السلام : با برادرانت نرمی کن ، تندی زبانت را از آنان بازدار و عطا و دِهِش خود را شامل آنان کن .

امام علی علیه السلام : دشمنی ات را با دشمنت آشکار مکن ، با دوست خود ، درشتی منما و عذر را بپذیر گرچه دروغین باشد ، و پاسخگویی را گرچه به سودت باشد ، از سر قدرتْ رها کن .

امام علی علیه السلام : مسلمان ، برادرِ مسلمان است . پس ، از یکدیگر عیب مگیرید و یکدیگر را تنها مگذارید ، که راه های دین ، یکی است و طریقت هایش میانه است . هر کس در آن گام نهد ، [به مقصد] می رسد و هرکس آن را رها کند ، از دین خارج می شود و هرکس از آن جدا گردد ، نابود می شود .

امام باقر علیه السلام : مؤمن ، برادرِ مؤمن است ؛ به او دشنام نمی دهد ، او را محروم نمی سازد و به او بدگمان نمی شود .

.

عنه عليه السلام : إنَّ نَفَرا مِنَ المُسلِمينَ خَرَجوا إلى سَفَرٍ لَهُم فَضَلُّوا الطَّريقَ ، فَأصابَهُم عَطَشٌ شَديدٌ ، فَتَكَفَّنوا ولَزِموا اُصولَ الشَّجَرِ ، فَجاءَهُم شَيخٌ و عَلَيهِ ثِيابٌ بيضٌ ، فَقالَ : قوموا فَلا بَأسَ عَلَيكُم فَهذَا الماءُ . فَقاموا و شَرِبوا وَ ارتَوَوا ، فَقالوا : مَن أنتَ يَرحَمُكَ اللّهُ ؟ فَقالَ : أنَا مِنَ الجِنِّ الَّذينَ بايَعوا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله، إنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَقولُ : «المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ ، عَينُهُ و دَليلُهُ» ، فَلَم تَكونوا تَضَيَّعوا بِحَضرَتى . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَظلِمُهُ ، و لا يَخذُلُهُ ، و لا يَغتابُهُ ، و لا يَخونُهُ ، و لا يَحرِمُهُ . (2)

عنه عليه السلام : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ ، عَينُهُ و دَليلُهُ ؛ لا يَخونُهُ ، و لا يَظلِمُهُ ، و لا يَغُشُّهُ ، و لا يَعِدُهُ عِدَةً فَيُخلِفَهُ . (3)

عنه عليه السلام : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَظلِمُهُ ؛ ولا يَخذُلُهُ ، ولا يَخونُهُ . ويَحِقُّ عَلَى المُسلِمينَ الاِجتِهادُ فِى التَّواصُلِ ، وَالتَّعاوُنُ عَلَى التَّعاطُفِ ، وَالمُواساةُ لِأهلِ الحاجَةِ ، وتَعاطُفُ بَعضِهِم عَلى بَعضٍ ، حَتّى تَكونوا كَما أمَرَكُمُ اللّهُ عز و جل رُحَماءَ بَينَكُم مُتَراحِمينَ ، مَغتَمّينَ لِما غابَ عَنكُم مِن أمرِهِم ، عَلى ما مَضى عَلَيهِ مَعشَرُ الأنصارِ عَلى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (4)

عنه عليه السلام : قالَ الحارِثُ الأَعوَرُ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أنَا وَاللّه اُحِبُّكَ . فَقالَ لَهُ : يا حارِثُ ، أما إذا أحبَبتَنى فَلا تُخاصِمُنى ، ولا تُلاعِبُنى ، ولا تُجارينى ، ولا تُمازِحُنى ، ولا تُواضِعُنى ، ولا تُرافِعُنى . (5)

.

1- .الكافى : 2 / 167 / 10 عن فضيل بن يسار ، المؤمن : 43 / 100 ، بحار الأنوار : 74 / 272 / 13 .
2- .الكافى : 2 / 167 / 11 عن فضيل بن يسار ، المؤمن : 45 / 105 ، مشكاه الأنوار : 186 وفيه «المؤمن» بدل «المسلم» ، بحار الأنوار : 74 / 273 / 14 .

3- .الكافى : 2 / 166 / 3 و ص 167 / 8 كلاهما عن علىّ بن عقبه ، مصادقه الإخوان : 152 / 3 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 74 / 268 / 7 ، وراجع مشكاه الأنوار : 104 .
4- .الكافى : 2 / 174 / 15 عن أبى المغرا .
5- .الخصال : 334 / 35 عن أحمد بن نوح عن رجل .

امام باقر علیه السلام : گروهی از مسلمانان برای سفری ، راهی شدند ؛ لیکن راه را گم کردند و دچار تشنگی شدیدی گشتند . پس [تن به مرگ دادند و]کفن پوشیدند و کنار تنه های درختان ، ماندگار شدند . آن گاه پیری با جامه های سفید ، نزدشان آمد و گفت : «برخیزید که مشکلی برایتان پیش نمی آید و این آب است» . آنان برخاستند و نوشیدند و سیراب گشتند . پس از آن گفتند : خداوند ، رحمتش را شامل حالت کند . کیستی ؟ پاسخ داد : «من از جنّیانی هستم که با پیامبر خدا بیعت کردند . شنیدم پیامبر خدا می فرمود : مؤمن ، برادر مؤمن است ؛ دیده بان و راهنمای اوست . پس نمی شد که با حضور من تباه شوید» .``

امام صادق علیه السلام : مسلمان ، برادرِ مسلمان است ؛ به او ستم نمی کند ، او را تنها نمی گذارد ، غیبت او را نمی کند ، به او خیانت نمی ورزد و او را محروم نمی سازد .

امام صادق علیه السلام : مؤمن ، برادرِ مؤمن است ؛ دیده بان و راهنمای اوست ، به او خیانت نمی ورزد ، به او ستم نمی کند ، او را فریب نمی دهد و به او وعده ای که آن را به جای نیاورد ، نمی دهد .

امام صادق علیه السلام : مسلمان ، برادرِ مسلمان است ؛ به او ستم نمی کند ، او را تنها نمی گذارد و به او خیانت نمی ورزد . بر مسلمانان لازم است که برای پیوند و همکاری در جهت توجّه به یکدیگر و همدردی با نیازمندان و سهیم کردن آنان در مال خود و مهربانی برخی نسبت به برخی ، کوشش کنند ، تا همان گونه باشید که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است : مهربان و مهرورز میان خودتان ، و اندوهگین از گرفتاری هایشان که از شما پنهان مانده است ، به گونه ای که انصار در روزگار پیامبر خدا بودند .

امام صادق علیه السلام : حارث اَعوَر به امیر مؤمنان گفت : ای امیر مؤمنان ! به خدا سوگند ، من تو را دوست دارم . حضرت فرمود : «هان ! حال که مرا دوست داری ، پس با من ستیزه نمی کنی ، مرا بازی نمی دهی ، با من مجادله نمی نمایی ، با من شوخی نمی کنی ، و مرا از منزلت حقیقی ام پایین تر و بالاتر نمی نهی» .

.

6 / 4النَّوادِر رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رَحِمَ اللّهُ رَفيقا أعانَ رَفيقَهُ عَلى بِرِّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ، لا يَمنَعُهُ الماعونَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : إيّاكَ أن تُخدَعَ عَن صَديقِكَ ، أو تُغلَبَ عَن عَدُوِّكَ . (3)

عنه عليه السلام : اِصحَب أخَا التُّقى وَ الدّينِ تَسلَم ، وَ استَرشِدهُ تَغنَم . (4)

عنه عليه السلام : أحبِبِ الإِخوانَ عَلى قَدرِ التَّقوى . (5)

عنه عليه السلام : إيّاكَ أن تُخرِجَ صَديقَكَ إخراجا يُخرِجُهُ عَن مَوَدَّتِكَ ، وَ استَبقِ لَهُ مِن اُنسِكَ مَوضِعا يَثِقُ بِالرُّجوعِ إلَيهِ . (6)

.

1- .الأمالى للصدوق : 363 / 448 ، ثواب الأعمال : 221 / 1 كلاهما عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : 2 / 167 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 74 / 65 / 32 .
2- .تفسير الدرّ المنثور: 8/644 نقلاً عن الباوردى عن الحرث بن شريح. وراجع : البخل / أبخل الناس بما يملكه.
3- .غرر الحكم : 2644 .
4- .غرر الحكم : 2334 .
5- .الأمالى للصدوق : 380 / 483 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، الاختصاص : 226 عن أبى الجارود يرفعه ، تحف العقول : 368 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 187 / 7 .
6- .غرر الحكم : 2687 .

6 / 4گوناگون رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، رحمت کند دوستی را که به دوستش در کار خیرش یاری رساند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مسلمان ، برادرِ مسلمان است و لوازم ضروری زندگی را از او دریغ نمی دارد .

امام علی علیه السلام : مبادا تو را نسبت به دوستت فریب دهند [و رابطه شما را قطع کنند]یا آن که [با رفتارت]مغلوب دشمنت شوی .

امام علی علیه السلام : با برادری پرهیزگار و دینداڑ مصاحبت کن ، تا سلامت مانی ، و از او راهنمایی بخواه ، تا سود بری .

امام علی علیه السلام : برادران را به مقدار تقوا[یی که دارند ،]دوست بدار .

امام علی علیه السلام : بپرهیز از آن که چنان دوستت را از خود برانی که از [حدود]دوستی ات نیز بیرون برود ؛ بلکه برای او از دوستی خود ، جایی بگذار که برای بازگشت ، به آن اعتماد کند .

.

عنه علیه السلام : مَنِ استَفسَدَ صَدیقَهُ نَقَصَ مِن عَدَدِهِ . (1)

عنه علیه السلام : اِستِفسادُ الصَّدیقِ مِن عَدَمِ التَّوفیقِ . (2)

عنه علیه السلام : إیّاکَ أن توحِشَ مُوادَّکَ وَحشَةً تُفضی بِهِ إلَی اختِیارِهِ البُعدَ عَنکَ ، وإیثارِ الفُرقَهِ . (3)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : إذا أحسَنَ أحَدٌ مِن أصحابِکَ فَلا تَخرُج إلَیهِ بِغایَهِ بِرِّکَ ، و لکِنِ اترُک مِنهُ شَیئا تَزیدُهُ إیّاهُ عِندَ تَبَیُّنِکَ مِنهُ الزِّیادَهَ فی نَصیحَتِهِ . (4)

عنه علیه السلام أیضا : إذا کانَ لَکَ صَدیقٌ و لَم تَحمَد إخاءَهُ ومَوَدَّتَهُ فَلا تُظهِر ذلِکَ لِلنّاسِ ؛ فَإنَّما هُوَ بِمَنزِلَهِ السَّیفِ الکَلیلِ فی مَنزِلِ الرَّجُلِ ؛ یُرهِبُ بِهِ عَدُوَّهُ ، و لا یَعلَمُ العَدُوُّ أصارِمٌ هُوَ أم کَلیلٌ . (5)

عنه علیه السلام أیضا : إذا صادَقتَ إنسانا وَجَبَ عَلَیکَ أن تَکونَ صَدیقَ صَدیقِهِ ، و لَیسَ یَجِبُ عَلَیکَ أن تَکونَ عَدُوَّ عَدُوِّهِ ؛ لِأَنَّ هذا إنَّما یَجِبُ عَلی خادِمِهِ ، و لَیسَ یَجِبُ عَلی مُماثِلٍ لَهُ . (6)

عنه علیه السلام أیضا : لَیسَ یَضُرُّکَ أن تَری صَدیقَکَ عِندَ عَدُوِّکَ ؛ فَإنَّهُ إن لَم یَنفَعکَ لَم یَضُرَّکَ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 8231 .
2- .غرر الحکم : 1479 .
3- .غرر الحکم : 2689 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 331 / 798 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 309 / 550 .
6- .شرح نهج البلاغه : 20 / 331 / 792 .
7- .شرح نهج البلاغه : 20 / 331 / 336 / 852 .

امام علی علیه السلام : هرکه به دوست خود بدی کند و [با رفتارش]او را تباه سازد ، [گویی]از شمار [نیروهای]خود کاسته است .

امام علی علیه السلام : تباه ساختن دوست ، از بی توفیقی است .

امام علی علیه السلام : مبادا چنان دوستت را از خود برَمانی که دوری از تو را برگزیند و جدایی را ترجیح دهد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه یکی از یارانت نیکی کرد ، همه خوبی خودت را نثارش مکن و چیزی از آن را باقی بگذار ، تا به هنگام دیدنِ نیکخواهی بیشتر او ، آن را نثارش کنی .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه دوستی داشتی که برادری و دوستیِ او را نمی پسندیدی ، آن را بر مردمْ آشکار مکن ؛ چون که او همچون شمشیر کُندی است در خانه انسان ، که بِدان دشمنش را می ترساند ، حال آن که دشمن نمی داند آن شمشیر ، بُرنده است یا کُند .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه با کسی دوست شدی ، بر تو لازم است که با دوست او نیز دوست باشی ؛ لیکن بر تو لازم نیست که با دشمن او دشمن شوی ؛ زیرا این مسئله بر خدمتکار او لازم است ، نه بر همانند او .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : این که دوستت را نزد دشمنت ببینی ، به تو زیان نمی زند ؛ چون که اگر برایت سودی نداشته باشد ، زیانی هم به تو نمی رساند .

.

المعجم الكبير عن الحارث : إنَّ عَلِيّا عليه السلام سَأَلَ ابنَهُ الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ عليه السلامعَن أشياءَ مِن أمرِ المُروءَهِ . . . قالَ : فَمَا الجُبنُ ؟ قالَ : الجُرأهُ عَلَى الصَّديقِ ، وَ النُّكولُ عَنِ العَدُوِّ . (1)

داود عليه السلام : لا تَشتَرِ عَداوَهَ واحِدٍ بِصَداقَهِ ألفٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : مَن لَم يَرضَ مِن صَديقِهِ إلاَّ الإِيثارَ عَلى نَفسِهِ دامَ سَخَطُهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فِي الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : ما وَدَّنى أحَدٌ إلاّ بَذَلتُ لَهُصَفوَ المَوَدَّهِ مِنّى آخِرَ الأَبَدِ ولا قَلَانى و إن كانَ المُسىءُ بِناإلاّ دَعَوتُ لَهُ الرَّحمنَ بِالرَّشَدِ (4)

عنه عليه السلام أيضا : وَاخفِض جَناحَكَ لِلصَّديقِ و كُن لَهُكَأَبٍ عَلى أولادِهِ يَتَحدَّبُ وَاطلُبهُمُ طَلَبَ المَريضِ شِفاءَهُودَعِ الكَذوبَ فَلَيسَ مِمَّن يُصحَبُ وَاحفَظ صَديقَكَ فِى المَواطِنِ كُلِّهاوعَلَيكَ بِالمَرءِ الَّذى لا يَكذِبُ (5)

.

1- .المعجم الكبير : 3 / 68 / 2688 ، تاريخ دمشق : 13 / 256 ، حليه الأولياء : 2 / 36 ، البدايه والنهايه : 8 / 39 ، كنز العمّال : 16 / 215 / 44237 ؛ تحف العقول : 225 ، العدد القويّه : 53 / 64 عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 103 / 2 .
2- .ربيع الأبرار : 3 / 39 .
3- .الدرّه الباهره: 32 ، أعلام الدين : 304 ، غرر الحكم : 8976 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 74/180/28 و ج 78/278/113.
4- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 146 .
5- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 49 .

المعجم الکبیر به نقل از حارث : علی علیه السلام درباره «مردانگی» از فرزندش حسن بن علی علیه السلامپرسش هایی کرد ... . [از جمله]پرسید : «بزدلی چیست ؟» . پاسخ داد : گستاخی در برابر دوست و پشت کردن به دشمن .

داوود علیه السلام : دشمنیِ یک تن را [حتی] به بهای دوستی هزار تن نیز مَخر!

امام صادق علیه السلام : هرکه همواره انتظار داشته باشد که دوستش او را بر خود مقدّم دارد ، همیشه خشمگین خواهد بود .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : کسی با من دوستی نکرد ، جز آن که/ دوستیِ ناب خود را همواره نثارش کردم. و کسی با من دشمن نشد ، گرچه در حقّ ما بدی کرد / جز آن که همواره هدایت او را از خدای رحمان خواستار شدم .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : مانند پدری که به فرزندانش مهربانی می کند/ برای دوستت فروتنی کن . آنان را چونان بیماری که تندرستی خود را می جوید ، بجوی/ و دروغگو را رها کن که شایسته مصاحبت نیست . دوستت را در همه حال ، حفظ کن/ و شخصی را به دست آر که دروغ نمی گوید .

.

الفصل السابع: أحكام المحبَّه7 / 1مَن تَجِبُ مَحَبَّتُهُالكتاب(قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَ نُكُمْ وَأَزْوَ جُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَ لٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَرَهٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِى سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِىَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لاَ يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَسِقِينَ) . (1)

(قُل لاَّ أَسْئلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبَى) . (2)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا يُؤمِنُ عَبدٌ حَتّى أكونَ أحَبَّ إلَيهِ مِن نَفسِهِ ، و تَكونَ عِترَتى إلَيهِ أعَزَّ مِن عِترَتِهِ، ويكَونَ أهليأحَبَّ إلَيهِ مِنِ أهلِهِ، وتَكونَ ذاتى أحَبَّ إلَيهِ مِن ذاتِهِ . (3)

.

1- .التوبه : 24 .
2- .الشورى : 23 .
3- .علل الشرايع: 140/3 عن أبى ليلى ، بحار الأنوار : 27/86/30 ؛ وراجع مسند ابن حنبل : 4/547/13913، مسند أبى يعلى : 4 / 81 / 3882 .

فصل هفتم : احکام دوستی

7 / 1 آنان که دوستی شان واجب است

فصل هفتم : احکام دوستی7 / 1آنان که دوستی شان واجب استقرآن(بگو : اگر پدرانتان ، فرزندانتان ، برادرانتان ، همسرانتان ، خویشاوندانتان و اموالی که اندوخته اید و تجارتی که از کسادِ آن بیم دارید و خانه هایی که بدان دل خوش هستید، برایتان از خدا و فرستاده اش و جهاد در راهش دوست داشتنی تر است ، منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد ، و خدا مردم فاسق را هدایت نخواهد کرد) .

(بگو: بر این رسالت، مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان، (1) نمی خواهم).

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای ایمان نمی آورد ، مگر آن که من برایش دوست داشتنی تر از خودش باشم و خاندانم برایش ارجمندتر از خاندان خودش باشند و خانواده ام برایش دوست داشتنی تر از خانواده خودش باشند و هستی ام برایش دوست داشتنی تر از هستی خودش باشد .

.

1- .مقصود از خویشاوندان ، اهل بیت علیهم السلاماند است که دوستی آنان راه رسیدن به ارزشهای انسانی و اسلامی است . مؤلف .

عنه صلى الله عليه و آله : لا يُؤمِنُ أحَدُكُم حَتّى أكونَ أحَبَّ إلَيهِ مِن والِدِهِ و وَلدِهِ وَ النّاسِ أجمَعينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يُؤمِنُ أحَدُكُم حَتّى يَكونَ اللّهُ و رَسولُهُ أحَبَّ إلَيهِ مِمّا سِواهُما ، وحَتّى يُقذَفَ فِى النّارِ أحَبُّ إلَيهِ مِن أن يَعودَ فِى الكُفرِ بَعدَ أن نَجّاهُ اللّهُ مِنهُ . و لا يُؤمِنُ أحَدُكُم حَتّى أكونَ أحَبَّ إلَيهِ مِن وَلَدِهِ و والِدِهِ وَ النّاسِ أجمَعينَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يُؤمِنُ عَبدٌ حَتّى أكونَ أحَبَّ إلَيهِ مِن نَفسِهِ ، و أهلى أحَبَّ إلَيهِ مِن أهلِهِ ، و ذاتى أحَبَّ إلَيهِ مِن ذاتِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : لا تَزولُ قَدَما عَبدٍ يَومَ القِيامَهِ حَتّى يُسأَلَ عَن أربَعٍ : عَن عُمُرِهِ فيما أفناهُ ، و عَن جَسَدِهِ فيما أبلاهُ ، و عَن مالِهِ فيما أنفَقَهُ و مِن أينَ كَسَبَهُ ، و عَن حُبِّنا أهلَ البَيتِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا اختَلَطَ حُبّى بِقَلبِ عَبدٍ إلاّ حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : عاهَدَنى رَبّى أن لا يَقبَلَ إيمانَ عَبدٍ إلاّ بِمَحَبَّهِ أهلِ بَيتى . (6)

.

1- .صحيح البخارى : 1 / 14 / 15 ، سنن النسائى : 8 / 114 و ص 115 ، سنن ابن ماجه : 1 / 26 / 67 ، مسند ابن حنبل : 4 / 412 / 13150 ، شُعب الإيمان : 2 / 129 / 1374 و ح 1375 كلّها عن أنس بن مالک وراجع المستدرک على الصحيحين : 2 / 528 / 3805 .
2- .مسند ابن حنبل : 4 / 412 / 13150 و ص 554 / 13961 ، إتحاف الساده : 9 / 547 كلّها عن أنس .
3- .المعجم الكبير : 7 / 75 / 6416 عن أبى ليلى ؛ مشكاه الأنوار : 81 وفيه «عترتى» بدل «أهلى» .
4- .المعجم الكبير : 11 / 84 / 11177 ، المعجم الأوسط : 9 / 155 / 9406 ، المناقب لابن المغازلى : 120 / 157 وكلّها عن ابن عبّاس ، تاريخ

دمشق : 42 / 259 عن أبی ذرّ نحوه ، فرائد السمطین : 2 / 301 / 557 عن داود بن سلیمان عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلامعنه صلی الله علیه و آله ، کنز العمّال : 14 / 379 / 39013 ؛ الأمالی للصدوق : 93 / 70 ، الخصال : 253 / 125 کلاهما عن إسحاق ابن الإمام الکاظم عن أبیه عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، تحف العقول : 56 وفی الثلاثه الأخیره «شبابه» بدل «جسده» ، الأمالی للطوسی : 593 / 1227 عن أبی برده الأسلمی ، تنبیه الخواطر : 2 / 75 عن أبی بریده الأسلمی ، بحار الأنوار : 10 / 160 / 12 .

5- .کنز العمّال : 1 / 184 / 939 نقلاً عن حلیه الأولیاء عن ابن عمر .

6- .إحقاق الحقّ : 9 / 454 نقلاً عن المناقب المرتضویّه وخلاصه الأخبار .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از شما ایمان نمی آورد ، مگر آن که من برایش از پدرش ، فرزندش و همه مردم ، دوست داشتنی تر باشم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از شما ایمان نمی آورد ، مگر آن که خدا و پیامبرش برای او از هر چیز دیگری دوست داشتنی تر باشند، و تا آن که در آتش افتادن، برایش دوست داشتنی تر از بازگشت به کفر باشد ، پس از آن که خداوندْ او را از آن (کفر) ، نجات بخشیده است . هیچ یک از شما ایمان نمی آورد ، مگر آن که من برایش دوست داشتنی تر از فرزندش ، پدرش و همه مردم باشم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای ایمان نمی آورد ، مگر آن که من برایش دوست داشتنی تر از خودش باشم ، و خانواده ام برایش دوست داشتنی تر از خانواده اش باشند ، و هستی ام برایش دوست داشتنی تر از هستی اش باشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای در روز قیامت ، قدمی بر نمی دارد ، مگر آن که از او درباره چهار چیز پرسش شود: از عمرش که در چه راهی به سر آورده است؛ از پیکرش که در چه راهی فرسوده است ؛ از مالش که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه راهی صرف کرده است ؛ و از دوستی ما اهل بیت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی من ، با قلب بنده ای آمیخته نمی شود ، مگر آن که خداوند ، پیکرش را بر آتش ، حرام خواهد کرد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : پروردگارم با من عهد بست که ایمان هیچ بنده ای را نپذیرد ، مگر با دوستی اهل بیتم .

.

عنه صلى الله عليه و آله : أوَّلُ ما يُسأَلُ عَنهُ العَبدُ حُبُّنا أهلَ البَيتِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَتِمُّ الإِيمانُ إلاّ بِمَحَبَّتِنا أهلَ البَيتِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : لِكُلِّ شَىءٍ أساسٌ ، و أساسُ الدّينِ حُبُّنا أهلَ البَيتِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : أساسُ الإِسلامِ حُبّى و حُبُّ أهلِ بَيتى . (4)

الإمام الباقر عليه السلام : حُبُّنا أهلَ البَيتِ نِظامُ الدّينِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : لَولا أنَّ اللّهَ تَعالى فَرَضَ وِلايَتَنا وأمَرَ بِمَوَدَّتِنا ما وَقَفناكُم عَلى أبوابِنا ، ولا أدخَلناكُم بُيوتَنا . (6)

7 / 2مَن تُستَحَبُّ مَحَبَّتُهُأ المُؤمِنونَ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لِلمُؤمِنِ عَلَى المُؤمِنِ سَبعَةُ حُقوقٍ واجِبَةٍ مِنَ اللّهِ عز و جل عَلَيهِ : الإِجلالُ لَهُ فى عَينِهِ ، وَ الوُدُّ لَهُ فى صَدرِهِ ، وَ المُؤاساةُ لَهُ فى مالِهِ ، و أن يُحَرِّمَ غيبَتَهُ ، و أن يَعودَهُ فى مَرَضِهِ ، و أن يُشَيِّعَ جَنازَتَهُ ، و أن لا يَقولَ فيهِ بَعدَ مَوتِه إلاّ خَيرا . (7)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 62 / 258 عن أبى محمّد الحسن بن عبداللّه بن محمّد بن العبّاس الرازى التميمى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 27 / 79 / 18 .
2- .كفايه الأثر : 110 عن واثله بن الأسقع ، بحار الأنوار : 36 / 322 / 178 .
3- .لسان الميزان : 5 / 380 / 1232 عن جابر ؛ المحاسن : 1 / 247 / 461 ، شرح الأخبار : 3 / 8 / 927 كلاهما عن مدرک بن عبد الرحمن عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «الإسلام» بدل «الدين» ، بحار الأنوار : 27 / 91 / 47 .
4- .كنز العمّال : 12 / 105 / 34206 نقلاً عن ابن عساكر عن الإمام علىّ عليه السلام ، تفسير الدرّ المنثور : 7 / 350 نقلاً عن ابن النجّار فى تاريخه

عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «حبّ أصحاب رسول اللّه صلى الله عليه و آله» بدل «حبّى».
5- .الأمالى للطوسى : 296 / 582 عن جابر بن يزيد الجعفى ، بحار الأنوار : 78 / 183 / 8 .
6- .بصائر الدرجات : 300 / 5 ، إعلام الورى : 285 .
7- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 398 / 5850 فى روايه مسعده بن صدقه ، الأمالى للصدوق : 84 / 51 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الخصال : 351 / 27 عن مسعده عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 74 / 222 / 3 ، وفى الكافى : 2 / 125 / 7 عن الإمام الصادق عليه السلام : «إنّ من حقّ المؤمن على المؤمن المودّه له فى صدره ، والمواساه فى ماله» .

7 / 2 آنان که دوستی شان مستحب است

الف مؤمنان

رسول خدا صلی الله علیه و آله : نخستین چیزی که [روز قیامت] درباره آن از بنده می پرسند ، دوستی ما اهل بیت است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ایمان ، جز با دوستی ما اهل بیت ، کامل نمی شود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرچیزی را بنیادی است و بنیادِ دین، دوستی ما اهل بیت است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بنیاد اسلام ، دوستی من و دوستی اهل بیتم است .

امام باقر علیه السلام : دوستیِ ما اهل بیت ، [مایه] انتظام دین است .

امام صادق علیه السلام : اگر نه آن که خداوند متعال ، ولایت ما را واجب کرده و به دوست داشتن ما فرمان داده بود ، شما را بر درگاه خود ، نگه نمی داشتیم و به خانه هایمان راه نمی دادیم .

ر . ک : اهل بیت در قرآن و حدیث ، بخش نهم (دوستی اهل بیت).

7 / 2آنان که دوستی شان مستحب استالف مؤمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل ، برای مؤمن بر مؤمن ، هفت حقْ واجب کرده است : او را به چشمْ بزرگ بدارد ؛ او را به دلْ دوست بدارد ؛ از مال خود به او ببخشد ؛ غیبتش را حرام شمارد ؛ به هنگام بیماری به عیادتش برود ؛ در تشییع جنازه اش شرکت کند ؛ و پس از مرگش جز به نیکی از او یاد نکند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : وُدُّ المُؤمِنِ لِلمُؤمِنِ فِى اللّه ِ مِن أعظَمِ شُعَبِ الإِيمانِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : صانِعِ المُنافِقَ بِلِسانِکَ ، و أخلِص وُدَّکَ لِلمُؤمِنِ . و إن جالَسَکَ يَهودِىٌّ فَأَحسِن مُجالَسَتَهُ . (2)

ب العُلَماء رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أُغدُ عالِما ، أو مُتَعَلِّما ، أو مُستَمِعا ، أو مُحِبّا لَهُم ، و لا تَكُنِ الخامِسَ فَتَهلِکَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : أُغدُ عالِما ، أو مُتَعَلِّما ، أو أحِبَّ أهلَ العِلمِ ، ولا تَكُن رابِعا فَتَهلِکَ بِبُغضِهِم (4)

الإمام علىّ عليه السلام : يَنبَغى لِلعاقِلِ أن يُكثِرَ مِن صُحبَهِ العُلَماءِ وَ الأَبرارِ ، و يَجتَنِبَ مُقارَنَهَ الأَشرارِ وَ الفُجّارِ . (5)

.

1- .الكافى : 2 / 125 / 3 ، المحاسن : 1 / 410 / 933 كلاهما عن سلام بن المستنير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحارالأنوار : 69 / 240 / 14 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 404 / 5872 عن إسحاق بن عمّار ، الأمالى للمفيد : 185 / 10 عن سعد بن طريف ، تحف العقول : 292 ، أعلام الدين : 301 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، الاختصاص : 230 ، مشكاه الأنوار : 82 ، روضه الواعظين : 406 ، بحار الأنوار : 74 / 152 / 11 .
3- .عوالى اللآلى : 4 / 75 / 58 ، بحار الأنوار : 1 / 195 / 13 ؛ المعجم الأوسط : 5 / 231 / 5171 ، الفردوس : 1 / 420 / 1753 كلاهما عن أبى بكره وليس فيهما «لهم» ، كنز العمّال : 10 / 143 / 28730 نقلاً عن البزّار .
4- .الكافى : 1 / 34 / 3 عن أبى حمزه الثمالى .
5- .غرر الحكم : 10949 .

ب عالمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبّت مؤمن به مؤمن در راه خدا ، از بزرگ ترین شاخه های ایمان است .

امام صادق علیه السلام : با منافق به زبان ، مدارا کن و دوستی ات را برای مؤمن ، خالص ساز و اگر یهودی ای نیز با تو همنشین شد ، با او خوش مجلس باش .

ب عالمان رسول خدا صلی الله علیه و آله : عالم باش ، یا آموزنده ، یا شنونده ، و یا دوستدار آنان . پنجمین مباش که هلاک می شوی .

امام صادق علیه السلام : عالم باش ، یا آموزنده ، و یا دوستدار اهل علم . چهارمین مباش که به سبب دشمنی با آنان هلاک می شوی .

امام علی علیه السلام : برای عاقل ، سزاوار است که با عالمان و نیکان ، بسیار مصاحبت کند و از همنشینی با بدان و تبهکاران بپرهیزد .

.

الإمام الباقر عليه السلام : العِلمُ خَزائِنُ ، وَ المَفاتيحُ السُّؤالُ ، فَاسأَلوا يَرحَمكُمُ اللّهُ ؛ فَإِنَّهُ يُؤجَرُ فِى العِلمِ أربَعَةٌ : السّائِلُ ، وَ المُتَكَلِّمُ ، وَ المُستَمِعُ ، وَ المُحِبُّ لَهُم . (1)

ج العُقَلاء رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الصُّحبَةُ مَعَ العاقِلِ زِيادَةٌ . وَ الصُّحبَةُ مَعَ الأحمَقِ نُقصانٌ فِى الدُّنيا ، وحَسرَةٌ و نَدامَةٌ عِندَ المَوتِ ، و خَسارَةٌ فِى الآخِرَهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : لا عَلَيکَ أن تَصحَبَ ذَا العَقلِ و إن لَم تَحمَد كَرَمَهُ ، و لكِن انتَفِع بِعَقلِهِ، وَاحتَرِس مِن سَيِّىءأخلاقِهِ. ولا تَدَعَنَّ صُحبَةَ الكَريمِ وإن لَم تَنتَفِع بِعَقلِهِ، و لكِن انتَفِعْ بِكَرَمِهِ بِعَقلِکَ . وَ افرِر كُلَّ الفِرارِ مِنَ اللَّئيمِ الأحمَقِ . (3)

د النّاصِحونَالكتاب(فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَهَ رَبِّى وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لاَّتُحِبُّونَ النَّصِحِينَ) . (4)

الحديث الإمام علىّ عليه السلام : لا خَيرَ فى قَومٍ لَيسوا بِناصِحينَ و لا يُحِبّونَ النّاصِحينَ . (5)

.

1- .الخصال : 245 / 101 عن السكونى ، روضه الواعظين : 11 وليس فيه «فى العلم» وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 1 / 196 / 1 .
2- .الفردوس : 2 / 421 / 3867 عن أنس بن مالک .
3- .الكافى : 2/638 / 1 عن عمّار بن موسى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 206 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : 356 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 188 / 12 و ج 78 / 43 / 32 .
4- .الأعراف : 79 .
5- .غرر الحكم: 10884 .

ج عاقلان

د نیک خواهان

امام باقر علیه السلام : دانش ، گنجینه ای است که پرسش ، کلید آن است . پس خدایتان رحمت کند بپرسید ، که در راه دانش به چهار تن پاداش داده می شود : پرسنده ، گوینده ، شنونده و دوستدار آنان .

ج عاقلان رسول خدا صلی الله علیه و آله : مصاحبت با عاقل ، مایه فروتنی است و مصاحبت با احمق ، مایه کاستی در دنیا ، پشیمانی به هنگام مرگ و زیان در آخرت است .

امام علی علیه السلام : زیانی برای تو ندارد که با عاقلْ مصاحبت کنی ، گرچه کرم او را نستایی؛ لیکن از عقل او بهره گیر و از خوی بدش خود را نگه دار . مصاحبت با شخص کریم را فرو مگذار ، گرچه از عقلش بهره مند نشوی ؛ لیکن با عقلت از کرم او بهره مند شو ؛ امّا تا می توانی از شخص بخیلِ احمق بگریز .

د نیک خواهانقرآن(پس [پیامبر خدا ، صالح ،]از آنان روی گرداند و گفت : ای قوم من! رسالت پروردگارم را به شما رساندم و برایتان نیکخواهی کردم ؛ لیکن شما نیکخواهان را دوست ندارید) .

حدیث امام علی علیه السلام : در مردمی که نه خود ، نیکخواهان اند و نه نیک خواهان را دوست دارند ، خیری نیست .

.

عنه علیه السلام : لِیَکُن أحَبَّ النّاسِ إلَیکَ مَن هَداکَ إلی مَراشِدِکَ ، و کَشَفَ لَکَ عَن مَعایِبِکَ . (1)

عنه علیه السلام : لِیَکُن أحَبَّ النّاسِ إلَیکَ المُشفِقُ النّاصِحُ . (2)

عنه علیه السلام : لا شَفیقَ کَالوَدودِ النّاصِحِ . (3)

ه الأَبرار الإمام الصادق علیه السلام : حُبُّ الأَبرارِ لِلأَبرارِ ثَوابٌ لِلأَبرارِ ، و حُبُّ الفُجّارِ لِلأَبرارِ فَضیلَهٌ لِلأَبرارِ ، و بُغضُ الفُجّارِ لِلأَبرارِ زَینٌ لِلأَبرارِ ، و بُغضُ الأَبرارِ لِلفُجّارِ خِزیٌ عَلَی الفُجّارِ . (4)

الإمام علیّ علیه السلام : خَیرُ الاِختِیارِ مُوادَّهُ الأَخیارِ . (5)

عنه علیه السلام : یا طالِبَ العِلمِ ، إنَّ العِلمَ ذو فَضائِلَ کَثیرَهٍ ؛ فَرَأسُهُ التَّواضُعُ . . . ودَلیلُهُ الهُدی ، و رَفیقُهُ مَحَبَّهُ الأَخیارِ . (6)

و المُسَدِّدُ عَلَی الخَیرِ الإمام علیّ علیه السلام : خَیرُ الأَصحابِ مَن یُسَدِّدُکَ عَلَی الخَیرِ . (7)

.

1- .غرر الحکم: 7374 .
2- .غرر الحکم: 7386 .
3- .غرر الحکم: 10546 .
4- .الکافی : 2 / 640 / 6 عن عمّار بن موسی ، مصادقه الإخوان : 157 / 4 نحوه ، المحاسن : 1 / 414 / 949 کلاهما عن عبداللّه بن القاسم الجعفری ، الاختصاص : 239 ، تحف العقول : 487 عن الإمام العسکریّ علیه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 279 / 4 .
5- .غرر الحکم : 4982 .
6- .الکافی : 1 / 48 / 2 ، منیه المرید : 148 کلاهما عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام ، تحف العقول : 200 ولیس فیه «یا طالب العلم» ، بحار الأنوار : 1 / 175 / 41 ؛ کنز العمّال : 10 / 254 / 29362 نقلاً عن الخطیب البغدادی فی الجامع وفیه «ورفیقه صحبه الأخیار» .
7- .المواعظ العددیّه : 55 .

ه نیکان

و استوارسازان بر نیکی

امام علی علیه السلام : محبوب ترینِ مردم در نزد تو ، باید کسی باشد که تو را به راه های صواب ، هدایت می کند و عیب هایت را برایت آشکار می نماید .

امام علی علیه السلام : محبوب ترینِ مردم در نزد تو ، باید شخص مهربانِ نیکخواه باشد .

امام علی علیه السلام : هیچ دلسوزی ، همچون دوست نیکخواه نیست .

ر . ک : ص 191 و 193 (ح 465 ، 467 و 468 ، 472) .

ه نیکان امام صادق علیه السلام : دوست داشتن نیکان ، برای نیکان ، ثواب است ؛ و دوست داشتن بدان ، برای نیکان ، فضیلت است ؛ و دشمنی بدان با نیکان ، زیوَر نیکان است؛ و دشمنی نیکان با بدان ، ننگی است برای بدان .

امام علی علیه السلام : بهترین انتخاب ، دوستی با نیکان است .

امام علی علیه السلام : ای دانشجو ! دانش را فضیلت های بسیاری است : بنیادش فروتنی است ، راهنمایش هدایت است و رفیقش دوستی نیکان .

و استوارسازان بر نیکی امام علی علیه السلام : بهترینِ یاران ، کسی است که تو را بر نیکی استوار بدارد .

.

عنه علیه السلام : المُعینُ عَلَی الطّاعَهِ خَیرُ الأَصحابِ . (1)

عنه علیه السلام : أحبِب فِی اللّهِ مَن یُجاهِدُکَ عَلی صَلاحِ دینٍ ، و یَکسِبُکَ حُسنَ یَقینٍ . (2)

ز المُذَکِّرونَ للّهِ الإخوانِ عن الحسن : قالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، أیُّ الأَصحابِ خَیرٌ ؟ قالَ : صاحِبٌ إذاذَکَرتَ اللّهَ تَبارَکَ و تَعالی أعانَکَ ، و إذا نَسیتَهُ ذَکَّرَکَ . قالوا: یا رَسولَ اللّهِ ، دُلَّنا عَلی خِیارِنا ؛ نَتَّخِذهُم أصحابا و جُلَساءَ . قالَ : نَعَم ، الَّذینَ (إذا) رُؤوا ذُکِرَ اللّهُ . (3)

ح الفُقَراء رسول اللّه صلی الله علیه و آله لِأَبی ذَرٍّ : عَلَیکَ . . . بِحُبِّ المَساکینِ ومُجالَستِهِم . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : لِکُلِّ شَیءٍ مِفتاحٌ ، و مِفتاحُ الجَنَّهِ حُبُّ المَساکین وَ الفُقَراءِ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله : أحِبُّوا الفُقَراءَ و جالِسوهُم . (6)

عنه صلی الله علیه و آله : أمَرَنی رَبّی بِسَبعِ خِصالٍ : حُبِّ المَساکینِ وَ الدُّنُوِّ مِنهُم ، و أن أُکثِرَ مِن «لا حَولَ و لا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ» ، و أن أصِلَ بِرَحِمی و إن قَطَعَنی ، و أن أنظُرَ إلی مَن أسفَلُ مِنّی ولا أنظُرَ إلی مَن هُوَ فَوقی، و أن لا یَأخُذَنی فِی اللّهِ لَومَهُ لائِمٍ، و أن أقولَ الحَقَّ و إن کانَ مُرّا ، وأن لا أسأَلَ أحَدا شَیئا . (7)

.

1- .غرر الحکم : 1142 .
2- .غرر الحکم : 2358 .
3- .الإخوان : 123 / 42 ، کنز العمّال : 9 / 27 / 24763 ؛ تحف العقول : 35 وفیه صدره نحوه من دون إسناد ، وراجع تاریخ الیعقوبی : 2 / 91.
4- .معانی الأخبار : 335 / 1 عن أبی ذرّ ، الأمالی للمفید : 221 / 1 ، الأمالی للطوسی : 7 / 8 کلاهما عن الإمام الحسن عن الإمام علیّ علیهماالسلام فیما أوصی به عند وفاته علیه السلام ، بحار الأنوار: 74 / 411 / 22 .

5- .الجامع الصغير : 2 / 415 / 7322 ، كنز العمّال : 6 / 469 / 16587 نقلاً عن ابن لال وكلاهما عن ابن عمر .
6- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 368 / 7947 عن أبى هريره ، الفردوس : 1 / 76 / 224 عن أبى الدرداء وفيه «المساكين» بدل «الفقراء» ، كنز العمّال : 6 / 469 / 16583 .
7- .الأُصول الستّه عشر (أصل جعفر بن محمّد الحضرمى) : 75 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 345 / 12 عن أبيذرّ نحوه، بحار الأنوار: 69/388/56؛ مسند ابن حنبل: 8/94/21472، السنن الكبرى: 10/155/20186، المعجم الكبير : 2 / 156 / 1649 ، المعجم الصغير : 1 / 268 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 16 / 245 / 44320 .

ز یادآوران خدا

ح بینوایان

امام علی علیه السلام : یاور در فرمانبریِ [خدا] ، بهترینِ یاران است .

امام علی علیه السلام : در راه خدا کسی را دوست بدار که بر اصلاح دینت بکوشد و یقین نیکو را نصیبت کند .

ز یادآوران خدا الإخوان به نقل از حَسَن : [اصحاب] گفتند : ای پیامبر خدا ! کدام یاران بهترند ؟ فرمود : «یاری که هرگاه خداوند متعال را یاد کردی ، به تو یاری رساند و اگر فراموشش کردی ، به یادت آورد» . گفتند : ای پیامبر خدا! ما را به نیکانمان راهنمایی کن تا آنان را برای دوستی و همنشینی انتخاب کنیم . فرمود : «آری ! کسانی که دیدارشان ، خدا را به یاد آورد» .

ح بینوایان رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر : تو را به دوستی مسکینان و همنشینی با آنان سفارش می کنم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرچیزی را کلیدی است و کلید بهشت ، دوست داشتن مسکینان و فقیران است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فقیران را دوست بدارید و با آنان ، همنشینی کنید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : پروردگارم مرا به [داشتن] هفت صفت فرمان داد : مسکینان را دوست بدارم و به آنان نزدیک شوم ؛ ذکر «لا حول ولا قوّه إلاّ باللّه» را فراوان بگویم ؛ پیوند با خویشانم را نگسلم ، اگر چه آنان بگسلند ؛ به فرو دست خود بنگرم ، نه به فرا دست خود ؛ در راه خدا از نکوهش هیچ نکوهشگری نهراسم ؛ حق را بگویم ، گرچه تلخ باشد ؛ و از هیچ کس ، چیزی درخواست نکنم .

.

إرشاد القلوب : رُوِیَ عَن أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام أنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله سَأَلَ رَبَّهُ سُبحانَهُ لَیلَةَ المِعراجِ فَقالَ : یا رَبِّ ، أیُّ الأَعمالِ أفضَلُ ؟ فَقالَ اللّهُ تَعالی : لَیسَ شَیءٌ أفضَلَ عِندی مِنَ التَّوَکُّلِ عَلَیَّ ، وَ الرِّضا بِما قَسَمتُ . یا مُحَمَّدُ ، وَجَبَت مَحَبَّتی لِلمُتَحابّینَ فِیَّ . . . یا أحمَدُ ، مَحَبَّتی مَحَبَّةُ الفُقَراءِ ؛ فَأَدنِ الفُقَراءَ ، و قَرِّب مَجلِسَهُم مِنکَ ، و أبعِدِ الأَغنِیاءَ ، و أبعِد مَجلِسَهُم عَنکَ ؛ فَإِنَّ الفُقَراءَ أحِبّائی . (1)

الکافی عن علیّ بن أسباط عنهم علیهم السلام : فیما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عیسی علیه السلام : . . . یا عیسی ، تَزَیَّن بِالدّینِ ، و حُبِّ المَساکینِ ، وَ امشِ عَلَی الأَرضِ هَونا . (2)

الإمام الصادق علیه السلام : عَلَیکُم بِحُبِّ المَساکینِ المُسلِمینَ ؛ فَإِنَّهُ مَن حَقَّرَهُم و تَکَبَّرَ عَلَیهِم فَقَد زَلَّ عَن دینِ اللّهِ ، وَ اللّهُ لَهُ حاقِرٌ ماقِتٌ ، و قَد قالَ أبونا رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «أمَرَنی رَبّی بِحُبِّ المَساکینِ المُسلِمینَ (مِنهُم)» . وَ اعلَموا أنَّ مَن حَقَّرَ أحَدا مِنَ المُسلِمینَ ألقَی اللّهُ عَلَیهِ المَقتَ مِنهُ وَ المَحقَرَةَ حَتّی یَمقُتَهُ النّاسُ ، وَ اللّهُ لَهُ أشَدُّ مَقتا . فَاتَّقُوا اللّهَ فی إخوانِکُمُ المُسلِمینَ المَساکینِ ؛ فَإِن لَهُم عَلَیکُم حَقّا أن تُحِبّوهُم ؛ فَإِنَّ اللّهَ أمَرَ رَسولَهُ صلی الله علیه و آله بِحُبِّهِم ، فَمَن لَم یُحِبَّ مَن أمَرَ اللّهُ بِحُبِّهِ فَقَد عَصَی اللّهَ و رَسولَهُ ، و مَن عَصَی اللّهَ و رَسولَهُ ومات عَلی ذلِکَ ماتَ و هُوَ مِنَ الغاوینَ . (3)

.

1- .إرشاد القلوب : 199 و ص 201 ، بحار الأنوار : 77 / 23 / 6 .
2- .الکافی : 8 / 131 و 135 / 103 ، تنبیه الخواطر : 2 / 141 عن الإمام الصادق علیه السلام ، أعلام الدین : 230 ، بحارالأنوار : 14 / 293 / 14 نقلاً عن الأمالی للصدوق عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام.
3- .الکافی : 8 / 8 / 1 عن إسماعیل بن جابر ، تحف العقول : 315 ، بحار الأنوار : 78 / 217 / 93 .

إرشاد القلوب : از امیر مؤمنان علیه السلاممنقول است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج ، از پروردگارش پرسید: «پروردگارا ! کدام یک از اعمال ، برتر است ؟» خداوند متعال فرمود : هیچ چیز نزد من ، برتر از توکّل به من و خشنودی به آنچه روزی کرده ام ، نیست . ای محمّد! دوستی من برای کسانی که در راه من با یکدیگر دوستی می کنند ، قطعی است ... . ای احمد! دوستی من ، دوستی فقیران است. پس فقیران را نزدیک ساز و نشستگاه آنان را به خود نزدیک کن . دولتمندان را دور ساز و نشستگاه آنان را از خود دور کن ؛ زیرا فقیران ، دوستان من هستند .

الکافی به نقل از علی بن اَسباط ، از معصومان علیهم السلام : از جمله پندهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام آن بود که : «ای عیسی ! خود را با دین و دوستی مسکینان بیارای ، و بر زمین ، آرام و با فروتنی راه برو» .

امام صادق علیه السلام : مسکینانِ مسلمان را دوست بدارید ، که هرکس آنان را حقیر شمارد و بر آنان بزرگی بفروشد ، از دین خدا لغزیده است و خداوند ، او را حقیر می کند و دشمنش می دارد . پدرمان پیامبر خدا فرمود : «پروردگارم به من فرمان داد تا مسکینانِ مسلمان را دوست بدارم» . بدانید هرکس مسلمانی را حقیر شمارد ، خداوند ، دشمنی و حقارت را بر او خواهد فرستاد ، تا آن جا که مردمْ دشمنش می دارند ، حال آن که دشمنی خدا شدیدتر است . پس درباره برادرانِ مسلمان و مسکین خود ، از خدا بترسید ، که آنان را بر شما این حق است که دوستشان بدارید ؛ زیرا خداوند به فرستاده اش فرمان داد که آنان را دوست بدارد . پس هرکه آن را که خداوند به دوستی اش فرمان داده ، دوست نداشته باشد ، نافرمانی خدا و پیامبرش کرده است ، و هرکه از خدا و فرستاده اش نافرمانی کند و بر آن حالت بمیرد ، در حال گم راهی مرده است .

.

الكافى عن حسين بن نعيم الصحّاف : قالَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : أتُحِبُّ إخوانَکَ يا حُسَينُ ؟ قُلتُ : نَعَم . قالَ : تَنفَعُ فُقَراءَهُم ؟ قُلتُ : نَعَم . قالَ : أما إنَّهُ يَحِقُّ عَلَيکَ أن تُحِبَّ مَن يُحِبُّ اللّه ، أما وَ اللّهِ لا تَنفَعُ مِنهُم أحَدا حَتّى تُحِبَّهُ . (1)

ط النّساء رسول اللّه صلى الله عليه و آله : كُلَّمَا ازدادَ العَبدُ إيمانا ، ازدادَ حُبّا لِلنِّساء . (2)

الإمامِ الصادق عليه السلام : العَبدُ كُلَّمَا ازدادَ لِلنّساءِ حُبّا ، ازدادَ فى الإِيمانِ فَضلاً . (3)

عنه عليه السلام : مِن أخلاقِ الأَنبياءِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِم حُبُّ النِّساءِ . (4)

عنه عليه السلام : كُلُّ مَنِ اشتَدَّ لَنا حُبّا اشتَدَّ لِلنِّساءِ حُبّا . (5)

.

1- .الكافى : 2/201/8 ، المحاسن : 2/148/1393 ، بحار الأنوار : 74 / 362 / 20 و ص 375/70 و ج 75/459/7 .
2- .الجعفريّات : 90 بإسناده عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : 2 / 192 / 693 ، النوادر للراوندى : 114 / 109 عن موسى بن جعفر عن آبائه عليهم السلام، الكافى: 5/320/2 عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه، بحار الأنوار: 103/228/28.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 3 / 4 / 4350 عن أبى العبّاس فضل بن عبدالملک البقباق .
4- .الكافى : 5 / 320 / 1 ، تهذيب الأحكام : 7 / 403 / 1610 كلاهما عن إسحاق بن عمّار .
5- .مستطرفات السرائر: 143/8 نقلاً عن كتاب أبيالقاسم بن قولويه، بحارالأنوار: 66/287/11 و ج 103/227/20.

الکافی به نقل از حسین بن نعیم صحّاف : امام صادق علیه السلامفرمود : «ای حسین ! برادرانت را دوست داری ؟» . گفتم : آری . فرمود : «به فقیرانشان سود می رسانی ؟» . گفتم : آری . فرمود : «هان ! بر تو لازم است کسی را که خدا دوست می دارد ، دوست بداری . هان! به خدا سوگند ، به هیچ یک از آنان سودی نمی رسانی، مگر آن که دوستش داشته باشی».

ط زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر چه بر ایمان بنده افزوده می شود ، زنْ دوستی او افزایش می یابد .

امام صادق علیه السلام : هر چه زنْ دوستی بنده افزایش می یابد ، بر ارزش ایمانش افزوده می شود .

امام صادق علیه السلام : زن دوستی ، از اخلاق پیامبران صلوات اللّه علیهم است .

امام صادق علیه السلام : هر که دوستی اش نسبت به ما شدیدتر شود ، زنْ دوستی اش شدیدتر می گردد .

.

ی الزَّوجُ وَالزَّوجَهُ رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی قِصَّهِ الحَولاءِ : یا حَولاءُ ، لِلرَّجُلِ عَلَی المَرأهِ أن تَلزَمَ بَیتَهُ ، وتُوَدِّدَهُ وتُحِبَّهُ وتُشفِقَهُ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله : خَیرُ النِّساءِ الوَدودُ الوَلودُ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله : قَولُ الرَّجُلِ لِلمَرأهِ : إنّی اُحِبُّکِ لا یَذهَبُ مِن قَلبِها أبَدا . (3)

ک الأطفال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أحِبُّوا الصِّبیانَ وَ ارحَموهُم ، و إذا وَعَدتُموهُم شَیئا فَفوا لَهُم ؛ فَإِنَّهُم لا یَدرونَ إلاَّ أنَّکُم تَرزُقونَهُم . (4)

الإمام الصادق علیه السلام : قالَ موسَی بنُ عِمرانَ علیه السلام : یا رَبِّ ، أیُّ الأعمالِ أفضَلُ عِندَکَ ؟ قالَ : حُبُّ الأطفالِ ؛ فَإِنّی فَطَرتُهُم عَلی تَوحیدی ، فَإِن أمَتُّهُم أدخَلتُهُم بِرَحمَتی جَنَّتی . (5)

عنه علیه السلام : جاءَ رَجُلٌ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ : ما قَبَّلتُ صَبِیّا قَطُّ . فَلَمّا وَلّی قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : هذا رَجُلٌ عِندی إنَّهُ مِن أهلِ النّارِ . (6)

.

1- .مستدرک الوسائل : 14 / 244 / 16604 عن أبی هریره .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 191 / 689 ، روضه الواعظین : 410 عن جابر بن عبداللّه ، عوالی اللآلی : 1 / 258 / 28 وفیهما «نسائکم» بدل «النساء» .
3- .الکافی : 5 / 569 / 59 عن عمرو بن جمیع عن الإمام الصادق علیه السلام .
4- .الکافی : 6 / 49 / 3 عن عبداللّه بن محمّد البجلی عن الإمام الصادق علیه السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 3 / 483 / 4702 وفیه «لا یرون» بدل «لا یدرون» ، بحار الأنوار : 104 / 92 / 14 .
5- .المحاسن : 1/457/1057 عن المساور ، مکارم الأخلاق : 1 / 505 / 1751 ، بحار الأنوار : 104 / 97 / 57 .
6- .الکافی : 6 / 50 / 7 ، تهذیب الأحکام : 8 / 113 / 391 کلاهما عن الحسن بن علیّ بن یوسف الأزدی عن رجل ، عدّه الداعی : 79 نحوه .

ی زنان و شوهران

ک کودکان

ی زنان و شوهران رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماجرای حولاء : ای حولاء! این حقّ مرد بر زنش است که پایبند خانه اش باشد، با او مهربانی کند و مهر بورزد و دوستش بدارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بهترین زنان ، زن مهربانِ زایاست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : این گفته مرد به زنش که «دوستت دارم» ، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود .

ک کودکان رسول خدا صلی الله علیه و آله : کودکان را دوست بدارید و به آنان رحم کنید و هرگاه به آنان وعده ای دادید ، به آن وفا کنید که آنان ، تنها این را می دانند که شما روزی رسان آنان هستید .

امام صادق علیه السلام : موسی بن عمران علیه السلام گفت : «پروردگارا ! کدام یک از اعمال ، نزدت برتر است ؟» . خداوند فرمود : دوست داشتن کودکان ، که آنان را بر توحید خود سرشته ام و چون آنان را بمیرانم ، به رحمت خویش ، آنان را به بهشت خود وارد می کنم .

امام صادق علیه السلام : مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت : «هرگز کودکی را نبوسیده ام» . چون آن مرد رفت ، پیامبر خدا فرمود : «به نظر من ، این مرد ، دوزخی است» .

.

مسند أبی یعلی عن أنس بن مالک : کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله أرحَمَ بِالصِّبیانِ . وکانَ لَهُ ابنٌ مُسترضِعا فی ناحِیَهِ المَدینَهِ ، وکانَ ظِئرُهُ قَینا ، فَکانَ یَأتیهِ ونَحنُ مَعَهُ وقَد دَخَّنَ البَیتَ بِما دَخَّنَ ، فَیَشُمُّهُ ویُقَبِّلُهُ ، ثُمَّ یَرجِعُ . (1)

ل الوَلَد الإمام علیّ علیه السلام فِی الحِکَم المَنسوبَهِ إلَیهِ : یَجِبُ عَلَیکَ أن تُشفِقَ عَلی وَلَدِکَ أکثَرَ مِن إشفاقِهِ عَلَیکَ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام : إِنَّ اللّهَ لَیَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشَدَّهِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ . (3)

صحیح البخاری عن أبی هریره : قَبَّلَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله الحَسَنَ بنَ عَلِیٍّ وعِندَهُ الأَقرَعُ بنُ حابِسٍ التَّمیمِیُّ جالِسا ، فَقالَ الأَقرَعُ : إنَّ لی عَشرَهً مِنَ الوَلَدِ ما قَبَّلتُ مِنهُم أَحَداً . فَنَظَرَ إلَیهِ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ قالَ : مَن لا یَرحَم لا یُرحَم . (4)

بحار الأنوار عن أبی هُریرَهَ : کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُقَبِّلُ الحَسَنَ وَالحُسَینَ ، فَقالَ عُیَینَهُ وفی روایه غیره الأقرع بن حابس إنَّ لی عَشرَهً ما قَبَّلتُ واحِدا مِنهُم قَطُّ . فَقالَ علیه السلام : مَن لا یَرحَم لا یُرحَم وفی روایه حفص الفرّاء فَغَضِبَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آلهحَتَّی التَمَعَ لَونُهُ ، وقالَ لِلرَّجُلِ : إن کانَ اللّهُ قَد نَزَعَ الرَّحمَهَ مِن قَلبِکَ فَما أَصنَعُ بِکَ ؟! مَن لَم یَرحَم صَغیرَنا ولَم یُعَزِّز کَبیرَنا فَلَیسَ مِنّا . (5)

.

1- .مسند أبی یعلی : 4 / 182 / 4181 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 272 / 152 .
3- .الکافی: 6/50/5، ثواب الأعمال: 238 کلاهما عن ابن أبی عمیر عمّن ذکره، مکارم الأخلاق: 1/472/1617 وفیهما «الرجل» بدل «العبد» ، عدّه الداعی : 78 وفیه «الولد» بدل «العبد» .
4- .صحیح البخاری: 5 / 2235 / 5651 ، صحیح مسلم: 4 / 1808 / 2318 ، سنن الترمذی : 4/318/1911، سنن أبی داود : 2 / 4 / 355 ، مسند ابن حنبل : 3 / 595 / 10678 و ص 4 / 7124 وفیه «عُیینه بن حصن» بدل

«الأقرع بن حابس» ، اَسد الغابه : 1 / 267/ 208 ، تاريخ المدينه : 2 / 533 ؛ روضه الواعظين : 404 .
5- .بحار الأنوار : 43 / 282 / 49 نقلاً عن مسند ابن حنبل .

ل فرزند

مُسنَد أبی یَعلی به نقل از اَنَس بن مالک : پیامبر خدا با کودکان ، مهربان تر بود . ایشان فرزند شیرخواری داشت که به دایه ای در حومه مدینه سپرده بود تا او را شیر دهد . شوهر آن دایه ، آهنگر بود . حضرت در حالی که ما با ایشان بودیم برای دیدن آن کودک می رفت ، حال آن که خانه آهنگر ، پُر از دود شده بود . پس حضرت ، آن کودک را می بویید و می بوسید و سپس باز می گشت .

ل فرزند امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : بر تو واجب است که به فرزندت بیش از مهربانی اش به تو ، مهربانی کنی .

امام صادق علیه السلام : خداوند به بنده ای که به فرزندش محبّت شدید دارد ، رحم می کند .

صحیح البخاری به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا در حالی که اَقرع بن حابِس تمیمی نزد ایشان نشسته بود ، حسن بن علی علیهماالسلام را بوسید . اقرع گفت : من ده فرزند دارم و تاکنون هیچ یک از آنان را نبوسیده ام . پیامبر خدا به او نگاهی کرد و فرمود : «هرکه مهربانی نکند ، مورد مهربانی قرار نخواهد گرفت» .

بحارالأنوار از ابو هریره : پیامبر خدا ، حسن و حسین علیهماالسلام را می بوسید که عُیَینه و به روایت دیگری ، اَقرع بن حابِس گفت : من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آنان را نبوسیده ام . حضرت فرمود : «هرکه رحم نکند ، به او رحم نمی شود» ، و به روایت حَفْص فَرّاء پیامبر خدا خشمگین شد تا آن جا که رنگش دگرگون گشت و به آن مرد فرمود : «اگر خداوند ، مهربانی را از قلبت برکَنده است ، من با تو چه کنم ؟ هرکه به کوچک ما مهربانی نکند و بزرگ ما را عزیز ندارد ، از ما نیست» .

.

م الجار الإمام الصادق عليه السلام لِداودَ بنِ سَرحان : يا داوُدُ ، إنَّ خِصالَ المَكارِمِ بَعضُها مُقَيَّدٌ بِبَعضٍ ، يَقسِمُهَا اللّهُ حَيثُ يَشاءُ . . . وَ التَّوَدُّدُ إلَى الجارِ وَ الصّاحِبِ . (1)

ن صاحِبُ الأَبِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اِحفَظ وُدَّ أبيکَ ، لا تَقطَعهُ فَيُطفِئَ اللّهُ نورَکَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنَ البِرِّ أن تَصِلَ صَديقَ أبيکَ . (3)

رجال الكشّى عن ابن أبى عمير : كانَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام إذا نَظَرَ إلَى الفُضَيلِ بنِ يَسارٍ مُقبِلاً قالَ : « بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ » (4) ، و كانَ يَقولُ : إنَّ فُضَيلاً مِن أصحابِ أبى ، و إنّى لاُحِبُّ الرَّجُلَ أن يُحِبَّ أصحابَ أبيهِ . (5)

س مَن لا يَقلاکَ الإمام علىّ عليه السلام : أولى مَن أحبَبتَ مَن لا يَقلاکَ . (6)

عنه عليه السلام : والاکَ مَن لَم يُعادِکَ . (7)

عنه عليه السلام : مَن أمِنتَ مِن أذِيَّتِهِ فَارغَب فى اُخُوَّتِهِ . (8)

.

1- .الأمالى للطوسى : 301 / 597 عن أبى قتاده ، بحار الأنوار : 69 / 375 / 23 و ج 75 / 458 / 3 .
2- .الأدب المفرد : 26 / 40 ، المعجم الأوسط : 8 / 279 / 8633 ، شُعب الإيمان : 6 / 200 / 7898 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : 16 / 464 / 45460 .
3- .مجمع الزوائد : 8/269/13426 ، كنز العمّال : 16 / 465 / 45463 كلاهما نقلاً عن المعجم الأوسط عن أنس .
4- .الحجّ : 34 .
5- .رجال الكشّى : 2 / 473 / 380 .
6- .غرر الحكم : 3071 .
7- .المواعظ العدديّه : 61 .
8- .كنز الفوائد : 1 / 368 .

م همسایه

ن دوستِ پدر

س کسی که با تو دشمنی نکند

م همسایه امام صادق علیه السلام به داوود بن سَرحان : ای داوود ! صفت های اخلاقی والا به یکدیگر پیوسته اند که خداوند ، آن جا که بخواهد ، آنها را قسمت می کند ... و [از جمله آنهاست :] ابراز دوستی به همسایه و دوست .

ن دوستِ پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستیِ [با دوست]پدرت را حفظ کن و پیوندت را از او مَبُر که خداوند ، نور [وجود]تو را خاموش می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از جمله نیکی ها، آن است که با دوستِ پدرت بپیوندی .

رجال الکشّی به نقل از ابن ابی عُمَیر : هرگاه امام صادق علیه السلاممی دید که فُضَیل بن یَسار می آید ، می فرمود : «به فروتنان ، بشارت ده» . همچنین می فرمود : «فُضَیل از یاران پدرم است . من کسی را که یاران پدرش را دوست بدارد ، دوست می دارم» .

س کسی که با تو دشمنی نکند امام علی علیه السلام : سزاوارترین کس به دوستی ، آن است که با تو دشمنی نکند .

امام علی علیه السلام : آن که با تو دشمنی نکند ، با تو دوستی کرده است .

امام علی علیه السلام : هرکه از آزارش در امانی ، به برادری با او رغبت کن .

.

ع مَن نَفعُهُ لَکَ وضَرُّهُ لِغَیرِکَ الإمام علیّ علیه السلام : أحَقُّ مَن أحبَبتَهُ مَن نَفعُهُ لَکَ و ضَرُّهُ لِغَیرِکَ . (1)

ف النَّوادِرالکتاب(وَ الَّذِینَ تَبَوَّءُو الدَّارَ وَ الْإِیمَنَ مِن قَبْلِهِمْ یُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَیْهِمْ وَ لاَ یَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُواْ وَ یُؤْثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَهٌ وَ مَن یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) . (2)

الحدیث رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أیُّهَا النّاسُ ، عَلَیکُم بِحُبِّ أهلِ بَیتی ، عَلَیکُم بِحُبِّ حَمَلَهِ القُرآنِ ، عَلَیکُم بِحُبِّ عُلَمائِکُم ، لا تُبغِضوهُم ، ولا تَحسِدوهُم ، ولا تَطعَنوا فیهم . ألا مَن أحَبَّهُم فَقَد أحَبَّنی ، ومَن أحَبَّنی فَقَد أحَبَّ اللّهَ ، ومَن أبغَضَهُم فَقَد أبغَضَنی ، ومَن أبغَضَنی فَقَد أبغَضَ اللّهَ ، ألا هَل بَلَّغتُ ؟ (3)

عنه صلی الله علیه و آله : أدِّبوا أولادَکُم عَلی ثَلاثِ خِصالٍ : حُبِّ نَبِیِّکُم ، و حُبِّ أهلِ بَیتِهِ ، وقِراءَهِ القُرآنِ ؛ فَإِنَّ حَمَلَهَ القُرآنِ فی ظِلِّ اللّهِ یَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ مَعَ أنبِیائِهِ وأصفِیائِهِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : أربَعَهٌ أنَا شَفیعٌ لَهُم یَومَ القِیامَهِ : المُکرِمُ لِذُرِّیَّتی ، وَالقاضِی لَهُم حَوائِجَهُم ، وَالسّاعی لَهُم فی اُمورِهِم عِندَ مَا اضطُرّوا إلَیهِ ، وَالمُحِبُّ لَهُم بِقَلبِهِ ولِسانِهِ . (5)

.

1- .غرر الحکم : 3374 .
2- .الحشر : 9 .
3- .تنبیه الغافلین : 553 / 898 عن عبد خیرٍ عن الإمام علیّ علیه السلام .
4- .کنز العمّال : 16 / 456 / 45409 نقلاً عن الفردوس وابن النجّار عن الإمام علیّ علیه السلام .
5- .صحیفه الرضا علیه السلام : 79 / 2 عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرِّضا عنٍ آبائه علیهم السلام ، کشف الغمّه : 1 / 52 ، بحار الأنوار : 27/78/11 نقلاً عن الدیلمی فی الفردوس .

ع آن که سودش برای تو و زیانش برای دیگری است

ف گوناگون

ع آن که سودش برای تو و زیانش برای دیگری است امام علی علیه السلام : سزاوارترین کس به دوستی ، آن است که سودش برای تو و زیانش برای دیگری باشد .

ف گوناگونقرآن(و کسانی که پیش از آمدن مهاجران، [در مدینه]جای گرفته و ایمان آورده اند، آنهایی را که به سویشان مهاجرت کرده اند ، دوست می دارند و نسبت به آنچه به آنان داده شده است ، در دل خود ، احساس نیاز نمی کنند ، و [آنان را] بر خود ، مقدّم می دارند ، هرچند خود ، نیازمند باشند . آنها که از آزمندی نفس خود در امان مانند ، ایشان رستگارند) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم، بر شما باد دوستی اهل بیتم ! بر شما باد دوستی حاملان قرآن! بر شما باد دوستی عالمانتان ! با آنان دشمنی مکنید ، بر آنان حسد مبرید و از آنان عیبجویی مکنید . هان ! هرکه آنان را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هرکه مرا دوست بدارد ، خدا را دوست داشته است . هرکه با آنان دشمنی کند ، با من دشمنی کرده است و هرکه با من دشمنی کند ، با خدا دشمنی کرده است . هان ! آیا [پیام حق را]رساندم ؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزندانتان را به داشتن سه صفت ، پرورش دهید : دوست داشتن پیامبرتان ، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن ؛ زیرا حاملان قرآن ، در روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست ، همراه با پیامبران و برگزیدگان خدا در سایه اش قرار دارند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : من در روز قیامت ، شفیع چهار تن هستم : آن که فرزندان مرا گرامی دارد ؛ آن که نیازهایشان را برآورد ؛ آن که برای حلّ مشکلاتی که گرفتارشان ساخته است ، بکوشد ؛ و آن که با دل و زبان ، دوستشان بدارد .

.

الإمام علىّ عليه السلام : الصّاحِبُ كَالرُّقعَهِ ؛ فَاتَّخِذهُ مُشاكِلاً . (1)

عنه عليه السلام : الرَّفيقُ كَالصَّديقِ ؛ فَاختَرهُ مُوافِقا . (2)

عنه عليه السلام : مُواصَلَهُ الأَفاضِلِ توجِبُ السُّمُوَّ . (3)

عنه عليه السلام : تَمَسَّک بِكُلِّ صَديقٍ أفادَتکَهُ الشِّدَّهُ . (4)

عنه عليه السلام : أشعِر قَلبَکَ الرَّحمَهَ لِلرَّعِيَّهِ ، وَ المَحَبَّهَ لَهُم ، وَ اللُّطفَ بِهِم . (5)

عنه عليه السلام : خَيرُ مَن صَحِبتَ مَن وَلَّهَکَ بِالاُخرى ، و زَهَّدَکَ فِى الدُّنيا ، و أعانَکَ عَلى طاعَهِ المَولى . (6)

عنه عليه السلام : اِصحَب مَن لا تَراهُ إلاّ و كَأَنَّهُ لا غِناءَ بِهِ عَنکَ ، و إن أسَأتَ إلَيهِ أحسَنَ إلَيکَ و كَأَنَّهُ المُسىءُ . (7)

عنه عليه السلام : خَيرُ مَن صَحِبتَهُ مَن لا يُحوِجُکَ إلى حاكِمٍ بَينَکَ و بَينَهُ . (8)

عنه عليه السلام : أخٌ تَستَفيدُهُ خَيرٌ مِن أخٍ تَستَزيدُهُ . (9)

.

1- .غرر الحكم : 1179 .
2- .غرر الحكم : 1180 .
3- .غرر الحكم : 9773 .
4- .غرر الحكم : 4508 .
5- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 126 وفيه «و اللطف بالإحسان إليهم» بدل «و اللطف بهم» ، بحارالأنوار : 33 / 600 / 744 و ج 77 / 241 / 1 .
6- .غرر الحكم : 5030 .
7- .غرر الحكم : 2397 .
8- .غرر الحكم : 5012 .
9- .غرر الحكم : 1362 .

امام علی علیه السلام : دوست ، همچون وصله [بر جامه]است . پس آن را همانند [و همرنگ]خود برگزین .

امام علی علیه السلام : رفیقِ [سفر که رفاقتش غالبا کوتاه مدت است نیز] همچون دوست است . پس او را [از جنس] مناسب خود ، انتخاب کن .

امام علی علیه السلام : معاشرت با سرآمدان و دانشمندان ، باعث رفعت (بلندی مرتبت) است .

امام علی علیه السلام : هر دوستی را که دوران سختی ، او را نصیب تو ساخته است ، نیک نگه دار .

امام علی علیه السلام : برای قلب خود ، لباسی از مهربانی به مردم و لطف و رحمت بر آنان تهیه کن ! .

امام علی علیه السلام : بهترین مصاحبِ تو ، کسی است که تو را شیفته آخرت کند و به دنیا بی رغبت سازد و در فرمانبری از خداوند ، یاورت باشد .

امام علی علیه السلام : با کسی مصاحبت کن که هرگاه او را ببینی ، گویی همواره به تو نیازمند است و اگر به او بدی کنی ، به تو نیکی کند ، گویی که او بدی کرده است .

امام علی علیه السلام : بهترین مصاحبِ تو ، کسی است که تو را به داوری [کسی] میان او و تو نیازمند نکند .

امام علی علیه السلام : برادری که به تو بهره ای رساند ، بهتر از آن برادری است که فقط بر شمار دوستانت بیفزاید . 1

.

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : عَلَيکَ بِمُجالَسَهِ أصحابِ التِّجارِبِ ؛ فَإِنَّها تُقَوِّمُ عَلَيهِم بِأَغلَى الغَلاءِ ، و تَأخُذُها مِنهُم بِأَرخَصِ الرُّخصِ . (1)

عنه عليه السلام أيضا : لَيسَ تَکمُلُ فَضيلَهُ الرَّجُلِ حَتّى يَکونَ صَديقا لِمُتَعادِيَينِ . (2)

عنه عليه السلام أيضا : أحَبُّ النّاسِ إلَيکَ مَن کَثُرَت أياديهِ عِندَکَ ، فَإِن لَم يَکُن فَمَن کَثُرَت أياديکَ عِندَهُ . (3)

عنه عليه السلام أيضا : اِصحَبوا مَن يَذکُرُ إحسانَکُم إلَيهِ ، ويَنسى أيادِيَهُ عِندَکُم . (4)

الإمام الصادق عليه السلام کانَ يَقولُ : اِصحَب مَن تَتَزَيَّنُ بِهِ ، و لا تَصحَب مَن يَتَزَيَّنُ بِکَ . (5)

لقمان عليه السلام لِابنِهِ : أى بُنَيَّ ، واصِل أقرِباءَکَ ، و أکرِم إخوانَکَ ، وَ ليَکُن أخدانُکَ مَن إذا فارَقتَهُم و فارَقوکَ لَم تُعَب بِهِم . (6)

تاريخ دمشق عن الربيع بن الفضل : مِن قَولِ عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام : أبُنَيَّ کَم صاحَبتَ مِن ذى غَدرَهٍفَإِذا صَحِبتَ فَانظُرَنَّ مَن تَصحَبُ وَاجعَل صَديقَکَ مَن إذا أحبَبتَهُحَفِظَ الإِخاءَ و کانَ دونَکَ يَضرِبُ وَاحذَر ذَوِى المَلَقِ اللِّئامِ فَإِنَّهُمفِى النّائِباتِ علَيکَ فيمَن يَخطُبُ (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 335 / 846 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 331 / 793 .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 308 / 532 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 314 / 603 .
5- .کتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 278 / 2440 ، المحاسن : 2 / 101 / 1266 کلاهما عن إسحاق بن جرير ، مکارم الأخلاق : 1 / 535 / 1857 ، عوالى اللآلى : 4 / 31 / 107 ، بحار الأنوار : 76 / 267 / 9 .
6- .الإخوان : 128 / 51 عن مسلم بن وازع التميمى .

7- .تاريخ دمشق : 42 / 527 ؛ الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 49 وليس فيه البيت الأوّل .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : با کارآزمودگانْ همنشین باش ؛ زیرا این تجربه ها برایشان به گران ترین قیمت ، حاصل شده است ، حال آن که تو آنها را از ایشان به ارزان ترین قیمت ، به دست می آوری.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : انسان به کمال فضیلت نمی رسد ، مگر آن گاه که همزمان ، دوست دو کس باشد که دشمن یکدیگرند .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : محبوب ترینِ مردم در نزد تو ، کسی است که نیکی های بسیار در حقّت کرده است . اگر چنین کسی نبود ، آن کسی است که نیکی های بسیاری در حقّش کرده ای .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : با کسی مصاحبت کنید که نیکی های شما را در حقّ خود ، به یاد می سپارد و نیکی های خود را به شما ، فراموش می کند .

امام صادق علیه السلاممی فرمود : با کسی مصاحبت کن که خودت را بدو بیارایی . با کسی مصاحبت مکن که خود را به تو می آراید .

لقمان به فرزندش : پسرکم ! با خویشانت بپیوند و برادرانت را گرامی بدار . دوستانت کسانی باشند که هرگاه از آنان جدا شدی و از تو جدا شدند، به سبب آنها بر تو عیب نگیرند .

تاریخ دمشق به نقل از ربیع بن فضل، از شعرهای [منسوب به] علی بن ابی طالب علیه السلام : پسرکم ! چه بسیار با دوستانی نیرنگباز ، دوستی کردی / پس هر گاه دوستی می کنی ، بنگر با چه کسی دوستی کرده ای . کسی را به دوستی برگزین که هرگاه با او دوستی کردی/ حقّ برادری را نگاه دارد و در دفاع از تو بجنگد . از چاپلوسان پست ، بپرهیز که آنان / در سختی های روزگار بر ضدّت با دیگر مشکلات ، همداستان می شوند .

.

الإمام علىّ علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : إذا مَا المَرءُ لَم یَحفَظ ثَلاثاقَبِعهُ و لَو بِکَفٍّ مِن رَمادِ وَفاءً لِلصَّدیقِ و بَذلَ مالِوکِتمانَ السَّرائِرِ فِی الفُؤادِ (1)

7 / 3مَن تَحرُمُ مَحَبَّتُهُأ أعداءُ اللّهِ الکتاب(یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیَآءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَ قَدْ کَفَرُواْ بِمَا جَآءَکُم مِّنَ الْحَقِّ یُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِیَّاکُمْ أَن تُؤْمِنُواْ بِاللَّهِ رَبِّکُمْ إِن کُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَدًا فِی سَبِیلِی وَ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِی تُسِرُّونَ إِلَیْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَآ أَخْفَیْتُمْ وَ مَآ أَعْلَنتُمْ وَ مَن یَفْعَلْهُ مِنکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِیلِ) . (2)

(لاَّ تَجِدُ قَوْمًا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْأَخِرِ یُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُو وَ لَوْ کَانُواْ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَ نَهُمْ أَوْ عَشِیرَتَهُمْ أُوْلَئکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْاءِیمَنَ وَ أَیَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَ یُدْخِلُهُمْ جَنَّتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِدِینَ فِیهَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُواْ عَنْهُ أُوْلَئکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلاَ إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) . (3)

(لاَّ یَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُم مِّن دِیَرِکُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُواْ إِلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ * إِنَّمَا یَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ قَتَلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ أَخْرَجُوکُم مِّن دِیَرِکُمْ وَ ظَهَرُواْ عَلَی إِخْرَاجِکُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَ مَن یَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَئکَ هُم الظَّلِمُونَ) . (4)

.

1- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علىّ علیه السلام : 143 .
2- .الممتحنه : 1 .
3- .المجادله : 22 .
4- .الممتحنه : 8 و 9 .

7 / 3 آنان که دوستی شان حرام است

الف دشمنان خدا

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : انسان ، هرگاه سه چیز را نگاه ندارد / او را گرچه به مشتی خاکستر ، بفروش . وفاداری برای دوست ، بخشش مال/ و نهفتنِ راز در دل .

7 / 3آنان که دوستی شان حرام استالف دشمنان خداقرآن(ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمنِ من و خود را به دوستی مگیرید. با آنان طرح دوستی نَیَفکنید ، حال آن که به حقیقتی که برای شما آمده بود ، کفر ورزیدند و پیامبر و شما را به سبب این که به پروردگارتان ، اللّه ، ایمان آورده اید ، بیرون راندند . اگر برای جهاد در راه من و طلب رضای من بیرون آمده اید ، در نهان ، با آنها دوستی مکنید ، و من به هرچه پنهان می دارید یا آشکار می سازید ، آگاه ترم ؛ و هرکه چنین کند ، از راه راست ، منحرف شده است) .

(مردمی را نمی یابی که به خدا و روز قیامت ، ایمان آورده باشند، ولی با کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت دارند ، دوستی کنند ، گرچه [آن مخالفانْ]پدران یا فرزندان یا برادران یا [اعضای]قبیله آنها باشند. خداوند بر قلب اینان ، نقش ایمان نگاشته و آنها را با روحی از خود، تقویت کرده است و به بهشت هایی که در آن نهرها جاری است ، واردشان می سازد که در آن جا جاودانه اند . خداوند از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند . اینان ، حزب خدایند . هان ! حزب خدا ، رستگاران اند) .

(خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن به آنان که با شما در [کار]دین نجنگیده اند و شما را از سرزمینتان بیرون نرانده اند ، باز نمی دارد . خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند ، دوست دارد . خدا شما را تنها از دوستی با کسانی بازمی دارد که در [کار]دین با شما جنگیدند و شما را از سرزمینتان بیرون راندند و در بیرون راندنتان، از یکدیگر پشتیبانی کردند ، و هرکه با آنان دوستی می ورزد ، [بداند که]آنان همان ستمکاران اند) .

.

(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لاَ يَأْلُونَكُمْ خَبَالاً وَدُّواْ مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَآءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ وَمَا تُخْفِى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْأَيَتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ * هَأَنتُمْ أُوْلاَءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلاَ يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَتِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُواْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْاْ عَضُّواْ عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُواْ بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُم بِذَاتِ الصُّدُورِ) . (1)

(وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ) . (2)

(لاَّ يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَ لِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِى شَىْ ءٍ إِلاَّ أَن تَتَّقُواْ مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُو وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) . (3)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ يُؤمِنُ بِاللّهِ وَ اليَومِ الآخِرِ فَلا يُؤاخِيَنَّ كافِرا ، و لا يُخالِطَنَّ فاجِرا . و مَن آخى كافِرا أو خالَطَ فاجِرا كانَ كافِرا فاجِرا . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : إيّاكَ أن تُحِبَّ أعداءَ اللّهِ ، أو تُصفِيَ وُدَّكَ لِعَيرِ أولِياءِ اللّهِ ؛ فَإِنَّ مَن أحَبَّ قَوما حُشِرَ مَعَهُم . (5)

عنه عليه السلام : لا تُوادُّوا الكافِرَ ، و لا تُصاحِبُوا الجاهِلَ . (6)

الأمالى للصدوق عن العلاء بن الفضيل عَنِ الإمام الصّادِقِ عليه السلام : مَن أحَب كافِرا فَقَد أبغَضَ اللّهَ ، ومَن أبغَضَ كافِرا فَقَد أحَبَّ اللّهَ . ثُمَّ قالَ عليه السلام : صَديقُ عَدُوِّ اللّهِ عَدُوُّ اللّهِ . (7)

.

1- .آل عمران : 118 و 119 .
2- .البقره : 165 .
3- .آل عمران : 28 .
4- .صفات الشيعه : 85 / 9 عن محمّد بن قيس عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 74 / 197 / 31 .

5- .غرر الحكم : 2703 ، راجع : ص 336 (آثار المحبّه / فى الآخره / الحشر مع المحبوب) .
6- .غرر الحكم : 10238 .
7- .الأمالى للصدوق : 702 / 960 ، روضه الواعظين : 457 وفيه «أحبّ صديق اللّه» بدل «أحبّ اللّه» وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : 69 / 237 / 3 .

(ای کسانی که ایمان آورده اید ! از غیر خودتان همرازی مگیرید که از هیچ نابه کاری ای در حقّ شما کوتاهی نمی کنند و آرزو دارند که در رنج بیفتید . دشمنی از سخنانشان آشکار است و آنچه در سینه نهان می دارند ، از آن [هم]بزرگ تر است . در حقیقت ، ما نشانه ها را برای شما بیان کردیم ، اگر تعقّل کنید . هان ! شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید ، حال آن که آنان شما را دوست ندارند و شما به همه این کتاب ، ایمان دارید . هرگاه شما را ببینند ، می گویند : «ایمان آوردیم» و چون [با خود]خلوت کنند ، از شدّت خشم بر شما ، سرانگشتان خود را می گزند . بگو : به خشم خود بمیرید که خداوند ، به راز درون سینه ها داناست).

(برخی از مردم ، در برابر خدا ، همتایانی [برای او]برمی گزینند و آنها را چون دوستی خدا ، دوست می دارند ؛ ولی آنان که ایمان آورده اند ، خدا را بیشتر دوست می دارند . کسانی که ستم کرده اند ، اگر هنگامی که عذاب را مشاهده می کنند ، می دیدند که همه نیرو از آنِ خداست و خداوند ، سختْ کیفر است [، از ادامه ستم پیشگی باز می ایستادند]).

(مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان ، به دوستی بگیرند و هرکه چنین کند ، با خداوند ، هیچ پیوندی ندارد ، مگر آن که از آنان به نوعی بترسید ؛ و خداوند ، شما را از [کیفر]خودش برحذر می دارد که بازگشت به سوی اوست) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس به خدا و روز قیامتْ ایمان دارد ، با هیچ کافری ، برادری و با هیچ فاجری(بدکاری) ، مصاحبت نکند . هرکس با کافری ، برادری یا با فاجری مصاحبت کند ، خود ، کافری فاجر است .

امام علی علیه السلام : مبادا که دشمنان خدا را دوست بداری و یا دوستی ات را برای غیر دوستان خدا ، خالص گردانی ؛ زیرا هرکه مردمی را دوست بدارد ، با آنان محشور خواهد شد .

امام علی علیه السلام : با کافر ، دوستی و با جاهل ، مصاحبت مکنید .

الأمالی صدوق به نقل از علاء بن فُضَیل، از امام صادق علیه السلام : «هرکس کافری را دوست بدارد ، با خدا دشمنی کرده است و هرکه با

کافری دشمنی کند ، خدا را دوست داشته است» . سپس فرمود : «دوستِ دشمن خدا ، دشمن خداست» .

.

ب الظّالِمونَالكِتاب(وَ لاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ لاَ تُنصَرُونَ) . (1)

الحديث الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ لاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَ لَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» : هُوَ الرَّجُلُ يَأتِى السُّلطانَ فَيُحِبُّ بَقاءَهُ إلَى أن يُدخِلَ يَدَهُ إلى كيسِهِ فَيُعطِيَهُ . (2)

رجال الكشّى عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن صفوان بن مهران الجمّال : دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ الأَوَّلِ عليه السلام فَقالَ لى: يا صَفوانُ، كُلُّ شَى ءٍمِنكَ حَسَنٌ جَميلٌ ماخَلا شَيئا واحِدا . قُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ ، أىُّ شَى ءٍ؟ قالَ : إكراؤُكَ جِمالَكَ مِن هذَا الرَّجُلِ ؛ يَعنى هارونَ . قُلتُ : وَاللّهِ ما أكرَيتُهُ أشَرا ، ولا بَطَرا ، ولا لِصَيدٍ ، ولا لِلَهوٍ ، ولكِنّى أكريهِ لِهذَا الطَّريقِ؛ يَعنى طَريقَ مَكَّةَ، ولا أتَوَلّاهُ بِنَفسى ولكِن أنصِبُ غِلمانى. فَقالَ لى : يا صَفوانُ ، أيَقَعُ كِراؤُكَ عَلَيهِم؟ قُلتُ : نَعَم جُعِلتُ فِداكَ . قالَ : فَقالَ لى : أتُحِبُّ بَقاءَهُم حَتّى يَخرُجَ كِراؤُكَ؟ قُلتُ : نَعَم . قالَ : فَمَن أحَبَّ بَقاءَهُم فَهُوَ مِنهُم ، ومَن كانَ مِنهُم كانَ وَرَدَ النّارَ . قالَ صَفوانُ : فَذَهَبتُ وبِعتُ جِمالى عَن آخِرِها . فَبَلَغَ ذلِكَ إلى هارونَ ، فَدَعانى ، فَقالَ لى : يا صَفوانُ ، بَلَغَنى أنَّكَ بِعتَ جِمالَكَ؟ قُلتُ : نَعَم . فَقالَ : لِمَ؟ قُلتُ : أنَا شَيخٌ كَبيرٌ ، وإنَّ الغِلمانَ لا يَفونَ بِالأَعمالِ . فَقالَ : هَيهاتَ أيهاتَ ، إنّى لَأَعلَمُ مَن أشارَ عَلَيكَ بِهذا ؛ موسَى بنُ جَعفَرٍ . قُلتُ : ما لى ولِموسَى بنِ جَعفَرٍ! فَقالَ : دَع هذا عَنكَ ، فَوَاللّهِ لَولا حُسنُ صُحبَتِكَ لَقَتَلتُكَ . (3)

.

1- .هود : 113 .
2- .الكافى : 5 / 108 / 12 عن سهل بن زياد رفعه .
3- .رجال الكشّى : 2 / 740 / 828 .

ب ستمکاران

ب ستمکارانقرآن(به ستمکاران ، میل مکنید که آتش ، می سوزاندتان و در برابر خدا ، شما را دوستانی نخواهد بود ، و آن گاه ، یاری نخواهید شد) .

حدیث امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «به ستمکاران ، میل مکنید که آتش می سوزاندتان» : مقصود ، شخصی است که نزد سلطانی می رود و به مقداری که سلطان ، دستش را در کیسه اش می کند تا به او عطایی بدهد ، آرزومند زنده ماندنش است .

رجال الکشّی به نقل از حسن بن علی بن فَضّال، از صَفْوان بن مِهران جَمّال : نزد امام موسی کاظم علیه السلامرفتم. ایشان به من فرمود: «ای صفوان! همه رفتارت خوب است ، جز یک چیز». گفتم : فدایت شوم ! چه چیز ؟ فرمود : «کرایه دادن شترهایت به این مرد ، یعنی هارون» . گفتم : به خدا سوگند ، شترهایم را برای سرمستی و بدمستی یا شکار و لهو ، به او کرایه نمی دهم ؛ بلکه آنها را برای پیمودن این راه (راه مکّه) کرایه می دهم و خودم نیز همراه او نمی روم و غلامانم را برای این کار، راهی می کنم. حضرت به من فرمود : «ای صفوان! آیا کرایه تو را باید بپردازند ؟» . گفتم : فدایت شوم ، آری! فرمود : «آیا دوست داری تا زمانی که کرایه ات را دریافت می کنی ، زنده بمانند ؟» . گفتم : آری . فرمود : «هرکس خواستار بقای آنان باشد ، از آنان است و هرکس از آنان باشد ، به دوزخ می رود» . [صفوان می گوید :]من نیز رفتم و همه شترهایم را فروختم . خبر این ماجرا به هارون رسید و او مرا خواند و به من گفت : ای صفوان! شنیده ام که شترهایت را فروخته ای ؟ گفتم : آری . گفت : چرا ؟ گفتم : من پیرمردی فرتوت هستم و غلامانم نیز کارها را درست انجام نمی دهند . هارون گفت : هیهات ! این طور نیست . من می دانم چه کسی تو را به این کار وا داشته است ؛ موسی بن جعفر . گفتم : مرا چه به موسی بن جعفر! گفت : دست بردار! به خدا سوگند ، اگر به جهت خوش معاشرتی ات نبود ، تو را می کشتم .

.

ج مَن رَغِبَ عَن جَماعَهِ المُسلِمينَ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن رَغِبَ عَن جَماعَهِ المُسلِمينَ وَجَبَ عَلَى المُسلِمينَ غيبَتُهُ ، وسَقَطَت بَينَهُم عَدالَتُهُ ، و وَجَبَ هِجرانُهُ . (1)

.

1- .تهذيب الأحكام : 6 / 241 / 596 عن ابن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 88 / 5 و ص 38 .

ج آن که از اجتماع مسلمانان ، رویگردان شود

ج آن که از اجتماع مسلمانان ، رویگردان شود رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه از اجتماع مسلمانان رویگردان شود ، بر مسلمانان ، غیبتش لازم است ، و عدالتش در میان آنان ، ساقط می شود و دوری از او واجب می گردد .

.

7 / 4مَن ثُكرَهُ مَحَبَّتُهُأ الأَشرار رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أوحَى اللّهُ عز و جل إلى ذِى القَرنَينِ : . . . مَن رَأَيتَنى كَرَّهتُ إلَيهِ المَعروفَ و بَغَّضتُ إلَى النّاسِ الطَّلَبَ إلَيهِ فَأَبغِضهُ ، و لا تَتَوَلَّهُ ؛ فَإِنَّهُ مِن شَرِّ ما خَلَقتُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : أسرَعُ المَوَدّاتِ انقِطاعا مَوَدّاتُ الأَشرارِ . (2)

عنه عليه السلام : صُحبَهُ الأَشرارِ تَكسِبُ الشَّرَّ ، كَالرّيحِ إذا مَرَّت بِالنَّتِنِ حَمَلَت نَتِنا . (3)

عنه عليه السلام : مُصاحَبَهُ الأَشرارِ رُكوبُ البَحرِ . (4)

عنه عليه السلام : مُصاحِبُ الأَشرارِ كَراكِبِ البَحرِ ؛ إن سَلِمَ مِنَ الغَرَقِ لَم يَسلَم مِنَ الفَرَقِ . (5)

الإمام الجواد عليه السلام : إيّاكَ و مُصاحَبَهَ الشِّرّيرِ ؛ فَإِنَّهُ كَالسَّيفِ المَسلولِ ؛ يَحسُنُ مَنظَرُهُ ، ويقَبُحُ أثَرُهُ . (6)

ب الفاسِق الإمام علىّ عليه السلام : أفضَلُ الأَعمالِ : . . . شَنَآنُ الفاسِقِ يَعنى بُغضَهُ . (7)

.

1- .الفردوس : 1 / 144 / 515 عن عبداللّه المزنى ، كنز العمّال : 6 / 442 / 16451 .
2- .غرر الحكم : 3124 .
3- .غرر الحكم : 5839 .
4- .المواعظ العدديّه : 61 .
5- .غرر الحكم : 9835 .
6- .الدرّه الباهره : 40 ، أعلام الدين : 309 وليس فيه «المسلول» ، بحار الأنوار : 74/198/34 و ج 78/364/5 .
7- .تنبيه الغافلين : 95 / 91 .

7 / 4 آنان که دوستی شان کراهت دارد

الف شَریران

ب فاسقان

7 / 4آنان که دوستی شان کراهت داردالف شَریران رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جلبه ذوالقرنین ، وحی کرد : ... هرکه را دیدی که نیکی را ناخوشایندش قرار داده ام و درخواست از او را منفورِ مردم ساخته ام ، او را دشمن بدار و با او دوستی مکن که از شریرترینِ آفریدگانم است .

امام علی علیه السلام : زودگسل ترینِ دوستی ها، دوستی شریران است .

امام علی علیه السلام : مصاحبت با شریران ، شر را نصیب [انسان]می کند ، همان گونه که باد ، بر اثر گذر از جای متعفّن ، بدبو می شود .

امام علی علیه السلام : مصاحبت با شریران ، [همچون]سفر دریایی است (خطرناک است) .

امام علی علیه السلام : دوستِ شریران ، همچون مسافر دریاست که اگر از غرق شدن هم ایمن ماند ، از ترس ، ایمن نیست .

امام جواد علیه السلام : از مصاحبت با شخص شریر بپرهیز ، که چون شمشیرِ برهنه است ؛ منظره اش نیکو و اثر (زخم) آن زشت است .

ر . ک : ص 183 (بر حذر داشتن از همنشین بد) .

ب فاسقان امام علی علیه السلام : برترینِ اعمال ، ... دشمنی با فاسقان است .

.

عنه علیه السلام : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ : لا تَصحَبُوا الفُجّارَ . (1)

عنه علیه السلام : مِن أعظَمِ الحُمقِ مُؤاخاهُ الفُجّارِ . (2)

عنه علیه السلام : اِحذَر مُصاحَبَهَ الفُسّاقِ ، وَ الفُجّارِ ، وَ المُجاهِرینَ بِمَعاصِی اللّهِ . (3)

الإمام زین العابدین علیه السلام : إیّاکُم و صُحبَهَ العاصینَ ، و مَعونَهَ الظّالِمینَ ، و مُجاوَرَهَ الفاسِقینَ ، اِحذَروا فِتنَتَهُم ، و تَباعَدوا مِن ساحَتِهِم . (4)

ج الکَذّاب الإمام علیّ علیه السلام : اِجتَنِب مُصاحَبَهَ الکَذّابِ ، فَإِن اضطُرِرتَ إلَیهِ فَلا تُصَدِّقهُ ، و لا تُعلِمهُ أنَّکَ تُکَذِّبُهُ ؛ فَإِنَّهُ یَنتَقِلُ عَن وُدِّکَ و لا یَنتَقِلُ عَن طَبعِهِ . (5)

د الحاسِد الإمام علیّ علیه السلام : الحاسِدُ یُظهِرُ وُدَّهُ فی أقوالِهِ ، و یُخفی بُغضَهُ فی أفعالِهِ ؛ فَلَهُ اسمُ الصَّدیقِ و صِفَهُ العَدُوِّ . (6)

ه الطّامِع الإمام علیّ علیه السلام : کُلُّ مَوَدَّهٍ عَقَدَهَا الطَّمَعُ حَلَّهَا الیَأسُ . (7)

.

1- .إرشاد القلوب : 20 عن نوف البکالی .
2- .غرر الحکم : 9312 .
3- .غرر الحکم : 2601 .
4- .الکافی : 8 / 16 / 2 ، الأمالی للمفید : 203 / 33 کلاهما عن أبی حمزه الثمالی ، تحف العقول : 254 ، بحارالأنوار : 78 / 151 / 11 .
5- .غرر الحکم : 2416 .
6- .غرر الحکم : 2105 .
7- .تنبیه الخواطر : 1 / 72 .

ج دروغگویان

د حسودان

ه طمعکاران

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا فرمود : با بدکاران ، مصاحبت مکنید .

امام علی علیه السلام : برادری با بدکاران ، از بزرگ ترینْ حماقت هاست .

امام علی علیه السلام : از مصاحبت با فاسقان ، بدکاران و آنان که آشکارا مرتکب معصیت می شوند ، بپرهیز .

امام سجاد علیه السلام : از مصاحبت با معصیتکاران ، یاری ستمگران و همنشینی فاسقان ، بپرهیزید . از فتنه شان برحذر باشید و از عرصه شان دوری کنید .

ج دروغگویان امام علی علیه السلام : از مصاحبت دروغگو بپرهیز . اگر هم بدان ناگزیر شدی ، او را تصدیق مکن و به او مگو که تکذیبش می کنی ؛ چرا که از دوستی تو دست می کشد ؛ امّا از طبیعتش دست نمی کشد .

د حسودان امام علی علیه السلام : حسود ، دوستی اش را در گفتارش آشکار می کند و دشمنی خود را در کردارش نهان می سازد . پس نامِ دوست را دارد و صفت دشمن را .

ه طمعکاران امام علی علیه السلام : هر دوستی ای که طمعْ پدیدش آرد ، نومیدی از میانش می برد .

.

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : مَن أحَبَّکَ لِشَیءٍ مَلَّکَ عِندَ انقِضائِهِ . (1)

عنه علیه السلام : مَن وادَّکَ لِأَمرٍ وَلّی عِندَ انقِضائِهِ . (2)

و الجاهِل الإمام علیّ علیه السلام : مَوَدَّهُ الجُهّالِ مُتَغَیِّرَهُ الأَحوالِ ، وَشیکَهُ الاِنتِقالِ . (3)

عنه علیه السلام : مَن وادَّ السَّخیفَ أعرَبَ عَن سُخفِهِ . (4)

عنه علیه السلام لِرَجُلٍ وِ کَرِهَ لَهُ صُحبَهَ رَجُلٍ رَهِقٍ : [فَ] لا تَصحَب أخَا الجَهلِ و إیّاکَ و إیّاهُ فَکَم مِن جاهِلٍ أردیحَلیما حینَ آخاهُ یُقاسُ المَرءُ بِالمَرءِإذا ما هُوَ ماشاهُ وِللشَّیءِ مِنَ الشَّیءِمَقاییسُ و أشباهُ [قِیاسُ النَّعلِ بِالنَّعلِإذا ما هُوَ حاذاهُ] (5) وِللقَلبِ عَلَی القَلب دَلیلٌ حینَ تَلقاهُ (6)

ز الأَحمَق الإمام علیّ علیه السلام : مَوَدَّهُ الحَمقی تَزولُ کَما یَزولُ السَّرابُ ، و تُقشِعُ کَما یُقشِع الضَّبابُ . (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 323 / 709 .
2- .غرر الحکم: 8552 .
3- .غرر الحکم: 9833 .
4- .غرر الحکم: 8229 .
5- .ما بین المعقوفین أثبتناه من تاریخ الخلفاء .
6- .تاریخ دمشق: 42/525، تاریخ الخلفاء: 216، البدایه والنهایه : 8 / 11 نحوه ، کنز العمّال : 9/179/25592؛ الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 24 .
7- .غرر الحکم : 9829 .

و جاهلان

ز احمقان

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرکه تو را برای چیزی دوست بدارد ، با برآورده شدنش تو را ملول خواهد ساخت .

امام علی علیه السلام : هرکه برای کاری با تو دوستی کند ، با برآورده شدنش از تو روی خواهد گرداند .

و جاهلان امام علی علیه السلام : دوستی جاهلان ، دگرگون شونده و زودگسلنده است .

امام علی علیه السلام : هرکه با سَبُکْ عقل دوستی کند ، سبک عقلی خود را آشکار کرده است .

امام علی علیه السلام به مردی که دوست شدنش را با مردی سبکْ عقل خوش نداشت : با جاهل ، مصاحبت مکن / از او برحذرت می دارم . چه بسیار جاهلی که چون / با شخصی بردبار دوستی کرد ، او را هلاک ساخت . انسان با کسی که با او همگام است / سنجیده می شود . برای هر چیز ، سنجه / و همانندی در چیزهای دیگر است . نعل را با نعل می سنجند / چون همسوی با آن باشد . و دل را به دل ، راهنمایی است / چون ببیندش .

ز احمقان امام علی علیه السلام : دوستی احمقان ، چون سراب ، ناپدید می شود و چون مِه ، می پراکَنَد .

.

عنه علیه السلام : مَوَدَّهُ الأَحمَقِ کَشَجَرَهِ النّارِ یَأکُلُ بَعضُها بَعضا . (1)

عنه علیه السلام : إیّاکَ و مَوَدَّهَ الأَحمَقِ ؛ فَإِنَّهُ یَضُرُّکَ مِن حَیثُ یَری أَنَّهُ یَنفَعُکَ ، ویَسوؤُکَ و هُوَ یَری أَنَّهُ یَسُرُّکَ . (2)

ح المُلوک الإمام علیّ علیه السلام : قَلَّما تَدومُ مَوَدَّهُ المُلوکِ وَ الخَوّانِ . (3)

عنه علیه السلام : لا تَطمَعَنَّ فی مَوَدَّهِ المُلوکِ ؛ فَإِنَّهُم یوحِشونَکَ آنَسَ ما تَکونُ بِهِم ، ویَقطَعونَکَ أقرَبَ ما تَکونُ إلَیهِم . (4)

ط شارِبُ الخَمرِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا تُصادِقوا شارِبَ الخَمرِ ؛ فَإِنَّ مُصادَقَتَهُ نَدامَهٌ . (5)

الإمام علیّ علیه السلام : لا تَوادّوا مَن یَستَحِلُّ المُسکِرَ . (6)

ی مَن لا وَفاءَ لَهُ الإمام علیّ علیه السلام : لا تَمنَحَنَّ وُدَّکَ مَن لا وَفاءَ لَهُ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 9827 .
2- .غرر الحکم : 2731 ، راجع من لا ینبغی مودّته الجوامع .
3- .غرر الحکم : 6725 .
4- .غرر الحکم : 10431 .
5- .جامع الأخبار : 428 / 1198 ، بحار الأنوار : 79 / 152 / 58 .
6- .دعائم الإسلام : 2 / 132 / 466 ، بحار الأنوار : 66 / 495 / 41 .
7- .غرر الحکم : 10164 .

ح پادشاهان

ط مِیخواران

ی بی وفایان

امام علی علیه السلام : دوستی احمق ، چونان درخت آتش است که [خود را می سوزاند و]پاره ای از آن ، پاره دیگری را می خورد .

امام علی علیه السلام : از دوستی با احمق بپرهیز ؛ زیرا آن جا که می پندارد به تو سود می رساند ، به تو زیان می زند ، و غمگینت می کند ، حال آن که می پندارد شادت کرده است .

ح پادشاهان امام علی علیه السلام : دوستی با پادشاهان و خیانتکاران ، کمتر می پاید .

امام علی علیه السلام : به دوستی پادشاهان امید مبند که در اوج الفت داشتن به آنان ، تنهایت می گذارند و در نهایت نزدیکی به آنان ، از تو می بُرند .

ط مِیخواران رسول خدا صلی الله علیه و آله : با میخواره دوستی مکنید که دوستی با او [مایه]پشیمانی است .

امام علی علیه السلام : با کسی که [مایعاتِ] مست کننده را حلال می شمارد ، دوستی مکنید.

ی بی وفایان امام علی علیه السلام : دوستی ات را نثار آن که وفا ندارد ، مکن .

.

عنه علیه السلام : لا تَعتَمِد عَلی مَوَدَّهِ مَن لا یوفی بِعَهدِهِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام : أربَعٌ یَذهَبنَ ضَیاعا : مَوَدَّهٌ تُمنَحُ مَن لا وَفاءَ لَهُ ، و مَعروفٌ یوضَعُ عِندَ مَن لا یَشکُرُهُ ، و عِلمٌ یُعَلَّمُ مَن لا یَستَمِعُ لَهُ ، و سِرٌّ یودَعُ مَن لا حَضانَهَ لَهُ . (2)

ک مَن زَهَدَ فیکَ الإمام علیّ علیه السلام : لا تَرغَب فیمَن زَهَدَ فیکَ . (3)

عنه علیه السلام : لا وَجَدتُ ذُلاًّ مِثلَ اشتِغالِ قَلبی بِفارِغِ القَلبِ مِنّی . (4)

ل أبناءُ الدُّنیا الإمام علیّ علیه السلام : مَوَدَّهُ أبناءِ الدُّنیا تَزولُ لِأَدنی عارِضٍ یَعرِضُ . (5)

عنه علیه السلام : إخوانُ الدُّنیا تَنقَطِعُ مَوَدَّتُهُم لِسُرعَهِ انقِطاعِ أسبابِها . (6)

عنه علیه السلام : لا تَصحَبَنَّ أبناءَ الدُّنیا ؛ فَإِنَّکَ إن أقلَلتَ استَثقَلوکَ ، و إن أکثَرتَ حَسَدوکَ . (7)

عنه علیه السلام : لا تَستَکثِرَنَّ مِن إخوانِ الدُّنیا ؛ فَإِنَّکَ إن عَجَزتَ عَنهُم تَحَوَّلوا أعداءً . و إنَّ مَثَلَهُم کَمَثَلِ النّارِ ؛ کَثیرُها یُحرِقُ ، و قَلیلُها یَنفَعُ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 10260 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 4 / 417 / 5907 عن أبی بصیر ، الخصال : 264 / 144 عن درست بن أبی منصور الواسطی نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 194 / 20 و ص 411 / 20 .
3- .الکافی : 8 / 24 / 4 عن جابر بن یزید الجعفی عن الإمام الباقر علیه السلام ، تحف العقول : 98 ، بحار الأنوار : 77 / 287 / 1 .
4- .تنبیه الخواطر : 1 / 16 .
5- .غرر الحکم : 9828 .
6- .غرر الحکم : 1796 .
7- .غرر الحکم : 10322 .
8- .غرر الحکم : 10381 .

ک بی رغبتان

ل فرزندان دنیا

امام علی علیه السلام : به دوستی آن که به عهد خود وفا نمی کند ، اعتماد مکن .

امام صادق علیه السلام : چهار چیزْ هدر می رود : دوستی ای که نثار شخص بی وفا شود ؛ نیکی کردن در حقّ آن که سپاس آن را نمی گزارد ؛ آموختن دانش به آن که بدان گوش نمی سپارد؛ و رازی که با شخص کم ظرفیت در میان گذاشته شود .

ک بی رغبتان امام علی علیه السلام : به [دوستی]آن که به تو رغبتی ندارد ، رغبت مکن .

امام علی علیه السلام : هیچ ذلّتی را همچون توجّه قلبی نسبت به آن که دلش از [محبّت] من تهی است ، ندیدم .

ل فرزندان دنیا امام علی علیه السلام : دوستی فرزندان دنیا ، با اندک پیشامدی ، ناپدید می شود .

امام علی علیه السلام : دوستیِ برادران دنیایی ، بر اثر زود گسلیِ علل آن ، گسسته می شود .

امام علی علیه السلام : با فرزندان دنیا مصاحبت مکن ؛ زیرا چون نادار شوی ، سنگینت می شمارند و چون دارا شوی ، بر تو حسد می برند .

امام علی علیه السلام : بر شمار برادران دنیایی میفزای که اگر از برآوردن نیازهایشان درمانده شوی ، به دشمنانْ تبدیل می شوند . حکایت آنان ، حکایت آتش است که بسیارِ آن ، می سوزاند و کمِ آن ، سود می رساند .

.

م مَن لَم تَكُن مَوَدَّتُهُ فِى اللّهِ الإمام علىّ عليه السلام : مَن لَم تَكُن مَوَدَّتُهُ فِى اللّهِ فَاحذَرهُ ؛ فَإِنَّ مَوَدَّتَهُ لَئيمَهٌ ، و صُحبَتَهُ مَشؤومَهٌ . (1)

عنه عليه السلام : ما تَواخى قَومٌ عَلى غَيرِ ذاتِ اللّهِ سُبحانَهُ إلاّ كانَت اُخُوَّتُهُم عَلَيهِم تِرَةً يَومَ العَرضِ عَلَى اللّهِ سُبحانَهُ . (2)

عنه عليه السلام : كُلُّ مَوَدَّةٍ مَبنِيَّةٍ عَلى غَيرِ ذاتِ اللّهِ ضَلالٌ ، وَ الاِعتِمادُ عَلَيها مُحالٌ . (3)

عنه عليه السلام : لا يُغتَبَطُ بِمَوَدَّةِ مَن لا دينَ لَهُ . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام : لا يَقولُ رَجُلٌ فى رَجُلٍ مِنَ الخَيرِ ما لا يَعلَمُ إلاّ أوشَكَ أن يَقولَ فيهِ مِنَ الشَّرِّ ما لا يَعلَمُ ، و لاَ اصطَحَبَ اثنانِ عَلى غَيرِ طاعَةِ اللّهِ إلاّ أوشَكَ أن يَتَفَرَّقا عَلى غَيرِ طاعَةِ اللّهِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : ألا كُلُّ خُلَّةٍ كانَت فِى الدُّنيا فى غَيرِ اللّهِ فَإِنَّها تَصيرُ عَداوَةً يَومَ القِيامَةِ . (6)

عنه عليه السلام : اُنظُر إلى كُلِّ مَن لا يُفيدُكَ مَنفَعَةً فى دينِكَ فَلا تَعتَدَّنَّ بِهِ ، و لا تَرغَبَنَّ فى صُحبَتِهِ ؛ فَإِنَّ كُلَّ ما سِوَى اللّهِ تَبارَكَ و تَعالى مُضمَحِلٌّ وَخيمٌ عاقِبَتُهُ . (7)

.

1- .غرر الحكم : 8978 .
2- .غرر الحكم : 9672 .
3- .غرر الحكم : 6915 .
4- .غرر الحكم : 10803 .
5- .تاريخ دمشق : 41 / 399 ، البدايه و النهايه : 9 / 108 كلاهما عن سفيان بن عيينه .
6- .تفسير القمّى : 2 / 287 ، بحار الأنوار : 69 / 237 / 4 .
7- .قرب الإسناد : 51 / 167 عن داود الرقّى ، بحار الأنوار : 74 / 191 / 5 .

م آنان که دوستی شان خدایی نیست

م آنان که دوستی شان خدایی نیست امام علی علیه السلام : هرکه دوستی اش خدایی نباشد ، از او بپرهیز ، که دوستی اش پلید است و مصاحبت با او شوم .

امام علی علیه السلام : هیچ مردمی در راه غیر خدا با یکدیگر برادر نمی شوند ، مگر آن که روز عرضه شدن بر خدای سبحان ، این برادری برایشان مایه نقص خواهد بود.

امام علی علیه السلام : هر دوستی ای که بر غیر راه خدا استوار باشد ، گم راهی است و اعتماد بر آن ، محال .

امام علی علیه السلام : به دوستیِ آن که دین ندارد ، شادی نمی توان کرد .

امام سجاد علیه السلام : کسی ندانسته درباره دیگری به نیکی سخنی نمی گوید ، مگر آن که نزدیک است ندانسته در باره همو به بدی سخن بگوید . هرگاه دو تن بر غیر طاعت خدا با یکدیگر دوستی کنند ، نزدیک است که بر غیر طاعت خدا از یکدیگر جدا شوند .

امام صادق علیه السلام : هان ! هر دوستی ای که در دنیا در راه خدا نباشد ، روز قیامت به دشمنی تبدیل می گردد .

امام صادق علیه السلام : بنگر ، هرکه در دینت به تو سودی نمی رساند ، به او توجّه مکن و به مصاحبت او رغبت منما ؛ زیرا هرچه جدای از خداوند تبارک وتعالی است ، نابود شونده و بد فرجام است .

.

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُنسَبُ إلَيهِ فى مِصباحِ الشَّريعَهِ : اِحذَر أن تُؤاخِيَ مَن أرادَکَ لِطَمَعٍ أو خَوفٍ أو أکلٍ أو شُربٍ ، وَاطلُب مُؤاخاهَ الأتقِياءِ ولَو فى ظُلُماتِ الأرضِ وإن أفنَيتَ عُمُرَکَ لِطَلَبِهِم ؛ فَإنَّ اللّه َ عز و جل لَم يَخلُق عَلى وَجهِ الأرضِ أفضَلَ مِنهُم بَعدَ النَّبِيِّينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم وَالأولِياءِ ، وما أنعَمَ اللّهُ عَلَى العَبدِ بِمِثلِ ما أنعَمَ بِهِ مِنَ التَّوفيقِ لِصُحبَتِهِم ؛ قالَ اللّهُ عز و جل : «الْأَخِلاَّءُ يَوْمَئذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِينَ » (1) . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : اِتَّقوا مَن تُبغِضُهُ قُلوبُکُم . (3)

ن من کان له هذه الخصائص رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تَوَقَّوا مُصاحَبَهَ کُلِّ ضَعيفِ الخَيرِ قَوِيِّ الشَّرِّ خَبيثِ النَّفسِ ، إذا خافَ خَنَسَ ، و إذا أمِنَ بَطَشَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : مَوَدَّهُ العَوامِّ تَنقَطِعُ کَانقِطاعِ السَّحابِ ، و تَنقَشِعُ کَما يَنقَشِعُ السَّرابُ . (5)

عنه عليه السلام : لا خَيرَ فى صُحبَهِ مَن تَجتَمِعُ فيهِ سِتُّ (6) خِصالٍ : إن حَدَّثَکَ کَذِبَ ، وإن حَدَّثتَهُ کَذَّبَکَ ، و إن ائتَمَنتَهُ خانَکَ ، و إن ائتَمَنَکَ اتَّهَمَکَ ، و إن أنعَمتَ عَلَيهِ کَفَرَکَ ، و إن أنعَمَ عَلَيکَ مَنَّ عَلَيکَ . (7)

.

1- .الزخرف : 67 .
2- .مصباح الشريعه : 308 ، بحار الأنوار : 74 / 282 / 3 .
3- .نثر الدّر : 1 / 323 ، الدّره الباهره : 26 ، نزهه الناظر : 63 / 44 ، بحار الأنوار : 74 / 198 / 34 .
4- .تنبيه الخواطر : 2 / 121 .
5- .غرر الحكم : 9872 .
6- .فى الأصل «ستّه» .
7- .معدن الجواهر : 54 ، نثر الدرّ : 1 / 276 وليس فيه «تجتمع فيه ستّ خصال» .

ن دارندگانِ این صفات

امام صادق علیه السلام بنا بر آنچه در مصباح الشریعه به ایشان نسبت داده شده است : از برادری کردن با آن که برای طمعی ، یا از ترس ، یا برای خوردن و نوشیدنیْ تو را می خواهد ، بپرهیز . جویای برادری با پرهیزگاران باش ، گرچه در تاریکی های[زیر]زمین باشد و[گرچه]عمرخودرادرجستجوشان به سر آوری ؛ زیرا خداوند عز و جل ، بر گستره زمین ، پس از پیامبران صلوات اللّه علیهم و اولیا ، کسی برتر از آنان نیافریده است و خداوند به بنده ای نعمتی همانند توفیق مصاحبت با آنان ، نداده است . خداوند عز و جلمی فرماید : «آن روز ، دوستان جز پرهیزگاران دشمن یکدیگرند» .

امام علی علیه السلام : از آن که دل هایتان دوستش ندارد ، بپرهزید .

نِ دارندگانِ این صفات رسول خدا صلی الله علیه و آله : از مصاحبت با هر آن که خیرش ضعیف ، شرّش نیرومند و جانش پلید است ، خود را نگه دارید ؛ آن که هرگاه بترسد ، نهان می شود و چون ایمن گردد ، یورش می برد .

امام علی علیه السلام : دوستی عوام ، همچون ابر ، پراکنده و همچون سراب ، ناپدید می شود .

امام علی علیه السلام : در مصاحبت با آن که در او شش خصلت جمع است ، خیری نیست : اگر با تو سخن بگوید ، دروغ می گوید؛ و اگر با او سخن بگویی ، سخنت را دروغ می شمارد ؛ و اگر او را امانتدار خود سازی ، به تو خیانت می کند ؛ و چون تو را امانتدار خود سازد ، [به خیانتْ]متّهمت می کند؛ و اگر به او بخشش کنی ، ناسپاسی می کند ؛ و چون به تو بخشش کند ، بر تو منّت می گذارد .

.

الإمام الباقر عليه السلام : قالَ لى عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما : يا بُنَىَّ ، اُنظُر خَمسَةً فَلا تُصاحِبهُم ، و لا تُحادِثهُم ، و لا تُرافِقهُم فى طَرِيقٍ . فَقُلتُ : يا أبَه مَن هُم ؟ قالَ : إيّاکَ ومُصاحَبَةَ الکَذّابِ ؛ فَإنَّهُ بِمَنزِلَهِ السَّرابِ ؛ يُقَرِّبُ لَکَ البَعيدَ ، و يُباعِدُ لَکَ القَريبَ . و إيّاکَ ومُصاحَبَةَ الفاسِقِ ؛ فَإنَّهُ بائِعُکَ بِأکلَهٍ أو أقَلَّ مِن ذلِکَ . و إيّاکَ و مُصاحَبَةَ البَخيلِ ؛ فَإنَّهُ يَخذُلُکَ فى مالِهِ أحوَجَ ما تَکونُ إلَيهِ . و إيّاکَ و مُصاحَبَةَ الأحمَقِ ؛ فَإنَّهُ يُريدُ أن يَنفَعَکَ فَيَضُرَّکَ . و إيّاکَ و مُصاحَبَةَ القاطِعِ لِرَحِمِهِ ؛ فَإنّى وَجَدتُهُ مَلعونا فى کِتابِ اللّهِ عز و جل فى ثَلاثِ مَواضِعَ : قالَ اللّهُ عز و جل : «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُواْ فِى الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُواْ أَرْحَامَكُمْ * أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمَى أَبْصَرَهُمْ » (1) و قالَ : « الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنم بَعْدِ مِيثَقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِى الْأَرْضِ أُوْلَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ » (2) و قالَ فِى البَقَرَهِ : «الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنم بَعْدِ مِيثَقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى الْأَرْضِ أُوْلَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ » (3) . (4)

.

1- .محمّد : 22 و 23 .
2- .الرعد : 25.
3- .البقره : 27.
4- .الكافى : 2 / 376 / 7 و ص 641 / 7 كلاهما عن محمّد بن مسلم أو (و) أبى حمزه ، الاختصاص : 239 عن محمّد بن مسلم نحوه وكلّها عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 279 عن الإمام زين العابدين عليه السلاموفيه «قال لبعض بنيه» وفيه إلى «ملعونا فى كتاب اللّه» ؛ تاريخ دمشق : 41 / 409 عن أبى حمزه الثمالى عنه عليه السلام .

امام باقر علیه السلام : [پدرم] علی بن الحسین صلوات اللّه علیهما به من فرمود : «پسرکم ! بنگر که با پنج تن ، نه دوستی کن ، نه هم سخن شو و در هیچ راهی [نیز]با آنان همراه مشو» . گفتم : پدر! آنان کیان اند ؟ فرمود : «از مصاحبت با دروغگو بپرهیز ، که چونان سراب است . دور را برایت نزدیک می نمایاند و نزدیک را برایت دور نشان می دهد . از مصاحبت با فاسق بپرهیز ، که تو را به لقمه ای و حتّی کمتر از آن می فروشد . از مصاحبت با بخیل بپرهیز ، که تو را آن هنگام که بیشترین نیاز را به مال او داری ، رها می کند . از مصاحبت با احمق بپرهیز ، که می خواهد به تو سودی برساند ، امّا به تو زیان می زند . از مصاحبت با بُرنده پیوند خویشانْ بپرهیز ، که در سه جای کتاب خدای عز و جل دیده ام که لعنت (نفرین) شده است : «آیا اگر به قدرت رسیدید ، می خواهید در زمین ، فساد کنید و پیوند خویشاوندی تان را ببُرید ؟ اینان اند که خدا لعنتشان کرده است و گوش هایشان را کَر و چشمانشان را کور ساخته است» . نیز می فرماید : «و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده ، می گسلند و در زمین ، فساد می کنند . لعنت بر آنهاست و بدفرجامی در آن سرا ، بهره ایشان» . همچنین در سوره بقره می فرماید : «کسانی که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می شکنند و آنچه را خداوند فرمان به پیوستن آن داده ، می گسلند و در زمین ، فساد می کنند ، آنان ، خود ، زیانکارند» » .

.

الإمام الصادق عليه السلام : كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام إذا صَعِدَ المِنبَرَ قالَ : يَنبَغي لِلمُسلِمِ أن يَتَجَنَّبَ مُؤاخاةَ ثَلاثَةٍ : الماجِنِ الفاجِرِ ، وَ الأَحمَقِ ، وَ الكَذّابِ . فَأَمَّا الماجِنُ الفاجِرُ فَيُزَيِّنُ لَکَ فِعلَهُ ، و يُحِبُّ أَنَّکَ مِثلُهُ ، و لا يُعينُکَ عَلى أَمرِ دينِکَ و مَعادِکَ ، و مُقارَبَتُهُ جَفاءٌ و قَسوَهٌ ، و مَدخَلُهُ و مَخرَجُهُ عارٌ عَلَيکَ . و أَمَّا الأَحمَقُ فَإِنَّهُ لا يُشيرُ عَلَيکَ بِخَيرٍ ، و لا يُرجى لِصَرفِ السّوءِ عَنکَ و لَو أجهَدَ نَفسَهُ ، و رُبَّما أرادَ مَنفَعَتَکَ فَضَرَّکَ ، فَمَوتُهُ خَيرٌ مِن حَياتِهِ ، و سُکوتُهُ خَيرٌ مِن نُطقِهِ ، و بُعدُهُ خَيرٌ مِن قُربِهِ . وأَمَّا الکَذّابُ فَإِنَّهُ لا يَهنَؤُکَ مَعَهُ عَيشٌ ، يَنقُلُ حَديثَکَ ، و يَنقُلُ إِلَيکَ الحَديثَ ، کُلَّما أفنى أُحدوثَةً مَطَرَها بِأُخرى مِثلِها ، حَتّى أَنَّهُ يُحَدِّثُ بِالصِّدقِ فَما يُصَدَّقُ ، و يُفَرِّقُ بَينَ النّاسِ بِالعَداوَهِ فَيُنبِتُ السَّخائِمَ فِى الصُّدورِ . فَاتَّقُوا اللّه َ عز و جلوَ انظُروا لِأَنفُسِکُم . (1)

7 / 5ما لا يَنبَغي مَحَبَّتُهُالكتاب(فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ الَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّى فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لاَ أُحِبُّ الْأَفِلِينَ) . (2)

(زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَ تِ مِنَ النِّسَآءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَطِيرِ الْمُقَنطَرَهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّهِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَ لِکَ مَتَعُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِندَهُو حُسْنُ الْمَئَابِ) . (3)

(وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا) . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 639 / 1 و ص 376 / 6 كلاهما عن محمّد بن سالم الكندى عمّن حدّثه ، تحف العقول : 205 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 42 / 31 .
2- .الأنعام : 76 .
3- .آل عمران : 14 .
4- .الفجر : 20 .

7 / 5 آنچه سزاوار دوستی نیست

امام صادق علیه السلام : چون امیر مؤمنان بر منبر بالا می رفت ، می فرمود : «شایسته مسلمان ، آن است که از برادری با سه تن بپرهیزد : بدکارِ بی شرم ، احمق و دروغگو . امّا بدکارِ بی شرم ، رفتار خود را برایت می آراید و دوست دارد که تو نیز چون او باشی ، در کار دین و قیامتت به تو کمک نمی کند و نزدیک شدن به او ، مایه جفا و سخت دلی است و رفت و آمدش ننگی است برای تو . امّا احمق ، تو را به خیری راهنمایی نمی کند ، و گرچه خود را رنجه و خسته کند ، انتظار آن که بدی را از تو دور کند ، از او نمی رود و چه بسا بخواهد به تو سودی برساند ، امّا به تو ضرر بزند ؛ پس مرگش بهتر از زندگی اش و خاموشی اش بهتر از سخن گفتنش و دوری اش بهتر از نزدیکی اش است . امّا دروغگو ، با او زندگی برایت گوارا نخواهد بود . سخنت را پیش دیگران می برد و سخن دیگران را نزد تو می آورد . هرگاه دروغی ببافد و آن را به سر رساند ، آن را با دروغ دیگری همچون آن ، درمی پیوندد ، تا آن جا که گاه ، سخنِ راست می گوید ؛ امّا تصدیقش نمی کنند . میان مردم ، با دشمنی جدایی می اندازد و در دل ها تخم کینه می کارد . پس ، از خدای عز و جلبترسید و خود را بپایید» .

7 / 5آنچه سزاوار دوستی نیستقرآن(چون شبْ او را فرو گرفت ، ستاره ای دید . گفت : «این ، پروردگار من است» و چون [ستاره]غروب کرد ، گفت : «غروب کنندگان را دوست ندارم») .

(برای مردم ، دوستیِ خواستنی ها (از زنان ، فرزندان ، همیان های زر و سیم و اسبانِ داغ خورده و چارپایان و زراعت) ، آراسته شده است . همه اینها متاع زندگی دنیاست ، حال آن که بازگشتگاه خوب ، نزد خداست» .

.

(كَلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ) . (1)

(لاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُواْ بِمَا لَمْ يَفْعَلُواْ فَلاَ تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَهٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) . (2)

(إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَحِشَهُ فِى الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِى الدُّنْيَا وَ الأَخِرَهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ) . (3)

.

1- .القيامه : 20 .
2- .آل عمران : 188 .
3- .النور : 19 .

(و دارایی را به شدّت دوست دارید) .

(چنین نیست ؛ بلکه دنیای گذرا را دوست دارید) .

(گمان مبر کسانی که بدانچه کرده اند ، شادمانی می کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده اند ، ستایش شوند . گمان مبر که برای آنان ، نجاتی از عذاب است . برایشان عذابی درد آور ، مهیّاست) .

(کسانی که دوست دارند زشتکاری (تهمت های ناروا) در میان ایمان آوردگان رواج یابد ، برایشان در دنیا و آخرت ، عذابی دردآور خواهد بود . خدا می داند و شما نمی دانید» .

.

الفصل الثامن: حقوق المحبَّه8 / 1الإِهتِمامُ بِحُقوقِ الإِخوانِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن رَجُلَينِ يَصطَحِبانِ إلاّ وَاللّهُ مُسائِلٌ كُلَّ واحِدٍ مِنهُما عَنِ الآخَرِ ؛ كَيفَ كانَ صُحبَتُهُ إيّاهُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : إذا آخَيتَ فَأَكرِم حَقَّ الإِخاءِ . (2)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : يا بُنَىَّ... لا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أخيكَ اتِّكالاً عَلى ما بَينَكَ وبَينَهُ ؛ فَإِنَّهُ لَيسَ لَكَ بِأَخٍ مَن أضَعتَ حَقَّهُ . (3)

عنه عليه السلام : مِن دَلائِلِ الخِذلانِ الاِستِهانَهُ بِحُقوقِ الإِخوانِ . (4)

.

1- .مستدرک الوسائل : 8 / 317 / 9540 نقلاً عن أبى القاسم الكوفى فى كتاب الأخلاق.
2- .غرر الحكم : 4006 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 392 / 5834 ، نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : 82 ، غرر الحكم : 2686 و ح 2688 نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 168 / 35 ؛ كنز العمّال : 16 / 179 / 44215 وفيه «برّ أخيک» بدل «حقّ أخيک» نقلاً عن العسكرىّ فى المواعظ .
4- .غرر الحكم : 9412 .

فصل هشتم : حقوق دوستی

1 / 8 توجّه به حقوق برادران

فصل هشتم : حقوق دوستی1 / 8توجّه به حقوق برادران رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو تن با یکدیگر دوستی کنند ، خداوند از هریک از آنان درباره نحوه مصاحبت دوستش با او پرسش خواهد کرد .

امام علی علیه السلام : هرگاه با کسی برادری کردی ، حقّ برادری را گرامی دار (حقوق دوستی را رعایت کن) .

امام علی علیه السلام در وصیّت خویش به فرزندش محمّد حَنَفیه : پسرکم ! ... حقّ برادرت را به اعتمادِ دوستی میان خودتان ، ضایع مکن ؛ زیرا آن که حقّش را ضایع کرده ای ، برادرت نیست .

امام علی علیه السلام : خوار شمردن حقوق برادران ، از نشانه های بی توفیقی است .

.

عنه عليه السلام : أشرَفُ الشِّيَمِ رِعايَهُ الوُدِّ ، وأحسَنُ الهِمَمِ إنجازُ الوَعدِ . (1)

عنه عليه السلام : كُن لِلوُدِّ حافِظا وإن لَم تَجِد مُحافِظا . (2)

عنه عليه السلام : أكرِم وُدَّکَ ، وَاحفَظ عَهدَکَ . (3)

عنه عليه السلام : أحسَنُ المُروءَهِ حِفظُ الوُدِّ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّما سُمّوا إخوانا لِتَنزاهَتِهِم عَنِ الخِيانَهِ ، وسُمّوا أصدِقاءَ لِأَنَّهُم تَصادَقوا حُقوقَ المَوَدَّهِ . (5)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ جَلَّ ذِكرُهُ لَيَحفَظُ مَن يَحفَظُ صَديقَهُ . (6)

عنه عليه السلام : ما أقبَحَ بِالرَّجُلِ أن يَعرِفَ أخوهُ حَقَّهُ ، ولا يَعرِفَ حَقَّ أخيهِ ! (7)

8 / 2حُقوقُ الإخوانِأ حُرمَهُ النَّفسِ وَالمالِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ألا إنَّ المُسلِمَ أخُو المُسلِمِ ، فَلَيسَ يَحِلُّ لِمُسلِمٍ مِن أخيهِ شَىءٌ إلاّ ما أحَلَّ مِن نَفسِهِ . (8)

.

1- .غرر الحكم : 3328 .
2- .غرر الحكم : 7157 .
3- .غرر الحكم : 2268 .
4- .غرر الحكم : 3017 .
5- .الأمالى للطوسى : 609 / 1258 عن سفيان بن عيينه ، بحار الأنوار : 74 / 179 / 26 .
6- .الكافى : 8 / 162 / 166 عن عبيد بن زراره .
7- .مصادقه الإخوان : 144 / 5 عن مرازم .
8- .سنن الترمذى : 5 / 273 / 3087 عن عمرو بن الأحوص .

ص: 303

2 / 8 حقوق برادران

الف حرمت جان و مال

امام علی علیه السلام : ارجمندترینْ خصلت ، رعایت دوستی است و بهترینْ همّت ، وفای به وعده است .

امام علی علیه السلام : [پیمان]دوستی را نگه دار ، گرچه دیگری آن را نگه ندارد .

امام علی علیه السلام : [پیمان]دوستی ات را گرامی شمار و عهدت را نگه دار .

امام علی علیه السلام : بهترینْ جوان مردی ، نگهداشتِ دوستی است .

امام صادق علیه السلام : [دوستان] به دلیل دوری شان از خیانت ، «برادر» و به دلیل پاسداشتِ حقوق دوستی و راستی ، «صَدیق» نامیده شده اند .

امام صادق علیه السلام : خداوندِ والا نام ، حافظِ کسی است که دوست خود را حفظ کند .

امام صادق علیه السلام : چه قدر برای انسان ، زشت است که برادرش حقّ دوستی او را بشناسد ؛ امّا او حقّ برادرش را نشناسد !

2 / 8حقوق برادرانالف حرمت جان و مال رسول خدا صلی الله علیه و آله : هان ! مسلمان ، برادرِ مسلمان است . پس برای هیچ مسلمانی از داشته های برادرش چیزی روا نیست ؛ مگر آن که خودش [استفاده از]آن را روا دارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : ألا أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ المُسلِمَ أخُو المُسلِمِ حَقّا ، لا يَحِلُّ لاِمرِئٍمُسلِمٍ دَمَ امرِئٍمُسلِمٍ ، ومالَهُ إلاّ ما أعطاهُ بِطيبَهِ نَفسٍ مِنهُ . (1)

ب رَدُّ التَّحِيَّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ المُسلِمَ أخُو المُسلِمِ ، إذا لَقِيَهُ رَدَّ عَلَيهِ مِنَ السَّلامِ بِمِثلِ ما حَيّاهُ بِهِ أو أحسَنَ مِن ذلِکَ . (2)

ج النَّصيحَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ ، لا يَدَعُ نَصيحَتَهُ عَلى كُلِّ حالٍ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : أخوکَ فِى اللّهِ مَن هَداکَ إلى رَشادٍ ، ونَهاکَ عَن فَسادٍ ، وأعانَکَ إلى (4) إصلاحِ مَعادٍ . (5)

د النُّصرَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن نَصَرَ أخاهُ المُسلِمَ وهُوَ يَستَطيعُ ذلِکَ نَصَرَهُ اللّهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام : ما مِن مُؤمِنٍ يَخذُلُ أخاهُ وهُوَ يَقدِرُ عَلى نُصرَتِهِ إلاّ خَذَلَه اللّهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (7)

.

1- .تفسير القمّى : 1 / 172 ، عوالى اللآلى : 3 / 184 / 9 و ص 424 / 16 كلاهما نحوه ؛ سنن الدارقطنى : 3 / 25 / 87 عن ابن عبّاس نحوه وراجع السنن الكبرى : 8 / 316 / 16756 .
2- .شُعب الإيمان : 6 / 116 / 7654 عن الحارث بن شريح ، تاريخ المدينه : 2 / 596 عن أبى معاويه يزيد بن عبدالملک نحوه ، كنز العمّال : 1 / 151 / 754 .
3- .الجامع الصغير : 2 / 662 / 9156 ، كنز العمّال : 1 / 142 / 687 كلاهما نقلاً عن ابن النجّار عن جابر .
4- .كذا فى المصدر والأنسب «على» .
5- .غرر الحكم : 1918 .
6- .حليه الأولياء : 3 / 25 عن عمران بن حصين .

7- .ثواب الأعمال : 177 / 1 ، الأمالى للصدوق : 574 / 785 ، المحاسن : 1 / 183 / 296 كلّها عن إبراهيم بن عمر اليمانى ، مشكاه الأنوار : 104 عن إبراهيم الثمالى ، المؤمن : 67 / 178 ، الاختصاص : 27 ، روضه الواعظين : 425 ، بحار الأنوار : 75 / 17 / 1 .

ب پاسخ دادنِ سلام

ج نیکخواهی

د یاری

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هان ، ای مردم ! مسلمان ، به حق ، برادر مسلمان است . خون و مال هیچ مسلمانی ، برای هیچ مسلمانی روا نیست ؛ مگر آن که با رضایت خاطر ، چیزی از اموال خویش را ببخشد .

ب پاسخ دادنِ سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله : مسلمان ، برادر مسلمان است . هرگاه او را دید ، باید همان گونه که به او سلام شده است ، یا حتّی بهتر از آن ، پاسخ سلام او را بدهد .

ج نیکخواهی رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، برادرِ مؤمن است ؛ در هیچ حالی از نیکخواهی برای او دست نمی کشد .

امام علی علیه السلام : برادر خدایی تو کسی است که تو را به سمت هدایت و حق ، راهنمایی کند ؛ تو را از فساد ، باز دارد ؛ و بر اصلاح امور معاد ، تو را یاری کند .

ر . ک : ص 317 (هدیه کردن عیب ها) .

د یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه برادر مسلمانش را یاری کند در حالی که توان یاری او را داشته باشد ، خداوند ، او را در دنیا و آخرت ، یاری خواهد کرد .

امام صادق علیه السلام : هرگاه مؤمنی ، برادر مؤمنش را در حالی که توانایی یاری دادنِ او را دارد تنها گذارد ، خداوند ، او را در دنیا و آخرت ، تنها خواهد گذاشت .

.

صحيح مسلم عن جابر : اِقتَتَلَ غُلامانِ ؛ غُلامٌ مِنَ المُهاجِرينَ وغُلامٌ مِنَ الأَنصارِ ، فَنادَى المُهاجِرُ أو المُهاجِرونَ : يا لَلمُهاجِرينَ . ونادَى الأَنصارِيُّ : يا لَلأَنصارِ . فَخَرَجَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : ما هذا ، دَعوى أهلِ الجاهِلِيَّهِ ؟! قالوا : لا يا رَسولَ اللّهِ ، إلاّ أنَّ غُلامَينِ اقتَتَلا ، فَكَسَعَ أحَدُهُمَا الآخَرَ . قالَ : فَلا بَأسَ . وَليَنصُرِ الرَّجُلُ أخاهُ ظالِما أو مَظلوما ، إن كانَ ظالِما فَليَنهَهُ ؛ فَإِنَّهُ لَهُ نَصرٌ ، وإن كانَ مَظلوما فَليَنصُرهُ . (1)

ه الإعانَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله: اللّهُ فى عَونِ العَبدِ ما كانَ العَبدُ فى عَونِ أخيهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَزالُ اللّهُ تَعالى فى عَونِ العَبدِ ما كانَ العَبدُ فى عَونِ أخيهِ ، وَاللّهُ يُحِبُّ إغاثَهَ اللَّهفانِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : إذا نَبَتَ الوُدُّ وَجَبَ التَّرافُدُ والتَّعاضُدُ . (4)

.

1- .صحيح مسلم : 4/1998/62، سنن الدارمى : 2/767/2651 وفيه ذيله من «لينصر الرجل ...إلخ» .
2- .صحيح مسلم : 4/2074/38 ، سنن الترمذى : 5 / 195 / 2945 ، سنن أبى داود : 4 / 287 / 4946 ، سنن ابن ماجه : 1 / 82 / 225 ، مسند ابن حنبل : 3 / 57 / 7431 و ص 153 / 7947 كلّها عن أبى هريره ، تاريخ بغداد : 4 / 175 عن أنس ، المعجم الكبير : 5 / 119 / 4802 كلاهما عن أبى هريره و ص 118 / 4801 عن زيد بن ثابت وفيهما «حاجه» بدل «عون» فى كلا الموضعين ، كنز العمّال : 15 / 849 / 43375 و ص 904 / 43560 ؛ الكافى : 2 / 200 / 5 عن ذريح المحاربى عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «المؤمن» بدل «العبد» فى كلا الموضعين ، عوالى اللآلى : 1 / 107 / 1 عن أبى هريره .
3- .حليه الأولياء : 3 / 42 عن أبى هريره .
4- .غرر الحكم : 4132 .

ه کمک

صحیح مسلم به نقل از جابر : دو جوان به جان یکدیگر افتادند ؛ یکی از مهاجران و دیگری از انصار . آن جوان مهاجر یا برخی از مهاجران فریاد زد : ای مهاجران ! کمک کنید ! . و آن جوان انصاری نیز بانگ زد : ای انصار ! کمک کنید ! . پیامبر خدا بیرون آمد و فرمود : «این بانگ اهل جاهلیّت ، چیست ؟» . گفتند : ای پیامبر خدا ! چنین نیست . دو جوان به جان یکدیگر افتادند و این یک ، از پشت بر دیگری حمله ور شد . حضرت فرمود : «[در این دعوا] چیز مهمی پیش نیامد ؛ اما انسان باید برادرش را یاری کند ؛ چه ستمکار باشد و چه ستمدیده . اگر ستمکار باشد ، او را بازدارد که همین ، یاری اوست و اگر ستمدیده باشد ، او را [علیه ستمکار ،]یاری نماید» .

ه کمک رسول خدا صلی الله علیه و آله : تا وقتی که بنده در پیِ کمک کردن به برادرش است ، خداوند نیز به او کمک می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : تا وقتی که بنده در پی کمک کردن به برادرش است ، خداوند ، همواره کمکْ کار اوست . خداوند ، کمک کردن به شخص اندوهگین و یاریخواه را دوست دارد .

امام علی علیه السلام : هرگاه [بذر]دوستی رویید ، کمک رساندن به یکدیگر و پشتیبانی از یکدیگر ، واجب می گردد .

.

الإمام الباقر عليه السلام : مَن بَخِلَ بِمَعونَهِ أخيهِ المُسلِمِ وَالقِيامِ لَهُ فى حاجَتِهِ ابتُلِىَ بِمَعونَهِ مَن يَأثَمُ عَلَيهِ ولا يُؤجَرُ . (1)

و قَضاءُ الحاجَهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنونَ إخوَهٌ ، يَقضى بَعضُهُم حَوائِجَ بَعضٍ ، فَبِقَضاءِ بَعضِهِم حَوائِجَ بَعضٍ يَقضِى اللّهُ حَوائِجَهُم يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ فى حاجَهِ أخيهِ فَإِنَّ اللّهَ فى حاجَتِهِ . (3)

الكافى عن مصبّح بن هلقام عن أبى بصير : سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام يَقولُ : أيُّما رَجُلٍ مِن أصحابِنَا استَعانَ بِهِ رَجُلٌ مِن إخوانِهِ فى حاجَهٍ فَلَم يُبالِغ فيها بِكُلِّ جَهدٍ فَقَد خانَ اللّهَ ورَسولَهُ وَالمُؤمِنينَ . قالَ أبو بَصيرٍ : قُلتُ لِأبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : ما تَعنى بِقَولِكَ : وَالمُؤمِنينَ ؟ قالَ : مِن لَدُن أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلامإلى آخِرِهِم . (4)

الكافى عن صفوان الجمّال : كُنتُ جالِسا مَعَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام إذ دَخَلَ عَلَيهِ رَجُل مِن أهلِ مَكَّهَ يُقالُ لَهُ «مَيمونٌ» ، فَشَكا إلَيهِ تَعَذُّرَ الكِراءِ عَلَيهِ ، فَقالَ لى : قُم فَأعِن أخاكَ . فَقُمتُ مَعَهُ ، فَيَسَّرَ اللّهُ كِراهُ ، فَرَجَعتُ إلى مَجلِسى . فَقالَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : ما صَنَعتَ فى حاجَهِ أخيكَ ؟ فَقُلتُ : قَضاهَا اللّهُ بِأبى أنتَ وأُمّى . فَقالَ : أما إنَّكَ أن تُعينَ أخاكَ المُسلِمَ أحَبُّ إلَىَّ مِن طَوافِ أسبوعٍ بِالبَيتِ مُبتَدِئا . (5)

.

1- .ثواب الأعمال : 298 / 2 عن الحسين بن أبان ، الكافى : 2 / 365 / 1 عن حسين بن أمين ، المحاسن : 1 / 184 / 299 عن الحسين بن أنس ، بحار الأنوار : 75 / 175 / 9 وراجع الكافى : 2 / 366 / 3 .
2- .الأمالى للمفيد : 150 / 8 عن الحسين بن زيد ، مصادقه الإخوان : 160 / 5 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام وفيه «أقضى» بدل «يقضى اللّه» وليس فيه «فبقضاء بعضهم حوائج بعض» ، بحار الأنوار : 74 / 311 / 64 .

3- .سنن أبی داود : 4 / 273 / 4893 عن سالم عن أبیه ، مسند ابن حنبل : 2 / 400 / 5650 عن عبداللّه بن عمر ، مطالب السؤول : 56 عن الإمام علیّ علیه السلام ، کنز العمّال : 6 / 444 / 16463 نقلاً عن الخرائطی فی مکارم الأخلاق ؛ الأمالی للطوسی : 97 / 147 عن محمّد بن یحیی المدنی عن الإمام الصادق علیه السلاموفیه «أخیه المؤمن المسلم» بدل «أخیه» وزاد فی آخره «ما کان فی حاجه أخیه» ، بحار الأنوار : 74 / 286 / 11 .
4- .الکافی : 2 / 362 / 3 ، ثواب الأعمال : 297 / 2 ، المحاسن : 1 / 183 / 295 ، بحار الأنوار : 75 / 175 / 7 .
5- .الکافی : 2 / 198 / 9 ، مصادقه الإخوان : 176 / 10 ، المؤمن : 52 / 132 ، بحار الأنوار : 74 / 335 / 113 .

و برآوردن نیاز

امام باقر علیه السلام : هرکه از کمک کردن به برادر مسلمانش و برآوردن نیازهایش کوتاهی کند ، ناگزیر از کمک کردن به کسی می شود که کمک به او گناه است و پاداشی نمی برد .

و برآوردن نیاز رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنان ، برادرند و برخی از آنان ، نیازهای برخی دیگر را برمی آورند. بر اثر برآوردن نیازهای یکدیگر است که خداوند در روز قیامت ، نیازهایشان را برمی آورد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه در پیِ برآوردن نیازهای برادرش باشد ، خداوند نیز نیازهایش را برمی آورد .

الکافی مُصبِّح بن هِلْقام از ابوبصیر : شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود : «هرکس از یاران ما که شخصی از برادرانش برای برآوردن نیازی از او کمک بخواهد و او نهایتِ سعی خود را در این راه به کار نبرد ، به خدا و پیامبرش و مؤمنان ، خیانت ورزیده است!» . [ابوبصیر می گوید که]به امام صادق علیه السلامگفتم : مقصود شما از مؤمنان چه کسانی است ؟ فرمود : «[همه مؤمنان] از زمان امیر مؤمنان به بعد» .

الکافی به نقل از صَفْوان جَمّال : نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مردی از اهل مکّه به نام «میمون» ، بر ایشان وارد شد و از ناتوانی در پرداخت کرایه راه ، شکایت کرد . حضرت به من فرمود : «برخیز و به برادرت کمک کن» . من نیز برخاستم و خداوند ، کرایه او را فراهم آورد و من به جایگاهم برگشتم . امام صادق علیه السلامفرمود : «با نیاز برادرت چه کردی ؟». گفتم : پدر و مادرم فدایت ! خداوند ، آن را برآورد . حضرت به سخن ، آغاز کرد و فرمود : «هان ! این که به برادر مسلمانت کمک کنی ، نزدم محبوب تر از هفت بار طواف خانه خداست» .

.

ز الإكرام رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن أكرَمَ أخاهُ المُسلِمَ ؛ بِمَجلِسٍ يُكرِمُهُ ، أو بِكَلِمَةٍ يُلطِفُهُ بِها ، أو حاجَةٍ يَكفيهِ إيّاها ، لَم يَزَل فى ظِلٍّ مِنَ المَلَائِكَهِ ما كانَ بِتِلكَ المَنزِلَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أكرَمَ أخاهُ المُسلِمَ بِكَلِمَهٍ يُلطِفُهُ بِها وفَرَّجَ عَنهُ كُربَتَهُ ، لَم يَزَل فى ظِلِّ اللّهِ المَمدودِ عَلَيهِ الرَّحمَهُ ما كانَ فى ذلِکَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما فى اُمَّتى عَبدٌ ألطَفَ أخاهُ فِى اللّهِ بِشَىءٍ مِن لُطفٍ إلاّ أخدَمَهُ اللّهُ مِن خَدَمِ الجَنَّهِ . (3)

.

1- .المؤمن : 52 / 128 عن الإمام الباقر عليه السلام .
2- .الكافى : 2 / 206 / 5 عن عبداللّه بن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام ، علل الشرايع : 2 / 523 عن مسعده ابن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، ثواب الأعمال : 178 / 1 عن جعفر بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ، النوادر للراوندى : 11 وفيه «أو مجلس يكرمه به» بدل «وفرّج عنه كربته» ، الجعفريّات : 194 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 74 / 316 / 73 و ج 75 / 22 / 24 .
3- .الكافى : 2 / 206 / 4 ، ثواب الأعمال : 182 / 1 ، مصادقه الإخوان : 183 / 1 كلّها عن زيد بن أرقم ، بحارالأنوار: 74 / 298 / 33 .

ز گرامی داشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس برادر مسلمانش را در مجلسی گرامی بدارد ، یا با سخنی با او ملاطفت کند ، و یا نیاز او را برآورد ، تا هنگامی که در این حال است ، در سایه ای از ملائکه به سر برد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس برادر مسلمانش را با سخنی ملاطفت آمیز گرامی بدارد و اندوهش را برطرف سازد ، تا در این حال است ، در سایه گسترده ای پوشیده از رحمت خدا به سر می برد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه بنده ای از امّت من برادرش را در راه خدا به لطفی بنوازد ، خداوند ، خدمتگزاران بهشت را به خدمتش در خواهد آورد .

.

عنه صلى الله عليه و آله: مَن أكرَمَ أخاهُ فَإِنَّما يُكرِمُ اللّهَ، فَما ظَنُّكُم بِمَن يُكرِمُ اللّهَ بِأن يَفعَلَ بِهِ؟! (1)

المستدرک على الصحيحين عن سلمان الفارسيّ : دَخَلتُ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وهُوَ مُتَّكِئٌ عَلى وِسادَةٍ ، فَألقاها إلَيَّ ، ثُمَّ قالَ لى : يا سَلمانُ ، ما مِن مُسلِمٍ يَدخُلُ عَلى أخيهِ المُسلِمِ فَيُلقى لَهُ وِسادَةً إكراما لَهُ إلاّ غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : أكرِم مَن وَدَّکَ ، وَاصفَح عَن عَدُوِّکَ ، يَتِمَّ لَکَ الفَضلُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : مَن عَظَّمَ دينَهُ عَظَّمَ إخوانَهُ ، ومَنِ استَخَفَّ بِدينِهِ استَخَفَّ بِإخوانِهِ . (4)

عنه عليه السلام : مَن قالَ لِأَخيهِ المُؤمِنِ : «مَرحَبا» ، كَتَبَ اللّهُ تَعالى لَهُ مَرحَبا إلى يَومِ القِيامَهِ . (5)

ح المُواساه الإمام علىّ عليه السلام : اِبذِل مالَکَ فِى الحُقوقِ ، وواسِ بِهِ الصَّديقَ ؛ فَإِنَّ السَّخاءَ بِالحُرِّ أخلَقُ . (6)

.

1- .ثواب الأعمال : 339 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس ، عدّه الداعى : 176 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 319 / 83 ؛ كنز العمّال : 9 / 154 / 25488 نقلاً عن ابن النجّار عن ابن عمر وفيه صدر الحديث فقط .
2- .المستدرک على الصحيحين : 3 / 692 / 6542 ؛ مكارم الأخلاق : 1 / 57 / 41 ، بحار الأنوار : 16/235/35 .
3- .غرر الحكم : 2368 .
4- .الأمالى للطوسى : 98 / 150 عن عبداللّه بن أبى يعفور ، مشكاه الأنوار : 186 وفيه «دين اللّه» بدل «دينه» و «حقّ إخوانه» بدل «إخوانه».
5- .الكافى : 2 / 206 / 2 عن جميل بن درّاج ، ثواب الأعمال : 176 / 1 عن إسحاق بن عمّار ، مصادقه الإخوان : 183 / 2 عن السكونى عن الإمام

الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 74 / 298 / 31 ؛ وراجع كنز العمّال : 9 / 38 / 24825 .
6- .غرر الحكم : 2384 .

ح همدردی

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه برادرش را گرامی بدارد ، خدا را گرامی داشته است . فکر می کنید خدا با آن [بنده ای]که او را گرامی داشته است ، چه خواهد کرد ؟

المستدرک علی الصحیحین به نقل از سلمان فارسی : بر پیامبر خدا وارد شدم . حضرت به متّکایی تکیه داده بود . آن را به سوی من افکند و فرمود : «ای سلمان ! هرگاه مسلمانی بر برادر مسلمانش وارد شود و او برای گرامی داشتن او متّکایی برایش بیفکند ، خداوند ، او را خواهد آمرزید» .

امام علی علیه السلام : هرکه را دوستت می دارد ، گرامی بدار و از دشمن خود ، گذشت کن تا فضل و برتری ات کامل گردد .

امام صادق علیه السلام : هرکه دین خود را بزرگ شمارد ، برادران خود را بزرگ می شمارد و هرکه دین خود را سبک شمارد ، برادران خود را سبک می شمارد .

امام صادق علیه السلام : هرکه به برادر مؤمن خود ، خوش آمدی بگوید ، خداوند متعال برایش تا روز قیامت ، آفرین خواهد نوشت .

ح همدردی امام علی علیه السلام : مال خود را در راه حقوق [دوستان]ببخش و از آن ، به دوستت برسان که بخشش ، آزاده را سزاوارتر است .

.

عنه علیه السلام : ما حُفِظَتِ الاُخُوَّهُ بِمِثلِ المُواساهِ . (1)

عنه علیه السلام : إنَّ مُواساهَ الرِّفاقِ مِن کَرَمِ الأَعراقِ . (2)

عنه علیه السلام : اِبذِل لِصَدیقِکَ نَفسَکَ ومالَکَ ، ولِمَعرِفَتِکَ رِفدَکَ ومَحضَرَکَ ، ولِلعامَّهِ بِشرَکَ ومَحَبَّتَکَ ، ولِعَدُوِّکَ عَدلَکَ وإنصافَکَ . وَاضنِن بِدینِکَ وعِرضِکَ عَن کُلِّ أحَدٍ . (3)

الکافی عن سعید بن الحسن : قالَ أبو جَعفَرٍ علیه السلام : أیَجیءُ أحَدُکُم إلی أخیهِ فَیُدخِلُ یَدَهُ فی کیسِهِ فَیَأخُذُ حاجَتَهُ فَلا یَدفَعُهُ ؟ فَقُلتُ : ما أعرِفُ ذلِکَ فینا . فَقالَ أبو جَعفَرٍ علیه السلام : فَلا شَیءَ إذا . قُلتُ : فَالهَلاکُ إذَا ! فَقالَ : إنَّ القَومَ لَم یُعطَوا أحلامَهُم بَعدُ . (4)

حلیه الأولیاء عن إسحاق بن کثیر عن عبیداللّه بن الولید : قالَ لَنا أبو جَعفَرٍ مُحمَّدُ بنُ عَلِیٍّ علیهماالسلام : یُدخِلُ أحَدُکُم یَدَهُ فی کُمِّ صاحِبِهِ فَیَأخُذُ ما یُریدُ ؟ قالَ : قُلنا : لا . قالَ : فَلَستُم بِإخوانٍ کَما تَزعُمونَ . (5)

.

1- .غرر الحکم : 9578 .
2- .غرر الحکم : 3405 .
3- .الخصال : 147 / 178 ، بحار الأنوار : 74 / 175 / 6 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 312 / 586 وفیه «تحنّنک» بدل «محبّتک».
4- .الکافی : 2 / 174 / 13 ، المؤمن : 44 / 103 ، بحار الأنوار : 74 / 254 / 51 .
5- .حلیه الأولیاء : 3/187، تاریخ دمشق 54/293 عن الوصافی نحوه ؛ المحجّه البیضاء : 3/320 عن الإمام زین العابدین علیه السلام نحوه.

امام علی علیه السلام : هیچ چیز، مانند همدردی [وبخشش]، برادری را حفظ نمی کند.

امام علی علیه السلام : همدردی با دوستان ، نشانِ نژادگی و داشتن تبار والاست .

امام علی علیه السلام : جان و مال خود را به دوستت ببخش ، عطا و مجلس خود را به آشنایان ، محبّت و گشاده رویی خود را به عامّه مردم ، و انصافت را به دشمن ؛ امّا دین و ناموس خود را آزمندانه برای خود ، نگه دار و از هرکس حفظ کن .

الکافی به نقل از سعید بن حسن : امام باقر علیه السلامفرمود : «آیا شده است که یکی از شما بیاید و دست در جیب برادرش کند و آنچه نیاز دارد ، از آن بردارد و کسی مانعش نشود ؟» . گفتم : چنین چیزی در میان خودمان ندیده ام . امام باقر علیه السلام فرمود : «پس هنوز به هیچ چیزی نرسیده اید» . گفتم : در این صورت ، همه هلاک شده ایم؟ ! فرمود : «هنوز این مردم ، خِردهایشان کامل نشده است» .

حلیه الأولیاء به نقل از اسحاق بن کثیر، از عبیداللّه بن ولید : امام باقر علیه السلام به ما فرمود : «آیا شده که یکی از شما دست در آستین (1) دوستش کند و آنچه می خواهد ، بردارد ؟» . گفتیم : نه ! فرمود : «پس آن طور که می پندارید ، برادر نیستید» .

.

1- .در گذشته ، آستین ها را گشاد می گرفتند و در آن ، معمولاً کیسه های زر و سیم نگه می داشتند و همچون جیب ، از آن استفاده می کردند .

ط الإِيثار الإمام علىّ عليه السلام : المُؤمِنونَ إخوَةٌ ، ولا شَىءَ آثَرُ عِندَ كُلِّ أخٍ مِن أخيهِ . (1)

عنه عليه السلام : عامِل سائِرَ النّاسِ بِالإِنصافِ ، وعامِلِ المُؤمِنينَ بِالإِيثارِ . (2)

عنه عليه السلام : تَحَبَّب إلى خَليلِكَ يُحبِبكَ ، وأكرِمهُ يُكرِمكَ ، وآثِرهُ عَلى نَفسِكَ يُؤثِركَ عَلى نَفسِهِ وأهلِهِ . (3)

ى حِفظُ الغَيبِ الإمام الصادق عليه السلام : اُذكُروا أخاكُم إذا غابَ عَنكُم بِأحسَنَ ما تُحِبّونَ أن تُذكَروا بِهِ إذا غِبتُم عَنهُ . (4)

ك إهداءُ العَيبِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : خَيرُ إخوانِكُم مَن أهدى إلَيكُم عُيوبَكُم . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ ؛ مِن حَيثُ يَغيبُ يَحفَظُهُ مِن وَرائِهِ ، ويَكُفُّ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ . وَالمُؤمِنُ مِرآةُ المُؤمِنِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ مِرآةٌ لِأَخيهِ المُؤمِنِ ؛ يَنصَحُهُ إذا غابَ عَنهُ ، ويُميطُ عَنهُ ما يَكرَهُ إذا شَهِدَ ، ويُوَسِّعُ لَهُ فِى المَجلِسِ . (7)

.

1- .تحف العقول : 173 ، بشاره المصطفى : 26 كلاهما عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : 77 / 269 / 1 .
2- .غرر الحكم : 6342 .
3- .غرر الحكم : 4530 .
4- .الأمالى للطوسى : 225 / 391 عن عبيداللّه بن عبداللّه ، بحار الأنوار : 78 / 196 / 17 .
5- .تنبيه الخواطر : 2 / 123.
6- .كنز العمّال : 1 / 152 / 756 نقلاً عن الخرائطى فى مكارم الأخلاق عن المطّلب بن عبداللّه بن حنطب .
7- .النوادر للراوندى: 8 ، الجعفريّات: 197 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار : 74/233/29 .

ط بر خود ، مقدّم داشتن

ی به نیکی از کسی یاد کردن

ک هدیه کردن عیب ها

ط بر خود ، مقدّم داشتن امام علی علیه السلام : مؤمنان ، برادرند و نزد هیچ برادری ، چیزی بر برادرش مقدّم نیست (بر او ترجیح ندارد) .

امام علی علیه السلام : با مؤمنان به ایثار رفتار کن (آنان را بر خود ، مقدّم بدار) و با دیگر مردمان ، به انصاف .

امام علی علیه السلام : به دوستت ابراز دوستی کن ، تا دوستت بدارد ؛ گرامی اش بدار ، تا گرامی ات بدارد ؛ و او را بر خود مقدّم بدار ، تا تو را بر خود و خانواده اش مقدّم بدارد .

ی به نیکی از کسی یاد کردن امام صادق علیه السلام : در نبود برادرتان ، به بهترین شکلی که دوست دارید در نبودتان از شما یاد کند ، از او یاد کنید .

ک هدیه کردن عیب ها رسول خدا صلی الله علیه و آله : بهترینِ برادرانتان ، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، برادرِ مؤمن است . چون غایب شود ، در نبودش [آبروی]او را حفظ می کند و خانه و کسب و کارش را نگاه می دارد و مؤمن ، آینه مؤمن است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، آینه برادرِ مؤمنش است ؛ چون غایب شود ، نیکخواه اوست و در حضورش آنچه را ناپسند می دارد ، از او دور می سازد و در مجلس ، برایش جای می گشاید .

.

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ مِرآةُ أخيهِ ؛ يُميطُ عَنهُ الأَذى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَدَكُم مِرآةُ أخيهِ ، فَإِن رَأى بِهِ أذىً فَليُمِطهُ عَنهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : يا كُمَيلُ ، المُؤمِنُ مِرآةُ المُؤمِنِ ؛ لِأَنَّهُ يَتَأَمَّلُهُ فَيَسُدُّ فاقَتَهُ ، ويُجمِلُ حالَتَهُ . (3)

عنه عليه السلام : إنَّما سُمِّيَ الصَّديقُ صَديقا لِأَنَّهُ يَصدُقُكَ فى نَفسِكَ ومَعايِبِكَ ، فَمَن فَعَلَ ذلِكَ فَاستَنِم إلَيهِ ؛ فَإِنَّهُ الصَّديقُ . (4)

عنه عليه السلام : ثَمَرَةُ الاُخُوَّةِ حِفظُ الغَيبِ ، وإهداءُ العَيبِ . (5)

عنه عليه السلام : مَن أبانَ لَكَ عَيبَكَ فَهُوَ وَدودُكَ . (6)

عنه عليه السلام : ما أخلَصَ المَوَدَّةَ مَن لَم يَنصَح . (7)

عنه عليه السلام : مَن أحَبَّكَ نَهاكَ ، ومَن أبغَضَكَ أغراكَ . (8)

الإمام الصادق عليه السلام : أحَبُّ إخوانى إلَىَّ مَن أهدى إلَىَّ عُيوبى . (9)

.

1- .مصادقه الإخوان : 144 / 1 عن حفص بن غياث النخعى يرفعه إليه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : 189 .
2- .سنن الترمذى : 4 / 26 3 / 1929 عن أبى هريره .
3- .تحف العقول : 173.
4- .غرر الحكم : 3877 .
5- .غرر الحكم : 4633 .
6- .غرر الحكم : 8210 .
7- .غرر الحكم : 9580 .
8- .كنز الفوائد : 1 / 279 ، أعلام الدين : 298 عن الإمام الحسين عليه السلام ، غرر الحكم : 7718 و 7719 ، بحار الأنوار : 78 / 91 / 95 .

9- .الكافى : 2 / 639 / 5 عن أحمد بن محمّد رفعه ، تحف العقول : 366 ، الاختصاص : 240 ، بحار الأنوار : 74 / 282 / 4 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، آینه برادر مؤمنش است و پلیدی را از او دور می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هریک از شما آینه برادرش است . پس اگر در او پلیدی ای دید ، باید آن را دور سازد .

امام علی علیه السلام : ای کُمَیل ! مؤمن، آینه مؤمن است ؛ زیرا در [حال] او می نگرد. در نتیجه ، نیازش را برطرف می کند و حالش را سامان می بخشد .

امام علی علیه السلام : در حقیقت ، دوست از آن رو صَدیق (راستگو) نامیده شده است که درباره تو و عیب هایت ، به تو راست می گوید . پس هرکه چنین باشد ، به او اعتماد کن ، که او ، دوست راستین است .

امام علی علیه السلام : میوه برادری ، به نیکی یاد کردن در غیاب و هدیه کردن عیب ها [در حضور] است .

امام علی علیه السلام : هرکه عیبت را برایت روشن کند ، دوست توست .

امام علی علیه السلام : هرکه نیکخواهی نکند ، دوستی را خالص نساخته است .

امام علی علیه السلام : هرکه تو را دوست بدارد ، [از بدی]بازمی داردت و هرکه تو را دشمن بدارد ، برمی انگیزدت .

امام صادق علیه السلام : محبوب ترینِ برادرانم در نظر من ، کسی است که عیب هایم را به من هدیه کند .

ر . ک : ص 195 (صادق ترین برادران) .

.

ل الدُّعاءُ بِظَهرِ الغَيبِ الإمام زين العابدين عليه السلام : إنَّ المَلائِكَةَ إذا سَمِعُوا المُؤمِنَ يَدعو لِأَخيهِ المُؤمِنِ بِظَهرِ الغَيبِ أو يَذكُرُهُ بِخَيرٍ قالوا : نِعمَ الأَخُ أنتَ لِأَخيكَ ، تَدعو لَهُ بِالخَيرِ وهُوَ غائِبٌ عَنكَ ، وتَذكُرُهُ بِخَيرٍ ، قَد أعطاكَ اللّهُ عز و جل مِثلَى ما سَأَلتَ لَهُ ، وأثنى عَلَيكَ مِثلَى ما أثنَيتَ عَلَيهِ ، ولَكَ الفَضلُ عَلَيهِ . وإذا سَمِعوهُ يَذكُرُ أخاهُ بِسوءٍ ويَدعو عَلَيهِ قالوا لَهُ : بِئسَ الأَخُ أنتَ لِأَخيكَ ، كُفَّ أيُّهَا المَستَتِرُ عَلى ذُنوبِهِ وعَورَتِهِ ، وَاربَع عَلى نَفسِكَ ، وَاحمَدِ اللّهَ الَّذى سَتَرَ عَلَيكَ ، وَاعلَم أنَّ اللّهَ عز و جلأعلَمُ بِعَبدِهِ مِنكَ . (1)

الكافى عن إبراهيم بن هاشم : رَأَيتُ عَبدَاللّهِ بنَ جُندَبٍ فِى المَوقِفِ ، فَلَم أرَ مَوقِفا كانَ أحسَنَ مِن مَوقِفِهِ؛ ما زالَ مادّا يَدَيهِ إلَى السَّماءِ ودُموعُهُ تَسيلُ عَلى خَدَّيهِ حَتّى تَبلُغَ الأَرضَ، فَلَمّا صَدَرَ النّاسُ قُلتُ لَهُ: يا أبا مُحَمَّدٍ، ما رَأَيتُ مَوقِفا قَطُّ أحسَنَ مِن مَوقِفِكَ . قالَ : وَاللّهِ ما دَعَوتُ إلاّ لِإِخوانى ؛ وذلِكَ أنَّ أبَا الحَسَنِ موسى عليه السلامأخبَرَنى أنَّ مَن دَعا لِأَخيهِ بِظَهرِ الغَيبِ نودِىَ مِنَ العَرشِ: «ولَكَ مِائَةُ ألفِ ضِعفٍ»، فَكَرِهتُ أن أدَعَ مِائَةَ ألفٍ مَضمونَةً لِواحِدَةٍ لا أدرى تُستَجابُ أم لا . (2)

م النَّهىُ عَنِ المُنكَرِ الإمام الصادق عليه السلام : مَن رَأى أخاهُ عَلى أمرٍ يَكرَهُهُ فَلَم يَرُدَّهُ عَنهُ وهُوَ يَقدِر عَلَيهِ فَقَد خانَهُ . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 508 / 7 عن ثوير وراجع بحار الأنوار : 93 / 387 392 .
2- .الكافى : 2 / 508 / 6 ، تهذيب الأحكام : 5 / 184 / 615 ، الأمالى للصدوق : 540 / 723 ، فلاح السائل : 44 ، روضه الواعظين : 359 ، بحار الأنوار : 93 / 384 / 8 .
3- .الأمالى للصدوق : 343 / 409 عن عبد الرحمن بن الحجّاج ، روضه الواعظين : 320 ، مشكاه الأنوار : 77 ، بحار الأنوار : 75 / 65 / 2 .

ل دعا در غیاب دوست

م نهی از منکر

ل دعا در غیاب دوست امام سجاد علیه السلام : هرگاه ملائکه بشنوند که مؤمنی در غیاب برادر مؤمنش برای او دعا می نماید و یا به نیکی از او یاد می کند ، می گویند : «تو برای برادرت ، نیک برادری هستی . در حالی که غایب است ، برایش دعا می نمایی و از او به نیکی یاد می کنی . خداوند عز و جل ، به تو دو برابر آنچه را برای او درخواست کرده ای ، عطا کرد و دو برابر آنچه او را ستوده ای ، تو را ستود و تو را بر او برتری است» . امّا هرگاه بشنوند که مؤمنی از برادرش به بدی یاد می کند و یا او را نفرین می نماید ، به او می گویند : «تو برای برادرت ، بد برادری هستی . ای آن که گناهانش و زشتی اش را پوشانده اند ! باز ایست و به خودت رحم کن و خدا را که [گناهانت را]برایت پوشانده است ، سپاس گوی و بدان که خداوند عز و جل ، از تو به بنده اش آگاه تر است» .

الکافی به نقل از ابراهیم بن هاشم : عبداللّه بن جُندَب را [در روز عَرَفه] در «توقّفگاه [عرفات]» دیدم . ایستادنی به این زیبایی ندیده بودم : یکسره دستانش را به سوی آسمان برکشیده بود و اشک هایش بر گونه هایش سرازیر می شد و به زمین می رسید . چون مردم به راه افتادند ، به او گفتم : «ای ابامحمّد ! ایستادنی به زیبایی ایستادن تو ندیده بودم» . پاسخ داد : «به خدا سوگند ، جز برای برادرانم دعا نمی کردم ؛ چون امام کاظم علیه السلاممرا آگاه ساخت که هر که در غیابِ برادرش برای او دعا کند ، از عرش ، او را ندا می دهند : برای تو صد هزار برابر آن است . لذا ناخوش داشتم که صد هزار دعای مستجاب را برای یک دعا که نمی دانم مستجاب می شود یا نه ، واگذارم» .

م نهی از منکر امام صادق علیه السلام : هرکه برادرش را در کاری ناپسند ببیند و بتواند او را از آن بازدارد و این کار را نکند ، به او خیانت کرده است .

.

ن الصَّفحُ عَنِ الزَّلاّتِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى ذِكرِ صِفاتِ المُؤمِنِ : لَطيفٌ (يَعطِفُ خ) عَلى أخيهِ بِزَلَّتِهِ ، ويَرعى ما مَضى مِن قَديمِ صُحبَتِهِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : عَلَيكَ بِمُداراهِ النّاسِ ، وإكرامِ العُلَماءِ ، وَالصَّفحِ عَن زَلاّتِ الإخوانِ ؛ فَقَد أدَّبَكَ سَيِّدُ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ بِقَولِهِ صلى الله عليه و آله : اُعفُ عَمَّن ظَلَمَكَ ، وصِل مَن قَطَعَكَ ، وأعطِ مَن حَرَمَكَ . (2)

عنه عليه السلام : اِحتَمِل زَلَّةَ وَلِيِّكَ لِوَقتِ وَثبَةِ عَدُوِّكَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : اِلتَمِسوا لاِءِخوانِكُمُ العُذرَ فى زَلاّتِهِم وهَفَواتِ تَقصيراتِهِم ، فَإن لَم تَجِدوا لَهُمُ العُذرَ فى ذلِكَ فَاعتَقِدوا أنَّ ذَلِكَ عَنكُم ؛ لِقُصورِكُم عَن مَعرِفَهِ وُجوهِ العُذرِ . (4)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الحسين كاتب أبى الفيّاض : حَضَرنا مَجلِسَ عَلِيِّ بنِ موسى عليه السلام ، فَشَكا رَجُلٌ أخاهُ ، فَأنشَأ يَقولُ : اِعذِر أخاكَ عَلى ذُنوبِهوَاستُر وغَطِّ عَلى عُيوبِه وَاصبِر عَلى بَهتِ السَّفيهولِلزَّمانِ عَلى خُطوبِه ودَعِ الجَوابَ تَفَضُّلاًوكِلِ الظَّلومَ إلى حَسيبِه (5)

.

1- .التمحيص : 75 / 171 ، بحار الأنوار : 67 / 311 / 45 .
2- .تذكره الخواصّ : 136 ؛ بحار الأنوار : 78 / 71 / 34 .
3- .الإرشاد : 1 / 299 ، كنز الفوائد : 1 / 93 ، بحار الأنوار : 77 / 419 / 40 .
4- .تنبيه الخواطر : 2 / 250 ، مستدرک الوسائل : 9 / 57 / 10193 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 176 / 4 ، بشاره المصطفى : 78 عن إبراهيم بن هاشم ، إعلام الورى : 318 وفيه من «شكا رجل . . . إلخ» ، بحار الأنوار : 49 / 110 / 5 .

ن گذشت کردن از لغزش ها

ر . ک : ص 191 (بهترین برادران)؛ ص 305 (نیکخواهی)؛ ص 317 (هدیه کردن عیب ها) .

ن گذشت کردن از لغزش ها رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام یادکرد صفات مؤمنان : نسبت به لغزش برادرش ، مهربان و آسانگیر است و [حقّ]دوستی دیرین را رعایت می کند .

امام علی علیه السلام : بر تو باد مردمداری ، گرامی داشتن عالمان و گذشت کردن از لغزش های برادران ، که سرورِ اوّلین و آخرین صلی الله علیه و آله ، تو را با این سخن ، ادب آموخته است : «از آن که به تو ستم می کند ، بگذر ؛ با آن که از تو می گسلد ، بپیوند ؛ و به آن که تو را [از عطای خود] محروم می کند ، ببخش» .

امام علی علیه السلام : لغزش دوستت را برای هنگام یورش دشمنت ، تحمّل کن .

امام صادق علیه السلام : برای لغزش ها و تقصیرهای پیش آمده برادرانتان ، عذری (توجیهی) بیابید . اگر هم برای آن عذری نیافتید ، باور کنید که این مسئله ، بر اثر ناآگاهی شما نسبت به گونه های عذر است .

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از حسین (کاتب ابو فیاض) : در مجلس امام رضا علیه السلامبودیم که مردی از برادرش شکایت کرد . حضرت [در پاسخ]این اشعار را برخواند: برادرت را در گناهانش معذور دار/ و عیب هایش را بپوشان در برابر دروغ زنی و تهمت زدن بی خرد/ و گرفتاری های روزگار ، شکیبا باش و از سرِ بزرگواری ، پاسخ مده/ و ستمکار را به حسابرس او واگذار کن .

.

س التَّفَقُّدُ عِندَ الغَيبَهِ مكارم الأخلاق عن أنس : كَانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا فَقَدَ الرَّجُلَ مِن إخوانِهِ ثَلاثَهَ أيّامٍ سَأَلَ عَنهُ ، فَإِن كانَ غائِبا دَعا لَهُ ، وإن كانَ شاهِدا زارَهُ ، وإن كانَ مَريضا عادَهُ . (1)

الأمالى للطوسى عن المفضّل بن عمر الجعفى : دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام ، فَقالَ لى : مَن صَحِبَکَ ؟ فَقُلتُ لَهُ : رَجُلٌ مِن إخوانى . قالَ : فَما فَعَلَ ؟ فَقُلتُ : مُنذُ دَخَلتُ لَم أعرِف مَكانَهُ . فَقالَ لى : أما عَلِمتَ أنَّ مَن صَحِبَ مُؤمِنا أربَعينَ خُطوَهً سَأَلَهُ اللّهُ عَنهُ يَومَ القِيامَهِ ؟! (2)

8 / 3جَوامِعُ حُقوقِ الإِخوانِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ ؛ يَكُفُّ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ ، ويَحوطُهُ مِن وَرائِهِ . (3)

.

1- .مكارم الأخلاق : 1 / 55 / 34 ، بحار الأنوار : 16 / 233 / 35 .
2- .الأمالى للطوسى : 413 / 927 .
3- .سنن أبى داود : 4 / 280 / 4918 ، الأدب المفرد : 81 / 239 نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : 1 / 141 / 673 ؛ بحار الأنوار : 1 / 151 وليس فيه «ويحوطه من ورائه» .

س جویا شدن حال کسی در غیابش

8 / 3 کلیات حقوق برادران

س جویا شدن حال کسی در غیابش مکارم الأخلاق به نقل از اَنَس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهرگاه یکی از برادران خود را سه روز نمی دید ، جویای حالش می شد . اگر جایی رفته بود ، برایش دعا می کرد . اگر در شهر بود ، به دیدارش می رفت و اگر بیمار بود ، عیادتش می کرد .

الأمالی طوسی به نقل از مُفضَّل بن عمر جُعفی : نزد امام صادق علیه السلام[در مدینه] رفتم . ایشان پرسید : «در راه ، چه کسی مصاحب تو بود ؟». گفتم : مردی از برادرانم . پرسید : «اینک چه می کند ؟» . گفتم : از زمانی که داخل [مدینه] شده ام ، از جای او خبری ندارم . حضرت به من فرمود : «مگر نمی دانی که هرکس با مؤمنی چهل گام همراهی کند ، خداوند ، روز قیامت ، از او درباره آن مؤمن ، پرسش خواهد کرد ؟».

8 / 3کلیات حقوق برادران رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، برادرِ مؤمن است ؛ نیازش را برطرف می سازد و در نبودش [در اندیشه اوست و]او را محافظت می کند .

.

الإمام علىّ عليه السلام : تُبتَنَى الاُخُوَّةُ فِي اللّهِ عَلَى التَّناصُحِ فِى اللّهِ ، وَالتَّبادُلِ فِى اللّهِ ، وَالتَّعاوُنِ عَلى طاعَةِ اللّهِ ، وَالتَّناهى عَن مَعاصِى اللّهِ ، وَالتَّناصُرِ فِياللّهِ ، وإخلاصِ المَحَبَّةِ . (1)

عنه عليه السلام : إذَا اتَّخَذَکَ وَلِيُّکَ أخا فَکُن لَهُ عَبدا ، وَامنَحهُ صِدقَ الوَفاءِ ، وحُسنَ الصَّفاءِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام : أمّا حَقُّ الخَليطِ فَأَن لا تَغُرَّهُ ، ولا تَغُشَّهُ ، ولا تُكَذِّبَهُ ، ولا تُغَفِّلَهُ ، ولا تَخدَعَهُ ، ولا تَعمَلَ فِى انتِقاضِهِ عَمَلَ العَدُوِّ الَّذى لا يَبقى عَلى صاحِبِهِ ، وإن اطمَأَنَّ إلَيکَ استَقصَيتَ لَهُ عَلى نَفسِکَ ، وعَلِمتَ أنَّ غَبنَ المُستَرسِلِ رِبا . (3)

عنه عليه السلام : أمّا حَقُّ الصّاحِبِ فَأَن تَصحَبَهُ بِالفَضلِ ما وَجَدتَ إلَيهِ سَبيلاً ، وإلاّ فَلا أقَلَّ مِنَ الإنصافِ . وأن تُكرِمَهُ كَما يُكرِمُکَ ، وتَحفَظَهُ كَما يَحفَظُکَ . ولا يَسبِقَکَ فيما بَينَکَ وبَينَهُ إلى مَكرُمَةٍ ، فَإِن سَبَقَکَ كافَأتَهُ . ولا تُقَصِّرَ بِهِ عَمّا يَستَحِقُّ مِنَ المَوَدَّةِ . تُلزِمُ نَفسَکَ نَصيحَتَهُ ، وحِياطَتَهُ ، ومُعاضَدَتَهُ عَلى طاعَةِ رَبِّهِ ، ومَعونَتِهِ عَلى نَفسِهِ فيما لا يَهُمُّ بِهِ مِن مَعصِيَةِ رَبِّهِ . ثُمَّ تَكونُ (عَلَيهِ) رَحمَةً ، ولا تَكونُ عَلَيهِ عَذابا . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : حَقُّ المُسلِمِ عَلَى المُسلِمِ أن لا يَشبَعَ ويَجوعُ أخوهُ ، ولا يَروى ويَعطَشُ أخوهُ ، ولا يَكتَسِىَ ويَعرى أخوهُ . فَما أعظَمَ حَقَّ المُسلِمَ عَلى أخيهِ المُسلِمِ ! أحِبَّ لِأَخيکَ المُسلِمِ ما تُحِبُّ لِنَفسِکَ . وإذَا احتَجتَ فَسَلهُ ، وإن سَأَلَکَ فَأَعطِهِ ، لا تُملِهِ خَيرا ولا يُملِهِ لَکَ . كُن لَهُ ظَهرا ؛ فَإِنَّهُ لَکَ ظَهرٌ . إذا غابَ فَاحفَظهُ فى غَيبَتِهِ ، وإذا شَهِدَ فَزُرهُ وأجِلَّهُ وأكرِمهُ ؛ فَإِنَّهُ مِنکَ وأنتَ مِنهُ . فَإِن كانَ عَلَيکَ عاتِبا فَلا تُفارِقهُ حَتّى تَسأَلَ سَميحَتَهُ . وإن أصابَهُ خَيرٌ فَاحمَدِ اللّهَ ، وإنِ ابتُلِىَ فَاعضُدهُ ، وإن تُمُحِّلَ لَهُ فَأَعِنهُ . (5)

.

1- .غرر الحكم : 4532 .
2- .غرر الحكم : 4141 .
3- .تحف العقول : 268 / 36 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 624 / 3214 عن ثابت بن دينار ، الخصال : 569 / 1 عن أبى حمزه الثمالى

وفيهما «وتتّقى اللّه تبارک وتعالى فى أمره» .
4- .تحف العقول : 266 / 32 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 623 / 3214 عن ثابت بن دينار ، الخصال : 569 / 1 عن أبى حمزه الثمالى وكلاهما نحوه .
5- .الكافى : 2/170 / 5 ، المؤمن : 42 / 95 ، الأمالى للصدوق : 401 / 519 عن عبداللّه بن مسكان عن الإمام الباقر عليه السلام، الاختصاص : 27 ، مشكاه الأنوار : 104 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 243/43.

امام علی علیه السلام : برادری در راه خدا ، بر اساس نیکخواهی برای یکدیگر در راه خدا ، بخشش به یکدیگر در راه خدا ، کمک به یکدیگر برای فرمانبری از خدا ، بازداشتن یکدیگر از نافرمانی خدا ، یاری رساندن به یکدیگر در راه خدا و خالص کردن دوستی ، بنیاد نهاده می شود .

امام علی علیه السلام : هرگاه دوستت تو را به برادری گرفت ، برایش [چون] بنده باش و وفاداریِ صادقانه و صفای نیکو را نثارش کن .

امام سجاد علیه السلام : امّا حقّ دوست آمیزگار ، آن است که او را فریفته اش نکنی ، به او نیرنگ نزنی ، او را تکذیب نکنی ، او را غافل نسازی ، او را نفریبی و همچون دشمن که بر ضدّ رقیب خود می کوشد ، بر ضدّش نکوشی و اگر به تو اعتماد کرد ، هرچه می توانی برایش انجام دهی و بدانی که فریفتن آن که به شخص اعتماد کرده است ، [گناهش مانند]ربا خواری است .

امام سجاد علیه السلام : امّا حقّ هم صحبت ، آن است که هرچه می توانی به او خوبی کنی ، وگرنه ، دست کم ، انصاف را مراعات کنی و همان گونه که تو را گرامی می دارد ، گرامی اش بداری و آن گونه که تو را حفظ می کند ، حفظش کنی، و در هیچ کَرَمی بر تو پیش دستی نکند و اگر چنین کرد ، آن را جبران کنی و در برآوردن حقّ دوستی او کوتاهی نکنی . بر خود ، لازم بدانی که نیکخواه و حامی و پشتیبان او در فرمانبری پروردگارش باشی و او را در آنچه به نافرمانیِ پروردگارش نمی انجامد ، یاری دهی و برای او مایه رحمت باشی ، نه مایه رنج .

الکافی به نقل از ابراهیم بن عمر یمانی، از امام صادق علیه السلام : «حقّ مسلمان بر مسلمان ، آن است که خود ، سیر نباشد و برادرش گرسنه ؛ خود ، سیراب نباشد و برادرش تشنه ، و خود ، پوشیده نباشد و برادرش برهنه . چه قدر حقّ مسلمان بر برادر مسلمانش بزرگ است!» . نیز حضرت فرمود : «آنچه را برای خود دوست داری ، برای برادرِ مسلمانت دوست بدار . هرگاه نیازمند شدی ، از او درخواست کن و اگر از تو چیزی درخواست کرد ، به او ببخش . در نیکی به او تأخیر مکن و او نیز تأخیر میندازد . پشتیبان او باش که او پشتیبان توست . هرگاه غایب گشت ، او را در غیابش حفظ کن و هرگاه حضور یافت ، به دیدارش شتاب . بزرگش شمار و گرامی اش دار که او از توست و تو از اویی . اگر تو را توبیخ کرد ،

تا از او عذرِ تقصیر نخواسته ای ، از او جدا نشو . اگر خیری به او رسید ، خدا را سپاسْ گوی و اگر مبتلا شد ، حمایتش کن و اگر برایش دامی چیده شد ، او را یاری ده» .

.

الإمام الصادق عليه السلام : لا تَكونُ الصَّداقَةُ إلاّ بِحُدودِها ، فَمَن كانَت فيهِ هذِهِ الحُدودُ أو شَىءٌ مِنها فَانسِبهُ إلَى الصَّداقَهِ ، ومَن لَم يَكُن فيهِ شَىءٌ مِنها فَلا تَنسِبهُ إلى شَىءٍ مِنَ الصَّداقَهِ ؛ فَأَوَّلُها : أن تَكونَ سَريرَتُهُ وعَلانِيَتُهُ لَكَ واحِدَةً . وَالثّانى : أن يَرى زَينَكَ زَينَهُ ، وشَينَكَ شَينَهُ . وَالثّالِثَهُ : أن لا تُغَيِّرَهُ عَلَيكَ وِلايَهٌ ولا مالٌ . وَالرّابِعَهُ : أن لا يَمنَعَكَ شَيئا تَنالُهُ مَقدُرَتُهُ . وَالخامِسَهُ وهِىَ تَجمَعُ هذِهِ الخِصالَ : أن لا يُسَلِّمَكَ عِندَ النَّكَباتِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : لا تَطعَنوا فى عُيوبِ مَن أقبَلَ إلَيكُم بِمَوَدَّتِهِ ، ولا توقِفوهُ عَلى سَيِّئَهٍ يَخضَعُ لَها ؛ فَإِنَّها لَيسَت مِن أخلاقِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهومِن أخلاقِ أولِيائِهِ . (2)

.

1- .الكافى : 2 / 639 / 6 عن عبيداللّه الحلبى ، الخصال : 277 / 19 ، الأمالى للصدوق : 767 / 1033 كلاهما عن يزيد بن خالد (مخلد) النيسابورى ، تحف العقول : 366 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 173 / 1 .
2- .تنبيه الخواطر : 2 / 146 .

امام صادق علیه السلام : دوستی ، جز با صفات و حدود آن ، راست نمی آید و هرکه همه یا بخشی از آنها در او بود ، عنوان دوست بر او بنه و اگر هیچ یک از آنها در او نبود ، هرگز عنوان دوست بر او منه . نخستین حدّ دوستی ، آن است که آشکار و نهانِ دوست ، برایت یکی باشد . دومْ آن که زیورِ تو را زیور خود و نقص تو را نقصِ خود بداند . سومْ آن که مال و مقام ، دوستی او را نسبت به تو تغییر ندهد . چهارمْ آن که آنچه را در اختیار دارد ، از تو باز ندارد . پنجم که عصاره همه این صفات است ، آن که تو را در گرفتاری ها رها نکند .

امام صادق علیه السلام : بر عیب های آن که به دوستی شما روی آورده است ، طعنه مزنید و او را به سبب کار زشتی که از او سر می زند ، از دوستی خود ، باز مدارید ، که این کار ، از اخلاق پیامبر خدا و دوستانش نیست .

ر . ک : ص 231 (کلّیات آداب معاشرت) .

.

الفصل التاسع : آثار المحبّه9 / 1عَلاماتُ صِدقِ المَوَدَّهِأ شَهادَهُ القَلبِ الإمام علىّ عليه السلام : سَلُوا القُلوبَ عَنِ المَوَدّاتِ ؛ فَإِنَّها شَواهِدُ لا تَقبَلُ الرُّشا . (1)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : إذا شَكَكتَ فى مَوَدَّهِ إنسانٍ فَاسأل قَلبَکَ عَنهُ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : اِعرِفِ المَوَدَّهَ فى قَلبِ أخيکَ بِما لَهُ فى قَلبِکَ . (3)

الكافى عن صالح بن الحكم : سَمِعتُ رَجُلاً يَسأَلُ أبا عَبدِاللّه ِ عليه السلام ، فَقالَ : الرَّجُلُ يَقولُ أوَدُّکَ ، فَكَيفَ أعلَمُ أنَّهُ يَوَدُّنى ؟ فَقالَ : اِمتَحِن قَلبَکَ ، فَإِن كُنتَ تَوَدُّهُ فَإِنَّهُ يَوَدُّکَ . (4)

.

1- .غرر الحكم : 5641 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 332 / 805 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 323 / 701 .
3- .تحف العقول : 295 ، كشف الغمّه : 2 / 331 ، بحار الأنوار : 46 / 291 / 15 ؛ الإخوان : 146 / 80 ، حليه الأولياء : 3 / 187 كلاهما عن القاسم بن الفضل .
4- .الكافى : 2/652/2 ، المحاسن : 1 / 415 / 954 ، مشكاه الأنوار : 122 من دون إسناد إلى الراوى ، بحارالأنوار : 74 / 182 / 4 .

فصل نهم : آثار دوستی

9 / 1 نشانه های دوستی راستین

الف گواهیِ دل

فصل نهم : آثار دوستی9 / 1نشانه های دوستی راستینالف گواهیِ دل امام علی علیه السلام : از دل ها درباره دوستی ها بپرسید ، که گواهانی رشوه ناپذیرند .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هرگاه درباره دوستی کسی شک کردی ، از دل خود درباره او بپرس .

امام باقر علیه السلام : میزانِ دوستی [خود] را در دل برادرت ، از دوستی ای که در دلت نسبت به او داری ، بشناس .

الکافی به نقل از صالح بن حَکَم : شنیدم مردی از امام صادق علیه السلاممی پرسید : کسی می گوید که دوستت دارم . من از کجا بدانم که [واقعا]دوستم دارد ؟ امام پاسخ داد : «دلت را بیازمای . اگر دوستش داشتی ، او نیز تو را دوست دارد» .

.

الإمام الصادق عليه السلام : اُنظُر قَلبَکَ ، فَإِذا أنکَرَ صاحِبَکَ فَإِنَّ أحَدَکُما قَد أحدَثَ . (1)

الکافی عن مسعده بن الیسع : قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّه ِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام : إنّی وَاللّه ِ لاُحِبُّکَ ، فَأطرَقَ ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ . فَقالَ : صَدَقتَ یا أبا بِشرٍ ، سَل قَلبَکَ عَمّا لَکَ فی قَلبی مِن حُبِّکَ ، فَقَد أعلَمَنی قَلبی عَمّا لی فی قَلبِکَ . (2)

المحاسن عن عبیداللّه بن إسحاق المدائنیّ : قُلتُ لِأَبِی الحَسَنِ موسَی بنِ جَعفَرٍ علیهماالسلام : إنَّ الرَّجُلَ مِن عُرضِ النّاسِ یَلقانی ، فَیَحلِفُ بِاللّه ِ أنَّهُ یُحِبُّنی ، أفَأحلِفُ بِاللّه ِ أنَّهُ لَصادِقٌ ؟ فَقالَ : اِمتَحِن قَلبَکَ ، فَإِن کُنتَ تُحِبُّهُ فَاحلِف وإلاّ فَلا . (3)

عیون أخبار الرضا علیه السلام عن الحسن بن الجهم : سَأَلتُ الرِّضا علیه السلام فَقُلتُ لَهُ : ... جُعِلتُ فِداکَ ، أشتَهی أن أعلَمَ کَیفَ أنَا عِندَکَ ؟ قالَ : اُنظُر کَیفَ أنَا عِندَکَ . (4)

.

1- .الکافی : 2 / 652 / 1 عن العلاء بن الفضیل وحمّاد بن عثمان و ص 653 / 5 عن جرّاح المدائنی ، الأمالی للمفید : 11 / 9 عن ربعی بن عبداللّه والفضیل بن یسار ، الاُصول الستّه عشر (أصل جعفر بن محمّدالحضرمی) : 70 عن جابر، مشکاه الأنوار: 105 عن الفضل بن سنان، بحار الأنوار: 74/182/6 .
2- .الکافی : 2 / 652 / 3 .
3- .المحاسن: 1/416/955، مشکاه الأنوار: 122 من دون إسناد إلی الراوی، بحار الأنوار: 74/182/5.
4- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : 2 / 50 / 192 ، الأمالی للصدوق: 312/360 ، تنبیه الخواطر : 2/165، روضه الواعظین : 418 ، إرشاد القلوب : 135 وفیه «اُحبّ أن أعرف» بدل «أشتهی أن أعلم» ، بحار الأنوار : 70 / 54 / 20 .

امام صادق علیه السلام : به دل خود بنگر . هرگاه دوستت را ناپسند داشت ، بی گمان ، یکی از شما [زمینه دشمنی را]پدید آورده است .

الکافی به نقل از مَسعَده بن الیَسَع : به امام صادق علیه السلام گفتم : به خدا سوگند ، دوستت دارم . حضرت ، اندکی سر به زیر انداخت . سپس سرش را برداشت و فرمود : «ای ابو بُشر ! راست می گویی. از دلت درباره جایگاه دوستی ات در دلم بپرس که دلم ، از جایگاه دوستی ام در دلت باخبرم ساخت» .

المحاسن به نقل از عبیداللّه بن اسحاق مدائنی : به امام موسی کاظم علیه السلامگفتم : یکی از عامّه مردم ، مرا می بیند و به خدا سوگند می خورد که مرا دوست دارد . آیا من نیز به خدا سوگند بخورم که او راست می گوید ؟ حضرت فرمود : «دلت را بیازمای . اگر دوستش داشتی ، پس سوگند بخور ، وگرنه ، نه» .

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از حسن بن جَهْم : از امام رضا علیه السلام پرسیدم : فدایت گردم ! خوش دارم بدانم که نزدت چه جایگاهی دارم حضرت فرمود : «نگاه کن که من چه جایگاهی نزدت دارم [که جایگاه تو در نزد من نیز مانند آن است]» .

.

الكافى عن الحسن بن الجهم : قُلتُ لِأَبِى الحَسَنِ عليه السلام : لا تَنسَنى مِنَ الدُّعاءِ . قالَ : (أ)وَتَعلَمُ أنّى أنساكَ ؟ فَتَفَكَّرتُ فى نَفسى وقُلتُ : هُوَ يَدعو لِشيعَتِهِ وأنَا مِن شيعَتِهِ ، قُلتُ : لا ، لا تَنسانى . قالَ : وكَيفَ عَلِمتَ ذلِكَ ؟ قُلتُ : إنّى مِن شيعَتِكَ ، وإنَّكَ لَتَدعو لَهُم . فَقالَ : هَل عَلِمتَ بِشَىءٍ غَيرِ هذا ؟ قُلتُ : لا . قالَ : إذا أرَدتَ أن تَعلَمَ ما لَكَ عِندى فَانظُر (إلى) ما لى عِندَكَ . (1)

الإمام الهادى عليه السلام لِلمُتَوَكِّلِ : لا تَطلُبِ الصَّفاءَ مِمَّن كَدَرتَ عَلَيهِ ، ولاَ الوَفاءَ مِمَّن غَدَرتَ بِهِ ، ولاَ النُّصحَ مِمَّن صَرَفتَ سوءَ ظَنِّكَ إلَيهِ ؛ فَإِنَّما قَلبُ غَيرِكَ (لَكَ) كَقَلبِكَ لَهُ . (2)

ب المُواساةُ فِى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ الإمام علىّ عليه السلام : أصدَقُ الإِخوانِ مَوَدَّةً أفضَلُهُم لِإِخوانِهِ فِى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ مُواساةً . (3)

عنه عليه السلام : فِى الضّيقِ وَالشِّدَّةِ يَظهَرُ حُسنُ المَوَدَّةِ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 652 / 4 .
2- .أعلام الدين : 312 ، الدرّه الباهره «طبعه النجف» : 42 ، بحار الأنوار : 74 / 181 .
3- .غرر الحكم : 3238 ، راجع : ص 312 (المحبّه / الحقوق المواساه) .
4- .غرر الحكم : 6511 .

ب همدردی در خوشی و ناخوشی

الکافی به نقل از حسن بن جَهْم : به امام رضا علیه السلامگفتم : مرا از دعا فراموش مکن . حضرت فرمود : «گمان می کنی که من فراموشت می کنم ؟». اندکی در خودم اندیشیدم و با خود گفتم : او برای شیعیانش دعا می کند و من نیز از شیعیانش هستم . آن گاه گفتم : نه ، فراموشم نمی کنی . فرمود : «از کجا فهمیدی ؟» . گفتم : من از شیعیانت هستم و تو برایشان دعا می کنی . فرمود : «آیا متوجّه چیز دیگری جز این شدی ؟». گفتم : نه . فرمود : «هرگاه خواستی بدانی که نزد من چه جایگاهی داری ، ببین من نزدت چه جایگاهی دارم» .

امام هادی علیه السلام به متوکّل عبّاسی : صفای دوستی را از آن که دوستی اش را برآشفتی ، مخواه . وفاداری از آن که به او نیرنگ زدی ، مطلب ، و خیرخواهی را از آن که بدگمانی ات را متوجّه او کردی ، مجو ؛ چرا که دل دیگری نسبت به تو ، همچون دل تو نسبت به اوست .

ر . ک : ص 89 (سازگاری جان ها)؛ ص 601 (معیارِ جایگاه بنده در نزد خدا) .

ب همدردی در خوشی و ناخوشی امام علی علیه السلام : راست ترینِ برادران در دوستی ، کسانی هستند که در خوشی و ناخوشی با برادرانِ خود [با جان و مال خویش] ، بیشتر همدردی می کنند .

امام علی علیه السلام : در تنگنا و سختی ، دوستی راستین ، آشکار می شود .

.

المعجم الكبير عن الحارث : إنَّ عَلِيّا عليه السلام سَأَلَ ابنَهُ الحَسَنَ بنَ عَلىٍّ عليه السلامعَن أشياءَ مِن أمرِ المُروءَهِ ... قالَ : فَمَا الإِخاءُ ؟ قالَ : المُواساهُ فِى الشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام لَمّا سُئلَ عَنِ الإِخاءِ : الإِخاءُ فِى الشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ . (2)

ج ذِكرُ المَحبوبِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّ شَيئا أكثَرَ ذِكرَهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : مَن أحَبَّ شَيئا لَهِجَ بِذِكرِهِ . (4)

د تَركُ التَّمَلُّقِ الإمام علىّ عليه السلام : إنَّما يُحِبُّکَ مَن لا يَتَمَلَّقُکَ ، ويُثنى عَلَيکَ مَن لا يُسمِعُکَ . (5)

9 / 2دَورُ المَحَبَّهِ فى مَصيرِ الإِنسانِأ حَشرُ النّاسِ مَعَ مَحبوبِهِم رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّ قَوما حُشِرَ مَعَهُم . (6)

.

1- .المعجم الكبير : 3 / 68 / 2688 ، حليه الأولياء : 2 / 35 ، تاريخ دمشق : 13 / 255 ، البدايه والنهايه : 8 / 39 وفيهما «الوفاء» بدل «المواساه» .
2- .تحف العقول : 225 ، بحار الأنوار : 78 / 103 / 2 .
3- .كنز العمّال : 1 / 425 / 1829 نقلاً عن الفردوس ، إتحاف الساده : 5 / 20 ، كشف الخفاء : 2 / 222 / 2352 كلاهما نقلاً عن أبى نعيم والديلمى وكلّها عن عائشه .
4- .غرر الحكم : 7851 .
5- .غرر الحكم : 3875 .
6- .المستدرک على الصحيحين : 3 / 20 / 4294 ، المعجم الكبير : 3 / 19 / 2519 عن أبى قرصافه نحوه ، كنزالعمّال : 9 / 21 / 24730 نقلاً عن الخطيب عن جابر ؛ بشاره المصطفى : 75 عن جابر ، غرر الحكم : 2703 ، بحار الأنوار : 68 / 131 / 62 .

ص: 337

ج یاد کردِ محبوب

د چاپلوسی نکردن

9 / 2 نقش دوستی در سرنوشت انسان

الف گردآمدن مردم با محبوبشان

المعجم الکبیر به نقل از حارث : علی علیه السلام از فرزندش حسن بن علی علیه السلامپرسش هایی درباره مردانگی کرد . [از جمله]پرسید : «برادری چیست ؟» فرمود : «همدردی [با دوستان] در سختی و آسایش» .

امام حسن علیه السلام هنگامی که از ایشان سؤال شد که [حقیقتِ]دوستی و برادری چیست ؟ : همدردی کردن ، چه در سختی و چه در آسایش .

ج یاد کردِ محبوبِ رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس چیزی را دوست بدارد ، از آن ، بسیار یاد می کند .

امام علی علیه السلام : هرکس چیزی را دوست بدارد ، شیفته یادکردش می شود .

د چاپلوسی نکردن امام علی علیه السلام : در حقیقت ، کسی تو را دوست دارد که برایت چاپلوسی نکند و کسی تو را می ستاید که [ستایش خود را] به گوش تو نرساند .

9 / 2نقش دوستی در سرنوشت انسانالف گردآمدن مردم با محبوبشان رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس مردمی را دوست بدارد ، [در روز قیامت] با آنان گرد خواهد آمد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّ قَوما عَلى أعمالِهِم حُشِرَ يَومَ القِيامَهِ فى زُمرَتِهِم ، فَحوسِبَ بِحِسابِهِم وإن لَم يَعمَل أعمالَهُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : العَبدُ عِندَ ظَنِّهِ بِاللّهِ عز و جل ، وهُوَ مَعَ أحبابِهِ يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : يَابنَ مَسعودٍ ، أحِبَّ الصّالِحينَ ؛ فَإِنَّ المَرءَ مَعَ مَن أحَبَّ ، فَإِن لَم تَقدِر عَلى أعمالِ البِرِّ فَأحِبَّ العُلَماءَ ، فَإِنَّهُ يَقولُ : «وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلَئکَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصَّلِحِينَ وَحَسُنَ أُوْلَئکَ رَفِيقًا » (3) . (4)

صحيح البخارى عن عبداللّه بن مسعود : جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، كَيفَ تَقولُ فى رَجُلٍ أحَبَّ قَوما ولَم يَلحَق بِهِم ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : المَرءُ مَعَ مَن أحَبَّ . (5)

مسند ابن حنبل عن ثابت البنانىّ عن أنس : جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، الرَّجُلُ يُحِبُّ الرَّجُلَ ولا يَستَطيعُ أن يَعمَلَ كَعَمَلِهِ ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : المَرءُ مَعَ مَن أحَبَّ . فَقالَ أنَسٌ : فَما رَأيتُ أصحابَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَرِحوا بِشَىءٍ قَطُّ إلاّ أن يَكونَ الإِسلامَ ما فَرِحوا بِهذا مِن قَولِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (6)

.

1- .تاريخ بغداد: 5/196، الفردوس: 3/595/5870 كلاهما عن جابر بن عبداللّه ، كنز العمّال : 9/21/24730 .
2- .كنز العمّال : 3 / 136 / 5856 و ج 9 / 8 / 24668 وفيه «وهو مع من أحبّ» بدل «وهو مع أحبابه يوم القيامه» وكلاهما نقلاً عن أبى الشيخ عن أبى هريره .
3- .النساء : 69 .
4- .مكارم الأخلاق : 2 / 357 / 2660 ، جامع الأخبار : 518 / 1467 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 77 / 107 / 1 .

5- .صحيح البخارى : 5/2283/5817 و ح 5818 عن أبى موسى ، صحيح مسلم : 4 / 2034 / 165 عن عبداللّه، سنن الترمذى : 4/596/2387 و ج 5 / 545 / 3535 ، مسند ابن حنبل : 6 / 315 / 18113 كلّها عن صفوان بن عسّال نحوه و ج 4 / 319 / 12625 و ص 533 / 13829 كلاهما عن أنس بن مالک نحوه وفيهما «ولا يبلغ عملهم» بدل «ولم يلحق بهم»؛ الأمالى للمفيد : 151/2 نحوه وفيه «لايعمل بأعمالهم» بدل«ولم يلحق بهم».

6- .مسند ابن حنبل : 4 / 442 / 13315 ، كنز العمّال : 9 / 166 / 25552 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه إلى «المرء مع من أحبّ» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس مردمی را به سبب کردارشان دوست بدارد ، روز قیامت ، جزو آنان گرد خواهد آمد و مانند آنان محاسبه خواهد شد ؛ اگرچه کردارش چون کردار آنان نباشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بنده ، در گرو گمانش درباره خداوند عز و جلاست و در روز قیامت ، کنار کسانی قرار می گیرد که دوستشان دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای ابن مسعود! صالحان را دوست بدار که انسان ، همراه کسی است که دوستش می دارد . اگر توان نیکوکاری نداری ، پس عالمان را دوست بدار که [خداوند] می فرماید : «هرکه از خدا و پیامبرش اطاعت کند ، همراه کسانی خواهد بود که خدا نعمتشان داده است ، چون انبیا و صدّیقان و شهیدان و صالحان ؛ و اینان ، چه نیکو رفیقان اند» .

صحیح البخاری به نقل از عبداللّه بن مسعود : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! درباره کسی که مردمی را دوست دارد ، امّا به آنان نپیوسته است ، چه می گویی ؟ پیامبر خدا فرمود : «انسان ، همراه کسی است که دوستش می دارد» .

مسند ابن حنبل به نقل از ثابت بنانی، از اَنَس : مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا! مردیْ دیگری را دوست می دارد ؛ امّا نمی تواند کارهایی همچون او انجام دهد . پیامبر خدا فرمود : «انسان ، همراه کسی است که دوستش می دارد» . انس گفت : جز به اسلام آوردن ، هرگز ندیدم یاران پیامبر خدا به چیزی همچون این سخن ، شادمان شده باشند .

.

صحيح البخارى عن أنس : بَينَما أنَا وَالنَّبِىُّ صلى الله عليه و آله خارِجانِ مِنَ المَسجِدِ ، فَلَقِيَنا رَجُلٌ عِندَ سُدَّةِ المَسجِدِ . فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، مَتَى السّاعَةُ ؟ قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : ما أعدَدتَ لَها ؟ فَكَأنَّ الرَّجُلَ استَكانَ ، ثُمَّ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أعدَدتُ لَها كَبيرَ صِيامٍ ولاصَلاةٍ ولا صَدَقَةٍ ، ولكِنّى اُحِبُّ اللّهَ ورَسولَهُ . قالَ : أنتَ مَعَ مَن أحبَبتَ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ رَجُلاً أتَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، اُحِبُّ المُصَلّينَ ولا اُصَلّى ، واُحِبُّ الصَّوّامينَ ولا أصومُ ؟ فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أنتَ مَعَ مَن أحبَبتَ ، ولَكَ مَا اكتَسَبتَ . (2)

.

1- .صحيح البخارى: 6/2615/6734، صحيح مسلم: 4/2033/164، سنن الترمذى: 4/595/2385 نحوه وزاد فيه «المرء مع من أحبّ» ، مسند ابن حنبل : 4 / 208 / 12013 ، الزهد لابن المبارک : 250 / 718 ، تاريخ بغداد : 4 / 259 والثلاثه الأخيره نحوه وفيها «المرء مع من أحبّ» بدل «أنت مع من أحببت» ، كنز العمّال : 9 / 166 / 25553 ؛ علل الشرايع : 139 / 2 ، تنبيه الخواطر : 1 / 223 كلاهما نحوه وفيهما «المرء مع من أحبّ» بدل «أنت مع من أحببت» ، وراجع الأمالى للطوسى : 312 / 635 .
2- .الكافى : 8 / 80 / 35 ، تنبيه الخواطر : 2 / 51 كلاهما عن بريد بن معاويه ، تفسير فرات الكوفى : 430 / 567 عن بريد بن معاويه العجلى وإبراهيم الأحمرى ، دعائم الإسلام : 1 / 72 وفيه قبل قول النبىّ صلى الله عليه و آله «قال أبو جعفر عليه السلام : يعنى لا اُصلّى ولا أصوم التطوّع ليس الفريضه» وليس فيه «ولک ما اكتسبت» ، بحار الأنوار : 68 / 63 / 114 .

صحیح البخاری به نقل از اَنَس : من و پیامبر صلی الله علیه و آلهبیرون از مسجد بودیم که مردی در کنار درِ مسجد ، ما را دید و گفت : ای پیامبر خدا ! روز قیامت ، کی است ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چه برای آن آماده کرده ای ؟» . گویی آن مرد ، [اظهار]فروتنی کرد و سپس گفت : ای پیامبر خدا ! برای آن ، روزه و نماز و صدقه فراوانی آماده نکرده ام ؛ لیکن خدا و پیامبرش را دوست می دارم . حضرت فرمود : «تو همراه کسی هستی که دوستش می داری» .

امام باقر علیه السلام : مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! نمازگزاران را دوست دارم ؛ امّا خودْ نماز نمی خوانم . روزه گیران را دوست دارم ؛ امّا خودْ روزه نمی گیرم . پیامبر خدا به او فرمود : «تو همراه کسی هستی که دوستش داری و بهره ات همان است که به دست آورده ای» .

.

الأمالى للطوسى عن عبداللّه بن الحسن عن آبائه : أتى رَجُلٌ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، رَجُلٌ يُحِبُّ مَن يُصَلّى ولا يُصَلّى إلاّ الفَريضَةَ ، ويُحِبُّ مَن يَتَصَدَّقُ ولا يَتَصَدَّقُ إلاّ بِالواجِبِ ، ويُحِبُّ مَن يَصومُ ولا يَصومُ إلاّ شَهرَ رَمَضانَ ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : المَرءُ مَعَ مَن أحَبَّ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : لَو صُمتَ الدَّهرَ كُلَّهُ ، وقُمتَ اللَّيلَ كُلَّهُ ، وقُتِلتَ بَينَ الرُّكنِ وَالمَقامِ ، بَعَثَكَ اللّهُ مَعَ هَواكَ بالِغا ما بَلَغَ ؛ إن فى جَنَّةٍ فَفى جَنَّةٍ وإن فى نارٍ فَفى نارٍ . (2)

عنه عليه السلام : خُذ مِن صالِحِ العَمَلِ ، وخالِل خَيرَ خَليلٍ ؛ فَإِنَّ لِلمَرءِ مَا اكتَسَبَ وهُوَ فِى الآخِرَهِ مَعَ مَن أحَبَّ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : إذا أرَدتَ أن تَعلَمَ أنَّ فيكَ خَيرا فَانظُر إلى قَلبِكَ ؛ فَإن كانَ يُحِبُّ أهلَ طاعَهِ اللّهِ ويُبغِضُ أهلَ مَعصِيَتِهِ فَفيكَ خَيرٌ وَاللّهُ يُحِبُّكَ ، وإن كانَ يُبغِضُ أهلَ طاعَهِ اللّهِ ويُحِبُّ أهلَ مَعصِيَتِهِ فَلَيسَ فيكَ خَيرٌ وَاللّهُ يُبغِضُكَ ، وَالمَرءُ مَعَ مَن أحَبَّ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: حَقٌّ عَلَى اللّهِ عز و جل أن تَصيروا مَعَ مَن عِشتُم مَعَهُ فى دُنياهُ . (5)

.

1- .الأمالى للطوسى : 621 / 1281 ، بحار الأنوار : 68 / 70 / 128 ؛ وراجع المتحابّين فى اللّه : 71 وزاد فيه «ويحبّ الذاكرين ولا يذكر إلاّ قليلاً ويحبّ المتصدّقين ولا يتصدّق إلاّ قليلاً ويحبّ المجاهدين إلاّ قليلاً وهو فى ذلک يحبّ اللّه ورسوله والمؤمنين» .
2- .الغارات : 2 / 588 عن حبّه العرنى ، بحار الأنوار : 39 / 295 / ذيل ح 96 و ج 68 / 75 / ذيل ح 133 ؛ شرح نهج البلاغه : 4 / 105 عن حبّه العرنى وزاد فى صدره «من أحبّنى كان معى» .
3- .غرر الحكم : 5096 .
4- .الكافى : 2 / 126 / 11 ، مصادقه الإخوان : 156 / 3 ، علل الشرايع : 117 / 16 ، تنبيه الخواطر : 2 / 191 ، المحاسن : 1 / 410 / 935 وفيه

«ففیک شرّ» بدل «فلیس فیک خیر» ، وکلّها عن جابر الجعفی ، مشکاه الأنوار : 121 ، بحار الأنوار : 69 / 247 / 22 .
5- .الکافی : 5 / 109 / 13 عن علیّ بن عقبه عن بعض أصحابنا.

الأمالی طوسی از عبداللّه بن الحسن، از پدرانش : مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! کسی نمازگزاران را دوست می دارد ؛ امّا خود ، جز نمازهای واجب را نمی گزارد . صدقه دهندگان و زکات دهندگان را دوست می دارد ؛ امّا خود ، جز زکات واجب را نمی پردازد . روزه گیران را دوست می دارد ؛ امّا جز ماه رمضان را روزه نمی گیرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «انسان ، همراه کسی است که دوستش می دارد» .

امام علی علیه السلام : اگر همه روزها را روزه بگیری و همه شب ها را به نماز بِایستی و میان رُکْن و مقام [کعبه]کشته شوی ، باز خداوند ، تو را با علاقه ات برخواهد انگیخت ، هرچه که باشد . اگر بهشتی باشد ، پس بهشتی [خواهی بود]و اگر دوزخی باشد ، پس دوزخی .

امام علی علیه السلام : از شخص درستکار ، فراگیر و با بهترین دوست ، دوستی کن ؛ زیرا بهره انسان ، همان است که به دست آورده است و در روز قیامت ، همراه کسی است که دوستش می دارد .

امام باقر علیه السلام : هرگاه خواستی بدانی که در تو خیری هست ، به قلبت بنگر . اگر فرمانبران خدا را دوست و معصیت کاران را دشمن می داشت ، پس در تو خیر هست و خداوندْ دوستت می دارد ، و اگر پیروان خدا را دشمن می داشت و معصیت کاران را دوست می داشت ، پس در تو خیری نیست و خداوندْ ، دشمنت می دارد ؛ چون انسان ، همراه کسی است که دوستش می دارد .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل بر خود لازم کرده است که سرانجام ، همراه کسی شوید که در دنیا با او زیسته اید .

.

الإمام الجواد عليه السلام : أمّا هذِهِ الدُّنيا فَإنّا فيها مُغتَرِفونَ ، ولكِن مَن كانَ هَواهُ هَوى صاحِبِهِ ودانَ بِدينِهِ فَهُوَ مَعَهُ حَيثُ كانَ ، والآخِرَهُ هِيَ دارُ القَرارِ . (1)

ب حَشرُ مُحِبّى أهلِ البَيتِ مَعَهُم رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَاللّهِ لَو أحَبَّنا حَجَرٌ حَشَرَهُ اللّهُ مَعَنا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّنا كانَ مَعَنا يَومَ القِيامَهِ ، ولَو أنَّ رَجُلاً أحَبَّ حَجَرا لَحَشَرَهُ اللّهُ مَعَهُ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا أبا دُجانَهَ ، أما عَلِمتَ أنَّ مَن أحَبَّنا وَامتُحِنَ فى مَحَبَّتِنا أسكَنَهُ اللّهُ مَعَنا ؟! ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَهَ : «فِى مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرِم» (4) . (5)

سنن أبى داود عن أبى ذرّ : يا رَسولَ اللّهِ ، الرَّجُلُ يُحِبُّ القَومَ ولا يَستَطيعُ أن يَعمَلَ كَعَمَلِهِم . قالَ : أنتَ يا أبا ذَرٍّ مَعَ مَن أحبَبتَ . قالَ : فَإنّى اُحِبُّ اللّه وَرَسولَهُ . قالَ : فَإنَّکَ مَعَ مَن أحبَبتَ . قالَ : فَأعادَها أبو ذَرٍّ فَأعادَها رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (6)

.

1- .تحف العقول : 456 ، تنبيه الخواطر : 1 / 17 عن محمّد بن عيسى نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 358 / 1 .
2- .تفسير العيّاشى : 1 / 167 / 27 ، بحار الأنوار : 27 / 95 / 57 .
3- .مشكاه الأنوار : 84 و ص 123 ، الأمالى للصدوق : 278 / 308 ، تنبيه الخواطر : 2 / 164 كلاهما عن نوف البكالى عن الإمام علىّ عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 300 / 58 عن الريّان بن شبيب عن الإمام الرضا عليه السلام ، كفايه الأثر : 151 وفيهما من «لو أنّ رجلاً...» ، بحار الأنوار : 77 / 383 / 9 .
4- .القمر : 55 .
5- .الفردوس : 5 / 377 / 8484 ، تفسير الدرّ المنثور : 7 / 688 نقلاً عن أبى نعيم وكلاهما عن جابر .

6- .سنن أبی داود : 4/333/5126 ، سنن الدارمی: 2/777/2685، مسند ابن حنبل: 8/107/21519 ، الأدب المفرد : 112 / 351 ، کنز العمّال : 9 / 11 / 24685 .

ب محشور گردیدنِ دوستدارانِ اهل بیت با آنان

امام جواد علیه السلام : امّا این دنیاست که ما از آن بهره گیرانیم ؛ لیکن هرکه علاقه اش ، همان علاقه دوستش باشد و به دین او گراید ، هرجا که باشد ، همراه او خواهد بود و آخرت ، سرای ماندن است .

ب محشور گردیدنِ دوستدارانِ اهل بیت با آنان رسول خدا صلی الله علیه و آله : به خدا سوگند ، اگر سنگی ما را دوست بدارد ، خداوند ، او را نیز [در روز قیامت ،] با ما گرد خواهد آورد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه ما را دوست بدارد ، در روز قیامت ، همراه ما خواهد بود ، و اگر شخصی سنگی را دوست بدارد ، خداوند ، او را با آن ، گرد خواهد آورد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای ابودجانه ! آیا نمی دانی هرکه ما را دوست بدارد و در راه دوستی ما آزموده شود [و بلا بیند]، خداوند او را کنار ما ساکن خواهد ساخت». سپس حضرت این آیه را برخواند : «در جایگاهی راست ، نزد فرمانروایی توانا» .

سنن أبی داوود به نقل از ابوذر ، در گفتگو با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «ای پیامبر خدا ! کسی مردمی را دوست دارد ؛ امّا نمی تواند کارهایی همچون آنان انجام دهد . فرمود : «تو ای ابوذر ، همراه کسی هستی که دوستش می داری» . ابوذر گفت : «من خدا و پیامبرش را دوست می دارم» . فرمود : «پس تو همراه آنانی که دوستشان می داری» . [راوی] گفت : ابوذر گفته خود را تکرار کرد و پیامبر خدا نیز پاسخ خود را باز گفت .

.

الأمالى للطوسى عن عبداللّه بن الصّامت : حَدَّثَنى أبو ذَرٍّ وكانَ صَغوُهُ وَانقِطاعُهُ إلى عَلِيٍّ وأهلِ هذا البَيتِ عليهم السلام، قال : قلت : يا نَبِيَّ اللّهِ ، إنّى اُحِبُّ أقواما ما أبلُغُ أعمالَهُم . قالَ : فَقالَ : يا أبا ذَرٍّ ، المَرءُ مَعَ مَن أحَبَّ ، ولَهُ مَا اكتَسَبَ . قُلتُ : فَإِنّى اُحِبُّ اللّهَ ورَسولَهُ وأهلَ بَيتِ نَبِيِّهِ . قالَ : فَإِنَّكَ مَعَ مَن أحبَبتَ . (1)

اُسد الغابه عن عبدالرحمن بن صفوان : هاجَرَ أبى صَفوانُ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وهوهُوَ بِالمَدينَهِ ، فَبايَعَهُ عَلَى الإِسلامِ ، فَمَدَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَدَهُ ، فَمَسَحَ عَلَيها ، فَقالَ صَفوانُ : إنّى اُحِبُّكَ يا رَسولَ اللّهِ . فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : المَرءُ مَعَ مَن أحَبَّ . (2)

بشاره المصطفى عن جابر بن عبداللّه الأنصارىّ لِعَطِيَّهَ العَوفِيِّ : يا عَطِيَّهُ ، سَمِعتُ حَبيبى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن أحَبَّ قَوما حُشِرَ مَعَهُم ، ومَن أحَبَّ عَمَلَ قَومٍ اُشرِكَ فى عَمَلِهِم ... أحبِب مُحِبَّ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ما أحَبَّهُم ، وأبغِض مُبغِضَ آلِ مُحَمَّدٍ ما أبغَضَهُم وإن كانَ صَوّاما قَوّاما ، وَارفَق بِمُحِبِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّهُ إن تَزِلَّ لَهُ قَدَمٌ بِكَثرَهِ ذُنوبِهِ ثَبَتَت لَهُ اُخرى بِمَحَبَّتِهِم ، فَإِنَّ مُحِبَّهُم يَعودُ إلَى الجَنَّهِ ومُبغِضَهُم يَعودُ إلَى النّارِ . (3)

دعائم الإسلام : عن أبى جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عليهماالسلام : أنَّ قَوما أتَوهُ مِن خُراسانَ ، فَنَظَرَ إلى رَجُلٍ مِنهُم قَد تَشَقَّقَتا رِجلاهُ ، فَقالَ لَهُ : ما هذا ؟ فَقالَ : بُعدُ المَسافَهِ يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، ووَاللّهِ ما جاءَ بى مِن حَيثُ جِئتُ إلاّ مَحَبَّتُكُم أهلَ البَيتِ . قالَ لَهُ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : أبشِر ، فَأنتَ وَاللّهِ مَعَنا تُحشَرُ . قالَ : مَعَكُم يَابنَ رَسولِ اللّهِ ؟ قالَ : نَعَم ، ما أحَبَّنا عَبدٌ إلاّ حَشَرَهُ اللّهُ مَعَنا ، وهَل الدّينُ إلاّ الحُبُّ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (4) . (5)

.

1- .الأمالى للطوسى : 632 / 1303 ، كشف الغمّه : 2 / 41 ، بحار الأنوار : 27 / 104 / 75 .
2- .اُسد الغابه : 3 / 458 / 3337 و ص 29 / 2520 .
3- .بشاره المصطفى : 75 ، بحار الأنوار : 101 / 196 / 31 .

4- .آل عمران : 31 .
5- .دعائم الإسلام : 1 / 71 .

الأمالی طوسی به نقل از عبداللّه بن صامت ، از ابوذر که دلبسته و پیوسته علی علیه السلامو اهل بیت علیهم السلام بود : گفتم : «ای پیامبر خدا ! من مردمی را دوست دارم ؛ امّا به پایه کردارشان نمی رسم» . حضرت فرمود : «ای ابوذر ! انسان ، همراه کسی است که دوستش می دارد و بهره اش همان که به دست آورده است» . گفتم : «من خدا و پیامبر او و اهل بیت پیامبرش را دوست می دارم» . حضرت فرمود : «پس تو همراه کسانی هستی که دوستشان می داری» .

اُسد الغابه به نقل از عبدالرحمان بن صفوان : پدرم ، صفوان ، به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله که در مدینه بود ، هجرت کرد و به عنوان پذیرش اسلام،با او بیعت کرد . پیامبر صلی الله علیه و آلهدستش را دراز کرد و بر دست صفوان کشید. پس از آن صفوان گفت : «ای پیامبر خدا ! تو را دوست می دارم . پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «انسان، همراه کسی است که دوستش می دارد».

بشاره المصطفی به نقل از جابر بن عبداللّه انصاری ، خطاب به عطیّه عوفی : ای عطیّه ! از محبوبم ، پیامبر خدا ، شنیدم که می گفت : «هرکه مردمی را دوست داشته باشد ، با آنان محشور خواهد شد و هرکه کردار مردمی را دوست داشته باشد ، شریک کردارشان خواهد بود ... . دوستدار آل محمد را تا هنگامی که دوستشان می دارد ، دوست بدار و دشمن آل محمّد را تا هنگامی که دشمنشان می دارد ، دشمن بدار ؛ گرچه بسیار روزه گیر و شب زنده دار باشد . با دوستدار محمّد و آل محمّد ، نرمی کن ؛ زیرا اگر بر اثر گناهان بسیارش ، یک گام او بلغزد ، بر اثر محبّتشان گام دیگرش استوار می ماند . در حقیقت ، بازگشتِ دوستدارشان به بهشت است و بازگشت دشمنشان به دوزخ» .

دعائم الإسلام درباره امام باقر علیه السلام : گروهی از خراسان ، نزد امام باقر علیه السلام آمدند. حضرت به مردی از آنان که پاهایش [بر اثر پیاده روی بسیار،]چاک چاک شده بود ، نگریست و به او فرمود : «این چیست ؟» . پاسخ داد : «ای پسر پیامبر خدا ! بر اثر مسافتِ بسیار است . به خدا سوگند ، مرا از آن جا که آمده ام ، جز دوستی شما اهل بیت ، بدین جا نیاورد . امام باقر علیه السلام به او فرمود : «مژده باد بر تو که به خدا سوگند ، با ما محشور می شوی» . آن مرد گفت : «ای پسر پیامبر خدا ! با

شما؟ فرمود : «آری ! هیچ بنده ای ما را دوست نمی دارد ، جز آن که خداوند ، او را با ما محشور خواهد کرد . مگر دین ، چیزی جز دوستی است ؟ خداوند عز و جلمی فرماید : بگو : اگر شما خداوند را دوست دارید ، پس از من پیروی کنید تا خداوند ، شما را دوست بدارد``» .

.

مجمع البيان فى قَولِهِ تَعالى : «وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلَئکَ . . .» (1) : قيلَ : نَزَلَت فى ثَوبانَ مَولى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وكانَ شَديدَ الحُبِّ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، قَليلَ الصَّبرِ عَنهُ ، فَأَتاهُ ذاتَ يَومٍ وقَد تَغَيَّرَ لَونُهُ ونَحَلَ جِسمُهُ . فَقالَ صلى الله عليه و آله : يا ثَوبانُ ، ما غَيَّرَ لَونَکَ ؟ فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما بى مِن مَرَضٍ ولا وَجَعٍ غَيرَ أنّى إذا لَم أرَکَ اشتَقتُ إلَيکَ حَتّى ألقاکَ ، ثُمَّ ذَكَرتُ الآخرَ (2) فَأَخافُ أنّى لا أراکَ هُناکَ؛ لِأَنّى عَرَفتُ أنَّکَ تُرفَعُ مَعَ النَّبِيِّينَ، وإنّى إن أُدخِلتُ الجَنَّةَ كُنتُ فى مَنزِلَهٍ أدنى مِن مَنزِلَتِکَ ، وإن لَم أدخُلِ الجَنَّةَ فَذاکَ حَتّى لا أراکَ أبَدا . فَنَزَلَتِ الآيَهُ . ثُمَّ قالَ صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، لا يُؤمِنَنَّ عَبدٌ حَتّى أكونَ أحَبَّ إلَيهِ مِن نَفسِهِ وأبَوَيهِ وأهلِهِ ووُلدِهِ وَالنّاسِ أجمَعينَ . (3)

.

1- .النساء : 69 .
2- .كذا فى المصدر ، وفى بحار الأنوار «الآخره» .
3- .تفسير مجمع البيان : 3/110 عن قتاده ومسروق بن الأجدع ، بحار الأنوار : 22/87/41 وج 68/2 .

مجمع البیان در تفسیر این گفته خداوند متعال : «هر که از خدا و پیامبرش پیروی کند ، پس آنان . . .» : گفته اند که این آیه ، درباره ثوبان ، غلام آزاد شده پیامبر خدا نازل شد . ثوبان ، سخت به پیامبر خدا علاقه مند و نسبت به دوری او بی تاب بود . یک روز ، در حالی که رنگش دگرگون و بدنش لاغر شده بود، خدمت پیامبر خدا آمد . حضرت فرمود : «ای ثوبان! چرا رنگت دگرگون شده است ؟» . پاسخ داد : «ای پیامبر خدا ! نه بیمارم و نه دردمند ؛ لیکن هرگاه تو را نبینم ، شوق دیدارت مرا بر می انگیزد ، تا تو را ببینم . امّا چون به یاد آخرت می افتم ، می ترسم تو را در آن جا نبینم ؛ زیرا می دانم که تو را همراه پیامبران ، در منزلتی والا جای می دهند و اگر مرا به بهشت درآورند ، مرا در منزلتی فروتر از منزلت تو جای می دهند [پس تو را چندان نخواهم دید]و اگر هم به بهشت وارد نشوم ، تو را هرگز نخواهم دید . پس از آن ، این آیه نازل شد . سپس حضرت فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ بنده ای ایمان نمی آورد ، مگر آن که من نزد او از خودش ، پدر و مادرش ، خانواده اش ، فرزندانش و همه مردم ، محبوب تر باشم» .

.

الأمالى للمفيد عن عبد الرزّاق بن قيس الرحبىّ : كُنتُ جالِسا مَعَ عَلِىِّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلامعَلى بابِ القَصرِ حَتّى ألجَأتهُ الشَّمسُ إلى حائِطِ القَصرِ ، فَوَثَبَ لِيَدخُلَ ، فَقامَ رَجُلٌ مِن هَمدانَ فَتَعَلَّقَ بِثَوبِهِ وقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، حَدِّثنى حَديثا جامِعا يَنفَعُنِى اللّهُ بِهِ . قالَ : أوَلَم يَكُن فى حَديثٍ كَثيرٍ ؟ قالَ : بَلى ، ولكِن حَدِّثنى حَديثا جامِعا (يَنفَعُنِى اللّهُ بِهِ) . قالَ : حَدَّثَنى خَليلى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أنّى أرِدُ أنَا وشيعَتِى الحَوضَ رِواءً مَرويِّينَ ، مُبيَضَّةً وُجوهُهُم ، ويَرِدُ عَدُوُّنا ظِماءً مُظلَمَئينَ ، مُسوَدَّةً وُجوهُهُم . خُذها إلَيكَ قَصيرَهٌ مِن طَويلَهٍ ؛ أنتَ مَعَ مَن أحبَبتَ ، ولَكَ مَا اكتَسَبتَ ، أرسِلنى يا أخا هَمدانَ . ثُمَّ دَخَلَ القَصرَ . (1)

9 / 3ما يَتبَعُ المَحَبَّةَ مِنَ المَعايِبِ وَالمَكارِهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : حُبُّكَ لِلشَّىءِ يُعمى ويُصِمُّ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : عَينُ المُحِبِّ عَمِيَهٌ عَن مَعايِبِ المَحبوبِ ، واُذُنُهُ صَمّاءُ عَن قُبح مَساويهِ . (3)

.

1- .الأمالى للمفيد : 338 / 4 ، الأمالى للطوسى : 116 / 179 ، بشاره المصطفى : 50 و ص 103 ، شرح الأخبار : 3 / 450 / 1317 كلّها عن عبد الرحمن بن قيس الرحبى ، بحار الأنوار : 8 / 21 / 13 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 380 / 5814 ، المجازات النبويّه : 175 / 136 ، السرائر : 2 / 460 و ج 3 / 295 ، عوالى اللآلى : 1/ 124 / 57 عن أبى الدرداء و ص 290/149، بحار الأنوار : 77/165/2 ؛ سنن أبى داود: 4/334/5130 ، مسند ابن حنبل: 8/163/21752، تاريخ بغداد : 3/117 كلّها عن أبيالدرداء، كنز العمّال: 16/115/44104.
3- .غرر الحكم : 6314 .

الأمالی مفید به نقل از عبدالرزاق بن قَیس رَحبی : همراه علی بن ابی طالب علیه السلامبر درِ قصر (دارُ الحکومه) نشسته بودیم که تابش خورشید ، امام را به پناه بردن به داخل قصر ، ناگزیر ساخت . حضرت برخاست تا داخل شود که مردی از قبیله هَمْدان ، چنگ در پیراهن ایشان زد و گفت : «ای امیر مؤمنان! برایم حدیثی جامع بازگو تا خداوند ، بدان سودم دهد . حضرت فرمود : «آیا این سود ، در احادیثِ بسیار نیست ؟» . گفت : چرا ؛ ولی می خواهم حدیثی جامع ، برایم بازگویی . حضرت فرمود : «دوستم ، پیامبر خدا ، برایم این حدیث را گفت : من و شیعیانم ، سیراب و سیراب شده ، با چهره های سپید بر حوض [کوثر] ، وارد خواهیم شد . دشمنان ما نیز تشنه لب و تشنه کام و با چهره های سیاه ، بر حوض [کوثر] ، وارد خواهند شد} . این حدیث را با کوتاهی اش به جای حدیثی بلند برگیر . تو همراه کسی هستی که دوستش می داری و بهره ات ، همان است که به دست آورده ای. اینک ای برادر هَمْدانی! رهایم کن». سپس حضرت، داخل قصر شد .

3 / 9پیامدهای ناخوشایند دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوست داشتنِ چیزی ، [نسبت به کاستی های آن ،] کور و کرت می سازد .

امام علی علیه السلام : دیده دوست ، از [دیدن]عیب های محبوب ، نابینا و گوشش از [شنیدن]زشتی نقص هایش ناشنواست .

.

الإمام الرضا علیه السلام : الحُبُّ داعِی المَکارِهِ . (1)

عنه علیه السلام : قالَ السَّجّانُ لِیوسُفَ : إنّی لأُحِبُّکَ ، فَقالَ یوسُفُ : ما أصابَنی بَلاءٌ إلاّ مِنَ الحُبِّ ؛ إن کانَت عَمَّتی أحَبَّتنی فَسَرَّقَتنی ، وإن کانَ أبی أحَبَّنی فَحَسَدونی إخوَتی ، وإن کانَتِ امرَأهُ العَزیزِ أحَبَّتنی فَحَبَسَتنی . (2)

تفسیر الطبریّ فی قِصَّهِ یوسُفَ علیه السلام وتَفسیرِ رُؤیَا الفَتَیانِ : لَمّا رَأَی الفَتَیانِ یوسُفَ قالا : وَاللّهِ یا فَتی ، لَقَد أحبَبناکَ حینَ رَأَیناکَ ، فَقالَ لَهُما : أُنشِدُکُمَا اللّهَ أن لاتُحِبّانی ، فَوَاللّهِ ما أحَبَّنی أحَدٌ قَطُّ إلاّ دَخَلَ عَلَیَّ مِن حُبِّهِ بَلاءٌ ؛ لَقَد أحَبَّتنی عَمَّتی فَدَخَلَ عَلَیَّ مِن حُبِّها بَلاءٌ ، ثُمَّ لَقَد أحَبَّنی أبی فَدَخَلَ عَلَیَّ بِحُبِّهِ بَلاءٌ ، ثُمَّ لَقَد أحَبَّتنی زَوجَهُ صاحِبی هذا فَدَخَلَ عَلَیَّ بِحُبِّها إیّایَ بَلاءٌ ، فَلا تُحِبّانی بارَکَ اللّهُ فیکُما . (3)

.

1- .العدد القویّه : 299 / 35 ، أعلام الدین : 308 ، بحار الأنوار : 78 / 355 / 9 .
2- .تفسیر القمّی : 1 / 354 ، تفسیر العیّاشی : 2 / 175 / 21 کلاهما عن العبّاس بن هلال نحوه وفیه «لا تقل هکذا» بدل «ما أصابنی بلاء إلاّ من الحبّ» ، بحار الأنوار : 12 / 247 / 12.
3- .تفسیر الطبری : 7 / الجزء 12 / 214 .

امام رضا علیه السلام : دوستی ، دعوتگر ناخوشی هاست .

امام رضا علیه السلام : زندانبان به یوسف علیه السلامگفت : من تو را دوست دارم . یوسف علیه السلامپاسخ داد : «هر بلایی که به من رسیده از دوستی است . عمّه ام مرا دوست داشت . مرا دزدید . پدرم مرا دوست داشت . در نتیجه ، برادرانم به من حسادت کردند و زنِ عزیز [مصر] ، مرا دوست داشت . پس به زندانم افکند» .

تفسیر الطبری در داستان یوسف علیه السلام و تفسیر خواب آن دو جوان زندانی : چون آن دو جوان ، یوسف را دیدند ، گفتند : ای جوان! به خدا قسم ، از وقتی تو را دیده ایم ، دوستدارت شده ایم . یوسف به آن دو گفت : «شما را به خدا قسم می دهم که مرا دوست نداشته باشید . به خدا قسم ، هرکه مرا دوست داشت ، بر اثر دوستی اش بلایی به سرم آمد . عمّه ام مرا دوست داشت . پس به سبب دوستی اش بلایی به سرم آمد . سپس پدرم مرا دوست داشت که به سبب دوستی اش بلایی به سرم آمد . آن گاه زن اربابم مرا دوست داشت که به سبب این دوست داشتن من ، بلایی به سرم آمد . پس خداوند به شما برکت دهد ! مرا دوست نداشته باشید» .

.

الفصل العاشر: العشق10 / 1العِشقُ المَذمومُالكتاب(وَعَسَى أَن تُحِبُّواْ شَيْئا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ) . (1)

الحديث الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : العِشقُ مَرَضٌ لَيسَ فيهِ أجرٌ ولا عِوَضٌ . (2)

عنه عليه السلام أيضا : العِشقُ جَهدٌ عارِضٌ ، صادَفَ قَلبا فارِغا . (3)

عنه عليه السلام : الهِجرانُ عُقوبَهُ العِشقِ . (4)

.

1- .البقره : 216 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 260 / 46 .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 332 / 807 .
4- .مطالب السؤول : 56 ؛ بحار الأنوار : 78 / 11 / 70 .

فصل دهم : عشق

10 / 1 عشق نکوهیده

فصل دهم : عشق10 / 1عشق نکوهیدهقرآن(و شاید چیزی را دوست داشته باشید و برایتان شر باشد . خدا می داند و شما نمی دانید) .

حدیث امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : عشق ، بیماری ای است که نه پاداشی دارد و نه عوضی .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : عشق ، رنجی است که با دل فارغ [از اندیشه و کار] ، رویاروی می شود .

امام علی علیه السلام : جدایی ، کیفر عشق است .

.

عنه علیه السلام : رُبَّ صَبابَهٍ غُرِسَت مِن لَحظَهٍ . (1)

علل الشرایع عن المفضّل بن عمر : سَأَلتُ أبا عَبدِاللّه ِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ علیهماالسلامعَنِ العِشقِ . فَقالَ : قُلوبٌ خَلَت مِن ذِکرِ اللّه ِ ، فَأذاقَهَا اللّهُ حُبَّ غَیرِهِ . (2)

10 / 2خَصائِصُ العاشِقِالکتاب(وَ قَالَ نِسْوَهٌ فِی الْمَدِینَهِ امْرَأَتُ الْعَزِیزِ تُرَ وِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِی ضَلَلٍ مُّبِینٍ * فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَکْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَیْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّکَئا وَ ءَاتَتْ کُلَّ وَ حِدَهٍ مِّنْهُنَّ سِکِّینًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَیْهِنَّ فَلَمَّا رَأَیْنَهُ أَکْبَرْنَهُ وَ قَطَّعْنَ أَیْدِیَهُنَّ وَ قُلْنَ حَشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَآ إِلاَّ مَلَکٌ کَرِیمٌ) . (3)

الحدیث الإمام الباقر علیه السلام فی قَولِهِ: «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» : قَد حَجَبَها حُبُّهُ عَنِ النّاسِ فَلا تَعقِلُ غَیرَهُ . (4)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا تَستَشیروا أهلَ العِشقِ ؛ فَلَیسَ لَهُم رَأیٌ ، وإنَّ قُلوبَهُم مُحتَرِقَهٌ ، وفِکَرَهُم مُتَواصِلَهٌ ، وعُقولَهُم سالِبَهٌ . (5)

.

1- .غرر الحکم : 5314 .
2- .علل الشرایع : 140 / 1 ، الأمالی للصدوق : 765 / 1029 ، بحار الأنوار : 73 / 158 / 1 .
3- .یوسف : 30 و 31 .
4- .تفسیر القمّی : 1 / 357 عن أبی الجارود ، بحار الأنوار : 12 / 253 / 17 .
5- .الفردوس : 5 / 38 / 7389 عن أنس .

امام علی علیه السلام : بسا [نهال]شیفتگی که با یک نگاه ، غرس شده است .

علل الشرایع به نقل از مُفَضَّل بن عمر : از امام صادق علیه السلامدرباره عشق پرسیدم . فرمود : «دل هایی از یاد خدا تهی شد . پس خداوند ، دوستی جز خود را به آن نوشانْد» .

10 / 2ویژگی های عاشققرآن(زنانی در شهر گفتند : «زن عزیز ، از غلام خود ، کام خواسته و شیفته او شده است . ما او را در گم راهی آشکاری می بینیم» . پس چون مکرشان را شنید ، سراغشان فرستاد و محفلی برایشان ترتیب داد و به هریک ، کاردی داد و [به یوسف]گفت : «بر آنان در آی» . پس چون او را دیدند ، بزرگش شمردند و دست خویش ببریدند و گفتند : «منزّه است خدا ! این بشر نیست . این ، جز فرشته ای بزرگوار نیست») .

حدیث امام باقر علیه السلام در تفسیر «شیفته او شده است» : عشق به یوسف ، آن زن را از مردم ، محجوب ساخت و در نتیجه ، جز به او (یوسف) نمی اندیشید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : با عاشقان ، مشورت مکنید که آنان را رأیی نیست ؛ دل هایشان سوخته است و اندیشه هاشان مشوّش و خردهایشان گرفته شده.

.

الإمام علىّ عليه السلام : مَن عَشِقَ شَيئا أعشى (أعمى) بَصَرَهُ ، وأمرَضَ قَلبَهُ ، فَهُوَ يَنظُرُ بِعَينٍ غَيرِ صَحيحَهٍ ، ويَسمَعُ بِأُذُنٍ غَيرِ سَميعَهٍ ، قَد خَرَقَتِ الشَّهَواتُ عَقلَهُ ، وأماتَتِ الدُّنيا قَلبَهُ ، ووَلِهَت عَلَيها نَفسُهُ ، فَهُوَ عَبدٌ لَها ولِمَن فى يَدَيهِ شَىءٌ مِنها ، حَيثُما زالَت زالَ إلَيها ، وحَيثُما أقبَلَت أقبَلَ عَلَيها ، لا يَنزَجِرُ مِنَ اللّهِ بِزاجِرٍ ، ولا يَتَّعِظُ مِنهُ بِواعِظٍ ، وهُوَ يَرَى المَأخوذينَ عَلَى الغِرَّهِ . (1)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : ثَلاثَهُ أشياءَ لا دَوامَ لَها : المالُ فى يَدِ المُبَذِّرِ ، وسَحابَهُ الصَّيفِ ، وغَضَبُ العاشِقِ . (2)

10 / 3العاشِقُ العَفيفُ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن عَشِقَ وكَتَمَ وعَفَّ ثُمَّ ماتَ ، ماتَ شَهيدا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن عَشِقَ وكَتَمَ وعَفَّ وصَبَرَ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ وأدخَلَهُ الجَنَّهَ . (4)

كنز العمّال عن ابن عبّاس عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : خِيارُ اُمَّتِى الَّذينَ يَعِفّونَ إذا آتاهُمُ اللّهُ مِنَ البَلاءِ شَيئا . قالوا : وأىُّ البَلاءِ؟ قالَ : العِشقُ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 109 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 301 / 435 .
3- .تاريخ بغداد : 6 / 51 و ج 5 / 156 كلاهما عن ابن عبّاس و ج 12 / 479 عن عائشه وليس فيه «كتم» ، البدايه والنهايه : 11 / 111 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 3 / 372 / 7000 .
4- .تاريخ بغداد : 5 / 262 ، كنز العمّال : 3 / 373 / 7002 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن ابن عبّاس .
5- .كنز العمّال : 3/373/7001 و ص 779/8732 كلاهما نقلاً عن الديلمى، الفردوس: 2/174/2867 وليس فى النسخه التى بأيدينا «قالوا : وأى البلاء ؟ قال».

امام علی علیه السلام : هرکه عاشق چیزی شود ، [آن چیز ،]دیده اش را کم سو (نابینا) و دلش را بیمار می کند . در نتیجه ، او با چشمی نادرست می نگرد و با گوشی ناشنوا می شنود . شهوت ها [پرده] خردش را دریده اند و دنیا ، دلش را میرانده و جانش شیفته آن شده است . پس او بنده دنیا و بنده کسی است که از آن ، بهره ای دارد و [دنیا]به هر جا رفت ، او نیز می رود و به هر سو روی آورد ، او نیز روی می آورد . در پیِ هیچ یک از فرمان های بازدارنده خدا باز نمی ایستد و از هیچ پند دهنده از جانب او پند نمی گیرد ، حال آن که خود ، کسانی را که مرگ ، بی خبر ، گرفتارشان ساخته است ، می بیند .

امام علی علیه السلام : در حکمت های منسوب به ایشان : سه چیز ، ناپایدار است : مال در دست گشاده دست ، ابر تابستانی و خشم عاشق !

10 / 3عاشق پاک دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه عاشق شود و [عشق خود را]پنهان دارد و پاک دامنی کند و آن گاه بمیرد ، شهید مرده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه عاشق شود و [عشق خود را]پنهان دارد و شکیبایی ورزد ، خداوند ، او را بیامرزد و به بهشتش درآوَرَد .

کنز العمّال به نقل از ابن عباس، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «بهترین های امّت من ، کسانی هستند که چون خداوند به اندکی از بلا دچارشان کند ، پاک دامنی ورزند» . گفتند : کدام بلا ؟ فرمود : «عشق» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : العِشقُ مِن غَيرِ ريبَةٍ كَفّارَةٌ لِلذُّنوبِ . (1)

10 / 4العِشقُ المَمدوحُ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَقولُ اللّهُ تَعالى : إذا كانَ الغالِبُ عَلى عَبدِىَ الاِشتِغالَ بى جَعَلتُ نَعيمَهُ ولَذَّتَهُ فى ذِكرى ، فَإذا جَعَلتُ نَعيمَهُ ولَذَّتَهُ فى ذِكرى عَشِقَنى وعَشِقتُهُ ، فَإذا عَشِقَنى وعَشِقتُهُ رَفَعتُ الحِجابَ فيما بَينى وبَينَهُ ، وصِرتُ مَعالِمَ بَينَ عَينَيهِ ، لا يَسهو إذا سَهَا النّاسُ ، أُولئِكَ كَلامُهُم كَلامُ الأَنبِياءِ ، أُولئِكَ الأَبطالُ حَقّا ، أُولئِكَ الَّذينَ إذا أرَدتُ بِأَهلِ الأَرضِ عُقوبَةً وعَذابا ذَكَرتُهُم فَصَرَفتُ ذلِكَ عَنهُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : أفضَلُ النّاسِ مَن عَشِقَ العِبادَةَ ، فَعانَقَها وأحَبَّها بِقَلبِهِ وباشَرَها بِجَسَدِهِ وتَفَرَّغَ لَها ، فَهُوَ لا يُبالى عَلى ما أصبَحَ مِنَ الدُّنيا عَلى عُسرٍ أم عَلى يُسرٍ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : خَرَجَ عَلِىٌّ عليه السلام يَسيرُ بِالنّاسِ ، حَتّى إذا كانَ بِكَربَلاءَ عَلى ميلَينِ أو ميلٍ تَقدَّمَ بَينَ أيديهِم حَتّى طافَ بِمَكانٍ يُقالُ لَهَا المقدفانُ ، فَقالَ : قُتِلَ فيها مِائَتا نَبِىٍّ ومِائَتا سِبطٍ ، كُلُّهُم شُهَداءُ ، ومُناخُ رِكابٍ ، ومَصارِعُ عُشّاقٍ شُهَداءَ ، لا يَسبِقُهُم مَن كانَ قَبلَهُم ، ولا يَلحَقُهُم مَن بَعدَهُم . (4)

.

1- .الفردوس : 3 / 94 / 4266 عن أبى سعيد الخدرى .
2- .حليه الأولياء : 6 / 165 عن الحسن ، كنز العمّال : 1 / 433 / 1872 .
3- .الكافى : 2 / 83 / 3 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 112 عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، الجعفريّات : 232 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام وفيه «على غير» بدل «على عسرٍ أم على يُسر» ، بحار الأنوار : 70 / 253 / 10 .
4- .بحار الأنوار : 41 / 295 / 18 نقلاً عن الخرائج والجرائح .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : عشقِ پاک ، کفّاره گناهان است .

10 / 4عشق ستوده رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید : هرگاه اشتغال به [یاد] من بر بنده ام چیره گردد، خوشی و لذّتش را در یادکرد خودم قرار می دهم . پس چون خوشی و لذّتش را در یادکردِ خودم قرار دادم ، با من عشق می ورزد و من با او عشق می ورزم. پس چون با من عشق ورزید و من با او عشق ورزیدم ، حجاب میان خود و او را برمی دارم و خود ، نشانه های برابر چشمانش می شوم . در نتیجه ، چون مردم دچار فراموشی و خطا شوند، او دچار فراموشی و خطا نمی گردد . آنان ، سخنشان سخن پیامبران است . آنان ، قهرمانان حقیقی اند . این کسان هستند که هرگاه بخواهم زمینیان را کیفر یا عذابی دهم ، به یادشان می افتم و در نتیجه ، عذاب و کیفر را از زمینیان برطرف می کنم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : برترینِ مردم ، کسی است که عاشق عبادت گردد ، پس در آغوشش گیرد و با دلش دوستش بدارد و با پیکرش هماغوشش گردد و خود را وقف آن سازد ، و در نتیجه ، نسبت به دنیا چنان بی اعتنا گردد که اهمیّت ندهد که در آسایش است یا سختی .

امام باقر علیه السلام : علی علیه السلامهمراه مردم از شهر خارج شد ، تا آن که به یک میلی یا دو میلی کربلا رسید . آن گاه از آنان جلو افتاد ، تا آن که جایی را که «مقدفان» نامیده می شد ، طواف کرد و فرمود : «در این جا ، دویست پیامبر و دویست سِبط (پیامبرزاده) کشته شدند که همه شان شهیدند و این جا ، محلّ فرو نشستن شتران و قتلگاه های عاشقان شهیدی است که نه پیش از آنان کسی بر آنان پیشی گرفته است و نه پس از آنان کسی به مرتبت آنان خواهد رسید» .

.

10 / 5العِشقُ فی غَیرِ الإنسانِ صحیح البخاری عن أنس بن مالک : خَرَجتُ مَعَ رَسولِ اللّه ِ صلی اللّه علیه و آله إلی خَیبَرَ أخدُمُهُ ، فَلَمّا قَدِمَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آلهراجِعا وبَدا لَهُ اُحُدٌ قالَ : هذا جَبَلٌ یُحِبُّنا ونُحِبُّهُ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام : مَنِ اتَّخَذَ فی بَیتِهِ طَیرا فَلیَتَّخِذ ورشاناً ؛ فَإِنَّهُ أکثَرُ شَیئا لِذِکرِ اللّه ِ عز و جلوأکثَرُ تَسبیحا ، وهُوَ طَیرٌ یُحِبُّنا أهلَ البَیتِ . (2)

.

1- .صحیح البخاری : 3/1058/2732 و ج 5/2340/6002 نحوه؛ عوالی اللآلی : 1/177/219 وفیه «اُحد جبل یحبّنا ونحبّه» فقط .
2- .الکافی : 6 / 550 / 1 ، بحار الأنوار : 65 / 21 / 30 .

10 / 5عشق در موجودات غیر انسانی صحیح البخاری به نقل از اَنَس بن مالک : برای خدمت به پیامبر خدا، همراه ایشان به سوی خیبر حرکت کردیم . در حال بازگشت ، چون کوه اُحد آشکار شد ، پیامبر صلی الله علیه و آلهفرمود : «این ، کوهی است که دوستمان می دارد و ما نیز دوستش می داریم» .

امام صادق علیه السلام : هرکه می خواهد در خانه اش پرنده ای نگه دارد ، قُمری نگه دارد ؛ زیرا این پرنده ، بیش از هرچیز به ذکر و تسبیح خدای عز و جلمشغول است و ما اهل بیت را دوست می دارد .

نکتهشیخ بهایی در کشکول می نویسد : شیخ الرئیس ، بو علی سینا ، در رساله العشق خود ، به تفصیل ، این مسئله را برمی رسد و در آن می گوید که عشق ، ویژه آدمیزاد نیست ؛ بلکه در همه موجودات ، اعم از فلکی ، عنصری و موالید سه گانه (کانی ها، گیاهان و جانوران) جاری است . بوعلی سینا ، در آغاز رساله اش چنین می نویسد : «بارالها ! به نام و ستایش تو می آغازم . ای عبداللّه فقیه معصومی که خداوند ، نیک بختت گرداند ! از من خواستی تا برایت رساله ای بپردازم که در آن ، به اختصار ، مسئله عشق ، تبیین شود . من نیز در جهت جستن رضایت و برآوردن خواسته ات که همواره جوینده خیر باشی ! برآمدم و این رساله را برایت در هفت فصل بپرداختم : فصل نخست ، در بیان

.

جریان داشتن نیروی عشق در همه موجودات . دوم ، در بیان وجود عشق در جوهرهای بسیط بی جان . سوم ، در بیان وجود عشق در موجودات دارای قوه تغذیه از جنبه همین قوای تغذیه . چهارم ، در بیان وجود عشق در جوهرهای حیوانی ، از جهت دارا بودن قوه حیوانی . پنجم ، در بیان عشق ظریفان و جوانان به زیبارویان . ششم ، در بیان عشق نفوس الهی ، و هفتم ، در خاتمه فصول ...» (1)

.

1- .رسائل شیخ ابن سینا : 1 / 374 و 397 .

ص: 365

بخش دوم : دوستی خدا

اشاره

بخش دوم : دوستی خدافصل اوّل : تشویق به خدا دوستیفصل دوم : عوامل خدا دوستیفصل سوم : اسباب محبوبیت در نزد خدافصل چهارم : موانع خدا دوستیفصل پنجم : نشانه های دوستداران خدافصل ششم : ویژگی های محبوبان خدافصل هفتم : آثار خدا دوستی

.

الفصل الأول: التَّرغيب فی محبَّه اللّه 1 / 1فَضلُ مَحَبَّهِ اللّه ِالكتاب(وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ) . (1)

(قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَ نُكُمْ وَأَزْوَ جُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَ لٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَرَهٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِی سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّی يَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لاَ يَهْدِی الْقَوْمَ الْفَسِقِينَ) . (2)

الحديث رسول اللّه صلی الله عليه و آله: أحِبُّوا اللّهَ مِن كُلِّ قُلوبِكُم . (3)

.

1- .البقره : 165 .
2- .التوبه : 24 .
3- .كنز العمّال : 16 / 124 / 44147 نقلاً عن هنّاد عن أبی سلمه بن عبدالرحمن .

فصل یکم : تشویق به خدا دوستی

1 / 1 فضیلت خدا دوستی

فصل اوّل : تشویق به خدا دوستی1 / 1فضیلت خدا دوستیقرآن(برخی از مردم ، در برابر خدا شریکانی برمی گزینند و آنان را چنان دوست می دارند که خدا را ؛ اما آنان که ایمان آورده اند ، محبّتشان به خدا شدیدتر است) .

(بگو : اگر پدرانتان ، فرزندانتان ، برادرانتان ، همسرانتان ، خویشاوندانتان و اموالی که اندوخته اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و خانه هایی که بِدان دل خوش هستید ، برایتان از خدا و فرستاده اش و جهاد در راهش دوست داشتنی تر است ، منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد ، و [البته]خدا مردم فاسق را هدایت نخواهد کرد) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : با همه دل هایتان ، خدا را دوست بدارید .

.

عنه صلى الله عليه و آله: مَن آثَرَ مَحَبَّةَ اللّهِ عَلى مَحَبَّهِ نَفسِهِ كَفاهُ اللّهُ مُؤنَهَ النّاسِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : ناجى داودُ رَبَّهُ فَقالَ : إلهى ، لِكُلِّ مَلِكٍ خِزانَهٌ فَأينَ خِزانَتُكَ؟ قالَ جَلَّ جَلالُهُ : لى خِزانَهٌ أعظَمُ مِنَ العَرشِ ، وأوسَعُ مِنَ الكُرسِيِّ ، وأطيَبُ مِنَ الجَنَّهِ ، وأزيَنُ مِنَ المَلَكوتِ ؛ أرضُهَا المَعرِفَهُ ، وسَماؤُهَا الإيمانُ ، وشَمسُهَا الشَّوقُ ، وقَمَرُهَا المَحَبَّهُ ، ونُجومُهَا الخَواطِرُ ، وسَحابُهَا العَقلُ ، ومَطَرُهَا الرَّحمَهُ ، وأشجارُهَا الطّاعَهُ ، وثَمَرُهَا الحِكمَهُ . ولَها أربَعَهُ أبوابٍ : العِلمُ وَالحِلمُ وَالصَّبرُ وَالرِّضا ، ألا وهِىَ القَلبُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله لِمَن سَأَلَهُ : أىُّ النّاسِ أفضَلُ إيمانا ؟ : أصدَقُهُم حُبّا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : الإيمانُ فى قَلبِ الرَّجُلِ أن يُحِبَّ اللّهَ عز و جل . (4)

المحجّه البيضاء : قال أبو الدرداء لكعب الأحبار: أخبِرنى عَن أخَصِّ آيَهٍ فِى التَّوراهِ؟ فَقالَ : يَقولُ اللّهُ عز و جل : طالَ شَوقُ الأبرارِ إلى لِقائى وأنَا إلى لِقائِهِم لَأشَدُّ شَوقا . قالَ : ومَكتوبٌ إلى جانِبِها : مَن طَلَبَنى وَجَدَنى ، ومَن طَلَبَ غَيرى لَم يَجِدنى . فَقالَ أبُو الدَّرداءِ : إنّى سَمِعتُ مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ هذا . (5)

شرح الأسماء الحسنى : فِى الحَديثِ القُدسِيِّ : يَابنَ آدَمَ ، خَلَقتُ الأشياءَ لِأجلِك وخَلَقتُكَ لِأجلى . (6)

.

1- .كنز العمّال : 15 / 790 / 43127 و ح 43128 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن عائشه .
2- .عوالى اللآلى : 1 / 249 / 6 ، بحار الأنوار : 70 / 59 .
3- .جامع الأحاديث للقمى : 205 .
4- .الفردوس : 1 / 114 / 386 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 1 / 40 / 86 .

5- .المحجّه البيضاء : 8 / 58 .
6- .شرح الأسماء الحسنى : 139 ، رسائل الكركى : 3 / 962 وفيه «يا إنسان ...» ، وفى مصابيح القلوب : 458 «خلقت جميع العالم لكم وخلقتكم لى» ، المواعظ العدديه : 420 وفيه «خلقت الأشياء كلّها لأجلک وخلقتک لأجلى وأنت تفرّ منّى» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه خدا دوستی را بر خودْ دوستی مقدّم دارد ، خداوند ، او را از گران باریِ مردم ، حفظ خواهد کرد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : داوود علیه السلامبا پروردگارش مناجات کرد و گفت : بارالها! هر پادشاهی را خزانه ای است . پس خزانه تو کجاست ؟ خداوند عز و جل ، فرمود : «مرا خزانه ای است بزرگ تر از عرش ، گسترده تر از کرسی ، خوش بوتر از بهشت و آراسته تر از ملکوت . زمینِ آن ، معرفت است ، آسمانش ایمان ، خورشیدش شوق ، ماهتابش دوستی ، ستارگانش دل ها، ابرش خِرد ، بارانش رحمت ، درختانش طاعت و میوه اش حکمت . آن را چهار در است : دانش ، بردباری ، شکیبایی و خشنودی . باخبر باش که این خزانه ، همان قلب است» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ایمان در دل انسان ، آن است که خدا را دوست بدارد .

المَحَجّه البیضاء : از حضرت عیسی علیه السلامپرسیدند : «برترین اعمال چیست ؟» . فرمود : «خشنودی از خدا و دوست داشتن او» .

المَحَجّه البیضاء : ابو دردا به کعبُ الأحبار گفت : «مرا از خاص ترین آیه تورات ، باخبر کن» . پاسخ داد : خداوند عز و جلمی فرماید : «شوق نیکان برای دیدارم ، طولانی گشت ، حال آن که من به دیدارشان بسیار مشتاق ترم» . همچنین کعب گفت که در کنار این آیه ، نوشته شده است : «هرکه مرا بجوید ، مرا می یابد ، و هرکه جز مرا بجوید ، مرا نمی یابد» . ابو دردا گفت : «من نیز شنیده ام که پیامبر خدا چنین می فرمود» .

شرح الأسماء الحسنی : در حدیث قدسی آمده است: «ای آدمیزاد! همه چیز را برای تو آفریدم و تو را برای خودم آفریدم» .

.

أُسد الغابه عن عبداللّه بن عمرو : إنَّ أبا رَزين قالَ : ما الإيمانُ يا رَسولَ اللّه ِ ؟ قالَ : لا يَكونُ شَىءٌ أحَبَّ إلَيکَ مِنَ اللّه ِ ومِن رَسولِهِ ، ولَأن تُؤخَذَ فَتُحرَقَ بِالنّارِ أحَبُّ إلَيکَ مِن أن تُشرِکَ بِاللّه ِ عز و جل ، وتُحِبَّ غَيرَ ذى نَسَبٍ لا تُحِبُّهُ إلاّ للّه ِ . (1)

إرشاد القلوب : رُوِىَ أنَّهُ صلى الله عليه و آله سَلَّمَ عَلَيهِ غُلامٌ دونَ البُلوغِ وبَشَّ لَهُ و تَبَسَّمَ فَرَحا بِالنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ لَهُ : أتُحِبُّنى يا فَتى ؟ فَقالَ : إى وَ اللّه ِ يا رَسولَ اللّه ِ . فَقالَ لَهُ : مِثلَ عَينَيکَ ؟ فَقالَ : أكثَرَ . فَقالَ : مِثلَ أبيکَ ؟ فَقالَ : أكثَرَ . فَقالَ : مِثلَ اُمِّکَ ؟ فَقالَ : أكثَرَ . فَقالَ : مِثلَ نَفسِکَ ؟ فَقالَ : أكثَرَ وَ اللّه ِ يا رَسولَ اللّه ِ . فَقالَ : أمِثلَ رَبِّکَ ؟ فَقالَ : اللّه َ اللّه َ اللّه َ يا رَسولَ اللّه ِ ، لَيسَ هذا لَکَ و لا لِأَحَدٍ فَإنَّما أحبَبتُکَ لِحُبِّ اللّه ِ . فَالتَفَتَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إلى مَن كانَ مَعَهُ و قالَ : هكَذا كونوا ، أحِبُّوا اللّه َ لاِءحسانِهِ إلَيكُم و إنعامِهِ عَلَيكُم ، و أحِبّونى لِحُبِّ اللّه ِ . (2)

.

1- .اُسد الغابه : 6 / 106 / 5885 ، مسند ابن حنبل : 5 / 470 / 16194 ، كنز العمّال : 1 / 289 / 1402 نقلاً عن تاريخ دمشق وكلاهما نحوه .
2- .إرشاد القلوب : 161 .

اُسد الغابه به نقل از عبداللّه بن عمرو : ابو رَزین پرسید: ای پیامبر خدا ! ایمان چیست ؟ فرمود: «ایمان ، آن است که هیچ چیز نزدت محبوب تر از خدا و پیامبرش نباشد . ایمان ، آن است که اگر تو را بگیرند و به آتش بسوزانند ، نزدت محبوب تر از آن باشد که برای خدای عز و جل ، شریکی قرار دهی . ایمان ، آن است که بیگانه ای را [که هیچ پیوند خویشی با تو ندارد] ، تنها برای خدا دوست بداری» .

إرشاد القلوب : منقول است که نوجوانی که هنوز به سنّ بلوغ نرسیده بود به پیامبر صلی الله علیه و آلهسلام کرد و از خوش حالیِ دیدن ایشان ، چهره اش گشاده گشت و لبخند زد . حضرت به او فرمود : «ای جوان ! مرا دوست داری ؟» . گفت : ای پیامبر خدا ! به خدا قسم ، آری ! فرمود : «همچون چشمانت ؟» . گفت : بیشتر . فرمود : «همچون پدرت ؟» . گفت : بیشتر . فرمود : «همچون مادرت ؟» . گفت : بیشتر . فرمود : «همچون خودت ؟» . گفت : ای پیامبر خدا ! به خدا قسم ، بیشتر . فرمود : «همچون پروردگارت ؟» . گفت : خدا را ، خدا را ، خدا را ، ای پیامبر خدا! که این مقام ، نه برای توست و نه دیگری . در حقیقت ، تو را برای دوستی خدا ، دوست می دارم . در این هنگام ، پیامبر صلی الله علیه و آلهبه همراهان خود روی کرد و فرمود : «این گونه باشید . خدا را به سبب احسان و نیکی اش به شما دوست بدارید و مرا برای دوستی خدا ، دوست بدارید» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاتِه : سَيِّدى ، أنتَ أنقَذتَ أولِياءَكَ مِن حَيرَةِ الشُّكوكِ ، وأوصَلتَ إلى نُفوسِهِم حَبرَةَ المُلوكِ ... وعَقَدتَ عَزائِمَهُم بِحَبلِ مَحَبَّتِكَ . (1)

عنه عليه السلام فى الدعاء : إنَّهُ لا يَنبَغى لِمَن حَمَّلتَهُ مِن نِعَمِكَ ما حَمَّلتَنا أن يَغفُلَ عَن شُكرِكَ ، وأن يَتَشاغَلَ بِشَى ءٍ غَيرَكَ ، يا مَن هُوَ عِوَضٌ عَن كُلِّ شَى ءٍ ولَيسَ مِنهُ عِوَضٌ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : إنّ اللّه َ أوحى إلى موسى : ... ياموسى ، ذِكرى لِلذّاكِرينَ ، وزِيارَتى لِلمُشتاقينَ ، وجَنَّتى لِلمُطيعينَ ، وأنَا خاصَّةٌ لِلمُحِبّينَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : ما أنعَمَ اللّهُ عز و جل عَلى عَبدٍ أجَلَّ مِن أن لا يَكونَ فى قَلبِهِ مَعَ اللّهِ تَعالى غَيرُهُ . (4)

.

1- .بحار الأنوار : 94 / 172 / 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين من مؤلّفات بعض قدمائنا .
2- .بحار الأنوار : 99 / 125 / 19 نقلاً عن العتيق الغروى .
3- .إرشاد القلوب : 100 و ص 60 ، أعلام الدين : 279 ، بحار الأنوار : 14 / 40 / 23 و ج 77 / 42 كلُّها نحوه من دون إسناد إليهِ عليه السلام .
4- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام : 328 ، عدّه الداعى : 219، بحار الأنوار : 70 / 211 و ص 249 .

امام سجّاد علیه السلام : سرورم ! تو دوستانت را از حیرت شک ها رهایی بخشیدی و به جان هایشان شادمانیِ پادشاهان را رساندی ... و اراده شان را با رشته دوستی خودت استوار کردی .

امام سجّاد علیه السلام در دعا : به راستی برای آن کس که از نعمت هایی که به ما دادی به وی [نیز]عنایت کرده ای ، سزاوار نیست که از سپاسگزاری ات غفلت ورزد ، و به کسی جز تو مشغول گردد . ای کسی که جایگزین همه چیزی ، و چیزی جایگزین تو نیست !

امام علی علیه السلام : خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد : ای موسی ! یادم برای یادآوران است و بهشتم برای فرمانبران ؛ اما من ویژه دوستداران هستم .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جلبه هیچ بنده ای نعمتی بزرگ تر از این ارزانی نداشته است که در دلش همراه خداوند متعال ، چیزی دیگری نباشد .

.

عنه علیه السلام : الحُبُّ أفضَلُ مِنَ الخَوفِ . (1)

عنه علیه السلام : أوحَی اللّهُ عز و جل إلی داودَ علیه السلام : یا داودُ ، بی فَافرَح ، وبِذِکری فَتَلَذَّذ ، وبِمُناجاتی فَتَنَعَّم ، فَعَن قَریبٍ اُخلِی الدّارَ مِنَ الفاسِقینَ ، وأجعَلُ لَعنَتی عَلَی الظّالِمینَ . (2)

عنه علیه السلام : القَلبُ حَرَمُ اللّهِ ، فَلا تُسکِن حَرَمَ اللّهِ غَیرَ اللّهِ . (3)

مسکّن الفؤاد : أوحَی اللّهُ تَعالی إلی بَعضِ الصِّدّیقینَ : إنَّ لی عِبادا مِن عِبادی یُحِبّونّی واُحِبُّهُم ، ویَشتاقونَ إلَیَّ وأشتاقُ إلَیهِم ، ویَذکُرونّی وأذکُرُهُم ، فَإن أخَذتَ طَریقَتَهُم أحبَبتُکَ ، وإن عَدَلتَ عَنهُم مَقَتُّکَ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام فی دعائه : إلهی فَتَدارَکنی بِرَحمَتِکَ الَّتی بِها تَجمَعُ الخَیراتِ لِأَولِیائِکَ ، وبِها تَصرِفُ السَّیِّئاتِ عَن أحِبّائِکَ . (5)

عنه علیه السلام : لا یَمحَضُ رَجُلٌ الإیمانَ بِاللّهِ حَتّی یَکونَ اللّهُ أحَبَّ إلَیهِ (6) مِن نَفسِهِ وأبیهِ واُمِّهِ ووُلدِهِ وأهلِهِ ومالِهِ و (7) مِنَ النّاسِ کُلِّهِم . (8)

.

1- .الکافی : 8 / 129 / 98 عن حفص بن غیاث ، تحف العقول : 357 ، بحار الأنوار : 78 / 226 / 95 و ص 270 / 109 .
2- .الأمالی للصدوق : 263 / 280 ، قصص الأنبیاء : 199 / 254 کلاهما عن یونس بن ظبیان ولیس فیه «وأجعل لعنتی . . .» ، روضه الواعظین : 505 ، بحار الأنوار : 14 / 34 / 3 .
3- .جامع الأخبار : 518 / 1468 .
4- .مسکّن الفؤاد : 28 ، المحجّه البیضاء : 2 / 399 و ج 8 / 58 وزاد فیهما بعد «وأذکرهم» قوله «وینظرون إلیَّ وأنظر إلیهم» ، بحار الأنوار : 70 / 26 / 28 .
5- .مهج الدعوات : 263 ، بحار الأنوار : 94 / 381 / 3 .
6- .فی المصدر : «أحبّ اللّه» ، والصحیح ما أثبتناه من بحار الأنوار .
7- .سقطت الواو من المصدر وأضفناها من بحار الأنوار.

8- .فلاح السائل : 101 عن الحسين بن سيف ، بحار الأنوار : 70 / 24 / 25 .

امام صادق علیه السلام : دوستی [خدا] برتر از ترس [از خدا]است .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل به داوود علیه السلاموحی کرد : «ای داوود ! به من شادمان باش و از یادم لذّت ببر و با مناجات من متنعّم شو که به زودی ، خانه را از فاسقانْ خواهم پرداخت و نفرین خود را بر ظالمان قرار خواهم داد» .

امام صادق علیه السلام : دل ، حرم خداست . پس در حرم خدا ، جز خدا را جای مده .

مُسَکّن الفؤاد : خداوند متعال ، به یکی از صدّیقان وحی کرد : «مرا در میان بندگانم ، بندگانی است که دوستم می دارند و من دوستشان می دارم . مشتاق من هستند و من مشتاق ایشانم . به یاد من هستند و من به یاد ایشانم . (1) پس اگر راه ایشان را در پیش بگیری ، دوستت خواهم داشت و اگر از آنان منحرف شوی ، دشمنت خواهم داشت» .

امام صادق علیه السلام : بارالها! با رحمت خود که با آن ، همه نیکی ها را برای اولیایت گِرد آورده ای و با آن ، بدی ها را از دوستانت دور ساخته ای ، مرا دریاب .

امام صادق علیه السلام : ایمانِ کسی برای خدا خالص نمی شود ، تا آن که خداوند ، نزدش از خودش ، پدرش ، مادرش ، فرزندانش ، خانواده اش و هر آنچه از مردم دارد ، محبوب تر باشد .

.

1- .در نسخه ای ، پس از آن ، این جمله آمده است : به من می نگرند و من به ایشان می نگرم .

فلاح السائل لمّا سُئِلَ الصادِقُ علیه السلام عَنِ الصِّدقِ فَقالَ ما مَعناهُ هُوَ أن لا تَختارَ عَلَی اللّه ِ غَیرَهُ فَإِنَّهُ تَعالی قالَ (هُوَ اجتَباکُم) فإذا کانَ اجتبَاکَ فَاجتَبِهِ أنتَ لآتَختَر عَلَیهِ هَواکَ ولا دُنیاکَ . (1)

1 / 2التّامّونَ فی مَحَبَّهِ اللّه ِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی دعائه : اللّهُمَّ اجعَل حُبَّکَ أحَبَّ الأَشیاءِ إلَیَّ ، وَاجعَل خَشیَتَکَ أخوَفَ الأَشیاءِ عِندی، وَاقطَع عَنّی حاجاتِ الدُّنیا بِالشَّوقِ إلی لِقائِکَ. (2)

عنه صلی الله علیه و آله فی دعائه : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ حُبَّکَ ، وحُبَّ مَن یُحِبُّکَ ، وَالعَمَلَ الَّذی یُبَلِّغُنی حُبَّکَ. اللّهُمَّ اجعَل حُبَّکَ أحَبَّ إلَیَّ مِن نَفسی وأهلی ومِنَ الماءِ البارِدِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله : یا أیُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ قَد کَبُرَ سِنّی ، ودَقَّ عَظمی ، وَانهَدَمَ جِسمی ، ونُعِیَت إلَیَّ نَفسی ، وَاقتَرَبَ أجَلی ، وَاشتَدَّ مِنّی الشَّوقُ إلی لِقاءِ رَبّی . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّه َ (تَعالی) جَعَلَ قُرَّهَ عَینی فِی الصَّلاهِ ، وحَبَّبَها إلَیَّ کَما حَبَّبَ إلَی الجائِعِ الطَّعامَ وإلَی الظَّمآنِ الماءَ ؛ فَإِنَّ الجائِعَ إذا أکَلَ الطَّعامَ شَبِعَ وإذا شَرِبَ الماءَ رَوِیَ ، وأنَا لا أشبَعُ مِنَ الصَّلاهِ . (5)

.

1- .فلاح السائل : 223 / 125 .
2- .کنز العمّال : 2 / 182 / 3648 و ص 212 / 3813 کلاهما نقلاً عن حلیه الأولیاء عن الهیثم بن مالک الطائی .
3- .کنز العمّال : 2 / 195 / 3718 نقلاً عن أبی داود والحاکم والترمذی وص 209 / 3794 نقلاً عن حلیه الأولیاء وکلاهما عن أبی الدرداء .
4- .ثواب الأعمال : 347 / 1 عن أبی هریره و عبداللّه بن عبّاس ، بحار الأنوار : 76 / 373 / 30 .
5- .الأمالی للطوسی : 528/1162 ، مکارم الأخلاق : 2 / 366 / 2661 ، تنبیه الخواطر : 2 / 54 کلّها عن أبیذرّ ، بحار الأنوار : 82 / 233 / 58 .

فلاح السائل در پاسخ امام صادق علیه السلام به سؤال از معنای صدق : صدق ، یعنی جز خدا را به جای او برنگزینی ؛ چرا که خدای متعال ، شما را برگزیده است . پس چون او تو را برگزیده ، تو هم او را برگزین و هوا و دنیای خودت را به جای او مگزین .

1 / 2کاملان در خدا دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله : بارالها ! دوستی ات را محبوب ترین چیزها برایم قرار ده ، ترس از خودت را ترس آورترین چیزها نزدم قرار ده و با شوق دیدارت ، نیازهای دنیایی را از من بِبُر .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بارالها ! دوستی تو و دوستی آن که دوستت دارد و کرداری را که مرا به دوستی ات می رساند ، از تو درخواست می کنم . بارالها ! دوستی خودت را نزد من محبوب تر از خودم ، خانواده ام و آب خنک ، قرار ده .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم ! کهن سال گشته ام ، استخوانم سست شده ، پیکرم فرو ریخته است و به من خبر مردنم را داده اند و مرگم نزدیک شده و شوق دیدار پروردگارم در من ، شدید شده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل ، نور چشمم را در نماز قرار داده است و همان گونه که غذا را محبوب شخص گرسنه و آب را محبوب تشنه قرار داده ، نماز را محبوبم ساخته است ؛ حال آن که هرگاه شخص گرسنه غذا بخورد ، سیر می شود و هرگاه آب بنوشد ، سیراب می گردد ؛ امّا من از نماز ، سیر نمی شوم .

.

عنه صلى الله عليه و آله : الشَّريعَةُ أقوالى ، وَالطَّريقَةُ أفعالى ، وَالحَقيقَةُ أحوالى (1) ، وَالمَعرِفَةُ رَأسُ مالى ، وَالعَقلُ أصلُ دينى ، وَالحُبُّ أساسى ، وَالشَّوقُ مَركَبى . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فى مناجاته : إلهى ، وعِزَّتِكَ وجَلالِكَ لَقَد أحبَبتُكَ مَحَبَّةً اِستَقَرَّت حَلاوَتُها فى قَلبى ، وما تَنعَقِدُ ضَمائِرُ مُوَحِّديكَ عَلى أنَّكَ تُبغِضُ مُحِبِّيكَ . (3)

عنه عليه السلام فى دعائه : يا إلهى وربّى وسَيِّدى ومَولاىَ ، لِأَىِّ الاُمورِ إلَيكَ أشكو ؟! ولِما مِنها أضِجُّ وأبكى ؟! لِأليمِ العَذابِ وشِدَّتِهِ ؟! أم لِطولِ البَلاءِ ومُدَّتِهِ ؟! فَلَئِن صَيَّرتَنى لِلعُقوباتِ مَعَ أعدائِكَ ، وجَمَعتَ بَينى وبَينَ أهلِ بَلائِكَ ، وفَرَّقتَ بَينى وبَينَ أحِبّائِكَ وأولِيائِكَ ، فَهَبنى يا إلهى وسَيِّدى ومَولاىَ ورَبّى صَبَرتُ عَلى عَذابِكَ فَكَيفَ أصبِرُ عَلى فِراقِكَ ؟! (4)

الإمام الحسين عليه السلام فى دُعائِهِ : أنتَ الَّذى أزَلتَ الأَغيارَ عَن قُلوبِ أحِبّائِكَ حَتّى لَم يُحِبّوا سِواكَ . . . ماذا وَجَدَ مَن فَقَدَكَ ؟ ! ومَا الَّذى فَقَدَ مَن وَجَدَكَ؟ ! لَقَد خابَ مَن رَضِىَ دونَكَ بَدَلاً . (5)

عنه عليه السلام أيضا : عَمِيَت عَينٌ لا تَراكَ عَلَيها رَقيبا ، وخَسِرَت صَفقَةُ عَبدٍ لَم تَجعَل لَهُ مِن حُبِّكَ نَصيبا . (6)

.

1- .عوالى اللآلى : 4 / 124 / 212 وفيه صدر الحديث إلى قوله «أحوالى» .
2- .مستدرک الوسائل : 11 / 173 / 12672 ، وفيه «الطريقه أقوالى» المحجّه البيضاء: 8 / 101 عن الإمام علىّ عليه السلامو ليس فيه «الشريعه أقوالى والطريقه أقوالى والحقيقه أحوالى» وفيه «أثاثى» بدل «أساسى» .
3- .البلد الأمين : 318 عن الإمام العسكرىّ عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 94 / 108 / 14.
4- .مصباح المتهجّد : 847 ، إقبال الأعمال : 3/335 كلاهما عن كميل بن زياد النخعى، البلد الأمين: 190 .
5- .بحار الأنوار : 98 / 226 / 3 .

6- .بحار الأنوار : 98 / 226 / 3 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : شریعت ، گفته های من است و طریقت ، کرده هایم (1) و حقیقت ، احوالم و معرفت ، سرمایه ام و عقل ، اساس دینم و دوستی ، بنیادم و شوق ، مرکبم .

امام علی علیه السلام در نیایشش : بارالها ! به عزّت و جلالت سوگند که چنان تو را دوست دارم که شیرینی آن ، در دلم استوار گشته است . هرگز جان های کسانی که تو را به یگانگی می پرستند، به این باور نمی رسند که تو دوستانت را دشمن می داری.

امام علی علیه السلام در دعایش : بارالها ! پروردگارا ! سرور و مولای من ! از چه چیز به تو شکایت برم و برای کدام یک از آنها بمویم و بگریم ؟ برای عذاب دردناک و سختی آن ؟ یا برای طولانی بودن کیفر (مجازات) و مدّت آن ؟ پس اگر مرا برای کیفرها در کنار دشمنانت بگذاری و مرا با کیفردیدگانت گِردآوری و میان من و اولیا و دوستانت جدایی بیندازی ای اله و سرور و مولا و پروردگارم ! ، گیرم که بر عذابت صبر کردم ؛ چگونه بر فراقت صبر کنم ؟ !

امام حسین علیه السلام در دعایش : این تویی که اغیار را از دل های دوستانت زدودی تا آن که جز تو را دوست نداشتند . . . آن که تو را از دست داد ، چه به دست آورد ؟ و آن که تو را یافت ، چه از دست داد ؟ آن که جز تو را به جای تو پذیرفت ، زیان کرد .

امام حسین علیه السلام در دعایش : چشمی که تو را نگران خود نبیند ، کور باد ! تجارت بنده ای که برایش از دوستی ات بهره ای قرار نداده ای ، زیانبار باد !

.

1- .در نسخه دیگری : گفته هایم .

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ : إلهى وسَيِّدى ، هَدَأَتِ العُيونُ ، وغارَتِ النُّجومُ ، وسَكَنَتِ الحَرَكاتُ مِنَ الطَّيرِ فِى الوُكورِ وَالحيتانِ فِى البُحورِ ، وأنتَ العَدلُ الَّذى لا يَجورُ ، وَالقِسطُ الَّذى لا تَميلُ ، وَالدّائِمُ الَّذى لا يَزولُ ، أغلَقَتِ المُلوكُ أبوابَها ، ودارَت عَلَيها حُرّاسُها ، وبابُکَ مَفتوحٌ لِمَن دَعاکَ يا سَيِّدى ، وخَلا كُلُّ حَبيبٍ بِحَبيبِهِ ، وأنتَ المَحبوبُ إلَىَّ . (1)

عنه عليه السلام أيضا : إلهى، لَو قَرَنتَنى بِالأَصفادِ ، ومَنَعتَنى سَيبَکَ مِن بَينِ الأَشهادِ . . . ماقَطَعتُ رَجائى مِنکَ، ولا صَرَفتُ وَجهَ تَأميلى لِلعَفوِ عَنکَ ، ولَا خَرَجَ حُبُّکَ مِن قَلبى . (2)

عنه عليه السلام فى زِيارَهِ أمينِ اللّه ِ : اللّهُمَّ إنَّ قُلوبَ المُخبِتينَ إلَيکَ والِهَهٌ ، وسُبُلَ الرّاغِبينَ إلَيکَ شارِعَهٌ . (3)

عنه عليه السلام فى مُناجاتِهِ : سَيِّدى ، أنتَ دَليلُ مَنِ انقَطَعَ دَليلُهُ ، وأمَلُ مَنِ امتَنَعَ تَأميلُهُ ، فَإن كانَت ذُنوبى حالَت بَينَ دُعائى وإجابَتِکَ فَلَم يَحُل كَرَمُکَ بَينى وبَينَ مَغفِرَتِکَ ، وإنَّکَ لا تُضِلُّ مَن هَدَيتَ ، ولا تُذِلُّ مَن والَيتَ ، ولا يَفتَقِرُ مَن أغنَيتَ ، ولا يَسعَدُ مَن أشقَيتَ ، وعِزَّتِکَ لَقَد أحبَبتُکَ مَحَبَّهً إستَقَرَّت فى قَلبى حَلاوَتُها ، وأنِسَت نَفسى بِبِشارَتِها ، ومُحالٌ فى عَدلِ أقضِيَتِکَ أن تَسُدَّ أسبابَ رَحمَتِکَ عَن مُعتَقِدى مَحَبَّتِکَ . (4)

عنه عليه السلام فى دُعائِهِ : إلهى وسَيِّدى ، وعِزَّتِکَ وجَلالِکَ لَئِن طالَبتَنى بِذُنوبى لأُطالِبَنَّکَ بِعَفوِکَ ، ولَئِن طالَبتَنى بِلُؤمى لأُطالِبَنَّکَ بِكَرَمِکَ ، ولَئِن أدخَلتَنِى النّارَ لأُخبِرَنَّ أهلَ النّارِ بِحُبّى لَکَ . (5)

.

1- .بحار الأنوار : 87 / 308 / 86 نقلاً عن صحيفه قديمه مصحّحه عن عمير بن المتوكّل عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام.
2- .إقبال الأعمال: 1 / 167 عن أبى حمزه الثمالى .
3- .كامل الزيارات: 93/93 عن مهديين صدقه الرقى عن الإمام الرضا عن الإمام الكاظم عن الإمام الصادق عليهم السلام.
4- .بحار الأنوار : 94 / 169 / 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

5- .مصباح المتهجّد : 596 ، إقبال الأعمال : 1 / 172 ، مصباح الكفعمى : 795 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، البلد الأمين : 212 ، بحار الأنوار : 98 / 92 / 2 .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! سرورا ! چشم ها آرام گرفت ، ستاره ها فرو رفت ، جنبش پرندگان در آشیانه ها و ماهی ها در دریاها آرام گرفت ، و تو دادگری هستی که ستم نمی کند و عادلی هستی که [از حق ،]منحرف نمی شود و پایداری هستی که زائل نمی شود . پادشاهان ، درهای خود را بسته اند و نگهبانان ، برگِرد آنها در گردش اند ؛ امّا درِ [رحمت] تو ای سرورم ! برای آن که بخوانَدَت ، گشوده است . هر دوستی ، با محبوبش خلوت کرده است و تو محبوب منی !

امام سجاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! اگر مرا به زنجیر کشی و عطای خود را در میان شاهدان از من بازداری ، ... امیدم را از تو نخواهم بُرید و چهره ام را که به گذشتت امیدوار است ، از تو نخواهم گرداند و محبّتت از قلبم بیرون نخواهد رفت .

امام سجّاد علیه السلام در زیارت امین اللّه : بارالها ! دل های خاشعان ، شیفته توست و راه ها برای راغبان به تو ، هموار است .

امام سجّاد علیه السلام در نیایشش : سرورا ! تو راهنمای کسی هستی که بی راهنما شده و امید کسی هستی که امیدش ناامید گشته است . پس اگر گناهانم میان دعایم و اجابت تو حایل شده است ، کرم تو میان من و بخششت حایل نشده است . تو آن را که هدایت کرده ای ، گمراه نمی سازی و آن را که با او دوستی کرده ای ، خوار نمی کنی . آن که بی نیازش ساخته ای ، درویش نمی شود و آن که شوربختش کرده ای ، نیک بخت نمی شود . سوگند به عزتّت که چنان دوستت می دارم که شیرینی آن ، در قلبم جایگیر شده و جانم به مژده آن ، انس گرفته است . از داوری های عادلانه تو محال است که اسباب رحمت خویش را بر گره زنندگان رشته محبّت خودت ببندی .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : ای اِله و سرورم ! به عزّت و جلالت سوگند ، اگر مرا با گناهانم بازخواست کنی ، تو را به بخششت بازخواست خواهم کرد و اگر مرا به پستی ام بازخواست کنی ، تو را به کرامتت بازخواست خواهم کرد و اگر مرا به دوزخ درآوری، دوزخیان را از دوستی ام نسبت به تو با خبر خواهم ساخت.

.

الكافى عن محمّد بن أبى حمزه عن أبيه : رَأَيتُ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ عليهماالسلام فِى فِناءِ الكَعبَهِ فِى اللَّيلِ وهُوَ يُصَلّى ، فَأَطالَ القِيامَ ؛ حَتّى جَعَلَ مَرَّهً يَتَوَكَّأُ عَلى رِجلِهِ اليُمنى ، ومَرَّهً عَلى رِجلِهِ اليُسرى ، ثُمَّ سَمِعتُهُ يَقولُ بِصَوتٍ كَأَنَّهُ باكٍ : يا سَيِّدى ، تُعَذِّبُنى وحُبُّکَ فى قَلبى؟ ! أما وعِزَّتِکَ لَئِن فَعَلتَ لَتَجمَعَنَّ بَينى وبَينَ قَومٍ طالَما عادَيتُهُم فيکَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ هَدَأَتِ الأَصواتُ ، وسَكَنَتِ الحَرَكاتُ ، وخَلا كُلُّ حَبيبٍ بِحَبيبِهِ وخَلَوتُ بِکَ ، أنتَ المَحبوبُ إلَىَّ ، فَاجعَل خَلوَتى مِنکَ اللَّيلَهَ العِتقَ مِنَ النّارِ . (2)

عنه عليه السلام أيضا : اللّهُمَّ املَأ قَلبى حُبّا لَکَ ، وخَشيَهً مِنکَ ، وتَصديقا وإيمانا بِکَ ، وفَرَقا مِنکَ ، وشَوقا إلَيکَ ، يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ . اللّهُمَّ حَبِّب إلَىَّ لِقاءَکَ ، وَاجعَل لى فى لِقائِکَ خَيرَ الرَّحمَهِ وَالبَرَکَهِ . (3)

عنه عليه السلام أيضا : سَيِّدى ، أنَا مِن حُبِّکَ جائِعٌ لا أشبَعُ ، أنَا مِن حُبِّکَ ظَمآنُ لا أروى ، وا شَوقاهُ إلى مَن يَرانى ولا أراهُ ! يا حَبيبَ مَن تَحَبَّبَ إلَيهِ ، يا قُرَّهَ عَين مَن لاذَ بِهِ وَانقَطَعَ إلَيهِ ، قَد تَرى وَحدَتى مِنَ الآدَمِيّينَ ووَحشَتى فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَاغفِر لى وآنِس وَحشَتى وَارحَم وَحدَتى وغُربَتى . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 579 / 10 ، بحار الأنوار : 46 / 107 / 100 ، وراجع مصباح المتهجّد : 271 .
2- .الكافى : 2 / 594 / 33 عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : 278 ، جمال الأُسبوع : 144 وفيهما «يا إلهى» بدل «أنت المحبوب إلىَّ» ، بحار الأنوار : 89 / 303 / 10 .
3- .الكافى : 2 / 586 / 24 عن ابن أبى يعفور ، مصباح المتهجّد : 143 ، إقبال الأعمال : 1 / 173 ، مصباح الكفعمى : 795 ، البلد الأمين : 213 وفى الثلاثه الأخيره عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام زين العابدين عليه السلاموفيها «حبّب إلىَّ لقاءک وأحبب لقائى واجعل لى فى لقائک الراحه والفرج والكرامه»، بحار الأنوار: 98/92/ 2.
4- .إقبال الأعمال : 1 / 135 ، بحار الأنوار : 97 / 338 / 1 .

الکافی به نقل از محمّد بن ابی حمزه ، از پدرش : امام سجاد علیه السلامرا شبانه در درگاه کعبه دیدم که نماز می خواند و قیامش چنان طولانی می شد که گاه ، برپای راستش تکیه می کرد و گاه ، بر پای چپش . سپس شنیدم با صدایی که گویی گریسته است ، می گوید : «سرورم ! آیا مرا با آن که محبتّت در قلبم است ، عذاب می دهی ؟ هان ! به عزّتت سوگند که اگر چنین کنی ، مرا با مردمی گرد آورده ای که مدّت های بسیار ، در راه تو با آنان دشمنی کرده ام» .

امام صادق علیه السلام در دعایش : بارالها ! صداها فرو نشست و جنبش ها آرام گرفت و هر دوستی ، با محبوب خود خلوت کرد . من نیز با تو خلوت کرده ام . تو محبوب منی . پس [تحفه] خلوت امشب مرا با خود ، رهایی از دوزخْ قرار ده .

امام صادق علیه السلام در دعایش : بارالها ! ای صاحب کرامت و جلال ! قلبم را از دوستی تو، ترس از تو ، تصدیق تو و ایمان به تو ، هراس از تو و اشتیاق به خودت سرشار کن . بارالها ! دیدارت را محبوبم ساز و برایم در دیدارت ، بهترین رحمت و برکت را قرار ده .

امام صادق علیه السلام در دعایش : سرورم ! من گرسنه دوستی توام و سیر نمی شوم . من تشنه دوستی توام و سیراب نمی شوم . آه ، چه اشتیاقی دارم به آن که مرا می بیند و من او را نمی بینم ! ای محبوبِ آن که او را دوست بدارد ! ای روشنی چشم آن که به او پناه ببرد و یکسره به او بپیوندد ! تو تنهایی و بی کسیِ مرا در میان آدمیزادگان می بینی . پس بر محمد و آل محمد ، درود بفرست و مرا بیامرز و وحشتم را به اُنس بدل کن و به تنهایی و غربتم ، رحم نما .

.

الإمام الهادي عليه السلام فِي الزِّيارَهِ الجامِعَهِ : السَّلامُ عَلَى الدُّعاهِ إلَى اللّهِ ، وَالأَدِلاّءِ عَلى مَرضاهِ اللّهِ ، المُستَقِرّينَ فى أمرِ اللّهِ ، وَالتّامّينَ فى مَحَبَّهِ اللّهِ (1) . (2)

1 / 3عِبادَهُ المُحِبّينَ الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ العُبّادَ ثَلاثَهٌ : قَومٌ عَبَدُوا اللّهَ عز و جل خَوفا فَتِلكَ عِبادَهُ العَبيدِ ، وقَومٌ عَبَدُوا اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى طَلَبَ الثَّوابِ فَتِلكَ عِبادَهُ الأُجَراءِ ، وقَومٌ عَبَدُوا اللّهَ عز و جل حُبّا لَهُ فَتِلكَ عِبادَهُ الأَحرارِ ، وهِىَ أفضَلُ العِبادَهِ . (3)

عنه عليه السلام : إنَّ النّاسَ يَعبُدونَ اللّهَ عز و جل عَلى ثَلاثَهِ أوجُهٍ : فَطَبَقَهٌ يَعبُدونَهُ رَغبَهً فى ثَوابِهِ فَتِلكَ عِبادَهُ الحُرَصاءِ وهُوَ الطَّمَعُ ، وآخَرونَ يَعبُدونَهُ فَرَقا مِنَ النّارِ فَتِلكَ عِبادَهُ العَبيدِ وهِىَ الرَّهبَهُ ، ولكِنّى أعبُدُهُ حُبّا لَهُ عز و جل فَتِلكَ عِبادَهُ الكِرامِ وهُو الأمنُ ؛ لِقَولِهِ عز و جل : «وَ هُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئذٍ ءَامِنُونَ » (4) ، ولِقَولِهِ عز و جل : «قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (5) ، فَمَن أحَبَّ اللّهَ أحَبَّهُ اللّهُ عز و جل ، ومَن أحَبَّهُ اللّهُ عز و جل كانَ مِنَ الآمِنينَ . (6)

.

1- .فى تهذيب الأحكام «حجّه اللّه» بدل «محبّه اللّه» وهو تصحيف والشاهد عليه مع المصادر الأُخرى : الطبعه الجديده المحقّقه من تهذيب الأحكام : 6 / 108 وكذا لا يبعد كون «عمران» فى العيون مُصَحّفا من «عبداللّه» إذ غير خفىّ أنّ الزياره فى المصادر الثلاثه واحده .
2- .تهذيب الأحكام : 6 / 96 / 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 610 / 3213 كلاهما عن موسى بن عبداللّه النخعى ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 273 / 1 عن موسى بن عمران النخعى وفيه «أمر اللّه ونهيه» ، بحارالأنوار : 102 / 128 / 4 .
3- .الكافى : 2 / 84 / 5 عن هارون بن خارجه ، نهج البلاغه : الحكمه 237 ، تحف العقول : 246 عن الإمام الحسين عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 70 / 255 / 12 ؛ البدايه والنهايه : 9 / 105 عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه .
4- .النمل : 89 .
5- .آل عمران : 31 .

6- .الخصال : 188 / 259 ، علل الشرايع : 12 / 8 ، الأمالى للصدوق : 91 / 65 كلّها عن يونس بن ظبيان ، الاعتقادات : 77 وفيه إلى قوله «عباده الكرام» نحوه ، روضه الواعظين : 456 ، مشكاه الأنوار : 123 ، بحارالأنوار : 70 / 18 / 9 .

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه برای همه امامان علیهم السلام : سلام بر دعوتگران به سوی خدا و راهنمایان به سوی خشنودی خدا ! آنان که در فرمان خدا استقرار یافته اند و در دوستی خدا ، به کمال رسیده اند !

1 / 3پرستش دوستداران امام صادق علیه السلام : بندگان ، سه گونه اند : مردمی که از سرِ ترس ، خدا را می پرستند که این، پرستش بندگان است. مردمی ، خداوند عز و جل را برای به دست آوردن پاداش می پرستند که این ، پرستش مزدبگیران است . مردمی که خداوند عز و جل را برای آن که دوستش دارند ، می پرستند . پس این ، پرستش آزادگان است و برترین نوعِ پرستش است .

امام صادق علیه السلام : مردم ، خداوند عز و جلرا سه گونه می پرستند : طبقه ای خدا را به امید پاداشش می پرستند که این ، پرستش آزمندان است و [انگیزه] آن ، آزمندی است . دیگرانی ، خدا را از ترس دوزخ می پرستند که این ، پرستش بندگان است و [انگیزه] آن ، ترس. لیکن من ، خدای عز و جل را از سرِ دوستی اش می پرستم که این ، پرستش بزرگواران است و [انگیزه] آن ، ایمنی است ؛ چون که خداوند عز و جلمی فرماید : «آنان در آن روز ، از هراس ، ایمن هستند» . نیز به سبب این گفته خدای عز و جل : «بگو : اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا دوستتان بدارد و گناهان شما را بیامرزد» . پس هرکه خدا را دوست بدارد ، خداوند عز و جل ، دوستش خواهد داشت و هرکه خداوند عز و جلدوستش بدارد ، از آن افرادِ ایمن ، به شمار خواهد رفت .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : بَكى شُعَيبٌ عليه السلام مِن حُبِّ اللّهِ عز و جل حَتّى عَمِىَ ، فَرَدَّ اللّهُ عز و جل عَلَيهِ بَصَرَهُ ، ثُمَّ بَكى حَتّى عَمِىَ ، فَرَدَّ اللّهُ عَلَيهِ بَصَرَهُ ، ثُمَّ بَكى حَتّى عَمِىَ ، فَرَدَّ اللّهُ عَلَيهِ بَصَرَهُ ، فَلَمّا كانَتِ الرّابِعَةُ أَوحَى اللّهُ إلَيهِ : يا شُعَيبُ ، إلى مَتى يَكونُ هذا أبَدا مِنكَ ؟! إن يَكُن هذا خَوفا مِنَ النّارِ فَقَد أجَرتُكَ ، وإن يَكُن شَوقا إلَى الجَنَّةِ فَقَد أبَحتُكَ . قالَ : إلهى وسَيِّدى ، أنتَ تَعلَمُ أنّى ما بَكَيتُ خَوفا مِن نارِكَ ، ولا شَوقا إلى جَنَّتِكَ ، ولكِن عَقَدَ حُبُّكَ عَلى قَلبى ، فَلَستُ أصبِرُ أو أراكَ . فَأوحَى اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ إلَيهِ : أما إذا كانَ هذا هكَذا فَمِن أجلِ هذا سأُخدِمُكَ كَليمى موسَى بنَ عِمرانَ . (1)

المحجه البيضاء : يُروى: أنَّ عيسى عليه السلام مَرَّ بِثَلاثَةِ نَفَرٍ قَد نَحَلَت أبدانُهُم وتَغَيَّرَت ألوانُهُم ، فَقالَ لَهُم : مَا الَّذى بَلَغَ بِكُم ما أرى ؟ فَقالوا : الخَوفُ مِنَ النّارِ . فَقالَ : حَقٌّ عَلَى اللّهِ أن يُؤمِنَ الخائِفَ . ثُمَّ جاوَزَهُم إلى ثَلاثَةٍ اُخرى ، فَإذا هُم أشَدُّ نُحولاً وتَغَيُّرا ، فَقالَ : مَا الَّذى بَلَغَ بِكُم ما أرى ؟ قالوا : الشَّوقُ إلَى الجَنَّةِ . قالَ : حَقٌّ عَلَى اللّهِ أن يُعطِيَكُم ما تَرجونَ . ثُمَّ جاوَزَهُم إلى ثَلاثَةٍ اُخرى ، فَإذا هُم أشَدُّ نُحولاً وتَغَيُّرا ، كَأنَّ عَلى وُجوهِهِمُ المَرايا مِنَ النّورِ ، فَقالَ : مَا الَّذى بَلَغَ بِكُم ما أرى ؟ قالوا : حُبُّ اللّهِ عز و جل . فَقالَ : أنتُم المُقَرَّبونَ ، أنتُم المُقَرَّبونَ . (2)

.

1- .علل الشرايع : 57 / 1 عن أنس ، إرشاد القلوب : 171 نحوه ؛ تاريخ بغداد : 6 / 315 ، كنز العمّال : 11 / 498 / 32339 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن شدّاد بن أوس نحوه .
2- .المحجّه البيضاء : 8 / 6 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : شعیب علیه السلام از دوستی خدای عز و جلچندان گریست که نابینا شد . پس خداوند ، بینایی اش را به او بازگرداند . باز چندان گریست تا آن که نابینا شد . پس خداوند ، بینایی اش را به او بازگرداند . باز چندان گریست که نابینا شد . پس خداوند ، بینایی اش را به او بازگرداند . در مرتبه چهارم ، خداوند به او وحی کرد : «ای شعیب ! این کار را تا کی می خواهی همچنان تکرار کنی ؟ اگر این کارت از ترس دوزخ است ، آن را از تو بازداشتم و اگر از اشتیاق به بهشت است ، آن را بر تو روا ساختم» . شعیب گفت : بارالها و سرورا ! تو خود می دانی که از ترس دوزخت و یا از سرِ اشتیاق به بهشتت گریه نمی کنم ؛ لیکن دوستی تو با قلبم پیوند خورده است . از این رو ، تاب صبوری ندارم تا تو را ببینم . پس خداوند عز و جل ، به او وحی کرد : «هان ! حال که کارت به این سبب است ، به زودی موسی بن عمران ، هم سخنِ خود را به خدمت تو درخواهم آورد» .

المحجه البیضاء : حضرت عیسی علیه السلام بر سه تن گذشت که رنگ چهره هایشان دگرگون شده و تن هایشان نزار شده بود . پس به ایشان گفت : «چه چیزْ شما را به این حالی که می بینم ، دچار کرده است ؟». گفتند : ترس از دوزخ . فرمود : «بر خداوند ، حق است که شخص ترسان را ایمنی بخشد» . سپس از آنان گذشت و به سه تن دیگر رسید که از آنان ، لاغرتر و رنگ پریده تر بودند . پرسید : «چه چیزْ شما را به این حالی که می بینم ، دچار کرده است ؟». گفتند : اشتیاق به بهشت . فرمود : «بر خداوند ، حق است که آنچه را امید دارید ، به شما ببخشد». سپس از آنان گذشت و به سه تن دیگر رسید که از آنان لاغرتر و رنگ پریده تر بودند و گویی بر چهره هایشان آینه هایی از نور بود . پرسید : «چه چیزْ شما را به این حالی که می بینم ، دچار کرده است ؟» . گفتند : دوستی خدای عز و جل . فرمود : «شمایید مقرّبان ! شمایید مقرّبان !» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الدُّنيا حَرامٌ عَلى أهلِ الآخِرَهِ ، وَالآخِرَهُ حَرامٌ عَلى أهلِ الدُّنيا ، وَالدُّنيا وَالآخِرَهُ حَرامانِ عَلى أهلِ اللّهِ عز و جل . (1)

1 / 4إنّى اُحِبُّکَ فَکُن لى مُحِبّا الإمام علىّ عليه السلام : اِختَرتُ مِنَ التَّوراهِ اثنَتَى عَشرَهَ آيَهً فَنَقَلتُها إلَى العَرَبِيَّهِ ، وأنَا أنظُرُ إلَيها فى کُلِّ يَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ ؛ الاُولى : يَابنَ آدَم ، لا تَخافَنَّ سُلطانا ما دامَ سُلطانى عَلَيکَ باقٍ ، وسُلطانى علَيکَ باقٍ أبَدا . الثّانِيَهُ : يَابنَ آدَمَ ، لا تَأنَس بِأحَدٍ ما وَجَدتَنى ، فَمَتى أرَدتَنى مَملُوَّهً ، وخَزائِنى مَملُوَّهً أبَدا . الثّالِثَهُ : يَابنَ آدَمَ ، لا تَأنَس بِأحَدٍ ما وَجَدتَنى ، فَمَتى أرَدتَنى وَجَدتَنى بارّا قَريبا . الرّابِعَهُ : يَابنَ آدَمَ ، إنّى اُحِبُّکَ فَأنتَ أيضا أحبِبنى . . . العاشِرَهُ : يَابنَ آدَم کُلٌّ يُريدُکَ لِأجْلِهِ وَأنَا اُرِيدُکَ لِأجْلِکَ فَلا تَفِرَّ مِنّى !... . (2)

.

1- .الفردوس : 2 / 230 / 3110 ، کنز العمّال : 3 / 184 / 6071 نقلاً عن مسلم وابن عساکر وکلاهما عن ابن عبّاس ؛ عوالى اللآلى : 4 / 119 / 190 .
2- .المواعظ العدديّه : 420.

ص: 389

1 / 4 من دوستت دارم ، پس دوستدارم باش

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دنیا بر اهل آخرت ، حرام است و آخرت ، بر اهل دنیا حرام ؛ امّا دنیا و آخرت ، بر اهل خدای عز و جلحرام است .

1 / 4من دوستت دارم ، پس دوستدارم باش امام علی علیه السلام : از تورات ، دوازده آیه برگزیدم و آنها را به عربی ترجمه کردم. اینک ، هر روز ، سه بار به آنها می نگرم . نخستین آیه این است : ای آدمیزاد ! از هیچ سیطره ای تا هنگامی که سیطره من بر تو پایدار است ، مترس . سیطره من نیز همیشه پایدار است . دوم : ای آدمیزاد ! چون مرا یافتی ، با هیچ کس اُنس مگیر . پس هرگاه مرا خواستی ، [مرا]سرشار خواهی یافت و خزانه های من ، همواره سرشار است . سوم : ای آدمیزاد ! چون مرا یافتی ، با هیچ کس اُنس مگیر . پس هرگاه مرا خواستی ، مرا نزدیک و نیکی کننده خواهی یافت . چهارم: ای آدمیزاد! من تو را دوست دارم. پس تو نیز مرا دوست بدار... دهم : ای آدمیزاد ! هر کس ، تو را برای خودش می خواهد و من تو را برای خودت می خواهم . پس از من مگریز.

.

مسكِّن الفؤاد فى أخبارِ داودَ عليه السلام : يا داودُ ، أبلِغ أهلَ أرضى أنّى حَبيبُ مَن أحَبَّنى ، وجَليسُ مَن جالَسَنى ، ومُؤنِسٌ لِمَن أنِسَ بِذِكرى ، وصاحِبٌ لِمَن صاحَبَنى ، ومُختارٌ لِمَن اختارَنى ، ومُطيعٌ لِمَن أطاعَنى . ما أحَبَّنى أحَدٌ أعلَمُ ذلِكَ يَقينا مِن قَلبِهِ إلاّ قَبِلتُهُ لِنَفسى ، وأحبَبتُهُ حُبّا لا يَتَقَدَّمُهُ أحَدٌ مِن خَلقى. مَن طَلَبَنى بِالحَقِّ وَجَدَنى، ومَن طَلَبَ غَيريلَم يَجِدنى. فَارفُضوا يا أهلَ الأرضِ ما أنتُم عَلَيهِ مِن غُرورِها ، وهَلُمّوا إلى كَرامَتى ومُصاحَبَتى ومُجالَسَتى ومُؤانَسَتى، وأسرِعوا بيأُؤانِسكُم وأسارِع إلى مَحَبَّتِكُم. (1)

المحجّه البيضاء : أوحَى اللّه ُ إلى داودَ عليه السلام : يا داودُ ، لَو يَعلَمُ المُدبِرونَ عَنّى كَيفَ انتِظارى لَهُم ورِفقى بِهِم وشَوقى إلى تَركِ مَعاصيهِم لَماتوا شَوقا إلَىَّ ، وتَقَطَّعَت أوصالُهُم مِن مَحَبَّتى، يا داودُ ، هذِهِ إرادَتى فِى المُدبِرينَ عَنّى ، فَكَيفَ إرادَتى فِى المُقبِلينَ عَلَىَّ ؟! يا داودُ ، أحوَجُ ما يَكونُ العَبدُ إلَىَّ إذَا استَغنى عَنّى ، وأرحَمُ ما أكونُ بِعَبدى إذا أدبَرَ عَنّى ، وأجَلُّ مايَكونُ عَبدى إذا رَجَعَ إلَىَّ . (2)

روضه المحبّين ونزهه المشتاقين : قيلَ أوحَى اللّه ُ تَعالى إلى داودَ عليه السلام : قُل لِشُبّانِ بَنى إسرائيلَ : لِمَ تَشغَلونَ نُفوسَكُم بِغَيرى وأنَا مُشتاقٌ إلَيكُم؟ ما هذَا الجَفاءُ ؟! ولَو يَعلَمُ المُدبِرونَ عَنّى كَيفَ انتِظارى لَهُم ورِفقى بِهِم ومَحَبَّتى لِتَركِ مَعاصيهِم لَماتوا شَوقا إلَىَّ، وَانقَطَعَت أوصالُهُم مِن مَحَبَّتى ، هذِهِ إرادَتى لِلمُدبِرينَ عَنّى ، فَكَيفَ إرادَتى لِلمُقبِلينَ عَلَىَّ ؟!. (3)

.

1- .مسكّن الفؤاد : 27 ، المحجّه البيضاء: 8 / 58 ، بحار الأنوار : 70 / 26 / 28 .
2- .المحجّه البيضاء: 8 / 62.
3- .روضه المحبّين ونزهه المشتاقين : 437.

مسکّن الفؤاد در اخبار داوود علیه السلام آمده : ای داوود ! به اهل زمینِ من خبر ده که من ، دوستدار کسی هستم که دوستم بدارد ، و همنشینِ کسی هستم که با من همنشینی کند ، و مونس کسی هستم که با یاد منِ اُنس گیرد ، و همراه کسی هستم که با من همراهی کند ، و برگزیننده کسی هستم که مرا برگزیند ، و مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند . هر که به یقین بدانم که دوستم می دارد ، او را می پذیرم و چنان دوستش خواهم داشت که هیچ یک از خلقم بر او پیشی نخواهد گرفت. هر که مرا به حق بجوید ، مرا خواهد یافت و هر که جز مرا بجوید ، مرا نخواهد یافت . ای زمینیان! فریب هایی را که بر آن هستید ، بِهِلید و به سوی کرامت ، همراهی ، همنشینی و همدمی من بشتابید و با منِ اُنس گیرید ، تا با شما اُنس گیرم و به دوستی شما بشتابم.

المحجّه البیضاء از وحی خداوند به داوود علیه السلام : ای داوود! اگر آنان که از من رویگردان شده اند ، می دانستند که چگونه در انتظارشان هستم و چه مهری نسبت به آنان دارم و چه قدر مشتاقم که معصیتشان را ترک کنند ، از اشتیاق من می مردند و در راه محبّتم ، بند از بندشان جدا می شد . ای داوود ! این اراده من است درباره کسانی که از من رویگردان شده اند . پس اراده ام درباره روی آورندگان به من ، چگونه است ؟ ای داوود ! بیشترین نیاز بنده به من ، هنگامی است که از من احساس بی نیازی کند . بیشترین مهربانی من به بنده ، هنگامی است که از من رویگردان شود و بیشترین ارجمندی بنده ام نزد من ، هنگامی است که به سوی من بازگردد .

روضه المحبین ونزهه المشتاقین نیز از وحی خداوند به داوود علیه السلام : به جوانان بنی اسرائیل بگو : چرا خود را به دیگری مشغول می دارید ، حال آن که من مشتاق شما هستم ؟ این جفا چیست ؟ اگر آنان که از من رویگردان شده اند ، می دانستند که چگونه در انتظارشان هستم و چه مهری نسبت به آنان دارم و چه قدر مشتاقم که معصیتشان را ترک کنند ، از اشتیاق من می مردند و در راه محبّتم ، بند از بندشان جدا می شد . این ، اراده من است درباره کسانی که از من رویگردان شده اند . پس اراده ام درباره روی آورندگان به من ، چگونه است؟

.

إرشاد القلوب : إنَّ اللّهَ تَعالى أنزَلَ فى بَعضِ كُتُبِهِ : عَبدى ، أنَا وحَقّى لَکَ مُحِبٌّ ، فَبِحَقّى عَلَيکَ کُن لى مُحِبّا . (1)

1 / 5أحِبُّوا اللّهَ وحَبِّبوهُ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أحِبُّوا اللّهَ لِما يَغذوکُم بِهِ مِن نِعَمِهِ ، وأحِبّونى لِحُبِّ اللّهِ عز و جل ، وأحِبّوا أهلَ بَيتى لِحُبّى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : أحِبّوا مَن أحَبَّ اللّهَ ، أحِبّوا اللّهَ مِن کُلِّ قُلوبِکُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : حَبِّبُوا اللّهَ إلى عِبادِهِ يُحِبَّکُمُ اللّهُ . (4)

.

1- .إرشاد القلوب : 171 .
2- .الأمالى للصدوق : 446 / 597 عن ابن عبّاس ، الأمالى للطوسى : 278 / 531 عن عيسى بن أحمد عن الإمام الهادى عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله، بشاره المصطفى: 132 عن عمر بن أبى موسى عن عيسى بن أحمد عن الإمام الهادى عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله و ص 237 ، علل الشرايع : 139 / 1 كلاهما عن ابن عبّاس وفى الثلاثه الأخيره «يغدوكم» بدل «يغذوكم» ، بحار الأنوار : 27 / 76 / 5 و ج 70 / 14 / 1 ؛ سنن الترمذى : 5 / 664 / 3789 ، المستدرک على الصحيحين: 3/162/4716 ، شُعب الإيمان : 1 / 366 / 408 ، المعجم الكبير : 3 / 46 / 2639 وج10/281/10664 وفيهما «يغدوكم» بدل «يغذوكم» وكلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال: 12/95/34150 .
3- .دلائل النبوّه للبيهقى : 2 / 525 عن أبى سلمه ابن عبدالرحمن بن عون ، السيره النبويّه لابن هشام : 2 / 147 عن ابن إسحاق وفيه «ما أحبّ» بدل «من أحبّ» ، كنز العمّال : 16 / 124 / 44147 نقلاً عن هنّاد عن أبى سلمه بن عبدالرحمن بن عوف .
4- .المعجم الكبير: 8/91/7461 و ح 7462، مسند الشاميّين: 2/63/925، الفردوس: 2/130/2659 وفيه «حبّبوا إلى اللّه عز و جل عباده» بدل «حبّبوا اللّه إلى عباده» ، كنز العمّال : 15 / 777 / 43064 نقلاً عن الضياء وكلّها عن أبى أمامه .

إرشاد القلوب : خداوند متعال در یکی از کتاب هایش چنین نازل کرده است : «بنده ام ! به حقّ خودم سوگند که من تو را دوست دارم . پس به حقّ خودم بر تو ، سوگندت می دهم که مرا دوست بدار» .

1 / 5خدا را دوست بدارید و محبوب دیگران سازید رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدا را به سبب نعمت هایی که به شما بخشیده است ، دوست بدارید . مرا به سبب دوستی خدای عز و جل دوست بدارید و اهل بیتم را برای دوستی من ، دوست بدارید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : آن که خدا را دوست می دارد ، دوستش بدارید و خدا را با همه قلبتان دوست بدارید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدا را محبوب بندگانش کنید ، تا خدا شما را دوست بدارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل لِداودَ عليه السلام : أحبِبنى ، وحَبِّبنى إلى خَلقى . قالَ : يا رَبِّ ، نَعَم أنَا اُحِبُّکَ ، فَکَيفَ اُحَبِّبُکَ إلى خَلقِکَ ؟ قالَ : اُذکُر أيادِيَّ عِندَهُم ؛ فَإنَّکَ إذا ذَکَرتَ لَهُم ذلِکَ أحَبّونى (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ داودَ عليه السلام قالَ فيما يُخاطِبُ رَبَّهُ عز و جل : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِکَ أحَبُّ إلَيکَ ، اُحِبُّهُ بِحُبِّکَ ؟ قالَ : يا داودُ ، أحَبُّ عِبادى إلَىَّ نَقِيُّ القَلبِ ، نَقِىُّ الکَفَّينِ ، لا يَأتى إلى أحَدٍ سوءا ، ولا يَمشى بِالنَّميمَهِ ، تَزولُ الجِبالُ ولا يَزولُ ، وأحَبَّنى ، وأحَبَّ مَن يُحِبُّنى ، وحَبِّبنى إلى عِبادى . قالَ : يا رَبِّ ، إنَّکَ لَتَعلَمُ أنّى اُحِبُّکَ ، واُحِبُّ مَن يُحِبُّکَ ، فَکَيفَ اُحَبِّبُکَ إلى عِبادِکَ ؟ قالَ : ذَکِّرهُم بِآياتى وبَلائى ونَعمائى . (3)

الإمامُ الباقرُ عليه السلام : أوْحى اللّهُ تعالى إلى موسى عليه السلام : أحبِبنى وحَبِّبنى إلى خَلقى . قالَ موسى : يا رَبِّ ، إنّکَ لَتَعلَمُ أنَّهُ لَيسَ أحَدٌ أحَبَّ إلَىَّ مِنکَ ، فکيفَ لِى رَبّى بِقُلوبِ العِبادِ ؟ فأوحى اللّهُ تعالى إلَيهِ : فَذَکِّرهُم نِعمَتى وآلائى ، فإنَّهُم لا يَذْکرونَ مِنّى إلاّ خَيرا (4) .

.

1- .أبو محمّد الجريرى : سمعت أبا سعيد الخزّاز يقول فى معنى قول النبىّ صلى الله عليه و آله : «جبلت القلوب على حبّ من أحسن إليها» : وا عجبا ممّن لم يرَ محسنا غير اللّه ، كيف لا يميل بكلّيته إليه (تاريخ بغداد : 4 / 277) .
2- .قصص الأنبياء : 205 / 266 عن إسرائيل رفعه ، بحار الأنوار : 70 / 22 / 19 ؛ روضه المحبّين ونزهه المشتاقين : 419 نحوه وفيه «قال: تذكرنى عندهم ، فإنّهم لا يذكرون منّى إلاّ الحسن» .
3- .شُعب الإيمان : 6 / 119 / 7668 ، الفردوس : 3 / 195 / 4543 نحوه وكلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 15 / 872 / 43467 نقلاً عن ابن عساكر .
4- .قصص الأنبياء : 161 / 179 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جلبه داوود علیه السلامفرمود : «مرا دوست بدار و محبوب خلقم گردان» . داوود گفت : پروردگارا ! آری ، من تو را دوست دارم؛ امّا چگونه تو را محبوب خلقت گردانم ؟ فرمود : «نعمت هایی را که به آنان داده ام ، یادآور شو ؛ زیرا اگر خوبی هایم را یادآورشان شوی ، مرا دوست خواهند داشت» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : داوود علیه السلامدر گفتگویش با پروردگار گفت : پروردگارا ! کدام بنده ات در نزدت محبوب تر است ، تا او را به سبب دوستی ات، دوست بدارم ؟ فرمود : «ای داوود ! محبوب ترین بنده ام نزد من ، شخص پاک دلِ پاک دستی است که به کسی بدی نمی رساند و سخن چینی نمی کند . کوه ها از جای کنده می شوند ؛ امّا او ثابت است . مرا دوست می دارد و آن را که مرا دوست بدارد نیز دوست می دارد و مرا محبوب بندگانم می گرداند» . داوود علیه السلام گفت : پروردگارا ! تو نیک می دانی که من دوستت دارم و آن را که دوستت بدارد نیز دوست می دارم؛ امّا چگونه تو را محبوب گردانم ؟ فرمود : «آیات ، نعمت ها و عطای مرا به آنان یادآوری کن» .

امام باقر علیه السلام : خدای تعالی به موسی علیه السلاموحی فرمود: «مرا دوست بدار و محبوب بندگانم گردان» . موسی عرض کرد : پروردگارا ! تو می دانی که هیچ کس را بیشتر از تو دوست نمی دارم ؛ اما پروردگارا ! بادل های بندگان چه کنم ؟ خدای تعالی به او وحی فرمود : «نعمت ها و نیکی هایم را به آنان یادآور شو؛ زیرا که آنان جز خوبی از من ندیده اند و به یاد ندارند» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام : أوحَى اللّهُ عز و جل إلى موسى عليه السلام :حَبِّبنى إلى خَلقى ، وحَبِّبِ الخَلقَ إلَىَّ . قالَ : يا رَبِّ كَيفَ أفعَلُ ؟ قالَ : ذَكِّرهُم آلائى ونَعمائى لِيُحِبّونى ، فَلَئِن تَرُدَّ آبِقا عَن بابى أو ضالاً عَن فِنائى أفضَلُ لَکَ مِن عِبادَهِ مِائَهِ سَنَهٍ بِصِيامِ نَهارِها وقِيامِ لَيلِها . (1)

إرشاد القلوب : أوحَى اللّهُ إلى موسى : ذَكِّر خَلقى نَعمائى ، وأحسِن إلَيهِم ، وحَبِّبنى إلَيهم ؛ فَإِنَّهُم لا يُحِبّونَ إلاّ مَن أحسَنَ إلَيهِم . (2)

شُعب الإيمان عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُكُم عَن أقوامٍ لَيسوا بِأنبِياءَ ولا شُهَداءَ ، يَغبِطُهُم يَومَ القِيامَهِ الأَنبِياءُ وَالشُّهَداءُ بِمَنازِلِهِم مِنَ اللّهِ عز و جل ، عَلى مَنابِرَ مِن نورٍ يَكونونَ عَلَيها ؟ قالوا : مَن هُم ؟ قال : الَّذينَ يُحَبِّبونَ عِبادَ اللّهِ إلَى اللّهِ ، ويُحَبِّبونَ اللّهَ إلى عِبادِهِ ، وهُم يَمشونَ عَلَى الأَرضِ نُصَحاءَ . قالَ : قُلنا : يُحَبِّبونَ اللّهَ إلى عِبادِ اللّهِ ، فَكَيفَ يُحَبِّبونَ عِبادَ اللّهِ إلَى اللّهِ ؟! قالَ : يَأمُرونَهُم بِحُبِّ اللّهِ ، ويَنهَونَهُم (يَعنى عَمّا كَرِهَ اللّهُ) ، فَإِذا أطاعوهُم أحَبَّهُمُ اللّهُ . (3)

.

1- .تنبيه الخواطر : 2 / 108 ، منيه المريد : 116 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام : 342 / 219 ، بحارالأنوار : 2 / 4 / 6 .
2- .إرشاد القلوب : 116 .
3- .شُعب الإيمان : 1 / 367 / 409 ، كنز العمّال : 3 / 75 / 5565 نقلاً عن أبى سعيد النقّاش فى معجمه وابن النجّار ؛ روضه الواعظين : 17 ، مشكاه الأنوار : 136 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 2 / 24 / 73 .

امام سجاد علیه السلام : خداوند عز و جل به موسی علیه السلاموحی کرد : «مرا محبوب خلقم گردان و خلقم را محبوب من گردان» . موسی علیه السلام گفت : پروردگارا ! چگونه این کار را انجام دهم ؟ فرمود : «نعمت ها و عطاهای مرا به آنان یادآوری کن ، تا مرا دوست بدارند ، که اگر شخصِ گریزان از درگاهم و یا گم شده از آستانم را بازگردانی و هدایت نمایی ، از عبادت صد ساله ای که روزهایش را روزه دار و شب هایش را شب زنده دار باشی ، برایت برتر است» .

إرشاد القلوب : خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد : «نعمت هایم را به خلقم یادآوری کن ، به آنان نیکی نما و مرا محبوبشان گردان ، که آنان ، جز کسی را که به آنان نیکی نموده است ، دوست نمی دارند» .

شُعَبُ الإیمان به نقل از انس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «هان ! شما را از مردمی که نه پیامبرند و نه شهید ، و لیکن روز قیامت بر منبرهایی از نور قرار دارند و پیامبران و شهیدان به منزلتشان نزد خداوند عز و جل رشک می برند ، باخبر کنم ؟» . [اصحاب] گفتند : آنان کیستند ؟ فرمود : «کسانی که بندگان خدا را نزد خدا محبوب می گردانند و خدا را محبوب بندگانش می سازند و خیرخواهانه بر زمین گام می زنند» . پرسیدیم : «خدا را محبوب بندگان خدا می گردانند [، روشن است] ؛ امّا چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می گردانند ؟ فرمود : «به آنان فرمان می دهند تا خدا را دوست بدارند و از آنچه خداوند ناخوش می دارد ، بازشان می دارند و [بندگان خدا]چون از این آمران و ناهیانْ اطاعت کردند ، خداوند ، دوستشان خواهد داشت» .

.

1 / 6غايَةُ آمالِ المُحِبّينَ فاطمه بنت رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعائِها : يا أكرَمَ الأكرَمينَ ، ومُنتَهى اُمنِيَّهِ السّائِلينَ ، أنتَ مَولاىَ ، فَتَحتَ لى بابَ الدُّعاءِ وَالإِنابَهِ ، فَلا تُغلِق عَنّى بابَ القَبولِ وَالإِجابَهِ . (1)

الإمام الحسين عليه السلام فى دُعاءِ يَومِ عَرَفَهَ : اللّهُمَّ يا مَن مَلَکَ فَقَدَرَ ، وقَدَرَ فَقَهَرَ، وعُصِىَ فَسَتَرَ، وَاستُغفِرَ فَغَفَرَ، يا غايَهَ الطّالِبينَ ، ومُنتَهى أمَلِ الرّاجينَ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعاءِ يَومِ عَرَفَهَ : يا أمَلى ، يا رَجائى ، يا خَيرَ مُستَغاثٍ ، يا أجوَدَ المُعطينَ ، يا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ ، يا سَيِّدى ومَولاىَ ورجَائى وثِقَتى ومُعتَمَدى ، ويا ذُخرى وظَهرى وعُدَّتى وغايَهَ أمَلى ورَغبَتى . (3)

عنه عليه السلام فى مُناجاتِهِ : إلهى ... يا مُنتَهى أمَلِ الآمِلينَ ، ويا غايَهَ سُؤلِ السّائِلينَ ، ويا أقصى طَلِبَهِ الطّالِبينَ ، ويا أعلى رَغبَهِ الرّاغِبينَ ... لَکَ تَخَضُّعى وسُؤالى ، وإلَيکَ تَضَرُّعى وَابتِهالى . (4)

عنه عليه السلام: أتُحرِقُنى بِالنّارِ يا غايَهَ المُنى؟ !فَأَينَ رَجائى ! ثُمَّ أينَ مَحَبَّتى ! (5)

.

1- .فلاح السائل : 175.
2- .البلد الأمين : 257 عن بشر وبشير ابنى غالب الأسدى.
3- .إقبال الأعمال : 2 / 108 .
4- .بحار الأنوار : 94 / 150 .
5- .المناقب لابن شهر آشوب : 4 / 151 عن طاووس الفقيه.

1 / 6غایت آرزوی دوستداران فاطمه علیهاالسلام در دعایش : ای گرامی ترینِ گرامیان و نهایتِ آرزوی خواستاران ! تو سرور منی که درِ دعا و توبه را برای من گشودی. پس درِ قبول و اجابت دعا را بر من مبند .

امام حسین علیه السلام در دعای روز عَرَفه : بارالها ! ای آن که مالک و توانا بود ؛ و توانایی ورزید و مقهور ساخت ؛ و مورد عصیان قرار گرفت ، امّا پوشاند ؛ و از او درخواست آمرزش شد ، پس آمرزید ! ای مقصود جویندگان و نهایت آرزوی امیدواران !

امام سجّاد علیه السلام در دعای روز عَرَفه : ای آرزویم ! ای امیدم ! ای بهترین فریادرس ! ای بخشنده ترینِ بخشندگان ! ای آن که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است ! ای سرورم ، مولایم ، امیدم ، تکیه گاهم و مایه اطمینانم ! ای پشتوانه و پشتیبان و ساز و برگ و نهایت آرزو و خواسته ام !

امام سجّاد علیه السلام : بارالها ! . . . ای نهایت آرزوی آرزومندان ! ای نهایت درخواستِ درخواست کنندگان ! ای غایت خواسته خواستاران ! ای والاترین امیدِ امیدواران ! ... فروتنی ام برای تو و درخواستم از توست و مویه و زاری ام به سوی توست .

امام سجّاد علیه السلام : ای منتهای آرزو ! آیا مرا به آتش می سوزانی ؟ / پس امیدم چه می شود ؟ پس آن گاه ، دوستی ام چه می شود ؟

ر . ک : ص 377 (کاملان در خدا دوستی)؛ ص 631 (دیدار خدا) .

.

1 / 7أطيَبُ شَىءٍ فِى الجَنَّهالكتاب(وَرِضْوَ نٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) . (1)

الحديث الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ أطيَبَ شَىءٍ فِى الجَنَّهِ وألَذَّهُ حُبُّ اللّه ِ ، وَالحُبُّ فِى اللّه ِ ، وَالحَمدُ للّه ِ . (2)

تفسير العيّاشى عن ثوير عن الإمام زين العابدين عليه السلام : إذا صارَ أهلُ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ ، ودَخَلَ وَلِىُّ اللّه ِ إلى جَنّاتِهِ ومَساكِنِهِ . . . ثُمَّ إنَّ الجَبّارَ يُشرِفُ عَلَيهِم فَيَقولُ لَهُم : أولِيائى وأهلَ طاعَتى وسُكّانَ جَنَّتى فى جِوارى ، ألا هَل اُنَبِّئُكُم بِخَيرٍ مِمّا أنتُم فيهِ ؟ فَيَقولونَ : رَبَّنا وأىُّ شَىءٍ خَيرٌ مِمّا نَحنُ فيهِ ! [نَحنُ] فيمَا اشتَهَت أنفُسُنا ولَذَّت أعيُنُنا مِنَ النَّعَمِ ، فى جِوارِ الكَريمِ . قالَ : فَيَعودُ عَلَيهِمُ القَولَ ، فَيَقولونَ : رَبَّنا نَعَم ، فَأتِنا بِخَيرٍ مِمّا نَحنُ فيهِ . فَيَقولُ لَهُم تَبارکَ وتَعالى : رِضاىَ عَنكُم ومَحَبَّتى لَكُم خَيرٌ وأعظَمُ مِمّا أنتُم فيهِ . قالَ : فَيَقولونَ : نَعَم يا رَبَّنا ، رِضاکَ عَنّا ومَحَبَّتُکَ لَنا خَيرٌ لَنا وأطيَبُ لِأنفُسِنا . ثُمَّ قَرَأ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام هذِهِ الآيَهَ : «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَت جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الأنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا وَمَسَكِنَ طَيِّبَهً فِى جَنَّتِ عَدْنٍ وَرِضْوَ نٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (3) . (4)

.

1- .التوبه : 72 .
2- .مصباح الشريعه : 527 ، بحار الأنوار : 69 / 251 / 30 .
3- .التوبه : 72 .
4- .تفسير العيّاشى : 2 / 96 / 88 عن ثوير ، بحار الأنوار : 8 / 140 / 57 .

1 / 7بهترین لذّت در بهشتقرآن(خشنودی خدا ، بزرگ تر [از سایر لذّت های بهشت]است . این ، همان رستگاری بزرگ است) .

حدیث امام علی علیه السلام : بهترین و لذیذترین چیز در بهشت ، دوستی خدا ، دوستی در راه خدا و ستایشِ خداست .

تفسیر العیّاشی به نقل از ثُوَیر : امام سجّاد علیه السلامفرمود : چون بهشتیان به بهشت درآیند و دوست خدا به بهشت ها و مسکن های خود درآید ... ، آن گاه ، خدای جبّار بر آنان می نگرد و به آنان می گوید : «ای دوستانم و اهل طاعتم و ساکنان بهشتم در جوار من! هان ! شما را از چیزی باخبر کنم که از آنچه در آن هستید ، بهتر است ؟» . پس آنان می گویند : پروردگارا ! چه چیز از آنچه ما در آن هستیم ، بهتر است ، حال آن که ما در جایی هستیم که هرچه جان هایمان از نعمت ها بخواهد و چشمانمان لذّت ببرد ، در جوار خدای کریم ، فراهم است ؟ خداوند ، پرسش خود را تکرار می کند و آنان می گویند : «آری ! به ما بهتر از آنچه در آن هستیم را بنما» . پس خداوند متعال می گوید : «خشنودی ام از شما و دوستی ام با شما ، بهتر و بزرگ تر از چیزی است که در آن هستید» . پس می گویند : پروردگارا ! آری ، خشنودی ات از ما و دوستی ات با ما ، برای ما بهتر و شیرین تر است . آن گاه ، امام سجّاد علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود : «خداوند به مردان و زنان مؤمن ، باغ هایی وعده داده است که از زیر آنها ، نهرها جاری است و در آنها ، جاودانه خواهند بود و [نیز]سراهایی پاکیزه در بهشت هایی جاودان . و [البته] خشنودی خدا ، بزرگ تر است . این ، همان رستگاری بزرگ است» .

.

ص: 402

. .

. .

الفصل الثانى: مبادئ محبَّه اللّه 2 / 1رَحمَهُ اللّهِ الكتاب(وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَنَ وَ زَيَّنَهُو فِى قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُوْلَئکَ هُمُ الرَّ شِدُونَ) . (1)

الحديث الإمام علىّ عليه السلام فى فَضلِ الإِسلامِ : ثُمَّ إنَّ هذَا الإِسلامَ دينُ اللّهِ الَّذِى اصطَفاهُ لِنَفسِهِ ، وَاصطَنَعَهُ عَلى عَينِهِ ، وأصفاهُ خِيَرَةَ خَلقِهِ ، وأقامَ دَعائِمَهُ عَلى مَحَبَّتِهِ . (2)

عنه عليه السلام : إذا أكرَمَ اللّهُ عَبدا شَغَلَهُ بِمَحَبَّتِهِ . (3)

.

1- .الحجرات : 7.
2- .نهج البلاغه : الخطبه 198 ، بحار الأنوار : 68 / 344 / 16 .
3- .غرر الحكم : 4080 .

فصل دوم : عوامل خدا دوستی

2 / 1 رحمت خدا

فصل دوم : عوامل خدا دوستی2 / 1رحمت خداقرآن(ولیکن خدا ، ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل هایتان بیاراست و کفر و فسق و گناه را ناخوشایندتان گرداند . آنها [که چنین اند] ، راه یافتگان اند) .

حدیث امام علی علیه السلام درباره برتری اسلام : وانگهی این اسلام ، آیین خداست که آن را برای خود برگزید و بر دیده اش پرورید و بهترینِ آفریدگانش را ویژه [ابلاغ]آن گرداند و ستون هایش را بر دوستی خود ، استوار کرد .

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند ، بنده ای را گرامی بدارد ، او را به دوستیِ خود مشغول می سازد .

.

عنه عليه السلام : إنَّ للّه ِ تَعالى شَرابا لِأَولِيائِهِ ، إذا شَرِبوا سَكِروا ، وإذا سَكِروا طَرِبوا ، وإذا طَرِبوا طابوا ، وإذا طابوا ذابوا ، وإذا ذابوا خَلَصوا ، وإذا خَلَصوا طَلَبوا ، وإذا طَلَبوا وَجَدوا ، وإذا وَجَدوا وَصَلوا ، وإذا وَصَلُوا اتَّصَلوا ، وإذَا اتَّصَلوا لا فَرقَ بَينَهُم وبَينَ حَبيبِهِم . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى التَّحميدِ للّه ِ عز و جل : اِبتَدَعَ بِقُدرَتِهِ الخَلقَ ابتِداعا ، وَاختَرَعَهُم عَلى مَشِيَّتِهِ اختِراعا ، ثُمَّ سَلَكَ بِهِم طَريقَ إرادَتِهِ ، وبَعَثَهُم فى سَبيلِ مَحَبَّتِهِ . (2)

2 / 2مَعرِفَةُ اللّه ِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا مَن هُوَ غايَةُ مُرادِ المُريدينَ ، يا مَن هُوَ مُنتَهى هِمَمِ العارِفينَ ، يا مَن هُوَ مُنتَهى طَلَبِ الطّالِبينَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فِى صِفَهِ المَلائِكَهِ : ثُمَّ خَلَقَ سُبحانَهُ لاِءِسكانِ سَماواتِهِ وعِمارَهِ الصَّفيحِ الأَعلى مِن مَلَكوتِهِ خَلقا بَديعا مِن مَلائِكَتِهِ . . . قَدِ استَفرَغَتهُم أشغالُ عِبادَتِهِ ، ووَصَلَت حَقائِقُ الإِيمانِ بَينَهُم وبَينَ مَعرِفَتِهِ ، وقَطَعَهُم الإِيقانُ بِهِ إلَى الوَلَهِ إلَيهِ ، ولَم تُجاوِز رَغَباتُهُم ما عِندَهُ إلى ما عِندَ غَيرِهِ ، قَد ذاقوا حَلاوَهَ مَعرِفَتِهِ ، وشَرِبوا بِالكَأسِ الرَّوِيَّهِ مِن مَحَبَّتِهِ . (4)

.

1- .التحفه السنيّه للفيض الكاشانى: 86 ، ده رساله للفيض : 242 نحوه ، وفى مصابيح القلوب : 173 «فإذا شربوا طلبوا وإذا طلبوا طربوا وإذا طربوا طاروا وإذا طاروا وصلوا وإذا وصلوا انفصلوا وإذا انفصلوا اتّصلوا، وإذا اتّصلوا خلصوا» وفى المثنوى لجلال الدين الرّومى: 1074 «إنّ للّه تعالى شرابا أعدّه لأوليائه...» ولم نجده فى المصادر الأوّليه .
2- .الصحيفه السجّاديه : 19 الدعاء 1 .
3- .البلد الأمين : 411 ، مصباح الكفعمى : 348 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 91 ، بحار الأنوار : 57 / 109 / 90 و ج 77 / 320 / 17 .

امام علی علیه السلام : خداوند متعال را برای دوستانش شرابی است که هرگاه بنوشند، مست شوند و چون مست شوند ، به طرب در آیند و چون به طرب در آیند ، شیرین گردند و چون شیرین گردند ، ذوب شوند و چون ذوب شوند ، خالص شوند و چون خالص شوند ، بجویند و چون بجویند ، بیابند و چون بیابند ، برسند و چون برسند ، بپیوندند و چون بپیوندند ، میانشان و میان محبوبشان تفاوتی بر جای نمانَد .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش در ستایش خدای عز و جل : خلق را با قدرت خود ، بی هیچ سابقه ای بیافرید و آنان را بر طبق مشیّت خود ، صورت داد . سپس آنان را در راه اراده اش پیش برد و در راه دوستی اش برانگیخت .

2 / 2شناخت خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای جوشن کبیر : ای آن که نهایت خواسته خواستاران است ! ای آن که منتهای همّت عارفان است ! و ای آن که منتهای جستن جویندگان است !

امام علی علیه السلام در وصف ملائکه : آن گاه خداوند سبحان ، برای جای دادن در آسمان هایش و آباد کردن بخش برین ملکوتش ، آفریدگانی نوپدید از ملائکه اش بیافرید . . . اشتغال به عبادتش ، آنان را از هر چیز دیگر بازداشته است و حقایق ایمان ، آنان را به معرفت پروردگارشان پیوند داده است و یقین به او ، آنان را از دیگران بریده و شیفته او ساخته است و خواسته هایشان از آنچه نزد اوست ، به آنچه نزد دیگری است ، درنمی گذرد . آنان ، شیرینی معرفتش را چشیده و از جام لبریز محبّتش نوشیده اند .

.

عنه علیه السلام : الشَّوقُ خُلصانُ العارِفینَ . (1)

عنه علیه السلام : الشَّوقُ شیمَهُ الموقِنینَ . (2)

عنه علیه السلام فی دُعائِهِ : یا غایَهَ آمالِ العارِفینَ ، یا غِیاثَ المُستَغیثینَ ، یا حَبیبَ قُلوبِ الصّادِقینَ . (3)

عنه علیه السلام : سَهَرُ العُیونِ بِذِکرِ اللّه ِ خُلصانُ العارِفینَ ، وحُلوانُ المُقَرَّبینَ . (4)

بحار الأنوار عن نوف البکالیّ : رَأَیتُ أمیرَ المُؤمِنینَ صَلَواتُ اللّه ِ عَلَیهِ مُوَلِّیا مُبادِرا ، فَقُلتُ : أینَ تُریدُ یا مَولایَ ؟ فَقالَ : دَعنی یا نَوفُ ، إنَّ آمالی تُقَدِّمُنی فِی المَحبوبِ . فَقُلتُ : یا مَولایَ ، وما آمالُکَ؟ قالَ : قَد عَلِمَهَا المَأمولُ ، وَاستَغنَیتُ عَن تَبیینِها لِغَیرِهِ ، وکَفی بِالعَبدِ أدَبا أن لا یُشرِکَ فی نِعَمِهِ وأرَبِهِ غَیرَ رَبِّهِ . فَقُلتُ : یا أمیرَ المُؤمِنینَ ، إنّی خائِفٌ عَلی نَفسی مِنَ الشَّرَهِ وَالتَّطَلُّعِ إلی طَمَعٍ مِن أطماعِ الدُّنیا . فَقالَ لی : وأینَ أنتَ عَن عِصمَهِ الخائِفینَ وکَهفِ العارِفینَ؟! فَقُلتُ : دُلَّنی عَلَیهِ ؟ قالَ : اللّهُ العَلِیُّ العَظیمُ ، تَصِلُ أمَلَکَ بِحُسنِ تَفَضُّلِهِ ، وتُقبِلُ عَلَیهِ بِهَمِّکَ ، وأعرِضِ عَنِ النّازِلَهِ فی قَلبِکَ ، فَإن أجَّلَکَ بِها فَأنَا الضّامِنُ مِن مَوردِها ، وَانقَطِع إلَی اللّه ِ سُبحانَهُ فَإنَّهُ یَقولُ : «وَعِزَّتیوجَلالیلاُقَطِّعَنَّ أمَلَ کُلِّ مَن یُؤَمِّلُ غَیری بِالیَأسِ، ولَأکسُوَنَّهُ ثَوبَ المَذَلَّهِ فِی النّاسِ ، ولاُبَعِّدَنَّهُ مِن قُربی ، ولاُقَطِّعَنَّهُ عَن وَصلی ، ولاُخمِلَنَّ ذِکرَهُ حینَ یَرعی غَیری، أیُؤَمِّلُ وَیلَهُ لِشَدائِدِهِ غَیری وکَشفُ الشَّدائِدِ بِیَدی؟! ویَرجو سِوایَ وأنَا الحَیُّ الباقی ؟! ویَطرُقُ أبوابَ عِبادی وهِیَ مُغلَقَهٌ ویَترُکُ بابی وَهُوَ مَفتوحٌ ؟! فَمَن ذَا الَّذی رَجانی لِکَثیرِ جُرمِهِ فَخَیَّبتُ رَجاءَهُ؟! جَعَلتُ آمالَ عِبادی مُتَّصِلَهً بی ، وجَعَلتُ رَجاءَهُم مَذخورا لَهُم عِندی ، ومَلَأتُ سَماواتی مِمَّن لا یَمَلُّ تَسبیحی ، وأمَرتُ مَلائِکَتی أن لا یُغلِقُوا الأبوابَ بَینی وبَینَ عِبادی . أَلَم یَعلَم مَن قَدَحَتهُ نائِبَهٌ مِن نَوائِبی أن لا یَملِکَ أحَدٌ کَشفَها إلاّ بِإذنی ؟! فَلِمَ یُعرِضُ العَبدُ بِأمَلِهِ عَنّی وقَد أعطَیتُهُ ما لَم یَسأَلنی ؟! فَلَم یَسألنی وسَألَ غَیری ، أفَتَرانی أبتَدِئُ خَلقی مِن غَیرِ مَسأَلَهٍ ثُمَّ اُسألُ فَلا اُجیبُ سائِلی؟ أبَخیلٌ أنَا فَیُبَخِّلُنی عَبدی ؟! أوَلیسَ الدُّنیا وَالآخِرَهُ لی ؟! أوَلَیسَ الکَرَمُ وَالجودُ صِفَتی ؟! أوَلَیسَ الفَضلُ وَالرَّحمَهُ بِیَدی ؟! أوَلَیسَ الآمالُ لایَنتَهی إلاّ إلَیَّ ؟! فَمَن یَقطَعُها دونی ، وما عَسی أن یُؤَمِّلَ المُؤَمِّلونَ مَن سِوایَ ! وعِزَّتی وجَلالی ، لَو جَمَعتُ آمالَ أهلِ الأرضِ وَالسَّماءِ ثُمَّ أعطَیتُ کُلَّ واحِدٍ مِنهُم ، ما نَقَصَ مِن مِلکی بَعضُ عُضوِ الذَّرَّهِ ، وکَیفَ

يَنقُصُ نائِلٌ أنَا أفَضتُهُ ؟ ! يا بُؤسا لِلقانِطينَ مِن رَحمَتى ! يا بُؤسا لِمَن عَصانى ! تَوَثَّبَ عَلى مَحارِمى ولَم يُراقِبنى ، وَاجتَرَأ عَلَىَّ» . ثُمَّ قالَ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ السَّلامُ لى : يا نَوفُ ادعُ بِهذَا الدُّعاءِ : «إلهى ، إن حَمِدتُکَ فَبِمَواهِبِکَ ، وإن مَجَّدتُکَ فَبِمُرادِکَ ، وإن قَدَّستُکَ فَبِقُوَّتِکَ ، وإن هَلَّلتُکَ فَبِقُدرَتِکَ ، وإن نَظَرتُ فَإلى رَحمَتِکَ ، وإن عَضَضتُ فَعَلى نِعمَتِکَ . إلهى ، إنَّهُ مَن لَم يَشغَلهُ الوَلوعُ بِذِکرِکَ ولَم يَزوِهِ السَّفَرُ بِقُربِکَ کانَت حَياتُهُ عَلَيهِ ميتَةً ، ومَيتَتُهُ عَلَيهِ حَسرَةً . إلهى تَناهَت أبصارُ النّاظِرينَ إلَيکَ بِسَرائِرِ القُلوبِ ، وطالَعَت أصغَى السّامِعينَ لَکَ نَجِيّاتِ الصُّدورِ ، فَلَم يَلقَ أبصارَهُم رَدٌّ دونَ ما يُريدونَ ، هَتَکتَ بَينَکَ وبَينَهُم حُجُبَ الغَفلَةِ ، فَسَکَنوا فى نورِکَ ، وتَنَفَّسوا بِرَوحِکَ ، فَصارَت قُلوبُهُم مغارِسا لِهَيبَتِکَ ، وأبصارُهُم ماکِفا لِقُدرَتِکَ ، وقَرُبَت أرواحُهُم مِن قُدسِکَ ، فَجالَسُوا اسمَکَ بِوَقارِ المُجالَسهِ ، وخُضوعِ المُخاطَبَهِ ، فَأقبَلتَ إلَيهِم إقبالَ الشَّفيقِ ، وأنصَتَّ لَهُمُ إنصاتَ الرَّفيقِ ، وأجَبتَهُم إجاباتِ الأحِبّاءِ ، وناجَيتَهُم مُناجاةَ الأخِلاّءِ ، فَبَلِّغ بِىَ المَحَلَّ الَّذى إلَيهِ وَصَلوا ، وَانقُلنى مِن ذِکرى إلى ذِکرِکَ ، ولا تَترُک بَينى وَبَينَ مَلَکوتِ عِزِّکَ بابا إلاّ فَتَحتَهُ ، ولا حِجابا مِن حُجُبِ الغَفلَهِ إلاّ هَتَکتَهُ ، حَتّى تُقيمَ روحى بَينَ ضِياءِ عَرشِکَ ، وتَجعَلَ لَها مَقاما نُصبَ نورِکَ ، إنَّکَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . إلهى ما أوحَشَ طَريقا لا يَکونُ رَفيقى فيهِ أمَلى فيکَ ! وأبعَدَ سَفَرا لا يَکونُ رَجائى مِنهُ دَليلى مِنکَ ! خابَ مَنِ اعتَصَمَ بِحَبلِ غَيرِکَ ، وضَعُفَ رُکنُ مَنِ استَنَدَ إلى غَيرِ رُکنِکَ . فَيا مُعَلِّمَ مُؤَمِّليهِ الأمَلَ فَيُذهِبُ عَنهُم کَآبَةَ الوَجَلِ لا تَحرِمنى صالِحَ العَمَلِ ، وَاکلَأنى کِلاءَةَ مَن فارَقَتهُ الحِيَلُ ، فَکَيفَ يَلحَقُ مُؤَمِّليکَ ذُلُّ الفَقرِ وأنتَ الغَنِىُّ عَن مَضارِّ المُذنِبينَ ؟ ! إلهى ، وإنَّ کُلَّ حَلاوَةٍ مُنقَطِعَةٌ وحَلاوَةَ الإيمانِ تَزدادُ حَلاوَتُهَا اتِّصالاً بِکَ . إلهى ، وإنَّ قَلبى قَدِ بَسَطَ أمَلَهُ فيکَ ، فَأذِقهُ مِن حَلاوَةِ بَسطِکَ إيّاهُ البُلوغَ لِما أمَّلَ ، إنَّکَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . إلهى ، أسأَلُکَ مَسأَلَةَ مَن يَعرِفُکَ کُنهَ مَعرِفَتِکَ مِن کُلِّ خَيرٍ يَنبَغى لِلمُؤمِنِ أن يَسلُکَهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَرٍّ وفِتنَةٍ أعَذتَ بِها أحِبّاءَکَ مِن خَلقِکَ ، إنَّکَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ. إلهى ، أسأَلُکَ مَسأَلَةَ المِسکينِ الَّذى قَد تَحَيَّرَ فى رَجاهُ فَلا يَجِدُ مَلجَأً ولا مَسنَدا يَصِلُ بِهِ إلَيکَ ولا يَستَدِلُّ بِهِ عَلَيکَ إلاّ بِکَ ، وبِأرکانِکَ ومَقاماتِکَ الَّتى لا تَعطيلَ لَها مِنکَ ، فَأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى ظَهَرتَ بِهِ لِخاصَّهِ أولِيائِکَ فَوَحَّدوکَ ، وعَرَفوکَ فَعَبَدوکَ بِحَقيقَتِکَ ، أن تُعَرِّفَنى نَفسَکَ ؛ لأُقِرَّ لَکَ بِرُبوبِيَّتِکَ عَلى حَقيقَهِ الإيمانِ بِکَ ولا تَجعَلنى يا إلهى مِمَّن يَعبُدُ الاِسمَ دونَ المَعنى . وَالحَظنى بِلَحظَهٍ مِن لَحَظاتِکَ تُنَوِّرُ بِها قَلبى بِمَعرِفَتِکَ خاصَّةً ومَعرِفَهِ أولِيائِکَ ، إنَّکَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ» . (5)

.

1- .غرر الحكم : 855 .
2- .غرر الحكم : 663 .
3- .مصباح المتهجّد: 847 ، إقبال الأعمال: 3/335 كلاهما عن كميل بن زياد النخعى، البلد الأمين: 190 .
4- .غرر الحكم : 5612 .
5- .بحار الأنوار: 94 / 94 96 / 12 نقلاً عن إقبال الأعمال.

امام علی علیه السلام : شوق ، دوست صمیمی عارفان است .

امام علی علیه السلام : شوق ، خوی صاحبان یقین است .

امام علی علیه السلام در دعایش : ای غایت آرزوی عارفان ! ای فریادرس کمک خواهان و ای محبوب دل های صادقان !

امام علی علیه السلام : بیداری چشمها به یاد خدا ، دوست صمیمی عارفان و شیرینی مقرّبان است .

بحار الأنوار به نقل از نوف بِکالی : امیر مؤمنان صلوات اللّه علیه را دیدم که از ما جدا شده است و می شتابد . گفتم : سرورم! قصد کجا داری ؟ فرمود : «ای نوف ! رهایم کن که آرزوهایم مرا به سوی محبوب ، پیش می برد» . گفتم : آرزوهایت چیست ؟ فرمود : «آن که مورد آرزوست ، آن را می داند و من ، بی نیاز از تبیین آن برای جز او هستم . برای بنده ، همین ادبْ بس که در نعمت ها و به هنگام نیازش کسی را شریک پروردگارش قرار ندهد» . گفتم : ای امیر مؤمنان ! من بر جان خویش از آزمندی و طمع ورزی به یکی از مطامع دنیا ترسانم . به من فرمود : «چرا به عصمتِ ترسندگان و پناه عارفان ، روی نمی آوری ؟». گفتم : مرا بدان راهنمایی کن . فرمود : «خداوند ، والای بزرگ است که با تفضّل نیکویش تو را به آرزویت می پیوندد و تو نیز یکدله به او روی می آوری . از گرفتاری ای که در دلت فرود می آید، رویگردان. پس اگر در برآوردن آرزویت به تأخیرت انداخت ، من ضامن برآوردن آن از سرچشمه اش هستم . به سوی خداوند سبحان ، [از هرچه غیر اوست ،]منقطع شو و به او بپیوند که می فرماید : به عزّت و جلالم سوگند ، امید هرکس را که به غیر من امید بندد ، ناامید خواهم کرد و در میان مردم ، بر او لباس خواری خواهم پوشاند و او را از ساحتِ قرب خود ، دور خواهم ساخت و او را از پیوستن به خویش ، ناکام خواهم نمود و چون اندیشناکِ کسی جز من باشد ، او را بی بهره خواهم کرد . وای بر او ! آیا در تنگناهایش از کسی جز من امید فریادرسی دارد ، حال آن که برطرف ساختن تنگناها به دست من است ؟ درهای بندگانم را می کوبد ، حال آن که بسته است و درِ مرا که باز است رها می کند ؟ چه کسی برای گناهان بسیارش به من امید بست و من ، امیدش را ناامید کردم ؟ آرزوهای بندگانم را به خود پیوستم ؛ امیدشان را نزد خود ، ذخیره کردم ؛ آسمان هایم را از کسی که از تسبیح گویی من ملول نمی شود ، پُر

کردم و به فرشتگانم فرمان دادم تا درهای میان من و بندگانم را نبندند. آیا آن که به بلایی گرفتار شده است، نمی داند که کسی جز به فرمان من، توان برطرف ساختن آن را ندارد؟ پس چرا بنده ام به دیگری امید می بندد ، حال آن که چیزی را که از من نخواسته به او داده ام ؟ پس چرا از من نمی طلبد و از دیگری می طلبد؟ آیا گمان می کنی من که به خلقم بی آن که درخواستی کنند ، می بخشم ، چون از من درخواست کنند، به درخواست کننده ام پاسخ مثبت نمی دهم ؟ آیا من بخیلم که بنده ام مرا بخیل می شمارد ؟ مگر دنیا و آخرت ، از آنِ من نیست ؟ مگر بخشش و کرم ، خوی من نیست ؟ مگر فضل و رحمت ، به دست من نیست ؟ مگر آرزوها سرانجام به من منتهی نمی شوند ؟ پس چه کسی آنها را از من باز می دارد ؟ و امیدواران ، از غیر من چه انتظاری می توانند داشته باشند ؟! به عزّت و جلالم سوگند ، اگر آرزوهای همه آسمانیان و زمینیان را گرد آورم و آن گاه ، امید هریک از آنان را برآورم ، از ملک من کمتر از بخشی از ذرّه ای کاسته نخواهد شد . چگونه دریافت کننده ای که من به او بخشیده ام ، کم خواهد آورد ؟ ای بیچاره آن که از رحمت من نومید می شود ! ای بیچاره آن که مرا نافرمانی می کند و بی آن که نگران باشد ، به سوی معصیت من می جهد و بر من جرئت می ورزد !». سپس حضرت علیه السلامبه من فرمود : «ای نوف ! چنین دعا کن : بارالها ! اگر تو را ستودم ، با موهبت هایت بود . اگر تو را تمجید کردم ، با اراده ات بود . اگر تو را تقدیس کردم ، با قوّتت بود . اگر ذکر لا اله الا اللّه بر زبان راندم ، با قدرتت بود . اگر نگاه کردم ، پس به سوی رحمتت بود و اگر [چیزی را]سخت در دست خود نگه داشتم ، نعمتت بود . بارالها ! هرکه شیفتگی به یادت مشغولش ندارد و سفر ، او را به تو نزدیک نسازد، زندگی اش برای او مرگی خواهد بود و مرگش، حسرتی . بارالها ! دیدگان نگرندگان با نهان دل به تو، به نهایت خود رسید و گوش های شنوندگانِ تو رازهای سینه ها را نیوشیدند . پس دیدگانشان از آنچه خواست ، محروم نگشت و تو پرده های غفلت را از میان خود و ایشان برکَندی . پس در پرتو نورت ساکن گشتند و با رحمتت دم زدند و دل هایشان کشتگاه شکوهت و دیدگانشان نگرنده قدرتت گشت و جان هایشان به قُدست نزدیک شد . پس با وقارِ همنشینی و فروتنیِ گفتگو ، همنشین نامت شدند و تو به سوی آنان روی آوردی ، روی آوردن دوست ، و به ایشان گوش فرادادی ، گوش فرادادن رفیق ، و آنان را دوست داشتی ، دوست داشتن دوستان ، و با آنان رازگویی کردی ، رازگویی دوستانِ یکدل . پس مرا به جایگاهی که آنان رسیدند ، برسان و از یاد خودم به یاد خودت منتقلم کن و میان من و ملکوت عزّت خویش ، دری مگذار ، مگر آن که آن را بگشایی ، و پرده ای از پرده های غفلت مَنِهْ ، مگر آن که آن را برکَنی ، تا آن که روحم را در روشنی عرش خویش جای

دهی و برایش مقامی برابر نورت قرار دهی که تو بر هر کاری توانایی . بارالها ! چه تهی است راهی که در آن ، امیدم به تو رفیق راهم نباشد ! چه طولانی است سفری که آرزوی راهنمایی از تو در آن نداشته باشم ! هرکه به ریسمان غیر تو چنگ زد ، ناکام ماند . هرکه به پشتیبانی جز تو پناه برد ، پشتیبانش سست گشت . پس ای آن که به امیدوارانش امید می آموزد و اندوه و ترس را از آنان می زداید ، مرا از عمل صالح، محروم مساز و مرا چونان کسی که هیچ چاره ای ندارد، حفظ کن. چگونه امیدوارانت به خواری فقر دچار می شوند ، حال آن که ضررهای گناهکاران ، به تو زیانی نمی زند ؟ بارالها ! هر شیرینی ای پایان پذیر است ، حال آن که شیرینی ایمان ، به خاطر پیوند با تو ، فزاینده است . بارالها ! قلبم امید به تو را در خود گسترد . پس شیرینی گسترش [حکومت]خویش را بر او با برآوردن امیدش ، به او بچشان که تو بر هرکاری توانایی . بارالها ! از تو درخواست می کنم درخواست کسی که تو را به شایستگی می شناسد ، هر چیزی را که کسبش سزاوار مؤمن است، و به تو پناه می آورم، از هر شَر و فتنه ای که دوستانت را در میان خَلقت ، از آن ، پناه داده ای ؛ و البته تو بر هر کاری توانایی. بارالها ! از تو درخواست می کنم ؛ درخواست مسکینی که در امیدش سرگردان شده است و پناه و دستاویزی برای رسیدن به تو نمی یابد و جز به وسیله تو و ارکان و مقامات تعطیل ناپذیرت ، به تو راه نمی برد . از تو به نامی که با آن بر اولیای خاص خود تجلّی کردی و بر اثر آن ، تو را یگانه دانستند و تو را شناختند و به حقیقتت تو را پرستیدند ، درخواست می کنم که خودت را به من بشناسانی ، تا بر اساس حقیقتِ ایمان به تو ، به پروردگاری ات اقرار کنم . بارالها ! مرا از کسانی قرار مده که تنها نام را بی[توجّه به] معنا می پرستند ، و مرا با گوشه چشمی از گوشه چشم هایت بنگر تا با آن ، قلبم را به [نور] معرفت خاص تو و معرفت اولیایت روشن گردانی ؛ و البتّه تو بر هرکاری توانایی» .

.

ص: 410

. .

ص: 411

..

ص: 412

. .

ص: 413

. .

الإمام الحسن علیه السلام : مَن عَرَفَ اللّهَ أحَبَّهُ . (1)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی مُناجاتِهِ : یا مَن آنَسَ العارِفینَ بِطولِ مُناجاتِهِ ، وألبَسَ الخائِفینَ ثَوبَ مُوالاتِهِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام : لَو یَعلَمُ النّاسُ ما فی فَضلِ مَعرِفهِ اللّهِ عز و جل ما مَدّوا أعیُنَهُم إلی ما مَتَّعَ اللّهُ بِهِ الأعداءَ مِن زَهرَهِ الحَیاهِ الدُّنیا ونَعیمِها ، وکانَت دُنیاهُم أقَل عِندَهُم مِمّا یَطَؤونَهُ بِأرجُلِهِم ، ولَنَعِموا بِمَعرِفَهِ اللّهِ جَلَّ وعَزَّ ، وتَلَذَّذوا بِها تَلَذُّذَ مَن لَم یَزَل فِی رَوضَاتِ الجِنانِ مَعَ أولِیاءِ اللّهِ . إنَّ مَعرِفَهَ اللّهِ عز و جل آنِسٌ مِن کُلِّ وَحشَهٍ ، وصاحِبٌ مِن کُلِّ وَحدَهٍ ، ونورٌ مِن کُلِّ ظُلمَهٍ ، وقُوَّهٌ مِن کُلِّ ضَعفٍ ، وشِفاءٌ مِن کُلِّ سُقمٍ . (3)

.

1- .تنبیه الخواطر : 1 / 52 .
2- .الصحیفه السجادیه (الجامعه) : 441 / 1199 .
3- .الکافی : 8 / 247 / 347 عن جمیل بن درّاج .

امام حسن علیه السلام : هرکه خدا را بشناسد ، او را دوست خواهد داشت .

امام سجّاد علیه السلام : ای آن که عارفان را با رازگویی بلند خویش ، مأنوس ساخت و بر خائفان ، لباس دوستی خود پوشاند !

امام صادق علیه السلام : اگر مردم از فضیلت شناختِ خدای عز و جل باخبر می شدند ، به نعمت ها و خوشی های زندگی دنیوی که خداوند ، دشمنان را از آن برخوردار ساخته است ، چشم نمی دوختند و دنیایشان از آنچه با گام هایشان بر آن پای می نهند نیز کمتر می شد و با نعمت معرفت خدا عز و جلمتنعّم می شدند و از آن ، لذّت می بردند ؛ لذّت بردنِ کسی که همواره در باغ های بهشت ، در کنار اولیای خداست! در حقیقت ، شناخت خدا ، مونسی در برابر هر بی کسی ، همدمی در برابر هر تنهایی ، نوری در برابر هر تاریکی ، نیرویی در برابر هر ناتوانی ، و درمانی برای هر بیماری است!

.

مصباح الشريعه : العارِفُ شَخصُهُ مَعَ الخَلقِ وقَلبُهُ مَعَ اللّهِ تَعالى ، ولَو سَهَا قَلبُهُ عَنِ اللّهِ تَعالى طَرفَةَ عَينٍ لَماتَ شَوقاً إلَيهِ . وَالعارِفُ أمينُ وَدائِعِ اللّهِ تَعالى ، وكَنزُ أسرارِه ، ومَعدِنُ نورِهِ ، ودَليلُ رَحمَتِهِ عَلى خَلقِهِ ، ومَطِيَّةُ عُلومِهِ ، وميزانُ فَضلِهِ وعَدلِهِ ، وقَد غَنِيَ عَنِ الخَلقِ وَالمُرادِ وَالدُّنيا فَلا مونِسَ لَهُ سِوَى اللّهِ ، ولا نُطقَ ولا إشارَةَ ولا نَفَسَ إلاّ بِاللّهِ تَعالى ، وللّهِ ، ومِنَ اللّهِ ، ومَعَ اللّهِ ، فَهُوَ فى رِياضِ قُدسِهِ مُتَرَدِّدٌ، ومِن لَطائِفِ فَضلِهِ مُتَزَوِّدٌ. وَالمَعرِفَةُ أصلٌ فَرعُهُ الإيمانُ. (1)

2 / 3ذِكرُ اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ أحبَّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ عز و جل أحَبَّهُ اللّهُ ، ومَن ذَكَرَ اللّهَ كَثيرا كُتِبَت لَهُ بَراءَتانِ : بَراءَةٌ مِنَ النّارِ ، وبَراءَةٌ مِنَ النِّفاقِ (3) .

.

1- .مصباح الشريعه : 519 .
2- .بحار الأنوار : 93 / 160 / 39 .
3- .الكافى : 2 / 500 / 3 عن داود بن سرحان ، الزهد للحسين بن سعيد : 55 / 148 وفيه صدره عن عبدالرحمن بن الحجّاج وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 93 / 160 / 39 ؛ كنز العمّال : 1 / 425 / 1828 نقلاً عن سنن الدارقطنى عن عائشه .

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلاممنسوب است : پیکر عارف ، با خَلق ، و قلبش با خداست . اگر چشم به هم زدنی قلبش از خداوند متعال غافل شود ، از اشتیاق به او خواهد مُرد . عارف ، امینِ سپرده های خداوند متعال ، گنجینه رازهایش ، معدن نورش ، راهنمای رحمت او بر خلقش ، حامل علومش ، و ترازوی فضل و عدلش است . از خلق و خواسته و دنیا بی نیاز است و مونسی جز خدا ندارد و نطق ، اشاره و دم زدنش جز با خدا ، از خدا ، برای خدا و همراه خدا نیست . پس او در باغ های قُدسِ خدا گام می زند و از لطائف فضلش بهره مند می شود . معرفت ، ریشه ای است که شاخه اش ایمان است .

2 / 3یاد خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه خداوند عز و جلرا بسیار یاد کند ، خداوند ، دوستش خواهد داشت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه بسیار یاد خداوند عز و جل کند ، خداوند ، دوستش خواهد داشت ، و هرکه بسیار یاد خدا کند ، برایش دو برائت نامه نوشته خواهد شد : برائتی از دوزخ و برائتی از نفاق .

.

عنه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل لي : يا مُحَمَّدُ ، لَو أنَّ الخَلائِقَ نَظَروا إلى عَجائِبِ صُنعي ما عَبَدوا غَيري ، ولَو أنَّهُم وَجَدوا حَلاوَةَ ذِكري في قُلوبِهِم لَزِموا بابي ، ولَو أنَّهُم نَظَروا إلى لَطائِفِ بِرّي مَا اشتَغَلوا بِشَيءٍ سِوايَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : يَقولُ اللّهُ عز و جل : إذا كانَ الغالِبُ عَلَى العَبدِ الاشتِغالَ بي جَعَلتُ بُغيَتَهُ ولَذَّتَهُ في ذِكري ، فَإذا جَعَلتُ بُغيَتَهُ ولَذَّتَهُ في ذِكري عَشِقَني وعَشِقتُهُ ، فَإذا عَشِقَني وعَشِقتُهُ رَفَعتُ الحِجابَ فيما بَيني وبَينَهُ ، وصَيَّرتُ ذلِكَ تَغالُبا عَلَيهِ ، لا يَسهو إذا سَهَا النّاسُ ، أُولئِكَ كَلامُهُم كَلامُ الأنبِياءِ ، أُولئِكَ الأبطالُ حَقّا . (2)

المواعظ العدديّه : أوحَى اللّهُ تَعالى إلى داودَ عليه السلام : يا داودُ ، مَن عَرَفَني ذَكَرَني ، ومَن ذَكَرَني قَصَدَني ، ومَن قَصَدَني طَلَبَني ، ومَن طَلَبَني وَجَدَني ، ومَن وَجَدَني حَفِظَني ، ومَن حَفِظَني لا يَختارُ عَلَيَّ غَيري . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : الذِّكرُ مِفتاحُ الأُنسِ . (4)

عنه عليه السلام : ذِكرُ اللّهِ قُوتُ النُّفُوسِ وَمُجالَسَهُ الْمَحبُوبِ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعائِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، ونَبِّهني لِذِكرِكَ في أوقاتِ الغَفلَهِ ، وَاستَعمِلني بِطاعَتِكَ في أيّامِ المُهلَهِ ، وَانهَج لي إلى مَحَبَّتِكَ سَبيلاً سَهلَهً ، أكمِل لي بِها خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (6)

.

1- .مصابيح القلوب : 559 .
2- .كنز العمّال : 1 / 433 / 1872 نقلاً عن حليه الأولياء.
3- .المواعظ العدديّه : 309 .
4- .غرر الحكم : 541 .
5- .غرر الحكم : 5166 .
6- .الصحيفه السجّاديه : 87 الدعاء 20 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جلمی فرماید : ای محمّد! اگر آفریدگان به ساخته های شگفت من می نگریستند ، جز مرا نمی پرستیدند و اگر شیرینی یاد مرا در دل هایشان می چشیدند ، ملازم درگاه من می شدند و اگر به ظرائف نیکی های من می نگریستند ، به چیزی جز من نمی پرداختند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جلمی فرماید : «هرگاه اشتغال به من بر بنده ام چیره گردد ، خواسته و لذّتش را در یاد خود قرار خواهم داد . پس چون خواسته و لذّتش را در یاد خود قرار دادم ، عاشق من می شود و من عاشق او می شوم . پس چون عاشق من شد و من عاشق او شدم ، پرده میان خود و او را برخواهم داشت و این حالت را بر او مسلّط خواهم کرد ، تا آن که چون مردمْ غافل شدند ، او غافل نشود . این کسان ، سخنشان سخن پیامبران است . آنان ، قهرمانان حقیقی اند» .

المواعظ العددیه : خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد : «ای داوود ! هر که مرا شناخت ، مرا یاد کرد و هرکه مرا یاد کرد ، مرا قصد کرد و هرکه مرا قصد کرد ، به جستجوی من برخاست و هرکه به جستجوی من برخاست ، مرا یافت و هرکه مرا یافت ، مرا نگه داشت و هرکه مرا نگه داشت ، هیچ کس را بر نخواهد گزید .

امام علی علیه السلام : یاد خدا ، کلید اُنس گرفتن است .

امام علی علیه السلام : یاد خدا ، خوراک جان ها و همنشینی با محبوب است .

امام سجّاد علیه السلام : بارالها ! بر محمّد و آل محمّد ، درود فرست و به هنگام غفلت ، مرا با یاد خود ، هشیار ساز . به روزگار مهلت ، مرا در راه طاعت خود به کار گیر و راه آسانی به سوی دوستی ات برایم بگشا که با آن ، خیر دنیا و آخرت را بر من کامل گردانی .

ر . ک : ص 607 (انس با خدا)؛ ص 631 (دیدار خدا) .

.

2 / 4التَّقوى الإمام الباقر عليه السلام لِجابِرٍ : اِعلَم يا جابِرُ ، أنَّ أهلَ التَّقوى أيسَرُ أهلِ الدُّنيا مَؤونَةً ، وأكثَرُهُم لَکَ مَعونَةً ، تَذکُر فَيُعينونَکَ ، وإن نَسيتَ ذَکَّروکَ ، قَوّالونَ بِأمرِ اللّهِ ، قَوّامونَ عَلى أمرِ اللّهِ ، قَطَعوا مَحَبَّتَهُم بِمَحَبَّهِ رَبِّهِم ، ووَحَشُوا الدُّنيا لِطاعَهِ مَليکِهِم ، ونَظَروا إلَى اللّه ِ عز و جل وإلى مَحَبَّتِهِ بِقُلوبِهِم ، وعَلِموا أنَّ ذلِکَ هُوَ المَنظورُ إلَيهِ لِعَظيمِ شَأنِهِ . (1)

2 / 5العَزم موسى عليه السلام : يا رَبِّ ، أينَ أنتَ فَأَقصُدُکَ ؟ فَقالَ : إذا قَصَدتَنى فَقَد وَصَلتَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام فى دُعائِهِ عَندَ دُخولِهِ عَلَى المَنصورِ : اللّهُمَّ ... أعلَمُ أفضَلُ زادِ الرّاحِلِ إلَيکَ عَزمُ الإرادَهِ ، وخُضوعُ الاِستِغاثَهِ ، وقَد ناجاکَ بِعَزمِ الإرادَهِ وخُضوعِ الاِستِکانَهِ قَلبى . (3)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ الصَّباحِ : اللّهُمَّ وقَد عَلِمتُ أنَّ أفضَلَ زادِ الرّاحِلِ إلَيکَ عَزمُ إرادَهٍ ، وإخلاصُ نِيَّهٍ ، وصادِقُ طَوِيَّهٍ . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام مِن دُعائِهِ عليه السلام لمّا حمل إلى بغداد : وقَد عَلِمتُ أنَّ أفضَل الزّادِ لِلرّاحِلِ إلَيکَ عَزمُ إرادَهٍ يَختارُکَ بِها وَقَد ناجَاک بِعَزمِ الإرادَهِ قَلبِى . (5)

.

1- .الكافى : 2 / 133 / 16 عن جابر ، بحار الأنوار : 73 / 36 / 17 .
2- .المحجّه البيضاء : 8 / 72 .
3- .بحار الأنوار: 94 / 310 / 2.
4- .بحار الأنوار : 86 / 318 / 67 نقلاً عن مجموع الدعوات .
5- .اقبال الأعمال : 3 / 276 ، مصباح المتهجّد: 814 ، مصباح الزّائر : 187 .

2 / 4 تقوا

2 / 5 عزم

2 / 4تقوا امام باقر علیه السلام خطاب به جابر : ای جابر ! بدان که باتقوایان ، کم هزینه ترینْ مردم دنیا و بیشترین یاری رسانندگان به تو هستند ؛ [خدا را]یاد می کنی و آنان، یاری ات می کنند و اگر فراموش کنی ، به یادت می آورند؛ فرمان خدا را همواره بر زبان می آورند و پایبند به فرمان خدا و اجرا کننده آن هستند ؛ محبّتِ خود [به غیر خدا] را برای دوستی پروردگارشان بُریده اند و از دنیا برای پیروی از فرمانروایشان، روی گردانده اند و با دل های خود، به خداوند عز و جل و دوستی اش نگریسته اند و دانسته اند که همو به سبب جایگاه بزرگش شایسته نگریستن است .

2 / 5عزم موسی علیه السلام از خداوند عز و جلپرسید : پروردگارا ! تو کجایی تا قصد دیدارت کنم ؟ خداوند پاسخ داد : «هرگاه مرا قصد کنی ، در حقیقتْ رسیده ای» .

امام صادق علیه السلام در دعایش هنگام رفتن به نزد منصور ، خلیفه عباسی : بارالها ! ... می دانم برترین توشه رهرو به سوی تو ، اراده استوار و فروتنی یاری خواهانه است ، و اینک ، قلبم با اراده ای استوار و فروتنی متواضعانه با تو رازگویی می کند .

امام صادق علیه السلام در دعایش به هنگام بامداد : بارالها ! می دانم که برترین توشه رهرو به سوی تو ، اراده استوار ، نیّت خالصانه و ضمیر پاک است .

امام کاظم علیه السلام در دعایش ، زمانی که او را به سوی بغداد می بردند : می دانم که برترین توشه رهرو به سوی تو ، اراده استواری است که با آن ، تو را برمی گزیند ، و اینک ، قلبم با اراده ای استوار با تو رازگویی می کند .

.

2 / 6الطَّلَب رِسول اللّه صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ ... الرِّضا بِالقَضاءِ ، وبَرَکَةَ المَوتِ بَعدَ العَيشِ ، وبَردَ العَيشِ بَعدَ المَوتِ ، ولَذَّةَ المَنظَرِ إلى وَجهِکَ ، وشَوقا إلى رُؤيَتِکَ ولِقائِکَ ، مِن غَيرِ ضَرّاءَ مُضِرَّةٍ ، ولا فِتنَةٍ مُضِلَّةٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ اجعَل حُبَّکَ أحَبَّ الأَشياءِ إلَىَّ ، وَاجعَل خَشيَتَکَ أخوَفَ الأَشياءِ عِندى ، وَاقطَع عَنّى حاجاتِ الدُّنيا بِالشَّوقِ إلى لِقائِکَ ، وإذا أقرَرتَ أعيُنَ أهلِ الدُّنيا مِن دُنياهُم فَأقرِر عَينى مِن عِبادَتِکَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : اِجعَل فى دُعائِکَ : اللّهُمَّ ارزُقنى لَذَّةَ النَّظَرِ إلى وَجهِکَ ، وَالشَّوقَ إلى لِقائِکَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : كانَ مِن دُعاءِ داودَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ حُبَّکَ ، وحُبَّ مَن يُحِبُّکَ ، وَالعَمَلَ الَّذى يُبَلِّغُنى حُبَّکَ . اللّهُمَّ اجعَل حُبَّکَ أحَبَّ إلَىَّ مِن نَفسى وأهلى ومِن الماءِ البارِدِ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 548 / 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 328 / 960 وفيه «مظلمه» بدل «مضلّه» وكلاهما عن محمّد بن الفرج عن الإمام الجواد عليه السلام ، مكارم الأخلاق : 2 / 31 / 2069 وليس فيهما «وبركه الموت بعد العيش» ، بحار الأنوار : 86 / 2 / 2 ؛ سنن النسائى : 3 / 55 عن عمّار بن ياسر ، مسند ابن حنبل : 8 / 156 / 21724 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 697 / 1900 وفيها «بعد القضاء» بدل «بالقضاء» ، المعجم الكبير : 5 / 119 / 4803 و ص 157 / 4932 كلاهما نحوه وكلّها عن زيد بن ثابت وليس فيها «بركه الموت بعد العيش» ، كنز العمّال : 2 / 174 / 3611 و ص 199 / 3742.
2- .كنز العمّال : 2 / 182 / 3648 نقلاً عن حليه الأولياء عن الهيثم بن مالک الطائى ؛ وراجع مصباح الزائر : 529 ، بحار الأنوار : 101 / 287 / 2 . راجع : ص 586 (جوامع آثار محبّه اللّه سبحانه) .
3- .كنز العمّال : 2 / 191 / 3701 نقلاً عن الحكيم عن زيد بن ثابت .
4- .سنن الترمذى : 5 / 522 / 3490 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 470 / 3621 ، حليه الأولياء : 1 / 226 ، تاريخ دمشق : 17 / 86 ،

الفردوس : 3 / 271 / 4810 كلّها عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : 2 / 195 / 3718 و ص 209 / 3794 ، وراجع مسند ابن حنبل : 8 / 259 / 22170 .

2 / 6نیایش رسول خدا صلی الله علیه و آله : بارالها ! من از تو خشنودی به قضایت ، برکت مرگِ پس از زندگی ، خوشی زندگی پس از مرگ ، لذّت نگریستن به رخسارت ، شوق دیدار و دیدنت بی تنگنایی زیانبار و یا فتنه ای گم راه کننده را خواستارم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بارالها ! دوستی ات را محبوب ترینِ چیزها نزدم گردان . ترس از خودت را ترسبارترین چیزها برایم قرار ده و با شوق دیدارت ، نیازهای دنیا را از من ببُر و هر گاه چشمْ روشنیِ اهل دنیا را از دنیایشان قرار دادی ، چشمم را با عبادتت روشن کن .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در دعایت این جمله را قرار ده : بارالها ! لذّت نگریستن به رخسارت و شوق دیدارت را روزی ام گردان .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : داوود علیه السلامدر دعاهای خود می گفت : بارالها ! من دوستی تو و دوستی آن که دوستت دارد و کرداری را که مرا به دوستی ات می رساند ، از تو درخواست می کنم . بارالها ! دوستی ات را نزدم محبوب تر از خودم ، خانواده ام و آب خنک ، قرار ده .

.

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ اجعَلنا مَشغولينَ بِأَمرِکَ ، آمِنينَ بِوَعدِکَ ، آيِسينَ مِن خَلقِکَ ، آنِسينَ بِکَ ، مُستَوحِشينَ مِن غَيرِکَ ، راضينَ بِقَضائِکَ ، صابِرينَ عَلى بَلائِکَ ، شاکِرينَ عَلى نَعمائِکَ ، مُتَلَذِّذينَ بِذِکرِکَ ، فَرِحينَ بِکِتابِکَ ، مُناجينَ إيّاکَ آناءَ اللَّيلِ وأطرافَ النَّهارِ ، مُستَعِدّينَ لِلمَوتِ ، مُشتاقينَ إلى لِقائِکَ . (1)

فاطمه عليهاالسلام أيضا : اللّهُمَّ . . . أسأَلُکَ النَّظَرَ إلى وَجهِکَ ، وَالشَّوقَ إلى لِقائِکَ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام أيضا : اللّهُمَّ صَلَّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وفَرِّغ قَلبى لِمَحَبَّتِکَ ، وَاشغَلهُ بِذِکرِکَ . (3)

عنه عليه السلام أيضا : اللّهُمَّ وإنّى أتوبُ إلَيکَ مِن کُلِّ ما خالَفَ إرادَتَکَ ، أو زالَ عَن مَحَبَّتِکَ ؛ مِن خَطَراتِ قَلبى ، ولَحَظاتِ عَينى ، وحِکاياتِ لِسانى . (4)

عنه عليه السلام فى مُناجاتِهِ : اللّهُمَّ اجعَلنى مِنَ الَّذينَ جَدّوا فى قَصدِکَ فَلَم يَنکِلوا ، و سَلَکُوا الطَّريقَ إلَيکَ فَلَم يَعدِلوا ، وَاعتَمَدوا عَلَيکَ فِى الوُصولِ حَتّى وَصَلوا ، فَرَوِيَت قُلوبُهُم مِن مَحَبَّتِکَ ، وأنِسَت نُفوسُهُم بِمَعرِفَتِکَ . (5)

عنه عليه السلام فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاحفَظنا مِن بَينِ أيدينا ، ومِن خَلفِنا ، وعَن أيمانِنا ، وعَن شَمائِلِنا ، ومِن جَميعِ نَواحينا ، حِفظاً عاصِما مِن مَعصِيَتِکَ ، هادِيا إلى طاعَتِکَ ، مُستَعمِلاً لِمَحَبَّتِکَ . (6)

.

1- .جامع الأخبار : 364 / 1013 ، بحار الأنوار : 95 / 360 / 16 .
2- .بحار الأنوار : 94 / 225 / 1 نقلاً عن اختيار ابن الباقى .
3- .الصحيفه السجّاديه : 91 الدعاء 21 ، مهج الدعوات : 40 عن الإمام الكاظم عليه السلام وليس فيه «واشغله».
4- .الصحيفه السجّاديه : 126 الدعاء 31 .
5- .بحار الأنوار : 94 / 156 / 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

6- .الصحيفه السجّاديه : 41 الدعاء 6 ، مصباح المتهجّد : 246 وليس فيه «وعن أيماننا وعن شمائلنا» ، العدد القويّه : 363 ، بحار الأنوار : 97 / 307 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعایش : بارالها ! ما را به فرمانت مشغول ، به وعده ات مطمئن ، از آفریده ات نومید ، به خود مأنوس ، از غیر از خود ترسان ، به قضایت خشنود ، در بلایت شکیبا ، بر نعمتت سپاسگزار ، به یادت کامروا ، به کتابت شادمان ، با خودت در شبانه روزْ رازگو ، برای مرگ ، آماده و به دیدارت مشتاق ساز .

فاطمه علیهاالسلام در دعایش : بارالها! نگریستن به رخسارت و شوق دیدارت را از تو درخواست می کنم .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و قلبم را برای محبّتت بپرداز و آن را به یاد خود مشغول بدار .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! من از هرچه با اراده تو مخالفت دارد و یا از محبّت تو به دور است ، به سویت توبه می کنم ؛ از آنچه در دلم می گذرد ، و از نگاه های چشمم و از گفته های زبانم .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! مرا از کسانی قرار ده که برای دیدنت جدّیت به خرج دادند و باز نماندند و راه تو را پیمودند و از آن ، منحرف نشدند و برای رسیدن ، به تو اعتماد کردند ، تا آن که رسیدند . پس دل هایشان را از محبّت خود ، سیراب ساختی و جان هایشان را به معرفت خویش ، مأنوس کردی .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! بر محمّد و آل محمّد، درود بفرست و ما را از پیش و پس ، چپ و راست و از همه سویمان حفظ کن ؛ حفظ کردنی که از معصیتْ بازدارد، به سوی طاعتت هدایت کند و دوستی ات را به کار گیرد.

.

عنه علیه السلام أیضا : اللّهُمَّ . . . وَاعمِ أبصارَ قُلوبِنا عَمّا خالَفَ مَحَبَّتَکَ . (1)

عنه علیه السلام أیضا : اللّهُمَّ . . . لا تَبتَلِیَنّی بِالکَسَلِ عَن عِبادَتِکَ ، ولاَ العَمی عَن سَبیلِکَ ، ولا بِالتَّعَرُّضِ لِخِلافِ مَحَبَّتِکَ . (2)

عنه علیه السلام مُناجاتِهِ : إلهی ، فَاجعَلنا مِنَ الَّذینَ تَوَشَّحَت أشجارُ الشَّوقِ إلَیکَ فی حَدائِقِ صُدورِهِم ، وأخَذَت لَوعَةُ مَحَبَّتِکَ بِمَجامِعِ قُلوبِهِم ، فَهُم إلی أوکارِ الأفکارِ یَأوونَ ، وفی رِیاضِ القُربِ وَالمُکاشَفَهِ یَرتَعُونَ ، ومِن حِیاضِ المَحَبَّهِ بِکأسِ المُلاطَفَهِ یَکرَعُونَ ، وشَرائِعَ المُصافاهِ یَرِدونَ . (3)

عنه علیه السلام فی دُعائِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلنی لَهُم قَرینا ، وَاجعَلنی لَهُم نَصیرا ، وَامنُن عَلَیَّ بِشَوقٍ إلَیکَ ، وبِالعَمَلِ لَکَ بِما تُحِبُّ وتَرضی ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ، وذلِکَ عَلَیکَ یَسیرٌ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ : صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاشغَل قَلبی بِعَظیمِ شَأنِکَ ، وأرسِل مَحَبَّتَکَ إلَیهِ حَتّی ألقاکَ وأوداجی تَشخَبُ دَما . (5)

.

1- .الصحیفه السجّادیه : 47 الدعاء 9 .
2- .الصحیفه السجّادیه : 84 الدعاء 20 .
3- .بحار الأنوار : 94 / 150 نقلاً عن بعض کتب الأصحاب .
4- .الصحیفه السجّادیه : 92 الدعاء 21 .
5- .إقبال الأعمال : 1 / 129 .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! ... دیده دل هایمان را از آنچه مخالف دوستی توست ، کور گردان .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! ... مرا به کاهِلی در عبادتت ، کوری از راهت و بیرون شدن از طریق محبّتت ، مبتلا مکن .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق به تو در بوستان سینه هایشان آراسته شد و آتش محبّتت، دل هایشان را بی قرار ساخت. پس آنان در آشیانه های اندیشه ها جای گرفته اند و در باغ های قرب و مکاشفه می خرامند و از حوض های محبّت ، با جام های ملاطفت می نوشند و به سرچشمه های صفا و یک رنگی وارد می شوند .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! بر محمّد و آل محمّد ، درود بفرست و مرا همنشین آنان قرار ده و یاور آنان ساز و با شوق به سویت و توفیق انجام دادن آن عملی که دوست می داری و خشنود می شوی ، بر من منّت بگذار ، که تو بر هر چیزی توانایی و این کار ، بر تو آسان است .

امام صادق علیه السلام در دعایش به هنگام رسیدن ماه رمضان : [خدایا!]بر محمّد و آل محمّد ، درود بفرست و قلبم را به شکوهمندیِ جایگاهت مشغول بدار و محبّتت را بر آن بفرست، تا در حالی دیدارت کنم که از رگ های گردنم، خونْ بیرون می زند .

.

عنه علیه السلام کانَ یَقولُ : اللّهُمَّ املَأ قَلبی حُبّا لَکَ ، وخَشیَةً مِنکَ ، وتَصدیقا وإیمانا بِکَ ، وفَرَقا مِنکَ ، وشَوقا إلَیکَ ، یا ذَا الجَلالِ وَالإِکرامِ . (1)

عنه علیه السلام : تَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فی دُبُرِ رَکَعَتی طَوافِ الفَریضَهِ ، تَقولُ بَعدَ التَّشَهُّدِ : اللّهُمَّ ارحَمنی بِطَواعِیَتی إیّاکَ وطَواعِیَتی رَسولَکَ صلی الله علیه و آله ، اللّهُمَّ جَنِّبنی أن أتَعَدّی حُدودَکَ ، وَاجعَلنی مِمَّن یُحِبُّکَ ویُحِبُّ رَسولَکَ ومَلائِکَتَکَ وعِبادَکَ الصّالِحینَ . (2)

.

1- .الکافی : 2 / 586 / 24 عن ابن أبی یعفور ، مصباح المتهجّد : 601 ، إقبال الأعمال : 1 / 173 ، مصباح الکفعمی : 795 کلّها عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام زین العابدین علیه السلام، البلد الأمین : 213 ، بحار الأنوار : 87 / 249 / 57 و ص 271 / 68 .
2- .تهذیب الأحکام : 5 / 143 / 475 عن معاویه بن عمّار .

امام صادق علیه السلام : بارالها ! قلبم را از محبّت نسبت به خودت ، ترس از خودت ، تصدیق و ایمان به خودت ، هراس از خودت و شوق به خودت ، لبریز ساز ، ای صاحب جلال و کرامت !

امام صادق علیه السلام : پس از تشهّد و پایان دادن دو رکعت نماز طواف واجب ، این دعا را می خوانی : بارالها ! به سبب فرمانبری ام از تو و فرمانبری ام از پیامبرت به من رحم کن . بارالها ! مرا از تجاوز به حدودت بازدار و مرا از کسانی قرار ده که دوستت دارند و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان صالحت را نیز دوست دارند .

.

ص: 430

. .

تحقیقی درباره بنیاد محبّت خدا

اشاره

تحقیقی درباره بنیاد محبّت خدااسلام که دین همه انبیای راستین و برنامه تکامل انسان است ، ریشه در محبّت خدا دارد . امام علی علیه السلام در این باره می فرماید : إنَّ هذَا الإسلامَ دینُ اللّهِ الَّذِی اصطَفاهُ لِنَفسِهِ . . . وأقامَ دَعائِمَهُ عَلی مَحَبَّتِهِ . (1) این اسلام ، دین خداوند است که آن را برای خود برگزیده است و ستون هایش را بر محبّت خویش استوار ساخته است . این ، بدان معناست که خدا دوستی ، اصلی ترین پایه های سازندگی فردی و اجتماعی و تکامل مادّی و معنوی انسان است و همه آنچه انبیای الهی برای هدایت جامعه بشر آورده اند ، در صورتی به نتیجه مطلوب می رسد که بر این پایه استوار باشد و انسان تا به کیمیای محبّتِ خدا دست نیابد ، به فلسفه خلقت خود ، دست نخواهد یافت . 2

.

1- .ر . ک : ص 407 ح 954 .

راه خدا دوستی

امام سجاد علیه السلام در دعای «مکارم الأخلاق» از صحیفه سجّادیه ، به کیمیاگری محبّت اشاره کرده است ، آن جا که می فرماید : وَانْهَج لی إلی مَحَبَّتِکَ سَبِیلاً سَهلَةً أکمِل لی بِها خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (1) به سوی محبّتت ، راهی آسان برایم بگشا که از طریق آن ، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل کنی . بر این اساس ، هر چه محبّت انسان نسبت به آفریدگار جهان ، بیشتر و قوی تر باشد ، توفیق بیشتری برای رسیدن به راز آفرینش خود و کسب کمالات انسانی دارد . لذا در زیارت نامه های رسیده از پیشوایان دین ، اهل بیت پیامبر خدا که در اوج قلّه انسانیت و شایستگی قرار دارند ، با صفت «التّامّینَ فیمَحَبَّهِ اللّه ِ(کاملان در دوستی خدا)» (2) مورد خطاب قرارمی گیرند. فصل اوّل از بخش دوم این کتاب ، درباره آیات و احادیثی است که با بیان های گوناگون ، اهل ایمان را به تحصیل کیمیای محبّت خدا دعوت می کنند .

راه خدا دوستیمسئله اصلی ، چگونگیِ به دست آوردن محبّت خداست . رهنمودهای اهل بیت در این باره ، در فصل دوم خواهد آمد . خلاصه این رهنمودها این است که اصلی ترین سرچشمه محبّت خدا پس از فضل و رحمتش ، معرفت (شناخت) است . خداوند سبحان ، به فضل و رحمت خود، عشق به خوبی ها و زیبایی ها را در سرشت انسان نهاد و از آن جا که خود ، جامعِ همه کمالات

.

1- .ر . ک : ص 421 ح 976 .
2- .ر . ک : بخش دوم ، فصل اول ص 377 (کاملان در خدا دوستی) .

انواع معرفت خدا

و زیبایی هاست ، ممکن نیست کسی حقیقتا او را بشناسد و او را دوست نداشته باشد . از این رو ، امام مجتبی علیه السلام تأکید می فرماید که : مَن عَرَفَ اللّهَ أحَبَّه . (1) هرکه خدا را بشناسد ، دوستش خواهد داشت .

انواع معرفت خدادو نوع معرفت برای انسان نسبت به حضرت حق عز و جل امکان پذیر است : اوّل ، معرفت از طریق برهان که تکیه گاه ایمان است و دوم ، معرفت از طریق شهود که یقین نامیده می شود . لذا وقتی می گوییم : «معرفت خدا ، مبدأ محبّت اوست» ، این سؤال پیش می آید که : کدام معرفت ؟ معرفت برهانی؟ یا شهودی ، و یا هر دو ؟ پاسخ ، این است که : هر دو . هر قدر انسان نسبت به خداوند متعال معرفت پیدا کند ، به همان میزان ، با زیبایی ها و کمالات او آشنا می شود و نسبت به او علاقه پیدا می کند . به همین جهت ، معرفت برهانی هم می تواند مبدأ محبّت خدا باشد و از این رو ، وقتی حضرت داوود علیه السلام از خداوند می پرسد : «کَیفَ اُحَبِّکَ إلی خَلقِکَ ؟؛ چگونه محبّت تو را در دل مردم ایجاد کنم؟» ، پاسخ می شنود : «أذکُر أیادِیَّ عِنْدَهُم ، فَإنَّکَ إذا ذَکَرتَ لَهُم ذلِکَ أحَبّونی؛ نعمت هایم را نزد آنان یاد کن که با یادآوری آنها، مرا دوست خواهند داشت». (2) با این همه ، تردیدی نیست که محبّت تامّ و کامل که از آن به عشق تعبیر

.

1- .تنبیه الخواطر : 1 / 52 .
2- .ر . ک : ص 395 ح 941 .

بالاترین درجات محبّت

می شود ، جز از طریق معرفت شهودی حاصل نمی گردد . به گفته برخی از اهل معرفت : تمام مطلب ، این است که انسان ، تا معرفت شهودی نسبت به خدا پیدا نکند ، عاشق نمی شود . اگر این گونه عارف شد ، می بیند که همه خوبی ها در خدا جمع است : «ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ » . (1) بنا بر این ، محال است انسان به غیر خدا توجّه کند . (2)

بالاترین درجات محبّتبر این اساس ، آنان که معرفتشان نسبت به خداوند متعال ، معرفت شهودی است ، بالاترین درجات عشق و محبّت را نسبت به ذات مقدّس او دارند ، و آنان دو طایفه اند : یکی «ملائکه (فرشتگا)» و دیگری «اولوا العلم (دانشوران)» ؛ همان گونه که خداوند سبحان می فرماید : «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُو لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ وَالْمَلَئكَهُ وَأُوْلُواْ الْعِلْمِ» . (3) خداوند ، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست ؛ و نیز فرشتگان و دانشوران [، گواهی می دهند] . امام علی علیه السلام درباره شدّت محبّت طایفه اوّل ، یعنی فرشتگان ، نسبت به حضرت حق عز و جلچنین می فرماید : . . . قَدِ استَفرَغَتهُم أشغالُ عِبادَتِهِ و وَصَلَت حَقائِقُ الإِيمانِ بَينَهُم و بَينَ مَعرِفَتِهِ وقَطَعَهُم الإِيقانُ بِهِ إلَى الوَلَهِ إِلَيهِ، و لَم تُجاوِز رَغَبَاتُهُم ما عِندَهُ إلى ما عِندَ غَيرِهِ،قَد ذاقُوا حَلاوَهَ مَعرِفَتِهِ، وشَرِبوا بِالكَأسِ الرَّوِيَّهِ مِن مَحَبَّتِهِ . (4)

.

1- .ر . ک : نمل ، آیه 59 .
2- .کیمیای محبت : 158 (مبادی محبّت خدا) .
3- .سوره آل عمران ، آیه 18 .
4- .ر . ک : نهج البلاغه : خطبه 91 . نیز ، ر . ک : ص 409 ح 959 .

راه رسیدن به معرفت شهودی

اشتغال به عبادتش ، آنان را از هر چیز دیگر بازداشته است و حقایق ایمان ، آنان را به معرفت پروردگارشان پیوند داده است و یقین به او ، آنان را از دیگران بریده و شیفته او ساخته است و خواسته هایشان از آنچه نزد اوست ، به آنچه نزد دیگری است ، درنمی گذرد . آنان ، شیرینی معرفتش را چشیده و از جام لبریز محبّتش نوشیده اند . و لذّت طایفه دوم از معرفت خدا را امام صادق علیه السلامچنین توصیف می نماید : لَو یَعلَمُ النّاسُ ما فی فَضلِ مَعرِفَهِ اللّه ِ عز و جلما مَدّوا أعیُنَهُم إلی ما مَتَّعَ اللّه ُ بِهِ الأَعداءَ مِن زَهرَهِ الحَیاهِ الدُّنیا و نَعیمِها ، و کانَت دُنیاهُم أقَلَّ عِندَهُم مِمّا یَطَؤونَهُ بِأَرجُلِهِم ولَنَعِموا بِمَعرِفَهِ اللّه ِ عز و جلوتَلَذَّذوا بِها تَلَذُّذَ مَن لَم یَزَل فی رَوضاتِ الجِنّانِ مَعَ أولِیاءِ اللّه ِ . (1) اگر مردم از فضیلت شناخت خدای عز و جلباخبر می شدند ، به نعمت ها و خوشی های زندگی دنیوی که خداوند ، دشمنان را از آن برخوردار ساخته است ، چشم نمی دوختند و دنیایشان از آنچه با گام هایشان بر آن پای می نهند نیز کمتر می شد و با نعمت خدا متنعّم می شدند و از آن لذّت می بردند ؛ لذّت بردن کسی که همواره در باغ های بهشت ، در کنار اولیای خداست .

راه رسیدن به معرفت شهودیراه رسیدن به معرفت شهودی ، تخلیه و تجلیه قلب است . تخلیه قلب ، به معنای پاکسازی آینه دل از زنگار کارهای ناشایسته و تجلیه قلب ، به معنای

.

1- .الکافی : 8 / 247 / 347 . نیز ، ر . ک : ص 417 ح 968 .

صیقلی کردن و صفا دادنِ هر چه بیشتر آن با جلای کارهای نیک است . امام سجاد علیه السلام در دعایی که ابوحمزه ثُمالی از آن حضرت نقل کرده است ، خطاب به خداوند متعال می فرماید: وأنَّ الرَّاحِلَ إلَیکَ قَرِیبُ المَسافَهِ وأنَّکَ لاَ تَحجُب عَن خَلقِکَ إلاّ أن تَحجُبَهُمُ الأعمالُ دُونَکَ . (1) آن که به سوی تو کوچ کرده است، راهش بس نزدیک است و تو از خَلقت در حجاب نشده ای، و تنها کردارشان است که آنان را از تو می پوشاند . امام در این کلام ، تصریح می کند که جمالِ جمیل حضرت حق عز و جلحجاب ندارد . حجاب ، از ناحیه کارهای ناشایسته است ، و اگر حجابِ زنگارهای اعمال ناشایسته از آینه دل زدوده شود ، انسان به معرفت شهودی می رسد . با عنایت به این مقدمه ، به این نتایج می رسیم که : اولاً تجلیه قلب ، راه دوم برای معرفت شهودی محسوب نمی شود ؛ بلکه تخلیه و پاکسازی دل از زنگار کارهای ناشایسته ، برای رسیدن به معرفت شهودی کافی است ؛ گرچه تجلیه دل به وسیله کارهای شایسته ، بر قوّت این معرفت ، خواهد افزود . ثانیا حجاب های معرفت خدا ، همان موانع محبّت او هستند ؛ زیرا چنان که دانستیم ، معرفت شهودی خداوند متعال ، با محبّت او همراه است . از این رو ، کسانی که با عنصر تقوا حجاب های معرفت شهودی را کنار زده اند ، با کیمیای محبّت خدا ، رشته محبّت غیر او را گسسته اند . امام باقر علیه السلام

.

1- .ر . ک : مصباح المتهجد : 583 / 691 .

این گروه را چنین توصیف می فرماید : . . .قَطَعوا مَحَبَّتَهُم بِمَحَبَّهِ رَبِّهِم . . . ونَظَروا إلَی اللّه ِ عز و جلو إلَی مَحَبَّتِهِ بِقُلوبِهِم . محبّت خویش [به غَیر خدا]در راه محبّت پروردگارشان رها کرده ... و با دل های خود ، به خداوند عز و جلو محبتش نگریسته اند . (1)ثالثا شماری از عناوینی که در «عوامل خدا دوستی» (2) آمد و یا در «اسباب محبوبیت در نزد خدا» (3) می آید (مانند : تقوا و توبه) ، اسباب تخلیه قلب از زنگارها و تجلیه آن نیز محسوب می شوند . این نکته نیز قابل توجه است که تفکیک «عوامل خدا دوستی» از «عوامل محبوبیت در نزد خدا» ، به دلیل آن است که دسته اوّل ، عوامل ایجاد محبّت در دل بنده نسبت به خدای تعالی را توضیح می دهد و دسته دوم ، اسباب محبّت خداوند متعال را نسبت به بنده ؛ ولی به کار بردن هر یک از این دو دسته عوامل به جای دسته دیگر ، بلامانع است . مثلاً در متن قرآن و حدیث ، توبه ، سبب محبّت خدا به بنده شمرده شده است ؛ لیکن از آن جا که توبه موجب کنار رفتن حجاب های معرفت می شود ، سبب محبّت بنده به خدا نیز هست ؛ یا معرفت خدا، تقوا و دعا ، جزء اسباب محبّت بنده نسبت به خدا ذکر شده اند ، در صورتی که موجب محبّت خدا به بنده نیز هستند . همچنین در بحث از بعضی از این عوامل (مانند «یاد خدا») در حدیث ، به این نکته تصریح شده است که موجب محبّت خدا به بنده و بنده به خداوند متعال است . 4

.

1- .ر . ک : ص 421 ح 977 .
2- .ر . ک : ص 405 و 455 .
3- .ر . ک : ص 417 .

خطرناک ترین آفات محبّت خدا

خطرناک ترین آفات محبّت خدادنیا دوستی ، اصل هر گناه ، ریشه هر حجاب و بذر هر یک از موانع خدا دوستی است . از این رو در باب اوّل از ابواب موانع محبّت خدا ، آن را «خطرناک ترین مانع» (1) برای محبّت خدا نامیده ایم . بر اساس احادیث این باب ، محبّت خدا ، به هیچ وجه ، قابل جمع با محبّت دنیا نیست و تا ذرّه ای از غبار این محبّت بر آینه دلْ باقی باشد ، معرفت و محبّت حقیقی خدا برای انسان ، امکان پذیر نیست . در این جا این سؤالْ پیش می آید که : دنیا چیست؟ و چرا محبّت آن ، با محبّت خدا قابل جمع نیست ؟ دنیا در فرهنگ متون دینی اسلام ، عبارت است از : امکانات مادّی و لذایذ دنیوی ، به شرط آن که هدفْ قرار گرفته باشند . اگر برخورداری از لذایذ مادّی و دنیوی ، مقدمه معنویت و آخرت و رسیدن به قرب الهی باشد ، در فرهنگ اسلام ، «دنیا» محسوب نمی شود . چنین برخورداری هایی ، نه تنها مانعی برای محبّت خدا نیستند ، بلکه مقدمه آن نیز شمرده می شوند . امّا همین کامیابی های مادّی ، اگر هدف قرار گیرند ، خطرناک ترین آفات معنویت و محبّت خواهند بود : «مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِی جَوْفِهِ ؛ خداوند در درون یک فرد ، دو دل قرار نداده است» . (2) دلی که ظرف محبّت دنیا و لبریز از تاریکی های معنوی است ، چگونه می تواند عرش رحمان باشد و نور آسمان ها و زمین را در خود ، جای دهد ؟ بر همین اساس است که امام العارفین ، علی علیه السلاممی فرماید :

.

1- .ر . ک : ص 537 .
2- .احزاب ، آیه 4 .

درمان دنیادوستی

كَما أنَّ الشَّمسَ وَاللَّيلَ لا يَجتَمِعانِ كَذلِكَ حُبُّ اللّهِ وحُبُّ الدُّنيا لا يَجتَمِعانِ. (1) همان گونه که خورشید و شب ، جمع نمی شوند ، خدا دوستی و دنیا دوستی نیز باید یکدیگر جمع نمی شوند. در این باب، تفاوتی میان کامیابی های حلال و حرام نیست. کامیابی حلال هم اگر هدف باشد ، تاریکی می آورد و مانع محبّت حقیقی آن نور مطلق است . لذا پیامبر خدا به ابوذر فرمود : لِيَكُن لَكَ فِى كُلِّ شَىءٍ نِيَّةٌ صالِحَةٌ حَتَّى الأَكلَ وَالنَّومَ . (2) در هر چیز باید نیتی شایسته داشته باشی ؛ حتّی در خور و خواب . البته تردیدی نیست که ظلمت کامیابی های حرام، بیشتر و بازدارندگی اش افزون تر است. اجتناب از تمامی اَشکال دنیا دوستی ، بالاترین مراتب تقواست که اگر انسان بدان دست یابد ، به کیمیای محبّت و بالاترین درجات کمالات معنوی دست یافته است . امام باقر علیه السلامدرباره این گروه از متّقین و کسانی که به این مرتبه رسیده اند ، می فرماید : قَطَعوا مَحَبَّتَهُم بِمَحَبَّةِ رَبِّهِم.. . ونَظَروا إلَى اللّهِ ... . (3) محبّت خویش را [به دنیا]به خاطر دوستیِ خدا رها کردند و چشم به خدا دوختند ... .

درمان دنیادوستیدنیادوستی ، ریشه در بیماری های دل دارد . قلب سلیم ، از محبّت دنیا خالی

.

1- .ر . ک : ص 541 ح 1186.
2- .میزان الحکمه : ش 20999 ، مکارم الأخلاق : 2 / 370 / 2661 .
3- .ر . ک : ص 421 (تقوا) .

است . امام صادق علیه السلامدر تبیین آیه شریف «إِلاَّ مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ ؛ جز آن کس که با دلی سلیم در پیشگاه الهی حاضر شود» (1) می فرماید : هُوَ القَلبُ الَّذِی سَلِمَ مِن حُبِّ الدُّنیا . (2) آن ، دلی است که از محبّت دنیا فارغ است . در این جا این سؤال پیش می آید که : ریشه بیماری های دل که سبب محبّت دنیا نیز هست ، چیست ؟ پاسخ این است که ریشه بیماری های قلب و سبب همه رذایل اخلاقی ، خودخواهی است. بنا بر این ، برای درمان اساسی دنیادوستی ، راهی جز مبارزه با خودخواهی وجود ندارد . امام خمینی رحمه الله در این باره ، خطاب به فرزندش چنین می فرماید : فرزندم ! از خودخواهی و خودبینی به در آی ، که این ، ارث شیطان است که به واسطه خودبینی و خودخواهی ، از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفیّ او جلّ و علا سر باز زد ؛ و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم ، از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است و شاید آیه شریفه «وَقَتِلُوهُمْ حَتَّی لاَ تَکُونَ فِتْنَهٌ وَیَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُو لِلَّهِ» (3) در بعضی مراحل آن ، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که شیطان بزرگ و جنود آن است که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد باشد ؛ و هر کس ، برای رفع فتنه از درون و برون خویش ، باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید ، همه چیز و همه کس اصلاح

.

1- .شعرا ، آیه 89 .
2- .مجمع البیان : 7 / 305.
3- .انفال ، آیه 39 .

می شود . (1)

رمز خودسازیدر این جا ، فرصت نقد و بررسی روش علمای اخلاق در مبارزه با خودخواهی و معالجه رذایل اخلاقی و سالم سازی دل از طریق ممارست بر ضدّ آنها نیست . لذا تنها به بحث و بررسی درباره رهنمود مهم امام علی علیه السلامبسنده می کنیم . ایشان درباره اساسی ترین کاری که به سالم سازی قلب می انجامد ، چنین می فرماید : أَصلُ صَلاحِ القَلبِ اشتِغالُهُ بِذِکرِ اللّه ِ . (2) اصل در اصلاح دل ، مشغول داشتن آن به یاد خداست . این سخن ، از سخنان درخشان و برجسته امام علی علیه السلام است ؛ بلکه از معجزات علمی آن بزرگوار محسوب می شود . در این کلام ، امام علیه السلامدقیق ترین درس های سالم سازی دل و سیر و سلوک الی اللّه را به کسانی که طالب این راه هستند ، داده است . بر اساس این رهنمود ، یاد خدا رمز خودسازی است . یاد خدا ، در واقع ، انسان را از خودِ حیوانی تهی می کند و بدین وسیله ، انسان می تواند خویشتن را از رذایل اخلاقی پاک نماید و خودِ انسانیِ خویش را بیابد و با این دریافت ، به معرفت و محبّت خدا برسد که : «مَن عَرَفَ نَفسَهُ فَقَد عَرَفَ رَبَّهُ ؛ (3) هرکس خود را شناخت ، پروردگارش را شناخته است» .

.

1- .صحیفه نور : 22 / 371 و 372 .
2- .غرر الحکم : 3083 .
3- .غرر الحکم : 5162 ، المناقب ، خوارزمی : 375 / 395 ، شرح نهج البلاغه : 20 / 292 / 239 ، الصراط المستقیم : 1 / 156 ، عوالی اللآلی : 4 / 102 / 149 .

نقش یاد خدا در سازندگی انسان

نقش یاد خدا در سازندگی انساندر متون دینی اسلام ، نقش یاد خدا در سازندگی انسان ، به تفصیل ، مورد توجّه قرار گرفته است که برای نمونه ، به سه دسته از آنها اشاره می کنیم : دسته اوّل ، متونی که در آنها نقش یاد خدا در آفت زدایی و سالم سازی قلب ، مورد توجه قرار گرفته است ، مانند این روایات که از امام علی علیه السلام نقل شده است : ذِکرُ اللّه ِ مَطرَدَهُ الشَّیطانِ . (1) یاد خدا ، بیرون کننده شیطان است . ذِکرُ اللّه ِ رَأسُ مَالِ کُلِّ مُؤمِنٍ و رِبحُهُ السَّلامَهُ مِن الشَّیطانِ . (2) یاد خدا ، سرمایه هر مؤمن و سود آن ، سلامتی در برابر شیطان است . ذِکرُ اللّه ِ دَواء أعلالِ النُّفُوسِ . (3) یاد خدا ، داروی دردهای جان هاست . یا مَن اسمُهُ دَواءٌ و ذِکرُهُ شِفاءٌ ! (4) ای آن که نامش دوا و یادش شفاست! . دسته دوم ، متونی که بیان کننده نقش یاد خدا در آرامش دل و شرح صدر ، و نورانیت قلب و فکر ، و ایجاد حیات و حواسّ باطنی ، و رشد و تکامل معنوی است ، مانند گفتار خداوند متعال : «أَلاَ بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» . (5) آگاه باش که به یاد خدا ، دل ها استوار می گردند .

.

1- .البدایه والنهایه : 1 / 64 ، غرر الحکم : 5162 .
2- .غرر الحکم : 5171
3- .غرر الحکم : 5169 .
4- .مصباح المتهجد : 361 .
5- .رعد ، آیه 28 .

و آنچه از امیر مؤمنان نقل شده است : الذِّکرُ یَشرَحُ الصَّدرَ . (1) یاد خدا ، دل را گشایش می دهد . دَوامُ الذِّکرِ یُنیرُ القَلبَ وَالفِکرَ . (2) یاد مداوم خدا ، دل و اندیشه را درخشان می کند . مَن ذَکَرَ اللّه َ أحیا قَلبَهُ و نَوَّرَ عَقلَهُ و لُبَّهُ . (3) آن که خدا را یاد کند ، یاد خدا ، دلش را زنده می دارد و عقلش را درخشان می کند . إنَّ اللّه َ سُبحانَهُ جَعَلَ الذِّکرَ جِلاءً لِلقُلوبِ ، تَسْمَعُ بِهِ بَعدَ الوَقرَه ، وتُبصِرُ بِهِ بَعدَ العَشوَهِ ، وتَنقادُ بِهِ بَعدَ المُعَانَدَهِ . (4) خداوند سبحان ، یاد خود را مایه صفای دل ها قرار داده است ، که پس از ناشنیدن ، بدان می شوند ، و در پی نادیدن ، بدان می بینند و پس از سرپیچی ، بِدان ، پیروی او می کنند . مُداوَمَهُ الذِّکرِ قوتُ الأرواحِ ومِفتاحُ الفَلاحِ . (5) تداوم یاد خدا ، نیروی جان ها و کلید رستگاری است . دسته سوم ، متونی که انس با خدا ، همنشینی با او و عشق و محبّت او را ثمره یاد خدا می دانند ، مانند آنچه از پیامبر خدا نقل شده است : مَن أکثَرَ ذِکرَ اللّه ِ أحَبَّهُ . (6) آن که فراوان یاد خدا کند ، او را دوست خواهد داشت .

.

1- .غرر الحکم : 835
2- .غرر الحکم : 5144
3- .غرر الحکم : 8876 .
4- .نهج البلاغه : خطبه 222 .
5- .غرر الحکم : 9832 .
6- .ر . ک : ص 419 ح 969 .

و آنچه از امیر مؤمنان نقل شده است : الذِّکرُ مِفتاحُ الاُنسِ . (1) یاد خدا ، کلید انس است . ذِکرُ اللّهِ قوتُ النُّفوسِ ومُجالَسَهُ المَحبوبِ . (2) یاد خدا ، نیروی جان ها و همنشینی با محبوب است . بر اساس این متون ، یاد خدا در نخستین گام سلوک به سوی او ، آینه دل را از زنگار اخلاق و اعمال ناشایسته پاک می کند و در گام دوم ، آمادگی آن را برای انعکاس معارف شهودی تقویت می نماید و در گام سوم ، کیمیای عشق و محبّتِ دادار یگانه هستی را به سالک ، اهدا می نماید . با عنایت به این آثار و برکات عظیم و نقش کلیدیِ یاد خدا در سازندگی انسان و جامعه توحیدی است که قرآن کریم و احادیث اسلامی ، مکرّر بر کثرت ذکر ، بلکه تداوم آن ، تأکید دارند . خداوند سبحان می فرماید : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اذْکُرُواْ اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا * وَ سَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَ أَصِیلاً» . (3) ای آنان که ایمان آورده اید! خدا را فراوان یاد کنید و او را سحرگاهان و شامگاهان تسبیح گویید . «فَإِذَا قَضَیْتُمُ الصَّلَوةَ فَاذْکُرُواْ اللَّهَ قِیَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِکُمْ». 4 آن گاه که نماز را به پایان رساندید ، ایستاده ، نشسته و بر پهلو یاد خدا کنید . امام صادق علیه السلام نیز می فرماید :

.

1- .ر . ک : ص 419 و 421 ح 974 و 975 .
2- .احزاب : آیه 41 42 .
3- .نساء : آیه 103 .

دو نکته مهم

ما مِن شَیءٍ إلاّ ولَهُ حَدٌّ یَنتَهی إلَیهِ إلاّ الذِّکرَ فَلَیسَ لَهُ حَدٌّ یَنتَهی إلَیهِ . (1) هر چیزی را حدّی است که بدان پایان می یابد ، جز ذکر (یاد خدا) ، که حدّی ندارد تا بدان ، پایان گیرد . سپس ، این آیه را برخواند : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اذْکُرُواْ اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا» . (2) ای آنانی که ایمان آوردید! خداوند را بسیار یاد کنید .

دو نکته مهمدر این جا توجّه به دو نکته مهم ، ضروری است : 1 . آنچه موجب بروز و ظهور آثار ذکر در تخلیه و تجلیه قلب و رسیدن به معرفت شهودی و محبّت خداست ، تداوم ذکر است ، چنان که در بسیاری از متونی که گذشت ، بدان تصریح شده است . ذکری که تداوم ندارد و بر قلبْ غلبه نمی کند ، نمی تواند موجب حرکت انسان به سوی کمال مطلق باشد . فقیه و محدّث بزرگ ، ملاّ محسن فیض کاشانی رحمه الله ، در هجدهمین رهنمود از بیست و پنج رهنمودی که در رساله زاد السالک در پاسخِ نامه یکی از فُضلای عصر خویش درباره کیفیت سلوک راه حق ارائه کرده است ، می فرماید : قدری از اذکار و دعوات را وردِ خود ساختن در اوقات معیّنه ، خصوصا بعد از نمازهای فریضه . و اگر تواند که اکثر اوقات ، زبان را مشغول ذکر حق دارد و اگر چه جوارح

.

1- .الکافی : 2 / 498 / 1 .
2- .احزاب : آیه 41 .

در کارهای دیگر مصروف باشد ، زهی سعادت ! از حضرت امام محمّد باقر علیه السلاممنقول است که زبان مبارک ایشان در اکثر اوقات ، تَر بوده است به کلمه طیّبه : «لا إله إلاّ اللّه » ، اگر چیزی می خورده اند و اگر سخن می گفته اند و اگر راه می رفته اند ، إلی غیر ذلک . (1) چه این ، مُمِدّ و مُعاونی قوی است هر سالک را . و اگر ذکر قلبی را نیز مُقارنِ ذکر لسانی سازد ، به اندک زمانی فتوح بسیار رو می دهد . تا می تواند ، سعی نماید که دم به دم متذکّر حق می بوده باشد ، تا غافل نشود که هیچ امری به این نمی رسد در سلوک ، و این ، مددی است قوی در ترک مخالفت حق سبحانه به معاصی . (2) 2 . حقیقت ذکر ، احساس حضور در محضر حق تعالی است ؛ احساسی که انسان را به مسئولیت های فردی و اجتماعی وادار نماید . هر قدر این احساس در انسان تقویت شود ، ذکر ، واقعیّت بیشتری پیدا می کند و آثار و برکات افزون تری دارد . تداوم ذکر بدین معنا بسیار دشوار است . در این باره ، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند که : قال أبو عبداللّه علیه السلام : ألا اُخبِرُکَ بِأشَدِّ مَا فَرَضَ اللّهُ عز و جلعَلی خَلقِهِ [ثَلاثٌ] ؟» ، قُلتُ : «بَلی»؛ قَالَ : «إنصافُ النّاسِ مِن نَفسِکَ ، و مُواساتُکَ أخاکَ ، و ذِکرُ اللّهِ فی کُل

.

1- .متن حدیث ، از امام صادق علیه السلامبدین شرح است : «وکانَ أبی کَثیرِ الذِّکرِ لَقَد کُنتُ أمشی مَعَهُ وإنَّهُ لَیَذکُرُ اللّهَ وآکُلُ مَعَهُ الطَّعامَ وإنَّهُ لَیَذکُرُ اللّهَ وَلَقَد کانَ یُحَدِّثُ القَومَ وما یَشغَلُهُ ذلِکَ عَن ذِکرِ اللّهِ وکُنتُ أری لِسانَهُ لازِقا بِحَنَکِهِ یَقولُ : لا إلهَ إلاَّ اللّهُ؛ پدرم بسیار ذکرگو بود . در کنارش راه می رفتم و او یاد خدا می کرد . با او بر سر سفره می نشستم و او یاد خدا می کرد . با مردم سخن می گفت ، ولی این کار ، وی را از یاد خدا باز نمی داشت و می دیدم که زبانش از تکرار «لا اله الاّ اللّه» به کامش می چسبید» . (الکافی ، ج 2 ، ص 498) .
2- .ده رساله ، ملاّ محسن فیض کاشانی ، به کوشش : رسول جعفریان ، نشاط ، 1371 .

کامل ترین مصداق ذکر

مَوطِنٍ . أما إنّی لا أقُولُ : سُبحَانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ ، وإن کانَ هَذا مِن ذاکَ ، ولکِن ذِکرُ اللّهِ عز و جلَفی کُلِّ مَوطِنٍ إذا هَجَمتَ عَلی طاعَهٍ أو عَلَی مَعصِیَهٍ . (1) امام صادق علیه السلامپرسید : «آیا از سخت ترین چیزهایی که خداوند عز و جلآنها را واجب کرده [و سه چیز است] ، آگاهت نسازم؟» . گفتم : «چرا» . فرمود : «انصاف تو با دیگران و همدردی ات با برادران و یاد کردن خدا در همه جا . بدان که منظورم از یاد کردن خدا ، گفتن «سبحان اللّه ، والحمد للّه، ولا إله إلاّ اللّهُ ، وَاللّهُ أکبر» نیست ، گرچه این نیز یاد خداست ؛ بلکه مقصودم یاد کردن خدا در هرجایی است که بر اطاعت و یا معصیت او تصمیم می گیری» .

کامل ترین مصداق ذکرنماز ، کامل ترین مصداق ذکر (یاد خدا) است و آیه شریف «أَقِمِ الصَّلَوهَ لِذِکْرِی ؛ نماز را برای یاد کردنِ من به پادار» (2) به همین نکته ظَریف ، اشارت دارد . نماز اگر با آداب و شرایط آن (بویژه حضور قلب) انجام شود ، در گام اوّل ، دل را از همه زشتی ها و آلودگی ها پاک می کند ، همان طور که خداوند سبحان می فرماید : «إِنَّ الصَّلَوهَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنکَرِ ؛ همانا نماز ، از گناه و خطا باز می دارد» (3) و با پاک شدن از آلودگی ها ، انسان به صفت تقوا متّصف می گردد و در گام دوم ، انسان را به بساط قرب و انس و محبّت خداوند متعال

.

1- .الکافی : 2 / 145 / 8 .
2- .طه ، آیه 14 .
3- .عنکبوت ، آیه 45 .

می رساند ، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید : الصَّلاهُ قُربانُ کُلِّ تَقِیٍّ . (1) نماز ، نردبان [قُرب]هر پرهیزگار است . بنابراین ، نماز ، بهترین وسیله برای خودسازی و سازندگی و ساختن جامعه توحیدی و مبتنی بر محبّت خداست . به همین جهت ، پیامبر خدا ، از آن به عنوان «خَیرُ مَوضُوع (بهترینِ احکام)» (2) یاد می کند و امام صادق علیه السلامدرباره ارزش نماز و نقش آن در سازندگی انسان می فرماید : ما مِن شَیءٍ بَعدَ المَعرِفَهِ تَعدِلُ هَذِهِ الصَّلاهَ . (3) پس از شناخت [خدا] ، هیچ چیزی همپایه نماز نیست . از این رو ، امام خمینی رحمه الله در وصیّت نامه اخلاقی خود ، پس از آن که خودخواهی و خودبینی را ریشه همه فتنه ها و گرفتاری های بنی آدم می خواند و جهاد برای قطع این ریشه را جهاد اکبر می نامد و پیروزی در این جهاد را مایه اصلاح همه چیز و همه کس تعریف می کند ، تأکید می نماید که راه رسیدن به این پیروزی (پس از استمداد از خداوند متعال) ، نماز است . متن نوشته امام ، خطاب به فرزندش چنین است : پسرم! سعی کن که به این پیروزی دست یابی ، یا دست کم به بعض مراحل آن . همّت کن و از هواهای نفسانیه که حد و حصر ندارد ، بکاه و از خدای متعال جلّ و علا استمداد کن که بی مدد او ، کسی به جایی نرسد و نماز ، این معراج عارفان و سفر عاشقان ، راه وصول به این مقصد است و اگر

.

1- .الخصال : 2 / 620 / 10 ، نهج البلاغه : حکمت 136 .
2- .معانی الأخبار : 333 / 1 ، مسند ابن حنبل : 8 / 132 / 21608 .
3- .الکافی : 3 / 264 / 1 ، أمالی الطوسی : 694 / 147 از زُرعه ، إرشاد القلوب : 145 ، بحار الأنوار : 27 / 202 / 71 .

دو شرط اصلی تحقّق نماز کامل

الف تمسّک و توسّل به اهل بیت

توفیق یابی و یابیم به تحقّق یک رکعتِ آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن ، ولو به قدر طاقت خویش ، شمّه ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نموده ایم و دورنمایی از صَلاتِ معراج سیّد انبیای عرفا علیه وعلیهم وعلی آله الصلاه والسّلام را مشاهده کرده ایم که خداوند منّان ، ما و شما را به این نعمت بزرگ ، منّت نهد ! (1)

دو شرط اصلی تحقّق نماز کاملنکته قابل توجّه ، این که بهره گیری کامل از آثار و برکات نماز در سیر و سلوک الی اللّه ، دو شرط اصلی دارد :

الف تمسّک و توسّل به اهل بیتراه توحید و معرفت و محبّت خداوند متعال ، راهی است بس دشوار و صعب العبور که طی کردن آن بدون چراغ و راهنما و تمسّک به ولایت و بهره گیری از شفاعتِ وسایلی که خداوند متعال برای تقرّب به خود معین فرموده است (2) و ورود از دری که خداوند متعال برای گام نهادن بر بساط قرب خود مشخص کرده است ، (3) امکان پذیر نیست . لذا در زیارت ائمه اهل بیت می گوییم : مَن أرادَ اللّهُ بَدَأَ بِکُم ومَن وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنکُم وَمَن قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِکُم . (4) هرکه خدا را بخواهد ، از شما می آغازد و هر که او را به یگانگی بشناسد ، از

.

1- .صحیفه نور : 22 / 372 .
2- .اشاره ای به آیه : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَابْتَغُواْ إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَجَهِدُواْ فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»(مائده ، آیه 35) .
3- .اهل بیت در قرآن و حدیث : ویژگی های اهل بیت (1 / 12) .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 615 (زیارت جامعه کبیره) .

شما پذیرفته است و هرکه قصدِ او کند ، به شما روی می آورد. بر همین اساس ، امام صادق علیه السلام برای دستیابی به حقیقت نماز و بهره گیری کامل از این بهترین وسیله سلوک الی اللّه ، می فرماید : إذا قُمتَ إلَی الصَّلاهِ فَقُل : اللّهُمَّ ! إنّی اُقَدِّمُ إلَیکَ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آلهبَینَ یَدَی حاجَتی وأتَوَجَّهُ بِهِ إلَیکَ ، فَاجْعَلنی بِهِ وَجیها عِندَکَ فِی الدُّنیَا وَالآخِرَهِ وَمِنَ المُقَرَّبینَ ، اِجعَل صَلاَتِی بِهِ مَقبُولَهً ، وَذَنبی بِهِ مَغفُورا ، وَدُعَائی بِهِ مُستَجابا ، إنَّکَ أنتَ الغَفُورُ الرَّحیم. (1) هرگاه به نماز ایستادی ، بگو : بارالها ! من محمد صلی الله علیه و آلهرا برای برآوردن حاجتم به درگاهت می آورم و به وسیله او به تو روی می آورم . پس به سبب او مرا در دنیا و آخرت ، نزدت آبرومند و از مقرّبان قرار ده . نمازم را به سبب او مقبول ، گناهم را آمرزیده و دعایم را مستجاب قرارده که تویی بخشاینده مهربان .

ب احسان به خلقیکی از شرایط مهم پذیرفته شدن نماز و بهره گیری از آثار و انوار و برکات آن که در متون اسلامی بر آن تأکید شده، زکات است . قرآن کریم در کنار نماز ، مردم را به پرداختن زکات دعوت کرده است . امام رضا7 درباره راز این اقتران می فرماید : إنَّ اللّهَ عز و جلأمَرَ بِثَلاثَهٍ مَقرُونٌ بِها ثَلاثَهٌ اُخری : أمَرَ بِالصَّلاهِ وَالزَّکاهِ ، فَمَن صَلّی ولَم یُزَکِّ لَم تُقبَل صَلاتُهُ . (2) خداوند عز و جلسه چیز را قرین سه چیز دیگر قرار داد : به نماز و زکات فرمان داد . پس هرکه نماز بخواند ، امّا زکات نپردازد ، نمازش پذیرفته

.

1- .الکافی : 3 / 309 / 3 .
2- .بحار الأنوار : 96 / 12 / 17 به نقل از الخصال .

نمی شود ... . نقش پرداخت زکات در بهره گیری از آثار نماز ، تا آن جاست که امام صادق علیه السلاممی فرماید : لا صَلاةَ لِمَن لا زَکاةَ لَهُ . (1) هرکه زکات نپردازد ، او را نمازی [پذیرفته]نیست . زکات در مفهوم عام خود ، شامل تمام حقوق مالی شرعی ، اعم از واجب و مستحب است . در این باره در حدیثی آمده است : سُئِلَ الصادقُ علیه السلام : «فی کَم تَجِبُ الزَّکاهُ مِنَ المالِ؟ فقال علیه السلام : «الزَّکاهَ الظّاهِرَهَ أم الباطِنَهَ تُریدُ ؟» . قَالَ : «اُریدُهُما جَمیعا» . فَقالَ : «أَمَّا الظّاهِرَه فَفی کُلِّ ألفٍ خَمسَهٌ وَعِشرونَ دِرهَما ، وأمَّا الباطِنَهُ فَلا تَستَأثِر عَلی أَخیکَ بِما هُوَ أحوَج إلَیکَ مِنکَ» . (2) کسی از امام صادق علیه السلامپرسید : حدّ نِصاب مالی در زکات ، چیست؟ امام فرمود : «مقصودت ، زکات ظاهری است یا باطنی ؟». پرسنده گفت: هر دو را می پرسم . حضرت فرمود: «زکات ظاهری، در هر هزار درهمی ، بیست و پنج درهم است ؛ امّا زکات باطنی ، آن است که آنچه را برادرت بدان نیازمندتر است ، ویژه خود نکنی» . بر این اساس ، می توان گفت که همه گونه احسان به خلق، برای خدا ، شرط کمالِ بهره گیری از برکات هر نوع ذکر و در رأس آن ، نماز است . خدمت به مردم ، تا آن جا در تکامل انسان نقش دارد که پیامبر خدا ، خدمتگزاران مردم را بهترینِ مردم می نامد و در این باره می فرماید :

.

1- .مشکاه الأنوار : 46 / 212 .
2- .معانی الأخبار : 153 / 1 .

جمع بندی

خَیرُ النَّاسِ مَن انتَفَعَ بِهِ النَّاسُ . (1) بهترین مردم ، کسی است که مردم از او بهره برند . و امام علی علیه السلاماحسان را در کنار اطاعت خداوند متعال به عنوان فلسفه خلقت انسان ، مطرح می کند و می فرماید : بِتَقوَی اللّه ِ اُمِرتُم وبِالإِحسانِ وَالطّاعَهِ خُلِقتُم . (2) به تقوای خدا فرمان یافتید و برای احسان[به خلق]و اطاعت [از خدا] ، آفریده شدید . اصولاً همان طور که امام خمینی فرموده است ، (3) خدمت به خلق ، در واقع ، خدمت به خدا و عبادت اجتماعی است و هر چه انسان به خلق ، خصوصا مردم محروم ، بیشتر خدمت کند ، به خالق ، نزدیک تر می شود و به بساط انس و قرب و محبّت او بهتر راه می یابد ، چنان که در حدیث قدسی آمده است : یا أحمَدُ ! مَحَبَّتی مَحَبَّهُ الفُقَراءِ . (4) دوستیِ من ، به دوست داشتنِ فقیران است .

جمع بندیباری ! آنچه درباره راه رسیدن به معرفت شهودی و محبّت خدا گفتیم در پنج نکته خلاصه می شود :

.

1- .الإختصاص : 243 .
2- .بحار الأنوار : 32 / 356 / 337 به نقل از شرح نهج البلاغه .
3- .در وصیّت نامه اخلاقی امام(ره) به فرزندش آمده است : «پسرم ! از بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است ، شانه خالی مکن ...» (صحیفه نور : 22 / 359) .
4- .ر . ک : ص 259 ح 648 .

1 . توجّه به حضور دائم بنده در محضر حق تعالی؛ 2 . اهتمام به حضور قلب در نماز و به پاداشتن نمازِ کامل؛ 3 . استمداد از خداوند متعال؛ 4 . تمسّک و توسّل به اهل بیت: ؛ 5 . خدمت به خلق برای خدا .

.

الفصل الثالث: مبادئ التَّحبُّب إلى اللّه 3 / 1التَّوبَهالكتاب(إِنَّ اللّه َ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) . (1)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ تَعالى يُحِبُّ الشّابَّ التّائِبَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ يُحِبُّ العَبدَ المُؤمِنَ المُفَتَّنَ التَّوّابَ . (3)

.

1- .البقره : 222 .
2- .الجامع الصغير : 1 / 285 / 1866 ، كنز العمّال : 4 / 209 / 10185 كلاهما نقلاً عن أبى الشيخ عن أنس .
3- .مسند ابن حنبل : 1 / 174 / 605 و ص 221 / 810 وليس فيه «المؤمن» ، مسند أبى يعلى : 1 / 257 / 479 ، حليه الأولياء : 3 / 178 وفيه «المفتقر» بدل «المفتّن» وكلّها عن عبد الملک بن سفيان الثقفى عن الإمام الباقر عليه السلامعن محمّد بن الحنفيّه عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : 4 / 209 / 10186 ؛ الكافى : 2 / 435 / 9 عن أبى جميله عن الإمام الصادق عليه السلام وزاد فيه «ومن لم يكن ذلک منه كان أفضل» وليس فيه «المؤمن» .

فصل سوم : اسباب محبوبیت در نزد خدا3 / 1توبهقرآن(خداوند ، توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، جوان توبه کار را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بنده مؤمنِ به گناه آزموده شده توبه کار را دوست دارد .

.

الإمام علىّ عليه السلام : توبوا إلَى اللّه ِ عز و جل ، وَادخُلوا فى مَحَبَّتِهِ ؛ فَإِنَّ اللّه َ يُحِبُّ التَّوّابينَ ويُحِبُّ المُتَطَهِّرينَ ، وَالمُؤمِنُ تَوّابٌ . (1)

الكافى عن أبى بصير : قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّه ِ عليه السلام : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُواْ إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» (2) ؟ قالَ : هُوَ الذَّنبُ الَّذى لا يَعودُ فيهِ أبَدا . قُلتُ : وأيُّنا لَم يَعُد ؟ ! فَقالَ : يا أبا مُحَمَّدٍ ، إنَّ اللّه َ يُحِبُّ مِن عِبادِهِ المُفَتَّنَ التَّوّابَ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ : قَد قُلتَ يا إلهى فى مُحكَمِ كِتابِكَ إنَّكَ تَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِكَ وتَعفو عَنِ السَّيِّئاتِ وتُحِبُّ التَّوّابينَ ، فَاقبَل تَوبَتى كَما وَعَدتَ، وَاعفُ عَن سَيِّئاتى كَما ضَمِنتَ، وأوجِب لى مَحَبَّتَكَ كَما شَرَطتَ . (4)

عنه عليه السلام أيضا : أعتَذِرُ إلَيكَ يا إلهى . . . فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَل نَدامَتى عَلى ما وَقَعتُ فيهِ مِنَ الزَّلّاتِ وعَزمى عَلى تَركِ ما يَعرِضُ لى مِنَ السَّيِّئاتِ تَوبَةً توجِبُ لى مَحَبَّتَكَ ، يا مُحِبَّ التَّوّابينَ . (5)

.

1- .الخصال : 623 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 113 وفيه «منيب و توّاب» بدل «توّاب» ، بحار الأنوار: 6 / 21 / 14 .
2- .التحريم : 8 .
3- .الكافى : 2 / 432 / 4 و ح 3 عن محمّد بن الفضيل عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، الزهد للحسين بن سعيد : 72 / 191 ، الأُصول الستّه عشر (أصل عاصم بن حميد) : 37 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلاموفيه «فشقّ ذلک علىَّ ، فلمّا رأى مشقّته علىَّ» بدل «قلت : وأيّنا لم يعد» ، بحار الأنوار : 6 / 39 / 69 وراجع جامع الأحاديث للقمّى : 198 . أحبّ الناس إلى اللّه سبحانه / المتّقى التائب .
4- .الصحيفه السجّاديه : 125 الدعاء 147 .
5- .الصحيفه السجّاديه : 125 الدعاء 38 .

امام علی علیه السلام : به سوی خداوند عز و جل توبه کنید و به دوستی اش درآیید که خداوند ، توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد ، و مؤمن ، توبه کار است .

الکافی به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلامدرباره آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید ! به سوی خدا ، خالصانه توبه کنید» ، پرسیدم . فرمود : «مقصود ، گناهی است که پس از توبه ، دیگر هرگز به آن باز نگردند» . گفتم : کدام یک از ما [چنین است و]دیگر به گناه باز نمی گردد؟ فرمود : «ای ابومحمّد! خداوند از میان بندگانش ، بنده به گناه آزموده شده بسیار توبه کار را دوست دارد» .

امام سجاد علیه السلام در دعا : بارالها ! در کتاب استوارت فرمودی که توبه را از بندگانت می پذیری و از گناهان درمی گذری و توبه کاران را دوست می داری . پس همان گونه که وعده داده ای ، توبه ام را بپذیر و همان گونه که تضمین کرده ای ، از گناهانم درگذر و همان گونه که شرط کرده ای ، دوستی ات را بر من مقرّر دار.

امام سجاد علیه السلام در دعا : بارالها ! از تو پوزش می خواهم ... . پس بر محمّد و آل محمّد ، درود فرست و پشیمانی ام را از لغزش هایی که دچار آن شدم و عزمم را بر واگذاشتن گناهانی که با آنها رویاروی می شوم ، توبه ای قرار ده که محبّتت را برایم در پی بیاورد ، ای دوستدار توبه کاران !

.

عنه علیه السلام أیضا : اللّهُمَّ ارزُقنا خَوفَ عِقابِ الوَعیدِ... وَاجعَلنا عِندَکَ مِنَ التَّوّابینَ الَّذینَ أوجَبتَ لَهُم مَحَبَّتَکَ ، وقَبِلتَ مِنهُم مُراجَعَةَ طاعَتِکَ ، یا أعدَلَ العادِلینَ. (1)

الإمام الصادق علیه السلام : إذا تابَ العَبدُ تَوبَةً نَصوحا أحَبَّهُ اللّهُ ، فَسَتَرَ عَلَیهِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (2)

الإمام الکاظم علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «یَ أَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ تُوبُواْ إِلَی اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» : یَتوبُ العَبدُ ثُمَّ لا یَرجِعُ فیهِ ، وإنَّ أحَبَّ عِبادِ اللّهِ إلَی اللّه ِ المُتَّقِی التّائِبُ . (3)

الکافی عن ابن أبی عمیر عَن بَعضِ أصحابِنا رَفَعَهُ : إنَّ اللّه َ عز و جل أعطَی التّائِبینَ ثَلاثَ خِصالٍ، لَو أعطَی خَصلَةً مِنها جَمیعَ أهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِ لَنَجَوا بِها: قَولُهُ عز و جل: «إِنَ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّ بِینَ وَیُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ» (4) ،فَمَن أحَبَّهُ اللّهُ لَم یُعَذِّبهُ. (5)

3 / 2طاعَهُ اللّه ِالکتاب(قُلْ أَطِیعُواْ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ لاَ یُحِبُّ الْکَفِرِینَ) . (6)

.

1- .الصحیفه السجّادیه : 179 الدعاء 45 ، مصباح المتهجّد : 647 ، إقبال الأعمال : 1 / 429 وفیه «غم» بدل «عقاب» ، بحار الأنوار : 98 / 176 / 1 .

2- .الکافی : 2 / 430 / 1 و ص 436 / 12 ولیس فیه «فی الدنیا والآخره» ، ثواب الأعمال : 205 / 1 کلّها عن معاویه بن وهب ، مشکاه الأنوار : 111 عن الإمام الباقر علیه السلام وفیه «أحبّ اللّه أن یستر علیه» بدل «أحبّه اللّه فستر علیه» ، بحار الأنوار : 6 / 28 / 31 .

3- .تفسیر القمّی : 2 / 377 عن محمّد بن الفضیل ، بحار الأنوار : 6 / 20 / 8 . راجع : إنّ اللّه سبحانه یحبّ هؤلاء / المفتّن التوّاب .

4- .البقره : 222 .

5- .الکافی : 2 / 432 / 5 ، مشکاه الأنوار : 109 عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 6 / 39 / 70 .

6- .آل عمران : 32 .

امام سجاد علیه السلام در دعا : بارالها ! ترس از کیفر موعود را روزی ما گردان ... و ما را نزد خود ، از توبه کارانی قرار ده که محبّتت را بر آنان مقرّر داشتی و بازگشتشان را به فرمانبری ات پذیرفتی ، ای عادل ترین عادلان !

امام صادق علیه السلام : هرگاه بنده خالصانه توبه کند ، خداوند ، او را دوست می دارد و گناهانش را در دنیا و آخرت بر او می پوشاند .

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید ! به سوی خدا ، خالصانه توبه کنید» : مقصود آن است که بنده توبه کند و دیگر به گناه بازنگردد . محبوب ترینِ بندگان در نزد خداوند ، پرهیزگارِ توبه کار است .

الکافی به نقل از ابن ابی عمیر ، از یکی از راویان شیعه که سند حدیث را به معصوم رسانده است : خداوند عز و جل ، به توبه کاران ، سه خصلت داده است که اگر یکی از آنها را به زمینیان و آسمانیان می داد ، با همان ، نجات می یافتند . این فرموده خداست که : «خداوند ، توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد» ، و[البته]خداوند ، هرکه را دوست بدارد ، عذاب نخواهد کرد .

3 / 2فرمانبَری از خداقرآن(بگو : از خدا و پیامبرش فرمان ببرید . پس اگر پشت کردند ، خداوند ، کافران را دوست ندارد) .

.

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَبَّ الناسِ إلَى اللّهِ عز و جل يَومَ القِيامَهِ أطوَعُهُم لَهُ ، وأتقاهُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى يُحِبُّ أن يُعمَلَ بِفَرائِضِهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : إن تَنَزَّهوا عَنِ المَعاصى يُحبِبكُمُ اللّهُ . (3)

مكارم الأخلاق عن عثمان بن عيسى عَن بَعضِ مَن حَدَّثَهُ عنِ الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : قُلتُ لَهُ : مَن أحَبُّ الخَلقِ إلَى اللّهِ ؟ قالَ : أطوَعُهُم للّهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : قالَ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى : ما تَحَبَّبَ إلَىَّ عَبدى بِأحَبَّ مِمَّا افتَرَضتُ عَلَيهِ . (5)

الأمالى للصدوق عن محمّد بن أبى عمير : حَدَّثَنى مَن سَمِعَ أبا عَبدِاللّهِ الصَّادِقَ عليه السلاميَقولُ : ما أحَبَّ اللّهُ عز و جل مَن عَصاهُ . ثُمَّ تَمَثَّلَ فَقالَ : تَعصِى الإلهَ وأنتَ تُظهِرُ حُبَّهُ هذا مُحالٌ فِى الفِعالِ بَديعُ لَو كانَ حُبُّكَ صادِقا لَأَطَعتَهُ إنَّ المُحِبَّ لِمَن يُحِبُّ مُطيعُ . (6)

.

1- .الكافى : 5 / 340 / 1 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، غرر الحكم : 3158 عن الإمام علىّ عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 22 / 118 / 89 .
2- .كنز العمّال : 15 / 769 / 43020 نقلاً عن ابن عدى فى الكامل عن عائشه .
3- .غرر الحكم : 3759 .
4- .مكارم الأخلاق : 2 / 100 / 2288 .
5- .الكافى : 2 / 82 / 5 عن محمّد الحلبىّ ، مشكاه الأنوار : 112 ، بحار الأنوار : 71 / 196 / 5 .
6- .الأماليللصدوق: 578/790 ، فلاح السائل : 158 ، تحف العقول : 294 عن الإمام الباقر عليه السلام، روضه الواعظين: 458 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: 70/15/3 .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترین مردم در نزد خداوند در روز قیامت ، فرمانبرترینِ آنها نسبت به او و پرهیزگارترینِ آنان است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال، دوست دارد که واجباتش به جای آورده شود.

امام علی علیه السلام : اگر خود را از معصیت ها پاک کنید ، خداوند ، دوستتان خواهد داشت .

مکارم الأخلاق به نقل از عثمان بن عیسی ، از کسی که این حدیث را از امام صادق علیه السلامبرایش نقل کرد : به حضرت گفتم : محبوب ترین خلق در نزد خدا کیست ؟ فرمود : «فرمانبرترینِ آنان نسبت به خدا» .

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال می فرماید : بنده ام با هیچ چیزی مانند [انجام دادن] آنچه بر او واجب کرده ام ، به من دوستی نمی ورزد .

أمالی صدوق به نقل از محمد ابی عُمَیر : کسی که خود از امام صادق علیه السلامشنیده بود ، برایم نقل کرد که ایشان می فرمود : «خداوند ، کسی را که نافرمانی اش کند ، دوست نمی دارد» . آن گاه ، حضرت ، این شعر را برخواند : «نافرمانی خدا را می کنی و باز بدو اظهار دوستی می نمایی ؟ / این ، محال است و از کارهای شگفت است . اگر دوستی ات راستین بود ، از او فرمان می بردی/ زیرا که دوستدار ، فرمانبر کسی است که دوستش می دارد» . (1)

.

1- .سیّد ابن طاووس در فلاح السائل پس از نقل این روایت می نویسد : ای بسا کسی بگوید که این دو بیت از محمود ورّاق است . جواب می دهیم : آری! امام صادق علیه السلامآن دو را به عنوان مثل یاد کرده است . راویان این حدیث به اتفاق عالمان رجالی ، جملگی ثقه اند و روایات مرسل محمّد بن ابی عمیر ، همانند مسند به حساب می آیند .

3 / 3إتِّباعُ أهلِ البَيتِالكتاب(قُلْ إِنْ كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللّهُ وَیَغْفِر لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَاللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ) . (1)

الحدیث الإمام علیّ علیه السلام : أحَبُّ العِبادِ إلَی اللّهِ المُتَأَسّی بِنَبِیِّهِ ، وَالمُقتَصُّ لِأَثَرِهِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام : مَن سَرَّهُ أن یَعلَمَ أنَّ اللّهَ یُحِبُّهُ فَلیَعمَلْ بِطاعَةِ اللّهِ ، وَلیَتَّبِعنا ؛ أَلَم یَسمَع قَولَ اللّهِ عز و جل لِنَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله : «قُلْ إِن کُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَیَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ» ؟ !وَاللّهِ لا یُطِیعُ اللّهَ عَبدٌ أبَدا إلاّ أدخَلَ اللّهُ عَلَیهِ فِی طاعَتِهِ اتِّباعَنا ، ولا وَاللّهِ لا یَتَّبِعُنا عَبدٌ أبَدا إلاّ أحَبَّهُ اللّهُ . ولا وَاللّهِ لا یَدَعُ أحَدٌ اِتِّباعَنا أبَدا إلاّ أبغَضَنا ، ولا وَاللّهِ لا یُبغِضُنا أحَدٌ أبَدا إلاّ عَصَی اللّهَ ، ومَن ماتَ عاصِیا للّهِ أخزاهُ اللّهُ وأکَبَّهُ عَلی وَجهِهِ فِی النّارِ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . (3)

بحار الأنوار عن الفضیل : قُلتُ لِأَبِی الحَسَنِ علیه السلام : أیُّ شَیءٍ أفضَلُ ما یَتَقَرَّبُ بِهِ العِبادُ إلَی اللّهِ فیمَا افتَرَضَ عَلَیهِم؟ فَقالَ : أفضَلُ ما یَتَقَرَّبُ بِهِ العِبادُ إلَی اللّهِ طاعَةُ اللّهِ وطاعَةُ رَسولِهِ ، وحُبُّ اللّهِ وحُبُّ رَسولِهِ وأولِی الأمرِ . (4)

.

1- .آل عمران : 31 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 160 ، غرر الحکم : 3055 ، بحار الأنوار : 16 / 285 / 136 .
3- .الکافی : 8 / 14 / 1 عن حفص المؤذّن وإسماعیل بن جابر وإسماعیل بن مخلّد السرّاج ، بحار الأنوار : 78 / 224 / 93 .
4- .بحار الأنوار: 27 / 91 / 13 .

3 / 3پیروی از اهل بیتقرآن(بگو : اگر خدا را دوست دارید ، از من پیروی کنید ، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد ، که خداوند ، آمرزنده و مهربان است) .

حدیث امام علی علیه السلام : محبوب ترینِ بندگان در نزد خداوند ، اقتدا کننده به پیامبرش و پی سپارِ راه اوست .

امام صادق علیه السلام : کسی که از دانستن این که خداوندْ دوستش می دارد ، شادمان می شود ، پس به فرمانبری از خدا بپردازد و از ما پیروی کند . آیا سخن خداوند عز و جل را به پیامبرش صلی الله علیه و آلهنشنیده است : «بگو : اگر خدا را دوست دارید ، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد» ؟ به خدا سوگند ، هیچ بنده ای از خدا فرمانبری نمی کند ، مگر آن که خداوند ، پیروی از ما را نیز جزو طاعتش قرار می دهد . به خدا سوگند ، هیچ بنده ای از ما پیروی نمی کند ، مگر آن که خداوند ، دوستش خواهد داشت . به خدا سوگند ، هیچ بنده ای پیروی از ما را فرو نمی گذارد ، مگر آن که با ما دشمنی کرده باشد . به خدا سوگند ، هیچ کس با ما دشمنی نمی کند ، مگر آن که از خدا نافرمانی کرده باشد ، و هرکه در حال نافرمانی خدا بمیرد ، خداوند ، خوارش می کند و او را به رو در آتش می اندازد. ستایش، ویژه پروردگار عالمیان است .

بحار الأنوار به نقل از فضیل : به امام کاظم علیه السلامگفتم : از میان فریضه هایی که خداوندْ واجب ساخته است ، کدام یک بیشتر مایه تقرّب بندگان به خداوند است ؟ فرمود : «برترین چیزی که بندگان با آن به خداوندْ تقرب می جویند ، فرمانبری از خدا و پیامبرش و دوستیِ خدا و پیامبرش و اولوالأمر است» .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى خطبه الوسيله : قالَ تَبارَکَ وتَعالى فِى التَّحريضِ عَلَى اتِّباعِهِ وَالتَّرغيبِ فِى تَصديقِهِ وَالقَبولِ لِدَعوَتِهِ : «قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» فَاتِّباعُهُ صلى الله عليه و آله محبّه اللّه ورِضاهُ غفرانُ الذُّنوبِ وكَمالُ الفَوزِ ووُجوبُ الجَنَّهِ . (1)

3 / 4مَكارِمُ الأَخلاقِ حُسنُ الخُلُقِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أَحَبُّكُم إِلَى اللّهِ أَحاسِنُكُم أخلاقا ، المُوَطَّؤونَ أكنافا ، الَّذينَ يَأْلَفونَ ويُؤلَفونَ . (2)

المستدرک على الصحيحين عن اُسامه بن شريک : كُنّا جُلوسا عِندَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله . . . إذ جاءَهُ ناسٌ مِنَ الأَعرابِ فَقالوا : . . . مَن أَحَبُّ عِبادِ اللّهِ إِلَى اللّهِ ؟ قالَ : أحسَنُهُم خُلُقا . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : عَلَيكُم بِمَكارِمِ الأَخلاقِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّها ، وإيّاكُم ومَذامَّ الأَفعالِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يُبغِضُها . (4)

.

1- .الكافى : 8 / 26 / 4 عن جابر بن عبداللّه عن الإمام الباقر عليه السلام .
2- .تاريخ بغداد : 1 / 382 عن أنس ، صحيح ابن حبّان : 2 / 232 / 482 عن أبى ثعلبه وفيه «إنّ أحبّكم إلى اللّه وأقربكم منّى أحاسنكم أخلاقا» ، كنز العمّال : 3 / 13 / 5198 ؛ عوالى اللآلى : 1 / 100 / 21 ، مستدرک الوسائل : 9 / 150 / 10521 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى وكلاهما عن أبى هريره .
3- .المستدرک على الصحيحين: 4/443/8214، المعجم الكبير: 1/181/471، كنز العمّال: 3/3/5138.
4- .الأمالى للصدوق : 441 / 586 عن المفضّل بن عمر ، روضه الواعظين : 413 وفيه إلى «يحبّها» ، بحار الأنوار : 92 / 197 / 4 .

3 / 4 خوی های والا

الف خوش خویی

امام علی علیه السلام در خطبه معروف به «وسیله» : خداوند متعال در مقام تشویق و ترغیب به تصدیقش و پذیرش دعوتش می فرماید : «بگو : اگر خدا را دوست می دارید ، از من پیروی کنید ، تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را بیامرزد» . پس پیروی از او ، [موجب] دوستیِ خداست و رضایتش ، [موجب]آمرزش گناهان و رستگاری کامل و واجب شدن بهشت.

3 / 4خوی های والاالف خوش خویی رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترین های شما در نزد خداوند ، خوش خوترین های شما هستند ؛ آنان که فروتنی می کنند و با دیگران الفت می گیرند و دیگران با آنان، الفت می گیرند .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از اُسامه بن شریک : نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهنشسته بودیم ... که گروهی از بادیه نشینان عرب ، به نزد حضرت آمدند و گفتند : محبوب ترینِ بندگان خدا ، نزد خدا کیست ؟ حضرت فرمود : «خوش خوترینِ آنان» .

امام صادق علیه السلام : خوی های والا را به دست آورید که خداوند عز و جل آنها را دوست دارد ، و از کارهای نکوهیده بپرهیزید که خداوند عز و جلآنها را دشمن می دارد .

.

عنه علیه السلام : ما یَقدَمُ المُؤمِنُ عَلَی اللّهِ عز و جل بِعَمَلٍ بَعدَ الفَرائِضِ أحَبَّ إلَی اللّهِ تَعالی مِن أن یَسَعَ النّاسَ بِخُلُقِهِ . (1)

ب مَعالِی الاُمورِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ یُحِبُّ مَعالِیَ الاُمورِ وأشرافَها ، ویَکرَهُ سَفسافَها . (2)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ کَریمٌ یُحِبُّ الکَرَمَ ، ویُحِبُّ مَعالِی الأَخلاقِ ، وَیکرَهُ سَفسافَها . (3)

ج الرَّغبَهُ فیما عِندَ اللّهِ الإمام علیّ علیه السلام : تَحَبَّب إلَی اللّهِ سُبحانَهُ بِالرَّغبَهِ فیما لَدَیهِ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام : قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله : یا رَسولَ اللّهِ ، عَلِّمنی شَیئا إذا أنَا فَعَلتُهُ أحَبَّنِی اللّهُ مِنَ السَّماءِ، وأحَبَّنی أهلُ الأَرضِ. قالَ: اِرغَب فیما عِندَ اللّهِ یُحِبَّکَ اللّهُ، وَازهَد فیما عِندَ النّاسِ یُحِبَّکَ النّاسُ. (5)

.

1- .الکافی : 2 / 100 / 4 عن عنبسه العابد ، بحار الأنوار: 71 / 375 / 4 .
2- .المعجم الکبیر : 3 / 131 / 2894 عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها الإمام الحسین علیه السلام ، مسند الشهاب : 2/150/1076 عن فاطمه بنت الحسین عن الإمام زین العابدین عن أبیه علیهماالسلام عنه صلی الله علیه و آله ، المعجم الأوسط : 7 / 78 / 6906 عن جابر نحوه ولیس فیه «أشرافها» ؛ الجعفریّات : 196 ، النوادر للراوندی : 7 کلاهما عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلامعنه صلی الله علیه و آله نحوه ، عوالی اللآلی : 1 / 67 / 117 ولیس فیه «وأشرافها» ، بحار الأنوار : 75 / 137 / 5.
3- .المستدرک علی الصحیحین : 1 / 111 / 151 ، المعجم الکبیر : 6 / 181 / 5928 کلاهما عن سهل ابن سعد ، السنن الکبری : 10 / 322 / 20780 عن طلحه بن کریز ، تاریخ دمشق : 14 / 289 / 3566 عن سعد ، شُعب الإیمان : 6 / 241 / 8011 ، حلیه الأولیاء : 3 / 255 کلاهما عن سهل بن سعد ، کنز العمّال : 6/347/15991 .
4- .غرر الحکم : 4503 .

5- .تهذيب الأحكام : 6 / 377 / 1102 عن سليم بن داود عن بعض أصحابنا ، الخصال : 61 / 84 ، ثواب الأعمال : 217 / 1 كلاهما عن سليمان بن داود رفعه ، مكارم الأخلاق : 1 / 296 / 928 ، أعلام الدين : 343 / 34 عن أبى سعيد الخدرىّ عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله وفيه من «ارغب فيما . . .إلخ» ، روضه الواعظين : 473 وفيه «روى أنّه قال رجل . . .» ، بحار الأنوار : 70 / 15 / 4 .

ب کارهای والا

ج رغبت به آنچه نزد خداست

امام صادق علیه السلام : مؤمن ، پس از عمل به واجبات ، عملی محبوب تر از این که با مردم با اخلاقِ [نیک]خود رو به رو شود ، به پیشگاه خداوند عز و جلتقدیم نداشته است .

ب کارهای والا رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، کارهای والا و ارجمند را دوست می دارد و کارهای پَست را ناخوش می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بزرگوار است و بزرگواری را دوست می دارد ؛ خوی های والا را دوست می دارد و خوهای پَست را ناخوش می دارد .

ج رغبت به آنچه نزد خداست امام علی علیه السلام : با رغبت (علاقه داشتن) به آنچه نزد خداوند است ، با او دوستی کن .

امام صادق علیه السلام : مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : ای پیامبر خدا ! به من کاری بیاموز که چون انجامش دهم ، هم خدا در آسمان و هم زمینیان ، دوستم بدارند . حضرت فرمود : «به آنچه نزد خداوند است ، راغب باش ، تا خداوند ، دوستت بدارد و به آنچه نزد مردم است ، بی میلی نشان بده ، تا مردم ، دوستت بدارند» .

.

د الحُبُّ فِی اللّهِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ رَجُلاً زارَ أخا لَهُ فی قَریَهٍ اُخری ، فَأرصَدَ اللّهُ لَهُ عَلی مَدرَجَتِهِ مَلَکا ، فَلَمّا أتی عَلَیهِ قالَ : أینَ تُریدُ ؟ قالَ : اُریدُ أخا لی فی هذِهِ القَریَهِ . قالَ : هَل لَکَ عَلَیهِ مِن نِعمَهٍ تَرُبُّها ؟ قالَ : لا ، غَیرَ أنّی أحبَبتُهُ فِی اللّهِ عز و جل . قالَ: فَإنّی رَسولُ اللّهِ إلَیکَ بِأنَّ اللّهَ قَد أحَبَّکَ کَما أحبَبتَهُ فیهِ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله : حَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَحابّینَ فِیَّ ، وحَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَباذِلینَ فِیَّ ، وحَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَصادِقینَ فِیَّ ، وحَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَزاوِرینَ فِیَّ ، وحَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَواصِلینَ فِیَّ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله : قالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی : وَجَبَت مَحَبَّتی لِلمُتَحابّینَ فِیَّ ، وَالمُتَجالِسینَ فِیَّ ، وَالمُتَزاوِرینَ فِیَّ ، وَالمُتَباذِلینَ فِیَّ . (3)

مسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَحکی عَن رَبِّهِ عز و جلیَقولُ : حَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَحابّینَ فِیَّ ، وحَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَباذِلینَ فِیَّ ، وحَقَّت مَحَبَّتی لِلمُتَزاوِرینَ فِیَّ . وَالمُتَحابّونَ فِی اللّهِ عَلی مَنابِرَ مِن نورٍ فِی ظِلِّ العَرشِ یَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ . (4)

.

1- .صحیح مسلم : 4/1988/38، مسند ابن حنبل : 3 / 378 / 9302 و ص 528 / 10251 نحوه ، شُعب الإیمان: 6/488/9004، تاریخ بغداد: 3/400 وج 11/76 وج14/31، کنز العمّال : 9 / 7 / 24663 ؛ کشف الریبه : 80 کلّها عن أبی هریره .

2- .المستدرک علی الصحیحین : 4 / 188 / 7316 عن عباده بن الصامت .

3- .الموطّأ : 2 / 954 / 16 ، مسند ابن حنبل : 8 / 239 / 22091 ، صحیح ابن حبّان : 2 / 335 / 575 ولیس فیه «والمتباذلین فیَّ» ، المستدرک علی الصحیحین : 4 / 187 / 7314 ، المعجم الکبیر : 20 / 80 / 150 ، مسند الشهاب : 2 / 323 / 1449 ولیس فیه «والمتجالسین فیَّ والمتباذلین فیَّ» وکلّها عن معاذ بن جبل .

4- .و ص 187/7315، السنن الکبری : 10/393/21068، المعجم الکبیر : 20/82/154، حلیه الأولیاء : 5 / 122 ولیس فیها «والمتحابّون فی اللّه ...» ، صحیح ابن حبّان : 2/338/577 کلّها نحوه ، کنز العمّال : 9 / 8 / 24671

؛ تنبيه الخواطر : 1 / 29 وليس فيه إلاّ «حقّت محبّتى للمتحابّين فىَّ ، وحقّت محبّتى للمتزاورين فىَّ» .مسند ابن حنبل : 8 / 246 / 22125 و ص 252 / 22141 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 188 / 7316

د دوستی در راه خدا

د دوستی در راه خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : مردی راهیِ دیدار برادر (دوست) خود در روستایی شد . خداوند ، فرشته ای بر سرِ راه او قرار داد . چون آن مردْ پیش آمد ، فرشته از او پرسید : «به کجا می روی ؟». پاسخ داد : «به دیدار برادری که در این روستا دارم ، می روم» . پرسید : «آیا نعمتی نزد او داری که برای رسیدنِ به آن ، نزدش می روی ؟». پاسخ داد : «نه ، جز این که او را در راه خداوند عز و جل دوست دارم» . فرشته گفت : «من نیز پیام آور خدا به سویت هستم که خداوند ، تو را دوست دارد ، همان گونه که تو در راهش دوستی می ورزی» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «دوستی ام با آنان که در راه من یکدیگر را دوست می دارند ، قطعی است؛ و دوستی ام با آنان که در راه من به یکدیگر می بخشند ، قطعی است؛ و دوستی ام با آنان که در راه من با یکدیگر دوستی می کنند ، قطعی است ؛ و دوستی ام با آنان که در راه من به دیدار یکدیگر می روند، قطعی است؛ و دوستی ام با آنان که در راه من با یکدیگر می پیوندند ، قطعی است» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید : «دوست داشتن آنان که در راه من یکدیگر را دوست می دارند ، در راه من با یکدیگر همنشینی می کنند ، در راه من به دیدار یکدیگر می روند و در راه من به یکدیگر می بخشند، بر من واجب است».

مسند ابن حنبل به نقل از عباده بن صامت : شنیدم پیامبر خدا از خداوند عز و جلنقل می کرد که می فرماید : «دوستی ام با آنان که در راه من یکدیگر را دوست می دارند ، قطعی است ؛ و دوستی ام با آنان که در راه من به یکدیگر می بخشند ، قطعی است ، و دوستی ام با آنان که در راه من به دیدار یکدیگر می روند ، قطعی است ؛ در روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست ، آنان که در راه من یکدیگر را دوست داشته اند ، بر منبرهایی از نور در سایه عرش قرار دارند» .

.

كنز العمّال عن خالد بن الوليد : جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : ... اُحِبُّ أن أكونَ مِن أحِبّاءِ اللّهِ ورَسولِهِ . قالَ : أحِبَّ ما أحَبَّ اللّهُ ورَسولُهُ ، وأبغِض ما أبغَضَ اللّهُ ورَسولُهُ . (1)

ه البُغضُ فِى اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : قالَ عيسَى بنُ مَريَمَ لِلحَوارِيّينَ : تَحَبَّبوا إلَى اللّهِ وتَقَرَّبوا إلَيهِ . قالوا : يا روحَ اللّهِ ، بِماذا نَتَحَبَّبُ إلَى اللّهِ ونَتَقَرَّبُ ؟ قالَ : بِبُغضِ أهلِ المَعاصى ، وَالتَمِسوا رِضَى اللّهِ بِسَخَطِهِم . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: طَلَبتُ حُبَّ اللّهِ عز و جل فَوَجَدتُهُ فى بُغضِ أهلِ المَعاصى . (3)

الكافى عن أبى جعفر عليه السلام فى كِتابِهِ إلى سَعدِ الخَيرِ : اِعلَم رَحِمَكَ اللّهُ ، أنَّهُ لا تُنالُ مَحَبَّةُ اللّهِ إلاّ بِبُغضِ كَثيرٍ مِنَ النّاسِ ، ولا وِلايَتُهُ إلاّ بِمُعاداتِهِم ، وفَوتُ ذلِكَ قَليلٌ يَسيرٌ لِدَركِ ذَلِكَ مِنَ اللّهِ لِقَومٍ يَعلَمونَ . (4)

و الزُّهدُ فِى الدُّنيا رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اِزهَد فِى الدُّنيا يُحِبَّكَ اللّهُ . (5)

.

1- .كنز العمّال : 16 / 127 و 129 / 44154 نقلاً عن السيوطى.
2- .تحف العقول : 44 ، تنبيه الخواطر : 2 / 235 ، إرشاد القلوب : 77 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 77/147/60 ؛ ربيع الأبرار : 1 / 483 ، كنز العمّال : 3 / 65 / 5518 .
3- .مستدرک الوسائل : 12 / 173 / 13810.
4- .الكافى : 8 / 56 / 17 عن حمزه بن بزيع ، بحار الأنوار : 78 / 363 / 3 .
5- .سنن ابن ماجه : 2 / 1373 / 4102 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 348 / 7873 ، المعجم الكبير :6 / 193 / 5972 ، شُعب الإيمان : 7 / 344 / 10522 و ح 10523 ، حليه الأولياء : 3 / 253 كلّها عن سهل بن سعد الساعدى و ج 8 / 41 عن أنس ، كنز العمّال : 3 / 199 / 6159 .

ه دشمنی در راه خدا

و بی رغبتی به دنیا

کنز العمّال به نقل از خالد بن ولید : مردی به نزد پیامبر خدا آمد و گفت : دوست دارم از دوستان خدا و پیامبرش باشم . حضرت فرمود : «آنچه را خدا و پیامبرش دوست می دارند ، دوست بدار و آنچه را خدا و پیامبرش دشمن می دارند ، دشمن بدار» .

ه دشمنی در راه خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : عیسی بن مریم علیه السلامبه حواریان خود فرمود : «با خداوند ، دوستی کنید و به او نزدیک شوید» . گفتند : ای روح خدا ! با چه به خدا نزدیک شویم و با او دوستی کنیم ؟ فرمود : «با دشمنی با معصیتکاران . خشنودی خدا را با ناخشنودی آنان به دست آورید» .

امام صادق علیه السلام : دوستی خدا را جُستم و آن را در دشمنی با معصیتکاران یافتم .

الکافی امام باقر علیه السلام در نامه اش به سعدُ الخیر : رحمت خدا بر تو باد ! بدان که دوستی خدا ، جز با دشمنی بسیاری از مردم ، و ولایت حق ، جز با عداوتشان به دست نمی آید؛ امّا از دست دادن دوستی مردم ، در برابر دست یافتن به ولایت و دوستی خدا ، برای مردمی که می دانند ، آسان و سبک است .

و بی رغبتی به دنیا رسول خدا صلی الله علیه و آله : به دنیا بی رغبت باش، تا خداوند ، دوستت بدارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إن أحبَبتَ أن يُحِبَّکَ اللّهُ فَازهَد فِی الدُّنیا ، وإن أحبَبتَ أن يُحِبَّکَ النّاسُ فَلا يَقَعُ فی يَدِکَ مِن حُطامِها شَیءٌ إلاّ نَبذتَهُ إلَيهِم . (1)

ز بغض الدُّنیا رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ اللّهُ فَأبغِضِ الدُّنیا ، وإذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ النّاسُ فَما کانَ عِندَکَ مِن فُضولِها فَانبِذهُ إلَيهم . (2)

المسيح عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَن عَمَلٍ يورِثُ مَحَبَّةَ اللّهِ : أبغِضُوا الدُّنیا يُحبِبکُمُ اللّهُ . (3)

ح کَظمُ الغَيظِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن جُرعَهٍ أحَبُّ إلَیَّ مِن جُرعَهِ غَيظٍ يَکظِمُها عَبدٌ ، ما کَظَمَها عَبدٌ للّهِ إلاّ مَلَأَ اللّهُ جَوفَهُ إيمانا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن جُرعَهٍ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِن جُرعَتَينِ : جُرعَهِ غَيظٍ يَرُدُّها مُؤمِنٌ بِحِلمٍ ، وجُرعَهِ جَزَعٍ يَرُدُّها مُؤمِنٌ بِصَبرٍ . (5)

.

1- .عيون الأخبار لابن قتيبه : 3 / 174 عن منصور بن المعتمر ، حليه الأولياء : 8 / 52 عن أرطاه بن المنذر ، ربيع الأبرار : 1 / 496 كلاهما نحوه .
2- .تاريخ بغداد: 7/270، البدايه والنهايه: 10/137 كلاهما عن ربعى بن خراش ، كنز العمّال: 3/182/6067 .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 134 ، بحار الأنوار: 14 / 328 / 54 .
4- .مسند ابن حنبل : 1 / 700 / 3017 ، تفسير ابن كثير : 1 / 493 ، كنز العمّال : 3 / 130 / 5821 نقلاً عن ابن أبى الدنيا وفيهما «إلى اللّه» بدل «إلىَّ» وكلّها عن ابن عبّاس و ج 6 / 217 / 15406 .
5- .الأمالى للمفيد : 11 / 8 عن أبى حمزه عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الخصال : 50 / 60 ، جامع الأحاديث للقمّى : 224 وفيهما «مصيبه» بدل «جزع» وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : 76 / 204 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، إقبال الأعمال : 3 / 85 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 69 / 378 / 31 ؛ الفردوس : 4 / 91 / 6283 عن الإمام علىّ عليه

السلامعنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 15 / 873 / 43470 نقلاً عن ابن لال وكلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه .

ز دشمنی با دنیا

ح فرو بردن خشم

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر دوست داری که خداوندْ دوستت بدارد، به دنیا بی رغبت باش و اگر دوست داری مردمْ دوستت بدارند، هر گاه از مال دنیا چیزی به دستت افتاد ، آن را به سوی آنان بیفکن .

ز دشمنی با دنیا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خواستی خدا دوستت بدارد، دنیا را دشمن بدار و هرگاه خواستی مردمْ دوستت بدارند، افزون بر نیاز خود را ، به سویشان بیفکن.

حضرت مسیح علیه السلام چون از ایشان درباره کاری که موجب دوستیِ خداست ، پرسیدند : دنیا را دشمن بدارید، تا خدا دوستتان بدارد.

ح فرو بردن خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ جرعه ای نزدم محبوب تر از جرعه خشمی نیست که بنده ، آن را فرو می خورد . هرگاه بنده ای برای خدا خشم خود را فرو بَرَد، خداوند ، درون او را سرشارِ از ایمان خواهد کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ جرعه ای نزد خدا محبوب تر از دو جرعه نیست: جرعه خشمی که مؤمن ، آن را با بردباری فرو می بَرد و جرعه بی تابی ای که مؤمن ، آن را با شکیبایی [به درون خود] باز می گرداند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : وَجَبَت مَحَبَّهُ اللّهِ عَلى مَن غَضِبَ فَحَلُمَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله لِرَجُلٍ : إنَّ فيکَ لَخَصلَتَينِ يُحِبُّهُمَا اللّهُ : الحِلمَ وَالأَناهَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : ما مِن جُرَعَهٍ يَتَجَرَّعُهَا العَبدُ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل مِن جُرعَهِ غَيظٍ ، يَتَجَرَّعُها عِندَ تَرَدُّدِها فى قَلبِهِ إمّا بِصَبرٍ وإمّا بِحِلمٍ . (3)

طِ السَّخاء رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ السَّخِىَّ ؛ فَأَحِبّوهُ ، ويُبغِضُ البَخيلَ ؛ فَأبغِضوهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الجَوادَ مِن خَلقِهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ جَوادٌ يُحِبُّ الجودَ . (6)

.

1- .تاريخ دمشق : 14 / 404 / 3622 ، تاريخ أصبهان : 2 / 100 / 1214 وفيه «أُغضب» بدل «غضب» وكلاهما عن عائشه، كنز العمّال : 3 / 131 / 5826 ؛ مشكاه الأنوار : 309 وفيه «أُغضب» بدل «غضب» .
2- .صحيح مسلم : 1/49/18 ، السنن الكبرى : 10/327/20802 ، مسند ابن حنبل : 4 / 47 / 11175 كلّها عن أبى سعيد ، سنن أبى داود : 4 / 357 / 5225 عن زارع ، سنن الترمذى : 4 / 366 / 2011 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1401 / 4188 وفيه «الحياء» بدل «الأناه» ، المعجم الكبير : 12 / 178 / 12969 كلّها عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : 3 / 133 / 5837 .
3- .الكافى : 2 / 111 / 13 ، المحاسن : 1 / 456 / 1054 كلاهما عن أبى حمزه ، مشكاه الأنوار : 216 عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 71 / 422 / 60 .
4- .درر الأحاديث : 35 عن يحيى بن الحسين .
5- .البيان والتبيين : 2 / 57 عن محمّد بن إبراهيم التيمى ؛ نثر الدرّ : 1 / 265 .

6- .شُعب الإيمان : 7 / 426 / 10840 عن طلحه بن عبيداللّه ، سنن الترمذى : 5 / 112 / 2799 عن سعد بن أبى وقّاص نحوه ؛ تاريخ اليعقوبى : 2 / 97 ، النوادر للراوندى : 7 ، الجعفريّات : 196 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله.

ط بخشش

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی خدا نسبت به کسی که خشمگین شود و آن گاه بردباری کند، قطعی است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی : در تو دو صفت است که خداوند ، آنها را دوست دارد: بردباری و درنگ در کارها .

امام صادق علیه السلام : هیچ جرعه ای که بنده آن را فرو می خورد، نزد خداوند ، محبوب تر از جرعه خشمی نیست که چون در قلبش به جنبش در می آید، آن را با شکیبایی و یا با بردباری فرو خورَد .

ط بخشش رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بخشندگان را دوست می دارد؛ پس دوستشان بدارید و بخیلان را دشمن می دارد؛ پس دشمنشان بدارید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، در میان خَلقش ، بخشندگان را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بخشنده است و بخشش را دوست دارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : السَّخِىُّ الجَهولُ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِنَ العابِدِ البَخيلِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : شابٌّ سَخِىٌّ مُرهَقٌ فِى الذُّنوبِ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِن شَيخٍ عابِدٍ بَخيلٍ . (2)

ى التَّواضُعِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا عائِشَهُ تَواضَعى ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يُحِبُّ المُتَواضِعينَ ، ويُبغِضُ المُتَكَبِّرينَ . (3)

ک الغَيرَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ مِن عِبادِهِ الغَيورَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَباركَ وتَعالى غَيورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيورٍ ، ولِغَيرَتِهِ حَرَّمَ الفَواحِشَ ظاهِرَها وباطِنَها . (5)

ل الرِّفق رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الرِّفقَ فِى الأَمرِ كُلِّهِ . (6)

.

1- .البخلاء للخطيب : 45 ، الفردوس : 2 / 342 / 3546 وفيه «العالم» بدل «العابد» وكلاهما عن عائشه ، كنزالعمّال : 6 / 392 / 16210 .
2- .الكافى : 4 / 41 / 14 عن أبى جعفر المدائنى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 61 / 1708 ، مكارم الأخلاق : 1/295/919، مشكاه الأنوار: 230 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «مقارف» بدل «مرهق» ، بحارالأنوار: 73/307/34.
3- .الفردوس : 5 / 427 / 8634 ، كنز العمّال : 3 / 113 / 5734 نقلاً عن أبى الشيخ وكلاهما عن عائشه .
4- .المعجم الأوسط : 8/215/8441، الفردوس : 1/64/184 ، قضاء الحوائج لابن أبى الدنيا : 52/44 وفيه «إنّ اللّه يحبّ الغيور» عن مندل بن علىّ عن الإمام الصادق عن أبيه وكلّهاعن الإمام علىّ عليهم السلام،كنزالعمّال:3/387/7076.

5- .الكافى : 5 / 535 / 1 عن عثمان بن عيسى عمّن ذكره ، مشكاه الأنوار : 236 .
6- .صحيح البخارى: 5/2242/5678، صحيح مسلم: 4/1706/2165، سنن الترمذى: 5/60/2701، سنن ابن ماجه : 2 / 1216 / 3689 ، سنن الدارمى : 2 / 779 / 2691 ، مسند ابن حنبل : 9 / 282 / 24145 وص370/24607 ، صحيح ابن حبّان : 2/307/547 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : 3 / 34 / 5333 .

ی فروتنی

ک غیرت

ل ملایمت

رسول خدا صلی الله علیه و آله : نزد خدا، بخشنده نابخرد، از پارسای بخیل، محبوب تر است.

امام صادق علیه السلام : جوان بخشنده فرو رفته در گناه ، نزدِ خداوند ، از پیرِ پارسای بخیل، محبوب تر است .

ی فروتنی رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای عایشه ! فروتن باش که خداوند متعال ، فروتنان را دوست می دارد و گردنکشان را دشمن می دارد.

ک غیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بندگان باغیرت خود را دوست دارد.

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال ، باغیرت است و هر باغیرتی را دوست دارد و به سبب غیرتش بود که همه کارهای زشت چه آشکار و چه نهان را حرام کرده است.

ل ملایمت رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، ملایمت را در همه کارها دوست دارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ رَفيقٌ يُحِبُّ الرِّفقَ . (1)

3 / 5مَحاسِنُ الأَعمالِ الجِهادُ فى سَبيلِ اللّه ِالكتاب(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَنٌ مَّرْصُوصٌ) . (2)

(وَكَأَيِّن مِّن نَّبِىٍّ قَتَلَ مَعَهُو رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا اسْتَكَانُواْ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّبِرِينَ) . (3)

(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِى اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُو أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَفِرِينَ يُجَهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَلاَ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لاَئمٍ ذَ لِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ وَاللَّهُ وَ سِعٌ عَلِيمٌ) . (4)

الحديث الدرّ المنثور عن مقاتل : قالَ المُؤمِنونَ : لَو نَعلَمُ أحَبَّ الأَعمالِ إلَى اللّهِ لَعَمِلناهُ ، فَدَلَّهُم عَلى أحَبِّ الأَعمالِ إلَيهِ ، فَقالَ : «إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِهِ صَفًّا» ، فَبَيَّنَ لَهُم ، فَابتُلوا يَومَ اُحُدٍ بِذلِكَ ، فَوَلَّوا عَنِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آلهمُدبِرينَ، فَأنزَلَ اللّهُ فى ذلِكَ : «يَأيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لاَ تَفْعَلُونَ » (5) . (6)

.

1- .صحيح مسلم : 4 / 2004 / 2593 ، السنن الكبرى : 10 / 326 / 20797 كلاهما عن عائشه ، سنن أبى داود : 4 / 254 / 4807 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 6 / 87 / 9 كلاهما عن عبداللّه بن مغفّل ، سنن ابن ماجه : 2/1216/3688، صحيح ابن حبّان : 2 / 309 / 549 كلاهما عن أبى هريره ، مسند ابن حنبل : 1/239/902، مسند أبى يعلى : 1 / 259 / 486 كلاهما عن أبى خليفه عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، المعجم الكبير : 20 / 365 / 852 عن خالد بن معدان عن أبيه ، كنز العمّال : 3 / 33 / 5332 ؛ الكافى : 2/118/3 ، مشكاه الأنوار : 180 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 75/56/22 .
2- .الصفّ : 4 .
3- .آل عمران : 146 .
4- .المائده : 54 .
5- .الصفّ : 2 .

6- .تفسير الدرّ المنثور : 8 / 146 نقلاً عن ابن أبى حاتم .

الف جهاد در راه خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، ملایم است و ملایمت را دوست دارد.

3 / 5کارهای نیکوالف جهاد در راه خداقرآن(خداوند ، کسانی را که در راهش چونان صفی برآمده از سرب ، می جنگند ، دوست دارد) .

(چه بسا پیامبرانی که همراه با خداپرستان بسیاری، پیکار کردند و در راه خدا هرچه به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر فرود نیاوردند ، و خداوند ، شکیبایان را دوست دارد) .

(ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی را می آورد که دوستشان می دارد و آنان دوستش می دارند؛ با مؤمنانْ فروتن و در برابر کافرانْ خلل ناپذیرند؛ در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی هراسند. این ، فضل خداست که به هر که بخواهد ، آن را خواهد داد ، که خداوند ، گشایشگر داناست) .

حدیث الدرّ المنثور به نقل از مقاتل : مؤمنان گفتند : «اگر می دانستیم محبوب ترین کار در نزد خدا چیست، آن را انجام می دادیم». پس خداوند ، آنان را به محبوب ترینِ کارها نزد خود راهنمایی کرد و فرمود: «خداوند ، کسانی را که در راهش چون صفی برآمده از سرب ، پیکار می کنند، دوست دارد» . پس آن را برایشان بیان داشت و آنان در جنگ اُحد ، بِدان آزمایش شدند و از پیامبر صلی الله علیه و آلهروی گرداندند و پشت کردند. آن گاه ، خداوند در این باره این آیه را نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی می گویید که انجامش نمی دهید؟» .

.

الدرّ المنثور عن زيد بن أسلم فى قَولِهِ تَعالى : «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَتِلُونَ . . .» : نَزَلَت هذِهِ الآيَةُ فى نَفَرٍ مِنَ الأنصارِ فيهِم عَبدُاللّهِ بنُ رَواحَةَ ، قالوا فى مَجلِسٍ : لَو نَعلَمُ أىُّ الأعمالِ أحَبُّ إلَى اللّهِ لَعمِلنا بِهِ حَتّى نَموتَ ! فَأنزَلَ اللّهُ هذِهِ فيهِم ، فَقالَ ابنُ رَواحَةَ : لا أبرَحُ حَبيسا فى سَبيلِ اللّهِ حَتّى أموتَ شَهيدا . (1)

ب قِراءَةُ القُرآنِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا سَلمانُ ، المُؤمِنُ إذا قَرَأ القُرآنَ فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِ أبوابَ الرَّحمَةِ ، وخَلَقَ اللّهُ بِكُلِّ حَرفٍ يَخرُجُ مِن فَمِهِ مَلَكا يُسَبِّحُ لَهُ إلى يَومِ القِيامَةِ ؛ فَإِنَّهُ لَيسَ شَىءٌ بَعدَ تَعَلُّمِ العِلمِ أحَبَّ إلَى اللّهِ مِن قِراءَةِ القُرآنِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : حَمَلَةُ القُرآنِ هُمُ المَحفوفونَ بِرَحمَةِ اللّهِ ، المَلبوسونَ بِنورِ اللّهِ عز و جل . يا حَمَلَةَ القُرآنِ، تَحَبَّبوا إلَى اللّهِ بِتَوقيرِ كِتابِهِ يَزِدكُم حُبّا ويُحَبِّبكُم إلى خَلقِهِ . (3)

الكافى عن أبى بصير : قُلتُ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : إذا قَرَأتُ القُرآنَ فَرَفَعتُ بِهِ صَوتى جاءَنِى الشَّيطانُ فَقالَ : إنَّما تُرائى بِهذا أهلَكَ وَالنّاسَ . قالَ : يا أبا مُحَمَّدٍ اِقرَأ قِراءَةَ ما بَينَ القِراءَتَينِ تُسمِعُ أهلَكَ ، ورَجِّع بِالقُرآنِ صَوتَكَ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ الصَّوتَ الحَسَنَ يُرَجِّعُ فيهِ تَرجيعا . (4)

.

1- .تفسير الدرّ المنثور : 8 / 146 نقلاً عن مالک فى تفسيره .
2- .جامع الأخبار : 114 / 197 .
3- .جامع الأخبار : 115 / 202 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى .
4- .الكافى : 2 / 616 / 13 .

ب خواندن قرآن

الدرّ المنثور به نقل از زید بن اسلم ، در باره گفته خداوند متعال که «خداوند، کسانی را دوست دارد که...» : این آیه، درباره گروهی از انصار، از جمله عبداللّه بن رَواحه نازل شد. آنان در مجلسی گفتند: «اگر می دانستیم محبوب ترینِ کارها نزد خدا چیست ، تا پای مرگ ، انجامش می دادیم» . در این باره ، خداوند ، این آیه را نازل ساخت . پس عبداللّه بن رواحه گفت: «من خود را در راه خدا وقف می کنم تا به شهادت از دنیا بروم».

ب خواندنِ قرآن رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای سلمان! مؤمن ، هرگاه قرآن بخواند، خداوند درهای رحمت را بر او می گشاید و با هر حرفی که از دهانش خارج می شود، فرشته ای می آفریند که تا روز قیامت برایش تسبیح خواهد گفت ؛ زیرا پس از دانش آموزی، هیچ چیز نزد خداوند ، محبوب تر از خواندن قرآن نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : رحمت خدا ، حاملان قرآن را فرا گرفته است و آنان به نور خداوند عز و جل در پوشیده شده اند. ای حاملان قرآن ! با بزرگداشتِ کتابش با خدا دوستی کنید، تا شما را بیشتر دوست بدارد و شما را محبوب خلقش گرداند.

الکافی به نقل از ابو بصیر : به امام باقر علیه السلامگفتم: هرگاه قرآن می خوانم و صدایم را بدان بلند می کنم، شیطان نزدم می آید و می گوید: در واقع با این کارت، برای خانواده ات و مردم ، ریا کاری می کنی. حضرت فرمود : «ای ابومحمد! با صدایی میانه آهسته و بلند ، چنان بخوان که خانواده ات بشنوند ، و قرآن را با صدایی آهنگین و خوش بخوان که خداوند عز و جل ، با صدای خوش و آهنگین خواندن را دوست دارد» .

.

الإمام الصادق عليه السلام : مَن قَرَأَ فى كُلِّ لَيلَهِ جُمُعَهِ الواقِعَهَ أحَبَّهُ اللّهُ ، وأَحَبَّهُ (1) إلَى النّاسِ أجمَعينَ ، ولَم يَرَ فِى الدُّنيا بُؤسا أَبَدا ولا فَقرا ولا فاقَهً ولا آفَهً مِن آفاتِ الدُّنيا ، وكانَ مِن رُفَقاءِ أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام . وهذِهِ السّورَهُ لِأميرِالمُؤمِنينَ عليه السلامخاصَّهً ، لا يَشرَكُهُ فيها أحَدٌ . (2)

عنهِ عليه السلام : لا تَدَعوا قِراءَهَ سورَهِ طه ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُحِبُّها ، ويُحِبُّ مَن قَرَأها . ومَن أدمَنَ قِراءَتَها أعطاهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ كِتابَهُ بِيَمينِهِ ، ولَم يُحاسِبهُ بِما عَمِلَ فِى الإِسلامِ ، وأُعطِىَ فِى الآخِرَهِ مِنَ الأَجرِ حَتّى يَرضى . (3)

عنه عليه السلام : مَن قَرَأَ فى فَرائِضِهِ «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّکَ . . .» (4) شَهِدَ لَهُ يَومَ القِيامَهِ كُلُّ سَهلٍ و جَبَلٍ ومَدَرٍ بِأَنَّهُ كانَ مِنَ المُصَلّينَ ، و يُنادى لَهُ يَومَ القِيامَهِ مُنادٍ : صَدَقتُم عَلى عَبدى ، قَبِلتُ شَهادَتَكُم لَهُ وعَلَيهِ ، أدخِلوهُ الجَنَّهَ ، ولا تُحاسِبوهُ ؛ فَإِنَّهُ مِمَّن اُحِبُّهُ واُحِبُّ عَمَلَهُ . (5)

ج اصطِناعُ المعروف الإمام الصادق عليه السلام : أوحَى اللّهُ عز و جل إلى ذِى القَرنَينِ : وعِزَّتى وجَلالى ، ما خَلَقت خَلقا أحَبَّ إلَىَّ مِنَ المَعروفِ ، وسَأجعَلُ لَهُ عَلَما ؛ فَمَن رَأيتَنى حَبَّبتُ (6) إلَيهِ المَعروفَ وَاصطِناعَهُ،وحَبَّبتُ إلَى النّاسِ الطَّلَبَ إلَيهِ فَأَحِبَّهُ وتَوَلَّهُ ؛ فَإِنّى اُحِبُّهُ وأتَوَلّاهُ . ومَن رَأيتَنى كَرَّهتُ إلَيهِ المَعروفَ ، وبَغَّضتُ إلَى النّاسِ الطَّلَبَ إلَيهِ فَأبغِضهُ ولا تَتَوَلَّهُ ؛ فَإِنَّهُ مِن شَرِّ مَن خَلَقتُ . (7)

.

1- .فى مكارم الأخلاق «حبّبه» وهو الصحيح .
2- .ثواب الأعمال : 144 / 1 عن أبى بصير وراجع مكارم الأخلاق : 2 / 185 / 2493 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : 343 .
3- .ثواب الأعمال : 134 عن إسحاق بن عمّار ، مصباح الكفعمى : 441 .
4- .الفجر : 6 .
5- .ثواب الأعمال : 154 عن أبى بصير ، بحار الأنوار: 92 / 337 / 1 .
6- .فى المصدر «أحببت» والصحيح ما أثبتناه كما فى كنز العمّال .
7- .الفردوس : 1 / 144 / 515 عن عبداللّه المزنى ، كنز العمّال : 6 / 441 / 16451 .

ج انجام دادن کارهای نیک

امام صادق علیه السلام : هرکس در هر شب جمعه ، سوره واقعه را بخواند، خداوند ، او را دوست می دارد و محبوب همه مردمانش می گرداند، و هرگز در دنیا گرفتار درویشی، فقر، درماندگی و هیچ آفتی از آفات دنیا نخواهد شد و از همراهان امیر مؤمنان خواهد بود. این سوره، ویژه امیرمؤمنان است و کسی در آن ، شریکش نیست.

امام صادق علیه السلام : خواندن سوره طه را ترک مکنید که خداوند، آن را و هرکه آن را بخواند ، دوست دارد. هرکه پیوسته آن را بخواند، خداوند در روز قیامت ، نامه اعمالش را به دست راستش خواهد داد و تنها از آنچه در زمان اسلام انجام داده است، از او حسابرسی خواهد کرد ، و در آخرت ، چندان به او پاداش داده می شود تا خشنود گردد.

امام صادق علیه السلام : هرکه در نمازهای واجب خویش ، «آیا ندیدی پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد...» (سوره فیل) را بخواند، روز قیامت ، هر دشت و کوه و کلوخی برایش شهادت خواهد داد که او از نمازگزاران بوده است و فریادگری روز قیامتْ برایش ندا خواهد داد: «درباره بنده ام راست گفتید. شهادت شما را درباره او و بر او می پذیرم. او را به بهشت درآورید و از او حسابرسی مکنید که او از کسانی است که آنان را و کردارشان را دوست دارم».

ج انجام دادن کارهای نیک امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل به ذوالقرنین وحی کرد : به عزّت و جلالم سوگند، هیچ آفریده ای که نزدم محبوب تر از کار نیک باشد، نیافریدم. از این رو ، نشانی برایش خواهم گذاشت. پس هرکه را دیدی که کار نیک و انجام دادن آن را برایش محبوب گردانده ام و درخواست کردن از او را محبوب مردم ساخته ام، او را دوست بدار و با او دوستی کن که من دوستش دارم و با او دوستی می کنم؛ و هرکه را دیدی که کار نیک را ناخوشایندش ساخته ام و درخواست از او را ناخوشایند مردم گردانده ام، با او دشمنی کن و با او دوستی مکن که او از بدترینْ آفریده های من است.

.

د إغاثَةُ اللَّهفانِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اللّهُ عز و جل يُحِبُّ إغاثَةَ اللَّهفانِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ إراقَةَ الدِّماءِ ، وإطعامَ الطَّعامِ ، وإغاثَةَ اللَّهفانِ . (2)

ه سَقىُ العَطشانِ الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى يُحِبُّ إبرادَ الكَبِدِ الحَرّى ، ومَن سَقى كَبِدا حَرّى مِن بَهيمَةٍ أو غَيرِها أظَلَّهُ اللّهُ يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ . (3)

و الإيثار الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ مِمّا خَصَّ اللّهُ عز و جل بِهِ المُؤمِنَ أن يُعَرِّفَهُ بِرَّ إخوانِهِ وإن قَلَّ ، ولَيسَ البِرُّ بِالكَثرَةِ ؛ وذلِكَ أنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ فى كِتابِهِ : «وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» ، ثُمَّ قالَ : «وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » (4) ، ومَن عَرَفَهُ اللّهُ عز و جل بِذلِكَ أحَبَّهُ اللّهُ ، ومَن أحَبَّهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى وَفّاهُ أجرَهُ يَومَ القِيامَةِ بِغَيرِ حِسابٍ . (5)

.

1- .الكافى : 4 / 27 / 4 ، الخصال : 134 / 145 كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/55 / 1682 ، الاختصاص : 240 ، عوالى اللآلى : 1 / 376 / 100 و ح 101 ، بحار الأنوار : 74 / 409 / 10 ؛ مسند أبى يعلى : 4 / 220 / 4280 عن أنس ، شُعب الإيمان : 6 / 116 / 7657 عن ابن عبّاس ، قضاء الحوائج لابن أبى الدنيا : 40/28 عن عباده بن أبى عبيد، كنز العمّال : 6/8/14602 نقلاً عن ابن عساكر عن أبى هريره .
2- .المحاسن : 2 / 143 / 1374 عن عبيداللّه بن الوليد الوصّافى ، بحار الأنوار : 75 / 22 / 27 .
3- .الكافى: 4/58/6 عن ضريس بن عبدالملک، كتاب من لا يحضره الفقيه: 2/64/1723 ، مكارم الأخلاق : 1/293/906 وفيهما زياده «فى ظلّ عرشه» بعد «أظلّه اللّه» ، بحار الأنوار : 96 / 170 / 1 .
4- .الحشر : 9 .
5- .الكافى : 2 / 206 / 6 عن جميل ، بحار الأنوار : 74 / 299 / 35 .

د یاری دادخواهان

ه سیراب کردن تشنگان

و از خود گذشتگی

ر . ک : ص 517 (محبوب ترین مردم در نزد خدا) .

د یاری دادخواهان رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جل ، یاری کردن دادخواهان را دوست دارد .

امام باقر علیه السلام : خداوند ، ریختن خون (قربانی کردن) و غذا دادن به مردم و یاری کردن دادخواهان را دوست دارد .

ه سیراب کردن تشنگان امام باقر علیه السلام : خداوند متعال ، خُنَک کردن جگر تفته را دوست دارد . هرکه جگری تفته را آب بنوشاند ، چه [متعلّق به] چارپایان باشد یا جز آن ، خداوند ، در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست ، بر او سایه می افکند .

و از خود گذشتگی امام صادق علیه السلام : از جمله ویژگی هایی که خداوند به مؤمن بخشیده ، آن است که نیکی کردن به برادرانش را گرچه کم باشد به او آموخته است . نیکی کردن ، به زیاد بودن آن نیست ؛ زیرا خداوند عز و جل در کتابش می فرماید : «دیگران را بر خویشتن مقدّم می دارند ، گرچه بدان نیازمند باشند» . آن گاه می فرماید : «آنان که جانشان از بُخلْ ایمن گردد ، پس آنان همان رستگاران اند» . خداوند عز و جلهر که را بدین صفت بشناسد ، او را دوست می دارد و هر که خداوند متعال ، دوستش بدارد ، روز قیامت ، پاداش او را بی حساب ، و به کمال ، پرداخت خواهد کرد .

.

ز الطَّهارَهالكتاب(لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ) . (1)

الحديث المستدرک على الصحيحين عن أبى أيّوب الأنصاريّ وجابر بن عبداللّه وأنس بن مالک : إنَّ هذِهِ الآيَةَ لَمّا نَزَلَت «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ» . قالَ رَسولُ اللّه ِصلى الله عليه و آله : يا مَعشَرَ الأَنصارِ ، إنَّ اللّه َ قَد أثنى عَلَيكُم فِى الطَّهورِ خَيرا ، فَما طَهورُكُم هذا ؟ قالوا : نَتَوَضَّأُ لِلصَّلاهِ ، ونَغتَسِلُ مِنَ الجَنابَهِ ، ونَستَنجى بِالماءِ . قالَ : هُوَ ذاکَ فَعَلَيكُم بِهِ . (2)

المعجم الكبير عن أبى اُمامه : قالَ رَسولُ اللّه ِ صلى الله عليه و آله لِأَهلِ قُباءَ : ما هذَا الطَّهورُ الَّذى خُصِصتُم بِهِ فى هذِهِ الآيَهِ : «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ » ؟ قالوا : يا رَسولَ اللّه ِ ، ما مِنّا أَحَدٌ يَخرُجُ مِنَ الغائِطِ إلاّ غَسَلَ مَقعَدَتَهُ . (3)

.

1- .التوبه : 108 وراجع البقره : 222 .
2- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 365 / 3287 وج 1 / 257 / 554 ، سنن ابن ماجه : 1/127/355 ، السنن الكبرى : 1 / 171 / 513 ، سنن الدارقطنى : 1 / 62 / 2 والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : 12 / 7 / 33709 .
3- .المعجم الكبير : 8 / 121 / 7555 ، كنز العمّال : 2 / 430 / 4419 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزّاق وراجع المستدرک على الصحيحين : 1 / 299 / 672 ؛ تفسير مجمع البيان : 5 / 111 وراجع : ج 3 / 73 .

ز پاکی

ز پاکیقرآن(مسجدی که از روز نخست بر [اساس]پرهیزگاری بنا شده ، شایسته تر است که در آن [به نماز]ایستی . در آن ، مردانی اند که دوست دارند خود را پاک کنند ، و خداوند ، کسانی را که خواهان پاکی اند ، دوست دارد) .

حدیث المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو ایوب انصاری و جابر بن عبداللّه و انس بن مالک : چون آیه «در آن ، مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک کنند و خداوند ، کسانی را که خواهان پاکی اند ، دوست دارد» نازل شد ، پیامبر خدا فرمود : «ای گروه انصار ! خداوند به سبب پاکی تان ، شما را ستوده است . حال ، [بگویید که :] پاکیِ شما به چیست ؟». گفتند : برای نماز ، وضو می گیریم . پس از جنابت ، غسل می کنیم و با آب ، نجاست را از خود برطرف می سازیم . حضرت فرمود : «پاکی (طهارت) ، همین است . پس پایبند آن باشید» .

المعجم الکبیر به نقل از ابو اُمامه : پیامبر خدا به اهل قُبا فرمود : «این پاکی ای (طهارتی) که در آیه «در آن ، مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک کنند و خداوند ، کسانی را که خواهان پاکی اند ، دوست دارد» ویژه شما گشته است ، چیست ؟» . گفتند : ای پیامبر خدا ! هریک از ما پس از قضای حاجت ، نشیمنگاه خود را می شوید .

.

الدرّ المنثور عن ابن عمر فى قَولِهِ تَعالى : «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ » : سَأَلَهُم رَسولُ اللّه ِ صلى الله عليه و آله عَن طَهورِهِمُ الَّذى أثنَى اللّهُ بِهِ عَلَيهِم . قالوا : كُنّا نَستَنجى بِالماءِ فِى الجاهِلِيَّهِ ، فَلَمّا جاءَ اللّهُ بِالإِسلامِ لَم نَدَعهُ . قالَ : فَلا تَدَعوهُ . (1)

ح النَّظافَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ تَعالى يُحِبُّ النّاسِكَ النَّظيفَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : تَنَظَّفوا بِكُلِّ مَا استَطَعتُم ؛ فَإِنَّ اللّه َ تَعالى بَنَى الإِسلامَ عَلَى النَّظافَهِ ، ولَن يَدخُلَ الجَنَّهَ إلاّ كُلُّ نَظيفٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : الإِسلامُ نَظيفٌ ، فَتَنَظَّفوا ؛ فَإِنَّهُ لا يَدخُلُ الجَنَّهَ إلاّ نَظيفٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ طَيّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ ، نَظيفٌ يُحِبُّ النَّظافَهَ . (5)

.

1- .تفسير الدرّ المنثور : 4 / 291 نقلاً عن ابن مردويه و ص 290 نقلاً عن عبد الرزّاق عن عبداللّه بن الحارث نحوه وزاد فى آخره «إنّكم قد أثنى عليكم فدوموا» .
2- .تاريخ بغداد : 10 / 12 عن جابر بن عبداللّه ، كنز العمّال : 9 / 277 / 26000 .
3- .كنز العمّال : 9 / 277 / 26002 نقلاً عن أبى الصعاليک الطرسوسى فى جزئه عن أبى هريره .
4- .المعجم الأوسط: 5/139/4893، تاريخ بغداد: 5/143 كلاهما عن عائشه، كنز العمّال: 9 / 277 / 26001 .
5- .صحيح الترمذى : 5 / 112 / 2799 عن سعد بن أبى وقّاص ، كنز العمّال : 15 / 389 / 41500 .

ح پاکیزگی

الدرّ المنثور به نقل از عبداللّه بن عمر ، در تفسیر این گفته خداوند متعال که : «در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک کنند ...» : پیامبر خدا از آنان درباره پاکی ای که خداوند به سببش آنان را ستوده است ، پرسید . پاسخ دادند : ما در روزگار جاهلیت ، نجاست را با آب از خود می زدودیم و چون خداوند ، اسلام را آورد ، این عادت را رها نکردیم . حضرت فرمود : «پس آن را رها مکنید» .

ح پاکیزگی رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، عبادت پیشه پاکیزه را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : با هرچه می توانید ، خود را پاکیزه کنید که خداوند متعال ، اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده است و جز افراد پاکیزه به بهشت وارد نمی شوند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اسلام ، پاکیزه است . پس خود را پاکیزه سازید ، که جز پاکیزگان به بهشت وارد نمی شوند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، پاک است و پاکان را دوست دارد ؛ پاکیزه است و پاکیزگان را دوست دارد .

.

الإمام علىّ عليه السلام : تَنَظَّفوا بِالماءِ مِنَ النَّتِنِ الرّيحِ الَّذى يُتَأَذّى بِهِ ، تَعَهَّدوا أنفُسَكُم ؛ فَإنَّ اللّه َ عز و جليُبغِضُ مِن عِبادِهِ القاذورَةَ الَّذى يَتَأَنَّفُ بِهِ مَن جَلَسَ إلَيهِ . (1)

ط السَّماحَه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ يُحِبُّ سَمحَ البَيعِ ، سَمحَ الشِّراءِ ، سَمحَ القَضاءِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : أحَبَّ اللّهُ تَعالى عَبدا سَمحا إذا باعَ ، وسَمحا إذَا اشتَرى ، وسَمحا إذا قَضى ، وسَمحا إذَا اقتَضى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ تَعالى يُحِبُّ السَّهلَ الطَّليقَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّه َ سُبحانَهُ يُحِبُّ السَّهلَ النَّفسُ ، السَّمحَ الخَليقَهُ ، القَريبَ الأمرُ . (5)

ى قَولُ الحَقِّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن صَدَقَهٍ أحَبُّ إلَى اللّه ِ مِن قَولِ الحَقِّ . (6)

.

1- .الخصال : 620 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 110 نحوه وفيه «يتأفّف» بدل «يتأنّف» ، بحار الأنوار : 10 / 99 / 1 .
2- .سنن الترمذى : 3 / 609 / 1319 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 64 / 2338 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : 4 / 44 / 9426 .
3- .شُعب الإيمان : 7 / 536 / 11253 عن أبى هريره ، مسند الشهاب : 2 / 252 / 1299 عن عثمان نحوه ، الموطّأ : 2 / 685 / 100 عن محمّد بن المنكدر من دون إسناده إليه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 4 / 44 / 9424 .
4- .شُعب الإيمان : 6 / 254 / 8055 عن مورق العجلى وح 8056 ، الفردوس : 1 / 156 / 574 وفيه «الطلق» بدل «الطليق» وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : 3 / 3 / 5139 .
5- .غرر الحكم : 3476 .

6- .شُعب الإيمان : 6 / 125 / 7685 عن أبى هريره ، تفسير الدرّ المنثور : 2 / 43 نقلاً عن ابن أبى حاتم عن عمرو بن دينار ، كنز العمّال : 6 / 415 / 16325 .

ط آسانگیری

ی گفتن حق

امام علی علیه السلام : خود را با آبْ از بوی آزارنده پاک کنید و به خودتان برسید که خداوند عز و جل بنده پَلَشتی را که هرکس کنارش بنشیند ، از [بوی بد]او رنجه شود ، دشمن می دارد .

ط آسانگیری رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، کسی را که در خرید ، فروش و پس دادن وام ، آسانگیر است ، دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، بنده ای را دوست دارد که در فروختن ، آسانگیر باشد ؛ در خریدن ، آسانگیر باشد ؛ در پس دادنِ وام ، آسانگیر باشد ؛ و در پس گرفتنِ وام ، آسانگیر باشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، شخص آسانگیر و راحت را دوست دارد .

امام علی علیه السلام : خداوند پاک و بلند مرتبه دوست می دارد هموارْ نَفْس (1) ، بخشنده خوی ، نزدیکْ کار (2) را .

ی گفتن حق رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ صدقه ای نزد خدا ، محبوب تر از گفتن حق نیست .

.

1- .اشاره است به سختگیر و درشت خو نبودن .
2- .اشاره است به ساده زیستی و ترک و تکلّف در زندگی .

ک إفشاءُ السَّلامِ الإمام الباقر علیه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل یُحِبُّ إفشاءَ السَّلامِ . (1)

3 / 6ما یُحِبُّهُ اللّهُ الکافی عن الحلبیّ عن الإمام الصادق علیه السلام : سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَآءَ» (2) ، فَقالَ : هُوَ الجِماعُ ، ولکِنَّ اللّهَ سَتیرٌ یُحِبُّ السَّترَ ؛ فَلَم یُسَمِّ کَما تُسَمّونَ . (3)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ یُحِبُّ الصَّبرَ عِندَ زَلزَلَهِ الزِّلزالِ (4) ، وَالیَقینَ النّافِذَ عِندَ مَجیءِ الشُّبُهاتِ ، وَالعَقلَ الکامِلَ عِندَ نُزولِ الشَّهَواتِ ، وَالوَرَعَ الصّادِقَ عِندَ الحَرامِ وَالخَبیثاتِ . (5)

مسند الشهاب عن عمران بن حصین : أَخَذَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِطَرَفِ عِمامَتی فَقالَ : یا عِمرانُ ، إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی یُحِبُّ الإنفاقَ ، ویُبغِضُ الإقتارَ ؛ فَأَنفِق وأَطعِم ، ولا تَضُرَّ صَرّا فَیَعَسُرَ عَلَیکَ الطَّلَبُ . وَاعلَم أَنَّ اللّهَ یُحِبُّ البَصَرَ النّافِذَ عِندَ مَجیءِ الشَّهَواتِ ، وَالعَقلَ الکامِلَ عِندَ نُزولِ الشُّبُهاتِ ، ویُحِبُّ السَّماحَهَ ولَو عَلی تَمَراتٍ ، ویُحِبُّ الشَّجاعَهَ ولَو عَلی قَتلِ حَیَّهٍ . (6)

.

1- .الکافی : 2 / 645 / 5 عن محمّد بن قیس ، تحف العقول : 300 ، بحار الأنوار : 78 / 181 / 68 .
2- .المائده : 6 .
3- .الکافی: 5/555/5، تفسیر العیّاشی : 1/243/141 وفیه «ستّار» بدل «ستیر» ، بحار الأنوار : 80/220/13.
4- .فی نسخهٍ «زلزله الزلازل» (کذا فی هامش المصدر) .
5- .نوادر الأُصول : 1 / 326 عن الزبیر .
6- .مسند الشهاب : 2/152/1080 ، حیاه الحیوان : 1 / 257 ، نوادر الأُصول : 1/325 عن الزبیر نحوه ، الفردوس : 1/154/562 وفیه «إنّ اللّه یحبّ النظرالنافذ ... إلخ»، کنزالعمّال: 6/582/17008 وراجع حلیه الأولیاء: 6/199 .

ک رواج دادن سلام

3 / 6 آنچه خدا دوست دارد

ک رواج دادن سلام امام باقر علیه السلام : خداوند عز و جل ، به همه سلام کردن و ترویج آن را دوست دارد .

3 / 6آنچه خدا دوست دارد الکافی به نقل از حلبی : از امام صادق علیه السلامدرباره [مقصود]سخن خدای عز و جل : «زنان را لمس کردید» پرسیدم . فرمود : «مقصود ، آمیزشِ [جنسی] است ؛ لیکن خداوند ، عفیف است و عفّت [کلام] را دوست دارد . لذا آن گونه که شما نام می برید ، نام نبرده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، شکیبایی به هنگام تزلزل و لرزش ها، یقینِ قاطع به هنگام پیش آمدن شبهه ها، عقلِ کامل به هنگام در رسیدن شهوت ها ، و پارساییِ راستین در برابر حرام و پلیدی ها را دوست دارد .

مُسنَد الشِّهاب به نقل از عمران بن حصین : پیامبر خدا گوشه عمامه ام را گرفت و فرمود : «ای عمران ! خداوند متعال ، بخشش کردن را دوست دارد و تنگ گرفتنِ بر خانواده را دشمن می دارد . پس ببخش و بخوران و چندان سخت مگیر که طلب [روزی] بر تو دشوار شود . بدان که خداوند ، دیده تیزبین به هنگام در رسیدن شهوت ها و عقل کامل به هنگام فرود آمدن شُبهات را دوست دارد . همچنین خداوند ، بخشش را گرچه به چند دانه خرما و دلاوری را گر چه به کشتن ماری دوست دارد .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل جَميلٌ يُحِبُّ الجَمالَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ جَميلٌ يُحِبُّ الجَمالَ ، ويُحِبُّ أن يَرى أثَرَ نِعمَتِهِ عَلى عَبدِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ وِترٌ يُحِبُّ الوِترَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن نَفَقَةٍ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل مِن نَفَقَةِ قَصدٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى يُحِبُّ أن يَرى عَبدَهُ تَعِبا فى طَلَبِ الحَلالِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنَ الكَلامِ كَلِمَةٌ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل مِن قَولِ : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ» . (6)

.

1- .صحيح مسلم : 1/93/91 ، مسند ابن حنبل : 2 / 58 / 3789 ، المستدرک على الصحيحين : 4/201/7365، شُعب الإيمان : 5 / 161 / 6192 كلّها عن عبداللّه بن مسعود ، المعجم الكبيرِ : 8 / 203 / 7822 عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : 6 / 639 / 17165 نقلاً عن ابن عساكر ؛ عوالى اللآلى : 1 / 437 / 150 و ج 2 / 28 / 67 ، تفسير العيّاشى : 2 / 14 / 29 عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : 83 / 175 / 2 .

2- .المعجم الأوسط: 5/60/4668 عن أبى ريحانه ، مسند أبى يعلى: 2/18/1050، شُعب الإيمان:5/163/6201 كلاهما عن أبى سعيد ، كنز العمّال : 6 / 642 / 17188 نقلاً عن ابن عساكر ؛ الكافى : 6 / 438 / 1 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، الخصال : 613 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام، دعائم الإسلام: 2/155/551 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 10/92/1 . راجع الجمال .

3- .صحیح مسلم: 4/2062/2677 عن أبیهریره، سنن أبی داود: 2/61/1416، سنن الترمذی: 2/316/453 ، سنن ابن ماجه : 1 / 370 / 1169 ، سنن النسائی : 3 / 229 ، مسند ابن حنبل : 1 / 302 / 1213 ، المستدرک علی الصحیحین : 1 / 441 / 1118 ، السنن الکبری : 2 / 657 / 4454 کلّها عن عاصم بن ضمره عن الإمام علیّ علیه السلامعنه صلی الله علیه و آله ، کنز العمّال : 7 / 406 / 19532 ؛ الکافی : 3 / 25 / 4 ، تهذیب الأحکام : 1 / 360 / 1083 کلاهما عن زراره عن الإمام الباقر علیه السلام .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 3 / 167 / 3621 ، المحاسن : 2 / 104 / 1280 کلاهما عن ابن أبی یعفور عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 99 / 122 / 4 .
5- .کنز العمّال : 4 / 4 / 9200 نقلاً عن الفردوس عن الإمام علیّ علیه السلام .
6- .التوحید : 21 / 14 ، ثواب الأعمال : 21 / 2 ، مکارم الأخلاق : 2 / 82 / 2211 کلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار: 93 / 196 / 16 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، زیباست و زیبایی را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، زیباست و زیبایی را دوست دارد و خوش دارد که اثر نعمت خود را در بنده اش ببیند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، تک است وتک (1) را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ هزینه کردنی در نزد خدا محبوب تر از هزینه کردن به اعتدال نیست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، دوست دارد که بنده اش را در جستجوی مال حلال ، خسته ببیند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ سخنی در نزد خداوند ، محبوب تر از گفتار «لا اله الاّ اللّه» نیست .

.

1- .اشاره به این که در تکرار کارها ، فرد بودن تعداد ، مطلوب است ، مانند : سه بار ، پنج بار ، هفت بار و ... به استثنای مواردی که در شرع ، مستثنی شده است .

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ أن يُؤخَذَ بِرُخصَتِهِ ، كَما يُحِبُّ أن يُؤخَذَ بِعَزائِمِهِ . إنَّ اللّهَ بَعَثَنى بِالحَنيفِيَّهِ السَّمحَهِ دينِ إبراهيمَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ أن تُؤتى رُخَصُهُ ، كَما يُحِبُّ أن تُؤتى عَزائِمُهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن قَطرَهٍ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِن قَطرَتَينِ : قَطرَهِ دَمٍ فى سَبيلِ اللّهِ ، وقَطرَهِ دَمعٍ فى سَوادِ اللَّيلِ مِن خَشيَهِ اللّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ الصَّمتَ عِندَ ثَلاثٍ : عِندَ تِلاوَهِ القُرآنِ ، وعِندَ الزَّحفِ ، وعِندَ الجَنازَهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : أحَبُّ العَمَلِ إلَى اللّهِ عز و جل تَعجيلُ الصَّلاهِ لِأَوَّلِ وَقتِها . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : اللّهُ عز و جل عَفُوٌّ يُحِبُّ العَفوَ . (6)

.

1- .كنز العمّال : 3 / 34 / 5341 نقلاً عن ابن عساكر عن الإمام علىّ عليه السلام .
2- .صحيح ابن حبّان : 2/69/354 ، المعجم الكبير : 11/256/11880 كلاهما عن ابن عبّاس ، المعجم الأوسط : 8 / 82 / 8032 ، مسند الشهاب : 2 / 152 / 1079 كلاهما عن عائشه ، السنن الكبرى : 3 / 200 / 5415 ، مسند ابن حنبل : 2 / 438 / 5870 و ص 439 / 5878 وفيهما «كما يكره أن تؤتى معصيته» بدل «كما يحبّ أن تؤتى عزائمه» وكلّها عن ابن عمر، كنز العمّال : 3/34/5334 ؛ بحار الأنوار : 93 / 29 نقلاً عن رساله النعمانى.
3- .الأمالى للمفيد : 11 / 8 عن أبى حمزه عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الكافى : 5 / 53 / 3 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عن أبيه عليهماالسلامو ج 2 / 482 / 3 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، المحاسن : 1 / 456 / 1054 عن أبى حمزه عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 50 / 60 ، جامع الأحاديث للقمّى : 224 كلاهما عن أبى

حمزه عن الإمام زين العابدين عليه السلاموكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 152 / 13 ؛ الفردوس : 4 / 65 / 6205 عن أبى اُمامه نحوه .
4- .المعجم الكبير : 5 / 213 / 5130 عن زيد بن أرقم ، كنز العمّال : 3 / 350 / 6884 .
5- .مسند ابن حنبل : 10/316/27175 ، سنن الدارقطنى : 1/248/12 ، المعجم الكبير : 25/82/208 كلّها عن اُمّ فروه ، تاريخ بغداد : 3 / 205 عن ابن مسعود وفيه «الصلاه لوقتها» بدل «تعجيل الصلاه لأوّل وقتها» ، كنز العمّال : 7 / 360 / 19263 .
6- .مسند ابن حنبل : 2/98/3977 و ص 138 / 4168 ، السنن الكبرى : 8 / 575 / 17612 كلّها عن أبى ماجد ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 424 / 8155 ، المعجم الكبير : 9 / 110 / 8572 ، المصنّف لعبد الرزّاق : 7 / 372 / 13519 كلّها عن ابن مسعود ، كنز العمّال : 3 / 373 / 7005 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دوست دارد رُخصت ها (مُباح ها)یش را به کار بندند ، همان گونه که دوست دارد به واجباتش عمل کنند . خداوند ، مرا با دین راحت و آسان برانگیخت ؛ دین ابراهیم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دوست دارد که رخصت ها [/ مباحاتش] به جای آورده شود ؛ همان گونه که دوست دارد واجباتش به جای آورده شود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ قطره ای نزد خداوند ، محبوب تر از دو قطره نیست : قطره خونی در راه خدا و قطره اشکی در سیاهی شب از ترس خدا .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سکوت را در سه جا دوست دارد : به هنگام خوانده شدن قرآن ، به هنگام [جنگ و]پیش رَوی به سوی دشمن و به هنگام تشییع جنازه .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترین کارها نزد خداوند ، شتاب در به جا آوردن نماز در اوّلِ وقتش است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بخشایشگر است و گذشت [از خطای دیگران]را دوست دارد .

.

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ القَصدَ أمرٌ يُحِبُّهُ اللّهُ عز و جل . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى يُحِبُّ أن تَعدِلوا بَينَ أولادِكُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله: ثَلاثَةٌ يُحِبُّهَا اللّهُ : قِلَّةُ الكَلامِ ، وقِلَّةُ المَنامِ ، وقِلّةُ الطَّعامِ . ثَلاثَةٌ يُبغِضُهَا اللّهُ : كَثرَةُ الكَلامِ ، وكَثرَةُ المَنامِ ، وكَثرَةُ الطَّعامِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله: ثَلاثَةٌ يُحِبُّهَا اللّهُ سُبحانَهُ : القِيامُ بِحَقِّهِ ، وَالتَّواضُعُ لِخَلقِهِ ، وَالإِحسانُ إلى عِبادِهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ البَيتَ الَّذى فيهِ العُرسُ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله: ما بُنِىَ فِى الإِسلامِ بِناءٌ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل وأعَزُّ مِنَ التَّزويجِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : إذَا التَقَى المُسلِمانِ فَسَلَّمَ كُلٌّ مِنهُما عَلى صاحِبِهِ وتَصافَحا كانَ أحَبُّهُما إلَى اللّهِ أحسَنَهُما بِشرا لِصاحِبِهِ . (7)

3 / 7أحَبُّ الأَعمالِ إلَى اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أحَبُّ الأَعمالِ إلَى اللّهِ سُرورٌ تُدخِلُهُ عَلَى المُؤمِنِ ؛ تَطرُدُ عَنه جَوعَتَهُ ، أو تَكشِفُ عَنهُ كُربَتَهُ . (8)

.

1- .الكافى : 4 / 52 / 2 ، الخصال : 10 / 36 ، ثواب الأعمال : 221 / 1 كلّها عن داود الرقّى ، بحار الأنوار : 71 / 346 / 10 .
2- .كنز العمّال : 16 / 446 / 45356 نقلاً عن الطبرانى و ص 445 / 45350 نقلاً عن ابن النجّار وزاد فيه «حتّى فى القُبَل» وكلاهما عن النعمان بن بشير .
3- .تنبيه الخواطر : 2 / 213 .
4- .تنبيه الخواطر : 2 / 121.

5- .الكافى : 6 / 54 / 2 عن أبى خديجه .
6- .بحار الأنوار : 103 / 222 / 40 نقلاً عن الهدايه .
7- .شُعب الإيمان: 6/253/8052 ، نوادر الأُصول: 2/69 نحوه وكلاهما عن عمر، كنز العمّال: 9/114/25245 .
8- .الكافى : 2 / 191 / 11 ، جامع الأحاديث للقمّي : 182 كلاهما عن مالک بن عطيّه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 295 / 24 ؛ المعجم الكبير : 12 / 346 / 13646 ، المعجم الأوسط : 6 / 139 / 6026 كلاهما عن ابن عمر ، قضاء الحوائج لابن أبى الدنيا : 47 / 36 ، سلسله الأحاديث الصحيحه : 2 / 608 / 906 نقلاً عن ابن عساكر وكلّها نحوه وفيها زياده «أو تقضى عنه دينا» .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل ، میانه روی را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، دوست دارد که میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه چیز را دوست می دارد : کم گویی ، کم خوابی و کم خوری ؛ و سه چیز را خداوند دشمن می دارد : پُرگویی ، پُرخوابی و پُرخوری .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان ، سه چیز را دوست می دارد : به جا آوردن حقوقش ، فروتنی برای خلقش و نیکوکاری به بندگانش .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، خانه ای را که در آن عروسی است ، دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در اسلام ، هیچ نهادی نزد خداوند عز و جلمَحبوب تر و ارجمندتر از ازدواج نیست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو مسلمان یکدیگر را ببینند و یکی از آنان به دیگری سلام کند و با او دست دهد ، محبوب ترین آنان نزد خداوند ، خوش روترین آنان نسبت به دیگری است .

3 / 7محبوب ترینِ کارها نزد خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترینِ کارها در نزد خدا ، شادمان ساختن مؤمن است ، مانند برطرف ساختَن گرسنگی اش و یا زدودن اندوهش .

.

الإمام الباقر علیه السلام: سُئِلَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : أیُّ الأَعمالِ أحَبُّ إلَی اللّهِ عز و جل؟ قالَ : إتباعُ سُرورِ المُسلِمِ . قیلَ : یا رَسولَ اللّهِ ، وما إتباعُ سُرورِ المُسلِمِ ؟ قالَ : شَبعُ جَوعَتِهِ ، وتَنفیسُ کُربَتِهِ ، وقَضاءُ دَینِهِ . (1)

عنه علیه السلام: ما عُبِدَ اللّهُ بِشَیءٍ أحَبَّ إلَی اللّهِ مِن إدخالِ السُّرورِ عَلَی المُؤمِنِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام: مِن أحَبِّ الأَعمالِ إلَی اللّهِ تَعالی زِیارَهُ قَبرِ الحُسَینِ علیه السلام . (3)

الإمام علیّ علیه السلام: أحَبُّ الأَعمالِ إلَی اللّهِ عز و جل فِی الأَرضِ الدُّعاءُ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام لَمّا سَأَ لَهُ یَزیدُ بنُ هارونَ الواسِطِیُّ عَنِ الفَلاّحینَ : هُمُ الزّارِعونَ کُنوزَ اللّهِ فی أرضِهِ . وما فِی الأَعمالِ شَیءٌ أحَبَّ إلَی اللّهِ مِنَ الزِّراعَهِ ، وما بَعَثَ اللّهُ نَبِیّا إلاّ زَرّاعا ، إلاّ إدریسَ علیه السلام فَإِنَّهُ کانَ خَیّاطا . (5)

الإمام علیّ علیه السلام : اِنتَظِرُوا الفَرَجَ ، ولا تَیأَسوا مِن رَوحِ اللّهِ ؛ فَإِنَّ أحَبَّ الأَعمالِ إلَی اللّهِ عز و جل انتِظارُ الفَرَجِ ، ما دامَ عَلَیهِ العَبدُ المُؤمِنُ . (6)

.

1- .قرب الإسناد : 145 / 522 عن أبی البختری عن الإمام الصادق علیه السلام .
2- .الکافی : 2 / 188 / 2 عن جابر .
3- .کامل الزیارات : 146 عن أبان الأزرق عن رجل .
4- .مکارم الأخلاق : 2 / 9 / 1985.
5- .تهذیب الأحکام: 6/384/1138، جامع الأحادیث للقمّی:183 ولیس فیه صدره، بحار الأنوار: 103/69/25.

6- .الخصال : 616 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 106 .

امام باقر علیه السلام : از پیامبر خدا پرسیدند : چه کاری نزد خداوند عز و جلمحبوب تر است ؟ فرمود : «پی در پی شادمان کردن مسلمان» . پرسیدند : مقصود از پی در پی شادمان کردن مسلمان چیست ؟ فرمود : «برطرف ساختن گرسنگی اش، زدودن اندوهش و پرداخت بدهی اش» .

امام باقر علیه السلام : خداوند به چیزی که نزدش محبوب تر از شادمان ساختن مسلمان باشد ، پرستیده نشده است .

امام صادق علیه السلام : از محبوب ترین کارها نزد خداوند متعال ، زیارت آرامگاه حسین علیه السلاماست .

امام علی علیه السلام : محبوب ترین کارها نزد خدا بر روی زمین ، دعاست .

امام صادق علیه السلام چون یزید بن هارون واسطی درباره کشاورزان از ایشان پرسید : آنان ، کشتگران ، گنجینه های خدا در زمینش هستند . هیچ یک از کارها در نزد خداوند ، محبوب تر از کشاورزی نیست و هیچ پیامبری برانگیخته نشد ، مگر آن که کشاورز بود ، جز ادریس علیه السلامکه خیّاط بود .

امام علی علیه السلام : در انتظار فرج باشید و از رحمت خدا نومید مشوید که محبوب ترین کارها نزد خداوند عز و جل انتظار فرج است ، تا وقتی که بنده مؤمن ، بر آن مداومت ورزد .

.

3 / 8مَن يُحِبُّهُمُ اللّهُ الكتاب(وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) . (1)

(إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) . (2)

(وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّبِرِينَ) . (3)

(فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) . (4)

(إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) . (5)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ المُؤمِنَ المُحتَرِفَ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الحَيِىَّ العَيِىَّ المُتَعَفِّفَ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الحَيِىَّ الحَليمَ العَفيفَ المُتَعَفِّفَ . (8)

.

1- .البقره : 195 .
2- .التوبه : 4 ، آل عمران : 76 .
3- .آل عمران : 146 .
4- .آل عمران : 159 .
5- .المائده : 42 ، الحجرات : 9 ، الممتحنه : 8 .
6- .المعجم الأوسط : 8/ 380 / 8934 ، شُعب الإيمان : 2 / 88 / 1237 كلاهما عن سالم عن أبيه ، مسند الشهاب: 2/149/1072، المعجم الكبير : 12 / 238 / 13200 وليس فيه «المؤمن» وكلاهما عن ابن عمر، كنز العمّال: 4/4/9199؛ مسند زيد : 255 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله.
7- .عوالى اللآلى : 1 / 70 / 128 وفيه «الحىّ» والصحيح ما أثبتناه .
8- .الكافى : 2 / 112 / 8 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : 300 عن الإمام الباقر عليه السلام ، مسند زيد : 388 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ،

تنبيه الخواطر : 1 / 124 ، روضه الواعظين : 417 ، الزهد للحسين بن سعيد : 10 / 20 عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله و فى الثلاثه الأخيره «الغنى» بدل«العفيف»، بحار الأنوار : 71/405/18 ؛ المعجم الكبير : 10/196/10442 عن ابن مسعود عن فاطمه عليهاالسلامعنه صلى الله عليه و آله ؛ كنز العمّال : 6 / 643 / 17192 نقلاً عن أمالى ابن صصرى عن أبى هريره .

3 / 8آنان که خدا دوستشان داردقرآن(و نیکی کنید که خداوند ، نیکوکاران را دوست دارد) .

(خداوند ، پرهیزگاران را دوست دارد) .

(خداوند ، شکیبایان را دوست دارد) .

(پس هرگاه مصمّم [به کاری]شدی ، بر خداوند ، توکّل کن که خداوند ، توکّل کنندگان را دوست دارد) .

(خداوند ، دادگران را دوست دارد) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، مؤمنِ پیشه ور را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، شخصِ آزرمگینِ سنجیده سخنِ پاکدامن را دوست دارد. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، شخصِ آزرمگینِ بردبارِ عفیفِ خویشتندار را دوست دارد.

.

1- .مراد ، کسی که سخن نامربوط نمی گوید و یا سخنی را که فایده اخروی ندارد بر زبان نمی راند .

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ عَبدَهُ المُؤمِنَ الفَقيرَ المُتَعَفِّفَ أبَا العِيالِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ المُؤمِنَ إذا كانَ فَقيرا مُتَعَفِّفا . (2)

سنن الترمذى عن عبداللّه بن مسعود يرفعه : قالَ [رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله] : ثَلاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّهُ : رَجُلٌ قامَ مِنَ اللَّيلِ يَتلو كِتابَ اللّهِ ، ورَجُلٌ تَصَدَّقَ صَدَقَةً بِيَمينِهِ يُخفيها أراهُ قالَ : مِن شِمالِهِ ، ورَجُلٌ كانَ فى سَرِيَّةٍ فَانهَزَمَ أصحابُهُ فَاستَقبَلَ العَدُوَّ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّهُ ويَضحَكُ إلَيهِم ويَستَبشِرُ بِهِم : الَّذى إذَا انكَشَفَت فِئَةٌ قاتَلَ وَراءَها بِنَفسِهِ للّهِ ، فَإمّا أن يُقتَلَ وإمّا أن يَنصُرَهُ اللّهُ ويَكفِيَهُ ، فَيَقولُ : اُنظُروا إلى عَبدى هذا كَيفَ صَبَرَ لى بِنَفسِهِ ! وَالَّذى لَهُ امرَأةٌ حَسَنَةٌ وفِراشٌ لَينٌ حَسَنٌ فَيَقومُ مِنَ اللَّيلِ ، فَيَقولُ : يَذَرُ شَهوَتَهُ فَيَذكُرُنى ولَو شاءَ رَقَدَ ! وَالَّذى إذا كانَ فى سَفَرٍ وكانَ مَعَهُ رَكبٌ فَسَهِروا ثُمَّ هَجَعوا فَقامَ مِنَ السَّحَرِ فى سَرّاءَ وضَرّاءَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ يَضحَكُ اللّهُ يَومَ القِيامَةِ إلَيهِم : الرَّجُلُ إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ يُصَلّى ، وَالقَومُ إذا صَفّوا لِلصَّلاةِ ، وَالقَومُ إذَا صَفّوا لِقِتالِ العَدُوِّ . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1380 / 4121 ، المعجم الكبير : 18 / 242 / 607 كلاهما عن عمران بن حصين ، كنزالعمّال : 3 / 390 / 7091 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 7 وفيه «إنّ اللّه يحبّ عبده الفقير المتعفّف بالعيال» .
2- .المعجم الكبير : 18 / 186 / 441 ، حليه الأولياء : 2 / 282 كلاهما عن عمران بن حصين ، كنز العمّال : 6 / 484 / 16649 .
3- .سنن الترمذى : 4 / 697 / 2567 عن ابن مسعود ، المعجم الكبير : 10 / 208 / 10486 من دون إسناده إليه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 15 / 820 / 43256 .

4- .كنز العمّال : 15 / 843 / 43350 نقلاً عن المعجم الكبير والمستدرک على الصحيحين عن أبى الدرداء .
5- .مسند أبى يعلى : 1 / 468 / 1000 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : 285 / 911 وفيه «فى لقاء» بدل «لقتال» ، سنن ابن ماجه : 1 / 73 / 200 نحوه ، مسند ابن حنبل : 4 / 160 / 11761 وليس فيه «والقوم إذا صفّوا للصلاه» وكلّها عن أبى سعيد الخدرىّ ، كنز العمّال : 15 / 842 / 43349 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بنده مؤمنِ خود را که تهیدستِ خویشتن دارِ عیالوار است ، دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، مؤمن را چون درویش و خویشتندار باشد ، دوست دارد .

سُنَن التِّرمذی به نقل از عبداللّه بن مسعود ، که حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آلهمی رساند : [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله]فرمود : «خداوند ، سه تن را دوست دارد : شخصی که شبانه برمی خیزد و به تلاوت قرآن می پردازد؛ شخصی که با دست راستش صدقه می دهد» و فکر می کنم پس از آن فرمود : «و آن را از دست چپش پنهان می دارد؛ و شخصی که همراه گروهی رزمنده باشد و چون یارانش بپراکنند ، خود به رویارویی دشمن می شتابد» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه تن را دوست می دارد ، به آنان لبخند می زند و به آنان شادمان می شود : کسی که چون گروهی پدیدار شوند ، در پیِ آن برای خدا با جان خود می جنگد، پس یا کشته می شود و یا خداوند یاری اش می کند و از رنج کارزار بی نیازش می سازد . پس می فرماید : «به این بنده ام بنگرید که چگونه برای من از جان شکیبایی ورزید» ؛ و کسی که زنی زیبا و بستری نرم و خوش دارد . پس شبانه از جایش برمی خیزد . آن گاه خداوند می فرماید : «شهوتش را می نهد و مرا یاد می کند ، حال آن که اگر می خواست ، می خفت» ؛ و کسی که هرگاه با گروهی همسفر گردد ، چون آنان تا پاسی از شب بیدار بمانند و سپس بخوابند ، در خوشی و ناخوشی ، سحرگاهان [برای عبادت] از خواب برخیزد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، روز قیامت به سه تن لبخند می زند : کسی که شبانه بر می خیزد و نماز می خواند؛ مردمی که برای نماز ، صف می بندند ؛ و مردمی که برای پیکار با دشمن صف می بندند .

.

مسند ابن حنبل عن مطرف بن عبداللّه بن الشّخّير : بَلَغَنى عَن أبى ذَرٍّ حَديثٌ ، فَكُنتُ اُحِبُّ أن ألقاهُ ، فَلَقِيتُهُ ، فَقُلتُ لَهُ : يا أبا ذَرٍّ ، بَلَغَنى عَنكَ حَديثٌ ، فَكُنتُ اُحِبُّ أن ألقاكَ فَأسأَلَكَ عَنهُ . فَقالَ : قَد لَقيتَ فَاسأَل . قُلتُ : بَلَغَنى أنَّكَ تَقولُ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَقولُ : «ثَلاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّهُ عز و جل ، وثَلاثَةٌ يُبغِضُهُمُ اللّهُ عز و جل»؟ قالَ : نَعَم ، فَما أخالُنى أكذِبُ عَلى خَليلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ثَلاثا يَقولُها . قُلتُ : مَنِ الثَّلاثَةُ الَّذينَ يُحِبُّهُمُ اللّهُ عز و جل ؟ قالَ : رَجُلٌ غَزا فى سَبيلِ اللّهِ ، فَلَقِىَ العَدوَّ مُجاهِدا مُحتَسِبا فَقاتَلَ حَتّى قُتِلَ ؛ وأنتُم تَجِدونَ فى كِتابِ اللّهِ عز و جل : «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِهِ صَفًّا» . (1) ورَجُلٌ لَهُ جارٌ يُؤذيهِ فَيَصبِرُ عَلى أذاهُ ويَحتَسِبُهُ حَتّى يَكفِيَهُ اللّهُ إيّاهُ ؛ بِمَوتٍ أو حَياةٍ . ورَجُلٌ يَكونُ مَعَ قَومٍ فَيَسيرونَ حَتّى يَشُقَّ عَلَيهِمُ الكَرى أوِ النُّعاسُ ، فَيَنزِلونَ فى آخِرِ اللَّيلِ فَيَقومُ إلى وُضوئِهِ وصَلاتِهِ . (2)

.

1- .الصفّ : 4 .

2- .مسند ابن حنبل : 8 / 126 / 21586 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 98 / 2446 ، السنن الكبرى : 9/269/18501، المعجم الكبير : 2/152/1637، مسند الطيالسى: 63/468، شُعب الإيمان: 7/80/9549 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 16 / 104 / 44073 .

مسند ابن حنبل به نقل از مطرف بن عبداللّه بن شخّیر : حدیثی از ابوذر برایم نقل کرده بودند و من دوست داشتم او را ببینم . پس چون او را دیدم ، به او گفتم : ای ابوذر ! از تو حدیثی برایم نقل کرده اند که دوست داشتم تو را ببینم و درباره آن از تو بپرسم . ابوذر گفت : «اینک دیدی . پس بپرس» . گفتم : شنیده ام که می گویی : پیامبر خدا فرمود : خداوند عز و جل ، سه تن را دوست دارد و سه تن را دشمن می دارد ؟ گفت : «آری ، گمان ندارم که به دوستم محمد صلی الله علیه و آلهدروغ می بندم» ، و این جمله را سه بار تکرار کرد . گفتم : آن سه تن که خداوند دوستشان دارد ، کیان اند ؟ گفت : «مردی که در راه خدا می جنگد . پس برای جهاد و به انتظار پاداشِ خدا ، با دشمن رویاروی می شود و پیکار می کند تا کشته شود . شما نیز در کتاب خداوند عز و جل در این باب می خوانید : «خداوند ، کسانی را که در راهش چون صفی می جنگند ، دوست دارد» ؛ و مردی که همسایه اش او را می آزارد و او بر آزارش شکیبایی می ورزد و انتظار پاداش از خدا دارد . پس خداوند او را با مرگ یا زندگی از این آزار ، ایمن می گرداند ؛ و مردی که همراه مردمی است . پس در حرکت هستند تا آن که خواب یا چرت بر آنان چیره می شود و آنان ، آخر شب [برای خواب]فرود می آیند ، امّا او به وضو و نمازش می پردازد» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أتانى جِبرائيلُ عليه السلام مَعَ سَبعينَ أَلفَ مَلَكٍ بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ وقالَ . . . يا مُحَمَّدُ ، مَن أحَبَّ الجَماعَهَ أَحَبَّهُ اللّهُ وَالمَلائِكَهُ أجمَعونَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل حَيِىٌّ سَتيرٌ يُحِبُّ الحَياءَ وَالسَّترَ ؛ فَإِذَا اغتَسَلَ أحَدُكُم فَليَستَتِر . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : سِتُّ خِصالٍ مَن كُنَّ فيهِ كانَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ وعَن يَمينِهِ : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ المَرءَ المُسلِمَ الَّذى يُحِبُّ لِأَخيهِ ما يُحِبُّ لِنَفسِهِ ، ويَكرَهُ لَهُ ما يَكرَهُ لِنَفسِهِ ، ويُناصِحُهُ الوِلايَهَ ، ويَعرِفُ فَضلى ، ويَطَأُ عَقِبى ، ويَنتَظِرُ عاقِبَتى . (3)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ يُحِبُّ المُتَعَفِّفَ الحَيِىَّ النَّقِىَّ الرّاضِىَ . (4)

عنه عليه السلام : كَفِّروا ذُنوبَكُم وتَحَبَّبوا إلى رَبِّكُم بِالصَّدَقَهِ وصِلَهِ الرَّحِمِ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى يُحِبُّ المُداعِبَ فِى الجَماعَهِ بِلا رَفَثٍ ، المُتَوَحِّدَ بِالفِكَرِ ، المُتَخَلِّىَ بِالعِبَرِ ، السّاهِرَ بِالصَّلاهِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ العَبدَ أن يَطلُبَ إلَيهِ فِى الجُرمِ العَظيمِ ، ويُبغِضُ العَبدَ أن يَستَخِفَّ بِالجُرمِ اليَسيرِ . (7)

.

1- .جامع الأخبار : 193 / 475 عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار: 88 / 15 / 27 .
2- .سنن أبى داود : 4 / 40 / 4012 ، سنن النسائى : 1 / 200 ، السنن الكبرى : 1 / 306 / 956 كلّها عن يعلى بن اُميّه ، المصنّف لعبد الرزّاق : 1 / 288 / 1111 عن عطاء ، مسند ابن حنبل : 6 / 284 / 17990 وفيه «إنّ اللّه عز و جليحبّ الحياء والستر» ، كنز العمّال : 9 / 391 / 26627 .
3- .المحاسن : 1 / 72 / 28 عن علىّ بن عثمان بن رزين عمّن رواه ، بحار الأنوار: 27 / 89 / 41 .

4- .غرر الحكم : 3438 .
5- .غرر الحكم : 7258 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 474 / 1372 ، المحاسن : 1 / 456 / 1056 عن عبداللّه بن محمّد الجعفى وفيه «المتحلّى بالصبر ، المتباهى بالصلاه» بدل «المتخلّى بالعبر ، الساهر بالصلاه» ، مشكاه الأنوار : 147 نحوه ، بحار الأنوار : 71 / 325 / 18 .
7- .الكافى : 2 / 427 / 6 ، المحاسن : 1 / 456 / 1055 كلاهما عن عنبسه العابد ، بحار الأنوار : 73 / 359 / 80 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل ، همراه هفتاد هزار فرشته ، پس از نماز ظهر نزدم آمد و گفت : ... ای محمّد ! هرکس با جماعت بودن را دوست داشته باشد [و از اختلاف بپرهیزد] ، خداوند و همه فرشتگان ، دوستش خواهند داشت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جلآزرمگین و پرده پوش است و پرده پوشی را دوست دارد . پس هرکس از شما غسل کرد ، خود را بپوشاند .

امام علی علیه السلام : هرکه دارای شش صفت باشد ، در کنار خدا و در سمت راستش خواهد بود . خداوند ، شخص مسلمانی را دوست دارد که: آنچه را برای خودش خوش می دارد ، برای برادرش نیز خوش بدارد ؛ و آنچه را برای خود ناخوش می دارد،برای برادرش نیز ناخوش بدارد؛ و با او برای ولایت حق، خیرخواهی می کند؛ و فضیلت مرا می شناسد؛ و گام جای پای من می نهد؛ و منتظر فرجام من است.

امام علی علیه السلام : خداوند سبحان ، شخص خویشتندار آزرمگینِ پرهیزگارِ خُرسَند را دوست دارد .

امام علی علیه السلام : با دادن صدقه و پیوند با خویشاوندان ، گناهانتان را پاک کنید و محبوب خداوند شوید .

امام باقر علیه السلام : خداوند متعال ، شخصی را دوست دارد که در میان جمع ، بی آن که هرزه درایی کند و ناسزایی گوید ، شوخ باشد ، با تفکّرش تنها شود ، با عبرت ها خلوت گزیند ، و با نماز ، شب زنده داری کند .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، دوست دارد که بنده اش درباره گناه بزرگ از او [بخشش]بخواهد ، و بنده ای را که گناه کوچک را سبک شمارد ، دشمن می دارد .

.

الزهد لابن المبارک عن فضاله بن عبيد : إنَّ داودَ عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ عز و جل : ... يا رَبِّ ، أخبِرنى بِأحِبّائِکَ مِن خَلقِکَ اُحِبَّهُم لَکَ ؟ قالَ : ذو سُلطانٍ يَرحَمُ النّاسَ ، ويَحكُمُ لِلنّاسِ كَما يَحكُمُ لِنَفسِهِ ، ورَجُلٌ آتاهُ اللّهُ مالاً فَهُوَ يُنفِقُ مِنهُ ابتِغاءَ وَجهِ اللّهِ وفى طاعَهِ اللّهِ عز و جل، ورَجُلٌ يُفنى شَبابَهُ وقُوَّتَهُ فى طاعَهِ اللّهِ عز و جل ، ورَجُلٌ كانَ قَلبُهُ مُعَلَّقا فِى المَساجِدِ مِن حُبِّهِ إيّاها ، ورَجُلٌ لَقِىَ امرَأَهً حَسناءَ فَأَمكَنَتهُ مِن نَفسِها فَتَرَكَها مِن خَشيَهِ اللّهِ ، ورَجُلٌ حَيثُ كانَ يَعلَمُ أنَّ اللّهَ تَعالى مَعَهُ ، نَقِيَّهٌ قُلوبُهُم ، طَيِّبٌ كَسبُهُم ، يَتَحابّونَ بِجَلالى ، اُذكَرُ بِهِم ، ويُذكَرونَ بِذِكرى . ورَجُلٌ فاضَت عَيناهُ مِن خَشيَهِ اللّهِ عز و جل . (1)

المستدرک على الصحيحين عن ابن عبّاس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ مَن كُنَّ فيهِ آواهُ اللّهُ فى كَنَفِهِ ، وسَتَرَ عَلَيهِ بِرَحمَتِهِ ، وأدخَلَهُ فى مَحَبَّتِهِ . قيلَ : ما هُنَّ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : مَن إذا اُعطِىَ شَكَرَ ، وإذا قَدَرَ غَفَرَ ، وإذا غَضِبَ فَتَرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن سَرَّهُ أن يُحِبَّ اللّهَ ورَسولَهُ أو يُحِبَّهُ اللّهُ ورَسولُهُ فَليَصدُق حَديثَهُ إذا حَدَّثَ ، وَليُؤَدِّ أمانَتَهُ إذَا ائتُمِنَ ، وَليُحسِن جِوارَ مَن جاوَرَهُ . (3)

.

1- .الزهد لابن المبارک : 161 / 471 .
2- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 215 / 433 ، شُعب الإيمان : 4 / 105 / 4433 ، الفردوس : 2 / 83 / 2452 نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 15 / 808 / 43214 .
3- .شُعب الإيمان : 2 / 201 / 1533 ، اُسد الغابه : 3 / 485 / 3279 وليس فيه «يحبّ اللّه ورسوله أو» ، كنز العمّال : 15 / 825 / 43278 نقلاً عن الطبرانى نحوه وكلّها عن عبدالرحمن بن أبى قراد و ص 848 / 43373 .

الزهد ابن مبارک به نقل از فضاله بن عبید : داوود علیه السلاماز پروردگارش عز و جلپرسید : ... پروردگارا ! مرا از محبوب ترین بندگانت باخبر ساز . فرمود : «قدرتمندی که به مردم رحم می کند و چنان برای مردم داوری می کند که برای خودش داوری می کند ؛ و کسی که خداوند به او مالی بخشیده است . پس او در جهت رضایت خداوند و در راه فرمانبریِ خداوند عز و جل ، از آن خرج می کند ؛ و کسی که جوانی و نیرویش را در راه فرمانبری از خداوند عز و جل صرف می کند ؛ و کسی که به دلیل علاقه اش به مسجد همواره دلش آن جا است ؛ و مردی که زنی زیبا را ببیند که خود را در اختیارش گذاشته است ، امّا از ترس خدا او را واگذارد ؛ و کسی که هرجا باشد ، می داند خدا با اوست . اینان ، دل هایشان پاک ، و کسب و کارشان پاکیزه است و با جلال من یکدیگر را دوست می دارند . دیگران به وسیله آنان یادم می کنند و با یادم ، آنان را یاد می کنند . نیز کسی که از ترس خداوند عز و جل ، چشمانش اشکبار شود» .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا فرمود : «هر که دارای سه صفت باشد ، خداوند او را در پناه خود گیرد ، با رحمتش او را درپوشاند و او را مشمول محبّت خود کند» . گفتند : یا رسول اللّه ! آنها چیستند ؟ فرمود : «آن که چون به او چیزی دهند ، سپاس بگزارد؛ چون [بر دشمن خود]توانا شود ، ببخشد ؛ و چون خشمگین شود ، درنگ و سستی کند» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه شادمان می شود که خدا و پیامبرش را دوست بدارد و یا خدا و پیامبرش او را دوست بدارند ، هرگاه سخن می گوید ، راست بگوید و هرگاه او را امین دارند ، امانتداری کند و با همسایگانش ، نیک همسایه داری کند .

.

عيسى عليه السلام : إن أرَدتُم أن تَكونوا أحِبّاءَ اللّهِ وأصفِياءَ اللّهِ فَأَحسِنوا إلى مَن أساءَ إلَيكُم ، وَاعفوا عَمَّن ظَلَمَكُم ، وسَلِّموا عَلى مَن أعرَضَ عَنكُم . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ تَعالى : حَقَّت مَحَبَّتى لِلَّذينَ يَتَصادَقونَ مِن أجلى ، وحَقَّت مَحَبَّتى لِلَّذينَ يَتَناصَرونَ مِن أجلى . (2)

إرشاد القلوب : رُوِىَ عَن أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله سَأَلَ رَبَّهُ سُبحانَهُ لَيلَةَ المِعراجِ فَقالَ : يا رَبِّ ، أىُّ الأَعمالِ أفضَلُ ؟ فَقالَ اللّهُ تَعالى : لَيسَ شَىءٌ أفضَلَ عِندى مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَىَّ ، وَالرِّضا بِما قَسَمتُ . يا مُحَمَّدُ ، وَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَحابّينَ فِىَّ ، ووَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَعاطِفينَ فِىَّ ، ووَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَواصِلينَ فِىَّ ، ووَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَوَكِّلينَ عَلَىَّ . ولَيسَ لِمَحَبَّتى عَلَمٌ ولا غايَةٌ ولا نِهايَةٌ ، وكُلَّما رَفَعتُ لَهُم عَلَما وَضَعتُ لَهُم عَلَما ، أولئِكَ الَّذينَ نَظَروا إلَى المَخلوقينَ بِنَظَرى إلَيهِم ، ولَم يَرفَعُوا الحَوائِجَ إلَى الخَلقِ ، بُطونُهُم خَفيفَةٌ مِن أكلِ الحَرامِ ، نَعيمُهُم فِى الدُّنيا ذِكرى ومَحَبَّتى ورِضائى عَنهُم . (3)

الإمام علىّ عليه السلام : جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : عَلِّمنى عَمَلاً يُحِبُّنِى اللّهُ عَلَيهِ ، ويُحِبُّنِى المَخلوقونَ، ويُثرِى اللّهُ مالى، ويُصِحُّ بَدَنى ، ويُطيلُ عُمُرى ، ويَحشُرُنى مَعَكَ . فَقالَ : هذِهِ سِتُّ خِصالٍ ، تَحتاجُ إلى سِتّ خِصالٍ : إذا أرَدتَ أن يُحِبَّكَ اللّه فَخَفهُ وَاتَّقِهِ . وإذا أرَدتَ أن يُحِبَّكَ المَخلوقونَ فَأَحسِن إلَيهِم ، وَارفِض ما فى أيديهِم . وإذا أرَدتَ أن يُثرِىَ اللّهُ مالَكَ فَزَكِّهِ . وإذا أرَدتَ أن يُصِحَّ بَدَنَكَ فَأَكثِر مِنَ الصَّدَقَهِ . وإذا أرَدتَ أن يُطيلَ اللّهُ عُمُرَكَ فَصِل ذَوى أرحامِكَ . وإذا أرَدتَ أن يَحشُرَكَ اللّهُ مَعى فَأَطِلِ السُّجودَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ الواحِدِ القَهّارِ . (4)

.

1- .تحف العقول : 503 ، بحار الأنوار : 14 / 306 / 17 .
2- .مسكّن الفؤاد : 39؛ مسند ابن حنبل : 7/113/19455 ، الزهد لابن المبارک: 250/716 وفيهما «يتصافون» بدل «يتصادقون» ، مجمع الزوائد : 10 / 496 / 18014 نقلاً عن الطبرانى .
3- .إرشاد القلوب : 199 ، بحار الأنوار : 77 / 21 / 6 .

4- .أعلام الدين : 268 ، المواعظ العدديّه : 291 نحوه ، بحار الأنوار : 85 / 164 / 12 .

عیسی علیه السلام : اگر می خواهید دوستان و برگزیدگان خدا باشید ، به آن که به شما بدی می کند ، نیکی کنید و از آن که به شما ستم می کند ، درگذرید و بر آن که از شما روی می گرداند ، سلام دهید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید : «دوستی ام برای آنان که به خاطر من دوستی می کنند ، قطعی است و دوستی ام برای آنان که برای من یکدیگر را یاری می کنند ، قطعی است» .

إرشاد القلوب : از امیر مؤمنان منقول است که پیامبر صلی الله علیه و آله از پروردگارش در شب معراج پرسید : پروردگارا ! کدام یک از اعمال ، برتر است ؟ خداوند متعال فرمود : «هیچ چیز نزدم برتر از توکّل به من و خشنودی به قسمت من نیست . ای محمّد! دوستی ام برای آنان که به خاطر من یکدیگر را دوست می دارند ، ثابت است ؛ و دوستی ام برای آنان که به خاطر من به یکدیگر مهر می ورزند ، ثابت است؛ و دوستی ام برای آنان که به خاطر من به یکدیگر می پیوندند ، ثابت است؛ و دوستی ام برای توکّل کنندگان بر من ، ثابت است . برای دوستی ام ، نه نشان [ثابت]و اندازه ای است ، و نه فرجام و نهایتی . هرگاه برایشان نشانی بردارم ، نشانی دیگر بگذارم . آنان هستند که به [خاطر]نگاه من به آفریدگانم ، به آنها می نگرند و نیازهایشان را نزد خلق نمی برند؛ شکم هایشان از حرامخواری سَبُک است ؛ خوشی شان در دنیا یاد من و دوستی من و خشنودی من (از آنان) است» .

امام علی علیه السلام : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : به من کاری بیاموز که با انجام دادنش ، خداوند مرا دوست بدارد ، آفریدگان نیز دوستم بدارند ، خداوند دارایی ام را بیفزاید ، تندرستم گرداند ، عمرم را طولانی کند و مرا با تو محشور سازد . حضرت فرمود : «اینها شش صفت است که نیازمند شش صفت دیگر است : هرگاه خواستی خداوند دوستت بدارد ، از او بترس و تقوای او را پیشه کن؛ و هرگاه خواستی آفریدگان دوستت بدارند ، به آنان نیکی کن و آنچه را در دست دارند ، رها کن؛ و هرگاه خواستی خداوند دارایی ات را بیفزاید ، زکات بپرداز؛ و هرگاه خواستی خداوند تندرستت گرداند ، بسیار صدقه بده؛ و هرگاه خواستی خداوند عمرت را طولانی کند ، به دیدار خویشاوندانت برو؛

و هرگاه خواستی خداوند تو را با من محشور سازد ، در برابر خدای یگانه قهّار ، سجده ات را طولانی کن» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ : عَبدِیَ المُؤمِنُ أحَبُّ إلَیَّ مِن بَعضِ مَلائِکَتی . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ القَوِیُّ خَیرٌ وأحَبُّ إلَی اللّهِ مِنَ المُؤمِنِ الضَّعیفِ ، وفی کُلٍّ خَیرٌ . اِحرِص عَلی ما یَنفَعُکَ ، وَاستَعِن بِاللّهِ ، ولا تَعجَز . وإن أصابَکَ شَیءٌ فَلا تَقُل : «لَو أنّی فَعَلتُ کانَ کَذا وکَذا» ، ولکِن قُل : «قَدَرُ اللّهِ ، وما شاءَ فَعَلَ» ؛ فَإنَّ «لَو» تَفتَحُ عَمَلَ الشَّیطانِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أکثَرَ ذِکرَ المَوتِ أحَبَّهُ اللّهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : طَلَبُ العِلمِ فَریضَهٌ عَلی کُلِّ مُسلِمٍ ، ألا إنَّ اللّهَ یُحِبُّ بُغاهَ العِلمِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ یُحِبُّ الأَبرارَ الأَتقِیاءَ الأَخفِیاءَ ؛ الَّذینَ إذا غابوا لَم یُفتَقَدوا ، وإن حَضَروا لَم یُدعَوا ولَم یُعرَفوا ، قُلوبُهُم مَصابیحُ الهُدی ، یَخرُجونَ مِن کُلِّ غَبراءَ مُظلِمَهٍ . (5)

.

1- .المعجم الأوسط : 6 / 367 / 6634 عن أبی هریره ، کنز العمّال : 1 / 145 / 711 .
2- .صحیح مسلم : 4 / 2052 / 34 ، سنن ابن ماجه : 1 / 31 / 79 و ج 2 / 1395 / 4168 ، مسند ابن حنبل : 3 / 295 / 8799 و ص 302 / 8837 والثلاثه الأخیره نحوه ، السنن الکبری : 10 / 152 / 20173 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : 1 / 115 / 540 .
3- .الکافی : 2 / 122 / 3 ، تنبیه الخواطر : 2 / 190 کلاهما عن عبدالرحمن بن الحجّاج عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 16 / 265 / 64 ؛ المعجم الأوسط : 5 / 140 / 4894 عن عائشه .
4- .الکافی : 1 / 30 / 1 عن عبد الرحمن بن زید عن أبیه و ص 31 / 5 ، بصائر الدرجات : 2 / 1 عن زید بن علیّ وکلّها عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، المحاسن : 1 / 353 / 745 عن الإمام الصادق علیه السلام ، مشکاه الأنوار : 133 ، بحار الأنوار : 1 / 172 / 26 .

5- .سنن ابن ماجه: 2/1321/3989، المستدرک على الصحيحين: 1/44/4 وج4/364/7933 ، المعجم الكبير : 20/154/321 ، شُعب الإيمان : 5 / 328 / 6812 ، مسند الشهاب : 2 / 148 / 1071 كلّها عن معاذ بن جبل، كنزالعمّال : 3/156/5947 ؛ وراجع أعلام الدين : 294، نزهه الناظر : 15/30، عوالى اللآلى: 1/71/133، بحارالأنوار : 77 / 172 / 8 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید : «بنده مؤمنم نزد من از برخی فرشتگانم محبوب تر است» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنِ نیرومند ، بهتر و نزد خدا محبوب تر از مؤمن ناتوان است ، گرچه در هر یک ، خیری است . برای به دست آوردن آنچه برایت سودمند است ، سرسختانه بکوش و از خدا یاری بخواه و از خود عجز نشان مده ، و اگر دچار مشکلی شدی ، مگو : «اگر چنین می کردم ، چنین و چنان می شد»؛ بلکه بگو : «این تقدیر خدا بود و هرچه خدا بخواهد ، همان می شود» ؛ زیرا «اگر» گفتن ، راه بر کردار شیطان می گشاید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه بسیار یاد مرگ کند ، خداوند دوستش خواهد داشت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دانشجویی ، بر هر مسلمانی واجب است . هان ! خداوند ، جویندگان دانش را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، نیکانِ پرهیزگار و پنهان را دوست دارد ؛ آنان که چون نباشند ، نبودشان محسوس نیست و چون حضور یابند ، فراخوانده نشوند و شناخته نگردند؛ دل هایشان چراغ های هدایت است و از [خطر] هر فضای غبارآلود و تاریک [و برخاسته از شبهه ، به سلامت]بیرون می آیند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ العَبدَ التَّقِيَّ الغَنِيَّ الخَفِيَّ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ لَيُحِبُّ المُلِحّينَ فِى الدُّعاءِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ مِن عِبادِهِ المُؤمِنينَ كُلَّ (عَبدٍ) دَعّاءٍ . (3)

عنه عليه السلام : ما (مِن) شَىءٍ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِن أن يُسأَلَ . (4)

عيسى عليه السلام : كَيفَ يَستَكمِلُ حُبَّ رَبِّهِ مَن لا يُقرِضُهُ بَعضَ ما رَزَقَهُ ؟ ! (5)

3 / 9أحَبُّ النّاسِ إلَى اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الخَلقُ عِيالُ اللّهِ ، فَأَحَبُّ الخَلقِ إلَى اللّهِ مَن نَفَعَ عِيالَ اللّهِ ، وأدخَلَ عَلى أهلِ بَيتٍ سُرورا . (6)

.

1- .صحيح مسلم : 4 / 2277 / 2965 ، مسند ابن حنبل : 1 / 356 / 1441 و ص 374 / 1529 كلّها عن سعد بن أبى وقّاص ، كنز العمّال : 3 / 89 / 5630 ؛ وراجع عوالى اللآلى : 1 / 281 / 119 .
2- .شُعب الإيمان : 2/38/1108 ، نوادر الأُصول: 2/19 كلاهما عن عائشه؛ الدعوات : 20/15، جامع الأخبار : 363 / 1009 ، عوالى اللآلى : 2 / 223 / 35 ، بحار الأنوار : 93 / 300 / 37 ، وراجع قرب الإسناد : 6 / 17 .
3- .الكافى : 2 / 478 / 9 ، ثواب الأعمال : 193 / 1 ، مكارم الأخلاق : 2 / 14 / 2022 كلّها عن أبى الصباح الكنانى ، عوالى اللآلى : 4 / 21 / 63 ، بحار الأنوار : 87 / 165 / 6 .
4- .المحاسن : 1 / 455 / 1051 ، الاختصاص : 228 وفيه «ليس» بدل «ما مِن» عن الإمام الباقر والإمام زين العابدين عليهماالسلام وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : 69 / 393 / 72 .
5- .تحف العقول : 507 ، بحار الأنوار : 14 / 309 / 17 .
6- .الكافى : 2 / 164 / 6 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، نوادر الراوندى : 11 وفيه «أهل بيتى» بدل أهل بيت» ، الجعفريّات : 193

كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : 2 / 320 / 1207 ، بحار الأنوار : 74 / 339 / 121 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : 369 نحوه .

3 / 9 محبوب ترینِ مردم در نزد خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بنده پرهیزگارِ دولتمند پنهان را دوست دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، اصرارکنندگان و پیگیران در دعا را دوست دارد .

امام باقر علیه السلام : خداوند عز و جل از میان بندگان مؤمنش ، هر [بنده] بسیار دعاکننده را دوست دارد .

امام باقر علیه السلام : هیچ چیز نزد خداوند ، محبوب تر از آن نیست که از او درخواست کنند .

مسیح علیه السلام : چگونه کسی که برخی از آنچه را خداوند روزی اش ساخته به او وام نمی دهد ، محبّت پروردگارش را به کمال رسانده است ؟

3 / 9محبوب ترینِ مردم در نزد خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : خلق ، نانخور خدایند ، از این رو محبوب ترینِ خلق در نزد خدا ، کسی است که به نانخوران خدا سودی برساند و خانواده ای را شادمان کند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : الخَلقُ عِيالُ اللّهِ ، فَأَحَبُّهُم إلَيهِ أنفَعُهُم لِعِيالِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : أحَبُّ عِبادِ اللّهِ إلَى اللّهِ أنفَعُهُم لِعِبادِهِ ، وأقوَمُهُم بِحَقِّهِ ؛ الَّذينَ يُحَبِّبُ إلَيهِمُ المَعروفَ وفِعالَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : الخَلقُ كُلُّهُم عِيالُ اللّهِ ، وإنَّ أحَبَّهُم إلَيهِ أنفَعُهُم لِخَلقِهِ ، وأحسَنُهُم صَنيعا إلى عِيالِهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : عِيالُ الرَّجُلِ اُسَراؤُهُ ، وأحَبُّ العِبادِ إلَى اللّهِ عز و جلأحسَنُهُم صُنعا إلى اُسَرائِهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَبَّ عِبادِ اللّهِ إلَى اللّهِ عز و جل مَن حَبَّبَ إلَيهِ المَعروفَ ، وحَبَّبَ إلَيهِ فِعالَهُ . (5)

المعجم الكبير عن ابن عمر : إنَّ رَجُلاً جاءَ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أيُّ النّاسِ أحَبُّ إلَى اللّهِ ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أحَبُّ النّاسِ إلَى اللّهِ تَعالى أنفَعُهُم لِلنّاسِ . (6)

.

1- .المجازات النبويّه : 241/195 عن أنس، قرب الإسناد : 120 / 421 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، عوالى اللآلى : 1 / 101 / 23 عن أنس ، بحار الأنوار : 96 / 118 / 15 ؛ مسند أبي يعلى : 3/340/3302 ، شُعب الإيمان : 6/43/7446 كلاهما عن أنس ، المعجم الكبير : 10 / 86 / 10033 ، المعجم الأوسط : 5 / 356 / 5541 ، تاريخ بغداد : 6 / 334 ، حليه الأولياء : 2 / 102 وفي الثلاثه الأخيره «من أحسن إلى عياله» بدل «أنفعهم لعياله» وكلّها عن عبداللّه ، كنز العمّال : 6 / 360 / 16056 .
2- .تحف العقول : 49 ، بحار الأنوار : 77 / 152 / 110 .
3- .أعلام الدين : 276 ، الأُصول الستّه عشر (أصل مثنّى بن الوليد) : 102 عن أبي حمزه عن الإمام الباقر عليه السلامولیس فيه «أنفعهم لخلقه» ، بحار الأنوار : 96 / 160 / 38 .

4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 3 / 555 / 4909 ، وسائل الشيعه : 20 / 171 / 25338 .
5- .قضاء الحوائج لابن أبى الدنيا : 22 / 2 عن أبى سعيد الخدرىّ ، كنز العمّال : 6 / 344 / 15968 ؛ الكافى : 4 / 25 / 3 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 77 / 152 / 110 ، راجع المعروف .
6- .المعجم الكبير : 12 / 346 / 13646 ، المعجم الأوسط : 6 / 139 / 6026 ، قضاء الحوائج لابن أبى الدنيا : 47 / 36 ، حليه الأولياء : 6 / 348 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : 15 / 917 / 43583 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خلق ، نانخور خدایند ، از این رو محبوب ترینشان در نزد او ، سودمندترینشان نسبت به نانخوران اوست . (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترین بندگان در نزد خداوند ، سودمندترینشان نسبت به بندگان و پایبندترینشان نسبت به گزاردن حقّش است ؛ کسانی که خداوند ، کار نیک و انجام دادن آن را محبوبشان ساخته است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خلق ، همه نانخور خدایند و محبوب ترینشان نزد او ، سودمندترینشان نسبت به خلقش و نیکوکارترینشان نسبت به خانواده خویش است .

امام صادق علیه السلام : نانخوران انسان ، بندیان اویند و محبوب ترینِ بندگان در نزد خداوند عز و جل ، نیکوکارترینشان نسبت به بندیان خویش است .

امام صادق علیه السلام : محبوب ترینِ بندگان خدا نزد خدای عز و جل ، کسی است که خداوند ، کار نیک و انجام دادن آن را محبوبش ساخته است .

المعجم الکبیر به نقل از ابن عمر : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! کدام گروه از مردم ، نزد خدا محبوب ترند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «محبوب ترین مردم نزد خدای متعال ، سودمندترینشان برای مردم است» .

.

1- .سیّد رضی : این کلام ، مجازی است . برای این که عائله انسان ، کسانی اند که انسان سنگینی بار آنان را بر عهده دارد و به امور آنان وی را آزرده می کند . در حالی که سنگینی ها خدا را خسته نمی کند و تحولات او را نمی آزارد . البته آری ! از آنجایی که خداوند عهده دار مصالح بندگانش است؛ روزیها را بر آنها فراوان می کند ، زندگی آنها را نظام می بخشد و وسایل رفاه و هدایت ادیان را بهره آنها می سازد . این کارها به

تناسب و بر حسب دانسته ها به عائله تشبیه شده است ؛ از آنجایی که سرپرست ، متکفل امور خانواده و عهده دار کار آنهاست (المجازات النبویّه : 242) .

الإمام زين العابدين عليه السلام: إنَّ أحَبَّ عَبيدى إلَىَّ التَّقِىُّ الطّالِبُ لِلثَّوابِ الجَزيلِ ، اللاّزِمُ لِلعُلَماءِ ، التّابِعُ لِلحُلَماءِ ، القابِلُ عَنِ الحُكَماءِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام : لا تُحَقِّروا صَغيرا مِن حَوائِجِكُم ؛ فَإِنَّ أحَبَّ المُؤمِنينَ إلَى اللّهِ تَعالى أسأَلُهُم . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : سُئِلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن أحَبُّ النّاسِ إلَى اللّهِ ؟ قالَ : أنفَعُ النّاسِ لِلنّاسِ . (3)

عنه عليه السلام : قالَ اللّهُ عز و جل : الخَلقُ عِيالى ، فَأَحَبُّهُم إلَىَّ ألطَفُهُم بِهِم ، وأسعاهُم فى حَوائِجِهِم . (4)

عنه عليه السلام : إنَّ فيما أوحَى اللّهُ عز و جل إلى موسَى بنِ عِمرانَ عليه السلام : يا موسَى بنَ عِمرانَ ، ما خَلَقتُ خَلقا أحَبَّ إلَىَّ مِن عَبدِىَ المُؤمِنِ ؛ فَإِنّى إنَّما أبتَليهِ لِما هُوَ خَيرٌ لَهُ ، وأُعافيهِ لِما هُوَ خَيرٌ لَهُ ، وأزوى عَنهُ ما هُوَ شَرٌّ لَهُ لِما هُوَ خَيرٌ لَهُ . وأنَا أعلَمُ بِما يَصلَحُ عَلَيهِ عَبدى ؛ فَليَصبِر عَلى بَلائى ، وَليَشكُر نَعمائى ، وَليَرضَ بِقَضائى ، أكتُبهُ فِى الصِّدّيقينَ عِندى إذا عمِلَ بِرِضائى وأطاعَ أمرى . (5)

.

1- .الكافى : 1 / 35 / 5 عن أبى حمزه ، بحار الأنوار : 1 / 185 / 109 .
2- .مكارم الأخلاق : 2 / 97 / 2276 ، بحار الأنوار : 93 / 346 / 9 .
3- .الكافى : 2 / 164 / 7 عن سيف بن عميره عمّن سمعه ، جامع الأحاديث للقمّى : 198 ، بحار الأنوار : 74 / 339 / 122 .
4- .الكافى : 2 / 199 / 10 عن ابن سنان ، مصادقه الإخوان : 178 / 12 عن محمّد بن عجلان وفيه «أعناهم بأُمورهم وأقومهم بشأنهم» بدل «ألطفهم بهم» ، بحار الأنوار : 74 / 336 / 114 .
5- .الكافى : 2 / 61 / 7 عن داود بن فرقد ، بحار الأنوار : 13 / 348 / 36 .

امام سجّاد علیه السلام : محبوب ترین بندگانم نزد من ، شخص پرهیزگارِ جوینده پاداشِ بسیار ، ملازمِ عالمان ، پیرو بردباران و پذیرنده از حکیمان است .

امام باقر علیه السلام : هیچ یک از نیازهای کوچک خود را حقیر مشمارید [و آنها را نیز از خدا بخواهید] ؛ زیرا محبوب ترین مؤمنان در نزد خداوند متعال ، کسی است که بیشتر از همه از او درخواست می کند .

امام صادق علیه السلام : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : محبوب ترین مردم ، نزد خدا کیست ؟ فرمود : «سودمندترینِ مردم ، برای مردم است» .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جلفرمود : «خلق ، نانخور من هستند ، از این رو محبوب ترینشان نزد من ، مهربان ترینشان نسبت به آنان است و کسی که بیشتر برای برآوردن نیازهایشان می کوشد» .

امام صادق علیه السلام : از جمله آنچه خداوند عز و جل به موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد ، آن بود : «ای موسی بن عمران ! هیچ آفریده ای محبوب تر از بنده مؤمنم نیافریدم . من او را به آنچه خیرش در آن است ، مبتلا می کنم؛ بدانچه خیرش در آن است ، عافیت می بخشم؛ برای خیرش آنچه را که شرّ او در آن است ، از او دور می کنم . من بدانچه بنده ام را به صلاح می آورد ، داناترم . پس در برابر بلایم شکیبایی و برای نعمتم سپاسگزاری کند و به قضایم خشنود باشد ، تا چون بر طبق خشنودی من رفتار کند و از من فرمانبری نماید ، او را از زمره صدّیقان نزد خودم بنویسم» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أَحَبُّ المُؤمِنَينَ إلَى اللّهِ مَن نَصَبَ نَفسَهُ فى طاعَةِ اللّهِ ، ونَصَحَ لاُِمَّهِ نَبِيِّهِ ، وتَفَكَّرَ فى عُيوبِهِ ، وأبصَرَ وعَقَلَ وعَمِلَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ داوِدَ عليه السلام قالَ فيما يُخاطِبُ رَبَّهُ عز و جل : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِكَ أحَبُّ إلَيكَ ، اُحِبُّهُ بِحُبِّكَ ؟ قالَ : يا داوُدُ ، أحَبُّ عِبادى إلَىَّ نَقِىُّ القَلبِ ، نَقِىُّ الكَفَّينِ ، لا يَأتى إلى أحَدٍ سوءا ، ولا يَمشى بِالنَّميمَةِ ، تَزولُ الجِبالُ ولا يَزولُ ، وأحَبَّنى ، وأحَبَّ مَن يُحِبُّنى ، وحَبِّبنى إلى عِبادى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : أحَبُّكُم إلَى اللّهِ تَعالى أقَلُّكُم طُعما ، وأخَفُّكُم بَدَنا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : يَقولُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى : إنَّ أحَبَّ العِبادِ إلَىَّ المُتَحابّونَ مِن أجلِى ، المُتَعَلِّقَةُ قُلوبُهُم بِالمَساجِدِ ، وَالمُستَغفِرونَ بِالأسحارِ ، اُولئِكَ إذا أرَدتُ بِأهلِ الأرضِ عُقوبَةً ذَكَرتُهُم فَصَرَفتُ العُقوبَةَ عَنهُم . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : يَقولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : مَلائِكَتى ، وعِزَّتى وجَلالى ما خَلَقتُ خَلقا أحَبَّ إلَىَّ مِنَ المُقِرّينَ لى بِتَوحيدى وأنَ لا إلهَ غَيرى ، وحَقٌّ عَلَىَّ أن لا اُصلِيَ بِالنّارِ أهلَ تَوحيدى . (5)

.

1- .تنبيه الخواطر : 2 / 213 ، إرشاد القلوب : 14 عن سالم عن أبيه وفيه «وعلم فعمل وعلم» بدل «وأبصر وعقل وعمل» .
2- .شُعب الإيمان : 6 / 119 / 7668 ، الفردوس : 3 / 195 / 4543 نحوه وكلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 15 / 872 / 43467 نقلاً عن ابن عساكر .
3- .كنز العمّال : 3 / 389 / 7084 نقلاً عن الفردوس عن ابن عبّاس .
4- .مكارم الأخلاق : 2 / 375 / 2661 عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : 77 / 86 / 3 ؛ حليه الأولياء : 5 / 212 من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله .
5- .التوحيد : 29 / 31 ، الأمالى للصدوق : 372 / 469 كلاهما عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : 8 / 359 / 23 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترینِ مؤمنان در نزد خداوند متعال ، کسی است که در راه فرمانبری خدا بکوشد ، خیرخواه امّت پیامبرش باشد ، در عیب هایش بیندیشد و آنها را اصلاح کند و بینا گردد ، خرد ورزد و عمل کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : داوود علیه السلامدر گفتگوهایش با خداوند عز و جل گفت : پروردگارا ! کدام یک از بندگانت در نزدت محبوب تر است ، تا به سبب آن که دوستش می داری، دوستش بدارم . فرمود : «ای داوود ! محبوب ترین بندگانم نزد من، شخصِ پاک دلِ پاک دست است که نه به کسی گزندی می رساند و نه سخن چینی می کند ؛ کوه ها از جا کنده می شوند ، امّا او استوار می ماند؛ مرا دوست می دارد و آن را که مرا دوست می دارد نیز دوست می دارد و مرا محبوب بندگانم می سازد» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترینِ شما در نزد خداوند متعال ، کسی است که خوراکش کمتر و بدنش سبک تر باشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید : «محبوب ترین بندگانم در نزد من ، کسانی هستند که برای من با یکدیگر دوستی می کنند ، دل بسته مسجدهایند و سحرگاهان به استغفار ، مشغول اند . آنان هستند که هرگاه بخواهم زمینیان را کیفری دهم ، یادشان می کنم و به سبب آنان ، کیفر را از زمینیانْ بازمی دارم» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جلمی فرماید : «ای فرشتگانم ! به عزّت و جلالم سوگند ، هیچ آفریده ای در نزدم محبوب تر از کسانی که به یگانگی من و این که جز من خدایی نیست ، اعتراف می کنند ، نیافریدم. بر من حق است که اهل یگانگی ام را با آتش نسوزانم» .

.

عنه صلى الله عليه و آله : اِعتَرِفوا بِنِعمَهِ اللّه ِ رَبِّكُم عز و جل وتوبوا إلَيهِ مِن جَميعِ ذُنوبِكُم ؛ فَإِنَّ اللّه َ يُحِبُّ الشّاكِرينَ مِن عِبادِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِكَ أحَبُّ إلَيكَ ؟ قالَ : الَّذينَ يَتَحابّونَ فِىَّ ، ويَغضَبونَ لِمَحارِمى كَما يَغضَبُ النَّمِرُ إذا حَرَنَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَبَّ النّاسِ إلَى اللّه ِ يَومَ القِيامَهِ وأدناهُم مِنهُ مَجلِسا إمامٌ عادِلٌ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَبَّكُم إلَى اللّه ِ أحسَنُكُم عَمَلاً . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : أحَبُّ العَبيدِ إلَى اللّه ِ تَبارَكَ وتَعالى الأَتقِياءُ الأَخفِياءُ . (5)

حليه الأولياء عن وهب بن منبّه : قالَ داوُدُ عليه السلام : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِكَ أحَبُّ إلَيكَ ؟ قالَ : مُؤمِنٌ حَسَنُ الصَّلاهِ . قالَ : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِكَ أبغَضُ إلَيكَ ؟ قالَ : كافِرٌ حَسَنُ الصّورَهِ ؛ كَفَرَ هذا وشَكَرَ هذا . (6)

تفسير الطبرى عن ابن عبّاس : سَأَلَ موسى رَبَّهُ وقالَ : ربِّ ، أىُّ عِبادِكَ أحَبُّ إلَيكَ ؟ قالَ : الَّذى يَذكُرُنى ولا يَنسانى . (7)

.

1- .بحار الأنوار: 48 / 153 / 8 .
2- .المتحابّين فى اللّه : 34 .
3- .سنن الترمذى : 3 / 617 / 1329 ، مسند ابن حنبل : 4 / 46 / 11174 و ص 111 / 11525 ، السنن الكبرى : 10/152/20169 ، شُعب الإيمان : 6 / 15 / 7366 كلّها عن أبى سعيد الخدرىّ ، كنز العمّال : 6/9 / 14607 ؛ روضه الواعظين : 512 ، عوالى اللآلى : 1 / 372 / 83 نحوه ، بحار الأنوار : 75 / 351 / 59 .
4- .الجعفريّات : 238 عن موسى بن إسماعيل عن جدّه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : 8 / 68 / 24 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 408 / 5884 ، مشكاه الأنوار : 74 ، تنبيه الخواطر : 2 / 46 ، أعلام

الدين : 90 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، تحف العقول : 279 كلّها عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 136 / 13 .
5- .المستدرک على الصحيحين: 3/303/5182 ، المعجم الكبير: 20/37/53، مسند الشهاب: 2/252/1298 ، حليه الأولياء : 1 / 15 كلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 3 / 472 / 7478 ؛ التحصين لابن فهد : 19 / 34 .
6- .حليه الأولياء : 4 / 55 .
7- .تفسير الطبرى : 9 / الجزء 15 / 277 ، تفسير البيضاوى : 3 / 27 ، تفسير الدرّ المنثور : 5 / 419 نقلاً عن الخطيب وابن عساكر ؛ بحار الأنوار : 13 / 281 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : به نعمت پروردگارتان عز و جلاعتراف کنید و از همه گناهانتان به سویش توبه نمایید که خداوند ، بندگان سپاسگزارش را دوست دارد .

المتحابّین فی اللّه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید : پروردگارا ! کدام بندگان در نزدت محبوب ترند ؟ فرمود : «کسانی که به خاطر من با یکدیگر دوستی می کنند و چنان برای [شکسته شدن]حرمت هایم خشمگین می شوند که پلنگ سرکش ، خشمگین می شود» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترینِ مردم در نزد خداوند در روز قیامت و نزدیک ترین آنان به او ، پیشوای دادگر است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترینِ شما در نزد خداوند، نیک کردارترینِ شماست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبوب ترینِ بندگان در نزد خداوند متعال ، پرهیزگارانِ پنهان (ناشناخته)اند .

حلیه الأولیاء به نقل از وهب بن منبّه : داوود علیه السلامگفت : پروردگارا ! کدام یک از بندگانت در نزدت محبوب تر است ؟ فرمود : «مؤمن خوش نماز» . پرسید : پروردگارا ! کدام یک از بندگانت را بیشتر دشمن می داری ؟ فرمود : «کافرِ خوش چهره ؛ این یک ، کفر ورزیده است و آن یک ، سپاس گزارده است» .

تفسیر الطبری به نقل از ابن عباس : موسی علیه السلاماز پروردگارش پرسید و گفت : پروردگارا ! کدام یک از بندگانت نزدت محبوب تر است ؟ فرمود : «آن که به یاد من است و فراموشم نمی کند».

.

الإمام علىّ عليه السلام لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : يا كُمَيلُ ، إنَّ أحَبَّ ما تَمتَثِلُهُ العِبادُ إلَى اللّهِ بَعدَ الإقرارِ بِهِ وبِأولِيائِهِ التَّعَفُّفُ ، وَالتَحَمُّلُ ، وَالاِصطِبارُ . (1)

عنه عليه السلام فى بَيانِ صِفاتِ المُتَّقينَ : عِبادَ اللّهِ ، إنَّ مِن أحَبِّ عِبادِ اللّهِ إلَيهِ عَبدا أعانَهُ اللّهُ عَلى نَفسِهِ ، فَاستَشعَرَ الحُزنَ وتَجَلبَبَ الخَوفَ ؛ فَزَهَرَ مِصباحُ الهُدى فى قَلبِهِ ، وأعَدَّ القِرى لِيَومِهِ النّازِلِ بِهِ ، فَقَرَّبَ عَلى نَفسِهِ البَعيدَ ، وهَوَّنَ الشَّديدَ . (2)

عنه عليه السلام : مَن مَقَتَ نَفسَهُ أحَبَّهُ اللّهُ . (3)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَعالى يُحِبُّ المُؤمِنَ العالِمَ الفَقيهَ الزّاهِدَ الخاشِعَ الحَيِيَّ العَليمَ الحَسَنَ الخُلُقُ المُقتَصِدَ المُنصِفَ . (4)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ المُحتَرِفَ الأَمينَ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ فِي الاِعتِرافِ : أتوبُ إلَيكَ فى مَقامى هذا . . . تَوبَةَ . . . عالِمٍ بِأنَّ العَفوَ عَنِ الذَّنبِ العَظيمِ لا يَتَعاظَمُكَ . . . وأنَّ أحَبَّ عِبادِكَ إلَيكَ مَن تَرَكَ الاِستِكبارَ عَلَيكَ ، وجانَبَ الإصرارَ ، ولَزِمَ الاِستِغفارَ . (6)

.

1- .تحف العقول : 173 ، بحار الأنوار : 77 / 414 / 38 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 87 ، غرر الحكم : 3577 ، بحار الأنوار : 2 / 56 / 36 .
3- .غرر الحكم : 7897 .
4- .مطالب السؤول : 48 ؛ بحار الأنوار: 78 / 6 / 56 .
5- .الكافى: 5/113/1 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه : 3 / 158 /3580 ، الخصال : 621/10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، تحف العقول : 111 ، بحار الأنوار : 10 / 100 / 1 .
6- .الصحيفه السجّاديه : 55 الدعاء 12 .

امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد : ای کمیل ! محبوب ترین چیزی که بندگان پس از اقرار به خدا و اولیایش به درگاهش پیش می آورند ، خویشتن داری ، تحمّل و شکیبایی است .

امام علی علیه السلام در بیان صفت های پرهیزگاران : ای بندگان خدا ! محبوب ترین بندگان نزد خداوند ، بنده ای است که خداوند ، او را بر نفْس خود یاری داده است . پس اندوه را زیرپوش و ترس را بالاپوش خود قرار داده و در نتیجه ، چراغ هدایت ، در دلش درخشیده و برای میزبانیِ روزی که به سراغش می آید ، (1) خود را مهیّا ساخته است . پس دور را بر جان خود نزدیک ، و سخت را آسان نموده است .

امام علی علیه السلام : هرکه خود را دشمن بدارد ، خداوند ، دوستش خواهد داشت .

امام علی علیه السلام : خداوند متعال ، مؤمنِ داناىِ ژرف اندیشِ پارساىِ فروتنِ آزرمگینِ دانشورِ خوش خویِ میانه روِ با انصاف را دوست دارد .

امام علی علیه السلام : خداوند عز و جلپیشه ورِ درستکار را دوست دارد .

امام سجاد علیه السلام ضمن نیایش در اعتراف به قصور و تقصیر : در این جایگاهم به سویت توبه می کنم ؛ توبه کسی که می داند گذشت از گناه بزرگ ، بر تو دشوار و بزرگ نمی نماید ... و این که محبوب ترینِ بندگانت نزدت ، کسی است که گردنْ فرازی در برابر تو را واگذارد و پافشاری [بر گناه]را رها کند و پایبند استغفار گردد .

.

1- .مراد ، در این جا نیکوکاری است که برای روز مرگ و فرا رسیدن اجل فراهم می شود .

الإمام علیّ علیه السلام : أفضَلُ الخَلقِ أقضاهُم بِالحَقِّ ، وأحَبُّهُم إلَی اللّه ِ سُبحانَهُ أقوَلُهُم لِلصِّدقِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام : أحَبُّ العِبادِ إلَی اللّه ِ عز و جل رَجُلٌ صَدوقٌ فِی حَدیثِهِ ، مُحافِظٌ عَلی صَلَواتِهِ ومَا افتَرَضَ اللّه ُ عَلَیهِ ، مَعَ أداءِ الأمانَهِ . (2)

.

1- .غرر الحکم : 3323 .
2- .الأمالی للصدوق : 371 / 467 ، الاختصاص : 242 کلاهما عن الحسین بن أبی العلاء ، مشکاه الأنوار : 53 و ص 82 ، روضه الواعظین : 408 ، بحار الأنوار : 75 / 114 / 4 .

امام علی علیه السلام : برترینِ خلق ، کسی است که بیشتر از همه بر اساس حق ، داوری کند و محبوب ترینشان نزد خدای سبحان ، راستگوترینشان است .

امام صادق علیه السلام : محبوب ترینِ بندگان در نزد خداوند عز و جل کسی است که در گفتارش راستگوست و مواظب نمازهای خود و واجباتی است که خداوند ، بر او واجب داشته و امانتدار است .

.

ص: 530

. .

معنای دوستی خدا

معنای دوستی خداآنچه در این فصل آمده ، به روشنی دلالت دارد که عقاید ، اخلاق و اعمال شایسته ، موجب محبّت آفریدگار به آفریده خود می گردد و از آن جا که تغییر و تحوّل در ذات مقدّس خداوند متعالْ راه ندارد ، این سؤال مطرح می شود که : معنای محبّت خدا نسبت به انسان چیست ؟ در پاسخ به این سؤال ، برخی گفته اند : مَحَبَّةُ اللّه ِ لِلعِبادِ إنعامُهُ عَلَیهِم وأن یُوَفِّقَهُم لِطاعَتِهِ ویَهدِیَهُم لِدینِهِ الَّذِی ارتَضاهُ ، وحُبُّ العِبادِ للّه ِ أن یُطیعوهُ وَلا یَعصوهُ ؛ (1) محبّت خدا نسبت به بندگان، آن است که به آنانْ نعمت می بخشد و به فرمانبری از خود، توفیقشان می دهد و به دینی که پسندیده اوست ، هدایتشان می کند . دوستی بندگان نسبت به خداوند نیز آن است که از او فرمانبری کنند و نافرمانی اش نکنند .

.

1- .مجمع البحرین : ج 1 ، ص 348 .

نیز گفته اند : مَحَبَّهُ اللّه ِ صِفَهٌ مِن صِفاتِ فِعلِهِ ، فَهِیَ إحسَانٌ مَخصوصٌ یَلیقُ بِالعَبدِ ، وأمّا مَحَبَّهُ العَبدِ للّه ِ تَعالی فَحَالَهٌ یَجِدُها فِی قَلبِهِ ، یَحصُلُ مِنهَا التَّعظِیمُ لَهُ وإیثَارُ رِضاهُ وَالاستِئناسُ بِذِکرِهِ ؛ (1) محبّت خدا ، صفتی از صفات فعل اوست و احسانِ ویژه ای است که شایسته بنده است . امّا محبّت بنده نسبت به خدا ، حالتی است که در قلب بنده پدیدار می شود و بر اثر آن ، بزرگداشتِ خداوند و مقدّم شمردن رضای او و انس گرفتن به یادش ، حاصل می گردد . انصاف ، این است که برای تبیین معنای محبّت آفریدگار به آفریده ، باید دید که : مقصود از محبّت آفریده به آفریدگار چیست ؟ فَإنَّ اللّه َ سُبحَانَه یُنزِلُ العَبدَ مِنهُ حَیثُ أنزَلَهُ مِن نَفسِهِ؛ (2) خداوند بنده را نسبت به خود ، در جایگاهی قرار می دهد که وی ، خدا را بدان گونه در جان خویش قرار دهد . محبّتِ دسته ای از اهل ایمان نسبت به خداوند متعال ، به معنای اطاعت از او و ترک نافرمانی اوست. اینان ، در واقع از نعمت محبّت او برخوردار نیستند . عبادات آنها بر مبنای محبّت نیست؛ بلکه بر اساس خوف و خشیت است . (3) محبّت خداوند متعال نسبت به این طایفه نیز به معنای توفیق کارهای نیک در دنیا و پاداش بهشت در آخرت است . امّا در میان بندگان خدا کسانی هستند که هر چند اندکْ شمارند ، حقیقتا خدا را

.

1- .مجمع البحرین : ج 1 ، ص 348 .
2- .ر . ک : ص 601 (معیار جایگاه بنده در نزد خدا) .
3- .ر . ک : ص 385 (پرستش دوستداران) .

دوست دارند . اطاعت آنها از خدا از ترس دوزخ و یا به طمع بهشت نیست ؛ بلکه به دلیل عشق و علاقه آنها به خداست . (1) آنان در مقام نیایش می گویند : سَیِّدی ... أنَا مِن حُبِّکَ ظَمآنُ لا أروی ؛ (2) سرورم ! من در دوست داشتن تو ، تشنه ای هستم که سیراب نمی شوم . و ... مَا أطیَبَ طَعْمَ حُبِّکَ ! ؛ طعم محبّتت ، چه شیرین است ! ... یا نِعَمی وَجَنَّتی ! ؛ (3) ای نعمت و بهشت من ! ... فَهَبنی یا إلهی وسَیِّدی ومَولایَ و رَبّی صَبَرتُ عَلی عَذابِکَ فَکَیفَ أصبِرُ عَلی فِراقِکَ ؛ (4) خدایا ! گیرم که بر عذابت صبر کردم ، بر فراقت چگونه صبر کنم ؟ و ... محبّت خدا نسبت به این طایفه، مفهومی دیگر دارد . معنا و مفهوم واقعی این دو نوع محبّت را تنها کسانی می توانند درک کنند که به آن رسیده باشند . هر سخنی در تبیین و تفسیر محبّت حقیقی آفریده به آفریدگار و بالعکس ، ناقص و نارساست. بهترین بیان در توضیح آثار این محبّت ، همان است که در حدیث «قرب نوافل» ، آمده است. (5)فقیه و محقّق بزرگوار ، شیخ بهایی ، درباره این حدیث می فرماید :

.

1- .ر . ک : ص 385 (پرستش دوستداران) .
2- .ر . ک : ص 377 (کاملانِ در خدا دوستی) .
3- .ر . ک : مفاتیح الجنان ، مناجاهُ المریدین .
4- .ر . ک : ص 379 ، ح 913 .
5- .ر . ک : مصباح المتهجّد : ص 847 .

سند این حدیث صحیح است و از احادیث مشهور میان شیعه و اهل سنّت به شمار می رود که آن را با تغییری اندک در کتب صحاح خود روایت کرده اند . و در تبیین جمله «وإنَّهُ لَیَتَقَرَّبُ إلَیَّ بِالنَّوافِلِ حَتّی اُحِبَّهُ ؛ او با انجام دادن نوافل به من نزدیک و نزدیک تر می شود تا آن جا که او را دوست می دارم» می گوید : نوافل ، همه اعمال غیر واجبی است که برای خدا سبحان به جای آورده می شود ؛ لیکن تخصیص آن به نمازهای مستحبّی، عارضی و حاصل استعمال عرف است . معنای محبّت خدای سبحان نسبت به بنده ، توفیق دادن او برای دوری جستن از سرای فریب و ترقّی به سوی عالم نور ، و انس گرفتن به خدا و وحشت از ماسوای او و یکی شدن همه اندیشه ها و هموم است . یکی از عارفان می گوید : «اگر می خواهی مقام خود را بشناسی ، بنگر تو را در کجا جای داده اِست» . و نیز در توضیح گفتار خداوند متعال در حدیث قدسی که «فَإذا أحبَبتُهُ کُنتُ سَمعَهُ الَّذی یَسْمَعُ بِهِ ... ؛ (1) پس چون او را دوست بدارم ، گوش شنوایش خواهم بود ... ، می گوید : صاحبدلان را در این مقام ، کلماتی ارجمند ، اشاراتی رمزی و تلویحاتی ذوقی است که مشام جان ها را می نوازد و معطّر می کند و استخوان های پوسیده را زنده می سازد که تنها آنان که تن خود را با ریاضت ، خسته کرده و جانشان را با مجاهدت ، رنجه ساخته اند و مشرب آنان را دریافته و مقصود و مطلبشان را فهمیده اند ، به معانی و ژرفایش دست می یابند .

.

1- .ر . ک : صحیح البخاری : ج 5 ، ص 2385 ، ح 6137 .

لیکن کسی که به سبب دل بستن به بهره های دنیوی و فرو رفتن در لذّات جسمانی ، این رمزها را درنیافته و به این گنجینه ها راه نبرده است ، به هنگام شنیدن این سخنان ، در آستانه خطر بزرگی ، همچون فرو رفتن در تاریکی های الحاد و در افتادن در پرتگاه های حلول و اتّحاد است ؛ تعالی اللّه عن ذلک عُلُوّا کبیرا . ما در این مقام ، به گونه ای که دریافت آن بر اذهان آسان باشد ، می گوییم که در این تعبیرات ، مبالغه در قرب و بیان چیرگی سلطان محبّت بر ظاهر و باطن و پیدا و پنهان بنده است . بنابراین، مقصود واللّه اعلم آن است که چون بنده ام را دوست بدارم ، او را به جایگاه انس خود فرا می کشم و به عالم قدس برمی آورم و اندیشه اش را در اسرار ملکوت ، غرقه و حواسش را منحصر به برگرفتن انوار آن می کنم . در نتیجه ، قدمش در مقام قربْ استوار می گردد و گوشت و خونش با محبّت درمی آمیزد ، تا آن که خود را فراموش کند و از حسّ خود غافل گردد و اغیار در برابرش از میان بروند تا آن جا که به منزله چشم و گوش او گردم . (1)

.

1- .الأربعون ، شیخ بهائی ، تخریج و تصحیح عقیقی بخشایشی : ص 689 ح 35 .

الفصل الرابع: موانع محبَّه اللّه 4 / 1أخطَرُ المَوانِعِالكتاب(مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِی جَوْفِهِ) . (1)

(كَلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ* وَ تَذَرُونَ الْأَخِرَهَ) . (2)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : حُبُّ الدُّنيا وحُبُّ اللّهِ لا يَجتَمِعانِ فى قَلبٍ أبَدا . (3)

عيسى عليه السلام : بِحَقٍّ أقولُ لَكُم : إنَّ العَبدَ لا يَقدِرُ عَلى أن يَخدِمَ رَبَّينِ ، ولا مَحالَهَ أنَّهُ يُؤثِرُ أحَدَهُما عَلَى الآخَرِ وإن جَهَدَ ، كَذلِكَ لا يَجتَمِعُ لَكُم حُبُّ اللّهِ وحُبُّ الدُّنيا . (4)

.

1- .الأحزاب : 4 .
2- .القيامه : 20 و 21 .
3- .تنبيه الخواطر : 2 / 122 .
4- .تحف العقول : 503 ، بحار الأنوار : 14 / 307 / 17 .

فصل چهارم : موانع خدا دوستی4 / 1خطرناک ترین مانعقرآن(خداوند در درون هیچ مردی دو قلب ننهاده است) .

(چنین نیست که شما می پندارید [و دلایل معاد را کافی نمی دانید] ؛ بلکه شما دنیایِ زودگذر [و هوس های بی قید و شرط]را دوست دارید و آخرت را وا می نهید) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : دنیا دوستی و خدا دوستی ، هرگز در یک قلب ، جمع نمی شوند .

عیسی علیه السلام : به حق برایتان می گویم : بنده نمی تواند خدمتگزار دو پروردگار باشد و هرچه بکوشد ، باز یکی را بر دیگری ترجیح خواهد داد. همچنین خدا دوستی و دنیا دوستی ، برای شما جمع نخواهد شد .

.

مسكّن الفؤاد : فى أخبارِ داودَ عليه السلام : ما لِأَولِيائى وَالهَمِّ بِالدُّنيا ؟ ! إنَّ الهَمَّ يُذهِبُ حَلاوَةَ مُناجاتى فى قُلوبِهِم . يا داودُ ، إنَّ مَحَبَّتى مِن أولِيائى أن يَكونوا روحانِيِّينَ لا يَغتَمّونَ . (1)

حليه الأولياء عن أبى سليمان : أوحَى اللّهُ تَعالى إلى داودَ عليه السلام : إنّى إنَّما خَلَقتُ الشَّهَواتِ لِضُعَفاءِ خَلقى ، فَإيّاكَ أن تُعَلِّقَ قَلبَكَ مِنها بِشَىءٍ فَأيسَرُ ما اُعاقِبُكَ بِهِ أن أنسَخَ حَلاوَةَ حُبّى مِن قَلبِكَ . (2)

المحجّه البيضاء : فى أخبارِ داودَ أنَّ اللّهَ تَعالى أوحى إلَيه : يا داودُ ، إنَّكَ تَزعَمُ أنَّكَ تُحِبُّنى ! فَأخرِج حُبَّ الدُّنيا عَن قَلبِكَ ؛ فَإنَّ حُبّى وحُبَّها لا يَجتَمِعانِ فى قَلبٍ . يا داودُ ، خالِص مَحَبَّتى مُخالَصَةً ، وخالِط أهلَ الدُّنيا مُخالَطَةً ، ودينَكَ فَقَلِّدنيهِ ، ولا تُقَلِّد دينَكَ الرِّجالَ ؛ أمّا مَا استَبانَ لَكَ مِمّا يُوافِقُ مَحَبَّتى فَتَمَسَّك بِهِ ، وأمّا ما أشكَلَ عَلَيكَ فَقَلِّدنيهِ ، حَقّا عَلَىَّ أن أتَوَلّى سِياسَتَكَ وتَقويمَكَ ، وأكونَ قائِدَكَ ودَليلَكَ ؛ اُعطيكَ مِن غَيرِ أن تَسأَلَنى ، واُعينُكَ عَلَى الشَّدائِدِ ؛ فَإنّى قَد آلَيتُ عَلى نَفسى ألاّ اُثيبَ إلاّ عَبدا هَرَبَ عَن طَلَبَتِهِ وإرادَتِهِ وألقى نَفسَهُ بَينَ يَدَىَّ ؛ فَإنَّهُ لا غِنىً بِهِ عَنّى . فَإذا كُنتَ كَذلِكَ نَزَعتُ الوَحشَةَ وَالذِّلَّةَ عَنكَ ، وأسكَنتُ الأُنسَ وَالحَلاوَةَ قَلبَكَ . (3)

المحجّه البيضاء : يا داودُ ، تَحَبَّب إلَىَّ بِمُعاداهِ نَفسِكَ بِمَنعِهَا الشَّهَواتِ أنظُر إلَيكَ ، وتَرَى الحُجُبَ بَينى وبَينَكَ مَرفوعَةً . إنَّما اُداريكَ مُداراةً ؛ لِتَقوى عَلى ثَوابى إذا مَنَنتُ بِهِ عَلَيكَ ، وإنّى اُخفيهِ عَنكَ وأنتَ مُتَمَسِّكٌ بِطاعَتى . (4)

.

1- .مسكّن الفؤاد : 80 ، بحار الأنوار : 82 / 143 / 26 .
2- .حليه الأولياء : 10 / 20 .
3- .المحجّه البيضاء: 8 / 61.
4- .المحجّه البيضاء: 8 / 62 .

مسکّن الفؤاد : در اخبار داوود علیه السلام[از زبان خداوند]آمده است : «دوستانم را با اندیشه دنیا چه کار ؟ این اندیشه ، شیرینیِ مناجاتم را از دل هایشان می زداید . ای داوود ! محبّت دوستانم به من ، در گرو آن است که اهل معنویت باشند و [برای دنیا]غمگین نباشند» .

حلیه الأولیاء به نقل از ابو سلیمان : خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد : «در حقیقت ، من شهوت ها را برای آفریدگان ضعیفم آفریدم . پس بپرهیز از این که قلبت به چیزی از آنها وابسته شود که سبک ترین کیفرت ، آن خواهد بود که شیرینی محبّتم را از قلبت خواهم زدود» .

المحجّه البیضاء : در اخبار داوود علیه السلام آمده است که خداوند به او وحی کرد : «ای داوود ! تو می پنداری که دوستم داری . پس دنیا دوستی را از قلبت بیرون کن؛ زیرا دوستی من و آن ، در هیچ قلبی جمع نمی شود . ای داوود ! دوستی ام را یکسره خالص کن و با اهل دنیا به گونه ای [معتدلانه]معاشرت کن . درباره [احکام]دینت از من تقلید کن ، نه از آدمیان . امّا هر آنچه برایت روشن گشت که با محبّت من همساز است ، آن را حفظ کن . امّا آنچه بر تو دشوار گشت ، پس در آن ، از من تقلید کن و بر من حق است که تربیت و استوار داشتنت را به عهده بگیرم و راهنما و راهبرت باشم . بی آن که از من درخواست کنی ، به تو می بخشم و در سختی ها به تو کمک می کنم ؛ زیرا من بر خود عهد کرده ام که پاداش ندهم ، مگر به بنده ای که از خواست و اراده اش بگریزد و خود را برابرم بیفکند ، چون که هیچ بی نیازی ای جز با من نیست . پس هرگاه چنین بودی ، بی کسی و خواری را از تو برطرف خواهم کرد و انس و شیرینی را در قلبت جای خواهم داد» .

المحجّه البیضاء : [خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد :] ای داوود ! از طریق بازداشتن نفست از شهوت ها، با آن دشمنی کن و با من دوستی کن ، تا به تو بنگرم و ببینی که حجاب های میان ما برداشته شده است . با تو چنان مدارا می کنم تا هرگاه خواستم با پاداشم بر تو منّت گذارم ، در جهت به دست آوردنش نیرومند شوی ، و من در حالی که تو پایبند فرمانبری من هستی ، آن را از تو پنهان می کنم .

.

إرشاد القلوب فى حديث المعراج [قالَ اللّهُ تعالى :] يا أحمَدُ ، لَو صَلَّى العَبدُ صَلاةَ أهلِ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وصامَ صِيامَ أهلِ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وطَوى مِنَ الطَّعامِ مِثلَ المَلائِكَهِ ، ولَبِسَ لِباسَ العارى ، ثُمَّ أرى فى قَلبِهِ مِن حُبِّ الدُّنيا ذَرَّةً أو سُمعَتِها أو رِئاسَتِها أو حُلِيِّها أو زِينَتِها لا يُجاوِرُنى فى دارى ، ولَأَنزَعَنَّ مِن قَلبِهِ مَحَبَّتى ، وعَلَيكَ سَلامى ومَحَبَّتى . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : كَما أنَّ الشَّمسَ وَاللَّيلَ لا يَجتَمِعانِ كَذلِكَ حُبُّ اللّه ِ وحُبُّ الدُّنيا لا يَجتَمِعانِ . (2)

عنه عليه السلام : مَن أحَبَّ لِقاءَ اللّهِ سُبحانَهُ سَلا عَنِ الدُّنيا . (3)

عنه عليه السلام : كَيفَ يَدَّعى حُبَّ اللّهِ مَن سَكَنَ قَلبَهُ حُبُّ الدُّنيا ؟ ! (4)

عنه عليه السلام : إن كُنتُم تُحِبّونَ اللّهَ فَأَخرِجوا مِن قُلوبِكُم حُبَّ الدُّنيا . (5)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : حُبُّ الرِّئاسَهِ شاغِلٌ عَن حُبِّ اللّهِ سُبحانَهُ . (6)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ : وَانزَع مِن قَلبى حُبَّ دُنيا دَنِيَّهٍ ؛ تَنهى عَمّا عِندَكَ ، وتَصُدُّ عَنِ ابتِغاءِ الوَسيلَهِ إلَيكَ ، وتُذهِلُ عَنِ التَّقَرُّبُ مِنكَ . (7)

الإمام الصادق عليه السلام : إذا تَخَلَّى المُؤمِنُ مِن الدُّنيا سَما ، ووَجَدَ حَلاوَهَ حُبِّ اللّهِ ، وكانَ عِندَ أهلِ الدُّنيا كَأَنَّهُ قَد خُولِطَ ، وإنَّما خالَطَ القَومُ حَلاوَهَ حُبِّ اللّهِ فَلَم يَشتَغِلوا بِغَيرِهِ . (8)

.

1- .إرشاد القلوب : 206 ، بحار الأنوار : 77 / 30 / 6 .
2- .غرر الحكم : 7219 .
3- .غرر الحكم : 8425 .
4- .غرر الحكم : 7002 .
5- .غرر الحكم : 3747 .
6- .شرح نهج البلاغه : 20 / 307 / 519 .

7- .الصحيفه السجّاديه : 197 الدعاء 47 .
8- .الكافي : 2 / 130 / 10 عن عبداللّه بن القاسم ، مشكاه الأنوار : 121 وفيه «تحلّى ... بسيماء» بدل «تخلّى ... سما» ، بحار الأنوار : 73 / 56 / 28 .

إرشاد القلوب در ضمن حدیث «معراج» : [خداوند متعال فرمود :] ای احمد ! اگر بنده ای به مقدار نماز آسمانیان و زمینیان ، نماز بخواند و به مقدار روزه آسمانیان و زمینیان ، روزه بگیرد و همچو فرشتگان ، از خوردنْ باز ایستد و چون برهنگانْ لباس بپوشد ، آن گاه ذرّه ای دوستی دنیا یا شهرت یا ریاست و یا زیب و زیور آن را در قلبش ببینم ، در خانه ام همسایه من نخواهد بود و محبّتم را از قلبش برخواهم کَند . سلام و محبّت من بر تو باد !

امام علی علیه السلام : همچنان که خورشید و شب با یکدیگر جمع نمی شوند ، خدا دوستی و دنیا دوستی با یکدیگر جمع نمی شوند .

امام علی علیه السلام : هرکه دوستدار دیدار خداوند سبحان شود ، دنیا را فراموش می کند .

امام علی علیه السلام : آن که دنیا دوستی در قلبش جای گرفته است ، چگونه ادّعای خدا دوستی می کند ؟

امام علی علیه السلام : اگر خداوند را دوست دارید ، دنیا دوستی را از دل هایتان بیرون کنید .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : ریاستْ دوستی ، از دوستی خدای سبحان باز می دارد .

امام سجاد علیه السلام در دعایش : دوستیِ دنیای پست را از قلبم برکَن که از آنچه نزد توست ، باز می دارد و مانع طلب وسیله برای رسیدن به تو می گردد و نزدیک شدن به تو را از یاد می برد .

امام صادق علیه السلام : هرگاه مؤمنْ خود را از دنیا خالی کند ، والا گردد وشیرینی دوستیِ خدا را دریابد و از نظر اهل دنیا، گویی دیوانه به شمار آید؛ حال آن که شیرینیِ دوستی خدا، با اینان درآمیخته است و در نتیجه ، به کسی جز او نمی پردازند.

.

عنه عليه السلام : إذا رَأَيتُمُ العالِمَ مُحِبّا لِدُنياهُ فَاتَّهِموهُ عَلى دينِكُم ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِشَى ءٍ يَحوطُ ما أَحَبَّ . وقالَ صلى الله عليه و آله : أوحَى اللّهُ إلى داودَ عليه السلام : لا تَجعَل بَينى وبَينَكَ عالِما مَفتونا بِالدُّنيا ؛ فَيَصُدَّكَ عَن طَريقِ مَحَبَّتى ؛ فَإِنَّ اُولئِكَ قُطّاعُ طَريقِ عِبادِىَ المُريدينَ . إنَّ أدنى ما أنَا صانِعٌ بِهِم أن أنزَعَ حَلاوَةَ مُناجاتى عَن قُلوبِهِم . (1)

الإمام المهدىّ عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى » (2) : إنَّ موسى ناجى رَبَّهُ بِالوادِ المُقَدَّسِ ، فَقالَ : «يا رَبِّ ، إنّى قَد أخلَصتُ لَكَ المَحَبَّةَ مِنّى ، وغَسَلتُ قَلبى عَمَّن سِواكَ» وكانَ شَديدَ الحُبِّ لِأَهلِهِ . فَقالَ اللّهُ تَعالى : «إخْلَعْ نَعْلَيْكَ» أى : اِنزَع حُبَّ أهلِكَ مِن قَلبِكَ إن كانَت مَحَبَّتُكَ لى خالِصَةً وقَلبُكَ مِنَ المَيلِ إلى مَن سِوايَ مَغسولاً . (3)

شرح نهج البلاغه : قيلَ إنَّ اللّهَ تعالى أوحى إلى داودَ عليه السلام : إنّى حَرَّمتُ عَلَى القُلوبِ أن يَدخُلَها حُبّى وحُبُّ غَيرى . (4)

.

1- .الكافى : 1 / 46 / 4 ، علل الشرايع : 394 / 12 كلاهما عن حفص بن غياث ، منيه المريد : 138 ، مشكاه الأنوار : 140 ، تحف العقول : 397 عن الإمام الكاظم عليه السلام لهشام وفيه من «أوحى اللّه تعالى إلى داود . . . إلخ» نحوه ، بحار الأنوار : 2 / 107 / 7 و ح 8 .
2- .طه : 12.
3- .كمال الدين: 460/21، الاحتجاج: 2/528/341 كلاهما عن سعد بن عبداللّه القمّى، بحار الأنوار : 13/65/4 .
4- .شرح نهج البلاغه : 11 / 80 .

امام صادق علیه السلام : هرگاه عالمی را دوستدار دنیایش دیدید ، در دین خود، به او اعتماد مکنید؛ زیرا هر دوستدار چیزی، آنچه را دوست دارد، حفظ می کند. نیز [حضرت] فرمود : خداوند به داوود علیه السلاموحی کرد که : «میان من و خودت ، عالِمی را که دلباخته دنیاست قرار مده ، که تو را از طریق محبّتم باز می دارد . اینان ، در حقیقت ، راهزنان راه بندگانِ جویای من هستند . کمترین کیفری که به آنان می دهم ، این است که شیرینیِ مناجات با خودم را از دل هایشان بر می دارم» .

امام مهدی علیه السلام درباره گفته خدای متعال که «کفشت را بیرون آر ، که تو در سرزمین مقدسِ «طُوی» (1) هستی» : موسی در وادی مقدّس با پروردگارش مناجات کرد و گفت : پروردگارا ! محبّتم را برای تو خالص ساخته ام و قلبم را از غیر تو شسته ام» ، در حالی که ایشان ، بسیار خانواده اش را دوست می داشت. پس از آن ، خداوند متعال فرمود : «کفشت را در آور» ؛ یعنی اگر محبّتت برای من خالص و قلبت از گرایش به غیر من پاک است ، محبّت به خانواده ات را از قلبت برکَن .

شرح نهج البلاغه : منقول است که خداوند متعال ، به داوود علیه السلاموحی کرد : «من بر دل ها حرام ساخته ام که دوستی من با دوستی غیرِ من ، در آنها وارد شود» .

.

1- .نامِ آن سرزمین .

4 / 2مَن لا يُحِبُّهُمُ اللّهُ ُالكتاب(إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) . (1)

(وَاللَّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ) . (2)

(وَاللَّهُ لاَ يُحِبُّ الظَّلِمِينَ) . (3)

(إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالاً فَخُورًا) . (4)

(إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا) . (5)

(وَاللَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) . (6)

(إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) . (7)

(إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْخَآئِنِينَ) . (8)

(إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ) . (9)

(إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ) . (10)

.

1- .البقره : 190 ، وراجع المائده : 87 ، الأعراف : 55 .
2- .البقره : 276 .
3- .آل عمران : 57 ، وراجع آل عمران : 67 ، الشورى : 40 .
4- .النساء : 36 .
5- .النساء : 107 .
6- .المائده : 64 ، وراجع القصص : 77 .
7- .الأنعام : 141 ، الأعراف : 31 .
8- .الأنفال : 58 .
9- .النحل : 23 .
10- .الحجّ : 38 .

4 / 2آنان که خدا دوستشان نداردقرآن(خداوند ، تجاوزکاران را دوست ندارد) .

(خداوند ، هیچ ناسپاسِ گنهکاری را دوست ندارد) .

(خداوند ، ستمکاران را دوست ندارد) .

(خداوند ، کسی را که متکبّر و فخرفروش است ، دوست ندارد) .

(خداوند ، کسی را که خیانتکار و گنهکار است ، دوست ندارد) .

(خداوند ، مُفسدان را دوست ندارد) .

(خداوند ، مُسرفان را دوست ندارد) .

(خداوند ، خائنان را دوست ندارد) .

(خداوند ، مستکبران را دوست ندارد) .

(خداوند ، هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد) .

.

(إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوأُ بِالْعُصْبَهِ أُوْلِى الْقُوَّهِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لاَ تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْفَرِحِينَ) . (1)

(إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْكَفِرِينَ) . (2)

(وَلاَ تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لاَ تَمْشِ فِى الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) . (3)

4 / 3مَن يُبغِضُهُمُ اللّهُ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أربَعَهٌ يُبغِضُهُمُ اللّه ُ عز و جل : البَيّاعُ الحَلاّفُ ، وَالفَقيرُ المُختالُ ، وَالشَّيخُ الزّانى ، وَالإِمامُ الجائِرُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ ولا يَنظُرُ إلَيهِم : أميرٌ جائِرٌ ، وشَيخٌ زانٍ ، وعابِدٌ مُتَكَبِّرٌ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ يُبغِضُهُمُ اللّهُ : الشَّيخُ الزّانى ، وَالفَقيرُ المُختالُ ، وَالغَنِيُّ الظَّلومُ . (6)

البخلاء للخطيب عن أبى ذرّ : قالَ النبىّ صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ يُبغِضُهُمُ اللّهُ تَعالى : البَخيلُ ، وَالمَنّانُ ، وَالفاجِرُ . أو قالَ : التّاجِرُ الحَلاّفُ ، وَالفَقيرُ المُختالُ . (7)

.

1- .القصص : 76 .
2- .الروم : 45 .
3- .لقمان : 18 ، وراجع الحديد : 23 .
4- .سنن النسائى: 5/86 ، صحيح ابن حبّان: 12/369/5558، شُعب الإيمان: 4/221/4853 وج6/14/7365، مسند الشهاب : 1 / 214 / 324 ، تاريخ بغداد : 9 / 358 وليس فيه «البيّاع» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 16 / 68 / 43968 ؛ عوالى اللآلى : 1 / 263 / 51 وفيه «المحتال» بدل «المختال» .

5- .تنبيه الخواطر: 2/121 ، تفسير العيّاشى: 1/179/68 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلامنحوه .
6- .سنن الترمذى : 4 / 698 / 2568 ، سنن النسائى : 5 / 84 ، مسند ابن حنبل : 8 / 82 / 21413 ، صحيح ابن حبّان : 8/137/3349، المستدرک على الصحيحين : 1/577/1520، صحيح ابن خزيمه: 4/104/2456 كلّها عن أبيذرّ، الطبقات الكبرى: 6/243 عن الأغر بن سليک عن الإمام علىّ عليه السلام، كنز العمّال: 15/819/43254.
7- .البخلاء للخطيب : 44 عن أبى ذرّ .

(قارون از قوم موسی بود که بر آنان ستم ورزید و ما از گنجینه ها ، آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن برای یک گروه نیرومند ، سنگین می آمد . [به خاطر آورید]آن هنگام [را]که قوم وی به او گفتند : سرمست مشو که خدا ، سرمستان را دوست ندارد) .

(خداوند ، کافران را دوست ندارد) .

(از مردم [از سر تکبّر] ، رخ برمتاب و در زمین ، متکبّرانه راه مرو که خداوند ، هیچ متکبّر فخرفروشی را دوست ندارد) .

4 / 3آنان که خدا دشمنشان می داردحدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جلچهار تن را دشمن می دارد : فروشنده سوگند خوار ، فقیر متکبّر ، پیرِ زناکار و پیشوای ستمکار .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به سه تن نمی نگرد و با آنان سخن نمی گوید : پیشوای ستمکار ، پیرِ زناکار و عابد متکبّر .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه تن را دشمن می دارد: پیر زناکار ، فقیر متکبّر و دولتمندِ ستمکار .

البُخلاء الخطیب ، از ابوذر : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهفرمود : «خداوند متعال ، سه تن را دشمن می دارد : بخیل ، منّت گذار و بدکار» یا فرمود : «سوداگرِ سوگند خوار و فقیر متکبّر» .

.

مسند ابن حنبل عن مطرف بن عبداللّه : بَلَغَنى عَن أبى ذَرٍّ حَديثٌ ، فَكُنتُ اُحِبُّ أن ألقاهُ ، فَلَقيتُهُ ، فَقُلتُ لَهُ : . . . بَلَغَنى أنَّكَ تَقولُ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَقولُ: «ثَلاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّهُ عز و جل وثَلاثَةٌ يُبغِضُهُمُ اللّهُ عز و جل» ؟ قالَ : نَعَم ، فَما أخالُنى أكذِبُ عَلى خَليلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ثَلاثا يَقولُها . . . قُلتُ : مَنِ الثَّلاثَةُ الَّذينَ يُبغِضُهُمَ اللّهُ ؟ قالَ : «الفَخورُ المُختالُ ؛ وأنتُم تَجِدونَ فى كِتابِ اللّهِ عز و جل : «إنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالاً فَخُورًا » ، وَالبَخيلُ المَنّانُ ، وَالتّاجِرُ والبَيّاعُ الحَلاّفُ» . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل . . . يُبغِضُ ثَلاثَةً : يُبغِضُ الشَّيخَ الزّانِىَ ، وَالفَقيرَ المُختالَ ، وَالمُكثِرَ البَخيلَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّهَ يُبغِضُ مِن خَلقِهِ الأَشمَطَ الزّانِىَ ، وَالغَنِىَّ الظَّلومَ ، وَالعائِلَ المُستَكبِرَ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى يُبغِضُ الغَنِىَّ الظَّلومَ ، وَالشَّيخَ الجَهولَ ، وَالعائِلَ المُختالَ . (4)

.

1- .. مسند ابن حنبل: 8/126/21586 و ص 78/21398، المستدرک على الصحيحين:2/98/2446، السنن الكبرى: 9/269/18501، شُعب الإيمان:7/80/9549 ، مسند الطيالسى : 63/468 ، المعجم الكبير : 2/152/1637 كلّها نحوه ، كنز العمّال: 16/104/44073.
2- .مسند ابن حنبل : 8 / 82 / 21414 عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : 16 / 104 / 44072 .
3- .الطبقات الكبرى : 6 / 243 عن الأغرّ بن حنظله .
4- .المعجم الأوسط : 5/330/5458 عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام، كنز العمّال : 16 / 38 / 43835 ؛ قرب الإسناد: 83 / 272 نحوه.

مسند ابن حنبل به نقل از مُطَرِّف بن عبداللّه : از ابوذر حدیثی برایم نقل کرده بودند که دوست داشتم برای آن ، ببینمش . پس او را دیدم و به او گفتم : شنیده ام که گفته ای: شنیدم پیامبر خدا می فرمود : «خداوند عز و جل سه تن را دوست و سه تن را دشمن می دارد» . پاسخ داد : «آری ، و گمان نمی کنم که بر دوستم محمد صلی الله علیه و آلهدروغ بسته باشم» (و این جمله را سه بار تکرار کرد) ... پرسیدم : آن سه تن که خداوند دشمنشان می دارد ، کیستند ؟ گفت : «فخرفروش متکبّر ، که شما در کتاب خدای عز و جلمی خوانید «خداوند ، هیچ متکبّر فخر فروشی را دوست ندارد» ، بخیل منّت گذار و سوداگر یا فروشنده سوگندخوار» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل ... سه تن را دشمن می دارد : پیرِ زناکار ، فقیر متکبّر و دولتمندِ بخیل .

امام علی علیه السلام : خداوند از خلقش ، پیرِ سفیدمویِ زناکار ، دولتمندِ ستمکار و مستمندِ مستکبر را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، دولتمندِ ستمکار ، پیرِ نادان و مستمندِ متکبّر را دشمن می دارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ يُبغِضُهُمُ اللّهُ : المَنّانُ بِصَدَقَتِهِ ، وَالمُقتِرُ مَعَ سَعَتِهِ ، وَالفَقيرُ المُسرِفُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُبغِضُ الشَّيخَ الزّانِىَ ، وَالغَنِىَّ الظَّلومَ ، وَالفَقيرَ المُختالَ ، وَالسّائِلَ المُلحِفَ . ويُحبِطُ أجرَ المُعطِى المَنّانِ . ويَمقُتُ البَذيخَ الجَرِىَّ الكَذّابَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل يُبغِضُ رَجُلاً يُدخَلُ عَلَيهِ فى بَيتِهِ ولا يُقاتِلُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل يُبغِضُ المُعَبِّسَ فى وُجوهِ إخوانِهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى يُبغِضُ البَخيلَ فى حَياتِهِ ، السَّخىَّ عِندَ مَوتِهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : خُلُقانِ يُحِبُّهُمَا اللّهُ ، وخُلُقانِ يُبغِضُهُمَا اللّهُ ؛ فَأَمَّا اللَّذانِ يُحِبُّهُمَا اللّهُ فَالسَّخاءُ وَالسَّماحَهُ . وأَمَّا اللَّذانِ يُبغِضُهُمَا اللّهُ تَعالى فَسوءُ الخُلُقِ وَالبُخلُ . وإذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خَيرا اِستَعمَلَهُ عَلى قَضاءِ حَوائِجِ النّاسِ . (6)

الإمام الباقر عليه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل يُبغِضُ أو يَلعَنُ كُلَّ ذَوّاقٍ مِنَ الرِّجالِ ، وكُلَّ ذَوّاقَهٍ مِنَ النِّساءِ . (7)

.

1- .تنبيه الخواطر : 2 / 121 .
2- .تحف العقول : 42 ، بحار الأنوار : 77 / 145 / 46 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 28 / 24 ، صحيفه الرضا عليه السلام : 86 / 14 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، تهذيب الأحكام : 6 / 157 / 280 عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، مشكاه الأنوار : 236 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 79 / 196 / 8 .

4- .الفردوس: 1/153/555 عن الإمام علىّ عليه السلام، كنز العمّال: 3/441/7350؛ مستدرک الوسائل: 8/321/9552 نقلاً عن الأربعين لأبى حامد الحلبى عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله .
5- .البخلاء للخطيب : 44 عن سعيد بن مسروق عن رجل عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال: 3/447/7376 ؛ أعلام الدين : 295 وفيه «بعد وفاته» بدل «عند موته» ، بحار الأنوار : 77 / 173 / 8 .
6- .شُعب الإيمان : 6 / 117 / 7659 و ج 7 / 426 / 10839 ، الفردوس : 2 / 199 / 2989 نحوه وكلّها عن عبداللّه بن عمرو ، كنز العمّال : 6 / 351 / 16014 .
7- .الكافى: 6/54/1 ، عوالى اللآلى : 3/372/6 كلاهما عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه تن را دشمن می دارد : کسی که منّت گذارانه صدقه می دهد ؛ آن که در عین دارایی ، در خرجی دادنْ تنگ می گیرد ؛ و فقیرِ وِلخرج .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، پیر زناکار ، دولتمند ستمکار ، فقیرِ متکبّر و گدای سمج را دشمن می دارد و پاداشِ بخشنده منّت گذار را از میان می برد و متکبّرِ گستاخ دروغگو را سخت دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، کسی را که به خانه اش یورش برند و او [در دفاع از خانواده اش] نجنگد ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل کسی را که در برابر برادرانش روی در هم می کشد ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، کسی را که در زندگی اش بخیل است و به هنگام مرگش بخشنده می شود ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دو خوی را دوست دارد و دو خوی را دشمن می دارد . آن دو خوی که خداوند دوستشان می دارد، بخشندگی و آسانگیری است، و آن دو که خداوند متعال دشمنشان می دارد، بداخلاقی و بُخل است . هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد ، او را به برآوردن نیازهای مردم، به کار وا می دارد .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند عز و جل هر مردی را که زود ازدواج می کند و زود طلاق می دهد ، و هر زنی را که زود ازدواج می کند و زود طلاق می گیرد ، دشمن می دارد» یا «لعنت می کند» .

.

عنه علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل یُبغِضُ کُلَّ مِطلاقٍ ذَوّاقٍ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ یُبغِضُ کُلَّ . . . عالِمٍ بِالدُّنیا جاهِلٍ بِالآخِرَهِ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ یُبغِضُ کُلَّ مُبتَدِعٍ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل یُبغِضُ البَلیغَ مِنَ الرِّجالِ ، الَّذی یَتَخَلَّلُ بِلِسانِهِ تَخَلُّلَ الباقِرَهِ بِلِسانِها . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ یُبغِضُ کُلَّ جَعظَرِیٍّ ، جَوّاظٍ ، سَخّابٍ فِی الأَسواقِ ، جیفَهٍ بِاللَّیلِ حِمارٍ بِالنَّهارِ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ موسَی بنَ عِمرانَ سَأَلَ رَبَّهُ ورَفَعَ یَدَیهِ فَقالَ : «یا رَبِّ ، أینَ ذَهَبتُ اُوذیتُ» ! فَأَوحَی اللّهُ تَعالی إلَیهِ : یا موسی ، إنَّ فی عَسکَرِکَ غَمّازا . فَقالَ : یا رَبِّ ، دُلَّنی عَلَیهِ ؟ فَأَوحَی اللّهُ تَعالی إلَیهِ : إنّی اُبغِضُ الغَمّازَ فَکَیفَ أغمِزُ ؟ ! (6)

.

1- .الکافی : 6 / 55 / 4 عن طلحه بن زید عن الإمام الصادق علیه السلام .
2- .السنن الکبری : 10 / 327 / 20804 ، موارد الظمآن : 485 / 1975 نحوه ، کنز العمّال : 10 / 188 / 28982 نقلاً عن الحاکم فی تاریخه وکلّها عن أبی هریره .
3- .کنز العمّال : 1 / 388 / 1676 نقلاً عن ابن عساکر عن أنس .
4- .سنن أبی داود : 4 / 302 / 5005 ، مسند ابن حنبل : 2 / 565 / 6554 و ص 615 / 6770 ، سنن الترمذی : 5/141/2853 وفیه «کما تتخلّل البقره» بدل «تخلّل الباقره بلسانها» ، شُعب الإیمان : 4 / 251 / 4972 کلّها عن عبداللّه بن عمرو ، المعجم الأوسط : 9 / 27 / 9030 وفیه «أحدهم الکلام بلسانه» بدل «بلسانه» ، مشکاه المصابیح : 2 / 574 / 4800 کلاهما عن عبداللّه بن عمر ، کنز العمّال : 3 / 562 / 7917 ؛ عوالی اللآلی : 1 / 70 / 128 وفیه صدره .

5- .السنن الكبرى : 10/327/20804 ، موارد الظمآن : 485/1975 كلاهما عن أبى هريره ، سلسله الأحاديث الصحيحه : 1 / 331 / 195 ، كنز العمّال : 16 / 4 / 43679 .
6- .صحيفه الرضا عليه السلام : 113 / 68 ، بحار الأنوار : 75 / 293 / 1 .

امام باقر علیه السلام : خداوند عز و جلهرکس را که زود به زود طلاق می دهد و همسر عوض می کند ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هر دانای به دنیا و نادان نسبت به آخرت را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هر بدعت گذاری را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل کسی را که متکلّفانه سخن می گوید و چنان زبانش را می چرخاند که گاو [به هنگام خوردن کاه] می چرخاند ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هر سختْ دلِ متکبّرِ مال اندوزِ فریادزن در بازارها را که در شب ، مرداری بویناک و در روز ، چون الاغ است ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : موسی بن عمران ، از پروردگارش مسئلت کرد و دستانش را به دعا برداشت و گفت : پروردگارا ! هرجا که رفتم ، آزارم دادند . خداوند به او وحی کرد : «ای موسی ! در میان لشکرت سخن چینی هست» . موسی گفت : پروردگارا ! او را به من بنما . خداوند متعال به او وحی کرد : «من سخن چین را دشمن می دارم؛ پس چگونه خودم سخن چینی کنم ؟».

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ يُبغِضُ الفاحِشَ البَذِىَّ ، وَالسّائِلَ المُلحِفَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وَالفُحشَ ؛ فَإِنَّ اللّه َ عز و جل لا يُحِبُّ الفاحِشَ المُتَفَحِّشَ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّه َ يُبغِضُ اللَّعّانَ ، السَّبّابَ الطَّعّانَ عَلَى المُؤمِنينَ ، الفاحِشَ ، المُتَفَحِّشَ ، السّائِلَ المُلحِفَ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ يُبغِضُ ابنَ السَّبعينَ فى هَيئَةِ ابنِ عِشرينَ ؛ فى مِشيَتِهِ ومَنظَرِهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ تَبارَكَ وتَعالى لَيُبغِضُ المُؤمِنَ الضَّعيفَ ؛ الَّذى لا زَبرَ لَهُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ عز و جل لَيُبغِضُ المُؤمِنَ الضَّعيفَ الَّذى لا دينَ لَهُ . فَقيلَ لَهُ : ومَا المُؤمِنُ الَّذى لا دينَ لَهُ ؟ قالَ : الَّذى لا يَنهى عَنِ المُنكَرِ . (6)

.

1- .الكافى : 2 / 325 / 11 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : 266 / 147 عن أبى هريره ، الزهد للحسين بن سعيد : 10 / 20 عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : 1 / 124 ، روضه الواعظين : 417 ، الأمالى للطوسى : 39 / 43 عن ابن عمر وليس فيه «الفاحش» ، دلائل الإمامه : 66 / 1 عن ابن مسعود عن فاطمه عليهاالسلام وفيه «الضنين» بدل «البذى» ، بحار الأنوار : 96/151/11 ؛ المعجم الكبير : 22 / 414 / 1024 عن ابن مسعود عن فاطمه عليهاالسلام ، سنن الترمذى : 4 / 362 / 2002 ، الأدب المفرد : 142 / 464 ، السنن الكبرى : 10 / 326 / 20798 كلّها عن أبى الدرداء وليس فيها «والسائل الملحف» ، كنز العمّال : 15/877/43485 .
2- .الخصال : 176 / 235 عن أبى هريره ، الكافى : 2 / 324 / 4 عن أبى جميله يرفعه عن الإمام الباقر عليه السلاموفيه «إنّ اللّه يبغض الفاحش

المتفحّش» .
3- .تحف العقول : 300 ، تفسير العيّاشى : 1/48/63 وليس فيه «الفاحش» ، تفسير مجمع البيان : 1/298 كلاهما عن جابر ، مشكاه الأنوار : 189 ، روضه الواعظين : 405 ، بحار الأنوار : 78 / 181 / 67 .
4- .المعجم الأوسط : 6 / 57 / 5782 عن أنس ، كنز العمّال : 3 / 525 / 7731 .
5- .معانى الأخبار : 344 / 1 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : 248 ، بحار الأنوار : 100 / 77 / 31 ؛ كنز العمّال : 3 / 380 / 7043 نقلاً عن العقيلى عن أبى هريره وليس فيه «الضعيف» .
6- .الكافى : 5 / 59 / 15 عن مسعده بن صدقه ، المحاسن : 1 / 311 / 619 عن السكونى وفيه إلى «لا دين له» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، ناسزاگویِ هرزه درا و گدای سِمِج را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از سخن زشت و ناسزا بپرهیز که خداوند عز و جلبد زبانِ ناسزاگوی را دشمن می دارد .

امام باقر علیه السلام : خداوند ، شخص لعنت کننده دشنام دهنده ، طعنه زنِ به مؤمنان ، بدزبانِ ناسزاگوی و گدایِ سمج را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، آدم هفتاد ساله ای را که در رفتار و جلوه ، چون جوان بیست ساله است ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، مؤمن ناتوانی را که از قدرت بازدارندگی تهی است ، دشمن می دارد .

امام صادق علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند عز و جل مؤمن ناتوانی را که دین ندارد ، دشمن می دارد» . به ایشان گفتند : مؤمنی که دین ندارد ، کیست ؟ فرمود : «آن که نهی از منکر نمی کند» .

.

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّه َ سُبحانَهُ لَيُبغِضُ الوَقِحَ المُتَجَرِّئَ عَلَى المَعاصى . (1)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّه َ سُبحانَهُ لَيُبغِضُ الطَّويلَ الأَمَلُ السَّيِّئَ العَمَلُ . (2)

الخصال عن ابن أبى عمير عن الحسين بن عثمان عَنِ الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : إنَّ اللّه َ عز و جليُبغِضُ الغَنِيَّ الظَّلومَ ، وَالشَّيخَ الفاجِرَ ، وَالصُّعلوكَ المُختالَ . ثُمَّ قالَ : أتَدرِى مَا الصُّعلوكُ المُختالُ ؟ فَقُلنا : القَليلُ المالُ . قالَ : لا ، هُوَ الَّذى لا يَتَقَرَّبُ إلَى اللّهِ عز و جل بِشَى ءٍ مِن مالِهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّه َ تَبارَكَ وتَعالى لَيُبغِضُ المُنفِقَ سِلعَتَهُ بِالأَيمانِ . (4)

الإمام علىٌّ عليه السلام : إنَّ اللّه َ يُبغِضُ العَبدَ فاغِرا فاهُ ويَقولُ : اللّهُمَّ ارزُقنى ، ويَترُكُ الطَّلَبَ . (5)

من لا يحضره الفقيه : قيلَ لِلصّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهماالسلام : بَلَغَنا أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهقالَ : «إنَّ اللّه َ تَبارَكَ وتَعالى لَيُبغِضُ البَيتَ اللَّحِمَ ، وَاللَّحِمَ السَّمينَ» ! فَقالَ عليه السلام : إنّا لَنَأكُلُ اللَّحمَ ونُحِبُّهُ ، وإنَّما عَنى صلى الله عليه و آله البَيتَ الَّذى تُؤكَلُ فيه لُحومُ النّاسِ بِالغيبَهِ ، وعَنى ب « اللَّحِمِ السَّمينِ» المُتَبَختِرَ المُختالَ فى مِشيَتِهِ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 3437 .
2- .غرر الحكم : 3455 .
3- .الخصال : 87 / 19 ، الأُصول الستّه عشر (أصل الحسين بن عثمان) : 109 عن الحسين بن مختار وفيه «المحتال» بدل «المختال» فى كلا الموضعين ، بحار الأنوار : 72 / 65 / 19 .
4- .الأمالى للصدوق : 571 / 775 ، المحاسن : 1 / 211 / 379 ، ثواب الأعمال : 264 / 3 وفيه «لا ينظر إليهم . . .» بدل «ليبغض» وكلّها عن

الحسين بن المختار ، مكارم الأخلاق : 1 / 243 / 719 ، روضه الواعظين : 513 ، بحار الأنوار : 103 / 98 / 31 .
5- .عوالى اللآلى: 4 / 22 / 66 ، كتاب من لا يحضره الفقيه: 3 / 192 / 3721 عن علىّ بن عبد العزيز وفيه «إنّى لأُبغض الرجل ...».
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 3 / 350 / 4231 ، وراجع الكافى : 6 / 309 / 6 ، بحار الأنوار: 73 / 232 / 26 .

امام علی علیه السلام : خداوندِ سبحان ، شخصِ بی شرمِ گستاخ بر گناهان را دشمن می دارد .

امام علی علیه السلام : خداوندِ سبحان ، شخصِ درازْآرزویِ بدکار را دشمن می دارد .

الخصال به نقل از ابن أبی عُمیر از حسین بن عثمان ، از امام صادق علیه السلام : «خداوند عز و جلدولتمندِ ستمکار ، پیرِ زناکار و صُعلوکِ فخرفروش را دشمن می دارد» . سپس فرمود : «می دانی صُعلوکِ فخرفروش کیست ؟». گفتیم : شخص مستمند است . فرمود : «نه ! کسی است که با بخشیدن پاره ای از اموالش ، به خداوند عز و جلنزدیکی نمی جوید» .

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال ، فروشنده ای را که کالایش را با سوگند خوردن به فروش می رساند ، دشمن می دارد .

امام علی علیه السلام : خداوند ، بنده ای را که دهان خود را می گشاید و می گوید : «بارالها ! به من روزی بده» ، ولی دست از طلبِ روزی می کشد ، دشمن می دارد .

کتاب من لا یحضره الفقیه : به امام صادق علیه السلام گفتند : شنیده ایم پیامبر خدا فرموده است که خداوند متعال ، خانه ای را که در آن گوشت هست و [نیز]چاقِ فربه را دشمن می دارد . حضرت فرمود : «ما خود ، گوشت می خوریم و آن را دوست داریم . در حقیقت ، مقصود ایشان ، خانه ای است که در آن ، با غیبت ، گوشت مردم خورده می شود و مقصودشان از چاقِ فربه ، شخص متکبّری است که در رفتارش فخرفروشی می کند» .

.

الإمام الصادق عليه السلام : إذا أبغَضَ اللّهُ عَبدا حَبَّبَ إلَيهِ المالَ ، وبَسَطَ لَهُ الآمالَ ، وألهَمَهُ دُنياهُ ، وَوكَلَهُ إلى هَواهُ ؛ فَرَكِبَ العِنادَ ، وبَسَطَ الفَسادَ ، وظَلَمَ العِبادَ . (1)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل يُبغِضُ كَثرَةَ النَّومِ ، وكَثرَةَ الفَراغِ . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام : إنَّ اللّهَ جَلَّ وعَزَّ يُبغِضُ العَبدَ النَّوّامَ الفارِغَ . (3)

4 / 4أبغَضُ النّاسِ إلَى اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أبغَضُ النّاسِ إلَى اللّهِ وأبعَدُهُم مِنهُ مَجلِسا إمامٌ جائِرٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ مِن أبغَضِ الخَلقِ إلَى اللّهِ عز و جل لَمَنَ آمَنَ ثُمَّ كَفَرَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ الرِّجالِ إلَى اللّهِ الأَلَدُّ الخَصِمُ . (6)

.

1- .أعلام الدين : 278 ، بحار الأنوار : 103 / 26 / 34 .
2- .الكافى : 5 / 84 / 3 عن أبى بصير ، مكارم الأخلاق : 2 / 42 / 2092 .
3- .الكافى : 5 / 84 / 2 عن بشير الدهّان ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 3 / 169 / 3635 نحوه ، عوالى اللآلى : 3 / 201 / 26 وليس فيه «النوّام» .
4- .سنن الترمذى: 3/617/1329، مسند ابن حنبل : 4 / 46 / 11174 و ص 111 / 11525 ، البدايه والنهايه : 2/14 كلّها عن أبيسعيد الخدريّوفيها «أشدّهم عذابا» بدل«أبعدهم منه مجلسا»، كنز العمّال: 6/9/ 14604 ؛ روضه الواعظين : 512 وفيه «أشدّهم عذابا» بدل «أبعدهم منه مجلسا» ، بحار الأنوار : 75 / 351 / 59 .
5- .المعجم الكبير : 20/114/226 ، حليه الأولياء : 5/156 كلاهما عن معاذ ، كنز العمّال : 1/90/388 ، راجع العفو/ مواضع عفو اللّه سبحانه .
6- .صحيح البخارى : 2 / 867 / 2325 ، صحيح مسلم : 4 / 2054 / 2668 ، سنن الترمذى : 5 / 214 / 2976 ، سنن النسائى : 8 / 248 ، مسند ابن حنبل : 9 / 329 / 24397 ، صحيح ابن حبّان : 12 / 509 / 5697 ، السنن

الكبرى: 10/185/20297، شُعب الإيمان : 6/340/8429 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : 3/565/7926 .

4 / 4 دشمن ترینِ مردم در نزد خدا

امام صادق علیه السلام : هرگاه خداوند ، بنده ای را دشمن داشته باشد ، مال را محبوب او می گرداند ، آرزوهایش را می گستراند ، اندیشه دنیا خواهی را در او می افکند و او را با هوای نفسش وامی گذارد . در نتیجه ، او بر توسن سرکشی سوار می شود ، فساد را می گسترد و به بندگان ، ستم می کند .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جلپُرخوابی و بیکاری بسیار را دشمن می دارد .

امام کاظم علیه السلام : خداوند عز و جل بنده پُر خوابِ بیکار را دشمن می دارد .

4 / 4دشمن ترینِ مردم در نزد خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم در نزد خدا و دورترینشان در منزلت نزد او ، پیشوای ستمکار است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از جمله دشمن ترینِ آفریدگان در نزد خدا ، کسی است که ایمان آورده و سپس کفر ورزیده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ کسان در نزد خدا ، دشمنِ کینه توزِ ستیزه گر است .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ النّاسِ إلَى اللّهِ عز و جل رَجُلٌ جَرَّدَ ظَهرَ مُسلِمٍ بِغَيرِ حَقٍّ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : أبغَضُ الخَلقِ إلَى اللّهِ عز و جل مَن جَرَّدَ ظَهرَ مُسلِمٍ بِغَيرِ حَقٍّ ، ومَن ضَرَبَ فى غَيرِ حَقٍّ مَن لَم يَضرِبهُ ، أو قَتَلَ مَن لَم يَقتُلهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : أبغَضُ النّاسِ إلَى اللّهِ ثَلاثَهٌ : مُلحِدٌ فِى الحَرَمِ ، ومُبتَغٍ فِى الإِسلامِ سُنَّهَ الجاهِلِيَّهِ ، ومُطَّلِبٌ دَمَ امرِىءٍبِغَيرِ حَقٍّ لِيُهريقَ دَمَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله عَن جَبرَئيلَ عليه السلام عَنِ اللّهِ تَعالى : إنَّ أبغَضَ الخَلقِ إلَىَّ مَن تَمَثَّلَ بى وَادَّعى رُبوبِيَّتى ، وأبغَضَهُم إلَىَّ بَعدَهُ مَن تَمَثَّلَ بِمُحَمَّدٍ ونازَعَهُ نُبُوَّتَهُ وَادَّعاها ، وأبغَضَهُم إلَىَّ بَعدَهُ مَن تَمَثَّلَ بِوَصِىِّ مُحَمَّدٍ . . . ، وأبغَضَهُم إلَىَّ بَعدَ هؤُلاءِ المُدَّعينَ لِما هُم بِهِ لِسَخَطى مُتَعَرِّضونَ مَن كانَ بِفِعلِهِم مِنَ الرّاضينَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : لا تَجِدُ أبغَضَ إلَى اللّهِ مِن قارِىءٍمُتَكَبِّرٍ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ مِن أبغَضِ القُرّاءِ إلَى اللّهِ الَّذينَ يَزورونَ الأُمَراءَ . (6)

.

1- .الكافى : 7 / 260 / 2 ، تهذيب الأحكام : 10 / 148 / 588 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفريّات : 133 بإسناده عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمّىّ : 201 عن الإمام علىّ عليه السلام؛ المعجم الكبير : 8 / 116 / 7536 ، مسند الشاميّين : 2 / 10 / 825 كلاهما عن أبى اُمامه وفيهما «لقى اللّه وهو عليه غضبان» بدل «إنّ أبغض الناس إلى اللّه» .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 444 / 1551 .
3- .صحيح البخارى : 6 / 2523 / 6488 ، السنن الكبرى : 8 / 51 / 15902 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 16/ 37 / 43833 ؛ عوالى

اللآلی : 1 / 176 / 216 وفیه «متّبع» بدل «مبتغ» .
4- .التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکریّ علیه السلام : 43 / 19 ، تأویل الآیات الظاهره : 1 / 28 / 10 ، بحار الأنوار : 27 / 96 / 59 .
5- .الفردوس : 2 / 49 / 2282 عن أنس ، کنز العمّال : 10 / 271 / 29417 و ص 210 / 29113 وفیه «فخور» بدل «متکبّر» .
6- .سنن ابن ماجه : 1 / 94 / 256 عن أبی هریره ، کنز العمّال : 3 / 472 / 7480 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم نزد خداوند عز و جل کسی است که به ناحق ، پشتِ مسلمانی را برهنه کند [و بر آن تازیانه زند] .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم نزد خداوند عز و جل کسی است که به ناحق ، پشت مسلمانی را برهنه کند [و بر آن تازیانه زند] و کسی است که به ناحق ، آن را که او را نزده است ، بزند یا آن را [که مرتکب قتلی نشده است] (1) بکشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم نزد خداوند ، سه تن هستند : ملحد در حرم خدا ؛ کسی که در اسلام ، در پیِ سنّتی جاهلی است ؛ و کسی که در پیِ دیگری است تا به ناحق ، خونش را بریزد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل، از خداوند متعال : دشمن ترین آفریدگان، در نزد من ، کسی است که خود را همانند من پندارد و مدّعی پروردگاری[ای مانند]من شود . پس از او دشمن ترینشان در نزدم ، کسی است که خود را همانند محمّد صلی الله علیه و آلهپندارد و به نزاع با پیامبری او بپردازد و خود، مدّعی آن گردد. پس از او دشمن ترینشان در نزدم ، کسی است که خود را همانند جانشین محمّد پندارد ... و دشمن ترینشان پس از این مدّعیان که خود را آماج خشم من ساخته اند کسی است که به کردار این مدّعیان ، خشنود باشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن تر از قاری [قرآنِ] متکبّر ، نزد خدا نخواهی یافت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از دشمن ترینْ قاریان [قرآن در نزد خداوند] ، کسانی هستند که به دیدار حاکمان می روند .

.

1- .متن روایت ، چنین است : «بکشد کسی را که او را نکشته» و مقصود از آن این است که کشتن دیگری تنها به عنوان قصاص یا در جنگ ، مانعی ندارد .

عنه صلى الله عليه و آله : أبغَضُ العِبادِ إلَى اللّهِ عز و جل مَن ضَنَّ عَلى عِيالِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ عِبادِ اللّهِ إلَى اللّهِ العِفريتُ النِّفريتُ الَّذى لَم يُرزَأ فى مالٍ ولا وَلَدٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ الخَلقِ إلَى اللّهِ ثَلاثَةٌ : الرَّجُلُ يُكثِرُ النَّومَ بِالنَّهارِ ولَم يُصَلِّ مِنَ اللَّيلِ شَيئا ، وَالرَّجُلُ يُكثِرُ الأَكلَ ولا يُسَمِّى اللّهَ عَلى طَعامِهِ ولا يَحمَدُهُ ، وَالرَّجُلُ يُكثِرُ الضِّحكَ مِن غَيرِ عَجَبٍ ؛ فَإِنَّ كَثرَةَ الضِّحكِ تُميتُ القَلبَ وتورِثُ الفَقرَ . (3)

جامع الأحاديث : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُكُم بِأَبغَضِ الخَلقِ إلَى اللّهِ تَعالى؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : الزَّنّاؤونَ بِحَلائِلِ جيرانِهِم . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ النّاسِ إلَى اللّهِ مَنِ اتَّقاهُ النّاسُ لِلِسانِهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : أبغَضُكُم إلَى اللّهِ المَشّاؤونَ بِالنَّميمَةِ ، المُفَرِّقونَ بَينَ الإِخوانِ ، المُلتَمِسونَ لِلبُرَآءِ العَثَراتِ . (6)

.

1- .الفردوس : 1 / 367 / 1482 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 6 / 384 / 16170 وفيه «ضيّق» بدل «ضنّ» .
2- .. شُعب الإيمان : 7 / 177 / 9910 عن أبى عثمان النهدى ، الفردوس : 1 / 153 / 557 عن عائشه نحوه ، كنزالعمّال: 3/285/ 6578.
3- .كنز العمّال : 7 / 791 / 21431 نقلاً عن الديلمى عن ابن عمر .
4- .جامع الأحاديث للقمّى : 201 ؛ وراجع الفردوس : 2 / 301 / 3371 .
5- .عوالى اللآلى : 1 / 72 / 135 ، الكافى : 2 / 323 / 4 عن عيص بن القاسم عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «إنّ أبغض خلق اللّه عبد اتّقى الناس لسانه» .

6- .تفسير مجمع البيان : 10/500 ، عوالى اللآلى : 1/100/21 كلاهما عن أبى هريره ، بحار الأنوار : 71 / 383 ؛ تاريخ بغداد : 1/382/350 عن أنس وفيه «لهم» بدل «للبراء» ، المعجم الأوسط : 7/350/7697 وفيه «الأحبّه» بدل «الإخوان» و«العنت» بدل «العثرات»، الغيبه والنميمه لابن أبى الدنيا: 108/118، الصمت لابن أبى الدنيا: 142 / 253 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال: 3 / 15 / 5215 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ بندگان در نزد خداوند عز و جلکسی است که نسبت به خانواده اش بخل ورزد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ بندگان در نزد خداوند ، خبیث گزافه کاری است که از مال و فرزندش خیری به کسی نمی رسد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ آفریدگان در نزد خداوند ، سه تن هستند : کسی که در روز ، بسیار می خوابد و در هیچ پاره ای از شب به نماز نمی ایستد ؛ کسی که بسیار می خورد ، امّا به هنگام خوردن ، نام خدا را نمی برد و او را نمی ستاید؛ و کسی که بدون [موجبات]شگفتی ، بسیار می خندد ؛ زیرا خندیدنِ بسیار ، دل را می میراند و فقر به بار می آورد .

جامع الأحادیث : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هان ! شما را از دشمن ترینِ آفریدگان در نزد خداوند متعال ، باخبر سازم ؟». گفتند : آری ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «کسانی که با زنان همسایگانِ خویش ، زنا می کنند» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم در نزد خداوند ، کسی است که به خاطرِ زبانش از او بترسند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترین شما در نزد خداوند ، سخن چینان هستند که میان برادران ، جدایی می افکنند و برای بی گناهان، لغزش می تراشند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنّ أبغَضَ النّاسِ إلَى اللّه ِ تَعالى مَن يَقتَدى بِسَيِّئَهِ المُؤمِنِ ولا يَقتَدى بِحَسَنَتِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : أبغَضُ النّاسِ إلَى اللّه ِ عز و جل مَن كانَ ثَوبُهُ خَيرا مِن عَمَلِهِ ، وأن يَكونَ ثِيابُهُ ثِيابَ الأَنبِياءِ وعَمَلُهُ عَمَلَ الجَبابِرَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَمانِيَهٌ أبغَضُ خَليقَهِ اللّه ِ إلَيهِ يَومَ القِيامَهِ : السَّفّارونَ ؛ وهُمُ الكَذّابونَ ، وَالخَيّالونَ ؛ وهُمُ المُستَكبِرونَ ، وَالَّذينَ يَكنِزونَ البَغضاءَ لِإِخوانِهِم فى صُدورِهِم فَإِذا لَقوهُم حَلَفوا لَهُم ، وَالَّذينَ إذا دُعوا إلَى اللّه ِ ورَسولِهِ كانوا بِطاءً وإذا دُعوا إلَى الشَّيطانِ وأمرِهِ كانوا سِراعا ، وَالَّذينَ لا شَرِفَ لَهُم طَمَعٌ مِنَ الدُّنيا إلاّ استَحَلّوهُ بِأيمانِهِم وإن لَم يَكُن لَهُم بِذلِكَ حَقٌّ، وَالمَشّاؤونَ بِالنَّميمَهِ ، وَالمُفَرِّقونَ بَينَ الأَحِبَّهِ، وَالباغونَ البُرَآءَ الرُّخصَهَ. اُولئِكَ يَقذَرُهُمُ الرَّحمنُ عز و جل. (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ الخَلقِ إلَى اللّه ِ عز و جل العالِمُ يَزورُ العُمّالَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : أبغَضُ العِبادِ إلَى اللّه ِ سُبحانَهُ العالِمُ المُتَجَبِّرُ . (5)

عنه عليه السلام : إنَّ أبغَضَ خَلقِ اللّه ِ إلَى اللّه ِ رَجُلٌ قَمَشَ عِلما مِن أغمارِ غَشوَهٍ وأوباشِ فِتنَهٍ ، فَهُوَ فى عَمىً عَنِ الهُدَى الَّذى أتى مِن عِندِ رَبِّهِ ، وضالٌّ عَن سُنَّهِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله ، يَظُنُّ أنَّ الحَقَّ فى صحفِهِ . (6)

.

1- .الجعفريّات : 197 ، النوادر للراوندى: 8 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: 72/208/10 .
2- .الفردوس : 1 / 367 / 1481 عن عائشه ، كنز العمّال : 3 / 472 / 7483 .
3- .تاريخ دمشق: 7/86/1622 عن الوضين بن عطاء و ح 1621 نحوه، كنز العمّال : 16/92/44044، وص 70/43975 وراجع حليه الأولياء: 6/76، التوبيخ والتنبيه: 94/61، مساوئالأخلاق للخرائطى: 122/297.

4- .الفردوس : 1 / 215 / 822 ، كنز العمّال : 10 / 188 / 28985 نقلاً عن ابن لال وكلاهما عن أبى هريره .
5- .غرر الحكم : 3164 .
6- .الأمالى للطوسى : 235 / 416 عن خالد بن طليق ، بحار الأنوار : 2 / 300 / 29 ؛ وراجع كنز العمّال : 16 / 198 / 44220 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم در نزد خداوند متعال ، کسی است که کار بد مؤمن را سرمشق قرار می دهد؛ امّا کار نیکش را سرمشق قرار نمی دهد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ مردم نزد خداوند عز و جلکسی است که لباسش از کردارش بهتر باشد ؛ لباسش لباسِ پیامبران باشد و کردارش کردارِ جبّاران !

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هشت تن هستند که در روز قیامت ، دشمن ترین کسان در نزد خداوند خواهند بود : دروغگویان ؛ مستکبران؛ کسانی که کینه برادرشان را در سینه نگه می دارند و چون آنان را ببینند برایشان سوگند می خورند [که دوستشان دارند] ؛ کسانی که چون به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند ، درنگ می کنند و کُندی می نمایند و چون به سوی شیطان و کارهایش خوانده شوند ، می شتابند ؛ کسانی که هرگاه آزمندی دنیا برایشان جلوه گر شود ، آن را با سوگندهایشان ، برای خود حلال می شمرند ، گرچه بدان حقی نداشته باشند ؛ سخن چینان ؛ تفرقه اندازان در میان برادران؛ و کسانی که برای بی گناهان ، لغزش می جویند و می تراشند . خدای رحمان عز و جلاینان را پلید می شمارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دشمن ترینِ خلق در نزد خداوند عز و جلعالِمی است که به دیدار کارگزاران [حکومت ستمکار]می رود .

امام علی علیه السلام : دشمن ترینِ بندگان در نزد خداوند سبحان ، عالِم متکبّر است .

امام علی علیه السلام : دشمن ترین خلقِ خدا در نزد خدا ، کسی است که دانش را به صورت پراکنده از جاهلانی شَب کور و اوباشی فتنه جو ، گرد آورده است . در نتیجه ، نسبت به هدایتی که از سوی پروردگارش برایش آمده ، کور است و از سنّت پیامبرش گم راه است و می پندارد که حق ، همان است که در نوشته های او موجود است .

.

عنه عليه السلام : إنَّ مِن أبغَضِ الخَلقِ إلَى اللّهِ عز و جل لَرَجُلَينِ : رَجُلٌ وَكَلَهُ اللّهُ إلى نَفسِهِ ؛ فَهُوَ جائِرٌ عَن قَصدِ السَّبيلِ ، مَشغوفٌ بِكَلامِ بِدعَةٍ ، قَد لَهِجَ بِالصَّومِ وَالصَّلاةِ ، فَهُوَ فِتنَةٌ لِمَنِ افتَتَنَ بِهِ ، ضالٌّ عَن هَدىِ مَن كانَ قَبلَهُ ، مُضِلٌّ لِمَنِ اقتَدى بِهِ فى حَياتِهِ وبَعدَ مَوتِهِ ، حَمّالٌ خَطايا غَيرِهِ ، رَهنٌ بِخَطيئَتِهِ . ورَجُلٌ قَمَشَ جَهلاً فى جُهّالِ النّاسِ ، عانٍ بِأغباشِ الفِتنَةِ ، قَد سَمّاهُ أشباهُ النّاسِ عالِما ولَم يَغنَ فيهِ يَوما سالِما . (1)

عنه عليه السلام : إنَّ مِن أبغَضِ الرِّجالِ إلَى اللّهِ تَعالى لَعَبدا وَكَلَهُ اللّهُ إلى نَفسِهِ ، جائِرا عَن قَصدِ السَّبيلِ ، سائِرا بِغَيرِ دَليلٍ ، إن دُعِىَ إلى حَرثِ الدُّنيا عَمِلَ ، وإن دُعِىَ إلى حَرثِ الآخِرَةِ كَسِلَ ، كَأنَّ ما عَمِلَ لَهُ واجِبٌ عَلَيهِ ، وكَأنَّ ما وَنى فيهِ ساقِطٌ عَنهُ . (2)

عنه عليه السلام : أبغَضُ الخَلائِقِ إلَى اللّهِ المُغتابُ . (3)

عنه عليه السلام : أمقَتُ العِبادِ إلَى اللّهِ سُبحانَهُ مَن كانَ هِمَّتُهُ بَطنَهُ وفَرجَهُ . (4)

عنه عليه السلام : أبعَدُ الخَلائِقِ مِنَ اللّهِ تَعالى البَخيلُ الغَنِىُّ . (5)

عنه عليه السلام : أمقَتُ العِبادِ إلَى اللّهِ الفَقيرُ المَزهُوّ ، وَالشَّيخُ الزّانِ ، وَالعالِمُ الفاجِرُ . (6)

.

1- .الكافى: 1/55/6 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام و ابن محبوب رفعه ، نهج البلاغه : الخطبه 17 ، الإرشاد : 1/231 ، الاحتجاج : 1/621/143 ، دعائم الإسلام : 1 / 97 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 2/284/2 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 103 ، إرشاد القلوب : 35 نحوه ، بحار الأنوار : 2 / 58 / 37 .
3- .غرر الحكم : 3128 .
4- .غرر الحكم: 3294 ، تحف العقول: 120 وفيه «أبعد ما يكون العبد من اللّه إذا كانت همّته بطنه وفرجه» .

5- .غرر الحكم : 3162 .
6- .غرر الحكم : 3160 وراجع 3119 .

امام علی علیه السلام : دو تن هستند که از دشمن ترینِ خلق در نزد خدایند : آن که خداوند ، او را به خود وا گذاشته است و در نتیجه ، از راه راست منحرف شده ، شیفته سخنی بدعت آمیز گشته و دلبسته روزه و نماز شده است . پس او مایه فریفتگی فریب خوردگان است و از راه هدایتِ پیشینیان خود ، گم راه گشته و گم راه کننده کسی است که در زمان حیاتش و پس از مرگش از او پیروی کند و بارکشِ گناهان دیگران و در گروِ گناه خود است. و دیگری آن که جهلی از مردمان جاهل ، گرد آورده و راهی تاریکی های فتنه است . مردم نمایان ، او را عالم نامیده اند ، حال آن که حتّی یک روز نیز در فضای علم ، به سلامتْ نزیسته است .

امام علی علیه السلام : از دشمن ترینِ مردم در نزد خداوند متعال ، بنده ای است که خداوند ، او را به خود وانهاده و او از راه راست ، منحرف شده است و بی راهنما پیش می رود . اگر برای کِشتِ دنیا خوانده شود ، دست به کار می شود و اگر برای کِشتِ آخرت خوانده شود ، تنبلی می کند؛ گویی آنچه انجام داده ، بر او واجب است و آنچه در آن سستی کرده ، از او برداشته شده است .

امام علی علیه السلام : دشمن ترینِ آفریدگان در نزد خداوند ، غیبت کننده است .

امام علی علیه السلام : منفورترینِ بندگان در نزد خداوند سبحان ، کسی است که جز در اندیشه شکم و شرمگاهش نیست .

امام علی علیه السلام : دورترین آفریدگانِ از خداوند متعال ، دولتمند بخیل است .

امام علی علیه السلام : منفورترینِ بندگان در نزد خداوند ، فقیرِ متکبّر ، پیرِ زناکار و عالمِ بدکار است .

.

عنه علیه السلام : أبغَضُ الخَلائِقِ إلَی اللّهِ تَعالی الجاهِلُ ؛ لِأَنَّهُ حَرَمَهُ ما مَنَّ بِهِ عَلی خَلقِهِ ؛ وهُوَ العَقلُ . (1)

الإمام زین العابدین علیه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أوحی إلی دانِیالَ : إنَّ أمقَتَ عَبیدی إلَیَّ الجاهِلُ المُستَخِفُّ بِحَقِّ أهلِ العِلمِ ، التّارِکُ لِلِاقتِداءِ بِهِم . (2)

عنه علیه السلام : ألا وإنَّ أبغَضَ النّاسِ إلَی اللّهِ مَن یَقتَدی بِسُنَّهِ إمامٍ ولا یَقتَدی بِأعمالِهِ . (3)

الإمام الباقر علیه السلام : قالَ موسی علیه السلام : أیُّ عِبادِکَ أبغَضُ إلَیکَ؟ قالَ : جیفَهٌ بِاللَّیلِ بَطّالٌ بِالنَّهارِ . (4)

عنه علیه السلام : ما أحَدٌ أبغَضَ إلَی اللّهِ عز و جل مِمَّن یَستَکبِرُ عَن عِبادَتِهِ ، ولا یَسأَلُ ما عِندَهُ . (5)

الإمام الصادق علیه السلام : ما خَلَقَ اللّهُ عز و جل شَیئا أبغَضَ إلَیهِ مِنَ الأَحمَقِ ؛ لأَنَّهُ سَلَبَهُ أحَبَّ الأَشیاءِ إلَیهِ ؛ وهُوَ العَقلُ . (6)

عنه علیه السلام : لَمّا صَعِدَ موسی علیه السلام إلَی الطّورِ فَنادی رَبَّهُ . . . قالَ : یا رَبِّ ، أیُّ خَلقِکَ أبغَضُ إلَیکَ؟ قالَ : الَّذی یَتَّهِمُنی ، قالَ : ومِن خَلقِکَ مَن یَتَّهِمُکَ ؟ ! قالَ : نَعَم ، الَّذی یَستَخیرُنی فَأُخیرُ لَهُ ، وَالَّذی أقضِی القَضاءَ لَهُ وهُوَ خَیرٌ لَهُ فَیَتَّهِمُنی . (7)

.

1- .غرر الحکم : 3359 .
2- .الکافی : 1 / 35 / 5 عن أبی حمزه الثمالی ، جامع الأحادیث للقمّیّ : 198 ، منیه المرید : 111 ، بحار الأنوار : 14 / 379 / 23 .
3- .الکافی : 8 / 234 / 312 ، الخصال : 18 / 62 ، تنبیه الخواطر : 2 / 152 کلّها عن أبی حمزه الثمالی ، تحف العقول : 280 ، بحار الأنوار : 1 / 207 / 4 .
4- .قصص الأنبیاء : 163 / 185 ، جامع الأحادیث للقمّی : 201 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه «أبغض الخلق إلی اللّه جیفه باللیل ، بطّال بالنهار» ،

بحار الأنوار : 13 / 354 / 52 .
5- .الكافى : 2 / 466 / 2 ، مكارم الأخلاق : 2 / 7 / 1976 ، عوالى اللآلى : 4 / 19 / 49 كلّها عن سدير الصيرفى ، بحار الأنوار : 93 / 294 / 23 .
6- .علل الشرايع : 101 / 1 عن محمّد بن أبى عمير عمّن ذكره ، بحار الأنوار : 1 / 89 / 16 .
7- .قصص الأنبياء : 165 / 190 عن مقاتل بن سليمان ، بحار الأنوار : 13 / 356 / 57 .

امام علی علیه السلام : دشمن ترینِ آفریدگان در نزد خداوند متعال ، شخص نابخرد است ؛ زیرا او را از آنچه بدان بر خلقش منّت نهاده ، یعنی عقل ، محروم ساخته است .

امام سجاد علیه السلام : خداوند متعال به دانیال علیه السلام وحی کرد : «دشمن ترین بندگانم در نزد من ، نادانی است که حقّ عالمان را سَبُک می شمارد و از پیروی آنان ، تن می زند» .

امام سجاد علیه السلام : هان ! دشمن ترین مردم در نزد خدا ، کسی است که سنّت امامی را سرمشق خود قرار می دهد ، امّا کردارش را سرمشق خود قرار نمی دهد .

امام باقر علیه السلام : موسی علیه السلام گفت : دشمن ترین بندگانت نزدت کیست ؟ فرمود : «آن که در شب ، مرداری بد بوست و در روز ، بیکاره» .

امام باقر علیه السلام : هیچ کس در نزد خداوند عز و جلدشمن تر از کسی نیست که نسبت به عبادت خدا تکبّر می ورزد و از درخواست آنچه نزد خداست ، تن می زند (دعا نمی کند) .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل کسی را که در نزدش دشمن تر از احمق باشد ، نیافرید؛ زیرا وی را از عقل، محروم ساخت که محبوب ترین چیز در نزد اوست .

امام صادق علیه السلام : چون موسی علیه السلامبر بالای طور رفت ، پروردگارش را خواند و گفت : پروردگارا ! دشمن ترین آفریدگان در نزدت کیست ؟ فرمود : «کسی که مرا متّهم می دارد» . پرسید : آیا از آفریدگانت ، کسی هست که تو را متّهم بدارد ؟ فرمود : «آری . کسی که از من خیر می طلبد کند و من برایش خیری برمی گزینم و برایش سرنوشتی رقم می زنم که خیرش در آن است و باز مرا متّهم می دارد» .

.

المحاسن عن عثمان بن عيسى عَمَّن ذَكَرَهُ عَن بَعضِ أصحابِنا : قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّه ِ عليه السلام : مَن أبغَضُ الخَلقِ إلَى اللّه ِ؟ قالَ : مَن يَتَّهِمُ اللّه َ . قُلتُ : وأحَدٌ يَتَّهِمُ اللّه َ ؟! قالَ : نَعَم ، مَنِ استَخارَ اللّه َ فَجاءَتهُ الخِيَرَهُ بِما يَكرَهُ فَسَخِطَ ، فَذلِکَ يَتَّهِمُ اللّه َ . (1)

حليه الأولياء عن وهب بن منبّه : قالَ داودُ عليه السلام : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِکَ أبغَضُ إلَيکَ؟ قالَ : عَبدٌ اِستَخارَنى فى أمرٍ فَخِرتُ لَهُ ، فَلَم يَرضَ بِهِ . (2)

4 / 5ما يُبغِضُهُ اللّه ُالكتاب(لاَّ يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاَّ مَن ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا) . (3)

.

1- .المحاسن : 2 / 432 / 2499 ، تحف العقول : 364 ، جامع الأحاديث للقمّى : 204 عن القاسم بن الوليد ، مكارم الأخلاق : 2 / 100 / 2288، بحار الأنوار : 91 / 223 / 2 .
2- .حليه الأولياء : 4/55 ، تفسير الدرّ المنثور : 7/172، البدايه والنهايه : 9/292 كلّها نقلاً عن ابن حنبل .
3- .النساء : 148 .

ص: 571

4 / 5 آنچه خدا دشمن می دارد

المحاسن به نقل از عثمان بن عیسی ، به نقل از یکی از راویان شیعه : از امام صادق علیه السلامپرسیدم : دشمن ترینِ خلق در نزد خداوند کیست ؟ فرمود : «کسی که خدا را متّهم می دارد» . پرسیدم : مگر کسی خدا را متّهم می دارد ؟ فرمود : «آری . آن که از خداوند ، خیرخواهی می کند و چون خیر با سختی و به صورت ناخوشایندِ او برایش پدیدار شد ، خشمگین می شود . این همان کسی است که خدا را متّهم می دارد» .

حلیه الأولیاء به نقل از وَهْب بن مُنَبّه : داوود علیه السلامگفت : پروردگارا ! دشمن ترینِ بندگانت در نزدت کیست ؟ فرمود : «بنده ای که در کاری از من خیرخواهی کنَد و من برایش خیری برگزینم؛ امّا او بدان خشنود نگردد» .

4 / 5آنچه خدا دشمن می داردقرآن(خداوند ، دوست ندارد کسی با سخنان خود ، بدی ها[ی دیگران]را آشکار کند ، مگر آن کس که به او ستم شده باشد ، و البته خداوند ، شنوا و داناست) .

.

(وَاللَّهُ لاَ يُحِبُّ الْفَسَادَ) . (1)

(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لاَ تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لاَ تَفْعَلُونَ) . (2)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ . . . يُبغِضُ البُؤسَ وَالتَّباؤُسَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُبغِضُ الوَسِخَ وَالشَّعثَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الإنفاقَ ويُبغِضُ الإقتارَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : إنّ اللّهَ عز و جل يُبغِضُ الآكِلَ فَوقَ شِبَعِهِ ، وَالغافِلَ عَن طاعَةِ رَبِّهِ ، وَالتّارِكَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ ، وَالمُخفِرَ ذِمَّتَهُ ، وَالمُبغِضَ عِترَةَ نَبِيِّهِ ، وَالمُؤذِىَ جيرانَهُ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ يُبغِضُهَا اللّهُ : كَثرَةُ الكَلامِ ، وكَثرَةُ المَنامِ ، وكَثرَةُ الطَّعامِ . (7)

الإمام العسكرى عليه السلام : إنَّ مَعرِفَةَ حُقوقِ الإخوانِ يُحَبِّبُ إلَى الرَّحمنِ ويُعظِمُ الزُّلفى لَدَى المَلِكِ الدَيَّانِ ، وإنَّ تَركَ قَضائِها يَمقُتُ إلَى الرَّحمنِ ويُصَغِّرُ الرُّتبَه عِندَ الكَريمِ المَنّانِ. (8)

.

1- .البقره : 205 .
2- .الصفّ : 2 و 3 .
3- .شُعب الإيمان: 5/163/6201 عن أبى سعيد وح6202 وفيه عن أبى هريره ، المعجم الكبير: 5/273/5308 وفيه عن زهير بن أبى علقمه ، الزهد لهنّاد : 2/421/826 عن يحيى بن جعده ، كنز العمّال : 6/639/17166؛ الكافى : 6 / 440 / 14 عن أبى هاشم عن بعض أصحابنا عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 56 وفيه «التبؤّس» بدل «التباؤس» ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : 354 وفيه «أروى أنّ اللّه . . .» ، بحار الأنوار : 77 / 159 / 158 .

4- .شُعب الإيمان : 5 / 168 / 6226 عن عائشه ، كنز العمّال : 6 / 641 / 17181 .
5- .نوادر الأُصول : 1/326 عن الزبير بن العوّام ، حياه الحيوان : 1/257 ، كنز العمّال : 15/892/ 43527 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن عمران بن حصين ؛ بحار الأنوار : 64 / 282 / 43 .
6- .كنز العمّال : 16 / 87 / 44029 نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره .
7- .تنبيه الخواطر : 2 / 121 .
8- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام : 321 / 164 ، بحار الأنوار : 74 / 23 / 25 .

(خداوند ، فساد را دوست ندارد) .

(ای کسانی که ایمان آورده اید ! چرا چیزی را می گویید که انجام نمی دهید ؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، فقر و فقیرنمایی را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، چرک و ژولیدگی را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هزینه کردن را دوست می دارد و ناخنْ خشکی را دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل کسی را که پس از سیری باز هم می خورد ، کسی را که از فرمانبری پروردگارش غفلت می کند ، آن که سنّت پیامبرش را رها می کند ، آن که به پیمانش وفادار نیست ، آن که با خاندان پیامبرش دشمنی می ورزد و آن که همسایگانش را می آزارد ، دشمن می دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه چیز را دشمن می دارد : پرگویی ، پرخوابی و پرخوری .

امام عسکری علیه السلام : شناخت حقوق برادران دینی ، انسان را محبوب خدای رحمان می کند و او را به آن سلطان قهّار ، نزدیک تر می سازد؛ و به جا نیاوردن آنها ، انسان را در درگاه الهی منفور می سازد و منزلت او را نزد خدای بزرگوار بخشنده ، پایین می آورد .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الضِّحكُ ضِحكانِ : أمَّا الضِّحكُ الَّذى يَمقُتُ اللّهُ تَعالى عَليهِ ، فالرَّجُلُ يَتَكَلَّمُ بِالكَلِمَهِ الجَفاءِ و الباطِلِ لِيَضحَكَ أو يُضحِكَ ، يَهوى بِها فى جَهَنَّمَ سَبعينَ خَريفاً. (1)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يُحِبُّ اللّهُ إضاعَهَ المالِ ، ولا كَثرَهَ السُّؤالِ ، ولا قيلَ وقالَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ كَرِهَ لَكُم ثَلاثا : اللَّغوَ عِندَ القُرآنِ ، ورَفعَ الصَّوتِ فِى الدُّعاءِ ، وَالتَّخَصُّرَ فِى الصَّلَاهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : أبغَضُ الكَلامِ إلَى اللّهِ عز و جل أن يَقولَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ : «اِتَّقِ اللّهَ» فَيَقولَ : «عَلَيكَ بِنَفسِكَ» . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : كَبُرَ مَقتا عِندَ اللّهِ الأَكلُ مِن غَيرِ جوعٍ ، وَالنَّومُ مِن غَيرِ سَهَرٍ، وَالضِّحكُ مِن غَيرِ عَجَبٍ ، وصَوتُ الرَّنَّهِ عِندَ المُصيبَهِ ، وَالمِزمارُ عِندَ النِّعمَهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنَ الغَيرَهِ ما يُحِبُّ اللّهُ ، ومِنها ما يُبغِضُ اللّهُ ؛ فَأَمَّا الَّتى يُحِبُّهَا اللّهُ فَالغَيرَهُ فِى الرّيبَهِ . وأمَّا (الغَيرَهُ) الَّتى يُبغِضُهَا اللّهُ فَالغَيرَهُ فى غَيرِ ريبَهٍ . وإنَّ مِنَ الخُيَلاءِ ما يُبغِضُ اللّهُ ، ومِنها ما يُحِبُّ اللّهُ ، فَأَمَّا الخُيَلاءُ الَّتى يُحِبُّ اللّهُ فَاختِيالُ الرَّجُلِ نَفسَهُ عِندَ القِتالِ ، وَاختِيالُهُ عِندَ الصَّدَقَهِ . وأمَّا الَّتى يُبغِضُ اللّهُ فَاختِيالُهُ فِى البَغيِ . (6)

.

1- .الجامع الصغير : 2 / 127 / 5232 .
2- .مسند أبييعلى: 6 / 104 / 6560 ، صحيح مسلم: 3 / 1340 / 1715 ، مسند ابن حنبل: 3 / 296 / 8807 وص217 / 8342 كلّها عن أبى هريره ، المعجم الكبير : 20 / 398 / 943 عن وراد مولى المغيره بن شعبه ، المعجم الأوسط : 6 / 19 / 5667 عن معقل بن يسار ، كنز العمّال : 16 / 46 / 43871 ؛ الكافى : 5 / 301 / 5 عن الوشّاء عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : 443 عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 335 / 16 .

3- .الزهد لابن المبارک : 544 / 1560 ، کنز العمّال : 16 / 38 / 43834 وفیه «التحضیر» بدل «التخصّر» نقلاً عن عبد الرزّاق وکلاهما عن یحیی بن أبی کثیر و ص 46 / 43870 نقلاً عن الدیلمی عن جابر .
4- .شُعب الإیمان: 1/436/630، الفردوس: 1/215/819 کلاهما عن ابن مسعود، کنز العمّال: 3/660/8387 .
5- .الفردوس : 3 / 306 / 4920 عن عبداللّه بن عمرو ، کنز العمّال : 16 / 80 / 44011 .
6- .سنن أبی داود : 3 / 50 / 2659 ، سنن النسائی : 5 / 78 ، مسند ابن حنبل : 9 / 193 / 23811 ، صحیح ابن حبّان : 1/530/295، السنن الکبری: 7/503/14801، المعجم الکبیر: 2/190/1773 ، شُعب الإیمان: 7/413/10803 کلّها عن جابر بن عتیک نحوه، سنن ابن ماجه: 1/643/1996 عن أبیهریره ، سنن الدارمی : 2/588/2146 عن جابر بن عتیک وفیهما إلی «فی غیر ریبه» ، کنز العمّال : 3 / 385 / 7066 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خنده ، دو گونه است: ... اما خنده ای که خداوند متعال آن را دشمن می دارد ، آن است که فرد ، سخن ناروا و باطلی می گوید تا بخندد یا بخنداند و به موجب آن تا مسافت هفتاد سال راه در دوزخ سقوط می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، تباه کردن مال ، پرسش بسیار و قیل و قال را دوست ندارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه چیز را از [کارهای] شما ناخوش می دارد : [پرداختن به کار] لغو به هنگام قرائت قرآن ، به صدای بلند دعا کردن و دست به پهلو زدن (1) در نماز .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ناخوش ترین سخنان در نزد خداوند عز و جل آن است که کسی به دیگری بگوید : «از خدا بترس!» و آن شخص پاسخ دهد : «تو خودت را بپای!» [و پندش را گوش نکند] .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خوردن از سرِ سیری ، خواب بی شب زنده داری ، خنده بی [موجب] شگفتی ، ناله بلند به هنگام مصیبت ، و بانگ نای در نعمت (شادمانی) ، نزد خدا سخت ناپسند است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدا نوعی از غیرت را دوست دارد و نوعی را دشمن می دارد . غیرتی که خدا دوست دارد ، غیرت در امور شُبهه ناک است ، و آن [غیرتی]که دشمنش می دارد ، غیرت بدون شبهه است . خداوند ، نوعی از تکبّر را دوست دارد و نوعی را دشمن می دارد . تکبّری که خداوند دوستش می دارد ، خودپسندی و تکبّر انسان به هنگام کارزار [در راه خدا] و تکبّر در برابر صدقه (مناعت طبع و نگرفتن آن) است ؛ و امّا آن [تکبّری] که خدا دشمنش می دارد ، تکبّر بنده در راه ستمگری و تجاوز است .

.

1- .واژه «تَخَصُّر» که در متن عربی حدیث آمده است ، به معنای گونه ای ایستادن از سر کسالت و خستگی است . پادشاهان و برخی بزرگانِ

اقوامی مانند قوم یهود ، به هنگام سخنرانی ، گاه این گونه می ایستاده و به چوبدستی «مِخصَرَه» تکیه می داده اند و یا دست خود را بر بالای ران خود می نهاده اند . ر . ک : النهایه : 2 / 36 ، الفائق فی غریب الحدیث : 1 / 374 ، جواهر الکلام : 4 / 279 .

عنه صلى الله عليه و آله: ما أحَلَّ اللّهُ شَيئا أبغَضَ إلَيهِ مِنَ الطَّلاقِ (1) .

الإمام الصادق عليه السلام: ما مِن شَىءٍ مِمّا أحَلَّهُ اللّهُ عز و جل أبغَضُ إلَيهِ مِنَ الطَّلاقِ . وإنَّ اللّهَ يُبغِضُ المِطلاقَ الذَّوّاقَ . (2)

الكافى عن صفوان بن مهران عن الإمام الصّادقِ عليه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله: . . . ما مِن شَىءٍ أبغَضُ إلَى اللّهِ عز و جل مِن بَيتٍ يَخرَبُ فِيالإِسلامِ بِالفُرقَةِ يَعنى بِالطّلاقِ . ثُمَّ قالَ أبو عبدِاللّهِ عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل إنَّما وَكَّدَ فِى الطَّلاقِ وكَرَّرَ فيهِ القَولَ مِن بُغضِهِ الفُرقَةَ (3) .

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ البيتَ الَّذى فيهِ العُرسُ ، ويُبغِضُ البيتَ الذى فيهِ الطَّلاقُ، وما مِن شَىءٍ أبغَضُ إلَى اللّهِ عز و جل مِنَ الطَّلاقِ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فيما أوصى رَجُلاً مِن بَنى تَميمٍ : إيّاكَ وإسبالَ الإزارِ وَالقَميصِ ؛ فَإِنَّ ذلِكَ مِنَ المَخيلَهِ ، وَاللّهُ لا يُحِبُّ المَخيلَهَ . (5)

.

1- .سنن أبى داود : 2 / 255 / 2177 عن محارب ، كنز العمّال : 9 / 661 / 27871 .
2- .الكافى : 6 / 54 / 2 عن ابن أبى عمير عن غير واحد .
3- .الكافى : 5 / 328 / 1 .
4- .الكافى : 6 / 54 / 3 عن أبى خديجه .
5- .الكافى : 6 /456 / 5، المحاسن : 1 / 215 / 392، مشكاه الأنوار : 75 وفيه «الخيلاء» بدل «المخيله» فى كلا الموضعين وكلّها عن أبى بصير ، روضه الواعظين : 419 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول : 42 ، بحار الأنوار : 77 / 145 / 45 ؛ مسند ابن حنبل : 7 / 359 / 20660 عن أبى تميمه الهجيمى ، سنن أبى داود : 4 / 56 / 4084 ، السنن الكبرى : 10 / 399 / 21093 ، مسند الطيالسى :

167 / 1208 كلّها عن جابر بن سليم وليس فيها «والقميص» ، كنز العمّال
: 15 / 881 / 43496 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : طلاق ، منفورترین حلال در نزد خداوند است .

امام صادق علیه السلام : هیچ حلالی نزد خداوند ، منفورتر از طلاق نیست . بی گمان ، خداوند ، کسی را که زود به زود طلاق می دهد و همسر عوض می کند ، دشمن می دارد .

الکافی به نقل از صفوان بن مِهران : امام صادق علیه السلام فرمود : «پیامبر خدا فرمود : نزد خداوند ، هیچ چیزی مبغوض تر از خانه ای که بر اثر جدایی ویران شود ، نیست» . سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عز و جل به سبب دشمنی ای که با جدایی داشت ، درباره طلاق ، چندان تأکید ورزید و سخن را در آن باب ، بارها باز گفت» .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جلخانه ای را که در آن عروسی است ، دوست می دارد و خانه ای را که در آن طلاق است ، دشمن می دارد . هیچ چیز در نزد خداوند عز و جلمنفورتر از طلاق نیست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمله سفارش هایش به مردی از قبیله بنی تمیم : از بلند گذاشتن پیراهن و ازارت (1) بپرهیز ، که نشانه تکبّر است و خداوند ، تکبّر را دوست ندارد .

.

1- .اِزار ، در عربی به «لُنگ» گفته می شود .

الإمام الصادق علیه السلام : ثَلاثَهٌ فیهِنَّ المَقتُ مِنَ اللّهِ عز و جل : نَومٌ مِن غَیرِ سَهَرٍ ، وضِحکٌ مِن غَیرِ عَجَبٍ ، وأکلٌ عَلَی الشِّبَعِ . (1)

عنه علیه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل یُبغِضُ کَثرَهَ الأَکلِ . (2)

عنه علیه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی یُبغِضُ شُهرَهَ اللِّباسِ . (3)

الإمام الرضا علیه السلام : إنَّ اللّهَ یَکرَهُ شُهرَهَ العِبادَهِ ، وشُهرَهُ النّاسِ . (4)

4 / 6أبغَضُ الأَعمالِ إلَی اللّهِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما شَیءٌ أبغَضُ إلَی اللّهِ عز و جل مِنَ البُخلِ ، وسوءِ الخُلُقِ، وإنَّهُ لَیُفسِدُ العَمَلَ کَما یُفسِدُ الخَلُّ العَسَلَ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله : لَیسَ شَیءٌ أبغَضَ إلَی اللّهِ مِن بَطنٍ مَلآنَ . (6)

.

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 1 / 503 / 1444 ، الخصال : 89 / 25 عن محمّد بن المعلّی عمّن أخبره ، بحارالأنوار : 66/332/9 .
2- .الکافی : 6 / 269 / 9 ، المحاسن : 2 / 231 / 1703 کلاهما عن صالح النیلی ، بحار الأنوار : 66/335/21 .
3- .الکافی : 6 /445/ 1 عن أبی أیّوب الخزّاز ، مکارم الأخلاق : 1 / 253 / 754 ، مشکاه الأنوار : 320 ، بحارالأنوار : 79/314/15.
4- .الأمالی للطوسی : 649 / 1348 عن الحسن بن علیّ بن فضّال.
5- .مکارم الأخلاق : 1 / 51 / 19 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : 16 / 231 / 35 .
6- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : 2 / 36 / 89 ، صحیفه الرضا علیه السلام : 109 / 66 کلاهما عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، الکافی : 6 / 270 / 11 ، المحاسن : 2 / 232 / 1709 کلاهما عن أبی الجارود عن الإمام الباقر علیه السلام ، جامع الأحادیث للقمّی : 201 عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : 66 /

333 / 14 ؛ الفردوس : 3 / 385 / 5175 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

امام صادق علیه السلام : سه چیز ، خشم خداوند عز و جل را در خود دارد : خواب بدون شب زنده داری ، خنده بدون [موجبات]شگفتی و خوردنِ در حال سیری .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جلپرخوری را دشمن می دارد .

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال ، لباسی را که مایه انگشت نما شدن شخص می شود ، دشمن می دارد .

امام رضا علیه السلام : خداوند ، انگشت نما شدن در عبادت و انگشت نما شدن در برابر مردم را ناخوش می دارد .

4 / 6منفورترینْ کارها در نزد خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ چیز در نزد خداوند عز و جلمنفورتر از بخل و بدخویی نیست که این یکی ، همان گونه که سرکه عسل را تباه می کند ، ایمان را تباه می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ چیز در نزد خداوند ، منفورتر از شکمِ پُر نیست .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن شَیءٍ أحَبُّ إلَی اللّهِ تَعالی مِن شابٍّ تائِبٍ ، وما مِن شَیءٍ أبغَضُ إلَی اللّهِ تَعالی مِن شَیخٍ مُقیمٍ عَلی مَعاصیهِ . وما فِی الحَسَناتِ حَسَنَهٌ أحَبُّ إلَی اللّهِ تَعالی مِن حَسَنَهٍ تُعمَلُ فی لَیلَهِ جُمُعَهٍ أو یَومِ جُمُعَهٍ ، وما مِنَ الذُّنوبِ ذَنبٌ أبغَضُ إلَی اللّهِ تَعالی مِن ذَنبٍ یُعمَلُ فی لَیلَهِ الجُمُعَهِ أو یَومِ الجُمُعَهِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام عَن آبائِهِ علیهم السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إنَّ أحَبَّ السُّبحَهِ إلَی اللّهِ عز و جلسُبحَهُ الحَدیثِ ، وأبغَضُ الکَلامِ إلَی اللّهِ عز و جل التَّحریفُ . قیلَ : یا رَسولَ اللّهِ وما سُبحَهُ الحَدیثِ ؟ قالَ : الرَّجُلُ یَسمَعُ حِرصَ الدُّنیا وباطِلَها فَیَغتَمُّ عِندَ ذلِکَ ، فَیَذکُرُ اللّهَ عز و جل . وأمَّا التَّحریفُ فَکَقَولِ الرَّجُلِ : إنّی لَمَجهودٌ ، وما لی ، وما عِندی . (2)

الکافی عن عبداللّه بن محمّد عن الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ رَجُلاً مِن خَثعَم جاءَ إلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، أخبِرنی ما أفضَلُ الإسلامِ؟ قالَ : الإیمانُ بِاللّهِ . قالَ : ثُمَّ ماذا ؟ قالَ : ثُمَّ صِلَهُ الرَّحِمِ . قالَ : ثُمَّ ماذا؟ قالَ : الأمرُ بِالمَعروفِ ، وَالنَّهیُ عَنِ المُنکَرِ . قالَ : فَقالَ الرَّجُلُ : فَأیُّ الأعمالِ أبغَضُ إلَی اللّهِ ؟ قالَ : الشِّرکُ بِاللّهِ . قالَ : ثُمَّ ماذا؟ قالَ : قَطیعَهُ الرَّحِمِ . قالَ : ثُمَّ ماذا؟ قالَ : الأمرُ بِالمُنکَرِ ، وَالنَّهیُ عَنِ المَعروفِ . (3)

.

1- .کنز العمّال : 4 / 217 / 10233 نقلاً عن أمالی السمعانی عن سلمان .
2- .معانی الأخبار : 258 / 1 عن السکونی ، الجعفریّات : 223 عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام نحوه ، بحارالأنوار : 72 / 325 / 2 .
3- .الکافی : 5 / 58 / 9 ، تهذیب الأحکام : 6 / 176 / 355 ، تنبیه الخواطر : 2 / 123 ، الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام : 376 ، المحاسن : 1/454/1048 و ص 459/1064 کلاهما عن طلحه بن زید ، مشکاه الأنوار : 49 و ص 167 ، روضه الواعظین : 399 ، بحار الأنوار : 74 / 96 / 30 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : نزد خداوند متعال ، هیچ چیزی محبوب تر از جوانی توبه کار و نیز هیچ چیزی منفورتر از پیری که همچنان گناه می کند ، نیست . در میان نیکی ها هیچ نیکی ای نزد خداوند متعال ، محبوب تر از نیکی ای که در شب جمعه و یا روز جمعه به جای آورده شود ، نیست و در میان گناهان نیز هیچ گناهی نزد خداوند متعال ، منفورتر از گناهی که در شب جمعه یا روز جمعه انجام شود ، نیست .

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش : پیامبر خدا فرمود : «محبوب ترین تسبیح در نزد خداوند عز و جل"سُبحه حدیث" و منفورترین سخن در نزد خداوند عز و جل"تجدیف" است» . پرسیدند : ای پیامبر خدا ! معنای سُبحه حدیث چیست ؟ فرمود : «آن است که انسان ، چون درباره آزمندی و باطلِ دنیا بشنود ، غمگین گردد و در آن هنگام ، به یاد خدا افتد . تجدیف هم مانند این است که شخص بگوید : من درمانده ام ، دستم نمی رسد و چیزی ندارم» .

الکافی به نقل از عبداللّه بن محمّد ، از امام صادق علیه السلام : مردی از قبیله خَثعَم به نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! مرا از برترین مرحله اسلام ، باخبر ساز . فرمود : «ایمان به خدا» . پرسید : پس از آن چیست ؟ فرمود : «آن گاه ، پیوند با خویشان و صله رحم» . پرسید : پس از آن چیست ؟ فرمود : «امر به معروف و نهی از منکر» . آن گاه آن مرد گفت : منفورترین کار در نزد خداوند چیست ؟ فرمود : «شرک ورزیدن به خداوند» . پرسید : پس از آن چیست ؟ فرمود : «بریدن از خویشان» . پرسید : پس از آن چیست ؟ فرمود : «امر به منکر و نهی از معروف» .

.

المعجم الكبير عن عصمه : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَحَبُّ العَمَلِ إلَى اللّه ِ عز و جل سُبحَهُ الحَديثِ ، وأبغَضُ الأَعمالِ إلَى اللّه ِ التَّجديفُ . (1) قُلنا : يا رَسولَ اللّه ِ ، وما سُبحَهُ الحَديثِ؟ قالَ : القَومُ يَتَحَدَّثونَ وَالرَّجُلُ يُسَبِّحُ . قُلنا : يا رَسولَ اللّه ِ ، ومَا التَّحديفُ ؟ قالَ : القَومُ يَكونونَ بِخَيرٍ ، فَيَسأَلُهُمُ الجارُ وَالصّاحِبُ فَيَقولونَ : نَحنُ بِشَرٍّ ؛ يَشكونَ . (2)

الإمام الحسن عليه السلام فى دُعائِهِ : إلهى ، أطَعتُکَ ولَکَ المِنَّهُ عَلَيَّ فى أحَبِّ الأَشياءِإلَيکَ؛ الإِيمانِ بِکَ وَالتَّصديقِ بِرَسولِکَ، ولَم أعصِکَ فيأبغَضِ الأَشياءِ إلَيکَ؛ الشِّرکِ بِکَ وَالتَّکذيبِ بِرَسولِکَ، فَاغفِر لى مابَينَهُما يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (3)

.

1- .فى المصدر «التحديف» والصحيح ما أثبتناه كما فى مجمع الزوائد : 10 / 85 / 16794 . والتجديف : كفر النعمه واستقلال العطاء (النهايه : 1 / 247) .
2- .المعجم الكبير : 17 / 185 / 496 ، كنز العمّال : 16 / 101 / 44060 وفيه «التحذيف» بدل «التحديف» .
3- .مُهج الدعوات : 182 ، بحار الأنوار : 94 / 190 / 3 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .

المعجم الکبیر به نقل از عِصمَه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «محبوب ترین کار در نزد خداوند ، سُبحه حدیث ``است و منفورترین چیز در نزد خداوند ، تجدیف ``است» . پرسیدیم : ای پیامبر خدا ! معنای سُبحه حدیث چیست ؟ فرمود : «آن است که چون دیگران مشغول گفتگو باشند ، شخص به تسبیح خداوند ، مشغول گردد» . باز پرسیدیم : ای پیامبر خدا ! معنای تجدیف چیست ؟ فرمود : «آن است که کسانی خوش باشند؛ امّا چون همسایه و دوستْ حالشان را بپرسند ، بگویند که ناخوش اند و شکایت کنند» .

امام حسن علیه السلام در دعایش : بارالها ! در مورد محبوب ترین چیزها در نزدت یعنی ایمان به تو و تصدیق به پیامبرت ، تو را فرمان بردم ، گرچه در آن نیز تو بر من منّت داری ؛ و در مورد دشمن ترین چیزها در نزدت یعنی شرک ورزیدن به تو و تکذیب پیامبرت تو را نافرمانی نکردم . پس ای مهربان ترین مهربانان ! آنچه را میان این دو است ، بر من ببخش .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام فى سُجودِهِ : اللّهُمَّ إن كُنتُ قَد عَصَيتُکَ فَإنّى قَد أطَعتُکَ فى أحَبِّ الأشياءِ إلَيکَ ؛ وهُوَ الإيمانُ بِکَ ، مَنّا مِنکَ عَلَىَّ ، لا مَنّا مِنّى علَيکَ . وتَرَکتُ مَعصِيَتَکَ فى أبغَضِ الأشياءِ إلَيکَ ؛ وهُوَ أن أدعُوَ لَکَ وَلَدا أو أدعُوَ لَکَ شَريکا ، مَنّا مِنکَ عَلَىَّ ، لا مَنّا مِنّى علَيکَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : أبغَضُ ما يَکونُ العَبدُ إلَى اللّه ِ عز و جل إذَا امتَلَأَ بَطنُهُ . (2)

.

1- .کتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 333 / 977 ، الأمالى للطوسى : 415/934 عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلامنحوه، بحار الأنوار : 94 / 91 / 4 .
2- .الکافى: 6/269/4 ، المحاسن: 2/231/1707 کلاهما عن أبى بصير، بحار الأنوار : 66/336/25 .

قال النبی صلی الله علیه و آله {-1-} : امام سجاد علیه السلام در سجده اش : بارالها ! اگر تو را گاهی نافرمانی کردم ، در مورد محبوب ترین چیزها در نزدت یعنی ایمان به تو ، از تو فرمان بردم ، و تو را بدین سبب بر من منّت است و مرا بر تو منّتی نیست ؛ و در مورد منفورترین چیزها در نزدت یعنی این که برایت فرزندی یا شریکی قرار دهم و بخوانم ، نافرمانی تو را نکردم ؛ و تو را بدین سبب بر من منّتی است و مرا بر تو منّتی نیست . امام صادق علیه السلام : منفورترین حالتِ بنده در نزد خداوند عز و جلهنگامی است که شکمش پُر باشد . .

الفصل الخامس: علامات المحبّين للّه 5 / 1النَّصَبُ للّهِ قال أبو عبداللّه علیه السلام : حلیه الأولیاء عن ثور بن یزید : قرأت فِی التَّوراهِ : إنَّ القَلبَ المُحِبَّ للّهِ عز و جلیُحِبُّ النَّصَبَ للّهِ عز و جل . (1)قال الباقر علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : القَلبُ المُحِبُّ للّهِ یُحِبُّ کَثیرا النَّصَبَ للّهِ ، وَالقَلبُ اللاّهی عَنِ اللّهِ یُحِبُّ الرّاحَهَ ، فَلا تَظُنَّ یَابنَ آدَمَ أنَّکَ تُدرِکُ رِفعَهَ البِرِّ بِغَیرِ مَشَقَّهٍ ؛ فَإنَّ الحَقَّ ثَقیلٌ مُرٌّ ، وَالباطِلَ خَفیفٌ حُلوٌ وَبِیٌّ . (2)عن أمیر المؤمنین علیه السلام {-1-} : الإمام الصادق علیه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أوحی إلی داودَ علیه السلام : ما لی أراکَ وحدانا ؟ !

قالَ هَجَرتُ النّاسَ وهَجَرونی فیکَ .

قالَ : فَما لی أراکَ ساکِتا ؟ !

قالَ : خَشیَتُکَ أسکَتَتنی .

قالَ : فَما لی أراکَ نَصِبا ؟ !

قالَ : حُبُّکَ أنصَبَنی . (3) .

1- .حلیه الأولیاء : 6 / 93 .
2- .تنبیه الخواطر : 2 / 87 عن زید بن علیّ عن الإمام زین العابدین علیه السلام .
3- .. الأمالی للصدوق: 263/280 عن یونس بن ظبیان، مشکاه الأنوار: 227وفیه من «فما لی أراک ساکتا» إلخ ، بحار الأنوار: 14/34/3.

5 / 1 خستگی برای خدا

فصل پنجم : نشانه های دوستداران خدا5 / 1خستگی برای خدا حلیه الأولیاء به نقل از ثَور بن یزید : در تورات خواندم : «قلب دوستدار خداوند عز و جلخستگی برای خداوند را دوست دارد» .

امام علی علیه السلام : قلب دوستدار خدا ، خستگی برای خدا را بسیار دوست دارد و قلب بی خبر از یاد خدا ، آسایش را دوست دارد . پس ای آدمیزاد ! گمان مبر که مقام والایِ نیکی را بدون سختی به دست می آوری؛ زیرا حق ، سنگین و تلخ است و باطل ، سَبُک ، شیرین و سست .

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد : «چرا تنهایت می بینم ؟». گفت : در راه تو از مردم بریده ام و آنان از من بریده اند . خداوند فرمود : «چرا خاموشت می بینم ؟». گفت : ترس از تو خاموشم کرده است . خداوند فرمود : «چرا خسته ات می بینم ؟» . گفت : محبّتت خسته ام ساخته است .

.

عنه عليه السلام : كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام شَديدَ الاِجتِهادِ فِى العِبادَةِ ؛ نَهارَهُ صائِمٌ ولَيلَهُ قائِمٌ ، فَأضَرَّ ذلِكَ بِجِسمِهِ ، فَقُلتُ لَهُ : يا أبَه ، كَم هذَا الدُّؤوبُ ؟ ! فَقالَ : أتَحَبَّبُ إلى رَبّى لَعَلَّهُ يُزلِفُنى . (1)

المحجّه البيضاء عن عمر : نَظَرَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إلى مُصعَبِ بنِ عُمَيرٍ مُقبِلاً وعَلَيهِ إهابُ كَبشٍ قَد تَنَطَّقَ بِهِ ، فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : اُنظُروا إلى هذَا الرَّجُلِ الَّذى قَد نَوَّرَ اللّهُ قَلبَهُ ، لَقَد رَأيتُهُ بَينَ أبَوَيهِ يَغذُوانِهِ بِأطيَبِ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ، فَدَعاهُ حُبُّ اللّهِ وحُبُّ رَسولِهِ إلى ما تَرَونَ . (2)

5 / 2حُبُّ الخَيرِ وأهلِهِ السنّه لابن أبى عاصم عن عبداللّه بن مسعود : كُنّا عِندَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَأقبَلَ راكِبٌ حَتّى أناخَ بِالنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى أتَيتُكَ مِن مَسيرَهِ سَبعٍ أنصَبتُ بَدَنى ، وأسهَرتُ لَيلى ، وأظمَأتُ نَهارى ، وأنصَبتُ راحِلَتى ؛ لِأسأَلَكَ عَن خَصلَتَينِ أسهَرَتانى . فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : مَا اسمُكَ ؟ فَقالَ : زَيدُ الخَيلِ . قالَ : أنتَ زَيدُ الخَيرِ ، سَل ، فَرُبَّ مُعضِلَهٍ قَد سُئِلَ عَنها . فَقالَ : أسأَلُكَ عَن عَلامَهِ اللّهِ تَعالى فيمَن يُريدُ وعَلامَتِهِ فيمَن لا يُريدُ ؟ فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : كَيفَ أصبَحتَ؟ قالَ : أصبَحتُ اُحِبُّ الخَيرَ ومَن يَعمَلُ بِهِ ، وإن عَمِلتُ بِهِ أيقَنتُ ثَوابَهُ ، وإن فاتَنى مِنهُ شَىءٌ حَنَنتُ إلَيهِ . فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : هيهِ ، هذِهِ عَلامَهُ اللّهِ فيمَن يُريدُ ، وعَلامَتُهُ فيمَن لا يُريدُ أن لَو أرادَكَ لِلآخَرينَ (3) لَهَيَّأكَ لَها ثُمَّ لا يُبالى بِأىِّ وادٍ هَلَكتَ . (4)

.

1- .المناقب لابن شهرآشوب : 4 / 155 عن معتب ، بحار الأنوار : 46 / 91 / 78 .
2- .المحجّه البيضاء: 8 / 5 ؛ حليه الأولياء : 1 / 108 ، كنز العمّال : 11 / 747 / 33650 و ج 13 / 582 / 37494 كلاهما نحوه .
3- .فى حليه الأولياء والمعجم الكبير : «للأخرى» .
4- .السنّه لابن أبى عاصم : 180/415 ، المعجم الكبير : 10 / 202 / 10464 ، حليه الأولياء : 1/376 كلاهما نحوه، تاريخ دمشق : 19 / 520 / 4577 و ح 4578 ، كنز العمّال : 11 / 105 / 30809 .

امام صادق علیه السلام : امام سجاد علیه السلامدر کار عبادت ، بسیار می کوشید . روز را روزه دار بود و شب را شب زنده دار . این کار به بدنش زیان زد . از این رو به او گفتم : پدر ! این پیوستگی و خستگی در عبادت ، تا کی و برای چیست ؟ فرمود : «بدین ترتیب ، با پروردگارم دوستی می کنم ، تا مرا به خود ، نزدیک سازد» .

المحجّه البیضاء به نقل از عمر : پیامبر صلی الله علیه و آله به مُصعَب بن عُمَیر که پیش می آمد و پوستین گوسفندی بر خود پیچیده بود، نگریست و فرمود : «به این مرد بنگرید که خداوند ، قلبش را روشن ساخته است . او را دیده بودم که کنار پدر و مادرش بود و آنان بهترین خوراک و نوشیدنی را به او می خوراندند و می نوشاندند؛ امّا محبّت خدا و پیامبرش او را به این حالی که می بینید ، درآورده است» .

ر . ک : ص 603 (محبوب شدن در میان دوستان خدا) .

5 / 2دوستی نیکی و نیکان السنّه ابن ابی عاصم به نقل از عبداللّه بن مسعود : نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهبودیم که سواری آمد و مَرکب خود را کنار پیامبر صلی الله علیه و آله نشاند و گفت : ای رسول خدا ! من از فاصله هفت [شب راه] به سویت آمده ام . بدنم را خسته کرده ام ، شب را به بیداری و روز را به تشنگی گذرانده و مَرکبم را خسته کرده ام تا از تو درباره دو خصلت که خواب شبانه را از من ربوده است ، بپرسم . پیامبر صلی الله علیه و آلهبه او فرمود : «نامت چیست ؟» . گفت : زیدُ الخَیل (زیدِ اسبْ یار) . فرمود: «تو زید الخیر (زیدِ نیکْ یار) هستی. بپرس که چه بسا دشواری ای که درباره اش پرسش شده [و پاسخ گرفته شده]است». گفت: از تو درباره نشانه خداوند متعال در کسی که او را می خواهد و نشانه اش در آن که او را نمی خواهد ، می پرسم . فرمود: «شب را چگونه به صبح آوردی؟». گفت : در حالی به صبح آوردم که نیکی را و هر که آن را انجام دهد ، دوست دارم و اگر خودم آن را انجام دهم ، یقین به پاداشش دارم و اگر آن را از دست بدهم ، احساس علاقه به آن می کنم . پیامبر صلی الله علیه و آلهبه او فرمود : «هان ! این همان نشانه خداوند است در کسی که [خدا] او را می خواهد ، و امّا نشانه اش در آن که او را نمی خواهد ، این است که اگر تو را برای کارهای دیگری [جز نیکی]می

خواست ، تو را برای آنها آماده می کرد و باکش نبود که در کجا تباه گردی !» .

.

5 / 3حُبُّ أهلِ البَيتِ الإمام الصادق عليه السلام : وَاللّهِ ما أحَبَّ اللّهَ مَن أحَبَّ الدُّنيا ووالى غَيرَنا ، ومَن عَرَفَ حَقَّنا وأحَبَّنا فَقَد أحَبَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى . (1)

الإمام الهادي عليه السلام فِي الزِّيارَهِ الجامِعَهِ : ومَن أحَبَّكُم فَقَد أحَبَّ اللّهَ ، ومَن أبغَضَكُم فَقَد أبغَضَ اللّهَ . (2)

.

1- .الكافى : 8 / 129 / 98 عن حفص بن غياث ، تحف العقول : 357 ، تنبيه الخواطر : 2 / 137 ، بحار الأنوار : 78 / 226 / 95 .
2- .تهذيب الأحكام : 6 / 97 و ص 101 / 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 613 و ص 617 / 3213 كلاهما عن موسى ابن عبداللّه النخعى ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 277 / 1 عن موسى بن عمران النخعى ، البلد الأمين : 303 ، بحار الأنوار : 102 / 129 / 4 .

ص: 591

5 / 3 دوستی اهل بیت

5 / 3دوستی اهل بیت امام صادق علیه السلام : به خدا سوگند ، آن که دنیا را دوست دارد و با جز ما دوستی می کند ، خدا را دوست ندارد . هرکه حقّ ما را بشناسد و ما را دوست بدارد ، در حقیقت ، خداوند متعال را دوست داشته است .

امام هادی علیه السلام در «زیارت جامعه» : هرکه شما را دوست بدارد ، خدا را دوست داشته و هرکه شما را دشمن بدارد ، خدا را دشمن داشته است .

.

5 / 4قِيامُ اللَّيلِ الإمام الصادق عليه السلام : كانَ فيما ناجَى اللّهُ عز و جل بِهِ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام أن قالَ لَهُ : يَابنَ عِمرانَ ، كَذِبَ مَن زَعَمَ أنَّهُ يُحِبُّنى فَإذا جَنَّهُ اللَّيلُ نامَ عَنّى ؛ أَلَيسَ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلوَةَ حَبيبِهِ ؟ ! ها أنَا ذا يَابنَ عِمرانَ مُطَّلِعٌ عَلى أحِبّائى ، إذا جَنَّهُمُ اللَّيلُ حُوِّلَت أبصارُهُم مِن قُلوبِهِم ، ومَثُلَت عُقوبَتى بَينَ أعيُنِهِم ، يُخاطِبونّى عَنِ المُشاهَدَهِ ، ويُكَلِّمونّى عَنِ الحُضورِ . يَابنَ عِمرانَ ، هَب لى مِن قَلبِكَ الخُشوعَ ، ومِن بَدَنِكَ الخُضوعَ ، ومِن عَينَيكَ الدُّموعَ فِى ظُلَمِ اللَّيلِ ، وَادعُنى ؛ فَإنَّكَ تَجِدُنى قَريبا مُجيبا . (1)

المحجّه البيضاء : رُوِىَ عَن بَعضِ السَّلَفِ أنَّ اللّهَ عز و جل أوحى إلى بَعضِ الصِّدّيقينَ : إنَّ لى عِبادا مِن عِبادى يُحِبّونَنى وأُحِبُّهُم ، ويَشتاقونَ إلَىَّ وأشتاقُ إلَيهِم ، ويَذكُرونَنى وأذكُرُهُم ، ويَنظُرونَ إلَىَّ وأنظُرُ إلَيهِم ، فَإن حَذَوتَ طَريقَهُم أحبَبتُكَ ، وإن عَدَلتَ عَنهُم مَقَتُّكَ . قالَ : يا رَبِّ ، وما عَلامَتُهُم ؟ قالَ عز و جل : يُراعونَ الظِّلالَ بِالنَّهارِ كَما يُراعِى الرّاعِى الشَّفيقُ غَنَمَهُ ، ويَحِنّونَ إلى غُروبِ الشَّمسِ كَما يَحِنُّ الطَّيرُ إلى أوكارِها عِندَ الغُروبِ ، فَإذا جَنَّهُمُ اللَّيلُ وَاختَلَطَ الظَّلامُ وفُرِشَتِ الفُرُشُ ونُصِبَتِ الأَستِرَهُ وخَلا كُلُّ حَبيبٍ بِحَبيبِهِ نَصَبوا لى أقدامَهُم ، وافتَرَشوا لى وُجوهَهُم ، وناجَونى بِكَلامى ، وتَمَلَّقونى بِإنعامى ؛ فَبَينَ صارِخٍ وباكٍ ومُتَأوِّهٍ وشاكٍ ، وبَينَ قائِمٍ وقاعِدٍ ، وبَينَ راكِعٍ وساجِدٍ . بِعَينى ما يَتَحَمَّلونَ مِن أجلى ، وبِسَمعى ما يَشتَكونَ مِن حُبّى . أوَّلُ ما أُعطيهِم ثَلاثٌ : أقذِفُ مِن نورى فى قُلوبِهِم فَيُخبِرونَ عَنّى كَما أُخبِرُ عَنهُم . وَالثّانِيَهُ : لَو كانَتِ السَّماواتُ وَالأَرضُ وما فيهِما فى مَوازينِهِم لاَستَقلَلتُها لَهُم . وَالثّالِثَهُ : أُقبِلُ بِوَجهى عَلَيهِم ؛ أفَتَرى مَن أقبَلتُ بِوَجهى عَلَيهِ يَعلَمُ أحَدٌ ما أُريدُ أن أُعطِيَهُ ؟ ! (2)

.

1- .الأمالى للصدوق : 438 / 577 عن المفضّل بن عمر ، روضه الواعظين : 361 ، بحار الأنوار : 13 / 329 / 7 وراجع أعلام الدين: 263، إرشادالقلوب: 93؛ وراجع ربيع الأبرار: 2/95 ، عيون الأخبار لابن قتيبه : 2/300 .

2- .المحجّه البيضاء : 8 / 58 .

5 / 4شب خیزی امام صادق علیه السلام : از جمله رازگویی های خداوند عز و جل با موسی بن عمران علیه السلام آن بود که به او فرمود : «ای پور عمران ! دروغ می گوید آن که می پندارد دوستم می دارد و چون شب درآید ، از من غفلت می کند و می خوابد . مگر هر دوستداری ، خلوت با محبوبش را دوست ندارد ؟ ای پور عمران ! اینک این منم که بر دوستانم آگاهم که چون شبْ آنان را فرو پوشد ، دیده دلشان می گردد و کیفرم (مجازاتم) پیش چشمانشان پدیدار می شود و چنان با من سخن می گویند که گویی مرا می بینند و چنان مرا مخاطب می سازند که گویی در حضورم هستند . ای پور عمران ! از قلبتْ شکستگی ، از تنتْ افتادگی و از چشمانتْ اشک ها را در تاریکی شب ، نثار من کن و مرا بخوان که مرا نزدیک و اجابت کننده خواهی یافت» .

المحجّه البیضاء : از برخی گذشتگان نقل شده است که خداوند عز و جل به یکی از صدّیقان وحی فرمود : «مرا در میان بندگانم ، بندگانی است که دوستم می دارند و دوستشان می دارم ؛ مشتاقم هستند و مشتاق آنانم؛ به یادم هستند و به یادشان هستم؛ به من می نگرند و به ایشان می نگرم . پس اگر روش آنان را در پیش بگیری ، دوستت خواهم داشت و اگر از روش آنان درگذری ، دشمنت خواهم داشت » . آن صدّیق گفت : پروردگارا ! نشانه آنان چیست ؟ خداوند عز و جل فرمود : «همان گونه که شبانِ مهربان ، گوسفندانش را می پاید ، آنان نیز در روز ، سایه ها را می پایند و همان گونه که پرندگان ، مشتاق آشیانه شان هستند ، آنان مشتاق رسیدن غروب خورشیدند . پس چون شبْ آنان را فرو پوشد و تاریکی با همه چیز درآمیزد و فرش ها گسترده و پرده ها آویخته گردد و هر دوستداری با محبوب خود ، خلوت کند ، آنان گام هایشان را برای من خسته می کنند و رخسارشان را برایم چون فرش بر زمین می گسترند و با سخنم با من راز می گویند و با نعمت هایم برایم تملّق می کنند . در این حال ، پاره ای نالان و پاره ای گریان ، پاره ای مویه کنان و پاره ای شکوه کنان ، ایستاده و نشسته ، یا در رکوع و در سجده هستند . در برابر چشمانم ، چه ها که برایم تحمّل نمی کنند! و فرا پیش گوشم ، چه شِکوه ها که از محبّت من نمی کنند! نخستین چیزی که به آنان می بخشم ، این سه چیز است : [اوّل آن که] از نور خود در قلبشان می افکنم . در نتیجه ، چنان از من خبر می

دهند که من از آنان خبر می دهم . دوم آن که اگر آسمان ها و زمین در میزان عمل آنان [و پاداششان]باشد ، آن را برایشان کم خواهم شمرد. سوم آن که با رخسار خود ، به آنان روی می آورم . آیا فکر می کنی کسی می داند به آن که با رخسارم به او روی آورده ام ، چه ها خواهم بخشید ؟» .

.

5 / 5جَوامِعُ خَصائِصِ المُحِبّينَ للّه رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا مَن إلَيهِ يَلجَأُ المُتَحَيِّرونَ ، يا مَن بِهِ يَستَأنِسُ المُريدونَ ، يا مَن بِهِ يَفتَخِرُ المُحِبّونَ . (1)

إرشاد القلوب فى حديث المعراج : [قالَ اللّهُ تعالى :] يا أحمَدُ ، لَيسَ كُلُّ مَن قالَ : «اُحِبُّ اللّه َ» أحَبَّنى ، حَتّى يَأخُذَ قوتا ، ويَلبَسَ دونا ، ويَنامَ سُجودا ، ويُطيلَ قِياما ، ويَلزَمَ صَمتا ، ويَتَوَكَّلَ عَلَىَّ ، ويَبكِىَ كَثيرا ، ويُقِلَّ ضِحكا ، ويُخالِفَ هَواهُ، ويَتَّخِذَ المَسجِدَ بَيتا، وَالعِلمَ صاحِبا، وَالزُّهدَ جَليسا، وَالعُلَماء أحِبّاءَ ، وَالفُقَراءَ رُفَقاءَ ، ويَطلُبَ رِضاىَ ، ويَفِرَّ مِنَ العاصينَ فِرارا ، ويَشغَلَ بِذِكرِى اشتِغالاً، ويُكثِرَ التَّسبيحَ دائِما، ويَكونَ بِالعَهدِ صادِقا، وبِالوَعدِ وافِيا، ويَكونَ قَلبُهُ طاهِرا، وفِى الصَّلاهِ ذاكِيا (2) ، وفِى الفَرائِضِ مُجتَهِدا ، وفيما عِندى مِنَ الثَّوابِ راغِبا، ومِن عَذابى راهِبا، ولِأَحِبّائيقَريبا وجَليسا (3) . (4)

.

1- .البلد الأمين : 406 ، بحار الأنوار : 94 / 389 .
2- .كذا فى المصدر ، وفى بحار الأنوار «زاكيا» وهو الأصحّ.
3- .فى بحار الأنوار «قرينا» وهو الأنسب.
4- .إرشاد القلوب : 205 ، بحار الأنوار : 77 / 30 / 6 .

5 / 5کلّیاتی درباره ویژگی های دوستداران خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای آن که سرگردانان به او پناه می آورند ! ای آن که خواستاران به او انس می گیرند ! ای آن که دوستداران به او افتخار می کنند !

إرشاد القلوب در ضمن «حدیث معراج» : [خداوند متعال می فرماید :] ای احمد ! چنین نیست که هرکه بگوید خدا را دوست دارم ، مرا دوست داشته است؛ مگر آن که به اندازه نیازش بخورد؛ لباس کم بها بپوشد ، [پهلو از بستر تهی کند و به دلیل طولانی شدن سجده] در سجده به خواب رود، و قیامش [در نماز]طولانی شود ؛ خاموشی پیشه کند ، بر من توکل کند؛ بسیار بگرید؛ کم بخندد؛ با هوای نفسش مخالفت کند؛ مسجد را خانه خود ، دانش را دوست ، زهد را همنشین ، عالمان را دوستان ، و فقیران را همراهان خود سازد؛ خشنودی مرا بجوید؛ سخت از عاصیان بگریزد؛ نیک به یاد من مشغول باشد؛ همواره و بسیار تسبیح گوید ؛ پایبند عهد خود باشد؛ به وعده اش وفا کند؛ قلبش پاکیزه باشد؛ در نمازش پاک و در فریضه هایش کوشا باشد؛ خواستار پاداش من ، ترسان از عذاب من و نزدیک و همنشین دوستانم باشد.

.

عدّه الداعى عن كعب الأحبار : مَكتوبٌ فِي التَّوراهِ : يا موسى ، مَن أحَبَّنى لَم يَنسَنى ، ومَن رَجا مَعروفى أَلَحَّ فى مَسألَتى . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فيما نُسِبَ إلَيهِ فى مِصباحِ الشَّريعَه : المُشتاقُ لا يَشتَهى طَعاما ، ولا يَلتَذُّ شَرابا ، ولا يَستَطيبُ رُقادا ، ولا يَأنَسُ حَميما ، ولا يَأوى دارا ، ولا يَسكُنُ عُمرانا ، ولا يَلبَسُ لَيِّنا ، ولا يَقِرُّ قَرارا ، ويَعبُدُ اللّه َ لَيلاً ونَهارا راجِيا بِأن يَصِلَ إلى مَا اشتاقَ إلَيهِ ، ويُناجِيَهُ بِلِسانِ الشَّوقِ مُعَبِّرا عَمّا فى سَريرَتِهِ ، كَما أخبَرَ اللّه ُ تَعالى عَن موسَى عليه السلام فى ميعادِ رَبِّهِ بِقَولِهِ : «وَ عَجِلْتُ إِلَيْکَ رَبِّ لِتَرْضَى » (2) ، وفَسَّرَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله عَن حالِهِ أنَّهُ ما أكَلَ وما شَرِبَ ولا نامَ ولاَ اشتَهى شَيئا مِن ذلِکَ فى ذَهابِهِ ومَجيئِهِ أربَعينَ يَوما شَوقا إلى رَبِّهِ . وإذا دَخَلتَ مَيدانَ الشَّوقِ فَكَبِّر عَلى نَفسِکَ ومُرادِکَ مِنَ الدُّنيا ، ووَدِّع جَميعَ المَألوفاتِ ، وَأجزِم عَن سِوى مَعشوقِکَ ، ولَبِّ بَينَ حَياتِکَ ومَوتِکَ «لَبَّيکَ اللّهُمَّ لَبَّيکَ» ، وأعظَمَ اللّهُ أجرَکَ . ومَثَلُ المُشتاقِ مَثَلُ الغَريقِ ؛ لَيسَ لَه هِمَّهٌ إلاّ خَلاصُهُ ، وقَد نَسِىَ كُلَّ شَىءٍ دونَهُ . (3)

.

1- .عدّه الداعى : 143 ، أعلام الدين : 327 ، بحار الأنوار : 93 / 340 / 11 .
2- .طه : 84 .
3- .مصباح الشريعه : 529 ، المحجّه البيضاء: 8 / 62 ، بحار الأنوار: 70 / 24 / 24 .

عدّه الداعی به نقل از کعب الأحبار : در تورات نوشته شده است : «ای موسی ! هرکه مرا دوست داشته باشد ، فراموشم نمی کند و هرکه امیدوار به نیکی ام باشد ، به اصرار از من درخواست می کند» .

امام صادق علیه السلام در آنچه به ایشان نسبت داده شده است : مشتاق ، نه میل به غذا دارد ، نه از نوشیدنی ای لذّت می برد ، نه خوابی خوش دارد ، نه با دوستی انس می گیرد ، نه به خانه ای روی می آورد ، نه در جایی آبادان ، منزل می کند ، نه لباسی نرم به تن می کند و نه هیچ قرار و آرامی دارد . شب و روز ، خدا را عبادت می کند و آرزومند رسیدن به چیزی است که اشتیاقش را دارد و با زبان شوقِ خود که از نهانش خبر می دهد ، با او راز می گوید ؛ همان گونه که خداوند ، از میعاد موسی بن عمران علیه السلامبا پروردگارش ، چنین خبر می دهد : «پروردگارا ! به سویت شتافتم تا خشنود گردی» . پیامبر صلی الله علیه و آله حال شوق موسی علیه السلامرا به پروردگارش چنین توضیح داده که آن حضرت در مدت چهل روز که رفت و آمدش به میقات طول کشید ، نه چیزی خورد ، و نه چیزی آشامید ، و نه خوابید ، و نه به چیزی از این کارها میل پیدا کرد . پس هرگاه به میدان شوق گام نهادی ، بر نفْست و خواسته دنیایی ات [به نشانه ترک آنها]تکبیر بزن و آنچه را بدان انس داری ، واگذار و از هر چیزی جز معشوقت پرهیز نما و میان زندگی و مرگت ، بانگ «لبیک ، اللهم لبیک !» سر ده که خداوند متعال ، پاداشت را عظیم گرداند . حکایت مشتاق ، حکایت غریق است که اندیشه ای جز رهایی خویش ندارد و هر چیزی جز آن را فراموش می کند .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : لا تُخدَعَنَّ فَلِلمُحِبِّ دَلائِلُ ولَدَيهِ مِن نَجوَى الحَبيبِ رَسائِلُ مِنها تَنَعُّمُهُ بِما يُبلى بِهِ وسُرورُهُ فى كُلِّ ما هُوَ فاعِلُ فَالمَنعُ مِنهُ عَطِيَّةٌ مَعروفَةٌ وَالفَقرُ إكرامٌ ولُطفٌ عاجِلٌ ومِنَ الدَّلائِلِ أن يُرى مُتَحَفِّظا مُتَقَشِّفا فى كُلِّ ما هُوَ نازِلُ ومِنَ الدَّلائِلِ أن تَراهُ مُشَمِّرا فى خِرقَتَينِ عَلى شُطوطِ السّاحِلِ ومِنَ الدَّلائِلِ زُهدُهُ فيما تَرى مِن دارِ ذُلٍّ وَالنَّعيمِ الزّائِلِ ومِنَ الدَّلائِلِ أن يُرى فى عَزمِهِ طَوعَ الحَبيبِ وإن أَلَحَّ العاذِلُ ومِنَ الدَّلائِلِ أن يُرى مِن شَوقِهِ مِثلَ السَّقيمِ وفِى الفُؤادِ غَلائِلُ ومِنَ الدَّلائِلِ أن يُرى مِن أنسِهِ مُستَوحِشا مِن كُلِّ ما هُوَ شاغِلٌ ومِنَ الدَّلائِلِ ضِحكُهُ بَينَ الوَرى وَالقَلبُ مَحزونٌ كَقَلبِ الثّاكِلِ ومِنَ الدَّلائِلِ حُزنُهُ ونَحيبُهُ جَوفَ الظلام (1) فَما لَهُ مِن عاقِلٍ ومِنَ الدَّلائِلِ أن يُرى مُتَهَنِّكا بِسُؤالِ مَن يَحظى لَدَيهِ السّائِلُ ومِنَ الدَّلائِلِ أن تَراهُ باكِيا أن قَد رَآهُ عَلى قَبيحٍ عاقِلُ ومِنَ الدَّلائِلِ أن تَراهُ مُسافِرا نَحوَ الجِهادِ وكُلِّ فِعلٍ فاضِلِ ومِنَ الدَّلائِلِ أن تَراهُ مِسَلِّما كُلَّ الأُمورِ إلَى المَليكِ العادِلِ (2)

.

1- .فى الطبعه المعتمده «الظلم» وما أثبتناه من طبعه أُخرى .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 346 .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : فریفته مشو ، که دوستدار را نشانه هایی است / و از نجوای محبوب ، نزدش نامه هایی . از جمله آن دلایل ، خُرّمی اوست ، به هر آن بلایی که دچارش می شود/ و شادمانی اوست ، به هر آنچه محبوب می کند . لذا منع از سوی محبوب ، خود ، بخششی نیک است/ و فقر ، گرامیداشت و لطفی بی درنگ . نشانه دیگرِ آن دوستدار ، این که هر چه بر سرش فرود می آید/ خود را نگاه می دارد و ساده زندگی می نماید . نشانه دیگر ، آن که او را جامه به کمر بسته/ بر کناره آب و آماده هر کار می بینی. نشانه دیگر ، بی رغبتی اوست / به آنچه از سرای ذلّت و نعمتِ گذرا می بینی . نشانه دیگر ، آن است که عزمش / بر فرمانبری محبوبْ استوار است؛ گرچه سرزنشگر ، پافشاری کند . نشانه دیگر ، آن است که بر اثر شوقش/ همچون بیماری به چشم می آید که قلبش [از شدّت تشنگی]می سوزد . نشانه دیگر ، آن است که به سبب اُنس با محبوب/ از هر چیزی که او را از محبوب بازدارد ، می رمد . نشانه دیگر ، آن است که در میان مردم ، می خندد/ امّا قلبش چون عزیزْ از دست دادگان ، غمگین است . نشانه دیگر ، اندوه و مویه اوست در پناهِ/ تاریکی های شب ، که هیچ چیزْ او را از آن ، باز نمی دارد . نشانه دیگر ، آن است که شیفته برآوردنِ/ درخواست کسی است که از آن بهره مند می شود . نشانه دیگر ، آن است که چون عاقلی / او را در کار زشتی ببیند ، گریانش می یابی . نشانه دیگر ، آن است که او را پویا/ در راه جهاد و هر کار با فضیلتی می بینی. نشانه دیگر ، آن است که او را می بینی/ که همه کارها را به فرمان روای عادلی سپرده است .

.

الفصل السّادس: خصائص المحبوبين عند اللّه 6 / 1ميزانُ مَنزِلَهِ العَبدِ عِندَ اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ يُحِبُّ أن يَعلَمَ مَنزِلَتَهُ عِندَ اللّهِ فَليَنظُر كَيفَ مَنزِلَهُ اللّهِ عِندَهُ ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُنزِلُ العَبدَ مِنهُ حَيثُ أنزَلَهُ مِن نَفسِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّ أن يَعلَمَ ما لَهُ عِندَ اللّهِ فَليَعلَم ما للّهِ عِندَهُ . (2)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 672 / 1820 ، المعجم الأوسط : 3 / 67 / 2501 ، مسند أبى يعلى : 2 / 345 / 1860 و ص 428 / 2135 ، شُعب الإيمان : 1 / 398 / 528 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : 333 / 1107 كلّها عن جابر بن عبداللّه ، كنز العمّال : 1 / 435 / 1877 ؛ إرشاد القلوب : 60 ، تنبيه الخواطر : 2/234، مسكّن الفؤاد : 80 وفيه «ما له عنداللّه» بدل «منزلته عنداللّه»، عدّه الداعى: 167 عن الإمام الصادق عليه السلاموفيه «من أراد أن ينظر» بدل «من كان يحبّ أن يعلم» ، بحار الأنوار : 93/163/42 .
2- .المحاسن : 1 / 392 / 877 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، معانى الأخبار : 237 / 1 عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفريّات : 166 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : 11 عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : 1 / 230 ، جامع الأحاديث للقمّى : 118 ، بحار الأنوار : 73 / 40 ؛ الفردوس : 3 / 593 / 5858 ، كنز العمّال : 11 / 94 / 30757 كلاهما عن أنس وفيهما «من أراد» بدل «من أحبّ» .

فصل ششم : ویژگی های محبوبان خدا

6 / 1 معیارِ جایگاه بنده در نزد خدا

فصل ششم : ویژگی های محبوبان خدا6 / 1معیارِ مَنزلت بنده در نزد خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه دوست دارد بداند نزد خدا چه موقعیتی دارد ، به موقعیت خدا نزد خودش توجّه کند ؛ زیرا خدا بنده را در همان جایگاهی می نهد که او خدا را نزد خود ، در چنان جایگاهی نهاده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه دوست دارد بداند که نزد خدا چه موقعیتی دارد ، ببیند که خدا نزد او چه موقعیتی دارد .

.

الإمام علىّ عليه السلام : مَن أرادَ مِنكُم أن يَعلَمَ كَيفَ مَنزِلَتُهُ عِندَ اللّه ِ فَليَنظُر كَيفَ مَنزِلَهُ اللّه ِ مِنهُ عِندَ الذّنوبِ ، كَذلِكَ تَكونُ مَنزِلَتُهُ عِندَ اللّه ِ تَبارَكَ وتَعالى . (1)

عنه عليه السلام : مَن أحَبَّ أن يَعلَمَ كَيفَ مَنزِلَتُهُ عِندَ اللّه ِ فَليَنظُر كَيفَ مَنزِلَهُ اللّه ِ عِندَهُ ؛ فَإِنَّ كُلَّ مَن خيرَ لَهُ أمرانِ ؛ أمرُ الدُّنيا وأمرُ الآخِرَهِ ، فَاختارَ أمرَ الآخِرَهِ عَلَى الدُّنيا فَذلِكَ الَّذى يُحِبُّ اللّه َ ، ومَنِ اختارَ أمرَ الدُّنيا فَذلِكَ الَّذى لا مَنزِلَهَ للّه ِ عِندَهُ . (2)

6 / 2المَحَبَّهُ عِندَ أحِبّاءِ اللّه ِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ العَبدَ نادى جِبريلَ : «إنَّ اللّه َ يُحِبُّ فُلانا فَأحِبِّهُ» ، فَيُحِبُّهُ جِبريلُ . فَيُنادى جِبريلُ فى أهلِ السَّماءِ : «إنَّ اللّه َ يُحِبُّ فُلانا فَأحِبّوهُ» ، فَيُحِبُّهُ أهلُ السَّماءِ ، ثُمَّ يوضَعُ لَهُ القَبولُ فِى الأرضِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا قَذَفَ حُبَّهُ فى قُلوبِ المَلائِكَهِ ، وإذا أبغَضَ اللّه ُ عَبدا قَذَفَ بُغضَهُ فى قُلوبِ المَلائِكَهِ ، ثُمَّ يَقذِفُهُ فى قُلوبِ الآدَمِيّينَ . (4)

.

1- .الخصال : 617 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 107 ، مكارم الأخلاق : 1 / 317 / 1016 عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وفيهما إلى «الذنوب» ، بحار الأنوار : 70 / 18 / 11 .
2- .جامع الأخبار : 505 / 1398 ، بحار الأنوار : 70 / 25 / 27 .
3- .صحيح البخارى : 3 / 1175 / 3037 ، صحيح مسلم : 4 / 2030 / 157 ، الموطّأ : 2 / 953 / 15 ، مسند ابن حنبل : 3 / 595 / 10679 و ص 246 / 8508 ، مسند الطيالسى : 319 / 2436 ، حليه الأولياء : 10/306 ، الفردوس : 1/ 250 / 967 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 11 / 94 / 30761 ، وراجع سنن الترمذى : 5 / 318 / 3161؛ وراجع إرشاد القلوب : 170 .
4- .حليه الأولياء : 3 / 77 عن أنس ، كنز العمّال : 11 / 94 / 30759 .

امام علی علیه السلام : هریک از شما که می خواهد بداند موقعیتش نزد خدا چگونه است ، به موقعیت خدا نزد خودش به هنگام گناه بنگرد ؛ موقعیت او نزد خداوند متعال ، همان گونه است .

امام علی علیه السلام : هرکه دوست دارد بداند نزد خدا چه موقعیتی دارد ، به موقعیت خدا نزد خودش بنگرد ؛ زیرا به هرکه حقّ انتخاب دو کار داده شود : کار این جهانی و کار آن جهانی ، و او کار آن جهانی را بر کار این جهانی برگزیند ، او کسی است که خدا را دوست دارد ؛ و هرکه کار این جهانی را برگزیند ، او کسی است که خدا نزد او منزلتی ندارد.

ر . ک : ص 331 (گواهی دل) .

6 / 2محبوب شدن در میان دوستان خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند بنده را دوست بدارد ، به جبرئیل ندا می کند : «خداوند ، فلانی را دوست دارد . پس او را دوست داشته باش» . در نتیجه ، جبرئیل دوستش می دارد. پس از آن، جبرئیل در میان آسمانیان ندا می کند : خداوند ، فلانی را دوست دارد . پس دوستش بدارید . در نتیجه ، آسمانیان دوستش می دارند . آن گاه ، زمینه مقبولیت او در زمین فراهم می شود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، محبّتش را در دل های فرشتگان می افکند و هرگاه بنده ای را دشمن بدارد ، دشمنی اش را در دل های فرشتگان و سپس در دل های انسان ها می افکند .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ المِقَهَ مِنَ اللّهِ ، واُلقِيَت مِنَ السَّماءِ ، فَإذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا قالَ لِجِبريلَ : «إنّى اُحِبُّ فُلانا» ، فَيُنادى جِبريلُ : إنَّ اللّهَ عز و جل يَمِقُ يَعنى : يُحِبُّ فُلانا ، فَأحِبّوهُ ، فَيُنزِلُ لَهُ المَحَبَّةَ فِى الأرضِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا مِن اُمَّتى قَذَفَ فى قُلوبِ أصفِيائِهِ وأرواحِ مَلائِكَتِهِ وسُكّانِ عَرشِهِ مَحَبَّتَهُ لِيُحِبّوهُ ، فَذلِكَ المُحِبُّ حَقّا ، طوبى لَهُ ، ولَهُ شَفاعَةٌ عِندَ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ . (2)

6 / 3المَبغَضَهُ عِندَ أعداءِ اللّهِ معانى الأخبار عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن المفضّل بن عمر : قُلتُ لِأبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : إنَّ مَن قَبلَنا يَقولونَ : إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى إذا أحَبَّ عَبدا نَوَّهَ بِهِ مُنَوِّهٌ مِنَ السَّماءِ : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ فُلانا فَأحِبّوهُ،فَتُلقى لَهُ المَحَبَّهُ فى قُلوبِ العِبادِ ، فَإذا أبغَضَ اللّهُ تَعالى عَبدا نَوَّهَ مُنَوِّهٌ مِنَ السَّماءِ : إنَّ اللّهَ يُبغِضُ فُلانا فَأبغِضوهُ ، قالَ : فَيُلقى اللّهُ لَهُ البَغضاءَ فى قُلوبِ العِبادِ ؟ قالَ : كانَ عليه السلام مُتَّكِئا فَاستَوى جالِسا ، فَنَفَضَ يَدَهُ ثَلاثَ مَرّاتٍ يَقولُ : لا ، لَيسَ كَما يَقولونَ ، ولكِنَّ اللّهَ عز و جل إذا أحَبَّ عَبدا أغرى بِهِ النّاسَ فِى الأرضِ ؛ لِيَقولوا فيهِ فَيُؤثِمَهُم ويَأجُرَهُ ، وإذا أبغَضَ اللّهُ عَبدا حَبَّبَهُ إلَى النّاسِ ؛ لِيَقولوا فيهِ فَيُؤثِمَهُم ويُؤثِمَهُ . ثُمَّ قالَ عليه السلام : مَن كانَ أحَبَّ إلَى اللّهِ مِن يَحيَى بنِ زَكَرِيّا عليه السلام ؟! أغراهُم بِهِ حَتّى قَتَلوهُ . ومَن كانَ أحَبَّ إلَى اللّهِ عز و جل مِن عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام ؟! فَلَقِىَ مِنَ النّاسِ ما قَد عَلِمتُم . ومَن كانَ أحَبَّ إلَى اللّهِ تَعالى مِنَ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ ؟! فَأغراهُم بِهِ حَتّى قَتَلوهُ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : 8 / 297 / 22333 و ص 290 / 22296 نحوه ، المعجم الكبير : 8/120/7551 ، المعجم الأوسط : 4/63/3614 و ج 6/345/6582، نوادر الاُصول : 1/425 وفيها «الصيت» بدل «اُلقيت» وكلّها عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : 11/99/30788 .
2- .مصباح الشريعه : 524 ، بحار الأنوار : 70 / 24 / 23 .
3- .معانى الأخبار : 381 / 11 ، مشكاه الأنوار : 286 ، المؤمن : 20 / 18 ، أعلام الدين : 434 وزاد فى آخرهما «ومن كان أبغض إلى اللّه من أبى

فلان وفلان ، ليس كما قالوا» وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 71 / 371 / 2 .

6 / 3 منفور شدن در میان دشمنان خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله : محبّت از خداست و از آسمان فرو افتاده است . از این رو ، هرگاه خداوند عز و جل بنده ای را دوست بدارد ، به جبرئیل می گوید : «من فلانی را دوست دارم» . پس جبرئیل ندا می کند : خداوند عز و جل فلانی را دوست دارد . پس دوستش بدارید . پس از آن ، محبّتش را به سوی زمین فرود می آورد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند ، بنده ای از امّتم را دوست بدارد ، محبّتش را در دل های برگزیدگانش و در جان های فرشتگان و ساکنان عرشش می افکند ، تا دوستش بدارند . چنین کسی ، به حقیقت ، دوستدار است . خوشا به حالش! و او را در روز قیامت ، نزد خداوند ، حقّ شفاعت است .

ر . ک : ص 97 (ایمان و کار شایسته)؛ ص 589 (دوستی نیکی و نیکان) .

6 / 3منفور شدن در میان دشمنان خدا معانی الأخبار به نقل از احمد بن محمّد بن عیسی ، از مفَضَّل بن عمر : به امام صادق علیه السلام گفتم : اطرافیان ما می گویند: هرگاه خداوند متعال ، بنده ای را دوست بدارد، کسی در آسمان ، او را بلند آوازه می سازد و می گوید : خداوند ، فلانی را دوست دارد. پس دوستش بدارید. در نتیجه ، محبّتش در دل های بندگان خدا افکنده می شود و چون خداوند متعال، بنده ای را دشمن بدارد ، کسی در آسمان اعلام می دارد . خداوند، فلانی را دشمن می دارد . پس او را دشمن بدارید . در نتیجه ، دشمنی او در دل های بندگان خدا افکنده می شود . حضرت تکیه داده بود. نشست و سه بار دستانش را تکان داد و بر یکدیگر زد و فرمود : «نه ! چنین نیست که می گویند؛ لیکن خداوند عز و جل هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، مردم را بر آن می دارد تا از او بدگویی کنند و در نتیجه، آنان را گناهکار کند و به او پاداش دهد، و هرگاه خداوند عز و جل بنده ای را دشمن بدارد ، او را محبوب مردم می گرداند تا درباره اش به نیکی سخن بگویند و در نتیجه، او را و آنان را گناهکار کند» . سپس حضرت فرمود : «چه کسی نزد خداوند ، محبوب تر از یحیی بن زکریا علیه السلامبود ؟ مردم را بر او شوراند تا او را کشتند . چه کسی نزد خداوند عز و جلمحبوب تر از علی بن ابی طالب علیه السلام بود ؟ در حالی که می دانید که از دست مردم چه کشید. چه کسی نزد خداوند متعال

، محبوب تر از حسین بن علی علیهماالسلام بود ؟ امّا مردم را بر او شوراند تا او را کشتند» .

.

6 / 4الأُنسُ بِاللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله مخاطبا للّهِ عز و جل : يا رَبِّ ، وَدَدتُ أنّى أعلَمُ مَن تُحِبُّ مِن عِبادِكَ فَاُحِبُّهُ . قالَ : إذا رَأيتَ عَبدى يُكثِرُ ذِكرى فَأَنَا أذِنتُ لَهُ فى ذلِكَ ، وأنَا اُحِبُّهُ ، وإذا رَأيتَ عَبدى لا يَذكُرُنى فَأَنَا حَجَبتُهُ عَن ذلِكَ ، وأنَا أبغَضتُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : عَلامَهُ حُبِّ اللّهِ حُبُّ ذِكرِ اللّهِ ، وعَلامَهُ بُغضِ اللّهِ بُغضُ ذِكرِ اللّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا أنيسَ الذّاكِرينَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله أيضا : يا أنيسَ مَن لا أنيسَ لَهُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : إذا رَأَيتَ اللّهَ سُبحانَهُ يُؤنِسُكَ بِذِكرِهِ فَقَد أحَبَّكَ . (5)

.

1- .الدعوات: 20/18، بحار الأنوار: 93/160/41؛ كنز العمّال: 2/241/3923 نقلاً عن العسكرى فى المواعظ عن عمر وج 1/433/1870 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد وابن عساكر عن ابن عمر عنه صلى الله عليه و آله عن موسى عليه السلام .
2- .شُعب الإيمان : 1/367/410 ، الفردوس : 3 / 54 / 4141 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : 1 / 417 / 1776 ؛ جامع الأخبار : 352 / 979 ، مستدرک الوسائل : 5 / 286 / 5870 نقلاً عن لبّ اللباب للراوندى .
3- .البلد الأمين : 410 .
4- .البلد الأمين : 404 و ص 407 .
5- .غرر الحكم : 4040 .

6 / 4اُنس با خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به خداوند عز و جل : پروردگارا ! دوست داشتم بدانم کدام بنده ات را دوست می داری ، تا دوستش بدارم . خداوند فرمود : «هرگاه دیدی بنده ای بسیار مرا یاد می کند ، پس من به او اجازه یاد خود را داده ام و من او را دوست دارم؛ امّا هرگاه دیدی بنده ام مرا یاد نمی کند ، پس من او را از آن بازداشته ام و من او را دشمن می دارم» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : نشانه دوستی خدا ، دوست داشتن یاد خداست و نشانه دشمنی با خدا ، دشمنی با یاد کردن خداست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای همدمِ یادکنندگانت !

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای همدمِ بی همدمان !

امام علی علیه السلام : هرگاه دیدی خداوند عز و جل تو را همدم یاد خود ساخته ، در حقیقت ، تو را دوست داشته است .

.

عنه علیه السلام : الذِّکرُ لَذَّهُ المُحِبّینَ . (1)

عنه علیه السلام فی دُعاءٍ لَهُ : اللّهُمَّ إلَیکَ حَنَّت قُلوبُ المُخبِتینَ ، وبِکَ أنِسَتْ عُقولُ العاقِلینَ . (2)

عنه علیه السلام فی دُعاءٍ لَهُ یَلجَأُ فیهِ إلَی اللّه ِ لِیَهدِیَهُ إلَی الرَّشادِ : اللّهُمَّ إنَّکَ آنَسُ الآنِسینَ لِأولِیائِکَ ، وأحضَرُهُم بِالکِفایَهِ لِلمُتَوَکِّلینَ عَلَیکَ ، تُشاهِدُهُم فی سَرائِرِهِم ، وتَطَّلِعُ عَلَیهِم فی ضَمائِرِهِم ، وتَعلَمُ مَبلَغَ بَصائِرِهِم ؛ فَأسرارُهُم لَکَ مَکشوفَهٌ ، وقُلوبُهُم إلَیکَ مَلهوفَهٌ ، إن أوحَشَتهُمُ الغُربَهُ آنَسَهُم ذِکرُکَ ، وإن صُبَّت عَلَیهِمُ المَصائِبُ لَجَؤوا إلَی الاِستِجارَهِ بِکَ ؛ عِلما بِأنَّ أزِمَّهَ الاُمورِ بِیَدِکَ ، ومَصادِرَها عَن قَضائِکَ . (3)

الإمام الحسین علیه السلام فی دُعائِهِ یَومَ عَرَفَهَ : یا مَن أذاقَ أحِبّاءَهُ حَلاوَهَ المُؤانَسَهِ . (4)

عنه علیه السلام أیضا : أنتَ الَّذی أزَلتَ الأَغیارَ عَن قُلوبِ أحِبّائِکَ . . . أنتَ المونِسُ لَهُم حَیثُ أوحَشَتهُمُ العَوالِمُ . (5)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی مُناجاهِ الذّاکِرین : إلهی . . . أستَغفِرُکَ مِن کُلِّ لَذَّهٍ بِغَیرِ ذِکرِکَ ، ومِن کُلِّ راحَهٍ بِغَیرِ اُنسِکَ ، ومِن کُلِّ سُرورٍ بِغَیرِ قُربِکَ ومِن کُلِّ شُغلٍ بِغَیرِ طاعَتِکَ . (6)

.

1- .غرر الحکم : 670 .
2- .بحار الأنوار: 87 / 242 / 51 نقلاً عن مصباح السیّد ابن الباقی .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 227 .
4- .إقبال الأعمال : 349 .
5- .إقبال الأعمال : 349 .
6- .بحار الأنوار: 94 / 151 .

امام علی علیه السلام : یاد خدا ، لذّت دوستداران [خدا]است .

امام علی علیه السلام در یکی از دعاهایش : بارالها ! دل های افتادگان ، مشتاق توست و خردهای خردمندان ، با تو همدم شده است .

امام علی علیه السلام در دعایی که در آن به خدا پناهنده می شود تا او را به راه درست ، هدایت فرماید : بارالها ! تو برای دوستانت همدم ترینِ همدمانی و برای توکّل کنندگان به تو ، از همه کاردان تر. بر نهانی هایشانَ بینایی ، و از درون هایشان باخبر ، و از حدّ بینش آنان آگاه . رازهایشان بر تو آشکار است و دل هایشان شیفته تو . اگر غربت به وحشتشان اندازد ، یاد تو آرامشان می سازد و اگر مصیبت ها بر آنان فرو بارد ، به سوی تو پناه می آورند ؛ زیرا می دانند که سر رشته کارها به دست توست و خاستگاه آنها قضای تو .

امام حسین علیه السلام در دعای روز عَرَفه : ای آن که به دوستانش شیرینی همدمی را چشانده است !

امام حسین علیه السلام در دعای روز عرفه : این تویی که اغیار را از دل های دوستانت زدودی ... و چون جهان ها آنها را وحشت زده کند ، تو همدم آنانی .

امام سجاد علیه السلام در «مناجاهُ الذاکرین» : بارالها ! ... از هر لذّتی جز یاد تو ، از هر آسایشی جز همدمی تو ، از هر شادمانی ای جز نزدیکی به تو ، و از هر کاری جز فرمانبری ات، به درگاه تو آمرزش می خواهم .

.

عنه علیه السلام فی مُناجاتِهِ : یا مَن آنَسَ العارِفینَ بِطولِ مُناجاتِهِ ، وألبَسَ الخائِفینَ ثَوبَ مُوالاتِهِ . (1)

عنه علیه السلام فی دُعائِهِ : اللّهُمَّ . . . ألبِس قَلبِیَ الوَحشَةَ مِن شِرارِ خَلقِکَ ، وهَب لِیَ الاُنسَ بِکَ وبِأولِیائِکَ وأهلِ طاعَتِکَ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام : کانَ أمیرُالمُؤمِنینَ علیه السلام یَقولُ وهُوَ ساجِدٌ : اِرحَم ذُلّی بَینَ یَدَیکَ، وتَضَرُّعی إلَیکَ، ووَحشَتی مِنَ النّاسِ ، وأنسی بِکَ یا کَریمُ . (3) (4)

الحِمیَةُ مِنَ الدُّنیا رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا حَماهُ الدُّنیا ؛ کَما یَظَلُّ أحَدُکُم یَحمی سَقیمَهُ الماءَ . (5) 6 / 5

عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل یُعطِی الدُّنیا مَن یُحِبُّ ومَن لا یُحِبُّ ، ولا یُعطِی الدّینَ إلاّ لِمَن أحَبَّ ؛ فَمَن أعطاهُ اللّهُ الدّینَ فَقَد أحَبَّهُ . (6)

.

1- .الصحیفه السجّادیه (الجامعه) : 441 / 1199 .
2- .الصحیفه السجّادیه : 91 الدعاء 21 .
3- .فی الطبعه المعتمده «وآنسنی» ، والصحیح ما أثبتناه کما فی مرآه العقول : 15 / 139 .
4- .الکافی : 3 / 327 / 21 عن سعدان عن رجل .
5- .سنن الترمذی : 4 / 381 / 2036 ، المستدرک علی الصحیحین : 4 / 230 / 7464 ، صحیح ابن حبّان : 2/444/669، المعجم الکبیر:19/12/17، التاریخ الکبیر:7/185/823، شُعب الإیمان:7/321/10448نحوه ، مشکاه المصابیح: 2/666/5250 کلّها عن قتاده بن النعمان ، مسند الشهاب : 2 / 297 / 1397 عن رافع بن خدیج ، مسند أبی یعلی : 6 / 227 / 6830 ، أُسد الغابه : 4 / 50 / 3707 کلاهما عن عقبه بن رافع نحوه ، کنزالعمّال : 6 / 471 / 16597 ؛ تنبیه الخواطر : 2 / 32 نحوه .
6- .مسند ابن حنبل: 2/33/3672 ، المستدرک علی الصحیحین: 2/485/3671، شُعب الإیمان: 4/395/5524 کلّها عن عبداللّه بن مسعود،

كنز العمّال : 15/862/43431 ؛ الكافى : 2/215/2 ، المحاسن : 1 / 341 / 704 كلاهما عن مالک بن أعين ، تحف العقول : 300 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، التمحيص : 51/96 عن عبداللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: 68/203/2 .

امام سجاد علیه السلام در نیایشش : ای آن که با رازگویی طولانی اش ، همدم عارفان گشت و لباس دوستی اش را بر تن ترسیدگان پوشاند !

امام سجاد علیه السلام در دعایش : بارالها ! . . . قلبم را از وحشت آفریدگانِ بدت بپوشان و اُنس به خود و دوستان و فرمانبرانت را به من ببخش .

امام صادق علیه السلام : امیر مؤمنان در حال سجده می گفت : «بر ذلّتم در برابر خودت، مویه ام برایت ، گریزم از مردم و همدمی ام با تو، رحم کن ، ای کریم !» .

6 / 5پرهیز از دنیا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خدا بنده ای را دوست بدارد ، او را از دنیا می پرهیزانَد ، همان گونه که یکی از شما بیمار خود را از آب می پرهیزاند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دنیا را به کسی که دوست دارد و کسی که دوست ندارد ، می دهد؛ امّا دین را جز به کسی که دوست دارد ، نمی دهد . پس هر که خداوند به وی دین داده ، دوستش داشته است .

.

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ يَمنَحُ المالَ مَن يُحِبُّ ويُبغِضُ ، ولا يَمنَحُ العِلمَ إلاّ مَن أحَبَّ . (1)

عنه عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّهُ سُبحانَهُ عَبدا بَغَّضَ إلَيهِ المالَ ، وقَصَّرَ مِنهُ الآمالَ . (2)

عنه عليه السلام : مِمّا يَدُلُّکَ عَلى دَناءَهِ الدُّنيا أنَّ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ زَواها عَن أولِيائِهِ وأحِبّائِهِ ؛ نَظَرا وَاختِيارا ، وبَسَطَها لِأعدائِهِ ؛ فِتنَةً وَاختِبارا . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل يُعطِى الدُّنيا مَن يُحِبُّ ويُبغِضُ ، ولا يُعطِى الآخِرَةَ إلاّ مَن أحَبَّ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ الدُّنيا يُعطيهَا اللّهُ عز و جل مَن أحَبَّ ومَن أبغَضَ ، وإنَّ الإِيمانَ لا يُعطيهِ إلاّ مَن أحَبَّهُ . (5)

6 / 6الإِبتِلاءُ بِعَظيمِ البَلاءِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا اِبتَلاهُ بِعَظيمِ البَلاءِ ، فَمَن رَضِىَ فَلَهُ عِندَ اللّهِ الرِّضى ، ومَن سَخَطَ البَلاءَ فَلَهُ عِندَ اللّهِ السَّخَطُ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 3522 .
2- .غرر الحكم : 4110 .
3- .بحار الأنوار : 73 / 110 / 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
4- .فضائل الشيعه: 71/32، التمحيص: 51/92 كلاهما عن محمّدبن مسلم، المؤمن: 27/47، مشكاه الأنوار: 290.
5- .الكافى : 2 / 215 / 4 ، المحاسن : 1 / 342 / 705 كلاهما عن ميسّر ، تحف العقول : 374 ، مشكاه الأنوار : 291 وفيه «أهل صفوته من خلقه» بدل «من أحبّه» ، بحار الأنوار : 68 / 204 / 5 .
6- .الكافى : 2 / 253 / 8 عن زيد الزرّاد ، الخصال : 18 / 64 عن زيد الشحّام ، مشكاه الأنوار : 297 كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام ، التمحيص : 33 / 20 عن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول

: 41 نحوه وفيهما «من سخط فله السخط» ، بحار الأنوار : 67 / 209 / 11 ، راجع البلاء / ابتلاء أهل الإيمان على قدر المحبّه .

6 / 6 مبتلا شدن به بلای بزرگ

امام علی علیه السلام : خداوند سبحان ، مال را به آن که دوست می دارد و دشمن می دارد ، می بخشد؛ امّا دانش را جز به کسی که دوست دارد ، نمی بخشد .

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند سبحان ، بنده ای را دوست بدارد ، دارایی را مورد نفرتش قرار می دهد و آرزوهایش را کوتاه می گرداند .

امام علی علیه السلام : از جمله چیزهایی که پستی دنیا را به تو نشان می دهد ، آن است که خداوند عز و جل بساط آن را از روی عنایت و خیرخواهی ، از سرِ اولیا و دوستانش برکشیده و از روی ابتلا و آزمون ، آن را برای دشمنانش گسترده است .

امام باقر علیه السلام : خداوند عز و جل دنیا را هم به کسی که [خودْ] دوستش دارد و هم به کسی که دشمنش می دارد ، می بخشد؛ امّا آخرت را جز به کسی که دوستش دارد ، نمی بخشد .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل دنیا را هم به کسی که دوستش دارد و هم به کسی که دشمنش می دارد،می بخشد؛ امّا ایمان را جز به کسی که دوستش دارد، نمی بخشد .

6 / 6مبتلا شدن به بلای بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند عز و جلبنده ای را دوست بدارد ، او را به بلایی گرفتاری و مصیبتی بزرگ ، مبتلا می کند . پس اگر آن بنده راضی گشت ، بهره اش نزد خداوند ، رضایت است و اگر ناخشنود گشت ، بهره اش نزد خداوند ، ناخشنودی است .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ عِظَمَ الجَزاءِ مَعَ عِظَمِ البَلاءِ ، وإنَّ اللّه َ إذا أحَبَّ قَوما اِبتَلاهُم ، فَمَن رَضِىَ فَلَهُ الرِّضا ، ومَن سَخَطَ فَلَهُ السَّخَطُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ عز و جل إذا أحَبَّ قَوما اِبتَلاهُم ، فَمَن صَبَرَ فَلَهُ الصَّبرُ ، ومَن جَزِعَ فَلَهُ الجَزَعُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا اِبتَلاهُ ، فَإِن صَبَرَ اجتَباهُ ، فَإِن رَضِىَ اصطَفاهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ تَعالى إذا أحَبَّ عَبدا اِبتَلاهُ ، فَإِذَا ابتَلاهُ فَصَبَرَ كافَأهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا ألصَقَ بِهِ البَلاءَ ؛ فَإِنَّ اللّه َ عز و جل يُريدُ أن يُصافِيَهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله : يَقولُ البَلاءُ كُلَّ يَومٍ : إلى أينَ أتَوَجَّهُ ؟ فَيَقولُ اللّه ُ تَعالى : إلى أحبابى وأولى طاعَتى ، أبلوا بِكَ أخبارَهُم ، وأختَبِرُ بِكَ صَبرَهُم ، وأمَحِّصُ بِكَ ذُنوبَهُم ، وأرفَعُ بِكَ دَرَجاتِهِم . (6)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ عز و جل إذا أحَبَّ عَبدا اِبتَلاهُ ؛ لِيَسمَعَ صَوتَهُ . (7)

.

1- .سنن الترمذى: 4/601/2396، سنن ابن ماجه : 2/1338/4031، شُعب الإيمان : 7/144/9782، المعجم الأوسط : 3 / 302 / 3228 وليس فيه إلاّ «إذا أحبّ اللّه قوما ابتلاهم» وكلّها عن أنس ، حليه الأولياء : 7 / 11 عن سفيان الثورى وليس فيه صدره ، كنز العمّال : 3 / 331 / 6802 ؛ روضه الواعظين : 463 وفيه «أعظم» بدل «عظم» .
2- .مسند ابن حنبل: 9/159/23684 وص161/23695 وص163/23702 ، شُعب الإيمان: 7/145/9784 كلّها عن محمود بن لبيد ، كنز العمّال : 3 / 325 / 6776 .
3- .مسكّن الفؤاد: 80 ، بحار الأنوار: 82/142/26؛ الفردوس: 1/251/971 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

4- .درر الأحاديث : 34 عن يحيى بن الحسين .
5- .شُعب الإيمان : 7 / 146 / 9790 عن سعيد بن المسيّب .
6- .الفردوس : 5 / 475 / 8807 عن أنس ، كنز العمّال : 3 / 341 / 6850 .
7- .شُعب الإيمان : 7/146/9788 ، الفردوس : 1 / 251 / 970 وفيه «تضرّعه» بدل «صوته» وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : 3 / 334 / 6816 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 4 وفيه «تضرّعه» بدل «صوته» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بزرگی پاداش ، همراه بزرگیِ بلاست . خداوند ، هرگاه مردمی را دوست بدارد ، مبتلایشان می کند . پس هرکه خشنود گشت ، بهره اش خشنودی است و هرکه ناخشنود گشت ، بهره اش ناخشنودی است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل هرگاه مردمی را دوست بدارد ، مبتلایشان می کند . پس هرکه صبر کند ، بهره اش صبر است و هرکه بی تابی کند ، بهره اش بی تابی است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، مبتلایش می کند . پس اگر صبر کرد ، او را برمی گزیند و اگر خشنود گشت ، او را ویژه خود می گرداند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، او را مبتلا می کند و اگر او را مبتلا کرد و او صبر کرد ، پاداشش می دهد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، بلا (گرفتاری) را به او می پیوندد ؛ زیرا خداوند می خواهد او را خالص سازد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بلا هر روز می گوید : به کدام سو روم ؟ آن گاه خداوند متعال می فرماید : «به سوی دوستان و فرمانبرانم . با تو کارهایشان را می آزمایم ، با تو صبرشان را آشکار می کنم ، با تو گناهانشان را پاک می کنم و با تو بر منزلت آنان می افزایم» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل ، هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، او را مبتلا می کند تا صدای [دعای]او را بشنود .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّهُ عز و جل عَبدا صَبَّ عَلَيهِ البَلاءَ صَبّا ، وثَجَّهُ عَلَيهِ ثَجّا . فَإِذا دَعَا العَبدُ قالَ جِبريلُ : أى رَبِّ ، اِقضِ حاجَتَهُ ؟ فَيَقولُ تَعالى : دَعهُ ؛ فَإِنّى اُحِبُّ أن أسمَعَ صَوتَهُ . فَإِذا دَعا ، يَقولُ عز و جل : لَبَّيکَ عَبدى ، وعِزَّتى لَا تَسأَلُنى شَيئا إلاّ اُعطيکَ ، ولَا تَدعونى بِشَىءٍ إلاّ استَجَبتُ ، فَإِمّا أن اُعَجِّلَ لَکَ ، وإمّا أن أدَّخِرَ لَکَ أفضَلَ مِنهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ إذا أحَبَّ عَبدا أتحَفَهُ بِواحِدَهٍ مِن ثَلاثٍ : إمّا حُمّىً أو رَمَدٍ أو صُداعٍ . (2)

الدعوات : قال [النَّبىُّ صلى الله عليه و آله] : إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا اِبتَلاهُ ، فَإِذا أحَبَّهُ اللّهُ الحُبَّ البالِغَ اقتَناهُ . قالوا : ومَا اقتِناؤُهُ ؟ قالَ : ألاّ يَترُکَ لَهُ مالاً ولا وَلَدا . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى إذا أحَبَّ عَبدا غَتَّهُ بِالبَلاءِ غَتّا ، وثَجَّهُ بِالبَلاءِ ثَجّا . فَإِذا دَعاهُ ، قالَ : لَبَّيکَ عَبدى ، لَئِن عَجَّلتُ لَکَ ما سَأَلتَ إنّى عَلى ذلِکَ لَقادِرٌ ، ولَئِنِ ادَّخَرتُ لَکَ فَمَا ادَّخَرتُ لَکَ فَهُوَ خَيرٌ لَکَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ إذا أحَبَّ عَبدا بَعَثَ إلَيهِ مَلَکا ، فَيَقولُ : أسقِمهُ ، وشَدِّد البَلاءَ عَلَيهِ ، فَإِذا بَرَأَ مِن شَىءٍ فَابتَلِهِ لِما هُوَ أشَدُّ مِنهُ وقَوِّ عَلَيهِ حَتّى يَذکُرَنى ؛ فَإِنّى أشتَهى أن أسمَعَ دُعاءَهُ . (5)

.

1- .الفردوس : 1 / 251 / 972 ، تفسير الدرّ المنثور : 7 / 215 نقلاً عن ابن مردويه نحوه وكلاهما عن أنس ؛ مسند زيد : 420 نحوه وزاد فيه «وإمّا أن أدفع عنک من البلاء مثل ذلک» .
2- .أعلام الدين: 277، الخصال : 13 / 45، التمحيص : 42/47 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحارالأنوار: 67/246/87.
3- .الدعوات: 166/461 ، إرشاد القلوب : 26 وفيه «افتناه» بدل «اقتناه» ، بحار الأنوار : 81/188/45 ؛ الفردوس : 1/250/968 عن أبيعتبه الخولانينحوه، شرح نهج البلاغه : 18/318 مرفوعا، كنزالعمّال: 11/100/30793 نقلاً عن الطبرانى وابن عساكر عن أبى عقبه الخولانى .

4- .الكافى : 2 / 253 / 7 عن حمّاد عن أبيه ، المؤمن : 25 / 39 ، التمحيص : 34 / 25 عن سدير ، جامع الأخبار : 312 / 868 وفيه «عنّه بالبلاء عنّا» بدل «غتّه بالبلاء غتّا» و «بجّه بالبلاء بجّا» بدل «ثجّه بالبلاء ثجّا» ، بحارالأنوار : 67 / 208 / 10 .
5- .المؤمن: 26/44 ، وراجع التمحيص: 55/111 ، بحار الأنوار: 93/371/13؛ المعجم الكبير: 8/166/7697، شُعب الإيمان : 7 / 149 / 9801 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند عز و جلبنده ای را دوست بدارد ، بلا را سخت بر سر او سرازیر می کند و آن را سخت بر او می بارد . پس چون بنده دعا کند ، جبرئیل می گوید : «پروردگارا ! حاجتش را برآورم ؟». امّا خداوند متعال می گوید : «او را رها کن که من دوست دارم صدایش را بشنوم» و چون دعا کند ، خداوند عز و جلمی گوید : «بنده ام ، لبّیک ! به عزّتم سوگند که هرچه از من بخواهی ، به تو عطا می کنم و هرچه دعا کنی ، اجابت می نمایم ، [بدین معنا که] یا آن را زود برایت برمی آورم و یا بهتر از آن را برایت ذخیره می کنم» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، یکی از این سه را به او ارمغان خواهد داد : یا تب یا چشم درد و یا سر درد .

الدعوات : [پیامبر خدا]فرمود: «هرگاه خداوندْ بنده ای را دوست بدارد، مبتلایش می کند و چون او را بسیار دوست بدارد ، او را [برای خود]بر می گیرد» . پرسیدند : چگونه او را برمی گیرد ؟ فرمود : «نه مالی برایش می گذارد و نه فرزندی» .

امام باقر علیه السلام : خداوند متعال ، هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، او را در بلا ، نیک فرو می برد و بلا را سخت بر او سرازیر می کند . پس چون آن بنده دعا کند ، خداوند می گوید : «بنده ام ، لبّیک ! اگر [بخواهم] آنچه را از من درخواست کرده ای ، به سرعت برایت فراهم آورم ، بر این کار قادرم و اگر آن را برایت ذخیره کنم ، آنچه ذخیره کرده ام ، برایت بهتر است» .

امام صادق علیه السلام : خداوند هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، فرشته ای به سوی او می فرستد و می گوید : «بیمارش کن و بلا را بر او سخت کن . پس هرگاه از بیماری بهبود یابد ، او را به سخت تر از آن گرفتار کن و بیماری را بر او سخت گردان تا مرا یاد کند ؛ زیرا که من خوش دارم دعایش را بشنوم» .

.

عنه علیه السلام : إنَّ عَظیمَ الأَجرِ لَمَعَ عَظیمِ البَلاءِ ، وما أحَبَّ اللّه ُ قَوما إلاَّ ابتَلاهُم . (1)

6 / 7النَّوادِرالکتاب(أَلاَ إِنَّ أَوْلِیَآءَ اللَّهِ لاَ خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لاَ هُمْ یَحْزَنُونَ) . (2)

الحدیث رسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : إذا أحبَبتُم أن تَعلَموا ما لِلعَبدِ عِندَ اللّه ِ فَانظُروا ما یَتبَعُهُ مِنَ النّاسِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ تَعالی عَبدا نَصَبَ فی قَلبِهِ نائِحَةً مِنَ الخَوفِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا نَصَبَ فی قَلبِهِ نائِحَةً مِنَ الحُزنِ ؛ فَإِنَّ اللّه َ یُحِبُّ کُلَّ قَلبٍ حَزینٍ . (5)

.

1- .الکافی : 2 / 252 / 3 و ص 109 / 2 ، التمحیص : 31 / 6 کلّها عن زید الشحّام ، المؤمن : 24 / 36 ، مشکاه الأنوار : 297 ، بحار الأنوار : 71 / 408 / 21 .
2- .یونس : 62 .
3- .تاریخ دمشق : 13/374/3319 عن محمّد بن علیّ بن أبی طالب عن أبیه علیه السلام ، الموطّأ : 2 / 904 / 5 عن کعب الأحبار من دون إسناد إلیه صلی الله علیه و آله وفیه«الثناء» بدل «الناس»، کنز العمّال: 11/90/30742.
4- .أعلام الدین : 146 .
5- .عدّه الداعی : 155 ، أعلام الدین : 276 ، إرشاد القلوب : 96 .

امام صادق علیه السلام : پاداش بزرگ ، همراه بلای بزرگ است و خداوند ، مردمی را دوست نمی دارد ، مگر آن که مبتلایشان می کند .

6 / 7گوناگونقرآن(آگاه باشید که دوستان خدا ، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر دوست داشتید بدانید که بنده چه جایگاهی نزد خدا دارد ، ببینید مردم چه نظری درباره اش دارند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند متعال ، بنده ای را دوست بدارد ، نقطه ای سپید در قلبش پدید می آورد ، گوش های قلبش را می گشاید و فرشته ای بر او می گمارد ، تا بر راه راست ، استوارش دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، روزی اش را به اندازه قرار می دهد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أحَبَّ اللّه ُ تَعالى عَبدا نَكَتَ فى قَلبِهِ نُكتَةً بَيضاءَ ، وفَتَحَ مَسامِعَ قَلبِهِ ، ووَكَّلَ بِهِ مَلَكا يُسَدِّدُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ تَعالى إذا أحَبَّ عَبدا جَعَلَ رِزقَهُ كَفافا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : الأَخلاقُ مَنائِحُ مِنَ اللّهِ عز و جل ؛ فَإِذا أحَبَّ عَبدا مَنَحَهُ خُلُقا حَسَنا ، وإذا أبغَضَ عَبدا مَنَحَهُ خُلُقا سَيِّئا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله عَن جَبرَئيلَ عَنِ اللّهِ عز و جل : الإِخلاصُ سِرٌّ مِن أسرارِى ، استَودَعتُهُ قَلبَ مَن أحبَبتُ مِن عِبادى . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا ألهَمَهُ الصِّدقَ . (5)

عنه عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا زَيَّنَهُ بِالسَّكينَهِ وَالحِلمِ . (6)

عنه عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا حَبَّبَ إلَيهِ الأَمانَهَ . (7)

عنه عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا ألهَمَهُ رُشدَهُ ، ووَفَّقَهُ لِطاعَتِهِ . (8)

عنه عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّه ُ عَبدا وَعَظَهُ بِالعِبَرِ . (9)

.

1- .أعلام الدين : 135 ، الكافى : 2/214/7 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام و ج 1/166/2 ، التوحيد : 415 / 14 ، تفسير العيّاشى : 1 / 321 / 110 و ص 376 / 94 كلّها عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلاموفيها «إنّ اللّه إذا أراد بعبد خيرا» بدل «إذا أحبّ اللّه» ، بحار الأنوار : 68 / 211 / 17 .
2- .كنز العمّال : 3 / 390 / 7089 نقلاً عن أبى الشيخ عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .الاختصاص : 225 ، بحار الأنوار : 71 / 394 / 64 ؛ كنز العمّال : 3 / 15 / 5216 نقلاً عن العسكرى فى الأمثال عن عائشه .
4- .منيه المريد : 133 ، بحار الأنوار: 70 / 249 / 24 .

5- غرر الحكم : 4101 .
6- غرر الحكم : 4099 .
7- غرر الحكم : 4073 .
8- غرر الحكم : 4177 .
9- غرر الحكم : 4032 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خوی ها، بخشش های خداوند عزّوجل اند . از این رو ، هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد ، به او خویی خوش می بخشد و هرگاه بنده ای را دشمن بدارد ، به او خویی بد می بخشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل از خداوند عز و جل : اخلاص ، رازی از رازهای من است که آن را به قلب هریک از بندگانم که دوستش داشته باشم ، می سپارم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند متعال ، بنده ای را دوست بدارد ، مویه گری از ترس [خدا] را در قلبش قرار می دهد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند متعال بنده ای را دوست بدارد ، مویه گری از اندوه [امور اُخروی]را در قلبش قرار می دهد ؛ زیرا خداوند ، هر قلب اندوهگین را دوست دارد .

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد ، راستی را به او الهام می کند.

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، او را با آرامش و بردباری می آراید .

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، امانتداری را محبوبش می گرداند.

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، راه صواب و هدایتش را به او می نماید و او را توفیق فرمانبری از خود می دهد .

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد ، او را با عبرت ها پند می دهد.

.

عنه عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا رَزَقَهُ قَلبا سَليما ، وخُلُقا قَويما . (1)

عنه عليه السلام : السَّخاءُ وَالشَّجاعَهُ غَرائِزُ شَريفَهٌ ، يَضَعُهَا اللّهُ سُبحانَهُ فيمَن أحَبَّهُ وَامتَحَنَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : إذا أحَبَّ اللّهُ تَعالى عَبدا أَلهَمَهُ العَمَلَ بثَمانِ خِصالٍ : غَضِّ البَصَرِ عَنِ المَحارِمِ ، وَالخَوفِ مِنَ اللّهِ جَلَّ ذِكرُهُ ، وَالحَياءِ ، وَالحلفِ (3) ، [وَ] الصَّبرِ ، وَالأَمانَهِ ، وَالصِّدقِ ، وَالسَّخاءِ . (4)

عنه عليه السلام : إنَّ مِمّا أوحَى اللّهُ إلى موسى عليه السلام وأنزَلَ عَلَيهِ فِى التَّوراهِ : إنّى أنَا اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنَا ، خَلَقتُ الخَلقَ ، وخَلَقتُ الخَيرَ وأجرَيتُهُ عَلى يَدَى مَن اُحِبُّ ، فَطوبى لِمَن أجرَيتُهُ عَلى يَدَيهِ . (5)

عنه عليه السلام : الفَقرُ مَخزونٌ عِندَ اللّهِ كَالشَّهادَهِ ، ولا يُعطيهِما إلاّ مَن أحَبَّ مِن عِبادِهِ المُؤمِنينَ . (6)

عنه عليه السلام : اِجتَهَدتُ فِى العِبادَهِ وأنَا شابٌّ ، فَقالَ لى أبى : يا بُنَىَّ ، دونَ ما أراكَ تَصنَعُ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جلإذا أحَبَّ عَبدا رَضِىَ عَنهُ بِاليَسيرِ . (7)

عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل إذا أحَبَّ عَبدا فَعَمِلَ عَمَلاً قَليلاً جَزاهُ بِالقَليلِ الكَثيرَ ، ولَم يَتَعاظَمهُ أن يَجزِىَ بِالقَليلِ الكَثيرَ لَهُ . (8)

.

1- .غرر الحكم : 4112 .
2- .غرر الحكم : 1820 .
3- .هكذا فى المصدر ، والصحيح «الحلم» .
4- .معدن الجواهر : 63 .
5- .الكافى : 1/154/1 ، المحاسن : 1/440/1018 كلاهما عن معاويه بن وهب ، بحار الأنوار : 5 / 160 / 18 .
6- .مشكاه الأنوار : 291 ، جامع الأخبار : 306 / 838 ، التمحيص : 51 / 96 عن عبداللّه بن سنان نحوه ، بحارالأنوار: 72 / 52 / 81 .

7- .الكافى : 2 / 87 / 5 عن حفص بن البخترى وغيره ، بحار الأنوار: 71 / 213 / 7 .
8- .الكافى : 2 / 86 / 3 عن حنان بن سدير ، بحار الأنوار: 71 / 213 / 5 .

امام علی علیه السلام : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، قلبی سلیم و پاک و خویی استوار ، روزی اش می کند .

امام علی علیه السلام : بخشندگی و دلاوری، صفاتی ارجمند هستند که خداوند سبحان، آنها را در وجود هرکه دوستش بدارد و آزموده باشد ، می نهد .

امام صادق علیه السلام : هرگاه خداوند ، بنده ای را دوست بدارد ، عمل به هشت صفت را به او الهام می فرماید : چشمْ فرو پوشیدن از گناهان ، ترس از خداوند عز و جل ، شرم ، بردباری ، شکیبایی ، امانتداری ، راستی و بخشندگی .

امام صادق علیه السلام : از جمله آنچه خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد و در تورات بر او نازل فرمود ، این بود : «من خدایی هستم که جز من خدایی نیست . خلق را آفریدم و خیر را آفریدم و عمل به آن را بر دستان آن که دوست دارم ، جاری ساختم . پس خوشا به حال آن که خیر را بر دستانش جاری می سازم !» .

امام صادق علیه السلام : فقر ، همچون شهادت ، در خزانه خداوند است و آن را جز به بندگان مؤمنی که دوستشان دارد ، نمی بخشد .

امام صادق علیه السلام : در جوانی ، سخت در عبادت کوشا بودم . پدرم به من فرمود : «پسرکم ! کمتر از آنچه می بینم ، خودت را رنجه ساز که خداوند عز و جل هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، از او به کم ، خشنود می شود» .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل هرگاه بنده ای را دوست بدارد و او اندک کار خیری انجام دهد ، در برابر آن اندک ، به او پاداش بسیار می دهد و دادن پاداش بسیار در برابر کارِ اندک ، بر او سنگین نمی آید .

.

عنه علیه السلام : إذا أحَبَّ اللّهُ تَعالی عَبدا ألهَمَهُ الطّاعَهَ ، وألزَمَهُ القَناعَهَ ، وفَقَّهَهُ فِی الدّینِ ، وقَوّاهُ بِالیَقینِ ؛ فَاکتَفی بِالکَفافِ ، وَاکتَسی بِالعَفافِ . وإذا أبغَضَ اللّهُ عَبدا حَبَّبَ إلَیهِ المالَ ، وبَسَطَ لَهُ الآمالَ ، وألهَمَهُ دُنیاهُ ، ووَکَلَهُ إلی هَواهُ ؛ فَرَکِبَ العِنادَ ، وبَسَطَ الفَسادَ ، وظَلَمَ العِبادَ . (1)

عنه علیه السلام : إنَّ اللّهَ إذا أحَبَّ عَبدا عَصَمَهُ ، (وجَعَلَ غَناهُ فی نَفسِهِ) ، وجَعَلَ ثَوابَهُ بَینَ عَینَیهِ . (2)

عنه علیه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل أدَّبَ نَبِیَّهُ عَلی مَحَبَّتِهِ ، فَقالَ : «وَ إِنَّکَ لَعَلَی خُلُقٍ عَظِیمٍ » . (3) . . وقالَ عز و جل : «مَّن یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (4) . (5)

.

1- .أعلام الدین : 278 ، بحار الأنوار : 103 / 26 / 34 .
2- .المؤمن : 35 / 72 ، أعلام الدین : 438 وفیه «عظّمه» بدل «عصمه» و «نوره» بدل «ثوابه» .
3- .القلم : 4 .
4- .النساء : 80 .
5- .الکافی : 1/265/1 ، فضائل الشیعه : 70/30 ، المحاسن : 1/263/508 ، تفسیر العیّاشی : 1 / 259 / 203 ، الاُصول السنّه عشر (أصل عاصم بن حمید) : 34 ، بصائر الدرجات : 384 / 4 کلّها عن أبی إسحاق النحوی ، الاختصاص : 330 عن أبی إسحاق النحوی عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : 2 / 95 / 37 .

امام صادق علیه السلام : هرگاه خداوند متعال ، بنده ای را دوست بدارد ، فرمانبری را به او الهام می کند ، قناعت را همراهش می سازد ، فهم عمیق در دین را ارزانی اش می دارد و با یقین ، او را نیرومند می کند . در نتیجه آن بنده به روزیِ مورد نیازش بسنده می کند و لباس عفّت می پوشد . و هرگاه خداوند ، بنده ای را دشمن بدارد ، مال را محبوبش می گرداند و آرزوهایش را می گستراند و دنیاخواهی را به او الهام می کند و او را به هوای نفسش وا می گذارد . در نتیجه ، آن بنده بر توسن سرکشی می نشیند ، دامنه فساد را می گسترانَد و به بندگان ، ستم می کند .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، هرگاه بنده ای را دوست بدارد ، او را از گناهان ، حفظ می کند ، و بی نیازی اش را در جانش قرار می دهد ، و پاداشش را برابر چشمانش می نهد .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جلپیامبرش را بر اساس محبّت خود ، تربیت کرد و فرمود : «در حقیقت ، تو را خویی است والا» و نیز خداوند عز و جلفرمود : «هرکه از پیامبر فرمان بَرد ، از خداوندْ فرمان برده است» .

.

الفصل السابع: آثار محبَّه اللّه 7 / 1اِستِجابَهُ الدَّعَواتِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل : مَن أهانَ لى وَلِيّا فَقَد أرصَدَ لِمُحارَبَتى . وما تَقَرَّبَ إلَىَّ عَبدٌ بِشَىءٍ أحَبَّ إلَىَّ مِمَّا افتَرَضتُ عَلَيهِ ، وإنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إلَىَّ بِالنّافِلَهِ حَتّى اُحِبَّهُ ، فَإذا أحبَبتُهُ كُنتُ سَمعَهُ الَّذى يَسمَعُ بِهِ ، وبَصَرَهُ الَّذى يُبصِرُ بِهِ ، ولِسانَهُ الَّذى يَنطِقُ بِهِ ، ويَدَهُ الَّتى يَبطِشُ بِها ، إن دَعانى أجَبتُهُ ، وإن سَأَلَنى أعطَيتُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى قالَ : مَن عادى لى وَلِيّا فَقَد آذَنتُهُ بِالحَربِ . وما تَقَرَّبَ إلَىَّ عَبدى بِشَىءٍ أحَبَّ إلَىَّ مِمَّا افتَرَضتُ عَلَيهِ . وما يَزالُ عَبدى يَتَقَرَّبُ إلَىَّ بِالنَّوافِلِ حَتّى اُحِبَّهُ، فَإذا أحبَبتُهُ كُنتُ سَمعَهُ الَّذى يَسمَعُ بِهِ ، وبَصَرَهُ الَّذى يُبصِرُ بِهِ ، ويَدَهُ الَّتى يَبطِشُ بِها، ورِجلَهُ الَّتى يَمشى بِها، وإن سَأَلَنى لَأُعطِيَنَّهُ، ولَئِنِ استَعاذَنى لَأُعيذَنَّهُ . (2)

.

1- .الكافى : 2 / 352 / 7 عن حمّاد بن بشير عن الإمام الصادق عليه السلام و ح 8 عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، المحاسن : 1 / 454 / 1047 عن حنان بن سدير عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آلهوفيه «تحبّب» بدل «تقرّب» و «ليتحبّب» بدل «ليتقرّب» ، التوحيد : 399 / 1 ، علل الشرايع : 12 / 7 كلاهما عن أنس ، المؤمن : 32 / 61 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 70 / 22 / 21 .
2- .صحيح البخارى : 5 / 2385 / 6137 ، السنن الكبرى : 10 / 370 / 20980 كلاهما عن أبى هريره ، مسند ابن حنبل : 10 / 112 / 26253 عن عائشه ، كنز العمّال : 1 / 229 / 1156 .

7 / 1 استجابت دعاها

فصل هفتم : آثار خدا دوستی7 / 1استجابت دعاها رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «هرکس یکی از دوستانم را خوار سازد ، به پیکار من برخاسته است . هیچ بنده ای با چیزی محبوب تر در نزد من از آنچه بر او واجب ساخته ام، به من نزدیک نمی شود . بنده ، با کارهای مستحب به من نزدیک می شود ، تا آن جا که او را دوست می دارم . پس چون دوستش داشتم ، گوش شنوایش ، چشم بینایش ، زبان گویایش و دست نیرومندش می شوم. اگر مرا بخواند ، پاسخش می دهم و اگر از من بخواهد ، به او می بخشم» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال فرمود : «هرکس با یکی از دوستانم دشمنی کند ، به او اعلان جنگ می کنم . بنده ام با چیزی محبوب تر در نزد من از واجباتی که بر او واجب ساخته ام، به من نزدیک نمی شود . بنده ام با کارهای مستحب همچنان به من نزدیک می شود ، تا آن جا که دوستش می دارم . پس چون دوستش داشتم ، گوش شنوایش ، چشم بینایش ، دست کارایش و پای راهروش می شوم. اگر از من درخواست کند ، به او خواهم بخشید و اگر از من پناه جوید ، پناهش خواهم داد» .

.

عنه صلى الله عليه و آله: إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : ... ما يَزالُ عَبدى يَتَقَرَّبُ إلَىَّ بِالنَّوافِلِ حَتّى اُحِبَّهُ ؛ فَأكونَ أنَا سَمعَهُ الَّذى يَسمَعُ بِهِ ، وبَصَرَهُ الَّذى يُبصِرُ بِهِ ، ولِسانَهُ الَّذى يَنطِقُ بِهِ ، وقَلبَهُ الَّذى يَعقِلُ بِهِ ، فَإذا دَعا أجَبتُهُ ، وإذا سَألَنى أعطَيتُهُ . (1)

المناقب لابن شهرآشوب : رُوِىَ أ نَّهُ استَسقى عُبّادُ البَصرَهِ مِثلُ أيّوبَ السِّجِستانِىِّ ، وصالِحِ المَزنىّ ، وعُتبَهَ العلامِ ، وحَبيبٍ القادِسِىِّ ، ومالِكِ بنِ دينارٍ ، وأبى صالِحٍ الأعمى ، وجَعفَرِ بنِ سُلَيمانَ ، وثابِتٍ البَنانِىِّ ، ورابِعَهَ ، وسُعدانَهَ وَانصَرَفوا خائِبينَ ، فَإذا هُم بِفَتىً قَد أقبَلَ وقَد أكرَبَتهُ أحزانُهُ وأقلَقَتهُ أشجانُهُ ، فَطافَ بِالكَعبَهِ أشواطا ، ثُمَّ أقبَلَ عَلَينا وسَمّانا واحِدا واحِدا ، فَقُلنا : لَبَّيكَ يا شابُّ . فَقالَ : أما فيكُم أحَدٌ يُجيبُهُ الرَّحمنُ ؟! فَقُلنا : يا فَتى ، عَلَينَا الدُّعاءُ وعَلَيهِ الإجابَهُ . قالَ : اُبعُدوا عَنِ الكَعبَهِ ؛ فَلَو كانَ فيكُم أحَدٌ يُجيبُهُ الرَّحمنُ لَأجابَهُ . ثُمَّ أتَى الكَعبَهَ فَخَرَّ ساجِدا ، فَسَمِعتُهُ يَقولُ فى سُجودِهِ : «سَيِّدى ، بِحُبِّكَ لى إلاّ أسقَيتَهُمُ الغَيثَ» ، فَمَا استَتَمَّ الكَلامَ حَتّى أتاهُمُ الغَيثُ كَأفواهِ القِرَبِ . ثُمَّ وَلّى عَنّا قائِلاً : مَن عَرَفَ الرَّبَّ فَلَم تُغنِهِ مَعرِفَهُ الرَّبِّ فَهذا شَقِى ما ضَرَّ فِيالطّاعَهِ مانالَهُ فى طاعَهِ اللّهِ وماذا لَقِى ما يَصنَعُ العَبدُ بِعِزِّ الغِنى وَالعِزُّ كُلُّ العِزِّ لِلمُتَّقى فَسُئِلَ عَنهُ ، فَقالوا : هذا زَينُ العابِدينَ علَيه السلام . (2)

.

1- .المعجم الكبير: 8/206/7833 وص222/7880 نحوه وكلاهما عن أبيأُمامه، كنز العمّال: 1/229/1155 .
2- .المناقب لابن شهر آشوب: 4/140 ، الاحتجاج : 2 / 149 / 186 ، بحار الأنوار: 46/50 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید : ... «بنده ام با کارهای مستحب ، پیوسته به من نزدیک می شود ، تا آن جا که دوستش می دارم . در نتیجه ، گوش شنوایش ، چشم بینایش ، زبان گویایش و قلب دریابنده اش می شوم . اگر مرا بخواند ، پاسخش می دهم و اگر از من درخواست کند ، به او می بخشم» .

مناقب آل ابی طالب : منقول است که عابدان بصره ، مانند ایّوب سجستانی ، صالح مِزّی ، عُتبَه علاّم ، حبیب قادسی ، مالک بن دینار ، ابوصالح اعمی ، جعفر بن سلیمان ، ثابت بَنانی ، رابعه و سُعدانه ، از خداوند به دعا خواستار باران شدند ؛ امّا نومید بازگشتند . ناگاه جوانی که اندوه هایش او را غمگین ساخته و غم هایش او را بی قرار کرده بود پیش آمد و چند دور بر گِرد کعبه طواف کرد . سپس به سوی ما آمد و نام یکایک ما را گفت . گفتیم : ای جوان ، لبّیک ! گفت : «آیا در میان شما کسی نیست که خدای رحمان ، دوستش داشته باشد ؟». گفتیم : ای جوان ! از ما دعاست و از او اجابت ! گفت : «از کعبه دور شوید که اگر در میان شما کسی شایسته اجابت خدای مهربان بود ، تاکنون اجابتش کرده بود» . سپس به کعبه نزدیک شد و به سجده افتاد . پس از آن ، شنیدم که در سجده اش می گوید : «سرورم ! تو را به محبّتی که نسبت به من داری ، سوگند می دهم که بر آنان باران بباری» . هنوز سخنش تمام نشده بود که باران ، چون دهانه گشوده مشک ها بر ایشان فرو ریخت . سپس در حالی که این اشعار را می خواند ، از پیش ما رفت : «هرکه پروردگار را بشناسد و شناخت پروردگارش/ [از دیگران] بی نیازش نکند ، او شوربخت است . مؤمن حقیقی ، به سبب آنچه در راه طاعت خدا به سرش می آید/ و رنجی که می کشد ، دست از آن نمی کشد . بنده را با عزّتِ توانگران چه کار ،/ در حالی که همه عزّت ، از آنِ پرهیزگاران است ؟» . درباره نام آن جوان پرسیدند . گفتند : این ، زین العابدین است .

.

7 / 2لِقاءُ اللّهِ إرشاد القلوب فى حديث المعراج : [قالَ اللّهُ تعالى :] يا أحمَدُ ، هَل تَدرى أىُّ عَيشٍ أهنى ، وأىُّ حَياةٍ أبقى؟ قالَ : اللّهُمَّ لا . قالَ : أمَّا العَيشُ الهَنىءُ فَهُوَ الَّذى لا يَفتُرُ صاحِبُهُ عَن ذِكرى ، ولا يَنسى نِعمَتى ، ولا يَجهَلُ حَقّى ، يَطلُبُ رِضاىَ لَيلَهُ ونَهارَهُ . وأمَّا الحَياةُ الباقِيَهُ فَهِىَ الَّتى يَعمَلُ لِنَفسِهِ حَتّى تَهونَ عَلَيهِ الدُّنيا وتَصغُرَ فى عَينَيهِ ، وتَعظُمَ الآخِرَةُ عِندَهُ ، ويُؤثِرَ هَواىَ عَلى هَواهُ ، ويَبتَغىَ مَرضاتى ، ويُعَظِّمَ حَقَّ عَظَمَتى ، ويَذكُرَ عِلمى بِهِ ، ويُراقِبَنى بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ عِندَ كُلِّ سَيِّئَهٍ ومَعصِيَهٍ ، ويَنفىَ قَلبَهُ عَن كُلِّ ما أكرَهُ ، ويُبغِضَ الشَّيطانَ ووَساوِسَهُ ، لا يَجعَلَ لِإبليسَ عَلى قَلبِهِ سُلطانا وسَبيلاً . فَإذا فَعَلَ ذلِكَ أسكَنتُ فى قَلبِهِ حُبّا حَتّى أجعَلَ قَلبَهُ لى ، وفَراغَهُ وَاشتِغالَهُ وهَمَّهُ وحَديثَهُ مِنَ النِّعمَهِ الَّتى أنعَمتُ بِها عَلى أهلِ مَحَبَّتى مِن خَلقى ، وأفتَحَ عَينَ قَلبِهِ وسَمعِهِ حَتّى يَسمَعَ بِقَلبِهِ ويَنظُرَ بِقَلبِهِ إلى جَلالى وعَظَمَتى ، وأضَيِّقَ عَلَيهِ الدُّنيا ، وأبَغِّضَ إلَيهِ ما فيها مِنَ اللَّذّاتِ ، وأحَذِّرَهُ مِن الدُّنيا وما فيها كَما يُحَذِّرُ الرّاعى غَنَمَهُ مِن مَراتِعِ الهَلَكَهِ . فَإذا كانَ هكَذا يَفِرُّ مِنَ النّاسِ فِرارا ، ويَنقُلُ مِن دارِ الفَناءِ إلى دارِ البَقاءِ ، ومِن دارِ الشَّيطانِ إلى دارِ الرَّحمنِ . يا أحمَدُ ، لأُزَيِّنَهُ بِالهَيبَهِ وَالعَظَمَهِ . فَهذا هُوَ العَيشُ الهَنىءُ وَالحَياةُ الباقِيَهُ ، وهذا مَقامُ الرّاضينَ . فَمَن عَمِلَ بِرِضائى ألزِمُهُ ثَلاثَ خِصالٍ : أعَرِّفُهُ شُكرا لا يُخالِطُهُ الجَهلُ ، وذِكرا لا يُخالِطُهُ النِّسيانُ ، ومَحَبَّهً لا يُؤثِرُ عَلى مَحَبَّتى مَحَبَّهَ المَخلوقينَ . فَإذا أحَبَّنى أحبَبتُهُ ، وأفتَحُ عَينَ قَلبِهِ إلى جَلالى ، فَلا أخفى عَلَيهِ خاصَّهَ خَلقى ، فَأُناجيهِ فى ظُلَمِ اللَّيلِ ونورِ النَّهارِ حَتّى يَنقَطِعَ حَديثُهُ مِنَ المَخلوقينَ ومُجالَستُهُ مَعَهُم ، وأُسمِعُهُ كَلامى وكَلامَ مَلائِكَتى ، وأعَرِّفُهُ السِّرَّ الَّذى سَتَرتُهُ عَن خَلقى . (1)

.

1- .إرشاد القلوب : 204 ، بحار الأنوار : 77 / 28 / 6 .

7 / 2دیدار خدا إرشاد القلوب در ضمن حدیث «معراج» : [خداوند متعال فرمود :] «ای احمد ! می دانی کدام زندگی، گواراتر و کدام حیات ، پایدارتر است ؟». گفت : بارالها ! نه . فرمود : «اما زندگی گوارا آن است که دارنده اش ، از یادم خسته نمی شود، نعمتم را فراموش نمی کند ، حقّم را نادیده نمی گیرد و در شب و روزش ، جویای خشنودی من است . امّا حیات پایدار ، آن است که دارنده اش چنان برای خود عمل می کند که دنیا بر او خوار شود و در چشمانش کوچک گردد و آخرت ، نزدش بزرگ شود . خواسته ام را بر خواسته اش مقدّم می دارد و جویای خشنودی من است . حقّ بزرگیِ مرا به جای می آورد ، آگاهی مرا نسبت به خودش به یاد دارد و در شب و روز و در کنار هر زشتی و گناهی ، مرا مراقب خود می بیند و قلبش را از هر آنچه ناخوش می دارم ، می زداید . شیطان و وسوسه هایش را دشمن می دارد و برای شیطان بر قلبش سلطه ای و راهی نمی گذارد . پس چون چنین کند ، در قلبش محبّتی می نهم تا آن جا که قلبش را از آنِ خود می سازم و فراغت و اشتغال و اندیشه و سخنش را از نعمتی که به دوستانم در میان خلق بخشیده ام، ویژه خود می گردانم و چشم و گوش و قلبش را می گشایم تا آن که با قلبش بشنود و با قلبش به جلال و عظمتم بنگرد . دنیا را بر او تنگ می سازم و لذّت هایش را منفور او می گردانم و او را چنان از دنیا برحذر می دارم که شبان ، گوسفندانش را از چراگاه های هلاکتبار برحذر می دارد . پس چون چنین شود ، سخت از مردم می گریزد و از سرای ناپایدار ، به سرای پایدار و از سرای شیطان ، به سرای رحمان منتقل می گردد . ای احمد ! او را با هیبت و عظمت می آرایم . این است زندگی گوارا و حیات پایدار ، و این است مقام خشنودان . هرکس بر طبق خشنودی من رفتار کند، سه صفت را همراه او می سازم: به او شکری را می شناسانم که جهل با آن در نیامیزد ، و یادی که فراموشی با آن در نیامیزد ، و محبّتی که با وجود آن ، محبّت آفریدگان را بر محبّت من مقدّم ندارد . پس چون مرا دوست بدارد ، دوستش می دارم و چشم دلش را به سوی جلالم می گشایم و خاصّانِ خلقم را از او پنهان نمی دارم و در تاریکی های شب و روشنایی های روز ، با او رازگویی می کنم تا آن که از سخن گفتن با آفریدگان و همنشینی با آنان ببُرد و سخن خود و سخن فرشتگان را به او بشنوانم و رازی را که از خلقم پنهان داشته ام ، به او بشناسانم» .

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّهَ أوحى إلى موسى عليه السلام : مَن أحَبَّ حَبيبا أنِسَ بِهِ ، ومَن أنِسَ بِحَبيبٍ صَدَّقَ قَولَهُ ورَضِىَ فِعلَهُ ، ومَن وَثَقَ بِحَبيبٍ اِعتَمَدَ عَلَيهِ ، ومَنِ اشتاقَ إلى حَبيبٍ جَدَّ فِى السَّيرِ إلَيهِ . يا موسى ، ذِكرى لِلذّاكِرينَ ، وزِيارَتى لِلمُشتاقينَ ، وجَنَّتى لِلمُطيعينَ ، وأنَا خاصَّةً لِلمُحِبّينَ . (1)

حليه الأولياء عن إبراهيم بن أدهم : إنَّ اللّهَ تَعالى أوحى إلى يَحيَى بنِ زَكَرِيّا عليهماالسلام : يا يَحيى ، إنّى قَضَيتُ عَلى نَفسى أن لا يُحِبَّنى عَبدٌ مِن عِبادى أعلَمُ ذلِكَ مِنهُ إلاّ كُنتُ سَمعَهُ الَّذى يَسمَعُ بِهِ ، وبَصَرَهُ الَّذى يُبصِرُ بِهِ ، ولِسانَهُ الَّذى يَتَكَلَّمُ بِهِ ، وقَلبَهُ الَّذى يَفهَمُ بِهِ . فَإذا كانَ ذلِكَ كَذلِكَ بَغَّضتُ إلَيهِ الاِشتِغالَ بِغَيرى ، وأدَمتُ فِكرَتَهُ ، وأسهَرتُ لَيلَهُ ، وأظمَأتُ نَهارَهُ . يا يَحيى ، أنَا جَليسُ قَلبِهِ ، وغايَهُ أُمنِيَّتِهِ وأمَلِهِ ، أهَبُ لَهُ كُلَّ يَومٍ وساعَهٍ فَيَتَقَرَّبُ مِنّى وأتَقَرَّبُ مِنهُ ، أسمَعُ كَلامَهُ ، وأُجيبُ تَضَرُّعَهُ . فَوَعِزَّتى وجَلالى لَأبعَثَنَّهُ مَبعَثا يَغبِطُهُ بِهِ النَّبِيّونَ وَالمُرسَلونَ ، ثُمَّ آمُرُ مُنادِيا يُنادى : هذا فُلانُ بنُ فُلانٍ ، وَلِيُّ اللّهِ وصَفِيُّهُ وخِيَرَتُهُ مِن خَلقِهِ دَعاهُ إلى زِيارَتِهِ ؛ لِيَشفِىَ صَدرَهُ مِنَ النَّظَرِ إلى وَجهِهِ الكَريمِ . (2)

.

1- .إرشاد القلوب : 100 ، عدّه الداعى : 237 ، أعلام الدين : 279 كلاهما عن وهب بن منبّه نحوه وفيهما «أوحى اللّه إلى داود عليه السلام» ، بحار الأنوار : 77 / 42 / 10 ، راجع : الترغيب / فضل محبّه اللّه .
2- .حليه الأولياء : 10 / 82 .

امام علی علیه السلام : خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد : «هرکه محبوبی را دوست بدارد ، با او همدم می شود و هرکه با محبوبی همدم گشت ، سخنش را تصدیق می کند و از کردارش خشنود می شود ، و هرکه به محبوبی اطمینان کند ، به او اعتماد می ورزد و هرکه مشتاق محبوبی شود ، در رفتن به سویش می کوشد . ای موسی ! یادم از آنِ یادآوران ، دیدارم از آنِ شیفتگان ، و بهشتم از آنِ فرمانبران است و من خود ، ویژه دوستدارانم هستم» .

حلیه الأولیاء به نقل از ابراهیم بن ادهم : خداوند متعال به یحیی بن زکریا علیهماالسلام وحی کرد : «ای یحیی ! با خود عهد بسته ام که هرگاه بنده ای از بندگانم مرا دوست بدارد و این حالت را از او بدانم و ببینم،گوش شنوایش، چشم بینایش، زبان گویایش و قلب دریابنده اش شوم. پس چون چنین شود ، پرداختن به جز مرا منفورِ او می گردانم ، فکرش را دوام می بخشم و شبش را به شب زنده داری و روزش را به روزه داری خواهم گذرانْد . ای یحیی ! من همنشین قلبش و نهایت امید و آرزویش هستم و هر روز و هر ساعت به او می بخشم . پس به من نزدیک می شود و من به او نزدیک می شوم ، سخنش را می شنوم و زاری اش را پاسخ می دهم . به عزّت و جلالم سوگند که او را منزلتی خواهم داد که پیامبران و رسولان ، به سبب آن بر او رشک خواهند برد . سپس به مُنادی ای فرمان می دهم که ندا کند : این ، فلانی پسر فلانی است ؛ ولیّ و دوست صمیمی خداست و برگزیده اش از میان خلقش . خداوند ، او را به زیارت خود خوانده است تا سوز درونش را با دیدار رخسار بزرگوار خویش شفا بخشد».

.

المحجّه البيضاء : فى أخبارِ داودَ عليه السلام : إنَّ اللّه َ عز و جل أوحى إلَيهِ : يا داودُ ، إلى كَم تَذكُرُ الجَنَّهَ ولا تَسأَلُنِى الشَّوقَ إلَىَّ ؟! قالَ : يا رَبِّ ، مَنِ المُشتاقونَ إلَيکَ ؟ قالَ : إنَّ المُشتاقينَ إلَىَّ الَّذينَ صَفَّيتُهُم مِن كُلِّ كَدَرٍ ، وأنبَهتُهُم بِالحَذَرِ ، وخَرَقتُ مِن قُلوبِهِم إلَىَّ خَرقا يَنظُرونَ إلَىَّ . . . يا داودُ ، إنّى خَلَقتُ قُلوبَ المُشتاقينَ مِن رِضوانى ، ونَعَّمتُها بِنورِ وَجهى ، وَاتَّخَذتُهُم لِنَفسى مُحَدَّثينَ ، وجَعَلتُ أبدانَهُم مَوضِعَ نَظَرِى إلَى الأَرضِ ، وقَطَعتُ مِن قلُوبِهِم طَريقا يَنظُرونَ بِهِ إلَىَّ ، يَزدادونَ فى كُلِّ يَومٍ شَوقا . (1)

الإمام علىٌّ عليه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يَزورُ أهلُ الجَنَّهِ الرَّبَّ تَبارَکَ وتَعالى فى كُلِّ يَومِ جُمُعَهٍ، وذَكَرَ ما يُعطَونَ ، قالَ : ثُمَّ يَقولُ اللّهُ تَعالى : اِكشِفُوا الحُجُبَ . فَيَكشِفوا حِجابا ثُمَّ حِجابا حَتّى يَتَجَلّى لَهُم تَبارَکَ وتَعالى عَن وَجهِهِ فَكَأَنَّهُم لَم يَرَوا نِعمَهً قَبلَ ذلِکَ ، وهُوَ قَوله تَعالى : «وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ » . (2)

.

1- .المحجّه البيضاء: 8 / 59 .
2- .كنز العمّال : 2 / 509 / 4614 نقلاً عن أبى القاسم اللالكائى .

المحجّه البیضاء : در اخبار داوود علیه السلام آمده است که خداوند عز و جل به او وحی کرد : «ای داوود!تاکی ازبهشت یاد می کنی وشوق دیدارمرادرخواست نمی کنی؟». گفت : پروردگارا ! مشتاقانت کیان اند ؟ فرمود : «مشتاقانم ، کسانی هستند که آنان را از هر غبار کدورتی پیراسته ام و با پرهیز ، هشیارشان ساخته ام و حجاب را از برابر دل هایشان چنان برداشته ام که به من می نگرند . . . ای داوود ! من دل های مشتاقان را از رضوان (خشنودی) خود آفریده ام و با نور رخسارم پروریده ام و آنان را چونان سخنگویانی برای خود برگزیده ام و پیکرهایشان را جایگاه نگاهم به زمین ساخته ام و از دل هایشان راهی به سوی خود گشوده ام که از آن به من می نگرند و هر روز ، بر شوقشان افزوده می شود» .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بهشتیان هر روز جمعه با پروردگار متعال دیدار می کنند» . سپس حضرت ، آنچه را که به آنان عطا می شود یاد کرد و افزود: «آن گاه خداوند متعال می فرماید : "پرده ها را بردارید" . پس از آن پرده ها یکی یکی برداشته می شوند ، تا آن که خداوند متعال با رخسار بزرگوارش چنان بر آنان تجلّی می کند که گویی پیش از آن ، هیچ نعمتی ندیده اند؛ و این است معنای گفته خداوند متعال : «و بیش از آن نزد ماست» » .

.

المحجّه البيضاء : فى أخبارِ داودَ : . . . قُل لِعِبادِىَ المُتَوَجِّهينَ إلَىَّ بَمَحَبَّتى : ما ضَرَّكُم إذَا احتَجَبتُم عَن خَلقى ؛ إذ رَفَعتُ الحِجابَ فيما بَينى وبَينَكُم حَتّى تَنظُروا إلَىَّ بِعُيونِ قُلوبِكُم ؟! ما ضَرَّكُم ما زَوَيتُ عَنكُم مِنَ الدُّنيا ؛ إذ بَسَطتُ دينى لَكُم ؟! وما ضَرَّكُم مَسخَطَهُ الخَلقِ إذَا التَمَستُم رِضاىَ ؟! (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاهِ العارِفين : إلهى ، فَاجعَلنا مِنَ الَّذينَ تَوَشَّحَت أشجارُ الشَّوقِ إلَيكَ فى حَدائِقِ صُدورِهِم ، وأخَذَت لَوعَهُ مَحَبَّتِكَ بِمَجامِعِ قُلوبِهِم . . . وقَرَّت بِالنَّظَرِ إلى مَحبوبِهِم أعيُنُهُم . (2)

عنه عليه السلام فِى مُناجاهِ المُحبّينَ : إلهى ، مَن ذَا الَّذى ذاقَ حَلاوَهَ مَحَبَّتِكَ فَرامَ مِنكَ بَدَلاً ! ومَن ذَا الَّذى أنِسَ بِقُربِكَ فَابتَغى عَنكَ حِوَلاً ! إلهى ، فَاجعَلنا مِمَّن اصطَفَيتَهُ لِقُربِكَ ووِلايَتِكَ ، وأخلَصتَهُ لِوُدِّكَ ومَحَبَّتِكَ ، وشَوَّقتَهُ إلى لِقائِكَ ، ورَضَّيتَهُ بِقَضائِكَ ، ومَنَحتَهُ بِالنَّظَرِ إلى وَجهِكَ ، وحَبَوتَهُ بِرِضاكَ ، وأعَذتَهُ مِن هَجرِكَ وقَلاكَ ، وبَوَّأتَهُ مَقعَدَ الصِّدقِ فى جِوارِكَ ، وخَصَصتَهُ بِمَعرِفَتِكَ ، وأهَّلتَهُ لِعِبادَتِكَ ، وهَيَّمتَهُ لاِءِرادَتِكَ ، وَاجتَبَيتَهُ لِمُشاهَدَتِكَ ، وأخلَيتَ وَجهَهُ لَكَ ، وفَرَّغتَ فُؤادَهُ لِحُبِّكَ ، ورَغَّبتَهُ فيما عِندَكَ ، وألهَمتَهُ ذِكرَكَ ، وأوزَعتَهُ شُكرَكَ ، وشَغَلتَهُ بِطاعَتِكَ ، وصَيَّرتَهُ مِن صالِحى بَرِيَّتِكَ ، وَاختَرتَهُ لِمُناجاتِكَ ، وقَطَعتَ عَنهُ كُلَّ شَىءٍ يَقطَعُهُ عَنكَ . اللّهُمَّ اجعَلنا مِمَّن دَأبُهُمُ الاِرتِياحُ إلَيكَ وَالحَنينُ ، ودَهرُهُمُ الزَّفرَهُ وَالأنينُ ، جِباهُهُم ساجِدَهٌ لِعَظَمَتِكَ ، وعُيونُهُم ساهِرَهٌ فى خِدمَتِكَ ، ودُموعُهُم سائِلَهٌ مِن خَشيَتِكَ ، وقُلوبُهُم مُتَعَلِّقَهٌ بِمَحَبَّتِكَ ، وأفئِدَتُهُم مُنخَلِعَهٌ مِن مَهابَتِكَ . يا مَن أنوارُ قُدسِهِ لِأبصارِ مُحِبّيهِ رائِقَهٌ ، وسُبُحاتُ وَجهِهِ لِقُلوبِ عارِفيهِ شائِقَهٌ ، يا مُنى قُلوبِ المُشتاقينَ ، ويا غايَهَ آمالِ المُحِبّينَ ، أسألُكَ حُبَّكَ ، وحُبَّ مَن يُحِبُّكَ ، وحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يوصِلُنى إلى قُربِكَ ، وأن تَجعَلَكَ أحَبَّ إلَىَّ مِمّا سِواكَ ، وأن تَجعَلَ حُبّى إيّاكَ قائِدا إلى رِضوانِكَ ، وشَوقى إلَيكَ ذائِدا عَن عِصيانِكَ ، وَامنُن بِالنَّظَرِ إلَيكَ عَلَىَّ ، وَانظُر بِعَينِ الوُدِّ وَالعَطفِ إلَىَّ ، ولا تَصرِف عَنّى وَجهَكَ ، وَاجعَلنى مِن أهلِ الإسعادِ وَالحُظوَهِ عِندَكَ ، يا مُجيبُ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (3)

.

1- .المحجّه البيضاء : 8 / 61 .
2- .بحار الأنوار : 94 / 150 .

3- .بحار الأنوار : 94 / 148 .

المحجّه البیضاء : در اخبار داوود علیه السلام آمده است : «به بندگانم که با محبّتم به من روی آورده اند ، بگو که : در پرده شدنتان از خلقم ، زیانی به شما زیانی نمی زند ؛ زیرا پرده میان خود و شما را برداشته ام ، تا با چشم دلتان به من بنگرید . این که بساط دنیا را از برابر شما در هم پیچیده ام ، زیانی به شما نمی زند ؛ زیرا دین خود را برایتان گسترده ام و چون خشنودی مرا می جویید ، ناخشنودی خلق به شما زیانی نمی رساند» .

امام سجّاد علیه السلام در «مناجاهُ العارفین» : بارالها ! ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق تو در باغ سینه هاشان، شاخه گسترده و آتش محبّتت ، دل هایشان را فرا گرفته است ... و چشمانشان با نگریستن به تو روشن گشته است .

امام سجاد علیه السلام در «مناجاهُ المحبّین» : بارالها ! چه کسی شیرینی محبّت تو را چشید و پس از آن ، در پیِ جایگزینی برایت برآمد ؟ چه کسی به نزدیکی با تو اُنس گرفت و پس از آن ، خواستار جابه جایی از کنارت شد ؟ بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای نزدیکی و دوستی ات برگزیدی ، و برای محبّت و دوستی ات خالصشان ساختی ، و به دیدارت مشتاقشان کردی ، و به قضایت خشنودشان نمودی ، و نگریستن به رخسارت را به آنان بخشیدی ، و خشنودی ات را به آنان عطا کردی ، و از دوری و هجرانت ایمنشان ساختی ، و در کنارت در جایگاهی راستینْ جایشان دادی ، و شناختت را ویژه ایشان ساختی ، و آنان را اهلیّت عبادتت دادی و شیفته اراده ات کردی ، و برای مشاهده خودت برگزیدی و چهره ات را برایشان بی پرده ساختی و دلشان را به دوستی خودت پرداختی و آنان را خواستار آنچه نزدت هست ، نمودی ، و یادت را به آنان الهام نمودی ، و آنان را وادار به کرگزاری ات کردی و به فرمانبری ات مشغولشان ساختی ، و آنان را از صالحانِ خلقت قرار دادی و آنان را برای رازگویی ات برگزیدی و هر آنچه آنان را از تو بِبُرَد ، از آنان بریدی . بارالها ! ما را از کسانی قرار ده که عادتشان شادابی و شوق به تو باشد و روزگارشان در سوز و گداز و ناله [از هجران تو]به سر شود . پیشانی هایشان برای عظمت تو به سجده درآمده ، چشمانشان در خدمت به تو شب ها بیدار مانده، اشک هایشان از هراس توریزان است،قلب هایشان به محبّتت پیوسته ، و دل هایشان از هیبت و شُکوه تو برکَنده است . ای آن که روشنی های قِداستش برای چشمان دوستدارانش می درخشد و درخشش

های رخسارش برای دل های شناسندگانش شوق آور است ! ای امید دل های مشتاقان و ای نهایت آرزوهای دوستداران ! دوستی تو را و دوستی آنان را که دوستت دارند و دوستی هر آن عملی را که مرا به نزدیکی تو می رساند ، از تو مسئلت می کنم . از تو می خواهم که خودت را نزدم محبوب تر از هر آنچه جز توست ، قرار دهی و دوستی مرا نسبت به خودت ، راهبر به سوی خشنودی ات و شوق مرا به تو ، بازدارنده از نافرمانی ات قرار دهی . بر من منّت بگذار تا به تو بنگرم ، و با نگاه دوستی و توجّه به من بنگر و رخسارت را از من برمگردان و مرا از سعادتمندان و بهره مندان نزد خودت قرار بده ، ای اجابت کننده و ای مهربان ترین مهربانان !

.

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّما اُولُو الأَلبابِ الَّذينَ عَمِلوا بِالفِكرَهِ حَتّى وَرِثوا مِنهُ حُبَّ اللّه ِ ؛ فَإِنَّ حُبَّ اللّه ِ إذا وَرِثَهُ القَلبُ استَضاءَ ، وأسرَعَ إلَيهِ اللُّطفُ ، فَإِذا نَزَلَ مَنزِلَهَ اللُّطفِ صارَ مِن أهلِ الفَوائِدِ ؛ تَكَلَّمَ بِالحِكمَهِ ، فَإِذا تَكَلَّمَ بِالحِكمَهِ صارَ صاحِبَ فِطنَهٍ ، فَإِذا نَزَلَ مَنزِلَهَ الفِطنَهِ عَمِلَ بِها فِى القُدرَهِ ، فَإِذا عَمِلَ بِها فِى القُدرَهِ عَرَفَ الأَطباقَ السَّبعَهَ ، فَإِذا بَلَغَ إلى هذِهِ المَنزِلَهِ صارَ يَتَقَلَّبُ فِكرُهُ بِلُطفٍ وحِكمَهٍ وبَيانٍ ، فَإِذا بَلَغَ هذِهِ المَنزِلَهَ جَعَلَ شَهوَتَهُ ومَحَبَّته (1) فى خالِقِهِ ، فَإِذا فَعَلَ ذلِكَ نَزَلَ المَنزِلَهَ الكُبرى ؛ فَعايَنَ رَبَّهُ فى قَلبِهِ ، ووَرِثَ الحِكمَهَ بِغَيرِ ما وَرِثَهُ الحُكَماءُ ، ووَرِثَ العِلمَ بِغَيرِ ما وَرِثَهُ العُلَماءُ ، ووَرِثَ الصِّدقَ بِغَيرِ ما وَرِثَهُ الصِّدّيقونَ . (2)

.

1- .فى المصدر «مَحَبَّه» والصحيح ما أثبتناه .
2- .مختصر بصائر الدرجات : 122 ، كفايه الأثر : 257 نحوه وليس فيه «فإذا بلغ إلى هذه المنزله صار يتقلّب فكره بلطف وحكمه وبيان» وكلاهما عن يونس بن ظبيان ، بحار الأنوار : 70 / 25 / 26 .

امام صادق علیه السلام : خردمندان ، در حقیقت ، کسانی هستند که اندیشه شان را به کار بستند ، تا آن که از آن ، خدا دوستی را به میراث بردند ؛ زیرا چون قلبْ خدا دوستی را به میراث بَرَد ، روشنی می گیرد و لطف و توجّه به سویش می شتابد. پس چون به منزلت لطف و توجّه برسد، از فایده مندان می گردد؛ یعنی حکیمانه سخنی می گوید . پس چون حکیمانه سخن بگوید ، دارای هشیاری و زیرکی می شود . پس چون به منزلتِ زیرکی برسد ، آن را در راه قدرت به کار می برد و چون آن را در راه قدرت به کار بَرَد ، طبقات هفتگانه را می شناسد و چون به این منزلت برسد ، اندیشه اش با لطف ، حکمت و بیان ، همراه می شود و آنها را به کار می بندد و چون به این منزلت برسد ، خواسته و دوستی اش را در راه خالق خود قرار می دهد . پس چون چنین کرد ، به منزلتِ بزرگ تر می رسد و خدا را با چشمِ دلش می بیند و حکمت را از راهی جز راه حکیمان به میراث می بَرد ، و علم را از راهی جز راه عالمان به میراث می بَرَد و صدق را از راهی جز راه صدّیقان به میراث می برد .

.

7 / 3خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهالكتاب(مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْأَخِرَهِ) . (1)

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : القَلْبُ ثَلاثَهُ أنْواعٍ ، قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنيا ، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبى ، وَقَلبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَولَى ، أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيا فَلَهُ الشِّدَّهُ وَالْبَلاءُ ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالعُقْبى فَلَهُ الدَّرَجاتُ العُلى ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلى فَلَهُ الدُّنْيا وَالعُقْبى وَالْمَولى . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى الدّعاء : وَانْهَجْ لى إلى مَحَبَّتِکَ سَبيلاً سهلَهً ، أكمِل لى بِها خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (3)

7 / 4النَّوادِرالكتاب(وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَرَى نَحْنُ أَبْنَؤُاْ اللَّهِ وَأَحِبَّؤُهُو قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَلِلَّهِ مُلْکُ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ) . (4)

.

1- .النساء : 134 .
2- .المواعظ العدديّه : 146 .
3- .الصحيفه السّجاديه : 87 الدعاء 20 .
4- .المائده : 18 .

7 / 3 خیر دنیا و آخرت

7 / 4 گوناگون

7 / 3خیر دنیا و آخرتقرآن(هر که خواستار پاداش دنیاست ، پس [بداند که]ثواب دنیا و آخرت ، در نزد خداوند است) .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : قلب ها سه گونه اند : قلبی مشغول به دنیا ، قلبی مشغول به عُقبا و قلبی مشغول به مولا . امّا قلب مشغول به دنیا را سختی و بلاست . امّا قلب مشغول به عُقبا را درجات والاست ؛ و امّا قلب مشغول به مولا را دنیا و عُقبا و مولاست .

امام سجّاد علیه السلام در دعا : و به سوی محبّتت ، راهی آسان برایم بگشا که بدان ، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردانی .

ر . ک : ص 379 (ح 915) .

7 / 4گوناگونقرآن(یهودیان و مسیحیان گفتند : ما فرزندان و دوستان خدا هستیم . بگو : «پس چرا شما را به سبب گناهانتانْ عذاب می کند ؟ بلکه شما انسان هایی از جمله آفریدگان هستید . هرکس را بخواهد ، می آمرزد و هرکس را بخواهد ، عذاب می کند . فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنهاست ، از آنِ خداست و بازگشت به سوی اوست») .

.

(قُلْ يَأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُواْ إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَدِقِينَ) . (1)

الحديث الإمام الصادق عليه السلام : مَن أحَبَّ اللّهَ أحَبَّهُ اللّهُ ، ومَن أحَبَّهُ اللّهُ عز و جل كانَ مِن الآمِنينَ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن آثَرَ مَحَبَّةَ اللّهِ عَلى مَحَبَّهِ نَفسِهِ كَفاهُ اللّهُ مُؤنَةَ النّاسِ . (3)

الأمالى للطوسى عن وهب بن منبّه : قَرَأتُ فى زَبورِ داودَ عليه السلام : . . يا داودُ ، اِسمَع مِنّى ما أقولُ وَالحَقَّ أقولُ : مَن أتانى وهُوَ يُحِبُّنى أدخَلتُهُ الجَنَّهَ . (4)

مستدرک الوسائل : سَأَلَ أعرابِىٌّ عَلِيّا عليه السلام عَنِ دَرَجاتِ المُحِبّينَ ما هِىَ؟ قالَ : أدنى دَرَجاتِهِم مَنِ استَصغَرَ طاعَتَهُ وَاستَعظَمَ ذَنبَهُ وهُوَ يَظُنُّ أن لَيسَ فِى الدّارَينِ مَأخوذٌ غَيرُهُ . فَغُشِىَ عَلَى الأعرابِىِّ ، فَلَمّا أفاقَ، قالَ : هَل دَرَجَهٌ أعلى مِنها؟ قالَ : نَعَم ، سَبعونَ دَرَجَهً . (5)

الإمام علىّ عليه السلام : حُبُّ اللّهِ نارٌ لا يَمُرُّ عَلى شَىءٍ إلاّ احتَرَقَ ، ونورُ اللّهِ لا يَطلُعُ عَلى شَىءٍ إلاّ أضاءَ . (6)

.

1- .الجمعه : 6 .
2- .الخصال : 188 / 259 ، علل الشرايع : 13 / 8 ، الأمالى للصدوق : 92 / 65 كلّها عن يونس بن ظبيان ، روضه الواعظين : 456 وفيه «وكان» بدل «ومن أحبّه اللّه عز و جل كان » ، بحار الأنوار : 70 / 18 / 9 .
3- .كنز العمّال : 15 / 790 / 43127 نقلاً عن أبى عبد الرحمن السلمى و ح 43128 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن عائشه وفيه «الناس» بدل «نفسه» .
4- .الأمالى للطوسى : 107 / 162 ، بحار الأنوار : 6 / 4 / 4 .
5- .مستدرک الوسائل : 1 / 133 / 188 نقلاً عن لبّ اللباب للراوندى .
6- .مصباح الشريعه : 523 ، بحار الأنوار : 70 / 23 / 23 .

(بگو : ای کسانی که یهودی شده اید! اگر می پندارید که شما دوستان خدایید ، نه مردم دیگر ، پس تمنّای مرگ کنید ، اگر راست می گویید) .

حدیث امام صادق علیه السلام : هرکس خدا را دوست بدارد ، خدا دوستش می دارد و هرکس خدا دوستش بدارد ، از ایمنان خواهد بود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه خدادوستی را بر خودْدوستی مقدّم بدارد ، در برابر سختی و دشواری مردم ، خداوند ، او را بسنده است .

الأمالی طوسی به نقل از وَهْب بن مُنَبّه : در زبور داوود علیه السلامخواندم : «ای داوود ! آنچه را می گویم ، از من بشنو که حق می گویم . هرکه در حالی که دوستم دارد ، نزدم بیاید ، او را به بهشت درمی آورم» .

مستدرک الوسائل : عربی بادیه نشین ، از علی علیه السلام درباره درجات دوستداران پرسید که چیست . حضرت فرمود : «پایین ترین درجه شان ، کسی است که طاعت خود را کوچک و گناهش را بزرگ می شمارد و می پندارد در این جهان و آن جهان ، جز او را به کیفر نمی گیرند» . بادیه نشین ، بیهوش شد. چون به هوش آمد ، پرسید : آیا درجه ای بالاتر از آن نیز هست ؟ حضرت فرمود : «آری ، هفتاد درجه» .

امام علی علیه السلام : دوستیِ خدا ، آتشی است که بر هرچه بگذرد ، می سوزد و نور خدا بر هر چه بتابد ، درخشیدن می گیرد .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعائِهِ : يا خَيرَ مَقصودٍ ومَطلوبٍ ، يا خَيرَ حَبيبٍ ومَحبوبٍ ، يا مَن هُوَ لِمَن دَعاهُ مُجيبٌ ، يا مَن هُوَ لِمَن أطاعَهُ حَبيبٌ ، يا مَن هُوَ إلى مَن أحَبَّهُ قَريبٌ . (1)

مجمع البيان : رَوَوا عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهماالسلام [فى تفسيرِ قوله تعالى : «وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » (2)] : يُطَهِّرُهُم عَن كُلِّ شَىءٍ سِوَى اللّهِ ؛ إذ لا طاهِرَ مِن تَدَنُّسٍ بِشَىءٍ مِنَ الأكوانِ إلاَّ اللّهَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام فيما نُسِبَ إلَيه فى مِصباحِ الشَّريعَه : نَجوَى العارِفينَ تَدورُ عَلى ثَلاثَهِ اُصولٍ : الخَوفِ ، وَالرَّجاءِ ، وَالحُبِّ. فَالخَوفُ فَرعُ العِلمِ، وَالرَّجاءُ فَرعُ اليَقينِ، وَالحُبُّ فَرعُ المَعرِفَهِ . فَدَليلُ الخَوفِ الهَرَبُ ، ودَليلُ الرَّجاءِ الطَّلَبُ ، ودَليلُ الحُبِّ إيثارُ المَحبوبِ عَلى ما سِواهُ . فَإذا تَحَقَّقَ العِلمُ فِى الصَّدرِ خافَ . وإذا صَحَّ الخَوفُ هَرَبَ . وإذا هَرَبَ نَجا . . . وإذا تَمَكَّنَ مِنهُ رَجا . وإذا وَجَدَ حَلاوَهَ الرَّجاءِ طَلَبَ . وإذا وُفِّقَ لِلطَّلَبِ وَجَدَ . وإذا تَجَلّى ضِياءُ المَعرِفَهِ فِى الفُؤادِ هاجَ ريحُ المَحَبَّهِ ، وإذا هاجَ ريحُ المَحَبَّهِ استَأنَسَ (فى) ظِلالِ المَحبوبِ ، وآثَرَ المَحبوبَ عَلى ما سِواهُ ، وباشَرَ أوامِرَهُ، وَاجتَنَبَ نَواهِيَهُ . وإذَا استَقامَ عَلى بِساطِ الأُنسِ بِالمَحبوبِ مَعَ أداءِ أوامِرِهِ وَاجتِنابِ نَواهيهِ وَصَلَ إلى روحِ المُناجاهِ . (4)

عنه عليه السلام أيضا : حُبُّ اللّهِ إذا أضاءَ عَلى سِرِّ عَبدٍ أخلاهُ عَن كُلِّ شاغِلٍ . وكُل ذِكرٍ سِوَى اللّهِ تَعالى ظُلمَهٌ . وَالمُحِبُّ أخلَصُ النّاسِ سِرّا للّهِ تَعالى ، وأصدَقُهُم قَولاً ، وأوفاهُم عَهدا ، وأزكاهُم عَمَلاً ، وأصفاهُم ذِكرا ، وأعبَدُهُم نَفسا ، يَتَباهَى المَلائِكَهُ بِهِ عِندَ مُناجاتِهِ ، ويَفخَرُ بِرُؤيَتِهِ ، وبِهِ يَعمُرُ اللّهُ بِلادَهُ ، وبِكَرامَتِهِ يُكرِمُ عِبادَهُ ، يُعطيهِم إذا سَألوا بِحَقِّهِ ، ويَدفَعُ عَنهُمُ البَلايا بِرَحمَتِهِ . فَلَو عَلِمَ الخَلقُ ما مَحَلَّهُ عِندَ اللّهِ ومَنزِلَتُهُ لَدَيهِ ما تَقَرَّبوا إلَى اللّهِ تَعالى إلاّ بِتُرابِ قَدَمَيهِ . (5)

.

1- .البلد الأمين : 410 ، بحار الأنوار : 94 / 396 .
2- .الإنسان : 21 .
3- .تفسير مجمع البيان : 10 / 623 ، بحار الأنوار : 8 / 113 .
4- .مصباح الشريعه : 12 ، بحار الأنوار : 70 / 22 / 22 .

5- .مصباح الشريعه : 521 ، بحار الأنوار : 70 / 23 / 23 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای بهترین مقصود و خواسته ! ای بهترین دوست و محبوب ! ای آن که به خواهانش پاسخ می دهد ! ای آن که دوستِ کسی است که از او فرمان می برد ! و ای آن که به دوستدارش نزدیک است !

امام باقر علیه السلام در تفسیر گفته خداوند متعال : «و پروردگارشان به آنان شرابی پاک نوشاند» : از هر چیزی جز خدا پاکشان می کند ؛ زیرا جز خدا چیزی نیست که از آلودگی های هستی (ممکن) پاک باشد .

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : مناجات عارفان ، بر سه اصل می چرخد : بیم ، امید و دوستی . بیم، خود، زاده دانش است و امید ، زاده یقین و دوستی ، زاده شناخت . نشانِ بیم ، گریز است و نشانِ امید ، جستجوست و نشانِ دوستی ، مقدّم داشتن محبوب بر جز اوست . پس چون دانش در سینه پدیدار شد ، شخصْ بیمناک می شود و چون بیم درست گردد ، شخصْ گریزان می گردد و چون بگریزد ، نجات می یابد ... و چون دلش استوار گردد ، امید می بندد و چون شیرینی امید را دریابد ، به جستجو برمی آید و چون توفیق جستجویش دهند ، می یابد . هرگاه روشنی شناخت بر دل بتابد ، نسیم دوستی می وزد و چون نسیم دوستی بوزد ، شخص در سایه سار محبوب ، انس می گیرد و محبوب را بر جز او رجحان می نهد و با فرمان هایش همگام می شود و از نافرمانی هایش دوری می گزیند و چون کنار بساط انس با محبوب ، استقامت ورزد و فرمان هایش را به جای آورد و از نافرمانی او بپرهیزد ، به روح مناجات ، دست می یابد .

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : دوستی خدا چون بر ضمیر بنده ای بتابد ، او را از هر مشغولیتی می پردازد (خالی می کند) . هر یادی جز یاد خداوند متعال ، تاریکی است . شخص دوستدار ، ضمیرش از همه مردم برای خدا خالص تر، سخنش راست تر، عهدش وفادارانه تر ، کردارش پاک تر، یادش پاکیزه تر و جانش بنده تر است . چون مناجات کند ، فرشتگان به او مباهات می ورزند و به دیدارش افتخار می کنند . خداوند به سبب او ، سرزمین ها را آباد می کند ، و به سبب گرامیداشت او ، بندگانش را گرامی می دارد و به سبب حقّ او ، چون بندگان از او درخواستی کنند ، به آنان می بخشد ، و به سبب رحمت

بر او ، بلاها را از آنان برطرف می کند . اگر خلق می دانستند که وی در نزد خداوند ، چه جایگاه و منزلتی دارد ، جز با خاکِ پای او ، به خداوند عز و جلتقرّب نمی جستند .

.

ص: 646

..

ص: 647

ر . ک : ص 421 (ح 976) .

.

ص: 648

. .

سخنی درباره آثار خدا دوستی

الف بالاترین درجات توحید

سخنی درباره آثار خدا دوستیپیش تر گفتیم که محبّت خداوند سبحان، رمز موفّقیت در زندگی، کیمیای خودسازی و سازندگی و راهِ رسیدن به همه آمال و آرزوهاست ، (1) همان گونه که در دعای عَرَفه آمده است: ماذا وَجَدَ مَن فَقَدَکَ ومَا الَّذی فَقَدَ مَن وَجَدَکَ ؟ لَقَد خابَ مَن رَضِیَ دونَکَ بَدَلاً ؛ (2) چه چیز یافت آن که تو را گم کرد؟ و چه چیز گم کرد آن که تو را یافت؟ بی گمان ، نومید شد هرکه به جز تو رضا داد! اینک با عنایت به متون این فصل و برخی آیات و احادیث مرتبط با آن در فصول گذشته ، برجسته ترین و جامع ترین آثار و برکات محبّت خدا را در دو اثر، می توان خلاصه کرد :

الف بالاترین درجات توحیدعشق و محبّت به خداوند متعال از یک سو چنان که قبلاً در «درآمد» این بخش

.

1- .ر . ک : ص 431 (تحقیقی درباره بنیاد محبّت خدا) .
2- .ر . ک : ص 379 ح 915 .

ب جانشینی خدا

توضیح دادیم ریشه در معرفت شهودی دارد و از سوی دیگر ، مقدمه ای است برای وصول به شناخت بیشترِ صفات و کمالاتِ حضرت حق عز و جل . از آن جا که کمالات خداوند متعالَ ، بی نهایت است ، محبّت او نیرویی است که همواره انسان را از برکات بالاترین درجات توحید ، برخوردار می سازد . به فرموده برخی از اهل معرفت : اگر در توحیدْ مستغرق باشی ، هر لحظه از عنایت های خاصّ حق تعالی بهره مند می شوی که در لحظه قبل ، برخوردار نبوده ای و عنایت های حق ، هر دمْ تازگی خواهد داشت . (1)

ب جانشینی خدافلسفه خلقت انسان ، جانشینی و خلافت خداست ، همان طور که خداوند سبحان می فرماید : «وَ إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَئکَهِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً» ؛ (2) و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت : من در زمین جانشینی خواهم گذاشت» . خلیفه خدا باید بتواند کار او را انجام دهد و در این باره گفته شده : العُبودِیَّهُ جَوهَرَهٌ کُنهُهَا الرُّبُوبِیَّهُ ؛ (3) بندگی ، حقیقتی است که خمیر مایه آن ، ربوبیت است . و در حدیث قدسی آمده است :

.

1- .ر . ک : کیمیای محبّت : 143 (فصل دوم) .
2- .سوره بقره ، آیه 30 .
3- .مصباح الشریعه : 536 .

عَبدی ! أطِعنِی حَتّی أجعَلَکَ مِثلی ؛ (1) بنده ام ! پیروی ام کن تا تو را چون خود سازم . و نیز روایت شده است : إنَّ اللّه َ تَعالی یَقولُ فی بَعضِ کُتُبِهِ : یَا ابنَ آدَمَ ! أنَا حَیٌّ لا أموتُ . أطِعنی فِیما أمَرتُکَ حَتّی أجعَلَکَ حَیّا لا تَموتَ . یَابنَ آدَمَ ! أنَا أقُولُ لِلشَّیءِ : کُن ، فَیَکونُ ، أطِعنی فیما أمَرتُکَ أجعَلکَ تَقولُ لِلشَّیءِ : کُن ، فَیَکُونُ ؛ (2) خداوند متعال در یکی از کتاب های آسمانی فرموده: «ای آدمیزاد ! من زنده نامیرا هستم . در آنچه فرمانت می دهم ، پیروی ام کن تا تو را زنده جاودان سازم . ای آدمیزاد ! من به هر چیزی بگویم «باش» ، به وجود می آید . در آنچه دستورت می دهم ، پیروی ام کن تا تو را به گونه ای قرار دهم که به هر چیزی بگویی «باش» ، به وجود آید. آنچه می تواند انسان را به مقام خلافت خدا برساند ، محبّت اوست . در این باره ، یکی از اهل معرفت ، سخنی بدین مضمون دارد : همان گونه که وقتی آتش در آهن نفوذ کند ، آهن ، کار آتش را انجام می دهد ، همچنین اگر محبّت خدا در دلی نفوذ کند ، آفریده می تواند به اذن خدا کار خدایی انجام دهد . (3)همان گونه که در احادیث «قُرب نوافل» که شیعه و اهل سنّت ، آن را نقل کرده اند آمده است ، انسان بر اثر «نوافل (مستحبّات)» که زمینه های جلب محبّت خدا هستند ، گام به گام به او نزدیک می شود تا شایستگی پیدا می کند و

.

1- .بحار الأنوار : 105 / 165 در حاشیه .
2- .مستدرک الوسائل : 11 / 258 / 12928 ، بحار الأنوار : 93 / 376 / 16 ، تاریخ الیعقوبی : 1 / 95 .
3- .ر . ک : کیمیای محبّت : 171 (انسانی که کار خدایی می کند) .

مورد محبّت آفریدگار خود قرار می گیرد . در این هنگام ، علاقه خدا نسبت به بنده ، با او کاری می کند که خداوند عز و جل چشم ، گوش ، زبان ، دست ، پا و قلب او می گردد . (1) به عبارت دیگر ، انسان در خدا ذوب می شود و به مقام «فناء فی اللّه» می رسد ، و در این حال ، دیگر از خود ، اراده ای ندارد . چشمش آن را می بیند که خدا می خواهد؛ زبانش آن را می گوید که او دوست دارد؛ همچنین سایر اعضا و جوارح او بر مبنای خواست خدا عمل می کنند و مهم تر آن که ذهن و خِردش آن گونه می اندیشد و درک می کند که خداوند متعال ، اراده فرموده است . (2) انسان در این موقعیت ، صبغه «خلیفه خدا» را می گیرد ؛ «مَثَل خدا» می شود و آنچه بخواهد انجام دهد ، با درخواست از خدا و به اذن او امکان پذیر است .

.

1- .ر . ک : ص 627 (استجابت دعاها) .
2- .ر . ک : ص 531 (معنای دوستی خدا) .

ص: 653

بخش سوم : دوستی در راه خدا

اشاره

بخش سوم : دوستی در راه خدافصل اوّل : تأکید بر دوستی در راه خدافصل دوم : تأکید بر برادری در راه خدافصل سوم : آثار دوستیِ در راه خدا

.

الفصل الأوّل: تأكيد المحبَّه فى اللّه 1 / 1وُجوبُ الحُبِّ فِى اللّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الحُبُّ فِى اللّهِ فَريضَهٌ ، وَ البُغضُ فِى اللّهِ فَريضَهٌ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام : واصِلوا مَن تُواصِلونَهُ فِى اللّهِ ، وَ اهجُروا مَن تَهجُرونَهُ فِى اللّهِ سُبحانَهُ . (2)

عنه عليه السلام : وادّوا مَن تُوادّونَهُ فِى اللّهِ ، و أبغِضوا مَن تُبغِضونَهُ فِى اللّهِ سُبحانَهُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : حُبُّ أولِياءِ اللّهِ وَ الوِلايَهُ لَهُم واجِبَهٌ ، وَ البَراءَهُ مِن أعدائِهِم واجِبَهٌ . (4)

.

1- .جامع الأخبار : 352 / 980 عن أنس ، بحار الأنوار : 69 / 252 / 32 ؛ الفردوس : 2 / 156 / 2787 عن أنس ، كنزالعمّال : 9 / 11 / 24688 .
2- .غرر الحكم : 10120 .
3- .غرر الحكم : 10119 .
4- .الخصال : 607 / 9 عن الأعمش ، بحار الأنوار : 27 / 52 / 3 .

فصل یکم : تأکید بر دوستی در راه خدا

1 / 1 وجوب دوستی در راه خدا

فصل اوّل : تأکید بر دوستی در راه خدا1 / 1وجوب دوستی در راه خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی در راه خدا واجب است ؛ و دشمنی در راه خدا واجب است .

امام علی علیه السلام : با هرکه می پیوندید و دوستی می کنید ، در راه خدا دوستی کنید و از هرکه می بُرید ، در راه خدای سبحان بِبُرید .

امام علی علیه السلام : با هرکه دوستی می کنید ، در راه خدا دوستی کنید و با هرکه دشمنی می کنید ، در راه خدا دشمنی کنید .

امام صادق علیه السلام : دوست داشتن اولیای خدا و همدلی با آنان ، واجب است ؛ بیزاری از دشمنانشان نیز واجب است .

.

الإمام الرضا عليه السلام : حُبُّ أولِياءِ اللّهِ تَعالى واجِبٌ ، و كَذلِكَ بُغضُ أعداءِ اللّهِ وَ البَراءَةُ مِنهُم و مِن أئِمَّتِهِم . (1)

1 / 2الإيمانُ حُبٌّ وبُغضٌ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : هَل الدّينُ إلاَّ الحُبُّ وَالبُغضُ ؟! قالَ اللّهُ عز و جل : «إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (2) . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى صِفَهِ العُلَماءِ : اِعلَموا أنَّ عِبادَ اللّه ِ المُستَحفَظينَ عِلمَهُ يَصونونَ مَصونَهُ ، ويُفَجِّرونَ عُيونَهُ ، يَتَواصَلونَ بِالوِلايَهِ ، ويَتَلاقَونَ بِالمَحَبَّهِ ، ويَتَساقَون بِكَأسٍ رَوِيَّهٍ ، ويَصدُرونَ بِرِيَّهٍ ، لا تَشوبُهُمُ الرّيبَهُ ، ولا تُسرِعُ فيهِمُ الغيبَهُ . عَلَى ذلِكَ عَقَدَ خَلقَهُم وأخلاقَهُم ، فَعَلَيهِ يَتَحابّونَ ، وبِهِ يَتَواصَلونَ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام : الإِيمانُ حُبٌّ و بُغضٌ . (5)

تفسير العيّاشى عن أبو عبيده الحذّاء : دَخَلتُ عَلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام ، فَقُلتُ : بِأبى أنتَ وأُمّى ، رُبَّما خَلا بِىَ الشَّيطانُ فَخَبُثَت نَفسى ، ثُمَّ ذَكَرتُ حُبّى إيّاكُم وَ انقِطاعى إلَيكُم فَطابَت نَفسى ؟ فَقالَ : يا زِيادُ ، وَيحَكَ ! و مَا الدّينُ إلاَّ الحُبُّ !! ألا تَرى إلى قَولِ اللّه ِ تَعالى : «إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» . (6)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 124 / 1 عن الفضل بن شاذان .
2- .آل عمران : 31 .
3- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 319 / 3148 ، حليه الأولياء : 8 / 368 كلاهما عن عائشه ، كنز العمّال : 3 / 476 / 7504 ؛ الخصال : 21 / 74 عن سعيد بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير العيّاشى : 1 / 167 / 27 عن بريد بن معاويه ، دعائم الإسلام : 1 / 71 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام ، روضه الواعظين : 456 عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير فرات الكوفى : 430 / 567 عن بريد بن معاويه العجلى وإبراهيم الأحمرى عن الإمام الباقر عليه السلام .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 214 ، بحار الأنوار : 69 / 311 / 32 .

5- .تحف العقول : 295 ، بحار الأنوار : 78 / 175 / 27 .
6- .تفسير العيّاشى : 1 / 167 / 25 ، المحاسن : 1 / 409 / 931 وفيه «يا زياد ويحک . . .» ، شرح الأخبار : 3 / 487 / 1409 نحوه ، بحار الأنوار : 69 / 238 / 9 .

امام رضا علیه السلام : دوست داشتن اولیای خداوند متعال ، واجب است . همچنین ، دشمنی با دشمنان خدا و بیزاری از آنان و پیشوایانشان ، واجب است .

1 / 2ایمان ، دوستی و دشمنی است رسول خدا صلی الله علیه و آله : آیا دین ، جز دوستی و دشمنی است ؟ خداوند عز و جلمی فرماید : «اگر خدا را دوست دارید ، از من پیروی کنید تا خداوند ، دوستتان بدارد» .

امام علی علیه السلام در وصف عالمان : بدانید که بندگانی که نگاهدار علم خدایند ، دانشِ محفوظ او را می پایند ، و چشمه هایش را می گشایند ، و به دوستی با هَم پیوند دارند ، و با محبّت ، با یکدیگر دیدار می کنند ، و از جام لبریز [محبّت]به یکدیگر می نوشانند و سیراب ، بازمی گردند . نه دچار تردید می شوند و نه غیبت به میانشان می شتابد. بدین سان، آفرینش و خُلق و خویشان، شکل یافته است و بر اساس آن ، یکدیگر را دوست می دارند و با یکدیگر می پیوندند .

امام باقر علیه السلام : ایمان ، دوستی و دشمنی است .

تفسیر العیّاشی به نقل از ابو عُبیده حَذّاء : نزد امام باقر علیه السلامرفتم و گفتم : پدر و مادرم فدایت ! گاه شیطان با من خلوت می کند و در نتیجه ، جانم پلید می شود . سپس به یاد می آورم که شما را دوست دارم و به شما پیوسته ام . آن گاه ، جانم پاک می شود . حضرت فرمود : «ای زیاد ! وای بر تو ! آیا دین ، جز دوستی است ؟ مگر سخن خداوند متعال را ندیده ای : «اگر خدا را دوست دارید ، از من پیروی کنید ، تا خدا دوستتان بدارد» ؟

.

الكافى عن بريد بن معاويه : كُنتُ عِندَ أبى جَعفَرٍ عليه السلام فى فِسطاطٍ لَهُ بِمِنى ، فَنَظَرَ إلى زِيادٍ الأَسوَدِ مُنقَلِعَ الرِّجلِ ، فَرَثى لَهُ ، فَقالَ لَهُ : ما لِرِجلَيکَ هکَذا ؟ قالَ : جِئتُ عَلى بَکرٍ لى نِضوٍ ، فَکُنتُ أمشى عَنهُ عامَّةَ الطَّريقِ . فَرَثى لَهُ و قالَ لَهُ عِندَ ذلِکَ زِيادٌ : إنّى اُلِمُّ بِالذُّنوبِ حَتّى إذا ظَنَنتُ أنّى قَد هَلَکتُ ذَکَرتُ حُبَّکُم ، فَرَجَوتُ النَّجاةَ و تَجَلّى عَنّى ؟ فَقالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : و هَل الدّينُ إلاَّ الحُبُّ ؟! قالَ اللّه ُ تَعالى : «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْاءِيمَنَ وَ زَيَّنَهُو فِى قُلُوبِكُمْ» . (1) .و قالَ : «إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» ، و قالَ : «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» (2) . (3)

الكافى عن فضيل بن يسار : سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام عَنِ الحُبِّ وَ البُغضِ ، أمِنَ الإيمانِ هُوَ ؟ فَقالَ : و هَلِ الإِيمانُ إلاَّ الحُبُّ وَ البُغضُ ؟! ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَةَ : «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْاءِيمَنَ وَ زَيَّنَهُو فِى قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُوْلَئكَ هُمُ الرَّ شِدُونَ » . (4)

.

1- .الحجرات : 7.
2- .الحشر : 9 .
3- .الكافى : 8 / 79 / 35 ، تنبيه الخواطر : 2 / 50 ، دعائم الإسلام : 1 / 72 نحوه .
4- .الكافى : 2 / 125 / 5 ، المحاسن : 1 / 409 / 930 ، بحار الأنوار : 69 / 241 / 16 .

الکافی به نقل از بُرَید بن معاویه : نزد امام باقر علیه السلام در سراپرده ایشان در مِنا بودم که به زیاد اسود که گویی پاهایش از جا درآمده و از کار افتاده بود نگریست . از او پرسید : «چرا پاهایت چنین شده است ؟» . گفت : با شتری نوسال که سفرها نزارش کرده بود ، آمدم و ناگزیر ، بیشتر مسیر را پیاده طی کردم . حضرت برایش اندوهگین شد . در این حال ، زیاد گفت : من مرتکب گناهانی می شوم تا آن که می پندارم که هلاک شده ام؛ امّا چون به یاد می آورم که شما را دوست دارم ، به نجات ، امیدوار می شوم و این پندارم برطرف می گردد . حضرت فرمود : «آیا دین ، جز دوستی است ؟ خداوند متعال می فرماید : «ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل هایتان آراست» . نیز می فرماید : «اگر خدا را دوست دارید ، از من پیروی کنید ، تا خدا دوستتان بدارد» . باز می فرماید : «کسی را که به سویشان مهاجرت کند ، دوست می دارند» » .

الکافی به نقل از فُضَیل بن یَسار : از امام صادق علیه السلام درباره دوستی و دشمنی پرسیدم که آیا از ایمان به شمار می رود . حضرت پاسخ داد : «مگر ایمان ، جز دوستی و دشمنی است ؟». سپس این آیه را برخواند : « «ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل هایتان آراست و کفر و فُسوق و عصیان را ناخوشایند شما ساخت . چنین کسانی همان هدایت یافتگان اند» » .

.

الإمام الصادق عليه السلام : كُلُّ مَن لَم يُحِبَّ عَلَى الدّينِ و لَم يُبغِض عَلَى الدّين فَلا دينَ لَهُ . (1)

عنه عليه السلام : مَن سَرَّهُ أن يَلقَى اللّه َ و هُوَ مُؤمِنٌ حَقّا حَقّا فَليَتَوَلَّ اللّه َ و رَسولَهُ وَالَّذينَ آمَنوا ، وَ لِيبرَأ إلَى اللّهِ مِن عَدُوِّهِم ، و يُسَلِّم لِمَا انتَهى إلَيهِ مِن فَضلِهِم . (2)

1 / 3أوثَقُ عُرَى الإيمانِ رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : أوثَقُ عُرَى الإِيمانِ الحُبُّ فِى اللّه َ وَ البُغضُ فِى اللّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : أفضَلُ الإِيمانِ أن تُحِبَّ للّهِ و تُبغِضَ للّهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله : وُدُّ المُؤمِنِ لِلمُؤمِنِ فِى اللّهِ مِن أعظَمِ شُعَبِ الإِيمانِ . ألا و مَن أحَبَّ فِى اللّهِ و أبغَضَ فِى اللّهِ و أعطى فِى اللّهِ و مَنَعَ فِى اللّهِ فَهُوَ مِن أصفِياءِ اللّهِ . (5)

المعجم الكبير عن ابن عبّاس : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِأَبى ذَرٍّ : أىُّ عُرَى الإِيمان أوثَقُ ؟ قالَ : اللّهُ ورَسولُهُ أعلَمُ . قالَ : المُوالاةُ فِى اللّهِ وَ المُعاداةُ فِى اللّهِ ، وَ الحُبُّ فِى اللّهِ وَ البُغضُ فِى اللّهِ . (6)

.

1- .الكافى : 2 / 127 / 16 عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : 69 / 250 / 27 .
2- .الكافى : 8 / 10 / 1 عن إسماعيل بن جابر ، بحار الأنوار : 78 / 219 / 93 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 362 / 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، عدّه الداعى : 174 ، الدعوات : 28 / 51 ، جامع الأحاديث للقمّى : 59 وفيه «أفضل عرى الإسلام» بدل «أوثق عرى الإيمان» ، بحار الأنوار : 74 / 237 / 38 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : 7 /

229 / 92 عن ابن مسعود و ص 226 / 69 عن البرّاء وفيه «الإسلام» بدل «الإيمان» ، إحياء علوم الدين : 2 / 232 ، كنز العمّال : 1 / 43 / 105 .
4- .المعجم الكبير : 20 / 191 / 425 عن أنس ، كنز العمّال : 1 / 37 / 67 .
5- .الكافى : 2 / 125 / 3 ، المحاسن : 1 / 410 / 933 كلاهما عن سلام بن المستنير عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : 48 ، كنز الفوائد : 1 / 352 وليس فيه صدره وفيه «أصفياء المؤمنين» بدل «أصفياء اللّه» ، بحارالأنوار : 69 / 240 / 14 .
6- .المعجم الكبير : 11 / 171 / 11537 ، كنز العمّال : 1 / 288 / 1395 و ج 9 / 6 / 24657 ؛ تحف العقول : 55 من دون إسناد إلى الراوى وليس فيه «والحبّ فى اللّه» ، بحار الأنوار : 77 / 159 / 152 .

امام صادق علیه السلام : هرکه بر اساس دین ، دوستی نکند و بر اساس دین ، دشمنی نورزد ، دین ندارد .

امام صادق علیه السلام : هرکه شادمان می شود که خدا را در حالی ببیند که به حقیقتْ مؤمن است ، باید با خدا و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده اند ، دوستی کند و از دشمنان آنها ، بیزاری جوید و فضایلی را که از آنها به وی رسیده است ، بپذیرد .

1 / 3استوارترین دستاویز ایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله : استوارترین دستاویز ایمان ، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : برترین ایمان ، آن است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستی مؤمن نسبت به مؤمن [دیگر] در راه خدا ، از بزرگ ترین شاخه های ایمان است . هان ! هرکه در راه خدا دوست بدارد ، در راه خدا دشمن بدارد ، در راه خدا ببخشد و در راه خدا از بخشیدن باز ایستد ، از برگزیدگانِ خداست .

المعجم الکبیر به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا از ابوذر پرسید: «استوارترین دستاویز ایمان ، کدام است؟» . پاسخ داد : خدا و پیامبرش داناترند . حضرت فرمود : «دوستی کردن در راه خدا و دشمنی کردن در راه خداست ، و مهرورزی در راه خدا و کین ورزی در راه خدا».

.

المستدرک علی الصحیحین عبداللّه بن مسعود : قالَ لِیَ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله : یا عَبدَاللّهِ بنَ مَسعودٍ ، فَقُلتُ : لَبَّیکَ یا رَسولَ اللّهِ ثَلاثَ مِرارٍ . قالَ : هَل تَدری أیُّ عُرَی الإیمانِ أوثَقُ ؟ قُلتُ : اللّهُ و رَسولُهُ أعلَمُ. قالَ : أوثَقُ الإیمانِ الوِلایَهُ فِی اللّهِ ؛ بِالحُبِّ فیهِ وَ البُغضِ فیهِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله لِأَصحابِهِ : أیُّ عُرَی الإیمانِ أوثَقُ ؟ فَقالوا : اللّهُ و رَسولُهُ أعلَمُ ، و قالَ بَعضُهُم : الصَّلاهُ ، و قالَ بَعضُهُم : الزَّکاهُ ، و قالَ بَعضُهُم : الصِّیامُ ، و قالَ بَعضُهُم : الحَجُّ وَ العُمرَهُ ، و قالَ بَعضُهُم : الجِهادُ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لِکُلِّ ما قُلتُم فَضلٌ و لَیسَ بِهِ، و لکِن أوثَقُ عُرَی الإیمانِ الحُبُّ فِی اللّهِ وَ البُغضُ فِی اللّهِ ، و تَوالی (وتَوَلّی) أَولِیاءِ اللّهِ وَ التَّبَرّی مِن أعداءِ اللّهِ . (2)

.

1- .المستدرک علی الصحیحین : 2 / 522 / 3790 ، المعجم الکبیر : 10 / 220 / 10531 ، المعجم الأوسط : 4 / 376 / 4479 کلاهما نحوه ، کنز العمّال : 15 / 890 / 43525 .

2- .الکافی : 2 / 125 / 6 ، المحاسن : 1 / 411 / 939 و ص 267 / 518 کلّها عن عمرو بن مدرک الطائی عن الإمام الصادق علیه السلام ، معانی الأخبار : 398 / 55 عن علیّ بن مروک الطائی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلامعنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : 69 / 242 / 17 وراجع الاختصاص : 365 ؛ وراجع شُعب الإیمان : 1 / 46 / 13 ، الإخوان : 86 / 1 .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از عبداللّه بن مسعود : پیامبر صلی الله علیه و آله مرا صدا زد . سه بار گفتم : ای پیامبر خدا ، لبیک! حضرت فرمود : «آیا می دانی استوارترین دستاویز ایمان ، کدام است ؟». گفتم : خدا و پیامبرش داناترند . فرمود : «استوارترین آن ، خداوند را سرپرست خود گرفتن از طریق دوستی و دشمنیِ در راه اوست» .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا به یارانش فرمود : «استوارترین دستاویز ایمان ، کدام است ؟». گفتند : خدا و پیامبرش داناترند . برخی از آنان گفتند : نماز است . پاره ای گفتند : زکات است . عدّه ای گفتند : روزه است . گروهی گفتند : حج و عمره است . برخی نیز گفتند : جهاد است . پیامبر خدا فرمود : «هر آنچه گفتید ، فضیلتی دارد؛ امّا آن نیست . بلکه استوارترین دستاویز ایمان ، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و دوستی کردن با دوستان خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست» .

.

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ أفضَلَ الدّينِ الحُبُّ فِى اللّهِ وَ البُغضُ فِى اللّهِ ، وَ الأَخذُ فِى اللّهِ وَ العَطاءُ فِى اللّهِ سُبحانَهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : مِن أوثَقِ عُرَى الإِيمانِ أن تُحِبَّ فِى اللّهِ و تُبغِضَ فِى اللّهِ ، وتُعطِىَ فِى اللّهِ و تَمنَعَ فِى اللّهِ . (2)

1 / 4سَبَبُ قَبولِ الأَعمالِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى حِسابِ اللّهِ يومَ القِيامَهِ : يُؤتى بِعَبدٍ مُحسِنٍ فى نَفسِهِ لايَرى أنَّ لَهُ ذَنبا ، فَيَقولُ لَه : هَل كُنتَ تُوالى أولِيائى ؟ قالَ : كُنتُ مِنَ النّاسِ سِلما . قالَ : فَهَل كُنتَ تُعادى أعدائى ؟ قالَ : يا رَبِّ ، لَم يَكُن بَينى و بَينَ أحَدٍ شَىءٌ . فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : لا يَنالُ رَحمَتى مَن لا يُوالى أولِيائى و يُعادى أعدائى . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : لَو صُمتُ النَّهارَ لا اُفطِرُ ، و صَلَّيتُ اللَّيلَ لا أفتُرُ ، و أنفَقتُ مالى فى سَبيلِ اللّهِ عِلقا عِلقا ، ثُمَّ لَم تَكُن فى قَلبى مَحَبَّهُ لِأَولِيائِهِ و لا بِغضَهٌ لِأَعدائِهِ ما نَفَعَنى ذلِكَ شَيئا . (4)

.

1- .غرر الحكم : 3540 .
2- .الكافى : 2 / 125 / 2 ، ثواب الأعمال : 202 / 1 ، الأمالى للمفيد : 151 / 1 ، الأمالى للصدوق : 674 / 911 ، المحاسن : 1 / 410 / 932 كلّها عن سعيد الأعرج ، الزهد للحسين بن سعيد : 17 / 35 ، تحف العقول : 362 ، روضه الواعظين : 457 ، بحار الأنوار : 69 / 236 / 2 .
3- .المعجم الكبير : 22 / 59 / 140 ، حليه الأولياء : 5 / 186 ، نوادر الأُصول : 2 / 328 نحوه وكلّها عن واثله بن الأسقع ، كنز العمّال : 4 / 256 / 10417 .
4- .تاريخ اليعقوبى : 2 / 321 .

امام علی علیه السلام : برترین مرتبه دین ، دوستی در راه خداست و دشمنی در راه خدا ، و گرفتن در راه خدا و بخشیدن در راه خدای سبحان .

امام صادق علیه السلام : از استوارترین دستاویزهای ایمان ، آن است که در راه خدا دوست بداری ، در راه خدا دشمن بداری ، در راه خدا ببخشی و در راه خدا نبخشی .

1 / 4عامل پذیرش اعمال رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حسابرسی روز قیامت : بنده ای را که خود را نیکوکار و بی گناه می داند، [برای حسابرسی] می آورند. آن گاه، خداوند به او می فرماید: «آیا با دوستانم دوستی می کردی ؟». پاسخ می دهد : کاری به کسی نداشتم . خداوند می فرماید : «آیا با دشمنانم ، دشمنی می کردی ؟». پاسخ می دهد : میان من و کسی هیچ دشمنی ای نبود . پس خداوند عز و جل می فرماید : «کسی که با دوستانم دوستی و با دشمنانم دشمنی نکند ، به رحمتم دست نمی یابد» .

امام باقر علیه السلام : اگر روزها را روزه بگیرم و شب ها را یکسره نماز بخوانم و همه اموال گران بهایم را در راه خدا ببخشم ، امّا محبّت دوستان خدا و دشمنی دشمنان خدا در قلبم نباشد ، این کارها کمترین سودی برایم نخواهد داشت .

.

1 / 5أفضَلُ الأَعمالِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أفضَلُ الأَعمالِ الحُبُّ فِى اللّهِ ، وَ البُغضُ فِى اللّهِ . (1)

الكافى عن أبى ذرّ : خَرَجَ إلَينا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : أتَدرونَ أىُّ الأعمالِ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل ؟ قالَ قائِلٌ : الصَّلاةُ و الزَّكاةُ ، و قالَ قائِلٌ : الجِهادُ . قالَ : إنَّ أحَبَّ الأعمالِ إلَى اللّهِ عز و جل الحُبُّ فِى اللّهِ ، وَ البُغضُ فِى اللّهِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أوحَى اللّهُ تَعالى إلى نَبِىٍّ مِنَ الأَنبِياءِ أن قُل لِفُلانٍ العابِدِ : أمّا زُهدُكَ فِى الدُّنيا فَتَعَجَّلتَ راحَةَ نَفسِكَ ، و أمَّا انقِطاعُكَ إلَىَّ فَتَعَزَّزتَ بى ، فَماذا عَمِلتَ فيما لى عَلَيكَ ؟ قالَ : يا رَبِّ ، و ماذا لَكَ عَلَىَّ ؟ قالَ : هَل عادَيتَ فِىَّ عَدُوّا ، أو والَيتَ فِىَّ وَلِيّا ؟! (3)

عنه صلى الله عليه و آله : أوحَى اللّهُ تَعالى إلى موسى عليه السلام : هَل عَمِلتَ لى عَمَلاً قَطُّ ؟ قالَ : إلهى صَلَّيتُ لَكَ ، و صُمتُ ، و تَصَدَّقتُ ، و ذَكَرتُ لَكَ . فَقالَ : إنَّ الصَّلاةَ لَكَ بُرهانٌ ، وَ الصَّومَ جُنَّةٌ ، وَ الصَّدَقَةَ ظِلٌّ ، وَ الذِّكرَ نورٌ ، فَأىُّ عَمَلٍ عَمِلتَ لى ؟ فَقالَ موسى عليه السلام : دُلَّنى عَلى عَمَلٍ هُوَ لَكَ ؟ فَقالَ : يا موسى ، هَل والَيتَ لِى وَلِيّا ، و هَل عادَيتَ لى عَدُوّا قَطُّ ؟! فَعَلِمَ موسى عليه السلامأنَّ أحَبَّ الأَعمالِ الحُبُّ فِى اللّهِ وَ البُغضُ فِى اللّهِ . (4)

.

1- .سنن أبى داود : 4/198/4599، الفردوس: 1/355/1429 كلاهما عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : 9/3/24638 ؛ جامع الأخبار : 352 / 978 وفيه «الإيمان» بدل «الأعمال» .
2- .مسند ابن حنبل : 8 / 68 / 21361 وراجع تاريخ بغداد : 6 / 391 .
3- .تاريخ بغداد : 3/202 ، حليه الأولياء : 10/316 ، الفردوس : 1/145 / 518 كلّها عن ابن مسعود ، كنز العمّال : 9 / 6 / 24658 ؛ تحف العقول : 455 عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه .
4- .جامع الأخبار : 352 / 976 ، مشكاه الأنوار : 124 ، الدعوات : 28 / 50 كلاهما من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : 69 / 252 / 33 .

1 / 5برترینِ اعمال رسول خدا صلی الله علیه و آله : برترینِ اعمال ، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست .

الکافی به نقل از ابوذر : پیامبر خدا به سوی ما آمد و فرمود : «می دانید محبوب ترین عمل نزد خداوند عز و جلچیست ؟». گوینده ای گفت : نماز و زکات است . گوینده دیگری گفت : جهاد است . حضرت فرمود : «محبوب ترینِ اعمال در نزد خداوند عز و جلدوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، به یکی از پیامبرانْ وحی کرد که به فلان عابد بگو : «با زهد خود ، راحت جانت را پیش انداخته ای ، و با [گسستن از دیگران و]به من پیوستنت ، خودت را با من ارجمند ساخته ای . پس برای حقّی که بر تو دارم ، چه کرده ای؟». عابد گفت : پروردگارا ! چه حقّی بر من داری ؟ فرمود : «آیا در راه من با یکی از دشمنانم دشمنی و یا با یکی از دوستانم دوستی کرده ای؟».

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی کرد : «آیا هرگز برای من کاری کرده ای ؟». موسی علیه السلام پاسخ داد : خدایا ! برایت نماز خوانده ام ، روزه گرفته ام، صدقه داده ام و برایت ذکر گفته ام . خداوند فرمود : «نماز ، برایت برهان و دلیل است . روزه ، سپر است . صدقه ، سایه است و ذکر ، نور است . پس چه کاری برای من کرده ای ؟». موسی علیه السلامگفت : مرا به کاری که برای توست ، راهنمایی کن . فرمود : «ای موسی ! آیا هرگز با یکی از دوستانم دوستی کرده ای و آیا با یکی از دشمنانم دشمنی کرده ای ؟». پس موسی علیه السلامدانست که محبوب ترین عمل، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست.

.

1 / 6الاِستِعانَهُ بِاللّه ِ فی حُبِّ مَن یُحِبُّهُ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : اللّهُمَّ اجعَلنا هادینَ مُهتَدینَ ، غَیرَ ضالّینَ ولا مُضِلّینَ ، سِلما لِأَولِیائِکَ ، وعَدُوّا لِأَعدائِکَ ، نُحِبُّ بِحُبِّکَ مَن أَحَبَّکَ ، و نُعادی بِعَداوَتِکَ مَن خالَفَکَ . (1)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی دُعائِهِ : مَولایَ وَ ارحَمنی فی حَشری و نَشری ، وَ اجعَل فی ذلِکَ الیَومِ مَعَ أَولِیائِکَ مَوقِفی ، و فی أَحِبّائِکَ مَصدَری ، و فی جِوارِکَ مَسکَنی ، یا رَبَّ العالَمینَ . (2)

عنه علیه السلام فی المُناجاهِ المُسمَّاه بالصُّغری : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ . . . وَ اجعَلنا بِخِدمَتِکَ لِلعُبّادِ وَ الأَبدالِ فی أَقطارِها طُلّابا ، و لِلخاصَّهِ مِن أَصفِیائِکَ أَصحابا ، و لِلمُریدینَ المُتَعَلِّقینَ بِبابِکَ أَحبابا . (3)

.

1- .سنن الترمذی : 5/482/3419 ، المعجم الکبیر : 10/283/10668 ، کنز العمّال : 2 / 171 / 3608 نقلاً عن البیهقی فی الدعوات وکلّها عن ابن عبّاس ؛ عوالی اللآلی : 1 / 193 / 283 عن ابن عبّاس .
2- .الصحیفه السجّادیه : 226 الدعاء 53 .
3- .بحار الأنوار : 94 / 128 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .

1 / 6یاری خواستن از خدا برای دوستیِ دوستانش رسول خدا صلی الله علیه و آله : بارالها ! ما را هدایتگر و هدایت شده نه گم راه و گم راه کننده و دوستِ دوستانت و دشمنِ دشمنانت قرار ده ، تا آن که با دوستیِ تو ، کسانی را که دوست می دارند ، دوست بداریم و با دشمنیِ تو ، با کسی که با تو مخالفت می کند ، دشمنی کنیم .

امام سجّاد علیه السلام در دعایش : سرورم ! در روزی که مرا زنده می کنی و برای حسابْ حاضر می کنی ، بر من رحم کن و ایستادنم را در کنار دوستانت و بازگشتم را همراه دوستدارانت و مَسکنم را در جوارتْ قرار ده ، ای پروردگارِ عالمیان !

امام سجّاد علیه السلام در مناجات موسوم به «مناجات کوتاه» : بارالها ! بر محمّد و آل محمّد ، درود فرست و ما را در راه خدمتت ، جوینده عابدان و عارفان در سراسر زمین و یارانی برای اولیای خاصّ خودت و دوستانی برای خواستارانت که به درِ [رحمت]تو درآویخته اند ، قرار ده .

.

1 / 7المَحَبَّهُ فِی اللّهِ جَهلاً رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أحَبَّ رَجُلاً فِی اللّهِ ؛ لِعَدلِ ظَهَرَ مِنهُ و هُوَ فی عِلمِ اللّهِ مِن أهلِ النّارِ آجَرَهُ اللّهُ عَلی حُبِّهِ إیّاهُ کَما لَو أحَبَّ رَجُلاً مِن أهلِ الجَنَّهِ. و مَن أبغَضَ رَجُلاً فِی اللّهِ ؛ لِجَورٍ ظَهَرَ مِنهُ و هُوَ فی عِلمِ اللّهِ مِن أهلِ الجَنَّهِ آجَرَهُ اللّهُ عَلی بُغضِهِ إیّاهُ کَما لَو کانَ یُبغِضُ رَجُلاً مِن أهلِ النّارِ . (1)

الإمام الباقر علیه السلام : لَو أنَّ رَجُلاً أحَبَّ رَجُلاً للّهِ لَأَثابَهُ اللّهُ عَلی حُبِّهِ إیّاهُ و إن کانَ المَحبوبُ فی عِلمِ اللّهِ مِن أهلِ النّارِ . و لَو أنَّ رَجُلاً أبغَضَ رَجُلاً للّهِ لَأَثابَهُ اللّهُ عَلی بُغضِهِ إیّاهُ و إن کانَ المُبغَضُ فی عِلمِ اللّهِ مِن أهلِ الجَنَّهِ . 2

ملاحظه:هذا إذا لم یکن المکلّف مقصّرا فی التحقیق وإلاّ فلا ریب فی أنّه غیر مثاب علی حبّه وبغضه بل یُؤاخَذ علی تقصیره .

1 / 8النَّوادر رسول اللّه صلی الله علیه و آله لِرَجُلٍ : ألا أدُلُّکَ عَلی مِلاکِ هذَا الأَمرِ الَّذی تُصیبُ بِهِ خَیرَ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ ؟ عَلَیکَ بِمُجالَسَهِ أهلِ الذِّکرِ ، و إذا خَلَوتَ فَحَرِّک لِسانَکَ مَا استَطَعتَ بِذِکرِ اللّهِ ، و أحبِب فِی اللّهِ ، و أبغِض فِی اللّهِ . (2)

.

1- .تنبیه الغافلین : 482 / 752 عن محمّد بن علیّ .
2- .تاریخ دمشق : 13 / 317 / 3285 ، حلیه الأولیاء : 1 / 366 عن الحسن بن أبی رزین ، کنز العمّال : 15 / 837 / 43329 .

1 / 7 دوستی ناآگاهانه در راه خدا

1 / 8 گوناگون

1 / 7دوستی ناآگاهانه در راه خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه دیگری را به سبب دیدن عدالتی که از او پدیدار شده ، در راه خدا دوست بدارد ، حال آن که آن شخص ، در علم خدا دوزخی باشد ، خداوند عز و جل او را به سبب این دوستی ، پاداش خواهد داد ، به همان گونه که شخصی یکی از بهشتیان را دوست می دارد . و هرکه دیگری را به سبب ستمی که از او پدیدار شده ، در راه خدا دشمن بدارد ، حال آن که در علم خدا آن شخص ، بهشتی باشد ، خداوند به او به سبب این دشمنی ، پاداش خواهد داد، به همان گونه که کسی یکی از دوزخیان رادشمن می دارد.

امام باقر علیه السلام : اگر کسی دیگری را برای خدا دوست بدارد ، خداوند به سبب این دوستی، به او پاداش خواهد داد ، گرچه آن شخص مورد دوستی ، نزد خدا دوزخی باشد ، و اگر کسی دیگری را برای خدا دشمن بدارد ، خداوند به سبب این دشمنی به او پاداش خواهد داد ، گرچه آن شخصِ مورد دشمنی ، نزد خدا از بهشتیان باشد .

نکتههمان گونه که در پانوشت متن عربی آمده است ، این حدیث درباره کسانی است که سعی و تلاش کافی برای شناخت افراد کرده اند ، امّا به حقیقت نرسیده اند و نمی تواند مجوّز دوستیِ بدون آزمون و سنجش با هر کسی باشد .

ر . ک : فصل پنجم (گزینش دوست) .

1 / 8گوناگون رسول خدا صلی الله علیه و آله : هان! تو را به معیار این مسئله که خیر دنیا و آخرت را با آن به دست می آوری ، راهنمایی کنم ؟ پایبند همنشینی با اهل ذکر باش و هر گاه تنها شدی ، تا می توانی زبانت را به ذکر خدا بچرخان و در راه خدا ، دوست بدار و در راه خدا ، دشمن بدار .

.

عنه صلى الله عليه و آله : أمّا عَلامَهُ البارِّ فَعَشَرَهٌ : يُحِبُّ فِى اللّهِ ، و يُبغِضُ فِى اللّهِ ، و يُصاحِبُ فِى اللّهِ ، و يُفارِقُ فِى اللّهِ ، و يَغضَبُ فِى اللّه ِ ، و يَرضى فِى اللّهِ ، و يَعمَلُ فِى اللّهِ ، و يَطلُبُ إلَيهِ ، ويَخشَعُ للّهِ خائِفا مَخوفا طاهِرا مُخلِصا مُستَحيِيا مُراقِبا ، و يُحسِنُ فِى اللّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : طوبى لِلمُتَحابّينَ فِى اللّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أحَبَّ عَبدٌ عَبدا للّهِ عز و جل إلاّ أكرَمَ رَبَّهُ عز و جل . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ عَبدَينِ تَحابّا فِى اللّهِ واحِدٌ فِى المَشرِقِ وآخَرُ فِى المَغرِبِ لَجَمَعَ اللّهُ بَينَهُما يَومَ القِيامَهِ ، يَقولُ : هذَا الَّذى كُنتَ تُحِبُّهُ فِىَّ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام : وَقِّرُوا اللّهَ سُبحانَهُ ، وَ اجتَنِبوا مَحارِمَهُ ، و أحِبّوا أحِبّاءَهُ . (5)

عنه عليه السلام : المَوَدَّهُ فِى اللّهِ أقرَبُ نَسَبٍ . (6)

عنه عليه السلام : المَوَدَّهُ فِى اللّهِ أكمَلُ النَّسَبَينِ . (7)

.

1- .تحف العقول : 21 ، بحار الأنوار : 1 / 121 / 11 .
2- .الخصال : 638 / 13 عن سهيل بن غزوان البصرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للمفيد : 252 / 1 ، المحاسن : 1 / 413 / 944 كلاهما عن محمّد بن عجلان عن الإمام الصادق عليه السلام ، روضه الواعظين : 457 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 74 / 353 / 25 و ص 392 / 13 .
3- .مسند ابن حنبل : 8 / 289 / 22292 عن أبى أُمامه ، كنز العمّال : 9 / 4 / 24647 .
4- .شُعب الإيمان : 6 / 492 / 9022 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 9 / 4 / 24646 ؛ جامع الأخبار : 352 / 977 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : 69 / 252 / 32 .

5- غرر الحكم : 10103 .
6- غرر الحكم : 1402 .
7- غرر الحكم : 1649 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : نشانه شخص نیکوکار ، ده چیز است : در راه خدا دوست می دارد؛ در راه خدا دشمن می دارد؛ در راه خدا همراهی می کند؛ در راه خدا جدا می شود؛ در راه خدا به خشم می آید؛ در راه خدا خشنود می گردد؛ در راه خدا عمل می کند؛ در راه خدا می جوید؛ ترسان و ترسیده ، پاک و پیراسته ، آزرمگین و نگران ، برای خدا فروتنی می کند ؛ و در راه خدا نیکی می نماید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خوشا آنان که در راه خدا با یکدیگر دوستی می کنند !

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه بنده ای ، بنده دیگری را برای خداوند عز و جل دوست بدارد ، پروردگارش را گرامی داشته است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو بنده ، یکی در شرق و دیگری در غرب عالم باشند و یکدیگر را در راه خدا دوست بدارند، خداوند ، آنان را روز قیامتْ گِرد می آورد و به هر یک می فرماید: «این ، همان است که در راه من ، دوستش می داشتی» .

امام علی علیه السلام : خداوند سبحان را بزرگ بدارید ، از محرّماتش دوری کنید و دوستانش را دوست بدارید .

امام علی علیه السلام : دوستی در راه خداوند ، نزدیک ترینْ خویشاوندی است .

امام علی علیه السلام : دوستی در راه خدا ، کامل ترینِ دو [نوع]خویشاوندی است .

.

عنه علیه السلام : المَوَدَّهُ فِی اللّهِ آکَدُ مِن وَشیجِ الرَّحِمِ . (1)

عنه علیه السلام : جِماعُ الخَیرِ فِی المُوالاهِ فِی اللّهِ وَ المُعاداهِ فِی اللّهِ ، وَ المَحَبَّهِ فِی اللّهِ وَ البُغضِ فِی اللّهِ . (2)

عنه علیه السلام : طوبی لِمَن أخلَصَ للّهِ عِلمَهُ و عَمَلَهُ ، و حُبَّهُ و بُغضَهُ ، و أخذَهُ وتَرکَهُ ، و کَلامَهُ و صَمتَهُ . (3)

الإمام الرضا علیه السلام : لِکُلِّ أخَوَینِ فِی اللّهِ لِباسٌ وهَیئَهٌ یُشبِهُ هَیئَهَ صاحِبِهِ ، وهُم یُعرَفونَ بِذلِکَ ، حَتّی یُدخَلوا فی دارِ اللّهِ عز و جل ، فَیَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی : مَرحَبا بِعَبیدی وخَلقی وزُوّاری وَالمُتَحابّینَ فِیَّ فی مَحَلِّ کَرامَتی . (4)

.

1- .غرر الحکم : 1538 .
2- .غرر الحکم : 4781 ، راجع النظر / النظر إلی هؤلاء عباده .
3- .غرر الحکم : 5964 .
4- .جامع الأخبار : 323 / 911 .

امام علی علیه السلام : دوستی در راه خدا ، استوارتر از پیوند خویشاوندی است .

امام علی علیه السلام : همه نیکی ، در دوستی کردن در راه خدا و دشمنی کردن در راه خداست ، و دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا .

امام علی علیه السلام : خوشا آن که دانش و کردارش ، دوستی و دشمنی اش، گرفتن و واگذاشتنش ، و گفتن و خاموشی اش را برای خداوند ، خالص کرده است .

امام رضا علیه السلام : برای هریک از دو برادر (دوست) در راه خدا ، لباس و هیئتی است همانند هیئت دوستش که هر دو بدان شناخته می شوند ، تا آن که به سرای خداوند عز و جل وارد شوند . پس خداوند متعال می فرماید : «ای بندگان و آفریدگان و زائران من که در راه من یکدیگر را دوست می داشتید ! به جایگاه کرامت من ، خوش آمدید !» .

.

الفصل الثانى: تأكيد الإخاء فى اللّه 2 / 1إِنَّمَا المُؤمِنونَ إخوَهٌالكتاب(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُواْ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) . (1)

(وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَنًا وَكُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَ لِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) . (2)

(فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلَوةَ وَ ءَاتَوُاْ الزَّكَوةَ فَإِخْوَ نُكُمْ فِى الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الأَيَتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) . (3)

(ادْعُوهُمْ لِأَبَآئهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُواْ ءَابَآءَهُمْ فَإِخْوَ نُكُمْ فِى الدِّينِ وَ مَوَ لِيكُم وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَآ أَخْطَأْتُم بِهِ وَ لَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا) . (4)

.

1- .الحجرات : 10 .
2- .آل عمران : 103 .
3- .التوبه : 11 .
4- .الأحزاب : 5 .

فصل دوم : تأکید بر برادری در راه خدا2 / 1مؤمنان در حقیقتْ برادرندقرآن(در حقیقت ، مؤمنان برادرند . پس میان برادرانتان اصلاح کنید و از خدا بترسید . باشد که مورد ترحّم قرار گیرید !) .

(همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده مَشوید و نعمت خدا را بر خود یاد آرید، آن گاه که دشمنان هم بودید ، پس میان دل هایتان الفت افکند تا به نعمت او برادر شدید ، و بر کناره پرتگاهی از آتش بودید که شما را از آن رهانید . این چنین ، خداوند ، آیاتش را بر شما روشن می کند . باشد که هدایت شوید !) .

(پس اگر [مشرکان]توبه کردند و نماز گزاردند و زکات پرداختند ، برادران دینی شما هستند ، و ما آیات خود را برای مردمی که می دانند ، تفصیل می دهیم) .

(آنان را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خداوند ، عادلانه تر است. پس اگر پدرانشان را نمی شناسید ، برادران دینی و مَوالی (بندگان آزاد شده) شما هستند . در آنچه به خطا رفته اید، گناهی بر شما نیست ؛ لیکن در باب آنچه دل هایتان قصد داشته [مسئولید] ، و خداوند ، بخشایشگر و مهربان است» .

.

الحديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ . (2)

سنن أبى داود عن سويد بن حنظله : خَرَجنا نُريدُ رَسولَ اللّه ِ صلى الله عليه و آله ومَعَنا وائِلُ بنُ حُجرٍ ، فَأخَذَهُ عَدُوٌّ لَهُ ، فَتَحَرَّجَ القَومُ أن يَحلِفوا ، وحَلَفتُ أنَّهُ أخى ، فَخَلّى سَبيلَهُ . فَأتَينا رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله ، فَأخبَرتُهُ أنَّ القَومَ تَحَرَّجوا أن يَحلِفوا وحَلَفتُ أنَّهُ أخى . قالَ : صَدَقتَ ؛ المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ . (3)

الكافى عن جابر الجعفىّ : تَقَبَّضتُ بَينَ يَدَى أبى جَعفَرٍ عليه السلام ، فَقُلتُ : جُعِلت فِداكَ ، رُبَّما حَزِنتُ مِن غَيرِ مُصيبَةٍ تُصيبُنى أو أمرٍ يَنزِلُ بى ، حَتّى يَعرِفَ ذلِكَ أهلى فى وَجهى وصَديقى ؟! فَقالَ : نَعَم يا جابِرُ ، إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ المُؤمِنينَ مِن طينَةِ الجِنانِ ، وأجرى فيهِم مِن رِيحِ روحِهِ ، فَلِذلِكَ المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ لِأبيهِ وأُمِّهِ ، فَإذا أصابَ روحا مِن تِلكَ الأرواحِ فى بَلَدٍ مِنَ البُلدانِ حُزنٌ حَزِنَت هذِهِ ؛ لِأنَّها مِنها . (4)

.

1- .صحيح البخارى : 6 / 2550 / 6551 عن عبداللّه بن عمر ، صحيح مسلم : 4 / 1996 / 58 عن سالم عن أبيه ، سنن أبى داود : 3 / 177 / 3070 عن قيله بنت مخرمه ، سنن ابن ماجه : 2 / 755 / 2246 عن عقبه بن عامر ، كنز العمّال : 1 / 95 / 418 ؛ الكافى : 2 / 167 / 11 عن فضيل ابن يسار ، تهذيب الأحكام : 6 / 160 / 288 عن هشام بن سالم وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للمفيد : 234 / 5 ، الأمالى للطوسى : 11 / 13 وكلاهما عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام ، المؤمن : 43 / 98 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تفسير القمّى : 1 / 172 ، بحار الأنوار : 74 / 221 / 2 .
2- .صحيح مسلم : 2 / 1034 / 1414 ، السنن الكبرى : 5 / 566 / 10899 و ج 7 / 293 / 14036 ، المعجم الكبير : 17 / 316 / 873 كلّها عن عقبه بن عامر ، مسند الشهاب : 1 / 106 / 126 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 1 / 142 / 687 نقلاً عن ابن النجّار عن جابر ؛ الكافى : 2 / 166 / 3 و ص 167 / 8 كلاهما عن عليّبن عقبه ، مصادقه الإخوان : 152 / 3 عن

أبی بصیر ، المؤمن : 42 / 95 و ح 96 ، الاختصاص : 27 ، مشکاه الأنوار : 186 کلّها عن الإمام الصادق علیه السلام ، جامع الأخبار : 216 / 536 ، بحار الأنوار : 74 / 237 / 38 .
3- .سنن أبی داود : 3 / 224 / 3256 ، سنن ابن ماجه : 1 / 685 / 2119 ، مسند ابن حنبل : 5 / 613 / 16726 نحوه ؛ المستدرک علی الصحیحین : 4 / 333 / 7821 ، السنن الکبری : 10 / 110 / 20033 نحوه ، کنز العمّال : 1 / 149 / 741 .
4- .الکافی : 2 / 166 / 2 ، المؤمن : 38 / 87 ، المحاسن : 1 / 226 / 405 ، بحار الأنوار : 74 / 276 / 6 کلّها نحوه.

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله : مسلمان ، برادرِ مسلمان است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، برادرِ مؤمن است .

سنن أبی داوود به نقل از سُوَید بن حَنظله : برای دیدار پیامبر خدا راهی شدیم . وائل بن حُجر نیز با ما بود. در راه ، دشمنش او را گرفت و همراهان ما از این که به سودش سوگند بخورند ، پرهیز می کردند؛ امّا من سوگند خوردم که وائل ، برادر من است . در نتیجه دشمن ، او را رها کرد و نزد پیامبر خدا آمدیم. ایشان را باخبر ساختم که همراهیان من ، از سوگند خوردن پرهیز کردند؛ امّا من سوگند خوردم که وائل ، برادرم است . حضرت فرمود : «راست گفتی . مؤمن ، برادرِ مؤمن است» .

الکافی به نقل از جابر جُعْفی : برابر امام باقر علیه السلامخاکسارانه نشستم و گفتم : فدایت شوم ! گاه بی هیچ حادثه ناخوشایندی یا دلیل و پیشامدی ، چنان اندوهگین می شوم که خانواده و دوستم اثر آن را در چهره ام می بینند . حضرت فرمود : «آری ، ای جابر ! همین طور است . خداوند عز و جل مؤمنان را از سرشتِ بهشت آفرید و نسیمِ روح خود را در آن دمید . از این رو ، مؤمن ، برادرِ تنیِ مؤمن است و چون یکی از این روح ها را در یکی از سرزمین ها اندوهی برسد ، آن دیگری نیز اندوهگین خواهد شد ، چون که هم سرشتِ اوست» .

.

الإمام الباقر عليه السلام : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ لِأَبيهِ وأُمِّهِ ؛ لِأَنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ المُؤمِنينَ مِن طينَهِ الجِنانِ ، وأجرى فى صُوَرِهِم مِن ريحِ الجَنَّهِ ، فَلِذلِکَ هُم إخوَهٌ لِأبٍ وأُمٍّ . (1)

عدّه الداعى عن عبدالمؤمن الأنصارىّ : دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ موسَى بنِ جَعفَرٍ عليه السلام وعِندَهُ مُحَمَّدُ بنُ عَبدِاللّه ِ الجَعفَرِىُّ ، فَتَبَسَّمتُ إلَيهِ . فَقالَ عليه السلام : أتُحِبُّهُ ؟ فَقُلتُ : نَعَم ، وما أحِبَبتُهُ إلاّ لَكُم . فَقالَ عليه السلام : هُوَ أخوکَ ، وَالمُؤمِنُ أخُ المُؤمِنِ لِأبيهِ وأُمِّهِ ، مَلعونٌ مَلعونٌ مَنِ اتَّهَمَ أخاهُ ، مَلعونٌ مَلعونٌ مَن غَشَّ أخاهُ ، مَلعونٌ مَلعونٌ مَن لَم يَنصَح أخاهُ ، مَلعونٌ مَلعونٌ مَنِ استَأثَرَ عَلى أخيهِ ، مَلعونٌ مَلعونٌ مَنِ احتَجَبَ عَن أخيهِ ، مَلعونٌ مَلعونٌ مَنِ اغتابَ أخاهُ . (2)

الإمام العسكرىّ عليه السلام فيما كَتَبَ إلى أهلِ قُمَّ وآبَهَ : إنَّ اللّهَ تَعالى بِجودِه ورَأفَتِهِ قَد مَنَّ عَلى عِبادِهِ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بَشيرا ونَذيرا ، ووَفَّقَكُم لِقَبولِ دينِهِ ، وأكرَمَكُم بِهدايَتِهِ . . . فَلَم تَزَل نِيَّتُنا مُستَحكِمَهً ، ونُفوسُنا إلى طيبِ آرائِكُم ساكِنَهً ، القَرابَهُ الرّاسِخَهُ بَينَنا وبَينَكُم قَوِيَّهً . وَصِيَّهٌ أوصى بِها أسلافُنا وأسلافُكُم ، وعَهدٌ عُهِدَ إلى شُبّانِنا ومَشايِخِكُم ، فَلَم يَزَل عَلى جُملَهٍ كامِلَهٍ مِنَ الاِعتِقادِ ، لِما جَمَعَنَا اللّهُ عَلَيهِ مِنَ الحالِ القَريبَهِ ، وَالرَّحِمِ الماسَّهِ ؛ يَقولُ العالِمُ سَلامُ اللّه ِ عَلَيهِ إذ يَقولُ : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ لِأُمِّهِ وأبيهِ . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 166 / 7 ، المحاسن : 1 / 227 / 407 نحوه وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، المؤمن : 39 / 88 ، بحار الأنوار : 74 / 271 / 11 و ص 276 / 8 .
2- .عدّه الداعى : 174 ، أعلام الدين : 305 نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 236 / 38 .
3- .المناقب لابن شهرآشوب : 4 / 425 ، بحار الأنوار : 50 / 317 / 14 .

امام باقر علیه السلام : مؤمن ، برادرِ تنیِ مؤمن است ؛ زیرا خداوند عز و جلمؤمنان را از سرشتِ بهشت آفرید و در کالبدهایشان ، از نسیم آن دمید . از این رو ، آنان برادرِ تنی اند .

عدّه الداعی به نقل از عبدالمؤمن انصاری : نزد امام موسی بن جعفر علیه السلامرفتم. محمّد بن عبداللّه جعفری نزد ایشان بود. به او لبخندی زدم . حضرت علیه السلام فرمود: «آیا دوستش می داری ؟». گفتم : آری ؛ تنها برای خاطر شما دوستش می دارم . حضرت فرمود : «او ، برادرت است . مؤمن ، برادرِ تنیِ مؤمن است . ملعون است ، ملعون است کسی که برادرش را متَّهم سازد . ملعون است ، ملعون است کسی که برادرش را فریب دهد. ملعون است ، ملعون است کسی که خیرخواه برادرش نباشد . ملعون است ، ملعون است کسی که [دیگری را]بر برادر [دینی] خویش مقدّم بدارد و او را محروم کند . ملعون است ، ملعون است کسی که خود را از برادرش پنهان کند . ملعون است ، ملعون است کسی که درباره برادرش غیبت کند» .

امام عسکری علیه السلام از جمله آنچه به مردم قم و آوه نوشت : خداوند با بخشش و مهربانی خود ، بر بندگانش منّت گذاشت و پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را نوید دهنده و بیم دهنده فرستاد و شما را برای پذیرش دینش توفیق داد و به هدایت خود ، گرامی داشت ... نیّت ما همواره استوار و جان هایمان به اندیشه های پاک شما آرام است . خویشاوندیِ برقرار میان ما و شما نیرومند است . این [خویشاوندی] ، سفارشی است که گذشتگان ما و گذشتگان شما بدان سفارش کرده اند و عهدی است که با جوانان ما و پیران شما بسته شده است و به سبب حالت نزدیک و خویشاوندی پیوسته ای که خداوندْ ما را بر آن نگه داشته است ، همچنان بر اعتقادی کامل ، استوار است . عالمِ [معصوم] علیه السلاممی فرماید : «مؤمن ، برادرِ تنیِ مؤمن است» .

.

2 / 2المُؤمِنونَ إخوَةٌ كَالجَسَدِ الواحِدِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تَرَى المُؤمِنينَ فى تَراحُمِهِم وتَوادِّهِم وتَعاطُفِهِم كَمَثَلِ الجَسَدِ ؛ إذَا اشتَكى عُضوا تَداعى لَهُ سائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهَرِ وَالحُمّى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنونَ بَعضُهُم لِبَعضٍ نُصَحاءُ وادّونَ وإنِ افتَرَقَت مَنازِلُهُم وأبدانُهُم ، وَالفَجَرَةُ بَعضُهُم لِبَعضٍ غَشَشَةٌ مُتَخاذِلونَ وإنِ اجتَمَعَت مَنازِلُهُم وأبدانُهُم . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : المُؤمِنُ أخُو المُؤمِنِ كَالجَسَدِ الواحِدِ ؛ إنِ اشتَكى شَيئا مِنهُ وَجَدَ أَلَمَ ذلِكَ فى سائِرِ جَسَدِهِ . وأرواحُهُما مِن روحٍ واحِدَةٍ ، وإنَّ روحَ المُؤمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصالاً بِروحِ اللّهِ مِنِ اتِّصالِ شُعاعِ الشَّمسِ بِها . (3)

.

1- .صحيح البخارى : 5 / 2238 / 5665 ، صحيح مسلم : 4 / 1999 / 66 ، مسند ابن حنبل : 6 / 378 / 18401 ، السنن الكبرى : 3/492/6430 ، مسند الشهاب : 2 / 283 / 1366 كلّها عن النعمان بن بشير وفيها «مثل» بدل «ترى»، كنز العمّال: 1/149/737؛ المؤمن: 39/92 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: 74/274/19 .

2- .الفردوس : 4 / 189 / 6584 ، كنز العمّال : 1 / 152 / 757 نقلاً عن عبدالرزّاق الجيلى فى الأربعين وكلاهما عن أنس بن مالک و ص 365 / 1607 .

3- .الكافى : 2 / 166 / 4 ، مصادقه الإخوان : 151 / 2 كلاهما عن أبى بصير ، المؤمن : 38 / 86 ، الاختصاص : 32 وفيهما «روح اللّه» بدل «روح واحده» ، بحار الأنوار : 74/268/8 و ص 277 / 9 .

2 / 2مؤمنان برادرند ، چون یک پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنان را در مهربانی ورزیدن به یکدیگر ، دوستی با یکدیگر و ملاطفت با یکدیگر ، چونان یک پیکر می بینی که چون عضوی [به درد آید و]شکایت کند ، دیگر اعضا با بی خوابی و تب ، با او هم صدا می شوند و یکدیگر را فرا می خوانند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنان ، نسبت به یکدیگر خیرخواه و دوستدارند ، اگرچه منزل ها و پیکرهایشان از یکدیگر جدا باشد . بدکاران ، یکدیگر را می فریبند و تنها می گذارند ، گرچه منزل ها و پیکرهایشان ، کنار یکدیگر باشد .

امام صادق علیه السلام : مؤمن ، برادرِ مؤمن است ، همچون یک پیکر که اگر عضوی از آن بنالد ، [شخص دردمند]درد آن را در سایر اعضای خود می بیند ؛ و روح هایشان از یک روح است و پیوستگیِ روحِ مؤمن به روح خدا ، بیشتر از پیوستگیِ پرتو خورشید به خورشید است .

.

عنه علیه السلام : إنَّمَا المُؤمِنونَ إخوَهٌ بَنو أبٍ وأُمٍّ ، وإذا ضَرَبَ عَلی رَجُلٍ مِنهُم عِرقٌ سَهَرَ لَهُ الآخَرونَ . (1)

الدرّ المنثور عن عمّار بن یاسر : إنَّ موسی علیه السلام قالَ : یا رَبِّ حَدِّثنی بِأَحَبِّ النّاسِ إلَیکَ . قالَ : ولِمَ ؟ قالَ : لِأُحِبَّهُ لِحُبِّکَ إیّاهُ . فَقالَ : عَبدٌ فی أقصَی الأَرضِ سَمِعَ بِهِ عَبدٌ آخَرُ فی أقصَی الأَرضِ لا یَعرِفُهُ فَإن أصابَتهُ مُصیبَهٌ فَکَأَنَّما أصَابَتهُ ، وإن شاکَتهُ شَوکَهٌ فَکَأَنَّما شاکَتهُ ، ما ذاکَ إلاّ لی ، فَذلِکَ أَحَبُّ خَلقی إلَیَّ . (2)

2 / 3فَضلُ الإخاءِ فِی اللّهِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَا استَفادَ امرُؤٌ مُسلِمٌ فائِدَهً بَعدَ فائِدَهِ الإِسلامِ مِثلَ أخٍ یَستَفیدُهُ فِی اللّهِ عز و جل . (3)

الإمام علیّ علیه السلام : مَن آخی فِی اللّهِ غَنِمَ . مَن آخی فِی الدُّنیا حُرِمَ . (4)

عنه علیه السلام : خَیرُ الإِخوانِ مَن کانَت فِی اللّهِ مَوَدَّتُهُ . (5)

.

1- .الکافی : 2 / 165 / 1 عن المفضّل بن عمر ، المؤمن : 38 / 84 ، بحار الأنوار : 74 / 264 / 4 .
2- .تفسیر الدرّ المنثور : 3 / 539 نقلاً عن ابن المبارک وأحمد .
3- .الأمالیللطوسی:46/57، بشاره المصطفی:72، تنبیه الخواطر: 2/179 وزادفیه «متواضعین»بعد«متواصلین» وکلّها عن أبی العبّاس الفضل بن عبد الملک عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : 74 / 275 / 3 .
4- .غرر الحکم : 7776 و 7777 .
5- .غرر الحکم : 5017 .

امام صادق عليه السلام : در حقيقت ، مؤمنان ، برادرند ؛ فرزندان يک پدر و مادر ، و هرگاه يکى از آنان بيمار شود ، ديگران برايش بى خوابى مى كشند .

الدرّ المنثور به نقل از عمّار بن ياسر : موسى عليه السلامگفت : پروردگارا! با من از محبوب ترينِ مردم در نزدت سخن بگو . فرمود : «چرا؟». گفت : تا به خاطر دوستى ات با او ، دوستش بدارم . فرمود : «بنده اى است در اين سوى زمين كه بنده ديگرى در آن سوى زمين ، بى آن كه او را بشناسد ، از او باخبر مى شود . پس چون به او مصيبتى رسد ، گويى به اين يک مصيبت رسيده است و چون خارى در تن او بخَلَد ، گويى در تن اين يک خليده است و اين همدردى ، تنها به خاطر من است . اين چنين كسى ، محبوب ترينِ خلق در نزد من است» .

2 / 3فضيلت برادريِ خدايى رسول خدا صلى الله عليه و آله : هيچ مسلمانى پس از بهره اسلام آوردن بهره اى همچون برادرى خدايى ، به دست نياورده است .

امام على عليه السلام : هركه در راه خدا برادرى كند ، سود بَرد و هركه در راه دنيا برادرى كند ، بى بهره مانَد .

امام على عليه السلام : بهترينِ برادران ، كسى است كه برادرى اش در راه خدا باشد .

.

عنه علیه السلام : واخِ الإِخوانَ فِی اللّهِ ، و أحِبَّ الصّالِحَ لِصَلاحِهِ . (1)

عنه علیه السلام : بِالتَّواخی فِی اللّهِ تُثمِرُ الأُخُوَّهُ . (2)

تحف العقول : قالَ [الإمام الباقر علیه السلام] : مَن استَفادَ أخا فِی اللّهِ عَلی إیمانٍ بِاللّهِ ، و وَفاءٍ بِإِخائِهِ ؛ طَلَبا لِمَرضاهِ اللّهِ فَقَد استَفادَ شُعاعا مِن نورِ اللّهِ ، و أمانا مِن عَذابِ اللّهِ ، و حُجَّهً یُفلِجُ بِها یَومَ القِیامَهِ ، و عِزّا باقِیا ، و ذِکرا نامِیا ؛ لِأَنَّ المُؤمِنَ مِنَ اللّهِ عز و جل لا مَوصولٌ و لا مَفصولٌ . قیلَ لَهُ علیه السلام : ما مَعنی لا مَفصولٌ و لا مَوصولٌ ؟ قالَ : لا مَوصولٌ بِهِ أنَّهُ هُوَ ، ولا مَفصولٌ مِنهُ أنَّهُ مِن غَیرِهِ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام : قَد یَکونُ حُبٌّ فِی اللّهِ و رَسولِهِ ، و حُبٌّ فِی الدُّنیا ، فَما کانَ فِی اللّهِ ورَسولِهِ فَثَوابُهُ عَلَی اللّهِ ، و ما کانَ فِی الدُّنیا فَلَیسَ بِشَیءٍ . (4)

عنه علیه السلام لِأَصحابِهِ : اِتَّقُوا اللّهَ ، و کونوا إخوَهً بَرَرَهً ، مُتَحابّینَ فِی اللّهِ مُتَواصِلینَ مُتَراحِمینَ ، تَزاوَروا و تَلاقَوا و تَذاکَروا أمرَنا و أحیوهُ . (5)

.

1- .الأمالی للمفید : 222 / 1 ، الأمالی للطوسی : 8 / 8 کلاهما عن الفجیع العقیلی عن الإمام الحسن علیه السلام ، بحارالأنوار : 74 / 275 / 2 .
2- .غرر الحکم : 4225 .
3- .تحف العقول : 295 ، بحار الأنوار : 78 / 175 / 32 .
4- .الکافی : 2 / 127 / 13 ، المحاسن : 1 / 414 / 948 کلاهما عن بشیر الکناسی و ص 263 / 506 ، تفسیر العیّاشی : 1 / 167 / 26 کلاهما عن بشیر الدهّان وفیه «حبّا للّه وفی اللّه» بدل «حبّ فی اللّه» ، مصادقه الإخوان : 154 / 1 ، بحار الأنوار : 27 / 94 / 56 و ج 69 / 249 / 24 .
5- .الکافی : 2 / 175 / 1 ، مصادقه الإخوان : 137 / 8 ، تنبیه الخواطر : 2 / 179 وزاد فیه «متواضعین» بعد «متواصلین» وکلّها عن شعیب العقرقوفی ، الأمالی للطوسی : 60 / 87 عن أبی عبید ، بحار الأنوار : 74 / 401 / 45 .

امام علی علیه السلام : در راه خدا با برادران ، برادری کن و صالحان را به خاطر صالح بودنشان دوست بدار .

امام علی علیه السلام : با برادریِ خدایی است که [درخت]برادری به بار می نشیند .

تحف العقول : امام باقر علیه السلام فرمود : «هرکه در راه خدا و بر اساس ایمان به خدا ، برادری به دست آورد و برای خشنودی خدا به حقوق برادری اش وفاداری کند ، پرتوی از ایمان ، و امانی از عذاب خدا ، و عزّتی پاینده ، و آوازه ای فزاینده ، و حجّتی به دست می آورَد که روز قیامت ، به کمک آن پیروز شود ؛ زیرا مؤمن نسبت به خداوند عز و جل نه پیوسته است و نه گسسته» . از ایشان پرسیدند : معنای «نه پیوسته است و نه گسسته ، چیست ؟ فرمود : «به او پیوسته نیست ، تا خودِ او باشد و از او گسسته نیست ، تا از جز او باشد» .

امام صادق علیه السلام : دوستی ، گاه در راه خدا و پیامبرش است و گاه در راه دنیاست . پس آنچه در راه خدا و پیامبرش باشد ، پاداش آن بر عهده خداست و آنچه در راه دنیا باشد ، پوچ و بی اثر است .

امام صادق علیه السلام به اصحاب خود : از خدا بترسید و برادرانی نیکوکار باشید . در راه خدا یکدیگر را دوست بدارید ، به یکدیگر بپیوندید ، با هم مهربان باشید ، یکدیگر را ببینید و به دیدار یکدیگر بروید و مسئله [امامت] ما را به یکدیگر یادآوری کنید و آن را زنده نگه دارید .

.

عنه عليه السلام : مِن حُبِّ الرَّجُلِ دينَهُ حُبُّهُ إخوانَهُ . (1)

عنه عليه السلام : مِن فَضلِ الرَّجُلِ عِندَ اللّهِ مَحَبَّتُهُ لاِءِخوانِهِ . (2)

الكافى عن حفص بن البختريّ : كُنتُ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام ودَخَلَ عَلَيهِ رَجُلٌ ، فَقالَ لى : تُحِبُّهُ ؟ فَقُلتُ : نَعَم . فَقالَ لى : ولِمَ لا تُحِبُّهُ وهُوَ أخوكَ ، وشَريكُكَ فى دينِكَ ، وعَونُكَ عَلى عَدُوِّكَ ، ورِزقُهُ عَلى غَيرِكَ ! (3)

2 / 4الإِخاءُ بَينَ أصحابِ النَّبِىِّ الطبقات الكبرى عن ضمره بن سعيد : لَمّا قَدِمَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله المَدينَةَ آخى بَينَ المُهاجِرينَ ؛ بَعضِهِم لِبَعضٍ ، وآخى بَينَ المُهاجِرينَ وَالأنصارِ ، آخى بَينَهُم عَلَى الحَقِّ وَالمُؤاساةِ ، ويَتَوارَثونَ بَعدَ المَماتِ دونَ ذَوِى الأَرحامِ . وكانوا تِسعينَ رَجُلاً ؛ خَمسَةٌ وأربَعونَ مِنَ المُهاجِرينَ ، وخَمسَةٌ وأربَعونَ مِنَ الأنصارِ ، ويُقالُ : كانوا مِائَةً ؛ خَمسونَ مِنَ المُهاجِرينَ ، وخَمسونَ مِنَ الأنصارِ . وكانَ ذلِكَ قَبلَ بَدرٍ ، فَلَمّا كانَت وَقعَةُ بَدرٍ وأنزَلَ اللّهُ تَعالى : «وَأُوْلُواْ الأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِى كِتَبِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمُم » (4)فَنَسَخَت هذِهِ الآيَةُ ما كانَ قَبلَها ، وَانقَطَعَتِ المُؤاخاةُ فِى الميراثِ ، ورَجَعَ كُلُّ إنسانٍ إلى نَسَبِهِ ، ووَرِثَهُ ذَوو رَحِمِهِ . (5)

.

1- .الخصال : 3 / 4 ، مصادقه الإخوان : 181 / 1 كلاهما عن الفضيل بن يسار ، الاختصاص : 31 ، بحار الأنوار : 69 / 237 / 6 و ج 74 / 279 / 3 .
2- .ثواب الأعمال : 220 / 1 عن جميل بن درّاج ، بحار الأنوار : 74 / 397 / 29 .
3- .الكافى : 2 / 166 / 6 ، بحار الأنوار : 74 / 271 / 10 .
4- .الأنفال : 75 .
5- .الطبقات الكبرى : 1 / 238 ؛ بحار الأنوار : 19 / 130 نقلاً عن المنتقى فى مولود المصطفى وراجع تفسير القمّى : 1 / 280 .

امام صادق علیه السلام : دوست داشتن برادران ، از جمله دینِ انسان است .

امام صادق علیه السلام : محبّت انسان به برادرانش ، برایش نزد خداوند، فضیلتی به شمار می رود.

الکافی به نقل از حَفص بن بَختَری : نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی بر ایشان وارد شد . حضرت به من فرمود : «دوستش داری ؟» . گفتم : آری . فرمود : «باید هم دوستش بداری که او برادرت ، شریک دینت و یاورت بر ضد دشمنت است ، حال آن که روزی اش به عهده کسی جز توست» .

2 / 4برادری میان یاران پیامبر الطبقات الکبری به نقل از ضَمْره بن سعید : چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آمد ، میان مهاجران با یکدیگر و میان مهاجران و انصار ، بر اساس [رعایت] حق و مواسات (همدردی) با یکدیگر و میراثبری از یکدیگر پس از مرگ بی آن که خویشاوندانْ ارثی ببرند پیمان برادری بست . آنان نود تن بودند : چهل و پنج تن از مهاجران و چهل و پنج تن از انصار . نیز گفته اند که صد تن بودند : پنجاه تن از مهاجران و پنجاه تن از انصار . این واقعه ، پیش از جنگ بدر رخ داد و چون جنگ بدر پیش آمد ، خداوند متعال ، این آیه را نازل ساخت : «و خویشاوندان در کتاب خدا نسبت به یکدیگر سزاوارترند ؛ و خداوند به هر چیزی داناست» . بدین ترتیب ، این آیه حکم پیش از خود را نَسخ کرد و میراثبری بر اساس پیمان برادری ، از میان رفت و هر کسی به تبار خود بازگشت و از خویشاوند خود ، ارث برد .

.

الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا هاجَرَ إلَى المَدينَهِ آخى بَينَ أصحابِهِ مِنَ المُهاجِرينَ وَالأنصارِ ؛ جَعَلَ المَواريثَ عَلَى الاُخُوَّهِ فِى الدّينِ لا فى مِيراثِ الأرحامِ ، وذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَهَدُواْ بِأَمْوَ لِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُواْ أُوْلَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ» إلى قَولِهِ سُبحانَهُ : «وَالَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يُهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَيَتِهِم مِّن شَىْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُواْ» (1) ، فَأخرَجَ الأقارِبَ مِنَ الميراثِ ، وأثبَتَهُ لِأهلِ الهِجرَهِ وأهلِ الدّينِ خاصَّةً .ثُمَّ عَطَفَ بِالقَولِ ، فَقالَ تَعالى : «وَالَّذِينَ كَفَرُواْ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ إِلاَّ تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَهٌ فِى الأرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ » (2) ، فَكانَ مَن ماتَ مِنَ المُسلِمينَ يَصيرُ ميراثُهُ وتَرِكَتُهُ لأخيهِ فِى الدّينِ دونَ القَرابَهِ وَالرَّحِمِ الوَشيجَهِ . فَلَمّا قَوِىَ الإسلامُ أنزَلَ اللّهُ : «النَّبِىُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَ جُهُو أُمَّهَتُهُمْ وَأُوْلُواْ الأرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِى كِتَبِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَجِرِينَ إِلاَّ أَن تَفْعَلُواْ إِلَى أَوْلِيَآئكُم مَّعْرُوفًا كَانَ ذَ لِكَ فِى الْكِتَبِ مَسْطُورًا » (3) ، فَهذا مَعنى نَسخِ آيَهِ الميراثِ . (4)

.

1- .الأنفال : 72 .
2- .الأنفال : 73.
3- .الأحزاب : 6 .
4- .بحار الأنوار : 93 / 8 نقلاً عن تفسير النعمانى عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام .

102. امام علی علیه السلام : چون پیامبر خدا به مدینه آمد ، میان یاران مهاجر و انصارِ خود ، پیمان برادری برقرار ساخت و میراثبری را بر اساس برادریِ دینی گذاشت ، نه بر اساس خویشاوندی. این گفته خداوند متعال نیز اشاره به این مطلب است : «کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده اند و در راه خدا با مال و جان خود ، جهاد نموده اند و کسانی که [مهاجران را]پناه داده و یاری کرده اند ، آنانْ خویشاوندان یکدیگرند» ، تا آن جا که خداوند سبحان می فرماید : «کسانی که ایمان آورده اند ، ولی هجرت نکرده اند، خویشاوندان شما نیستند ، تا آن که هجرت کنند» . بدین ترتیب، خویشاوندان [سببی و نَسَبی]را از حکم میراث ، خارج ساخت و آن را مخصوص اهل مهاجرت و خاصّ اهل دین قرار داد .

سپس خداوند متعال باز به این مطلب بازگشت و فرمود : «آنان که کفر ورزیدند ، خویشاوندان یکدیگرند و اگر چنین نکنید [و کافران را نیز میراثبرِ خود قرار دهید] ، فتنه و فساد بزرگی در زمین ، رخ خواهد داد» . در نتیجه ، اگر از مسلمانان کسی می مُرد ، میراث و آنچه برجای می نهاد ، تنها به برادر دینی اش می رسید، نه به خویشان و خویشاوندانِ نزدیک.

چون اسلامْ نیرومند گشت، خداوند ، این آیه را نازل ساخت : «پیامبر به مؤمنان ، از خودشان سزاوارتر است و زنانش ، مادران مؤمنان هستند و در کتاب خدا، خویشاوندان ، نسبت به یکدیگر ، سزاوارتر از مؤمنان و مهاجران اند ، مگر آن که بخواهید به دوستان خود نیکی کنید . این حکم ، در کتاب خدا نوشته شده است» . این است معنای نسخ آیه میراث . .

101. مسند أبی یعلی عن أنس : کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُواخی بَینَ الإثنَینِ مِن أصحابِهِ ، فَیَطولُ عَلی أحَدِهِمَا اللَّیلُ حَتّی یَلقاهُ أخوهُ ، فَیَلقاهُ بِوُدٍّ ولُطفٍ ، فَیَقولُ : کَیفَ کُنتَ بَعدی؟ وأمَّا العامَّهُ فَلَم یَکُن یَأتی عَلی أحَدِهِما ثَلاثٌ لا یَعلَمُ عِلمَ أخیهِ . (1)100. الإمام الصادق علیه السلام : آخی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بَینَ سَلمانَ وأبی ذَرٍّ ، وَاشتَرَطَ عَلی أبی ذَرٍّ أن لا یَعصِیَ سَلمانَ . (2) .

1- .مسند أبی یعلی : 3 / 349 / 3325 ، عمل الیوم واللیله لابن السنی : 74 / 196 .
2- .الکافی : 8 / 162 / 168 عن صالح الأحول .

99. مسند أبی یَعلی به نقل از اَنَس : پیامبر خدا میان دو تنْ دو تن یاران خود ، پیمان برادری برقرار می ساخت . در نتیجه ، یکی از این برادران ، منتظر دیدار برادرش می ماند و شب بر او طولانی می نمود تا آن که او را می دید و با لطف و مهربانی با او دیدار می کرد و می گفت : «در نبودِ من ، چگونه بودی ؟» . عموم مسلمانان نیز چنین بودند که بیش از سه روز از حال برادران خود ، بی خبر نمی ماندند .98. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا ، میان سلمان و ابوذر ، پیمان برادری بست و با ابوذر شرط کرد که از سلمان ، نافرمانی نکند . .

الفصل الثالث: آثار المحبَّه فی اللّه 3 / 1كَمالُ الإيمانِ94. رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ثَلاثٌ مَن كُنَّ فيهِ وَجَدَ طَعمَ الإيمانِ : مَن كانَ يُحِبُّ المَرءَ لا يُحِبُّهُ إلاّ للّهِ ، ومَن كانَ اللّهُ ورَسولُهُ أحَبَّ إلَيهِ مِمّا سِواهُما ، ومَن كانَ أن يُلقى فِی النّارِ أحَبَّ إلَيهِ مِن أن يَرجِعَ فِی الكُفرِ بَعدَ أن أنقَذَهُ اللّهُ مِنهُ . (1)93. عنه صلی الله علیه و آله : مَن سَرَّهُ أن يَجِدَ حَلاوَهَ الإيمانِ فَليُحِبَّ المَرءَ لا يُحِبُّهُ إلاّ للّهِ عز و جل . (2)92. عنه صلی الله علیه و آله : لا يَحِقُّ العَبدُ حَقَّ صَريحِ الإيمانِ حَتّی يُحِبَّ للّهِ تَعالی ويُبغِضَ للّهِ ، فَإذا أحَبَّ للّهِ تَبارَكَ وتَعالی وأبغَضَ للّهِ تَبارَكَ وتَعالی فَقَدِ استَحَقَّ الوَلاءَ مِنَ اللّهِ . (3) .

1- .صحيح مسلم : 1 / 66 / 68 ، صحيح البخارى : 1 / 14 / 16 ، سنن الترمذى : 5 / 15 / 2624 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس ؛ مشكاه الأنوار : 123 .

2- .شُعب الإيمان: 6 / 491 / 9018 و ح 9020 وفيه «حقيقه» بدل «حلاوه»، المستدرک على الصحيحين: 1/44/3، مسند ابن حنبل : 157 / 7972 وفيه «طعم» بدل «حلاوه» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 24679 /9/10 .

3- .مسند ابن حنبل: 5/293/15549، الأولياء لابن أبى الدنيا: 41/19 كلاهما عن عمرو بن الجموح ، كنز العمّال : 1 / 42 / 100 وراجع المعجم الأوسط : 1 / 203 / 651 .

فصل سوم : آثار دوستيِ در راه خدا

3 / 1 كمال ايمان

فصل سوم : آثار دوستيِ در راه خدا3 / 1كمال ايمان88.قال النَبىُّ عليه السلام : رسول خدا صلى الله عليه و آله : هركه داراى سه صفت باشد ، طعم ايمان را دريافته است : آن كه ديگرى را تنها براى خدا دوست مى دارد؛ آن كه خدا و پيامبرش نزدش محبوب تر از هر چيز ديگرى باشند ؛ و آن كه اگر او را در آتش اندازند ، برايش خوشايندتر از آن باشد كه پس از آن كه خداوندْ او را از كفر نجات داده است ، به كفر باز گردد .87. رسول خدا صلى الله عليه و آله : كسى كه دوست دارد شيرينى ايمان را بيابد ، پس بايد جز براى خدا كسى را دوست نداشته باشد .86. رسول خدا صلى الله عليه و آله : هيچ بنده اى حقيقتِ محض ايمان را درنمى يابد ، تا آن كه براى خدا دوست بدارد و براى خدا دشمن بدارد ، و چون براى خدا دوست داشت و براى خدا دشمن داشت ، شايستگى دوستى از سوى خدا را به دست خواهد آورد .

.

85.قال النبىّ صلى الله عليه و آله : الإمام العسكرىّ عليه السلام عَن آبائِهِ عليهم السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِبَعضِ أصحابِهِ ذاتَ يَومٍ : يا عَبدَاللّهِ ، أحبِب فِى اللّهِ ، وأبغِض فِى اللّهِ ، ووالِ فِى اللّهِ ، وعادِ فِى اللّهِ ؛ فَإِنَّهُ لا تُنالُ وِلايَهُ اللّهِ إلاّ بِذلِکَ ، ولا يَجِدُ الرَّجُلُ طَعمَ الإِيمانِ وإِن كَثُرَت صَلاتُهُ وصِيامُهُ حَتّى يَكونَ كَذلِکَ . وقَد صارَت مُؤاخاهُ النّاسِ يَومَكُم هذا أكثَرُها فِى الدُّنيا ؛ عَلَيها يَتَوادّونَ ، وعَلَيها يَتَباغَضونَ ، وذلِکَ لا يُغنى عَنهُم مِنَ اللّهِ شَيئا .

فَقالَ الرَّجُلُ : يا رَسولَ اللّهِ ، فَكَيفَ لى أن أعلَمَ أنّى قَد والَيتُ وعادَيتُ فِى اللّهِ ؟ ومَن وَلِىُّ اللّهِ عز و جل حَتّى اُوالِيَهُ ، ومَن عَدُوُّهُ حَتّى اُعادِيَهُ ؟

فَأَشارَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلى عَلِىٍّ عليه السلام ، فَقالَ : أتَرى هذا ؟ قالَ : بَلى . قالَ : وَلِىُّ هذا وَلِىُّ اللّهِ ؛ فَوالِهِ ، وعَدُوُّ هذا عَدُوُّ اللّهِ ؛ فَعادِهِ ، ووالِ وَلِىَّ هذا ولَو أنَّهُ قاتِلُ أبيکَ ووَلَدِکَ ، وعادِ عَدُوَّ هذا ولَو أنَّهُ أبوکَ ووَلَدُکَ . (1)84. الإمام الصادق عليه السلام : مَن أحَبَّ للّهِ وأبغَضَ للّهِ وأعطى للّهِ فَهُوَ مِمَّن كَمُلَ إيمانُهُ . (2) .

1- .معانيالأخبار: 399/58 عن محمّدبن زياد ومحمّد بن سنان وص37/9 ، عيون أخبارالرضا عليه السلام : 1/291/41، علل الشرايع : 140 / 1 ، صفات الشيعه : 125 / 65 ، الأمالى للصدوق : 61 / 21 كلّها عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام : 49 ، روضه الواعظين : 457 من دون إسناد إلى الإمام عليه السلام ، تنبيه الخواطر : 2 / 99 وليس فيه من «فقال الرجل .. . إلخ» ، بحار الأنوار : 27 / 54 / 8 و ج 68 / 79 / 140 ؛ حليه الأولياء : 1 / 312 عن ابن عمر عنه صلى الله عليه و آلهنحوه وليس فيه «فقال الرجل . . . إلخ» .
2- .الكافى : 2 / 124 / 1 ، المحاسن : 1 / 410 / 934 وزاد فيه بعد «أعطى للّه» قوله «ومنع للّه» كلاهما عن أبى عبيده الحذّاء ، غرر الحكم : 9031 نحوه ، بحار الأنوار : 69 / 238 / 10 .

83. امام عسکری علیه السلام به نقل از پدرانش : پیامبر خدا روزی به یکی از یارانش فرمود : «ای بنده خدا ! در راه خدا دوست بدار ، در راه خدا دشمن بدار ، در راه خدا دوستی بورز و در راه خدا دشمنی بورز ؛ زیرا ولایت خدا ، جز از این راه به دست نمی آید و انسان ، گرچه نماز و روزه اش بسیار باشد ، طعم ایمان را درنمی یابد ، مگر آن که چنین باشد؛ لیکن امروز ، بیشتر دوستی ها و برادری هایتان برای دنیا و در راه آن است . بر اساس آن ، با یکدیگر دوستی می کنند و برای آن با یکدیگر دشمنی می ورزند؛ حال آن که این دوستی و دشمنی ، در برابر خداوند ، هیچ سودی برایشان ندارد» .

آن مرد گفت : ای پیامبر خدا ! چگونه بدانم که در راه خدا دوستی و دشمنی کرده ام ؟ و دوست خدا کیست تا با او دوستی کنم؟ و دشمن خدا کیست تا با او دشمنی ورزم ؟

پیامبر خدا به علی علیه السلاماشاره کرد و به آن مرد فرمود : «آیا او را می بینی ؟».

گفت : آری .

فرمود : «دوست او ، دوست خداست . پس با او دوستی کن . و دشمن او دشمن خداست . پس با او دشمنی کن . با دوست او دوستی کن ، گرچه قاتل پدر و پسرت باشد ، و با دشمن او دشمنی کن ، گرچه پدر و پسرت باشند» .82. امام صادق علیه السلام : هرکه برای خدا دوست بدارد ، برای خدا دشمن بدارد و برای خدا ببخشد ، از کسانی است که ایمانشان کامل شده است . .

3 / 2قَطعُ دابِرِ الشَّيطانِ والسُّلطَانِ79.قالَ النَبىُّ صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام : إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله قالَ لِأَصحابِهِ : ألا اُخبِرُكُم بِشَىءٍ إن أنتُم فَعَلتُموهُ تَباعَدَ الشَّيطانُ مِنكُم كَما تَباعَدَ المَشرِقُ مِنَ المَغرِبِ ؟

قالوا : بَلى .

قالَ : الصَّومُ يُسَوِّدُ وَجهَهُ ، وَالصَّدَقَةُ تَكسِرُ ظَهرَهُ ، وَالحُبُّ فِى اللّه ِ وَالمُوازَرَةُ عَلَى العَمَلِ الصّالِحِ يَقطَعُ دابِرَهُ ، وَالاِستِغفارُ يَقطَعُ وَتينَهُ . (1)78. الإمام الباقر عليه السلام : عَلَيكُم بِالحُبِّ فِى اللّه ِ وَالتَّوَدُّدِ وَالمُوازَرَةِ عَلَى العَمَلِ الصّالِحِ ؛ فَإِنَّهُ يَقطَعُ دابِرَهُما يَعنِى السُّلطانَ وَالشَّيطانَ . (2)3 / 3إخلاصُ المَحَبَّةِ75.قالَ النبىُّ صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : عَلَى التَّواخى فِى اللّه ِ تَخلُصُ المَحَبَّةُ . (3)74. عنه عليه السلام : مَن كانَت صُحبَتُهُ فِى اللّه ِ كانَت صُحبَتُهُ كَريمَةً ، ومَوَدَّتُهُ مُستَقيمَةً . (4)73.قال النبىّ صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : وكُلُّ مَوَدَّةٍ للّه ِ يَصفوولا يَصفو مِنَ الفِسقِ الإِخاءُ يُديمونَ المَوَدَّةَ ما رَأَونى ويَبقَى الوُدُّ ما بَقِىَ اللِّقاءُ أخِلاّءُ إذَا استَغنَيتُ عَنهُم وأعداءٌ إذا نَزَلَ البَلاءُ وإن غُيِّبتُ عَن أحَدٍ قَلانى وعاقَبَنى بِما فيهِ اكتِفاءُ (5) .

1- .الكافى : 4 / 62 / 2 ، تهذيب الأحكام : 4 / 191 / 542 كلاهما عن إسماعيل بن أبى زياد ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 75 / 1774 عنه صلى الله عليه و آله ومن دون نقله عنهم عليهم السلام ، الجعفريّات : 58 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله، النوادر للراوندى : 19 عن الإمام علىّ عليه السلاموكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 63 / 264 / 146 .
2- .تحف العقول : 298 ، بحار الأنوار : 78 / 178 / 53 .
3- .غرر الحكم: 6191 وفى طبعه بيروت: 2/28/20 وطبعه طهران: 488/20 «على قدر» بدل «على» .
4- .غرر الحكم : 8977 .
5- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 28 .

3 / 2 رهایی از سُلطه شیطان و سلطان

3 / 3 یکرنگی در دوستی

3 / 2رهایی از سُلطه شیطان و سلطان70. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش : پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود : «هان! شما را از کاری خبر دهم که اگر انجامش دهید ، شیطان از شما دور می شود، آن گونه که مشرق از مغرب دور شده است ؟».

گفتند : آری .

فرمود : «روزه ، روسیاهش می کند . صدقه ، پشتش را می شکند . دوستی در راه خدا و همیاری در انجام دادن کارهای شایسته ، دنباله [سُلطه]اش را قطع می کند و استغفار ، رگ گردنش را می بُرد» .69. امام باقر علیه السلام : بر شما باد دوستی در راه خدا ، ابراز محبّت ، و همیاری بر کردار شایسته ؛ چرا که این [سه]کار ، دنباله [سلطه]آن دو یعنی شیطان و سلطان را می بُرد .3 / 3یکرنگی در دوستی66. امام علی علیه السلام : بر اساس برادری در راه خداست که دوستی به یکرنگی می انجامد.65.قال النبیّ صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هرکه مصاحبتش در راه خدا باشد ، مصاحبتش گرامی و دوستی اش راست و درست است .64. امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان آمده است : هر دوستیِ برای خدا ، به یکرنگی می انجامد/

حال آن که هیچ برادری ای بر بنیاد فسق،به یکرنگی نمی انجامد . تا مرا می بینند، دوستی را ادامه می دهند /

و تا دیدار می پاید ، دوستی پاینده است . هرگاه از آنان بی نیاز شوی ، دوستان هستند /

و چون مصیبتی دور شوم ، دشمنان اند . و چون از یکی دور شوم ، با من دشمنی می کند /

و چنان کیفرم می دهد که مرا بس باشد .

.

3 / 4بَقاءُ المَحَبَّهِ إلی یَومِ القِیامَهِالکتاب(الْأَخِلاَّءُ یَوْمَئذِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِینَ) . (1)

الحدیث58. رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا کانَ یَومُ القِیامَهِ انقَطَعَتِ الأَرحامُ ، وقَلَّتِ الأَنسابُ، وذَهَبَتِ الاُخُوَّهُ إلاَّ الاُخُوَّهَ فِی اللّه ِ ، وذلِکَ قَولُهُ : «الْأَخِلاَّءُ یَوْمَئذِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِینَ » . (2)57. الإمام علیّ علیه السلام : النّاسُ إخوانٌ ، فَمَن کانَت إخوانُهُ فی غَیرِ ذاتِ اللّه ِ فَهِیَ عَداوَهٌ ، وذلِکَ قَولُهُ عز و جل : «الْأَخِلاَّءُ یَوْمَئذِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِینَ » . (3)56. رسول اللّه صلی الله علیه و آله : جَعَلَ اللّه ُ خُلَّتَنا ووُدَّنا خُلَّهَ المُتَّقینَ ووُدَّ المُخلِصینَ . (4) .

1- .الزخرف : 67 .
2- .تفسیر الدرّ المنثور : 7 / 388 نقلاً عن ابن مردویه عن سعد بن معاذ .
3- .کنز الفوائد : 1 / 93 ، کشف الغمّه : 3 / 139 ، بحار الأنوار : 74 / 165 / 29 .
4- .الغارات : 1 / 250 ، بحار الأنوار : 33 / 550 / 720 .

3 / 4بقای دوستی تا روز قیامتقرآن(دوستان در آن روز (قیامت) ، دشمن یکدیگرند ، جز پرهیزگاران» .

حدیث50. رسول خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت شود ، پیوندهای خویشی بریده می شود ، تبار و نسبتِ خویشی کاسته می گردد و برادری ها جز برادریِ خدایی از میان می روند ، و این است مقصود گفته خداوند متعال : «دوستان در آن روز ، دشمن یکدیگرند ، جز پرهیزگاران» .49. امام علی علیه السلام : مردم ، برادران اند . پس هرکه برادری اش در جهت خدا نباشد ، در حقیقتْ دشمنی است ؛ و این است گفتار خداوند عز و جل : «دوستان در آن روز ، دشمن یکدیگرند ، جز پرهیزگاران» .48. رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دوستی و محبّت ما را دوستی و محبّت مخلصان قرار داده است .

.

47. الإمام علىّ عليه السلام : جَعَلَ اللّهُ عز و جل مَوَدَّتَنا فِى الدّينِ ، وحَلاّنا وإيّاكُم حِليَةَ المُتَّقينَ ، وأبقى لَكُم طاعَتَكُم حَتّى يَجعَلَنا وإيّاكُم بِها إخوانا عَلى سُرُرٍ مُتَقابِلينَ (1) . (2)46. تفسير القمّى عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام : قالَ فى خَليلَينِ مُؤمِنَينِ وخَليلَينِ كافِرَينِ . . . : فَأَمَّا الخَليلانِ المُؤمِنانِ فَتَخالاّ حَياتَهُما فى طاعَةِ اللّهِ ، وتَباذَلا عَلَيها ، وتَوادّا عَلَيها ، فَماتَ أحَدُهُما قَبلَ صاحِبِهِ ، فَأراهُ اللّهُ مَنزِلَهُ فِى الجَنَّهِ يَشفَعُ لِصاحِبِهِ ، فَقالَ : يا رَبِّ ، خَليلى فُلانٌ كانَ يَأمُرُنى بِطاعَتِكَ ويُعينُنى ، ويَنهانى عَن مَعصِيَتِكَ ، فَثَبِّتهُ عَلى ما ثَبَّتَّنى عَلَيهِ مِنَ الهُدى حَتّى تُرِيَهُ ما أرَيتَنى . فَيَستَجيبُ اللّهُ لَهُ ، حَتّى يَلتَقِيا عِندَ اللّهِ عز و جل ، فَيَقولُ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما لِصاحِبِهِ : جَزاكَ اللّه ُ مِن خَليلٍ خَيرا ، كُنتَ تَأمُرُنى بِطاعَةِ اللّهِ ، وتَنهانى عَن مَعصِيَةِ اللّهِ .

وأمَّا الكافِرانِ فَتَخالاّ بِمَعصِيَةِ اللّه ِ ، وتَباذَلا عَلَيها ، وتَوادّا عَلَيها ، فَماتَ أحَدُهُما قَبلَ صاحِبِهِ ، فَأراهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى مَنزِلَهُ فِى النّارِ ، فَقالَ : يا رَبِّ فُلانٌ خَليلى كانَ يَأمُرُنى بِمَعصِيَتِكَ ، ويَنهانى عَن طاعَتِكَ فَثَبِّتهُ ؛ عَلى ما ثَبَّتَّنى عَلَيهِ مِنَ المَعاصى حَتّى تُرِيَهُ ما أرَيتَنى مِنَ العَذابِ . فَيَلتَقِيانِ عِندَ اللّه ِ يَومَ القِيامَهِ ، يَقولُ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما لِصاحِبِهِ : جَزاكَ اللّهُ مِن خَليلٍ شَرّا ، كُنتَ تَأمُرُنى بِمَعصِيَهِ اللّهِ ، وتَنهانى عَن طاعَهِ اللّهِ . قالَ : ثُمَّ قَرَأ عليه السلام : «الْأَخِلاَّءُ يَوْمَئذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِينَ » . (3) .

1- .هذا تلميح للآيه الشريفه : «وَ نَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَ نًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَبِلِينَ» الحجر : 47 .
2- .الأمالى للمفيد : 269 / 3 ، الأمالى للطوسى : 31 / 31 وفيه «وخلّتنا وإيّاكم خلّه المتّقين» بدل «وحلاّنا وإيّاكم حليه المتّقين» وكلاهما عن أبى إسحاق الهمدانى ، بحار الأنوار : 77 / 391 / 11 .
3- .تفسير القمّى : 2/287 ، بحار الأنوار : 7/173/4 ؛ شُعب الإيمان : 7/56/9443 ، تفسير ابن كثير : 7 / 224 ، كنزالعمّال : 2 / 499 / 4595 .

45. امام علی علیه السلام : خداوند متعال ، دوستی ما را جزو دین قرار داد و ما را به زیور پرهیزگاران آراست و فرمانبری شما را برایتان نگه داشت تا ما و شما را بدان وسیله برادرانی بر تخت هایی روبه روی هم ، قرار دهد . (1)44. تفسیر القمّی به نقل از حارث : امام علی علیه السلامدرباره دو دوستِ مؤمن و دو دوستِ کافر فرمود : «امّا دو دوست مؤمن که زندگی شان را بر اساس دوستی در راه فرمانبری از خدا گذاردند و بر اساس آن ، به یکدیگر بخشش ها کردند و به یکدیگر مهر ورزیدند ، چون یکی شان پیش از دیگری بمیرد و خداوند ، جایگاه او را در بهشت به او نشان دهد ، به شفاعت از دوستش می پردازد و می گوید : "پروردگارا ! دوستم ، فلانی ، مرا به فرمانبری از تو فرمان می داد و از معصیت و نافرمانیِ تو بازم می داشت. پس او را بر همان هدایتی که مرا بر آنْ استوار داشتی، استوار بدار ، تا آنچه را به من نشان داده ای، به او نیز نشان دهی" . خداوند نیز دعای او را مستجاب می کند و چون این دو یکدیگر را نزد خداوند عز و جلمی بینند ، هر یک از آنان به دوستش می گوید : "خداوند به توی دوست ، پاداش خیر دهد ! تو مرا به فرمانبری از خدا فرمان می دادی و از نافرمانی او بازم می داشتی" .

امّا دو کافری که بر اساس نافرمانی خدا با یکدیگر دوستی کردند و بر اساس آن ، به یکدیگر بخشش ها نمودند و مهر ورزیدند ، پس چون یکی شان پیش از دوستش بمیرد و خداوند متعال ، جایش را در آتش به او نشان دهد ، می گوید : "پروردگارا ! فلانی ، دوستم ، مرا به نافرمانی از تو فرمان می داد و از فرمانبری ات، بازم می داشت. پس او را بر ادامه گناهانی که مرا بر آن استوار داشت ، استوار بدار تا عذابی را که به من نشان دادی ، به او نیز نشان بدهی" . پس چون روز قیامت ، یکدیگر را نزد خداوند می بینند ، هریک از آنان به دوستش می گوید : "خداوند به توی دوست ، پاداش بد دهد! مرا به نافرمانی از خدا فرمان می دادی و از فرمانبری اش بازم می داشتی"» .

سپس حضرت این آیه را خواند: « «دوستان در آن روز، دشمن یکدیگرند، جز پرهیزگاران» » . .

1- .اشاره است به آیه 47 از سوره حجر .

43. حليه الأولياء عن أنس : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ لِعَلِيّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، اِستَكثِر مِنَ المَعارِفِ مِنَ المُؤمِنينَ ؛ فَكَم مِن مَعرِفَهٍ فِى الدُّنيا بَرَكَهٌ فِى الآخِرَهِ .

فَمَضى عَلِيٌّ عليه السلام ، فَأَقامَ حينا لا يَلقى أحَدا إلاَّ اتَّخَذَهُ لِلآخِرَهِ ، ثُمَّ جاءَ مِن بَعدُ فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما فَعَلتَ فيما أمَرتُکَ ؟

فَقالَ : قَد فَعَلتُ يا رَسولَ اللّهِ .

فَقالَ لَهُ عليه السلام : اِذهَب فَابلُ أخبارَهُم .

فَأَتى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وهُوَ مُنَكِّسٌ رَأسَهُ ، فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وهُوَ يَتَبَسَّمُ : ما أحسِبُ يا عَلِيُّ ثَبَتَ مَعَکَ إلاّ أبناءُ الآخِرَهِ ؟

فَقالَ لَهُ عَلِيٌّ عليه السلام : لا وَالَّذى بَعَثَکَ بِالحَقِّ .

فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : «الْأَخِلاَّءُ يَوْمَئذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِينَ » ، يا عَلِيُّ ، أقبِل عَلى شَأنِکَ وَاملِک لِسانَکَ وَاعقِل مَن تُعاشِرُهُ مِن أهلِ زَمانِکَ تَکُن سالِما غانِما . (1)3 / 5شَفاعَهُ رسولُ اللّه 40. رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أنَا شَفيعٌ لِكُلِّ رَجُلَينِ اتَّخَيا فِى اللّهِ مِن مَبعَثى إلى يَومِ القِيامَهِ . (2)39. درر الأحاديث عن يحيى بن الحسين : بَلَغَنا عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ كانَ يَقولُ : أنَا شَفيعٌ لِكُلِّ أخَوَينِ تَحابّا فِى اللّهِ مِن مَبعَثى إلى يَومِ القِيامَهِ . (3) .

1- .حليه الأولياء : 4 / 22 ، البدايه والنهايه : 9 / 243 كلاهما نقلاً عن الطبرانى .
2- .حليه الأولياء : 1 / 368 عن سلمان ، كنز العمّال : 9 / 4 / 24644 وفيه «أخوين تحابّا» بدل «رجلين اتخيا».
3- .درر الأحاديث: 30؛ الفردوس : 1/49/127 عن سلمان ، كنز العمّال : 9/4/24644 نقلاً عن حليه الأولياء.

38. حلیه الأولیاء به نقل از اَنس : شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلاممی فرمود : «ای علی ! بر شمار آشنایانِ با ایمان بیفزای که بسی شناخت ها در دنیا ، مایه برکت در آخرت است» .

در نتیجه ، علی علیه السلام مدّتی را به سر برد که در آن ، هر کس را می دید ، برای ذخیره آخرت به دوستی می گرفت . پس از مدّتی ، نزد پیامبر خدا آمد و ایشان به او فرمود : «در باب فرمانم چه کردی ؟».

علی علیه السلام پاسخ داد : ای پیامبر خدا ! آنچه را فرمودی ، به جای آوردم .

حضرت به او فرمود : «برو و آنان را بیازمای».

علی علیه السلام نیز [پس از آزمودنشان]سرافکنده بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله لبخندزنان به او فرمود : «ای علی ! گمان نکنم که جز فرزندان آخرت ، کسی با تو مانده باشد !» .

علی علیه السلامپاسخ داد : سوگند به آن که تو را برانگیخت، همین طور است .

پس از آن ، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : « «دوستان در آن روز ، دشمن یکدیگرند ، جز پرهیزگاران» . ای علی ! به خودت بپرداز ، زبانت را نگه دار و در باب کسانی از اهل روزگارت که با آنان معاشرت داری ، بیندیش ، تا ایمن بمانی و سود ببری» .ر . ک : ص 133 (آنچه دوستی را پایدار می کند) .

3 / 5شفاعت پیامبر خدا34. رسول خدا صلی الله علیه و آله : من از هنگام بعثتم تا روز قیامت ، شفیع هر آن دو تنی هستم که در راه خدا با یکدیگر ، دوستی و برادری می کنند .33.قال النبیّ علیه السلام : دُرَر الأحادیث به نقل از یحیی بن حسین : برایمان گفته اند که پیامبر خدا می فرمود : «من از هنگام بعثتم تا روز قیامت، شفیع هر دو برادری هستم که در راه خدا با یکدیگر دوستی می کنند».

3 / 6كَثرَةُ الشُّفَعاءِالكتاب(فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ * وَ لاَ صَدِيقٍ حَمِيمٍ) . (1)

الحديث27. رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِأَنَس : يا أنَسُ ، أكثِر مِنَ الأَصدِقاءِ ؛ فَإِنَّهُم شُفَعاءُ بَعضُهُم فى بَعضٍ . (2)26. عنه صلى الله عليه و آله : أكثِروا مِنَ المَعارِفِ مِنَ المُؤمِنينَ ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤمِنٍ شَفاعَةً عِندَ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ . (3)25. الإمام الصادق عليه السلام : لَقَد عَظُمَت مَنزِلَهُ الصَّديقِ ، حَتّى إنَّ أهلَ النّارِ لَيَستَغيثونَ بِهِ ويَدعونَهُ فِى النّارِ قَبلَ القَريبِ وَالحَميمِ ؛ قالَ اللّهُ عز و جل مُخبِرا عَنهُم : «فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ * وَ لاَ صَدِيقٍ حَمِيمٍ » . (4)3 / 7أمنُ يَومِ القِيامَهِ22. رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُتَحابّونَ فِى اللّهِ فى ظِلِّ عَرشِ اللّهِ يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ ، يَفزَعُ النّاسُ ولا يَفزَعونَ ، ويَخافُ النّاسُ ولا يَخافونَ . (5) .

1- .الشعراء : 100 و 101 .
2- .الفردوس : 5 / 365 / 8450 عن أنس ، كنز العمّال : 9 / 172 / 25561 .
3- .الفردوس : 1 / 81 / 251 عن أنس ، كنز العمّال : 9 / 4 / 24643 .
4- .الأمالى للطوسى : 517 / 1133 و ص 609 / 1259 وفيه «قبل القريب الحميم» وكلاهما عن الحسن ابن صالح بن حى ، بحار الأنوار : 74 / 176 / 11 .
5- .المعجم الكبير : 20 / 81 / 154 عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 9 / 12 / 24691 وراجع المعجم الكبير : 20 / 78 / 144 153 .

3 / 6 فراوانیِ شفیعان

3 / 7 ایمنی در روز قیامت

3 / 6فراوانیِ شفیعانقرآن(ما را ، نه شفیعانی است ، و نه دوستی مهربان) .

حدیث16. رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای اَنَس! بر شمار دوستان بیفزا که آنان ، شفیع یکدیگرند .15. رسول خدا صلی الله علیه و آله : بر شمار آشنایان از اهل ایمان بیفزایید ؛ زیرا روز قیامت ، هر مؤمنی را نزد خداوند ، شفاعتی است .14. امام صادق علیه السلام : چنان منزلت دوست ، والا و بزرگ است که حتّی دوزخیان در آتش ، پیش از آن که خویشاوندان و نزدیکان را بخوانند ، آنان را می خوانند و از آنان یاری می خواهند . خداوند عز و جل از زبان آنان چنین خبر می دهد : «ما را ، نه شفیعانی است و نه دوستی مهربان» .3 / 7ایمنی در روز قیامت11. رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستان خدایی ، در آن روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست ، در سایه عرش خدا هستند . مردم وحشت می کنند؛ امّا آنان ، وحشت نمی کنند و مردم می هراسند؛ امّا آنان نمی هراسند .

.

10. عنه صلى الله عليه و آله : سَبعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللّه ُ فِى ظِلِّهِ يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ : ... ورَجُلانِ تَحابّا فِى اللّه ِ ؛ اِجتَمَعا عَلَيهِ ، وتَفَرَّقا عَلَيهِ . (1)9. عنه صلى الله عليه و آله : المُتَحابّونَ فِى اللّه ِ فى ظِلِّ العَرشِ يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ ، يَغبِطُهُم بِمَكانِهِمُ النَّبِيّونَ وَالشُّهَداءُ . (2)8. عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ يَقولُ يَومَ القِيامَهِ : أينَ المُتَحابّونَ بِجَلالى ؟ اَليَومَ اُظِلُّهُم فى ظِلّى يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلّى . (3)7. عنه صلى الله عليه و آله : ما تَحابَّ رَجُلانِ فِى اللّه ِ إلاّ وَضَعَ اللّه ُ لَهُما كُرسِيّا فَاُجلِسا عَلَيهِ حَتّى يَفرُغَ اللّه ُ عز و جل مِنَ الحِسابِ . (4)6. عنه صلى الله عليه و آله عِندَما سَأَلَهُ رَجُلٌ مِنَ الأعرابِ عَن ناسٍ لَيسوا بِأَنبِياءَ ولا شُهَداءَ يَغبِطُهُمُ الأَنبِياءُ وَالشُّهَداءُ عَلى مَجالِسِهِم وقُربِهِم مِنَ اللّه ِ : هُم ناسٌ مِن أفناءِ النّاسِ ونَوازِعِ القَبائِلِ ، لَم تَصِل بَينَهُم أرحامٌ مُتَقارِبَهٌ ، تَحابّوا فِى اللّه ِ عز و جل وتَصافَوا ، يَضَعُ اللّه ُ لَهُم يَومَ القِيامَهِ مَنابِرَ مِن نورٍ فَيُجلِسُهُم عَلَيها ، فَيَجعَلُ وُجوهَهُم نورا ، وثِيابَهُم نورا ، يَفزَعُ النّاسُ يَومَ القِيامَهِ ولا يَفزَعونَ ، وهُم أولِياءُ اللّه ِ الَّذينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ . (5) .

1- .صحيح البخارى : 1 / 234 / 629 و ج 2 / 517 / 1357 ، صحيح مسلم : 2 / 715 / 91 ، سنن الترمذى : 4/598/2391، سنن النسائى : 8 / 222 وليس فيه ذيله ، مسند ابن حنبل : 3 / 440 / 9671 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 15 / 907 / 43567 ؛ عوالى اللآلى : 1 / 367 / 67 .
2- .مسند ابن حنبل : 8/421/22846 وص246/22125 نحوه وليس فيه ذيله، المعجم الكبير: 20/88/168، الإخوان : 92 / 7 كلاهما نحوه وفيهما «الصدّيقون» بدل «الشهداء» وكلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 9 / 12 / 24693 .
3- .صحيح مسلم : 4 / 1988 / 37 ، الموطّأ : 2 / 952 / 13 وفيه «لجلالى» بدل «بجلالى» ، سنن الدارمى : 2 / 768 / 2655 ، مسند ابن حنبل : 3 / 303 / 8840 ، تاريخ بغداد : 5 / 71 وليس فيه «يوم القيامه» ، الإخوان : 89 / 4 كلّها عن أبى هريره و ص 87 / 2 عن العرباض بن ساريه نحوه ، كنز العمّال : 9 / 12 / 24692 .
4- .المعجم الكبير : 20 / 36 / 52 عن أبى عبيده بن الجرّاح ، كنز العمّال : 9 / 5 / 24649 .
5- .مسند ابن حنبل : 8/450/22969 عن أبى مالک، صحيح ابن حبّان: 2/332/573 عن أبى هريره ، المستدرک على الصحيحين : 4/188/7318

عن ابن عمر وكلاهما نحوه، كنز العمّال: 9/18/24714.

5. رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند بر هفت تن سایه می افکند ، در روزی که سایه ای جز سایه اش نیست : ... و دو تن که در راه خدا با یکدیگر دوستی می کنند و بر اساس آن ، گِرد یکدیگر می آیند و از یکدیگر جدا می شوند .4. رسول خدا صلی الله علیه و آله : دوستان خدایی ، روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست ، در سایه عرش هستند و پیامبران و شهیدان ، به منزلت آنانْ رشک می برند .3. رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، روز قیامت می فرماید : «آنان که به وسیله جلال من با یکدیگر دوستی کرده اند ، کجایند ؟ امروز در سایه ام بر آنان سایه می افکنم ؛ روزی که سایه ای جز سایه من نیست» .2. رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو تن در راه خدا با یکدیگر دوستی کنند ، خداوند ، برایشان کرسی ای می نهد و آنان را بر آن می نشانند تا خداوند عز و جل از حساب [خلق ،]فراغت یابد .1. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال مردی بادیه نشین ، درباره مردمانی که نه پیامبرند و نه شهید ، امّا پیامبران و شهیدان ، به سبب جایگاه و منزلت نزدیکشان به خداوند ، بر آنان رشک می برند : آنان ، مردمانی هستند از مردم گم نام و قبایل ناشناخته و غریب که پیوند خویشاوندی میانشان وجود ندارد؛ بلکه در راه خداوند عز و جلبا یکدیگر دوستی ورزیده اند و با هم ، یکرنگ شده اند . خداوند ، روز قیامت ، برایشان منبرهایی از نور می نهد و آنان را بر آنها می نشاند و چهره هایشان را نورانی و لباس هایشان را فروزان می سازد . روز قیامت ، مردم می هراسند؛ امّا آنان نمی هراسند، و آنان ، اولیای خدا هستند که نه بر آنان ترسی است و نه اندوهگین می شوند . .

3 / 8حُرمَةُ النّارِ الإمام الباقر عليه السلام : لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ موسى : ... إلهى ، فَما جَزاءُ مَن أحَبَّ أهلَ طاعَتِکَ لِحُبِّکَ ؟ قالَ : يا موسى ، اُحَرِّمُهُ عَلى نارى . (1)

3 / 9دُخولُ الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ الأمالى للطوسى عن أبى حمزه الثّمالىّ عَنِ الإمامِ الباقِرِ عَن آبائِهِ عليهم السلام عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله: إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ جَمَعَ اللّهُ الخَلائِقَ فى صَعيدٍ واحِدٍ... ثُمَّ يُنادى مُنادٍ مِن عِندِاللّهِ عز و جليُسمِعُ آخِرَهُم كَما يُسمِعُ أوَّلَهُم ، فَيَقولُ : أينَ جيرانُ اللّهِ جَلَّ جَلالُهُ فى دارِهِ ؟ فَيَقومُ عُنُقٌ مِنَ النّاسِ ، فَتَستَقبِلُهُم زُمرَهٌ مِنَ المَلائِكَهِ ، فَيَقولونَ لَهُم : ماذا كانَ عَمَلُكُم فى دارِ الدُّنيا فَصِرتُم بِهِ اليَومَ جيرانَ اللّهِ تَعالى فى دارِهِ ؟ فَيَقولونَ : كُنّا نَتَحابُّ فِى اللّهِ عز و جل ، ونَتَباذَلُ فِى اللّهِ ، ونَتَوازَرُ فِى اللّهِ . فَيُنادى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ : صَدَقَ عِبادى ، خَلّوا سَبيلَهُم لِيَنطَلِقوا إلى جِوارِ اللّهِ فِى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ ، قالَ : فَيَنطَلِقونَ إلَى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ . ثُمَّ قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : فَهؤُلاءِ جيرانُ اللّهِ فى دارِهِ ، يَخافُ النّاسُ ولا يَخافونَ ، ويُحاسَبُ النّاسُ ولا يُحاسَبونَ . (2)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 89 / 68 عن زياد بن المنذر ، بحار الأنوار : 69 / 413 / 131 .

2- .الأمالى للطوسى : 103 / 158 ، بحار الأنوار : 7 / 171 / 1 و ج 74 / 393 / 14 وراجع الزهد للحسين بن سعيد : 93 / 250 ؛ وراجع المطالب العاليه : 4 / 394 / 4663 ، تنبيه الغافلين : 522 / 830 .

3 / 8 حرام شدن بر دوزخ

3 / 9 بی حسابرسی به بهشت درآمدن

3 / 8حرام شدن بر دوزخ امام باقر علیه السلام : چون خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن راند ، موسی گفت : بارالها ! پاداش آن که به سبب دوستیِ تو ، فرمانبرانت را دوست بدارد ، چیست ؟ فرمود : «ای موسی ! پیکرش را بر آتشم حرام می سازم» .

3 / 9بی حسابرسی به بهشت درآمدن الأمالی طوسی به نقل از ابوحمزه ثُمالی ، از امام باقر علیه السلام ، از پدرانش علیهم السلام ، از پیامبر خدا : «چون روز قیامت شود ، خداوند، همه خلایق را در یک عرصه گِرد می آورد ... آن گاه مُنادی ای از سوی خداوند عز و جل بانگ می زند و آخرینشان را چنان می شنوانَد که اوّلینشان را می شنوانَد و می گوید : همسایگان خداوند جلّ جلاله در خانه اش کجایند ؟`` گروهی از مردم، از جای برمی خیزند و جمعی از فرشتگان به استقبالشان می روند و به آنان می گویند : در دنیا چه می کردید که به سبب آن، امروز همسایگان خداوند متعال در خانه اش هستید ؟ آنان پاسخ می دهند : ما در راه خداوند عز و جلیکدیگر را دوست می داشتیم، در راه خدا به یکدیگر می بخشیدیم و در راه خدا یکدیگر را یاری می دادیم . پس از آن ، مُنادی ای از سوی خداوند بانگ می زند : "بندگانم راست می گویند . رهایشان کنید تا بی حسابرسی به بهشت درآیند و در جوار خداوند ، جای گیرند" . پس بی حسابرسی به بهشت درمی آیند» . آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود : «اینان، همسایگان خداوند در خانه اش هستند . مردم می ترسند ؛ امّا آنان نمی ترسند . از مردم حسابرسی می شود ؛ امّا از آنان حسابرسی نمی شود» .

.

الكافى عن أبى حمزه الثّمالىّ عَنِ الإمامِ زَينِ العابِدينَ عليه السلام : إذا جَمَعَ اللّه ُ عز و جلالأوَّلينَ وَالآخِرينَ قامَ مُنادٍ فَنادى يُسمِعُ النّاسَ ، فَيَقولُ : أينَ المُتَحابّونَ فِى اللّه ِ ؟ قالَ : فَيَقومُ عُنُقٌ مِنَ النّاسِ ، فَيُقالُ لَهُم : إذهَبوا إلَى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ . قالَ : فَتَلقاهُمُ المَلائِكَهُ فَيَقولونَ : إلى أينَ ؟ فَيَقولونَ : إلَى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ . قالَ : فَيَقولونَ : فَأىُّ ضَربٍ أنتُم مِنَ النّاسِ ؟ فَيَقولونَ : نَحنُ المُتَحابّونَ فِى اللّه ِ . قالَ : فَيَقولونَ : وأىُّ شَى ءٍ كانَت أعمالُكُم ؟ قالوا : كُنّا نُحِبُّ فِى اللّه ِ ، ونُبغِضُ فِى اللّه ِ . قالَ : فَيَقولونَ : نِعمَ أجرُ العامِلينَ . (1)

3 / 10الدَّرَجاتُ فِى الجَنَّهِ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن آخى أخا فِى اللّه ِ رَفَعَهُ اللّه ُ دَرَجَهً فِى الجَنَّهِ لا يَنالُها بِشَى ءٍ مِن عَمَلِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أحدَثَ اللّه ُ تَعالى إخاءً بَينَ المُؤمِنينَ إلاّ أحدَثَ لِكُلِّ واحِد مِنهُما دَرَجَهً . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 126 / 8 ، المحاسن : 1 / 412 / 940 ، مشكاه الأنوار : 98 وفيهما «حزب» بدل «ضرب» ، بحار الأنوار : 69 / 245 / 19 .
2- .إحياء علوم الدين : 2 / 231 .
3- .أعلام الدين : 280 عن أنس ، عدّه الداعى : 176 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 278 / 14 ؛ وراجع المطالب العاليه : 3 / 10 / 2730.

الکافی به نقل از ابوحمزه ثُمالی ، از امام سجاد علیه السلام : چون خداوند ، اوّلین و آخرینِ خلق را گرد آورد ، مُنادی ای برمی خیزد و در حالی که مردم را می شنوانَد ، می گوید : «دوستانِ خدایی کجایند ؟». گروهی از مردم برمی خیزند . به آنان گفته می شود : «بی حسابرسی به بهشت درآیید» . فرشتگان ، آنان را می بینند و می پرسند : «کجا ؟». پاسخ می دهند : بی حسابرسی به سوی بهشت [می رویم] . از آنان می پرسند : «از کدام گروهِ مردمان هستید؟». پاسخ می دهند: ما دوستانِ خدایی هستیم . پس می پرسند : «اعمالتان چه بود ؟». پاسخ می دهند : در راه خدا دوست می داشتیم و در راه خدا دشمن می داشتیم . فرشتگان می گویند : «چه نیک است پاداش عاملان [به خیر]!» .

3 / 10درجات بهشت رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه در راه خدا با کسی برادری کند ، خداوند ، او را در بهشت به چنان منزلت والایی برمی کشد که با دیگر اعمالش بدان دست نمی یابد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، در میان مؤمنان ، برادری ای پدید نیاورد ، مگر آن که برای هریک از آن دو [برادر] نیز درجه ای(منزلتی) قرار داد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّ أخا للّه ِ فِي اللّه ِ قالَ : «إنّى اُحِبُّكَ للّه ِ» فَدَخَلا جَميعا الجَنَّةَ كانَ الَّذى أحَبُّ فِى اللَّه ِ أرفَعَ دَرَجَةً ؛ لِحُبِّهِ عَلَى الَّذى أحَبَّهُ لَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : مَن جَدَّدَ أخا فِى الإسلامِ بَنَى اللّه ُ لَهُ بُرجا فِى الجَنَّهِ مِن جَوهَرَهٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أحدَثَ رَجُلٌ أخا فِى اللّه ِ عز و جل إلاّ بَنَى اللّه ُ لَهُ بَيتا فِى الجَنَّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ المُتَحابّينَ لَتُرى غُرَفُهُم فِى الجَنَّهِ كَالكَوكَبِ الطّالِعِ الشَّرقِىِّ أو الغَربِىِّ، فَيُقالُ : مَن هؤُلاءِ ؟ فَيُقالُ : هؤُلاءِ المُتَحابّونَ فِى اللّه ِ عز و جل . (4)

أعلام الدين : قالَ النّبىُّ صلى الله عليه و آله : إنّى لَأَعرِفُ أقواما هُم عِندَ اللّه ِ تَعالى بِمَنزِلَتى يَومَ القِيامَهِ ، ما هُم بِأنبِياءَ ولا شُهَداءَ تَغبِطُهُمُ الأنبِياءُ وَالشُّهَداءُ بِمَنزِلَتِهِم . فَقيلَ : مَن هُم يا رَسولَ اللّه ِ ؟ فَيَقولُ : ناسٌ تَآخَوا فى روحِ اللّه ِ عَلى غَيرِ مالٍ ولا سَبَبٍ قَريبٍ ، وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ إنَّ لِوُجوهِهِم نورا ، وإنَّهُم لَعَلى نورٍ ، لا يَحزَنونَ إذا حَزِنَ النّاسُ ، ولا يَفزَعونَ إذا فَزِعوا . ثُمَّ تَلا قَولَهُ تَعالى: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَآءَاللَّهِ لاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاَ هُمْ يَحْزَنُونَ » (5) . (6)

.

1- .الأدب المفرد : 166 / 546 عن عبداللّه بن عمرو ، كنز العمّال : 9 / 18 / 24716 .

2- .الاختصاص : 228 ، بحار الأنوار : 75 / 260 / 56 ؛ الإخوان : 111 / 27 عن أنس وفيه «من اتّخذ أخا فى اللّه بنى له برجٌ فى الجنّه» .

3- .الإخوان : 110 / 27 ، المطالب العاليه : 3 / 10 / 2733 وفيه «فى الإسلام رفعه اللّه به درجه فى الجنّه» بدل «فى اللّه إلاّ بنى اللّه...» ، الفردوس : 4 / 60 / 6190 وفيه «أحدث اللّه له درجةً فى الجنّه» بدل «إلاّ بنى اللّه...» وكلّها عن أنس، كنز العمّال : 9 / 4 / 24645 ؛ مشكاه الأنوار : 188 وفيه «إلاّ أحدث له درجه فى الجنّه» بدل «إلاّ بنى اللّه...» .

4- .مسند ابن حنبل : 4 / 174 / 11829 عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 9 / 16 / 24706 .
5- .يونس : 62 .
6- .أعلام الدين : 280 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکه در راه خدا و برای خدا برادری را دوست بدارد و به او بگوید : «من تو را برای خدا دوست دارم» ، چون همگی به بهشت درآیند ، کسی که در راه خدا دیگری را دوست داشته است ، به سبب این دوستی ، منزلتش از دیگری بالاتر خواهد بود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرکس در راه اسلام ، برادری تازه را به دوستی بگیرد ، خداوند در بهشت ، برایش بُرجی از گوهر می سازد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه کسی در راه خداوند عز و جل پیمان برادری با دیگری پدید آورَد ، خداوند در بهشت ، برایش خانه ای خواهد ساخت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اتاق های دوستانِ خدایی در بهشت ، همچون ستاره درخشان شرقی یا غربی دیده می شود . پس گفته می شود : اینان کیستند ؟ پاسخ داده می شود : «اینان، دوستداران در راه خداوند عز و جل هستند» .

أعلام الدین : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : «من مردمی را می شناسم که در روز قیامت، نزد خداوند متعال منزلتشان چون من است ، در حالی که نه پیامبر هستند و نه شهید؛ امّا پیامبران و شهیدان، به خاطر منزلتشان بر آنان رشک می برند». پرسیدند : ای پیامبر خدا ! آنان کیستند؟ فرمود: «مردمی که نه برای پیوند خویشاوندی و نه به سبب مال ، بلکه تنها در راه روح خدا با یکدیگر برادری کرده اند. سوگند به آن که جانم در دست اوست ، چهره هایشان را نوری است و خود، برخوردار از نورند . چون مردمْ اندوهگین شوند، اندوهگین نمی گردند و چون مردم بترسند ، نمی ترسند» . سپس حضرت ، این گفته خداوند متعال را برخواند : « «هان ! بر اولیای خدا ترسی نیست و آنان، اندوهگین نمی شوند» » .

.

رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل : المُتَحابّونَ فى جَلالى لَهُم مَنابِرُ مِن نورٍ ، يَغبِطُهُمُ النَّبِيّونَ وَالشُّهَداءُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله : المُتَحابّونَ فِى اللّهِ يَومَ القِيامَهِ عَلى أرض زَبَرجَدَهٍ خَضراءَ فى ظِلِّ عَرشِهِ عَن يَمينِهِ وكِلتا يَدَيهِ يَمينٌ ، وُجوهُهُم أشَدُّ بَياضا وأضوَأُ مِنَ الشَّمسِ الطّالِعَهِ ، يَغبِطُهُم بِمَنزِلَتِهِم كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وكُلُّ نَبِيٍّ مُرسَلٍ ، يَقولُ النّاسُ : مَن هؤُلاءِ ؟ فَيُقالُ : هؤُلاءِ المُتَحابّونَ فِى اللّهِ . (2)

الأمالى للمفيد عن عبداللّه بن مسعود : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : المُتَحابّونَ فِى اللّهِ عز و جلعَلى أعمِدَهٍ مِن ياقوتٍ أحمَرَ فِى الجَنَّهِ ، يُشرِفونَ عَلى أهلِ الجَنَّهِ ، فَإِذَا اطَّلَعَ أحَدُهُم مَلَأَ حُسنُهُ بُيوتَ أهلِ الجَنَّهِ ، فَيَقولُ أهلُ الجَنَّهِ : اُخرُجوا نَنظُرِ المُتَحابّينَ فِى اللّهِ عز و جل . فَيَخرُجونَ ويَنظُرونَ إلَيهِم ، أحَدُهُم وَجهُهُ مِثلُ القَمَرِ فى لَيلَهِ البَدرِ ، عَلى جِباهِهِم : هؤُلاءِ المُتَحابّونَ فِى اللّهِ عز و جل . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ المُتَحابّينَ فِى اللّهِ يَومَ القِيامَهِ عَلى مَنابِرَ مِن نورٍ ، قَد أضاءَ نورُ وُجوهِهِم ونورُ أجسادِهِم ونورُ مَنابِرِهِم كُلَّ شَىءٍ حتّى يُعرَفوا بِهِ ، فَيُقالُ : هؤُلاءِ المُتَحابّونَ فِى اللّهِ . (4)

.

1- .سنن الترمذى : 4 / 598 / 2390 ، مسند ابن حنبل : 8 / 251 / 22141 كلاهما عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 9 / 8 / 24669 .
2- .الكافى : 2/126/7، المحاسن: 1/412/941 كلاهما عن أبيالجارود، مشكاه الأنوار: 121 وفيهما «أشدّ بياضا من الثلج وأضوأ ...»، بحار الأنوار: 7/195/64 و ج 69 / 243 / 18 و ج 74/398/34.
3- .الأمالى للمفيد : 75 / 11 ، بحار الأنوار : 74 / 399 / 37 وراجع مسند زيد : 421 ؛ المطالب العاليه : 3 / 10 / 2734 نحوه وفيه «أهل الدنيا» بدل «أهل الجنّه» .
4- .الكافى : 2 / 125 / 4 ، المحاسن : 1 / 413 / 943 وليس فيه «نور وجوههم» وكلاهما عن أبى بصير ، ثواب الأعمال : 182 / 1 عن الحسن بن

علىّ بن فضّال عن أبى الحسن عليه السلام ، الأُصول الستّه عشر (أصل جعفر بن محمّد الحضرمى) : 65 عن جابر ، بحار الأنوار : 7 / 195 / 63 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «دوستی کنندگان در راه جلال من ، منبرهایی از نور [در بهشت] دارند و پیامبران و شهیدان ، بر آنانْ رشک می برند» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت، دوستانِ در راه خدا ، بر زمینی از زبرجد سبز و در سایه عرش خدا و در کنار دست راستش حال آن که هر دو دستش راست است قرار دارند و چهره هایشان سفیدتر و درخشان تر از خورشید تابان است . به سبب منزلتی که دارند ، هر فرشته مقرّب و پیامبر مُرسَلی، بر آنان رشک می برد و مردم می گویند : «اینان کیستند ؟». پس گفته می شود : «اینان ، دوستانِ در راه خدا هستند» .

الأمالی مفید به نقل از عبداللّه بن مسعود : پیامبر خدا فرمود : «دوستانِ در راه خداوند عز و جل در بهشت بر تکیه گاه هایی از یاقوت سرخ قرار دارند و از بالا به بهشت می نگرند و چون یکی از آنان به بهشت بنگرد ، زیبایی اش خانه های بهشتیان را پُر می کند . پس بهشتیان می گویند : "بیرون رویم تا دوستانِ در راه خداوند عز و جل را ببینیم" . آن گاه بیرون می آیند و به آنان می نگرند که هر یک از آنان ، چهره اش چون ماه شب چهارده می درخشد و بر پیشانی هایشان نوشته شده است : "اینان اند ، دوستانِ در راه خداوند عز و جل"» .

امام صادق علیه السلام : روز قیامت ، دوستانِ در راه خدا بر منبرهایی از نور قرار دارند و نورِ چهره هایشان و نورِ پیکرهایشان و نورِ منبرهایشان ، همه چیز را روشن کرده و بر آنها تابیده است ، تا آن جا که با این نور شناخته می شوند و گفته می شود : «اینان ، دوستان در راه خداوند هستند» .

.

الإمام الرضا علیه السلام : مَنِ استَفادَ أخا فِی اللّه ِ عز و جل استَفادَ بَیتا فِی الجَنَّهِ . (1)

3 / 11السَّبقَهُ إلَی الجَنَّهِ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أوَّلُ مَن یَرِدُ الحَوضَ یَومَ القِیامَهِ المُتَحابّونَ فِی اللّه ِ عز و جل . (2)

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآله واجعلنا آنسین بک ، مستوحشین من غیرک ، متلذذین بذکرک مشتاقین إلی لقائک .اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد ونبهنی لذکرک فی أوقات الغفله واستعملنی بطاعتک فی أیام المهله وانهج لی إلی محبّتک سبیلاً سهله أکمل لی بها خیر الدُّنیا والآخره وتقبّل منّا ، یا مبدّل السیّئات بالحسنات یا أرحم الراحمین . 25 رمضان المبارک 1420 ه . ق 13 / 10 / 1378 ه . ش 1 / 1 / 2000 م

.

1- .ثواب الأعمال : 182 / 1 ، مصادقه الإخوان : 150 / 2 کلاهما عن محمّد بن زید ، الأمالی للمفید : 316 / 8 ، الأمالی للطوسی : 84 / 124 کلاهما عن داود بن سلیمان الغازی ، بحار الأنوار : 74 / 276 / 4 ؛ تاریخ بغداد : 3 / 55 عن محمّد بن زید عن الإمام الجواد علیه السلام .
2- .الفردوس : 1 / 27 / 40 عن أبی الدرداء ، کنز العمّال : 9 / 18 / 24715 .

امام رضا علیه السلام : هرکه در راه خداوندْ برادری به دست آورَد ، در بهشت ، خانه ای به دست آورده است .

3 / 11پیشی گرفتن به سوی بهشت رسول خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت ، نخستین کسانی که بر حوض [کوثر] وارد می شوند ، دوستان در راه خداوند عز و جل هستند .

بارِ خدایا ! بر محمّد و دودمانش درود فرست و ما را اُنس گیرنده با خودت و گریزان از غیر ، بهره مند از یادت و علاقه مند به دیدارت قرار ده ! بار خدایا ! بر محمّد و دودمانش درود فرست و در هنگامه غفلت ، با یادت آگاهم ساز و در فرصت ها ، به طاعت و بندگی مشغولم دار و راهی آسان به سوی دوستی ات فراروِیم بگشا و بدین گونه ، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل کن ! از ما بپذیر ، ای تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها ! ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

ص: 720

. .

سخنی درباره آثار دوستی برای خدا

ریشه عداوت

سخنی درباره آثار دوستی برای خدادر بخش اوّل این کتاب ، نشان دادیم که اسلام ، دین محبّت و جامعه مطلوب در اسلام ، جامعه ای مبتنی بر محبّت است ، و در بخش دوم ، توضیح دادیم که محبّت خدا ، اصلی ترین پایه سازندگی فردی و اجتماعی و تکامل مادّی و معنوی انسان است . مهم ترین نکته ای که از جمع بندی و دقّت در آیات و احادیث بخش سوم می توان به دست آورد ، این است که دوستیِ برای خدا ، تنها راه رسیدن به جامعه آرمانی مبتنی بر محبّت است و جز از این طریق ، عداوت و فساد و تباهی از زمین ریشه کن نخواهد شد و جامعه بشر ، به زندگی دلخواه نخواهد رسید .

ریشه عداوتاگر دشمنی ها و تباهی ها را در سطح جهان با دقّت ریشه یابی کنیم ، به این نقطه می رسیم که اساس همه فتنه ها و فسادها چنان که قبلاً اشاره شد خودخواهی است . جنگ ها ، خونریزی ها ، جنایت ها ، زشتی ها و پلیدی ها و همه رذایل اخلاقی و عملی ، ریشه در خودخواهی انسان دارند (1) و اگر این اصلی ترین ریشه

.

1- .ر . ک : ص 431 (تحقیقی در بنیاد محبّت خدا) ، ص 439 (درمان دنیا دوستی) .

مبدأ محبّت

فتنه ها علاج شود ، عداوت ، جای خود را به محبّت می دهد و جامعه بشر ، طعم شیرین محبّت را خواهد چشید .

مبدأ محبّتعلاج خودخواهی ، خداخواهی است. (1) انسان ، تا خداخواه نشود ، از خود تهی نمی گردد و تا از خود تهی نگردد ، نمی تواند حقیقتا دیگری را دوست بدارد. لذا در حدیث قدسی آمده است : یَابنَ آدَمَ ! کُلٌّ یُرِیدُکَ لِأَجلِهِ وَأَنَا اُرِیدُکَ لِأَجلِکَ ؛ (2) ای فرزند آدم ! هر کسی تو را به خاطر [نیاز و منفعت]خود می خواهد ، در حالی که من [بی نیاز مطلقم و]تو را به خاطر خودت می خواهم . و بر این اساس ، انسان به هر میزانی که از خود تهی باشد و از خدا پُر، می تواند دیگران را به همان اندازه حقیقتا دوست داشته باشد ، و بدین سان، رازِ تأکید اسلام بر دوستی به خاطر خدا آشکار می شود که تنها کسانی واقعاً انسان ها را دوست دارند و هوادار واقعی مردم اند که محبّت آنها برای خدا باشد . علّت شکست مکتب های اختراعی مانند مارکسیسم در شعار طرفداری از خلق ، این است که طرفداری واقعی از خلق ، بدون توجّه به خالق ، امکان پذیر نیست . کسی که مردم را برای خدا دوست ندارد و به خاطر خدا هوادار خلق نیست ، نمی تواند منافع شخصی خود را در نظر نگیرد . محبّتی که بر پایه منافع خود باشد ، در واقع ، محبّت به دیگری نیست؛ بلکه نوعی خودخواهی در چهره دیگرخواهی و در پوشش محبّت به دیگران است . از این رو ، وجود و تداوم آن ،

.

1- .ر . ک : ص 441 (رمز خودسازی) .
2- .ر . ک : ص 391 ح 933 (من دوستت دارم ، پس دوستدارم باش) .

فلسفه دشمنی برای خدا

دائرمدار منافع است . دوستدار ، هر وقت که احساس کند محبوبش نمی تواند نیاز و خواسته او را تأمین کند ، محبّتش زایل می شود و چه بسا دوستی ها که تبدیل به دشمنی می گردند . بر این اساس ، متون اصلی اسلام، تأکید دارند که تنها دوستی هایی که بر پایه دین و برای خدا باشند ، تداوم خواهند یافت و دوستی هایی که بر پایه خودخواهی و منافع شخصی اند ، دیر یا زود ، تبدیل به دشمنی خواهند شد : «الْأَخِلاَّءُ يَوْمَئذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِينَ ؛ (1) دوستان در آن روز ، دشمن یکدیگرند ، جز پرهیزگاران» . بنابراین ، فلسفه دوستی برای خدا این است که ساماندهی جامعه مطلوب انسانیِ مبتنی بر محبّت ، راهی جز این ندارد .

فلسفه دشمنی برای خداسؤال مهمی که این جا ممکن است به ذهن برسد ، این است که اگر اسلامْ هوادار جامعه مبتنی بر محبّت است ، چرا پیروان خود را به دشمنی برای خدا تشویق می کند و دشمنی برای خدا را مانند دوستی برای او واجب می داند و آن را «استوارترین دستاویز ایمان» و «برترین عمل» (2) می خواند ؟ علاوه بر این ، چه ضرورتی دارد که انسان ، به جای دوستی با دیگران ، با آنان دشمنی کند؟ و اساسا دشمنی کردن با دیگران ، چه دردی از دردهای اجتماع را درمان می کند؟ و کدام مشکل را حل می نماید ؟ و در یک جمله : فلسفه دشمنی برای خدا چیست ؟

.

1- .سوره زخرف ، آیه 67 . در این باره ر . ک : ص 133 (آنچه دوستی را پایدار می کند) .
2- .ر . ک : ص 661 (1 / 3 استوارترین دستاویز ایمان) .

معنای دشمنی برای خدا

معنای دشمنی برای خدابرای دانستن چراییِ دشمنی برای خدا ، ابتدا باید دید که معنای آن چیست . اگر دشمنی برای خدا درست تفسیر گردد ، فلسفه آن ، نیاز به بیان ندارد . دشمنی برای خدا ، بدین معناست که دشمنی کننده ، خصومت شخصی با فرد مورد دشمنی نداشته باشد و دشمنی او به دلیل منافع شخصی نباشد . دشمنی او با کسی که او را دشمن می دارد ، تنها به خاطر خدا باشد ، نه برای خود . بدین سان ، میان دشمنی برای خدا و دشمنی برای خود ، تفاوت جوهری وجود دارد . دشمنی برای خود و برای تأمین منافع فردی و گروهی ، مبدأ همه فسادها و فتنه ها و ویرانی هاست؛ اما دشمنی برای خدا ، مانند دوستی برای خدا ، مبدأ و سرچشمه و زمینه انواع خیرات و برکات و سازندگی های فردی و اجتماعی است . به عبارت دیگر ، دشمنی برای خدا ، دشمنی برای تأمین منافع مردم است؛ چرا که دشمنی انسان نمی تواند نفعی برای خداوند متعال ، داشته باشد ؛ زیرا او بی نیاز مطلق است . تنها انسان و جامعه انسانی از دوستی و یا دشمنی برای خدا سود می برد . محبّت کردن به کسانی که به جامعه انسانی رحم نمی کنند ، بسیار خطرناک است و به فرموده امام علی علیه السلام : رَحمَهُ مَن لا یَرحَمُ تَمنَعُ الرَّحمَهَ ، وَاستِبقاءُ مَن لا یُبقی یُهلِکُ الاُمَّهَ ؛ (1) مهربانی با کسی که مهربانی نمی کند ، مانع رحمت [الهی]است و باقی نهادن آن که باقی نمی نهد جامعه را نابود می کند .

.

1- .غرر الحکم : حکمت 5430 .

بُغض، ریشه در حُب دارد !

مقتضای محبّت به جامعه انسانی ، دشمنی با چنین عناصر خطرناک و کوتاه کردن دست آنها از تجاوز به حریم انسانیت است . بر این اساس ، فلسفه دشمنی کردن برای خدا ، مبارزه با موانع شکوفایی ارزش های انسانی و پاکسازی جامعه از عناصر ضد ارزشی است . اهمیّت این مبارزه ، نه تنها کمتر از تلاش برای ساماندهی جامعه مبتنی بر محبّت نیست ، بلکه جزئی از این تلاش محسوب می شود .

بُغض، ریشه در حُب دارد !علاوه بر آنچه در چراییِ دشمنی برای خدا ذکر شد ، اصولاً بُغض (کین) ، ریشه در حُب (مهر) دارد و مَحبّت (مهرورزیِ) واقعی ، همیشه با مَبغَضَت (کین ورزی) همراه است . انسان به هر چیزی علاقه پیدا کند ، به طور طبیعی از ضدّ آن متنفّر می گردد . انسان نمی تواند کسی را واقعا دوست داشته باشد و دشمن او را دشمن ندارد . بغض نسبت به دشمنان ، در حقیقت ، یکی از روشن ترین دلیل های واقعی بودن دوستی در مدعیانِ محبّت است . از این رو ، در متون اسلامی، دشمنی برای خدا در کنار دوستی برای خدا ، مورد توجّه و تأکید است .

.

ص: 726

. .

فهرست ها

اشاره

فهرست هافهرست منابع ومنآخذفهرست تفصیلی

.

ص: 728

. .

ص: 729

. .

ص: 730

. .

. .

. .

. .

. .

ص: 735

. .

. .

. .

. .

ص: 739

. .

ص: 740

. .

ص: 741

. .

ص: 742

. .

ص: 743

. .

. .

. .

ص: 746

. .

ص: 747

. .

ص: 748

. .

ص: 749

. .

ص: 750

. .

ص: 751

. .

ص: 752

. .

ص: 753

. .

. .

ص: 755

. .

. .

ص: 757

. .

ص: 758

. .

فهرست منابع و مآخذ1 . إتحاف الساده المتّقين بشرح إحياء علوم الدين ، لأبى الفيض محمّد بن محمّد الحسينى الزبيدى (ت 1205 ه . ق) ، دارالفكر بيروت . 2 . الاحتجاج على أهل اللجاج ، لأبى منصور أحمد بن علىّ بن أبى طالب الطبرسىّ (ت 206 ه . ق) ، تحقيق: إبراهيم البهادرىّ ومحمّد هادى به، دار الأُسوه طهران، الطبعه الأُولى 1341 ه . ق . 3 . إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل ، للشهيد القاضى نور اللّه بن السيّد شريف الشوشترىّ (ت 1019 ه . ق) ، مع تعليقات السيّد شهاب الدين المرعشىّ ، مكتبه آيه اللّه المرعشىّ قم ، الطبعه الأُولى 1141 ه . ق. 4 . إحياء علوم الدين ، لأبى حامد محمّد بن محمّد الغزالى (ت 505 ه . ق) ، هيئه التأليف والتحقيق : دارالهادى بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه .ق . 5 . الاختصاص ، المنسوب إلى أبى عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرىّ البغدادىّ المعروف بالشيخ المفيد (ت 134 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، مؤسّسه النشر الإسلامىّ قم ، الطبعه الرابعه 4141 ه . ق. 6 . اختيار معرفه الرجال (رجال الكشّى) ، لأبى جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت 460 ه . ق) تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، مؤسّسه آل البيت عليهم السلام قم ، الطبعه الأُولى 1404 ه . ق . 7 . الأدب المفرد ، لأبى عبداللّه محمّد بن إسماعيل البخارىّ (ت 562 ه . ق) ، تحقيق : محمّد بن عبدالقادر عطا ، دار الكتب العلميّه بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه .ق . 8 . إرشاد القلوب ، لأبى محمّد الحسن بن أبى الحسن الديلمىّ (ت 711 ه . ق)، مؤسّسه الأعلمىّ بيروت، الطبعه الرابعه 1398 ه . ق . 9 . الإرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، لأبى عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرىّ البغدادىّ المعروف بالشيخ المفيد (ت 134 ه . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام قم ، الطبعه الأُولى 1341 ه . ق.

.

10 . أُسد الغابه فی معرفه الصحابه ، لأبی الحسن عزّالدین علیّ بن أبی الکرم محمّد بن محمّد بن عبدالکریم الشیبانیّ المعروف بابن الأثیر الجزریّ (ت 306 ه . ق) ، تحقیق : علی محمّد معوّض وعادل أحمد عبدالموجود ، دارالکتب العلمیّه بیروت، الطبعه الأُولی 5141 ه . ق. 11 . الأسماء والصفات ، لأبی بکر أحمد بن الحسین البیهقی (ت 458 ه . ق) ، تحقیق : عبداللّه الحاشدی ، مکتبه السوادی جدّه ، الطبعه الأُولی 1413 ه . ق . 12 . الأُصول الستّه عشر ، نخبه من الرواه ، دارالشبستریّ للمطبوعات قم ، الطبعه الثانیه 5041 ه . ق. 13 . الاعتقادات وتصحیح الاعتقادات ، لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّیّ المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقیق : عاصم عبدالسیّد ، المؤتمر العالمیّ لألفیّه الشیخ المفید قم ، الطبعه الأُولی 1341 ه . ق . 14 . الإعجاز والإیجاز ، لأبی منصور الثعالبی (ت 429 ه . ق) ، المکتب العالمی بیروت ، 1992 م . 15 . أعلام الدین فی صفات المؤمنین ، لأبی محمّد الحسن بن أبی الحسن الدیلمیّ (ت 711 ه . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام قم ، الطبعه الثانیه 4141 ه . ق. 16 . إعلام الوری بأعلام الهدی ، لأبی علیّ الفضل بن الحسن الطبرسیّ (ت 854 ه . ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاریّ ، دارالمعرفه بیروت ، الطبعه الأُولی 1399 ه . ق. 17 . إقبال الأعمال الحسنه فیما یعمل مرّه فی السنه ، لأبی القاسم علیّ بن موسی الحلّیّ المعروف بابن طاووس (ت 664 ه . ق) ، تحقیق : جواد القیّومیّ ، مکتب الإعلام الإسلامیّ قم ، الطبعه الأُولی 4141 ه . ق. 18 . أمالی الصدوق ، لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّیّ المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقیق قسم الدراسات فی مؤسّسه البعثه قم ، الطبعه الأُولی 1417 0041 ه . ق . 19 . أمالی الطوسی ، لأبی جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسیّ(ت 046 ه . ق) ، تحقیق : قسم الدراسات فی مؤسّسه البعثه قم ، الطبعه الأُولی 4141 ه . ق. 20 . أمالی المفید ، لأبی عبداللّه محمّد بن النعمان العکبریّ البغدادیّ المعروف بالشیخ المفید (ت 134 ه . ق)، تحقیق : حسین أُستاد ولی وعلی أکبر الغفّاریّ ، مؤسّسه النشر الإسلامیّ قم ، الطبعه الثانیه 4041 ه . ق. 21 . أقرب الموارد فی فُصح العربیّه والشوارد ، للخوری الشرتونی اللبنانی ، منشورات مکتبه آیه اللّه المرعشی قم ، 1403 ه . ق . 22 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار علیهم السلام ، للعلاّمه محمّد باقر بن محمّد تقیّ المجلسیّ (ت 1110 ه . ق) ، مؤسّسه الوفاء بیروت ، الطبعه الثالثه 1403 ه . ق . 23 . البحر الزخّار (مسند البزّار) ، لأبی بکر أحمد بن

عمرو بن عبدالخالق العتكى البزّار (ت 292 ه . ق) ، تحقيق : محفوظ الرحمن زين اللّه ، مؤسّسه علوم القرآن بيروت ، الطبعه الاُولى 1409 ه . ق . 24 . البُخَلاء . لأبى بكر أحمد بن على الخطيب البغدادى (ت 463 ه . ق) ، تحقيق : أحمد مطلوب وآخرون ، بغداد المجمع العلمى العراقى ، 1384 ه . ق . 25 . البدايه والنهايه، لأبى الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقىّ (ت 477 ه . ق) ، تحقيق ونشر: مكتبه المعارف بيروت.

.

26 . بشاره المصطفى لشيعه المرتضى ، لأبى جعفر محمّد بن محمّد بن علىّ الطبرىّ (ت 525 ه . ق) ، المطبعه الحيدريّه النجف الأشرف ، الطبعه الثانيه 1383 ه . ق. 27 . بصائرالدرجات فى فضائل آل محمّد صلى الله عليه و آله ، لأبى جعفر محمّدبن الحسن الصفّارالقمّيّالمعروف بابن فرّوخ(ت 290 ه . ق) ، مكتبه آيه اللّه المرعشىّ قم ، 4041 ه . ق. 28 . البلد الأمين ، لتقىّ الدين إبراهيم بن زين الدين الحارثى الهمدانى المعروف بالكفعمى(ت 900 ه . ق) . 29 . تاج العروس من جواهر القاموس ، لأبى الفيض محمّد بن محمّد مرتضى الحسينىّ الزبيدىّ الحنفى (ت 5120 ه . ق) ، تحقيق : على شيرىّ ، دار الفكر بيروت ، 4141 ه . ق. 30 . تاريخ إصبهان ، لأبى نعيم أحمد بن عبداللّه الإصفهانىّ (ت 304 ه . ق) ، تحقيق : سيّد كسروى حسن ، دار الكتب العلميّه بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه . ق. 31 . تاريخ الخلفاء ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر السيوطىّ (ت 911 ه . ق) ، تحقيق : محمّد محيى الدين عبدالحميد ، دار الجيل بيروت ، 0841 ه . ق. 32 . تاريخ الطبرىّ (تاريخ الأُمم والملوک) ، لأبى جعفر محمّدبن جرير الطبرىّ (ت 310 ه . ق) ، تحقيق : محمّد أبو الفضل إبراهيم ، دار المعارف مصر ، الطبعه الثانيه . 33 . التاريخ الكبير ، لأبى عبداللّه محمّد بن إسماعيل البخارىّ (ت 562 ه . ق) ، دار الفكر بيروت . 34 . تاريخ المدينه المنوّره ، لأبى زيد عمر بن شبّه النميرى البصرى (ت 262 ه . ق) ، تحقيق : فهيم محمّد شلتوت ، دارالتراث بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه . ق . 35 . تاريخ اليعقوبىّ ، لأحمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف باليعقوبىّ (ت 428 ه . ق) ، دار صادر بيروت. 36 . تاريخ بغداد (أو مدينه السلام) ، لأبى أحمد بن علىّ الخطيب البغدادى (463 ه . ق) ، المكتبه السلفيّه المدينه المنوّره . 37 . تاريخ مدينه دمشق ، لأبى القاسم علىّ بن الحسن الشافعى المعروف بابن عساكر (571 ه . ق) ، دراسه وتحقيق على شيرى ، دارالفكر بيروت ، سنه 1415 ه . ق . 38 . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، لأبى محمّد الحسن بن علىّ الحرّانىّ المعروف بابن شعبه (ت 381 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، مؤسّسه النشر الإسلامىّ قم، الطبعه الثانيه 4041 ه . ق. 39 . تذكره الخواصّ (تذكره خواصّ الأُمّه فى خصائص الأئمّه عليهم السلام) ، ليوسف بن قُرغلىّ بن عبداللّه المعروف بسبط ابن الجوزى (ت 654 ه . ق) ، تقديم : السيّد محمّد صادق بحر العلوم ، مكتبه نينوى الحديثه طهران. 40 . تفسير الدُرّ المنثور فى التفسير المأثور ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت 911 ه . ق) ، دارالفكر بيروت ، الطبعه الأُولى

1414 ه . ق . 41 . تفسير الطبرىّ (جامع البيان عن تأويل آى القرآن) ، لأبى جعفر محمّد بن جرير الطبرىّ (310 ه . ق) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 0841 ه . ق.

.

42 . تفسیر العیّاشیّ ، لأبی النضر محمّدبن مسعود السلمیّ السمرقندیّ المعروف بالعیّاشیّ (ت 320 ه . ق)، تحقیق : السیّد هاشم الرسولیّ المحلاّتیّ ، المکتبه العلمیّه طهران ، الطبعه الأُولی 1380 ه . ق. 43 . تفسیر القمّیّ ، لأبی الحسن علیّ بن إبراهیم بن هاشم القمّیّ (ت 307 ه . ق) ، إعداد : السیّد طیّب الموسویّ الجزائریّ ، مؤسّسه درالکتاب قم ، الطبعه الثالثه 1404 ه ق . 44 . التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکریّ علیه السلام، تحقیق ونشر: مؤسّسه الإمام المهدی(عج) قم ، الطبعه الأُولی 0941 ه . ق. 45 . تفسیر فرات الکوفیّ ، لأبیالقاسم فرات بن إبراهیم بن فرات الکوفیّ (القرن الرابع) ، تحقیق : محمّد کاظم المحمودیّ ، وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامیّ طهران ، الطبعه الأُولی 1041 ه . ق. 46 . تفسیر مجمع البیان (مجمع البیان فی تفسیر القرآن) ، لأبی علیّ الفضل بن الحسن الطبرسیّ (ت 854 ه . ق) تحقیق : السیّد هاشم الرسولیّ المحلاّتیّ والسیّد فضل اللّه الیزدی الطباطبائیّ ، دار المعرفه بیروت ، الطبعه الثانیه 0841 ه . ق. 47 . التمحیص ، لأبی علیّ محمّد بن همام الإسکافیّ المعروف بابن همام (ت 633 ه . ق) ، تحقیق ونشر : مدرسه الإمام المهدیّ (عج) قم ، الطبعه الأُولی 4041 ه . ق. 48 . تنبیه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، لأبی الحسین ورّام بن أبی فراس (ت 506 ه . ق) ، دارالتعارف ودار صعب بیروت. 49 . تنبیه الغافلین ، لأبی اللیث نصر بن محمّد الحنفی السمرقندی (ت 373 ه . ق) ، تحقیق : یوسف علی بدیوی ، دارابن کثیر بیروت ودمشق ، الطبعه الأُولی 1413 ه . ق . 50 . تنزیه الشریعه ، المرفوعه عن الأحادیث الشیعه الموضوعه ، لأبی الحسن علیّ بن محمّد بن عراق الکنانی (ت 963 ه . ق) ، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف وعبداللّه الصدیق ، دارالکتب العلمیّه بیروت ، الطبعه الثانیّه 1401 ه . ق . 51 . التهذیب (تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه) ، لأبی جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسیّ (ت 046 ه . ق) ، دارالتعارف ودار صعب بیروت ، الطبعه الثانیه 0141 ه . ق. 52 . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّیّ المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاریّ ، مکتبه الصدوق طهران. 53 . جامع الأحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر) ، لجلال الدین عبدالرحمن السیوطیّ (ت 911 ه . ق) ، إشراف : مکتب البحوث والدراسات فی دارالفکر بیروت ، سنه 1414 ه . ق . 54 . جامع الأحادیث ، لأبی محمّد جعفر بن أحمد بن علیّ القمّیّ المعروف بابن الرازیّ (القرن الرابع) ، تحقیق : السیّد محمّد الحسینیّ

النیسابوریّ ، مؤسّسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضویّه المقدّسه مشهد ، الطبعه الاُولی 1341 ه . ق . 55 . جامع الأخبار أو معارج الیقین فی اُصول الدین ، لمحمّد بن محمّد الشعیریّ السبزواریّ (القرن السابع) ، تحقیق : علاء آل جعفر ، مؤسّسه آل البیت علیهم السلام قم ، الطبعه الاُولی 4141 ه . ق. 56 . الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر ، لجلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر السیوطیّ (ت 911 ه . ق) ، دارالفکر بیروت.

.

57 . الجعفريّات (الأشعثيّات) ، لأبى علىّ محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفىّ (القرن الرابع) ، مكتبه نينوى طهران ، طُبع ضمن قرب الإسناد. 58 . حليه الأولياء وطبقات الأصفياء ، لأبى نعيم أحمد بن عبداللّه الأصبهانى (ت 430 ه . ق) ، دارالكتاب العربى بيروت ، الطبعه الثانيّه 1387 ه . ق . 59 . الخرائج والجرائح ، لأبى الحسين سعيد بن عبداللّه المعروف بقطب الدين الراوندىّ (ت 735 ه . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسّسه الإمام المهدىّ (عج) قم ، الطبعه الأُولى 0941 ه . ق. 60 . خصائص الأئمّه عليهم السلام (خصائص أميرالمؤمنين عليه السلام) ، لأبى الحسن الشريف الرضىّ محمّد بن الحسين بن موسى الموسوىّ (ت 604 ه . ق) ، تحقيق : محمّد هادى الأمينىّ ، مجمع البحوث الإسلاميّه التابع للحضره الرضويّه المقدّسه مشهد ، سنه 6041 ه . ق. 61 . الخصال ، لأبى جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّىّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، مؤسّسه الأعلمىّ بيروت ، الطبعه الأُولى 1041 ه . ق. 62 . دُرر الأحاديث النبويّه بالأسانيد اليحيويّه ، ليحيى بن الحسين (ت 298 ه . ق) ، تحقيق : يحيى عبدالكريم الفضيل ، مؤسّسه الأعلمىّ بيروت ، الطبعه الثانيه 0241 ه . ق. 63 . الدرّه الباهره من الأصداف الطاهره ، لأبى عبداللّه محمّد بن مكىّ العاملى الجزينى المعروف بالشهيد الأوّل (ت 786 ه.ق)، تحقيق: داود الصابرى، الحضره الرضويّه المقدّسه مشهد، سنه 1365 ه . ق . 64 . دستور معالم الحكم ومأثور مكارم التسيم من كلام الإمام علىّ عليه السلام ، لأبى عبداللّه محمّد بن سلامه القضاعى الشافعى (ت 454 ه . ق) ، تقديم عبدالزهراء الحسينى الخطيب ، دارالكتاب العربى بيروت ، 1401 ه . ق . 65 . دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، لأبى حنيفه النعمان بن محمّد بن منصور بن أحمد بن حيّون التميمىّ المغربىّ (ت 363 ه . ق) ، تحقيق : آصف ابن على أصغر فيضى ، دارالمعارف مصر ، سنه 1389 ه . ق . 66 . دلائل النبوّه ومعرفه أحوال صاحب الشريعه ، لأبى بكر أحمد بن الحسين البيهقىّ (ت 458 ه . ق) تحقيق : عبدالمعطى أمين قلعجى ، دار الكتب العلميّه بيروت ، الطبعه الأُولى 1405 ه . ق. 67 . الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام ، ترجمه مصطفى زمانى ، انتشارات نصائح طهران ، الطبعه الأُولى 1374 ه . ش . 68 . ربيع الأبرار ونصوص الأخبار ، لأبيالقاسم محمودبن عمر الزمخشرىّ (ت 385 ه . ق) ، تحقيق : سليم النعيمىّ ، منشورات الشريف الرضىّ قم ، الطبعه الأُولى 1041 ه . ق. 69 . رسائل الشيخ الرئيس ، لأبى علىّ الحسين بن عبداللّه بن سينا (ت 428 ه . ق) ، انتشارات بيدار قم .

70 . روضه المحبّين ونزهه المشتاقين ، لمحمّد بن أبى بكر بن قيم الجوزيّه (ت 751 ه . ق) ، تحقيق : الدكتور الجميلى ، دارالكتاب العربى بيروت ، الطبعه الرابعه 1414 ه . ق . 71 . روضه الواعظين ، لمحمّد بن الحسن بن علىّ الفتّال النيسابورىّ (ت 085 ه . ق) ، تحقيق : حسين الأعلمىّ ، مؤسّسه الأعلمىّ بيروت ، الطبعه الأُولى 6041 ه . ق.

.

72 . الزهد ، لأبی عبدالرحمن بن عبداللّه بن المبارک الحنظلیّ المروزیّ (ت 181 ه . ق) ، تحقیق : حبیب الرحمن الأعظمیّ ، دار الکتب العلمیّه بیروت. 73 . الزهد ، لأبی محمّد الحسین بن سعید الکوفیّ الأهوازیّ (ت 052 ه . ق) ، تحقیق : غلام رضا عرفانیان ، حسینیان قم ، الطبعه الثانیه 0241 ه . ق. 74 . السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (النوادر) (مستطرفات السرائر) ، لأبی جعفر محمّد بن منصور بن أحمد بن إدریس الحلّی(ت 598 ه . ق) ، تحقیق و نشر : مؤسّسه النشر الإسلامی قم ، الطبعه الثالثه 1414 ه . ق . 75 . سنن ابن ماجه ، لأبی عبداللّه محمّد بن یزید بن ماجه القزوینیّ (ت 527 ه . ق) ، تحقیق : محمّد فؤاد عبدالباقیّ ، دار إحیاء التراث العربی بیروت ، الطبعه الاُولی 5139 ه . ق. 76 . سنن أبی داود ، لأبی داود سلیمان بن الأشعث السجستانیّ الأزدیّ (ت 275 ه . ق) ، تحقیق : محمّد محیی الدین عبدالحمید، دار إحیاء التراث العربیّ بیروت. 77 . سنن الترمذیّ (الجامع الصحیح) ، لأبی عیسی محمّد بن عیسی بن سوره الترمذیّ (ت 279 ه . ق) ، تحقیق : أحمد محمّد شاکر ، دار إحیاء التراث العربی بیروت . 78 . سنن الدارقطنیّ ، لأبیالحسن علیّبن عمرالبغدادیّالمعروف بالدارقطنیّ(ت 538 ه . ق) ، تحقیق : أبو الطیّب محمّد آبادیّ، عالم الکتب بیروت ، الطبعه الرابعه 6041 ه . ق. 79 . سنن الدارمیّ ، لأبی محمّد عبداللّه بن عبدالرحمن الدارمیّ (ت 552 ه . ق) ، تحقیق : مصطفی دیب البغا ، دار القلم دمشق ، الطبعه الاُولی 1241 ه . ق. 80 . السنن الکبری ، لأبی بکر أحمد بن الحسین بن علیّ البیهقیّ (ت 845 ه . ق) ، تحقیق : محمّد عبدالقادر عطا ، دارالکتب العلمیّه بیروت ، الطبعه الاُولی 4141 ه . ق. 81 . سنن النسائیّ (بشرح الحافظ جلال الدین السیوطیّ وحاشیه الإمام السندیّ) ، لأبی عبدالرحمن أحمد بن شعیب النسائیّ (ت 303 ه . ق) ، دارالفکر بیروت ، الطبعه الاُولی 1348 ه . ق. 82 . سیره ابن هشام (السیره النبویّه) ، لأبی محمّد عبدالملک بن هشام بن أیّوب الحمیری (ت 218 ه . ق) ، تحقیق : مصطفی السقّا وإبراهیم الأنباری ، مکتبه المصطفی قم ، 1355 ه . ق . 83 . شرح الأخبار فی فضائل الأئمّه الأطهار ، لأبی حنیفه القاضی النعمان بن محمّد المصریّ (ت 363 ه . ق) ، تحقیق : السیّد محمّد الحسینیّ الجلالیّ ، مؤسّسه النشر الإسلامیّ قم ، الطبعه الاُولی 1241 ه . ق. 84 . شرح الأسماء الحسنی ، للمولی هادی السبزواری (ت 1289 ه . ق) ، منشورات مکتبه بصیرتی قم . 85 . شرح نهج البلاغه ، لعزّ الدین عبدالحمید بن محمّد بن أبی الحدید المعتزلیّ المعروف بابن أبی الحدید (ت 656 ه . ق) ، تحقیق : محمّد أبوالفضل

إبراهيم ، دارإحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1385 ه . ق. 86 .
شُعب الإيمان ، لأبى بكر أحمد بن الحسين البيهقىّ (ت 845 ه . ق) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونى زغلول ، دار الكتب العلميّه بيروت ، الطبعه الأُولى 1041 ه . ق.

.

87 . الصحاح تاج اللغه وصحاح العربيّه ، لأبى نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهرىّ (ت 398 ه . ق) تحقيق : أحمد بن عبدالغفور عطّار ، دار العلم للملايين بيروت ، الطبعه الرابعه 1410 ه . ق. 88 . صحيح ابن حبّان (الإحسان فى تقريب صحيح ابن حبّان) ، لأبى حاتم محمّد بن حبّان البُستى (ت 354 ه . ق) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، مؤسّسه الرساله بيروت ، الطبعه الاُولى 1408 ه . ق . 89 . صحيح البخارىّ ، لأبى عبداللّه محمّد بن إسماعيل البخارىّ (ت 562 ه . ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار ابن كثير بيروت ، الطبعه الرابعه 1041 ه . ق. 90 . صحيح مسلم ، لأبى الحسين مسلم بن الحجّاج القشيرىّ النيسابورىّ (ت 162 ه . ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبدالباقىّ ، دارالحديث القاهره ، الطبعه الاُولى 1241 ه . ق. 91 . صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ، المنسوبه إلى الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق و نشر : مؤسّسه الإمام المهدىّ (عج) قم ، الطبعه الاُولى 0841 ه . ق. 92 . الصحيفه السجّاديّه الكامله ، للإمام زين العابدين عليه السلام ، تحقيق : على أنصاريان ، المستشاريّه الثقافيّه دمشق. 93 . صفات الشيعه ، لأبى جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّىّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقيق و نشر : مؤسّسه الإمام المهدىّ (عج) قم ، الطبعه الاُولى 1410 ه . ق. 94 . العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه ، لجمال الدين أبى منصور الحسن بن يوسف بن علىّ المطهّر الحلّى المعروف بالعلاّمه (ت 726 ه . ق) ، تحقيق : السيّد مهدىّ الرجائىّ ، مكتبه آيه اللّه المرعشىّ قم ، الطبعه الاُولى 1408 ه . ق. 95 . عدّه الداعى و نجاه الساعى ، لأبى العبّاس أحمد بن محمّد بن فهد الحلّىّ الأسدىّ (ت 148 ه . ق) ، تحقيق : أحمد الموحّدىّ ، مكتبه وجدانىّ قم. 96 . علل الشرايع ، لأبى جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّىّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الاُولى 0841 ه . ق. 97 . العلل المتناهيه فى الأحاديث الواهيه ، لأبى الفرج عبدالرحمن بن علىّ بن الجوزى التيمى القرشى (ت 579 ه . ق) ، تحقيق : إرشاد الحقّ الأثرى ، إداره العلوم الأثريّه پاكستان ، الطبعه الثانيه 1401 ه . ق . 98 . عوالى اللآلى العزيزيّه فى الأحاديث الدينيّه ، لمحمّد بن علىّ بن إبراهيم الأحسائىّ المعروف بابن أبى جمهور (ت 049 ه . ق)، تحقيق : مجتبى العراقىّ ، مطبعه سيّد الشهداء عليه السلام قم ، الطبعه الاُولى 0341 ه . ق . 99 . عيون أخبار الرضا عليه السلام ، لأبى جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّىّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقيق : السيّد مهدىّ الحسينىّ اللاجوردىّ ،

منشورات جهان طهران. 100 . عيون الأخبار ، لأبى محمّد عبداللّه بن مسلم بن قتيبه الدينوريّ (ت 627 ه . ق) ، منشورات الشريف الرضى قم ، الطبعه الأُولى 1415 ه . ق . 101 . الغارات ، لأبى إسحاق إبراهيم بن محمّد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفى (ت 283 ه . ق) ، تحقيق : السيّد جلال الدين المحدّث الارمويّ ، منشورات أنجمن آثار ملّى طهران ، الطبعه الأُولى 5139 ه . ق.

.

102 . غرر الحكم ودرر الكلم ، لعبدالواحد الآمدىّ التميمىّ (ت 055 ه . ق) ، تحقيق : السيّد جلال الدين المحدّث الأُرموىّ ، جامعه طهران ، الطبعه الثالثه 0613 ه . ش. 103 . الغيبه ، لأبى عبداللّه محمّد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعمانىّ (ت 053 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، مكتبه الصدوق طهران . 104 . فرحه الغرى فى تعيين قبر الإمام علىّ عليه السلام فى النجف ، لعبدالكريم بن طاووس (ت 693 ه . ق) ، منشورات الرضىّ قم . 105 . فردوس الأخبار بمأثور الخطاب المخرّج على كتاب الشهاب ، لشيرويه بن شهردار بن شيرويه الديلمى (ت 509 ه . ق) ، تحقيق : فوّاز أحمد الزمرلى ، دارالريان للتراث القاهره ، الطبعه الأُولى 1408 ه .ق . 106 . الفردوس بمأثور الخطاب (مسند الفردوس) ، لأبى شجاع شيرويه بن شهردار الديلمىّ الهمدانىّ (ت 095 ه . ق) ، تحقيق: السعيد بن بسيونى زغلول ، دارالكتب العلميّه بيروت ، الطبعه الأُولى 6041 ه . ق. 107 . فقه الرضا (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام قم ، نشر المؤتمر العالمىّ للإمام الرضا عليه السلام مشهد ، الطبعه الأُولى 6041 ه . ق. 108 . الفقيه (من لايحضره الفقيه) ، لأبى جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّىّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، مؤسّسه النشر الإسلامىّ قم ، الطبعه الثانيه. 109 . فلاح السائل ونجاح المسائل فى عمل اليوم والليله ، لأبى القاسم علىّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه . ق) ، مكتب الإعلام الإسلامىّ قم ، الطبعه الأُولى 1419 ه .ق . 110 . قرب الإسناد ، لأبى العبّاس عبداللّه بن جعفر الحِمْيرىّ القمّىّ (ت بعد 430 ه . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام قم ، الطبعه الأُولى 1341 ه . ق. 111 . قصص الأنبياء ، لأبى الحسين سعيد بن عبد اللّه المعروف بقطب الدين الراوندىّ (ت 573 ه . ق) تحقيق : غلام رضا عرفانيان ، مجمع البحوث الإسلاميّه التابع لمؤسّسه الآستانه الرضويّه مشهد ، الطبعه الأُولى 1409 ه . ق. 112 . الكافى ، لأبى جعفر ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكلينيّالرازىّ(ت 329ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، دارالكتب الإسلاميّه طهران ، الطبعه الرابعه 1362 ه . ش . 113 . كامل الزيارات ، لأبى القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه (ت 763 ه . ق) ، تحقيق : عبدالحسين الأمينىّ التبريزىّ ، المطبعه المرتضويّه النجف الأشرف ، الطبعه الأُولى 5613 ه . ق. 114 . كشف الخفاء ومزيل الإلباس ، لأبى الفداء إسماعيل بن محمّد العجلونىّ (ت 2611 ه . ق) ، مكتبه دار التراث

العلميّه بيروت ، الطبعه الاُولى 1408 ه .ق . 115 . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، لأبى الحسن علىّ بن عيسى الإربلىّ (ت 876 ه . ق) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولىّ المحلاّتىّ ، دارالكتاب الإسلامىّ بيروت ، الطبعه الاُولى 0141 ه . ق. 116 . كشف المحجّه لثمره المهجه ، لأبى القاسم علىّ بن موسى الحلى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه . ق)، تحقيق: محمّد الحسّون ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، الطبعه الاُولى 1412 ه . ق.

.

117 . کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمّه الاثنی عشر ، لأبی القاسم علیّ بن محمّد بن علیّ الخزّاز القمّیّ (القرن الرابع) ، تحقیق : السیّد عبداللطیف الحسینیّ الکوه کمریّ، انتشارات بیدار قم ، سنه 0141 ه . ق. 118 . کمال الدین وتمام النعمه، لأبی جعفر محمّدبن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّیّ المعروف بالشیخ الصدوق (ت381ه . ق)، تحقیق : علی أکبر الغفّاریّ ، مؤسّسه النشر الإسلامیّ قم ، الطبعه الأُولی 5041 ه . ق. 119 . کنزالعمّال فی سنن الأقوال والأفعال ، لعلاء الدین علیّ المتّقیّ بن حسام الدین الهندیّ (ت 597 ه . ق)، تصحیح: صفوه السقّا ، مکتبه التراث الإسلامیّ بیروت، الطبعه الأُولی 1390 ه . ق . 120 . کنز الفوائد ، لأبی الفتح محمّد بن علیّ بن عثمان الکراجکیّ الطرابلسیّ (ت 944 ه . ق) ، إعداد : عبداللّه نعمه ، دارالذخائر قم ، الطبعه الأُولی 1041 ه . ق. 121 . کیمیای محبّت(یادنامه مرحوم شیخ رَجَبعلی خیّاط) ، محمّد محمّدی ری شهری ، دارالحدیث قم ، 1378 ه . ش . 122 . لسان العرب ، لأبی الفضل جمال الدین محمّدبن مکرم بن منظورالمصریّ (ت 711 ه . ق) ، دار صادر بیروت ، الطبعه الأُولی 1041 ه . ق. 123 . لسان المیزان ، لأبی الفضل أحمد بن علیّ بن حجر العسقلانی (ت 852 ه . ق) ، مؤسّسه الأعلمی بیروت ، الطبعه الثالثه 1406 ه . ق . 124 . المتحابّین فی اللّه ، لعبداللّه بن أحمد بن قدامه المقدسی (ت 742 ه . ق) ، تحقیق وتعلیق : مجدی السیّد إبراهیم ، مکتبه القرآن للطبع والنشر القاهره . 125 . المجازات النبویّه ، لأبی الحسن محمّد بن الحسین بن موسی الموسوی المعروف بالشریف الرضیّ (ت 406 ه . ق) ، تحقیق : طه محمّد الزینی ، مکتبه بصیرتی قم . 126 . مجمع البحرین ، لفخر الدین الطریحیّ (ت 5108 ه . ق) ، تحقیق : قسم الدراسات الإسلامیّه فی مؤسّسه البعثه قم ، الأُولی 1414 ه .ق . 127 . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، لنور الدین علیّ بن أبی بکر الهیثمیّ (ت 807 ه . ق) ، تحقیق : عبداللّه محمّد الدرویش ، دارالفکر بیروت ، الطبعه الأُولی 1241 ه . ق. 128 . المحاسن ، لأبی جعفر أحمد بن محمّد بن خالد البرقیّ (ت 280 ه . ق) ، تحقیق : السیّد مهدیّ الرجائیّ، المجمع العالمیّ لأهل البیت علیهم السلام قم ، الطبعه الأُولی 1341 ه . ق. 129 . المحجّه البیضاء فی تهذیب الإحیاء ، لمحمّد بن المرتضی المدعو بالمولی محسن الفیض الکاشانی (ت 1091 ه . ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، مؤسّسه النشر الإسلامی قم ، الطبعه الثانیّه . 130 . مختصر بصائر الدرجات ، للحسن بن سلیمان الحلّیّ (القرن التاسع) ، المطبعه الحیدریّه النجف الأشرف ، الطبعه الأُولی 1370 ه .ق . 131 . مرآه العقول

فى شرح أخبار آل الرسول ، للعلاّمه محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسىّ (ت 1111 ه . ق)، تحقيق : السيّد هاشم الرسولىّ المحلاّتىّ ، دارالكتب الإسلاميّه طهران ، الطبعه الثانيّه 1404 ه . ق. 132 . مسائل علىّ بن جعفر ومستدركاتها ، لأبى الحسن علىّ بن جعفر الحسينىّ العلوىّ الهاشمىّ العُريضىّ (ت 210 ه . ق) تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام قم ، المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام فى مشهد ، الطبعه الاُولى 1409 ه . ق.

.

133 . مساوی ء الأخلاق ومذمومها ، لأبی بکر محمّد بن جعفر بن سهل لاسامریّ الخرائطیّ (ت 327 ه . ق) ، تحقیق : مجدی السیّد إبراهیم ، مکتبه القرآن القاهره ، سنه 1409 . 134 . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، للحاج المیرزا حسین النوریّ (ت 1320 ه . ق) ، تحقیق ونشر: مؤسّسه آل البیت علیهم السلام قم ، الطبعه الأُولی 1407 ه . ق . 135 . المستدرک علی الصحیحین ، لأبی عبداللّه محمّد بن عبداللّه الحاکم النیسابوریّ (ت 504 ه . ق) ، تحقیق : مصطفی عبدالقادر عطا ، دار الکتب العلمیّه بیروت ، الطبعه الأُولی 1141 ه . ق. 136 . مسکّن الفؤاد عند فقد الأحبّه والأولاد ، للشیخ زین الدین بن علیّ بن أحمد الجبعی العاملی المعروف بالشهید الثانی (ت 965 ه . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام قم ، الطبعه الثالثه 1412 ه . ق. 137 . مسند أبی یعلی الموصلیّ ، لأبی یعلی أحمد بن علیّ بن المثنّی التمیمیّ الموصلیّ (ت 307ه . ق) ، تحقیق : إرشاد الحقّ الأثریّ ، دار القبله جدّه ، الطبعه الأُولی 0841 ه . ق. 138 . مسند أحمد ، لأحمد بن محمّد بن حنبل الشیبانیّ (ت 142 ه . ق) ، تحقیق : عبداللّه محمّد الدرویش ، دارالفکر بیروت ، الطبعه الأُولی 1141 ه . ق. 139 . مسند إسحاق بن راهویه ، لأبی یعقوب إسحاق بن إبراهیم الحنظلیّ المروزیّ (ت 238 ه . ق) ، تحقیق : عبدالغفور عبدالحقّ ، مکتبه الإیمان المدینه المنوّره ، الطبعه الأُولی 1241 ه . ق. 140 . مسند الإمام زید ، المنسوب إلی زید بن علیّ بن الحسین علیهماالسلام ، (ت 122 ه . ق) ، دار مکتبه الحیاه بیروت . 141 . مسند الشامیّین ، لأبی القاسم سلیمان بن أحمد بن أیّوب اللخمیّ الطبرانی (ت 360 ه . ق) ، تحقیق : حمدی عبدالمجید السلفی ، مؤسّسه الرساله بیروت ، الطبعه الأُولی 1409 ه . ق . 142 . مسند الشهاب ، لأبی عبداللّه محمّد بن سلامه القضاعیّ (ت 454 ه . ق) ، تحقیق : حمدی عبدالمجید السلفیّ ، مؤسّسه الرساله بیروت ، الطبعه الثانیه 0741 ه . ق. 143 . مسند أبی داود الطیالسی ، لسلیمان بن داود بن الجارود البصری المعروف بأبی داود الطیالسی (ت 204 ه . ق) ، دار المعرفه بیروت . 144 . مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، لأبی الفضل علیّ الطبرسیّ (القرن السابع) ، دارالکتب الإسلامیّه قم ، الطبعه الثانیه 5138 ه . ق. 145 . مصابیح القلوب ، لأبی سعید حسن بن حسین شیعی سبزواری (ت 757 ه . ق) ، تصحیح محمّد سپهری ، انتشارات بنیان طهران ، الطبعه الأُولی 1375 ه . ش . 146 . مصادقه الإخوان ، لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسّسه الإمام

المهدى (عج) قم ، الطبعه الاُولى 1410 ه . ق. 147 . مصباح الزائر ، لأبيالقاسم علىّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس(ت 664ه . ق)، تحقيق ونشر: مؤسّسه آل البيت عليهم السلام قم ، الطبعه الاُولى 1417 ه . ق .

.

148 . مصباح الشريعه ومفتاح الحقيقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، تأليف : عبدالرزّاق گيلانى ، مكتبه الصدوق طهران ، الطبعه الثالثه 1366 ه .ش . 149 . مصباح المتهجّد ، لأبى جعفر محمّد بن الحسن بن علىّ بن الحسن الطوسىّ (ت 046 ه . ق) ، تحقيق : على أصغر مرواريد ، مؤسّسه فقه الشيعه بيروت ، الطبعه الأُولى 1141 ه . ق. 150 . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعىّ ، لأبى العبّاس أحمد بن محمّد بن علىّ الفيّومى (ت 770 ه . ق)، مؤسّسه دار الهجره قم ، الطبعه الثانيه 1414 ه . ق. 151 . المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، لتقىّ الدين إبراهيم بن علىّ بن الحسن العاملى الكفعمى (ت 900 ه . ق)، تصحيح: الشيخ حسين الأعلمى ، مؤسّسه الأعلمى للمطبوعات بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه . ق . 152 . المصنّف فى الأحاديث والآثار ، لأبى بكر عبداللّه بن محمّد بن أبى شيبه العبسىّ الكوفىّ (ت 523 ه . ق) ، تحقيق : سعيد محمّد اللحّام ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1409 ه .ق . 153 . المصنّف لعبدالرزّاق ، لأبى بكر عبدالرزّاق بن همام الصنعانىّ (ت 211 ه . .ق) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، منشورات المجلسى العلمى الهند . 154 . مطالب السؤول فى مناقب آل الرسول ، لكمال الدين محمّد بن طلحه الشافعىّ (ت 654 ه . ق) ، النسخه المخطوطه فى مكتبه آيه اللّه المرعشىّ قم. 155 . المطالب العاليه بزوائد المسانيد الثمانيه، للحافظ أحمد بن علىّ العسقلانىّ المعروف بابن حجر(ت 852 ه . ق) ، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى . 156 . معانى الأخبار ، لأبى جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّىّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارىّ ، مؤسّسه النشر الإسلامىّ قم ، 1613 ه . ش . 157 . المعجم الأوسط ، لأبى القاسم سليمان بن أحمد اللخمىّ الطبرانىّ (ت 063 ه . ق) ، تحقيق : طارق بن عوض اللّه وعبدالمحسن بن إبراهيم الحسينىّ ، دار الحرمين القاهره ، 5141 ه . ق. 158 . المعجم الكبير ، لأبى القاسم سليمان بن أحمد اللخمىّ الطبرانىّ (ت 063 ه . ق) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفىّ، دار إحياءالتراث العربىّ بيروت ، الطبعه الثانيه 4041 ه . ق . 159 . المعجم الوسيط ، لمجمع اللغه العربيّه بالقاهره ، دار إحياء التراث العربىّ بيروت ، الطبعه الثانيه 1392 ه . ق. 160 . معدن الجواهر ورياضه الخواطر ، لأبى الفتح محمّد بن علىّ الكراجكى (ت 449 ه . ق) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينى ، المطبعه المرتضويّه طهران ، الطبعه الثانيه 1394 ه . ق. 161 . مقاتل الطالبيّين ، لأبى الفرج علىّ بن الحسين بن محمّد الإصبهانىّ (ت 563 ه . ق) ، تحقيق :

السيّد أحمد صقر ، منشورات الشريف الرضىّ قم ، الطبعه الاُولى 4141 ه . ق. 162 . مكارم الأخلاق ، لأبى علىّ نصر الحسن بن الفضل الطبرسىّ (ت 854 ه . ق) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، مؤسّسه النشر الإسلامىّ قم ، الطبعه الاُولى 4141 ه . ق.

.

163 . مناقب آل أبی طالب (المناقب لابن شهرآشوب) ، لأبی جعفر رشید الدین محمّد بن علیّ ابن شهر آشوب المازندرانیّ (ت 885 ه . ق) ، المطبعه العلمیّه قم. 164 . مناقب علیّبن أبی طالب علیه السلام (المناقب لابن المغازلیّ) ، لأبی الحسن علیّ بن محمّد بن محمّد الواسطیّ الشافعیّ المعروف بابن المغازلیّ (ت834 ه . ق)، إعداد: محمّد باقر البهبودیّ، المکتبه الإسلامیّه طهران، 1394 ه . ق . 165 . المناقب ، للموفّق بن أحمد البکریّ المکّی الحنفیّ الخوارزمیّ (568 ه . ق) تحقیق : مالک المحمودیّ ، مؤسّسه النشر الإسلامیّ قم ، الطبعه الثانیه 1414 ه . ق. 166 . المنجد فی اللغه ، لویس معلوف (معاصر) ، دارالمشرق بیروت ، الطبعه السادسه والعشرون 1973 م. 167 . منیه المرید فی أدب المفید والمستفید ، للشیخ زین الدین بن علیّ الجبعی العاملی المعروف بالشهید الثانی (ت 965 ه . ق) ، تحقیق : رضا المختاری ، مکتب الإعلام الإسلامی قم ، الطبعه الأُولی 1409 ه . ق . 168 . المواعظ العددیّه ، لمحمّد بن الحسن الحسینی (القرن الحادی عشر ه . ق) ، تحریر : المیرزا علی المشکینی الأردبیلی ، دار نشر الهادی قم ، الطبعه الخامسه 1414 ه . ق . 169 . الموطّأ ، لأبی عبداللّه مالک بن أنس الأصبحی (ت 179 ه . ق) ، تحقیق : محمّد فؤاد عبدالباقی ، دار إحیاء التراث العربی بیروت ، سنه 1406 ه .ق. 170 . مهج الدعوات و منهج العبادات ، لأبی القاسم علیّ بن موسی الحلّی المعروف بابن طاووس (ت 664 ه . ق) ، دارالذخائر قم ، الطبعه الأُولی 1411 ه . ق . 171 . المؤمن ، لأبی محمّد الحسین بن سعیدالکوفیّ الأهوازی (ت 250 ه . ق) ، تحقیق ونشر : مدرسه الإمام المهدیّ (عج) قم، 1411 ه . ق . 172 . نوادر الأُصول فی معرفه أحادیث الرسول ، لأبی عبداللّه محمّد بن علیّ المشهور بالحکیم الترمذی (ت 318 ه . ق) ، تحقیق : مصطفی عبدالقادر عطا ، دارالکتب العلمیّه بیروت ، الطبعه الأُولی 1413 ه . ق . 173 . نوادر الراوندیّ ، لفضل اللّه بن علیّ الحسینیّالراوندیّ (ت 735 ه . ق) ، المطبعه الحیدریّه النجف الأشرف ، الطبعه الأُولی 1370 ه . ق. 174 . النهایه فی غریب الحدیث والأثر ، لأبی السعادات مبارک بن مبارک الجزریّ المعروف بابن الأثیر (ت 606 ه . ق) ، تحقیق : طاهر أحمد الزاویّ ، مؤسّسه إسماعیلیان قم ، الطبعه الرابعه 7613 ه . ش. 175 . نهج البلاغه ، ما اختاره أبو الحسن الشریف الرضیّ محمّد بن الحسین بن موسی الموسویّ من کلام الإمام أمیرالمؤمنین علیه السلام(ت 604 ه . ق)، تحقیق: السیّد کاظم المحمّدیّ ومحمّد الدشتی، منشورات الإمام علیّ علیه السلام قم ، الطبعه الثانیه 9613 ه . ش.

فهرست تفصیلی

.

ص: 772

. .

ص: 773

. .

. .

ص: 775

. .

ص: 776

. .

ص: 777

..

ص: 778

. .

ص: 779

. .

ص: 780

. .

ص: 781

. .

ص: 782

. .

ص: 783

. .

ص: 784

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109